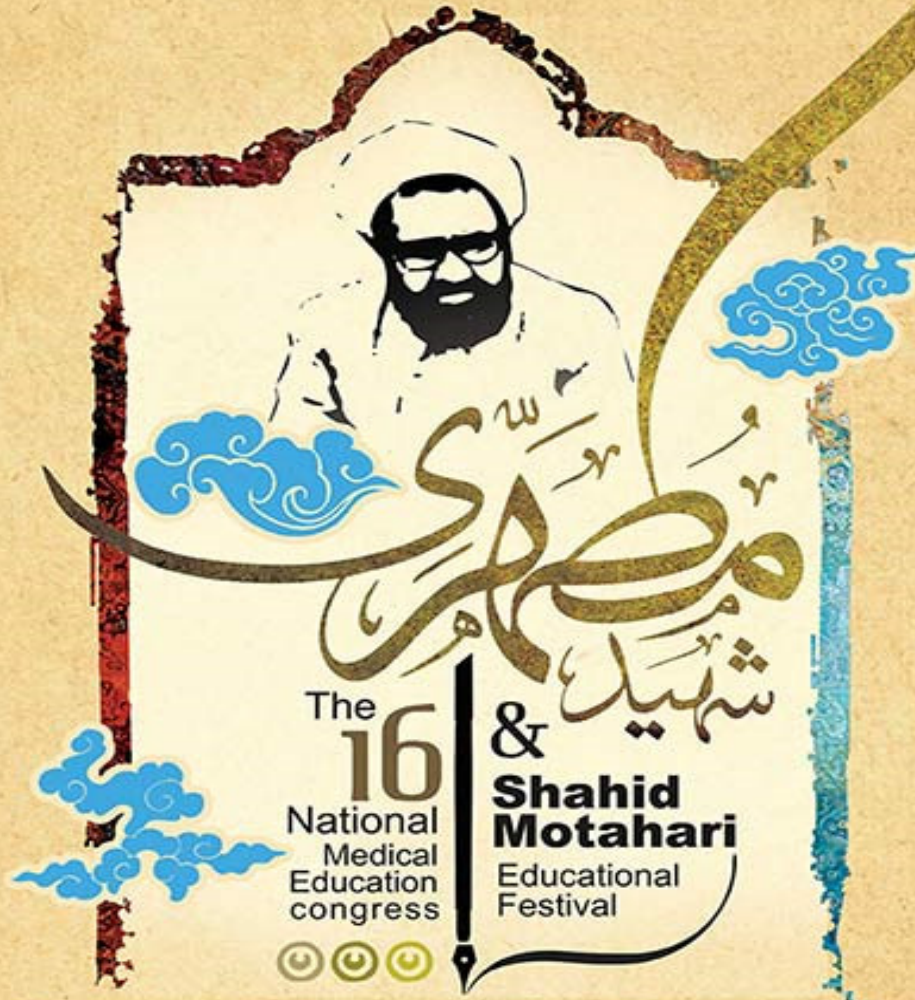




شانزدهمین همایش کشوری  
آموزش علوم پزشکی  
و جشنواره آموزشی



جایگاه و نقش آموزش در طرح تحول نظام سلامت

برگزار کننده:  
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - معاونت آموزشی  
با همکاری:  
انجمن علمی آموزش پزشکی ایران  
انجمن آموزش علوم پزشکی  
دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی کشور

۱۹ لغایت ۲۱  
اردیبهشت  
۱۳۹۴



محل: تهران - مجموعه سالن های همایش رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران

meduc.behdasht.gov.ir  
edc.behdasht.gov.ir



**@hpe24**

کانال آموزش پزشکی



## فهرست مطالب

پیام وزیر	۴
پیام معاون آموزشی	۵
پیام دبیر علمی	۶
پیام دبیر اجرایی	۷
مسئولین برگزاری همایش	۸
اعضای کمیته علمی ( به ترتیب حروف الفبا)	۸
اعضای کمیته داوری مقالات	۱۱
برنامه شانزدهمین همایش آموزش پزشکی	۱۳
چکیده مقالات پذیرفته شده بصورت سخنرانی	۱۷
چکیده مقالات پوستر	۱۱۳
فرایندهای برتر شانزدهمین همایش آموزش علوم پزشکی و جشنواره شهید مطهری	۲۲۵

## پیام وزیر



براساس الگوی ارائه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت، ایجاد منابع و از جمله تربیت نیروهای انسانی ماهر و متعهد در بخش سلامت یکی از وظایف چهارگانه نظام سلامت، محسوب می‌شود و این مهم، بر عهده معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌های علوم پزشکی گذاشته شده است. از آنجایی که عملکرد مطلوب نظام سلامت در تمام حوزه‌ها از قبیل خدمات بهداشتی و درمانی، پژوهش، مدیریت و رهبری و آموزش به طور مستقیم به دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های علوم پزشکی بستگی دارد، آموزش علوم پزشکی را می‌توان از وظایف کلیدی نظام سلامت نامید.

آموزش علوم پزشکی کشور در طی سه دهه گذشته، توسعه کمی قابل ملاحظه‌ای داشته است و از طریق گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی منجر به اعطای مدارک جدید و استفاده از حداکثر ظرفیت آموزشی، توانسته است کمبود ارائه‌کنندگان خدمات سلامت در سطح کشور را تا حد زیادی برطرف نماید؛ ولی برای توسعه کیفی آموزش پزشکی باید تلاش‌های آتی را سامان داد. از جمله چالش‌هایی که امروز آموزش پزشکی ما را متأثر کرده است می‌توان به ارائه قسمت عمده آموزش علوم پایه پزشکی به صورت سخنرانی در کلاس درس و به گونه‌ای ادغام نیافته اشاره کرد. آموزش نظری علوم بالینی با تأکید بر بیماری‌ها و به صورت سخنرانی در کلاس‌های درس بزرگ و آموزش تجربی علوم بالینی عمدتاً در بیمارستان‌های تخصصی و فوق تخصصی از دیگر چالش‌های این بخش می‌باشد. در این خصوص باید نظارت مرکزی بر اجرای برنامه در سطوح دانشکده‌های مختلف ارتقاء یابد و به مفاهیم بین‌رشته‌ای مانند مهارت‌های ارتباطی، اخلاق پزشکی، مفاهیم حرفه‌ای، اجتماعی، انسانی و قانونی بیشتر پرداخته شود.

تأکید زیادی بر طب درمانگر صورت می‌گیرد و باید به طب تسکینی و پیشگیرانه توجه بیشتری شود. به ارتباط و آموزش بین حرفه‌ای باید نگاه‌های جدیدی داشت؛ ارزشیابی دانشجویان باید از سطح محفوظات ذهنی فاصله گیرد و بر ارزیابی مهارت‌های عالی فکری، توانایی‌ها و عملکرد دانشجویان تأکید شود. آموزش تخصصی و فوق تخصصی از نظر کمی و کیفی، به گونه‌ای متناسب‌تر با آموزش عمومی رشد نماید و در این میان باید بر کیفیت آموزش ارائه شده توسط اعضای هیأت علمی تمرکز بیشتری نمود و این موضوع در فرآیند ارتقای آنان در نظر گرفته شود. این مشکلات لزوم یک تحول بنیادین و همه جانبه را در نظام آموزش عالی سلامت آشکار می‌سازد. انتظار می‌رود تا با توجه به حضور گسترده کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش در همایش کشوری آموزش پزشکی، این همایش به جایگاهی جهت بحث و تبادل نظر در مورد راهکارهای رفع این مشکلات تبدیل گردد.

وزیر!



## پیام معاون آموزشی



بخش عظیم پیامدها و دستاوردهای نظام سلامت در جمهوری اسلامی ایران را می توان مرهون زحمات بی دریغ اساتید دانشگاه های علوم پزشکی، مدیران و کارشناسان حوزه آموزش دانست. مع الوصف در ترسیم نقشه و افق آموزش پزشکی کشور سیاست ها و مداخلات صورت گرفته در طی سالهای گذشته انسجام بیشتری نیاز داشته است. شاید بتوان از مهمترین چالش های نظام آموزش علوم پزشکی کشور به مشکلات مرتبط با یکپارچه سازی مراجع سیاستگذار، و مدل سیاستی یکسان و هماهنگ، علاوه بر کمبود گروه ها و نهادهای تصمیم ساز در حوزه سیاستی دانست. در این بین با توجه به روند

پویا و مستمر نظام آموزش پزشکی، کارکردهای تنظیمی و حاکمیتی حوزه آموزش پزشکی، روز آمدی آهسته استانداردهای تنظیمی و روند کند نظام پایشی، و اعتباربخشی برنامه ها و مؤسسات سبب شده است که سیاست ها، قوانین و استانداردها با بهبود کمتری در رویکرد ارتقا کیفیت آموزش همراه باشد و در اجرایی شدن آنها با چالش روبرو شویم.

در حال حاضر نیز روند موجود در نظام آموزش پزشکی به سمت بهبود کمی و کیفی با هدف تامین سلامت پیش می رود، در نتیجه نقشه راه کلی آموزش بر اساس نیاز را با تمرکز بر اتخاذ یک رویکرد آینده نگر باید مدنظر قرار بگیرد.

با توجه به این چالش ها، تدوین برنامه ای جامع برای توسعه کمی و کیفی آموزش عالی سلامت در دستور کار معاونت آموزشی قرار گرفت و خوشبختانه این برنامه با جدیت و تلاش مدیران محترم حوزه تدوین شده و کلیات آن تصویب گردید. مهمترین محورهای این برنامه شامل موارد زیر می گردد:

- ۱- نهادینه سازی رویکرد آموزش پاسخگو در نظام سلامت
- ۲- گسترش عدالت در آموزش عالی سلامت
- ۳- توسعه دانش های نوین با تاکید بر حیطه های میان رشته ای و تمرکز بر علوم و فناوری های نوین
- ۴- حضور در عرصه های آموزشی منطقه ای و جهانی
- ۵- شبکه سازی در نظام آموزش عالی سلامت
- ۶- ساماندهی بیمارستانها و مراکز آموزشی درمانی
- ۷- نهادینه سازی اخلاق حرفه ای و مهارتهای ارتباطی
- ۸- بهره مندی از فناوری های نوین در آموزش عالی سلامت
- ۹- ارتقای منابع انسانی بخش آموزش عالی سلامت
- ۱۰- تمرکز زدایی در نظام آموزش عالی سلامت
- ۱۱- خلق ثروت دانش بنیان در عرصه آموزش عالی سلامت
- ۱۲- تولید و بومی سازی شواهد معتبر علمی برای ارتقای آموزش عالی سلامت (آموزش پژوهی)

در این میان همایش کشوری آموزش پزشکی و جشنواره آموزشی شهید مطهری فرصتی مغتنم را برای بحث و مذاقه و دستیابی به سازوکارهای تحقق و عملیاتی سازی این برنامه ها فراهم می آورد. امید است که با همکاری و مساعدت تمامی همکاران و دست اندرکاران دلسوز و متعهد حوزه آموزش پزشکی کشور، در آینده نزدیک شاهد تحولی بنیادین و تاثیرگذار در آموزش علوم پزشکی کشور باشیم. از تلاش همه همکاران خصوصا دبیر محترم علمی سمینار جناب آقای دکتر یزدانی و همکاران اجرایی این سمینار متشکرم.

## پیام دبیر علمی



نظام آموزش علوم پزشکی کشور در یک چشم انداز متعالی، باید براساس نیازهای جامعه، ترکیب تعداد و مشخصات ارائه کنندگان مورد نیاز سلامت رامشخص نماید وبر اساس توان وصلاحیت دانشگاههای علوم پزشکی، تربیت کنندگان خدمات سلامت را سفارش دهد. این نظام باید با وضع استانداردهای تنظیمی، حمایت از مؤسسات اعتباربخشی و با تکیه بر اهرم های کنترلی مانند تخصیص بودجه و منابع از کیفیت خدمات آموزشی ارایه شده اطمینان حاصل کند.

در بخشی دیگر از این چشم انداز، دانشگاه های علوم پزشکی، با آگاهی از نیازها، شرایط، الزامات و مقتضیات نظام سلامت از طریق ارایه برنامه های آموزشی دانشجو محور، مبتنی بر مسأله، ادغام یافته، جامعه نگر، انعطاف پذیر و نظام مند به تربیت دانشجویانی توانمند و اخلاق مدار می پردازند که پس از فارغ التحصیلی قادرند با کسب دانش، نگرش و توانایی های مورد نیاز با مسایل پیچیده نظام سلامت مواجه گشته و نقش های تعیین شده را به خوبی عهده دار شوند.

برای تحقق این چشم انداز باید تغییرات زیادی در حوزه آموزش علوم پزشکی رخ دهد. تقویت بدنه کارشناسی در معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، برقراری ارتباط شبکه ای با سایر کارشناسان و خبرگان کشور، بسترسازی جهت اتخاذ تصمیمات و سیاست های مبتنی بر شواهد و تمرکز فعالیت های سیاستگذاری، نظارت و مدیریت راهبردی و احتراز از فعالیت های اجرایی در معاونت آموزشی وزارت بهداشت از مهمترین این تغییرات محسوب می گردد. امید است که در سایه عنایات حضرت حق و تمهیدات صورت گرفته در دبیرخانه دائمی همایش های آموزش پزشکی و جشنواره آموزشی شهید مطهری، این همایش آموزش پزشکی فرصت مناسبی را برای تعامل، برقراری ارتباط، و شبکه سازی دست اندرکاران حوزه آموزش علوم پزشکی کشور مهیا سازد.

**دکتر شرام یزدانی**

**دبیر علمی همایش**

## پیام دبیر اجرایی



همایش آموزش پزشکی کشور یکی از بزرگترین محافل علمی کشور است که از همه رشته های علوم پزشکی در آن شرکت می کنند.

فرصتهای متنوع آموزشی، گروههای مخاطب از رشته ها و سطوح مختلف و ارائه آخرین دست آوردهای حوزه آموزشی علوم پزشکی کشور از جمله ویژگیهای این رخداد ویژه می باشد. جشنواره شهید مطهری نیز از رویدادهای نادر در آموزش علوم پزشکی است که برترین فرایندهای آموزشی کشور در آن به نمایش در می آید.

این مجموعه منحصر به فرد تعهدی سنگین بر دوش ما می گذارد که لازم است در برگزاری هرچه شایسته تر آن تلاش وافر نمائیم.

امیدواریم ضمن کسب رضایت خدای متعال، توانسته باشیم نظرات اساتید محترم شرکت کننده را در این خصوص جلب نموده و ایشان نیز تلاش ما را بزرگوارانه نگریسته و کاستی های آن را بر ما ببخشند.

**دکتر ابراهیم کلانتر**

**دبیر اجرایی همایش**



## مسئولین برگزاری همایش

دکتر حسن هاشمی ( وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی )

- رئیس همایش: دکتر باقر لاریجانی
- دبیر علمی: دکتر شهرام یزدانی
- دبیر اجرایی: دکتر ابراهیم کلانتر

## اعضای کمیته علمی ( به ترتیب حروف الفبا )

ردیف	نام	نام خانوادگی	سمت
۱.	دکتر شهرام	اجتماعی مهر	رئیس مرکز خدمات آموزشی وزارت بهداشت
۲.	دکتر سلیمان	احمدی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی
۳.	دکتر امیر احمد	اخوان	معاون اجرایی معاونت آموزشی وزارت بهداشت
۴.	دکتر علیرضا	استقامتی	دبیر کمیسیون انجمن های علمی گروه علوم پزشکی
۵.	دکتر رضا	افشاری	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۶.	دکتر حمید	اکبری	قائم مقام معاون آموزشی وزارت بهداشت
۷.	دکتر سید اسماعیل	اکبری	رئیس انجمن علمی آموزش پزشکی ایران
۸.	دکتر حسن	امامی رضوی	قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی
۹.	دکتر میترا	امینی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۱۰.	دکتر علی	بیداری	مدیرکل آموزش مداوم جامعه پزشکی
۱۱.	دکتر پروین	پاسالار	مدیر امور نخبگان و دانشجویان استعداد درخشان
۱۲.	دکتر محمد حسین	پورکاظمی	رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی
۱۳.	دکتر علی	جعفریان	رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۴.	دکتر محمد	جلیلی	معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۵.	دکتر مهستی	جویباری	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان
۱۶.	دکتر ایمان	جهانپان	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۱۷.	دکتر طاهره	چنگیز	معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
۱۸.	دکتر علی	حائری	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی
۱۹.	دکتر جمشید	حاجتی	دبیر شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی
۲۰.	دکتر غلامرضا	حسن زاده	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۲۱.	دکتر فخرالسادات	حسینی	معاون مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۲۲.	دکتر سیدعلی	حسینی	رئیس مرکز امور هیات علمی وزارت بهداشت
۲۳.	دکتر فریبا	حقانی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان





ردیف	نام	نام خانوادگی	سمت
۲۴.	دکتر علی اکبر	حقدوست	رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان
۲۵.	دکتر آبتین	حیدرزاده	معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گیلان
۲۶.	دکتر احمد	خالق نژاد طبری	دبیر شورای گسترش دانشگاه های علوم پزشکی
۲۷.	دکتر محمدرضا	دهقانی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۲۸.	دکتر سید محسن	رحیمی	رئیس ستاد شاهد و ایثارگر وزارت بهداشت
۲۹.	دکتر سید منصور	رضوی	دبیر شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی
۳۰.	دکتر یداله	زارع زاده	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم کردستان
۳۱.	دکتر مهرناز	زارعی	دانشجوی دکترای آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۳۲.	دکتر جواد	سرآبادانی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۳۳.	دکتر کامران	سلطانی عربشاهی	معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران
۳۴.	دکتر مهدی	سیاح	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز
۳۵.	دکتر علی	شبستانی منفرد	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۳۶.	دکتر فروزان	شکوه	عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۳۷.	دکتر علی	شکیبی	رئیس دانشکده پزشکی کرمان
۳۸.	فرنگیس	شوقی شفق آریا	معاون مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۳۹.	دکتر محمد حسن	شیخها	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی یزد
۴۰.	دکتر امیر	صادقی	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان
۴۱.	دکتر سید محسن	ضیائی	رئیس سازمان جمعیت هلال احمر
۴۲.	دکتر سعید	عسکری	دبیر شورای آموزش دندانپزشکی و تخصصی
۴۳.	دکتر مهستی	علیزاده	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۴۴.	دکتر بهرام	عین اللهی	رئیس انجمن آموزش علوم پزشکی
۴۵.	دکتر جواد	کجوری	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۴۶.	دکتر ابراهیم	کلاتر	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۴۷.	دکتر حسن ابوالقاسم	گرچی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران
۴۸.	دکتر باقر	لاریجانی	معاون آموزشی وزارت بهداشت
۴۹.	دکتر رضا	لباف قاسمی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۵۰.	دکتر آئین	محمدی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۵۱.	دکتر عباس	مکارم	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۵۲.	دکتر رضا	ملک زاده	معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت



ردیف	نام	نام خانوادگی	سمت
۵۳	دکتر الهه	ملکان راد	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۵۴	دکتر نادر	ممتازمنش	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۵۵	محمدرضا	منصوریان	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۵۶	دکترعظیم	میرزازاده	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۵۷	دکتر عباسعلی	نوریان	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان
۵۸	دکتر حسن	هاشمی	وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۵۹	دکتر سید مجتبی	یاسینی اردکانی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی یزد
۶۰	دکتر شهرام	یزدانی	رئیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۶۱	دکتر مینو	یغمائی	عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۶۲	دکتر نیکو	یمانی	مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



### اعضای کمیته داوری مقالات

ردیف	نام	نام خانوادگی
۱.	دکتر سلیمان	احمدی
۲.	دکتر حمید	اکبری
۳.	مریم	اکبری لاکه
۴.	دکتر میترا	امینی
۵.	دکتر حمیدرضا	برادران عطار مقدم
۶.	دکتر کامبیز	بهادینی
۷.	دکتر لیلی	پناهنده
۸.	دکتر بهروز	پور آقا
۹.	دکتر لیلا مهستی	جویباری
۱۰.	دکتر ایمان	جهانبیان
۱۱.	دکتر علی	حائری
۱۲.	دکتر جمشید	حاجتی
۱۳.	دکتر غلامرضا	حسن زاده
۱۴.	دکتر فخرالسادات	حسینی
۱۵.	دکتر محمد علی	حسینی
۱۶.	دکتر فریبا	حقانی
۱۷.	محبوبه	خباز مافی نژاد
۱۸.	دکتر پیام	خزائلی
۱۹.	مجتبی	خواجه آزاد
۲۰.	هلن	درگاهی
۲۱.	مرضیه	دشتی رحمت آبادی
۲۲.	دکتر محمدرضا	دهقانی
۲۳.	دکتر رضا	دهنویه
۲۴.	دکتر یداله	زارع زاده
۲۵.	دکتر مهروز	زارعی
۲۶.	دکتر جواد	سرآبادانی
۲۷.	دکتر علی	شبستانی منفرد
۲۸.	مجید	شفیعیان
۲۹.	مهسا	شکور
۳۰.	دکتر فروزان	شکوه
۳۱.	فرنگیس	شوقی شفق آریا
۳۲.	دکتر محمد حسن	شیخها
۳۳.	دکتر آناهیتا	صادقی
۳۴.	دکتر امیر	صادقی



ردیف	نام	نام خانوادگی
۳۵	شهنام	صدیق معروفی
۳۶	دکتر مهدی	طیبی آراسته
۳۷	دکتر فرشید	عابدی
۳۸	مریم	علیزاده
۳۹	دکتر مهستی	علیزاده
۴۰	دکتر لادن	فتی
۴۱	دکتر جواد	کجوری
۴۲	آزاده	کردستانی مقدم
۴۳	دکتر ابراهیم	کلانتر
۴۴	دکتر جلیل	کوهپایه زاده
۴۵	نوشین	کهن
۴۶	مهروز	گرانمایه
۴۷	دکتر رقیه	گندمکار
۴۸	دکتر رضا	لباف قاسمی
۴۹	دکتر آئین	محمدی
۵۰	دکتر مژگان	محمدی مهر
۵۱	سارا	مرتاض هجری
۵۲	رسول	معصومی
۵۳	محمدرضا	منصوریان
۵۴	دکتر محمد حسین	مهرالحسنی
۵۵	دکتر فخرالسادات	میرحسینی
۵۶	صدیقه	نجفی پور
۵۷	دکتر محمد	نوری سپهر
۵۸	دکتر عباسعلی	نوریان
۵۹	دکتر امیرعباس	واعظی
۶۰	اکرم	هاشمی
۶۱	دکتر سیدمجتبی	یاسینی اردکانی
۶۲	دکتر مینو	یغمائی
۶۳	دکتر نیکو	یمانی



## برنامه شانزدهمین همایش آموزش پزشکی

روز اول: شنبه ۱۹ اردیبهشت

مکان	موضوع	زمان
سالن اصلی	افتتاحیه شانزدهمین همایش آموزش علوم پزشکی و جشنواره آموزشی شهید مطهری تلاوت آیاتی از قرآن مجید و بخش سرود جمهوری اسلامی	۸:۳۰-۹:۰۰
	خیر مقدم و ارائه گزارشی از شانزدهمین همایش و جشنواره آموزشی شهید مطهری توسط دبیر علمی جناب آقای دکتر یزدانی	۹:۰۰ - ۹:۳۰
	بیان اولویت ها و سیاست های حوزه آموزش توسط معاون آموزشی جناب آقای دکتر لاریجانی	۹:۳۰-۱۰
	بیان اهمیت آموزش علوم پزشکی در طرح تحول نظام سلامت توسط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جناب آقای دکتر هاشمی	۱۰-۱۰:۳۰
پذیرائی		۱۰:۳۰-۱۱
سالن های فرعی	کارگاه های آموزشی	۱۱:۰۰-۱۷:۰۰



## روز دوم: یکشنبه ۲۰ اردیبهشت

مکان	مجری /مجریان	موضوع	زمان		
سالن پذیرایی		صبحانه کاری	۷:۰۰-۷:۵۵		
		تلاوت آیانی از قرآن مجید	۸:۰۰-۸:۰۵		
هیات رئیسه : جناب آقایان دکتر حقدوست، دکتر حریرچی، دکتر ملک زاده، دکتر خالق نژاد، دکتر میر جلیلی، دکتر دارابی					
سالن اصلی	جناب آقای دکتر شهرام یزدانی	سخنرانی کلیدی ۱: عدالت در آموزش علوم پزشکی	۸:۰۵-۸:۴۰		
	جناب آقای دکتر کامران سلطانی عربشاهی	سخنرانی کلیدی ۲: آموزش مبتنی بر صلاحیت	۸:۴۵-۹:۱۵		
	جناب آقای دکتر عظیم میرزازاده	سخنرانی کلیدی ۳: اصلاحات و تحولات برنامه های آموزشی: رویکردهای نوین در ایران و جهان	۹:۲۰-۱۰:۰۰		
استراحت و پذیرایی			۱۰:۰۰-۱۰:۳۰		
سالن اصلی	جناب آقایان دکتر باقر لاریجانی، دکتر آقاجانی دکتر ضیایی، دکتر ایمانیه، دکتر جعفریان، دکتر امامی رضوی	پانل ۱: طرح تحول نظام سلامت در بخش آموزش: از نظر تا عمل	۱۰:۳۰-۱۱:۴۵		
	جناب آقایان دکتر کامران سلطانی عربشاهی، دکتر آبتین حیدرزاده و سرکار خانم ها دکتر طاهره چنگیز، دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر فروزان شکوه	پانل ۲: مدیریت برنامه درسی: چالشها و راهکارها	۱۱:۴۵-۱۳:۰۰		
اقامه ی نماز و صرف ناهار			۱۳:۰۰-۱۴:۰۰		
ارائه جلسات پوستر	ارائه گزارشات پایان نامه های دکتری	کلینیک مشاوره آموزش	ارائه سخنرانی های کوتاه	ارائه فرایندهای برتر جشنواره	۱۴:۰۰-۱۷:۰۰
بازدید از پارک آب و آتش، طالقانی و پل طبیعت			بعد از ظهر		



روز سوم: دوشنبه ۲۱ اردیبهشت

مکان	مجری / مجریان	موضوع	زمان				
سالن پذیرایی		صبحانه کاری	۷:۵۵-۷:۰۰				
		تلاوت آیانی از قرآن مجید	۸:۰۵-۸:۰۰				
هیات رئیسه: جناب آقایان دکتر استقامتی، دکتر بیداری، دکتر رضوی، دکتر حاجتی، دکتر صدوقی							
سالن اصلی	جناب آقای دکتر بداله زارع زاده	سخنرانی کلیدی ۴: اخلاق و رفتار حرفه ای	۸:۰۵-۸:۳۰				
	سرکار خانم دکتر طاهره چنگیز	سخنرانی کلیدی ۵: آموزش پزشک عمومی - پزشک خانواده	۸:۳۰-۸:۵۵				
ارائه فرایندهای برتر جشنواره	ارائه جلسات بوستر	ارائه سخنرانی های کوتاه	کلینیک مشاوره آموزش	ارائه گزارشات پایان نامه های دکتری	پانل ۴: حمایت دانشجویی دکتر پروین پاسالار و دکتر مهران زارعی دکتر داوود آبادی فراهانی، دکتر ابراهیم کلانتر، دکتر پیوندی، دکتر شهرام اجتماعی مهر	پانل ۳: اخلاق و رفتار حرفه ای: مسئولیت با کیست و کجا می رویم؟ جناب آقایان دکتر تابعی، دکتر محمد اسماعیل اکبری، دکتر پارساپور، دکتر شمسی، سرکار خانمها دکتر افشار دکتر فریبا اصغری	۹:۰۰-۱۰:۳۰
					پانل ۶: ظرفیت مازاد، شهریه دانشجو و یادگیری، جناب آقایان دکتر فضلی، دکتر محمدزاده، دکتر طبیبی، دکتر حاجی میر اسماعیل، دکتر عسگری، دکتر یاسینی	پانل ۵: دانش پژوهی آموزشی: مبانی و شواهد آموزشی: جناب آقایان دکتر نادر ممتازمنش، دکتر جلیلی، دکتر جواد کجوری، دکتر سید علی حسینی، سرکار خانمها دکتر الهه ملکان راد، دکتر نیکو بمانی	۱۰:۳۰-۱۲
اختتامیه و اعطای جوایز به برترین های آموزشی			۱۳:۰۰-۱۲:۰۰				
اقامه ی نماز و صرف ناهار			۱۴:۰۰-۱۳:۰۰				



# چکیده مقالات





## چکیده مقالات پذیرفته شده بصورت سخنرانی

کد: ۱۰۱۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به

خودکارآمدی پژوهشی

نویسندگان: سعیده دریازاده، جلیل کوهپایه زاده،

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی، پژوهش، دانشجوی

متن مقاله: مقدمه: باورهای پژوهشی دانشجویان تأثیر مهمی در انجام یا اجتناب از تحقیق دارد. هدف این مطالعه مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی نسبت به خودکارآمدی پژوهشی بود. روش ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۲ در ۱۴۰ نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. حجم نمونه بوسیله مطالعه مقدماتی و محاسبه واریانس نمونه تعیین شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه خودایفا و استاندارد شده خودکارآمدی پژوهشی بود. تجزیه تحلیل آماری داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۷ و آزمون آماری T مستقل برای مقایسه ۷ آیتم در پرسشنامه خودکارآمدی پژوهشی شامل موارد آماری و تحلیلی، مفهوم پردازی، روش و اجرا، پژوهش کیفی، گزارش نویسی، مهارت ها و تبحرها و اخلاق در دانشجویان ذکر شده انجام گردید. نتایج: اختلاف معنی داری در مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در مقیاس‌های خودکارآمدی آماری و تحلیلی، مفهوم پردازی، روش و اجرا، پژوهش کیفی، گزارش نویسی و مهارت ها و تبحرها مشاهده شد ( $p=0/008$ ,  $p=0/000$ ). ولی اختلاف معنی داری در مقیاس اخلاق در آنها مشاهده نشد ( $p=0/176$ ). نتیجه گیری: دانشجویان دکترای تخصصی در مقایسه با دانشجویان کارشناسی ارشد دیدگاه مثبت تری نسبت به خودکارآمدی پژوهشی داشتند.

کد: ۱۰۱۲

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی تأثیر دوره ی کارورزی بخش اورژانس بر عملکرد

بالینی کارورزان پزشکی با آزمون DOPS

نویسندگان: جلیل کوهپایه زاده، پیمان حافظی مقدم، حسین

دانش، زهرا ایمانی زاده، سعیده دریازاده،

کلیدواژه‌ها: DOPS، ارزشیابی، عملکرد بالینی، اورژانس، کارورزان

پزشکی

متن مقاله: سابقه و اهداف: ارزشیابی مهارت های بالینی، کارهای روزمره ی یک پزشک در محیط کار را بررسی می کند. برای ارزیابی رویه های بالینی، از مشاهده مستقیم مهارتهای پروسیجرال یا آزمون داپس (DOPS) استفاده می شود. هدف از این بررسی، تعیین تأثیر دوره ی کارورزی بخش اورژانس بر عملکرد بالینی کارورزان پزشکی و عوامل موثر بر آن با استفاده از این آزمون بود. روش بررسی: این مطالعه به صورت نیمه تجربی بود و از تمام کارورزان بخش اورژانس، دو بار در ابتدا و انتهای دوره، آزمون داپس گرفته شد و ارزیاب با توجه به چک لیست به عملکرد کارورزان نمره می داد. نمرات آزمون ها با استفاده از آزمون Wilcoxon با یکدیگر مقایسه شد. یافته ها: در مجموع ۷۶ شرکت کننده توانستند آزمون های اول و دوم را به انجام برسانند. میانگین نمرات آزمون داپس از ۱۲/۴ با انحراف معیار ۱/۵۹ تا ۱۳/۶ با انحراف معیار ۱/۲۸ رسید و ۱/۲۵ نمره افزایش یافت ( $P=0/000$ ). نتیجه گیری: آزمون داپس نشان داد که عملکرد بالینی کارورزان طی گذراندن یک ماه دوره ی اورژانس به طور معنی داری افزایش یافته است، بنابراین بررسی متغیرهای موثر در ارتقای شایستگی های بالینی پزشکان آینده بسیار مفید به نظر می رسد.

کد: ۱۰۲۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان آمادگی خودراهبری در یادگیری و فاکتورهای

مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

نویسندگان: فاطمه زائرثابت

کلیدواژه‌ها: یادگیری، دانشجویان، آموزش پزشکی، آموزش

برنامه‌ای

متن مقاله: مقدمه: در دهه های اخیر باتوجه به تغییرات شگرف علمی، گستردگی وسیع علوم و فنون و ضرورت ارتقاء و به روزرسانی دانش و مهارت‌های انسان‌ها، ارتقاء مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر بعنوان یکی از اهداف اولیه تعلیمات بزرگسالی تعیین شده است. حال برای داشتن عملکرد موثر، نیازمند سرمایه کافی اجتماعی و مهارت‌های لازم خواهیم بود که از جمله این مهارت‌ها، یادگیری خودراهبراست. هدف این مطالعه بررسی عوامل همراه با



میزان آمادگی خودراهبری در یادگیری در دانشجویان رشته های پزشکی و دندانپزشکی برحسب ویژگی های فردی و اجتماعی بود. روش ها: این مطالعه به روش توصیفی-مقطعی انجام شد. جامعه پژوهش ۲۱۴ دانشجوی رشته پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. داده های پژوهش با استفاده از پرسشنامه آمادگی خودراهبری در یادگیری Gugilmin جمع آوری شدند. این پرسشنامه دارای هشت حیطه حاوی ۵۸ گویه با طیف پنج درجه ای لیکرت بود. روایی و پایایی این مقیاس در مطالعه نادی در ایران تایید شده بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری توصیفی و استنباطی مانند میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی اسپیرمن با اطمینان ۹۵ درصد و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: نتایج نشان داد که ۴۲ درصد واحدهای مورد پژوهش میزان آمادگی خودراهبری در یادگیری در حد متوسط داشتند. نتایج رگرسیون نشان داد که میزان ساعت مطالعه درسی روزانه بین ۳ تا ۴ ساعت ( $p=0/006$ )، روش تدریس مورد علاقه بحث گروهی ( $p=0/18$ ) و همچنین میزان تحصیلات مادر در حد دیپلم و فوق دیپلم ( $p=0/006$ ) و در حد سیکل ( $p=0/41$ )، از عوامل پیش بینی کننده آمادگی خودراهبری در یادگیری بودند. نتیجه گیری: باتوجه به اینکه یافته ها بیانگر خودراهبری در یادگیری متوسط در دانشجویان بود. لذا توصیه می گردد برنامه ریزی مدونی جهت ارتقاء وضعیت این مهارت در دانشجویان از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی و گنجاندن اصول و مبانی و انتخاب روش های تدریس متناسب با خودیادگیری در دوره های درسی دانشجویان در دانشگاه برگزار گردد.

کد: ۱۰۲۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: رهبری برنامه درسی در دوره تحصیلات تکمیلی: فاصله

وضع موجود با مطلوب

نویسندگان: مریم آویژگان، ابراهیم میرشاه جعفری، احمدرضا نصر،

طاهره چنگیز

کلیدواژه ها: رهبری برنامه درسی، تحصیلات تکمیلی، وضع موجود،

وضع مطلوب

متن مقاله: مقدمه: شناسایی نقاط قوت و ضعف یکی از روش های کارآمد تعیین وضعیت موجود است و اولویت بندی اقدامات بر اساس فاصله وضع موجود و مطلوب، لازمه برنامه ریزی کوتاه مدت

و درازمدت در گروه های آموزشی و دانشکده ها برای ارتقای کمی و کیفی در آنهاست. هدف از این مطالعه، بررسی وضع موجود و مطلوب رهبری برنامه درسی در دانشکده ها و گروه های آموزشی ارائه دهنده تحصیلات تکمیلی و تعیین اولویت ها برای اصلاح و بازنگری بود. روش ها: مطالعه توصیفی مقطعی بر روی اعضای هیات علمی دو دانشگاه تیپ یک در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ انجام شد. برای نمونه گیری با استفاده از جدول گرجسی و مورگان، تعداد ۲۶۹ نفر بطور تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه ای محقق ساخته و خودایفا شامل ۵۵ گویه بود که در چهار حیطه (تدوین و بازنگری برنامه درسی، اجرای برنامه درسی، نظارت و ارزیابی برنامه درسی و ارتقای جو آموزشی) طبقه بندی و با مقیاس لیکرت پنج گزینه ای نمره گذاری شد. اعتبار از طریق اعتبار صوری و محتوایی (با نظر متخصصین) و پایایی نیز از طریق همسانی درونی (۹۶/۹) بررسی گردید. داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و استنباطی در نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: با وجود فاصله منفی در همه ابعاد، بیشترین فاصله منفی به ترتیب مربوط به ابعاد ارتقای جو آموزشی ( $-1/7$ )، تدوین برنامه درسی ( $-1/7$ )، اجرای برنامه درسی ( $-1/52$ ) و کمترین میزان فاصله منفی مربوط به بعد نظارت و ارزیابی برنامه درسی ( $-1/41$ ) بود. با وجود فاصله منفی در همه نقش ها، بیشترین فاصله منفی مربوط به نقش «توجه به نیازها و انتظارات جامعه و بازار کار» از بعد تدوین و بازنگری برنامه درسی با میزان فاصله ( $-2/41$ ) و کمترین فاصله مربوط به نقش «نظارت بر اجرای تغییرات مصوب برنامه درسی» مربوط به بعد نظارت و ارزیابی برنامه درسی با میزان فاصله ( $-1/02$ ) بود. نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که از دیدگاه اعضای هیات علمی، بین وضع موجود و وضع مطلوب رهبری برنامه درسی، فاصله منفی وجود دارد. این ارزیابی منفی در همه ابعاد چهارگانه و تمامی نقش ها مشاهده گردید که نشان دهنده نارضایتی اعضای هیات علمی از وضع موجود است و اینکه رهبری برنامه درسی در دانشگاه ها، دانشکده ها و گروه های آموزشی مورد مطالعه در همه ابعاد نیازمند ارتقا و بهبود است. از جمله نقاط قوت این مطالعه، بکر بودن این عرصه در ایران، بررسی نظرات اساتیدی که تجربه، توانایی، سابقه، علاقه و تخصص در موضوعات برنامه درسی و بازنگری ها و راه اندازی و نوآوری در برنامه درسی داشته اند، جامعه آماری آن یعنی، اساتید دو دانشگاه به عنوان دو نماینده از دانشگاه های تیپ یک در دو وزارت علوم و بهداشت، محوریت پژوهش بر تحصیلات تکمیلی در راستای شفاف



validated by the experts and piloted with a group of learners having the similar characteristics as the subjects in the main study. The results of  $t = -15.09$  indicated that the participants in the study had higher scores in their posttest than in the pretest at a significant level ( $p < 0.05$ ).

کد: ۱۰۳۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی مقایسه ای تاثیر آموزش به روش خودیادگیری و کلاسیک بر میزان دانش و عملکرد پرستاران بیمارستان شفا سمنان با موضوع کاربری الکتروشوک بای فیزیک زول- سال

۱۳۹۲

نویسندگان: فریده سالار

کلیدواژه‌ها: خودیادگیری، آموزش کلاسیک، الکتروشوک

متن مقاله عوامل متعددی در اثربخشی تدریس و تحقق یادگیری دخیلند که یکی از آنها روشهای تدریس می باشد. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر آموزش به روش خودیادگیری و کلاسیک بر میزان دانش و عملکرد پرستاران با موضوع کاربری الکتروشوک انجام گردید. روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه تجربی کارآزمایی بالینی تصادفی متقاطع است. ۹۲ نفر از پرستاران به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شده و آزمون pre-test انجام گردید. گروه A در دوره آموزشی یکروزه کاربری دستگاه الکتروشوک به روش کلاسیک شرکت کردند. در دسترس گروه B مانوال کمپانی و CD آموزشی کاربری دستگاه الکتروشوک به مدت یک هفته جهت خودیادگیری قرار گرفت. از گروهها بعد از یک هفته آزمون post-test اول گرفته شد. سپس افراد وارد دوره ۱۴ روزه (Wash out) می شدند. پس از اتمام فاصله زمانی آموزش دو گروه جابجا شده و post-test دوم انجام گردید. این آزمون ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جهت تعیین سطح دانش و چک لیست محقق ساخته جهت تعیین سطح عملکرد بعمل آمد. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۹) تایید گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS ۱۷، آزمون t مستقل و t زوجی استفاده گردید. یافته ها: میانگین نمره دانش پرستاران گروه A  $13/96 \pm 7/2$  و در گروه B  $10/81 \pm 8/39$  بود که از لحاظ آماری معنی دار بود ( $p = 0/01$ ). میانگین نمره عملکرد پرستاران گروه A  $83/63 \pm 5/56$  و در گروه B  $75/74 \pm 19/84$  بود که از لحاظ آماری معنی دار بود. ( $p = 0/01$ ) نتیجه گیری: می توان از روش خود یاد گیری به عنوان

سازی اهمیت آن به عنوان قلمرویی که شایسته توجه و سرمایه گذاری روزافزون است، می باشد. نوآوری این مطالعه، اول اینکه ابزاری طراحی شده که به تلفیق دو بعد رهبری و برنامه درسی پرداخته است. دوم اینکه ابزار به گونه ای طراحی شده است که هم در دانشگاه های وزارت علوم و هم وزارت بهداشت مورد استفاده باشد. همچنین با در نظر گرفتن دو جنبه وضع موجود و وضع مطلوب امکان بررسی فاصله و دادن وزن متفاوت به نقش ها و حیطه های مختلف پرسشنامه را امکان پذیر ساخته است. چهارم اینکه حیطه جو آموزشی در این مطالعه نسبت به مطالعات دیگر پررنگ تر دیده شده و دارای نقش های بیشتر نسبت به مطالعات دیگر است.

کد: ۱۰۳۰

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: آموزش درس زبان انگلیسی تخصصی پزشکی در قالب ترکیبی و مبتنی بر مهارت  
نویسندگان: جعفر عسگری آرانی،

Keywords: Students of Medicine, Skill-based, Blended Learning, English for Medical Purposes

Background: Medical English has been enjoying a good deal of popularity among doctors and medical students having an extraordinary effect on their competencies. This article proposes the use of a competency-based approach in a Blended-Learning English for Medical Purposes (EMP) course design for the students of medicine. The objectives of the study were to investigate the medical English needs of the students of medicine, to develop a Blended-Learning competency-based EMP course module for the students of medicine, and to examine the opinions of students toward the course module. Method & Materials: The study was a descriptive and experimental research. The course was taught using Drupal Platform and Web 2.0 tools as supplement to traditional face-to-face classroom. EMP needs were analyzed by interviewing 45 key students and a questionnaire survey with 140 students of medicine. The qualitative data from the interview were analyzed by content analysis while the quantitative data from the questionnaire survey were analyzed using descriptive statistics (mean, percentage, and standard deviation). For course evaluation, the pretest and posttest score were analyzed by comparing the mean scores of the pretest and posttest using t-test. Findings: The Blended Learning course module was



روشی اثر بخش در آموزش پرستاران شاغل بهره گرفت.

کد: ۱۰۳۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: دیدگاه دانشجویان، فارغ التحصیلان و اعضای هیئت علمی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در مورد لزوم ایجاد تغییرات در سرفصل دروس پرستاری بهداشت جامعه

نویسندگان: محمدرضا مصطفائی

کلیدواژه‌ها: سرفصل درس بهداشت جامعه، کارآموزی عرصه بهداشت، دانشجویان، فارغ التحصیلان، هیئت علمی  
متن مقاله: یکی از ابعاد رشته پرستاری بعد جامعه نگر این رشته می باشد که تلفیق آن با بهداشت جامعه می تواند در کارآمدی و ارتقاء کیفی و کمی زندگی احاد جامعه از نظر روانی و جسمی قابل اهمیت و تاثیر بسزایی داشته باشد. ارتقاء دانش و فن آوری به موازات تغییر نیازهای جامعه، ضرورت تغییر در نظام آموزشی را می طلبد. این مطالعه یک تحقیق توصیفی بوده و جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان پرستاری، اساتید و فارغ التحصیلان پرستاری می باشد. روش جمع آوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته بود که با استفاده از سرفصل دروس کارآموزی و کارورزی و دروس تئوری بهداشت جامعه ۱ و ۲ و ۳ تنظیم و تهیه شد. سپس توسط نمونه ها تکمیل شد و داده ها وارد نرم افزار SPSS ۱۶ و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی و مورد آنالیز قرار گرفت. نتایج: تعداد ۷۸ دانشجو، ۹ تن از اساتید و ۱۹ نفر از فارغ التحصیلان جمعاً ۱۰۶ نفر در این مطالعه شرکت نمودند. میانگین نمرات کسب شده واحد های تئوری کسب شده در محتوا، زمان و کاربرد به ترتیب  $11/31 \pm 4/17$  و  $9/62 \pm 4/64$  و  $10/60 \pm 4/65$  و میانگین نمرات کسب شده برای دروس کارآموزی و کارورزی بهداشت جامعه برای آنان به ترتیب  $2/56 \pm 1/68$  و  $2/39 \pm 1/74$  و  $2/87 \pm 1/71$  بود نتیجه گیری: براساس یافته های بدست آمده اساتید و مربیان معتقد بودند که سرفصل دروس در راستای اولویت های بهداشتی قرار دارد ولی دانشجویان و فارغ التحصیلان در مورد دروس کارآموزی نیاز به بازنگری را ضروری می دانستند.

کد: ۱۰۴۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تأثیر آموزش مبتنی بر شواهد بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

نویسندگان: مهدیه پودینه مقدم، حسین شهدادی، مریم جهانتیغ حقیقی، فهیمه شجاعی شاد، خدیجه مقدم، صغری پودینه مقدم، کلیدواژه‌ها: آموزش مبتنی بر شواهد، تفکر انتقادی، پرستاری  
متن مقاله: آموزش پرستاری وظیفه آماده سازی دانش آموختگان با کفایتی را بر عهده دارد که بتوانند در محیط در حال تغییر جامعه و بالین، نیازهای مددجویان را تشخیص داده و در پرتو استفاده از بهترین شواهد علمی، مناسب ترین مراقبت ها را ارائه دهند. آموزش مبتنی بر شواهد باهدف استفاده جدی، صریح، عقلانی از بهترین شواهد رایج به منظور تصمیم گیری در آموزش رشته پرستاری مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر شواهد بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری انجام شد. روش: این پژوهش به صورت نیمه تجربی قبل و بعد از مداخله بر روی تمامی ۴۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری سال سوم و چهارم دانشگاه علوم پزشکی زابل که به صورت سرشماری انتخاب شده بودند در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ۳۴ سؤالی تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب بود. برنامه آموزشی پرستاری مبتنی بر شواهد در قالب دو کارگاه برای افراد اجرا شد؛ پس از گذشت ۴۵ روز پرسشنامه تفکر انتقادی مجدداً تکمیل شد و اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۷ و آمار توصیفی و آمار استنباطی در سطح معنی داری ( $P \leq 0.05$ ) و ضریب اطمینان ۹۵٪ تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره کل تفکر انتقادی دانشجویان در قبل از مداخله از  $3/82 \pm 10/30$  به  $3/25 \pm 12/04$  بعد از مداخله ارتقاء پیدا کرده بود که براساس نتایج آزمون آماری t-paired معنی دار بود ( $p=0.01$ ). بررسی مؤلفه های تفکر انتقادی به طور جداگانه نشان داد که نمره مؤلفه های ارزشیابی، تجزیه و تحلیل، استنباط و استدلال قیاسی بعد از مداخله افزایش داشته است که تنها در مؤلفه ارزشیابی ( $p=0.03$ ) و استدلال قیاسی ( $p=0.01$ ) معنی دار بوده است. نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه به کارگیری روش مبتنی بر شواهد در آموزش پرستاری می تواند منجر به توسعه مهارت های تفکر انتقادی شود. از آنجایی که در روش مبتنی بر شواهد یادگیرنده نقش فعالی در یادگیری خود دارد بنابراین منجر به ارتقای تفکر در سطوح بالای یادگیری می شود و در تحول نظام سلامت نقش بسزایی دارد.

کد: ۱۰۴۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی دیدگاه کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه آزاد



اسلامی واحد قم در خصوص آموزش بالینی اثربخش ۱۳۹۲  
نویسندگان: سیامک محبی،  
کلیدواژه‌ها: آموزش بالینی اثربخش، دانشجو، پزشکی، محیط  
بالینی

متن مقاله: مقدمه: آموزش بالینی اثربخش از بخش‌های اساسی در آموزش پزشکی محسوب می‌شود. بررسی دیدگاه دانشجویان این عرصه، می‌تواند گام مؤثری در تدوین برنامه آموزش بالینی باشد. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان کارآموز و کارورز پزشکی در خصوص آموزش بالینی اثربخش صورت گرفته است. روش بررسی: در این مطالعه مقطعی کلیه دانشجویان کارآموز و کارورز دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (۱۴۰ نفر) شرکت کردند. داده‌ها توسط پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا در ۶ حیطه خصوصیات فردی فراگیر، مدرس بالینی، محیط بالینی، برنامه‌ریزی آموزشی، ارزشیابی بالینی و امکانات رفاهی بر اساس مقیاس نگرش سنج لیکرت گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS به صورت توصیفی و تحلیلی بیان گردید. یافته‌ها: در این مطالعه، حیطه مؤثر بر آموزش بالینی به ترتیب، مدرس بالینی، خصوصیات فردی فراگیر، برنامه‌ریزی آموزشی، ارزشیابی بالینی، محیط بالینی و امکانات رفاهی بودند. همچنین مهمترین عامل مؤثر بر آموزش بالینی در حیطه خصوصیات فراگیر، اعتماد به نفس، در حیطه مدرس بالینی، تعهد و مسؤولیت‌پذیری، در حیطه محیط بالینی، نگرش مثبت به آموزش دانشجو، در حیطه برنامه‌ریزی آموزشی، کیفیت آموزش دانشجو، در حیطه ارزشیابی بالینی، وجود نظام ارزشیابی بالینی مدون و در حیطه امکانات رفاهی، وجود اتاق معاینه به دست آمد. نتیجه‌گیری: دو حیطه مدرس بالینی و خصوصیات فردی فراگیر نسبت به سایر حیطه‌های دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. لذا توجه به تقویت مدرسان بالینی در خصوص آموزش اثربخش و نیز تقویت علاقه و اعتماد به نفس دانشجویان در عرصه آموزش بالینی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

کد: ۱۰۴۹

حیطه: روش‌های تدریس  
عنوان: مقایسه تاثیر آموزش به روش نقشه کشی مفهومی و متداول بر میزان خلاقیت دانشجویان پرستاری  
نویسندگان: معصومه دل آرام،  
کلیدواژه‌ها: نقشه کشی مفهومی، خلاقیت، دانشجویان پرستاری  
متن مقاله: سابقه و هدف: خلاقیت جزء ضروری مراقبت‌های

پرستاری است، لذا توسعه خلاقیت به عنوان یک اولویت در آموزش پرستاری مطرح است. این پژوهش با هدف مقایسه تاثیر آموزش به روش نقشه کشی مفهومی و متداول بر میزان خلاقیت دانشجویان پرستاری انجام شد. روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۷۰ نفر از دانشجویان ترم اول دانشکده پرستاری و مامایی تهران در مرکز مهارت‌های بالینی انجام شد. دانشجویان به روش تصادفی ساده به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند. محتوای آموزشی در گروه آزمون به روش نقشه کشی مفهومی و در گروه کنترل به روش متداول ارائه شد. جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه مشخصات فردی و آزمون خلاقیت در ابتدا و چهار هفته پس از آخرین جلسه آموزش انجام شد.

کد: ۱۰۵۹

حیطه: ارزشیابی دانشجو  
عنوان: طراحی و روان‌سنجی فهرست وارسی سنجش شایستگی بالینی دانشجویان پرستاری بهداشت روانی  
نویسندگان: جمیله محتشمی،  
کلیدواژه‌ها: طراحی و روان‌سنجی، روایی، پایایی، شایستگی بالینی، پرستاری بهداشت روانی، دانشجویان  
متن مقاله: مقدمه: از چالش‌های نظام آموزش علوم پزشکی، ارزشیابی شایستگی بالینی دانشجویان است. ارزشیابی دانشجویان در دوره‌های آموزش بالینی از اصول معینی تبعیت نمی‌کنند و معلوم نیست تا چه اندازه به اهداف آموزشی این دوره دست می‌یابند. بررسی‌های جامع پژوهشگران نشان می‌دهد که هیچگونه ابزار استاندارد مرتبط با ارزشیابی شایستگی بالینی دانشجویان پرستاری بهداشت روانی در داخل کشور طراحی نگردیده است. هدف از این مطالعه، طراحی و روان‌سنجی ابزار ارزشیابی شایستگی بالینی دانشجوی پرستاری بهداشت روانی بود. روش کار: این مطالعه با استفاده از رویکرد روش‌شناسی انجام شد. جامعه پژوهش، اعضای هیئت علمی، سرپرستاران و پرستاران بخش‌های روانپزشکی و دانشجویان کارشناسی ارشد با گرایش پرستاری بهداشت روانی و دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشکده‌های پرستاری و مامایی دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، بقیه‌الله، شیراز، قزوین، بوشهر و اراک بوده و روش نمونه‌گیری بر اساس معیارهای ورود، مبتنی بر هدف بوده است. حیطه‌های ابزار با استفاده از یافته‌های مرحله اول پژوهش (بخش کیفی)، همراه با مطالعات وسیع منابع معتبر علمی در این زمینه، طراحی گردید. پس از طراحی فهرست وارسی اولیه، مراحل



روانسنجی شامل تعیین روایی (روایی محتوا و صوری) و پایایی (همسانی درونی و همبستگی بین مشاهده کنندگان)، انجام شد. به منظور تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ از روش آمار توصیفی (فراوانی نسبی و میانگین ها) استفاده شد. نتایج: " فهرست واری سنجش شایستگی بالینی دانشجویان پرستاری بهداشت روانی" با تعداد ۷۳ عبارات طراحی گردید. ضریب نسبت روایی محتوا ۰/۸۳ و شاخص روایی محتوا ۰/۹۸ محاسبه گردید. سنجش پایایی با استفاده از همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) ۰/۹۸ و همبستگی بین مشاهده گران ۰/۷۰ محاسبه شد. نتیجه گیری: " فهرست واری سنجش شایستگی بالینی دانشجوی پرستاری بهداشت روانی" در دو حیطة کلی شایستگی های عمومی و اختصاصی با ۷۳ گویه طراحی گردید و به نظر می رسد ابزار مناسبی جهت ارزشیابی ابعاد مختلف شایستگی بالینی دانشجویان پرستاری بهداشت روانی باشد.

کد: ۱۰۶۲

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: طراحی الگوی اعتبارسنجی برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی کشور  
نویسندگان: شهلا علیاری، حسن ملکی، عباس عباسپور، مهرنوش پازارگادی،  
کلیدواژه‌ها: اعتبارسنجی، شاخص، برنامه درسی، پرستاری، طراحی الگو،

متن مقاله: سابقه و هدف: امروز دانشگاه ها و نیز جامعه نیاز به شناختی دقیق از وضع موجود هر دانشگاه و موسسه آموزشی و برنامه درسی آن دارند. اعتبارسنجی دانشگاهی به این نیاز پاسخ می دهد. لذا هدف این تحقیق طراحی الگوی اعتبارسنجی برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی کشور بود. مواد و روش ها: این تحقیق، مبتنی بر رویکرد چند روشی و ترکیبی (کمی و کیفی) صورت پذیرفت. بخش کمی، از نوع تحقیقات توصیفی- پیمایشی بود. تحقیق در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول، به منظور تعیین ملاک ها و شاخص های اعتبارسنجی برنامه، از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و در مرحله دوم، با توجه به تجارب کشورهای مختلف از جمله آمریکا، انگلیس، استرالیا، هند و مالزی و ویژگی ها و شرایط موجود در کشور الگوی پیشنهادی تدوین گردید. سپس به منظور تعیین مطلوبیت الگوی یاد شده و بومی سازی آن از خبرگان

برنامه درسی و پرستاری به شیوه دلفی در دو دور نظرخواهی به عمل آمد. نمونه آماری این مطالعه در مرحله اول تحقیق، شامل ۹۳ نفر از اعضاء هیات علمی گروه های پرستاری دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه های علوم پزشکی مستقر در شهر تهران بود که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی انتخاب شدند و در مرحله دوم ۳۸ نفر از صاحب نظران و متخصصان برنامه درسی و پرستاری بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب گردید. در این تحقیق، با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی از چند ابزار شامل فیش برداری، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های تحلیل توصیفی و استنباطی شامل: آزمون t و آزمون همبستگی استفاده گردید. یافته ها: در مرحله اول جهت اعتبارسنجی برنامه درسی کارشناسی پیوسته رشته پرستاری ۹ عامل، ۳۹ ملاک و ۱۴۳ شاخص تعیین شد. در مرحله دوم با توجه به تجارب جهانی و ویژگی ها و شرایط موجود در کشور الگوی پیشنهادی تدوین و با نظر خواهی از خبرگان برنامه درسی و پرستاری به شیوه دلفی بومی سازی شد. در نهایت، الگوی ارزشیابی کیفیت و اعتبارسنجی برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی کشور در ۸ مولفه شامل: فلسفه، ویژگی ها، اهداف، اصول، فرآیند اجرا، ساختار، الزامات کاربردی و عملیاتی کردن الگو و عوامل، ملاک ها و شاخص های ارزشیابی کیفیت و اعتبارسنجی برنامه درسی کارشناسی پیوسته رشته پرستاری، طراحی گردید. بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه، الگوی تدوین شده جهت اعتبارسنجی برنامه درسی کارشناسی پیوسته رشته پرستاری، دارای چند ویژگی می باشد که عبارتند از: کاربردی بودن و قابلیت اجرا داشتن، بومی بودن و بهره مندی از جنبه های مشترک فرآیند اعتبارسنجی برنامه آموزش کارشناسی پرستاری در تجارب بین المللی.

کد: ۱۰۶۵

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: تاثیر ارزیابی درونی گروه های آموزشی بر کیفیت آموزش از دیدگاه اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان  
نویسندگان: هوشنگ سندگل، سیامک سندگل،  
کلیدواژه‌ها: ارزیابی، ارزیابی درونی، کیفیت آموزشی، گروه های آموزشی

متن مقاله: این پژوهش با هدف شناسایی تاثیر ارزیابی درونی گروه های آموزشی بر کیفیت آموزش از دیدگاه اعضاء هیات



علمی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام شده است. جامعه آماری آن شامل کلیه اعضای هیات علمی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان که تعداد آنها ۲۹۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و به صورت تصادفی ۱۶۵ نفر تعیین شد. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که جهت روایی آن در اختیار چند نفر از اعضای هیات علمی قرار گرفت و سپس در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت که پس از حذف و اضافه شدن گزینه‌ها تعداد ۳۰ سؤال مورد تأیید قرار گرفت و به منظور سنجش پایایی تعداد ۳۰ نسخه از پرسشنامه به صورت آزمایشی در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت که پس از جمع آوری پرسشنامه و ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد. در این تحقیق از آزمونهای t، تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط جنسیت، سطح تحصیلی و سابقه خدمت و تاثیر آنها در ارزیابی درونی گروه های آموزشی بر کیفیت آموزش استفاده گردیده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در مورد دیدگاه شرکت کنندگان با توجه به سطح تحصیلی و سابقه خدمت نشان دهنده این است که در مورد سؤالی اول (اهداف آموزشی)، دوم (محتوی درسی)، سوم (روش تدریس)، چهارم (روش ارزشیابی) و پنجم (امکانات و تجهیزات آموزشی) و ششم (نقاط قوت و ضعف) بین دیدگاه شرکت کنندگان تفاوت معناداری مشاهده نمی شود. نتایج این پژوهش نشان داد که ارزیابی درونی گروه های آموزشی بر اهداف آموزشی، محتوی درسی، روش تدریس، روش ارزشیابی، امکانات و تجهیزات آموزشی و نقاط قوت و ضعف و به طور کلی کیفیت آموزش تاثیر دارد.

کد: ۱۰۶۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تعیین روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه سبکهای شنیداری (Listening Styles Profile- Revised (LSP- R) در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۲  
نویسندگان: زهرا فاتحی، حمیدرضا برادران، محمد اسدپور، کلیدواژه‌ها: روایی، پایایی، پروفایل سبکهای شنیداری، دانشجویان متن مقاله: مقدمه: یکی از فضاهای ارتباطی که باید در حرفه هایی که با ارائه مراقبتهای سلامتی بیمار سروکار دارند توسعه یابد، شنیداری است. زیرا شنیدن یکی از جنبه های اساسی انتقال دادن وظایف مراقبتهای بهداشتی به بیمار و خانواده اش است که اغلب این افراد در وضعیتهای تنش عاطفی و استرس قرار دارند. این

موضوع باعث ایجاد وضعیتهای گوناگون شنیداری شد که اهمیت جنبه هایی از سبکهای شنیدن را در بر دارد. پژوهش حاضر با هدف ترجمه، روایی و پایایی پروفایل سبکهای شنیداری در ایران انجام شد. مواد و روشها: این پژوهش از نوع روانسنجی توصیفی می باشد. پروفایل سبکهای شنیداری (LSP- R) با استفاده از روش بنویل ترجمه و بازترجمه شد. و سپس با استفاده از نظرات ۱۴ متخصص در مهارتهای ارتباطی، آموزش پزشکی، آموزش بهداشت، روانپزشک، پرستاری، اپیدمیولوژیست، روانشناس و پزشکان روایی محتوی و روایی صوری تعیین شد. سپس نسخه فارسی به صورت مطالعه پایلوت روی ۲۸ نفر از دانشجویان پزشکی و پرستاری که مشابه جمعیت مورد مطالعه بودند، توزیع شد و پایایی ثبات پرسش نامه از روش آزمون - آزمون مجدد با فاصله دو هفته و از روش ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بررسی شد. سپس نمونه ۲۴۰ نفر از جمعیت دانشجویان پزشکی و پرستاری که به روش تصادفی به صورت سهمیه ای انتخاب شدند و سپس پرسش نامه توزیع شد. روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی انجام شد. پایایی همسانی درونی از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. نتایج: در مرحله اعتباریابی محتوا، بر اساس نظر متخصصان در پروفایل سبکهای شنیداری اعمال شد. میانگین نسبت روایی محتوا ۰/۶۲ و شاخص محتوایی ۰/۸۴ محاسبه شد. ضریب آلفا برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ بود. نتایج بازآزمون نشان دهنده ثبات برای پروفایل سبکهای شنیداری بود. در روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، چرخش واریماکس ۵ فاکتور را با مقدار ایگن بیشتر از یک نشان داد که ۶۰ درصد واریانس را توضیح می داد. که ۱۹ آیتم با بار عاملی قابل قبول (بیشتر از ۰/۴) در زیر این ۵ عامل قرار گرفتند. تحلیل عاملی تأییدی مدل ۵ عاملی گویای برازش قابل قبولی است. در مرحله اعتمادیابی، همه ۵ عامل با گویه های مربوطه، ضریب پایایی مناسبی (برابر و بیشتر از ۰/۷) به دست آوردند. نتیجه گیری: پروفایل سبکهای شنیداری دارای روایی و پایایی بود. و قابل استفاده در پژوهش ها و فعالیت های مورد نظر می باشد. استفاده از این پرسشنامه در مطالعات با موضوعات مشابه، موجب سرعت بخشی به روند مطالعات و کاهش هزینه های تحقیق می شود.

کد: ۱۰۶۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مروری بر الگوی جدید طراحی آموزشی Isman



نویسندگان: حسین کریمی موقی، اکرم ژبانی فرد، کلیدواژه‌ها: مدل طراحی آموزشی، مدل Isman، یادگیری بلند مدت

متن مقاله: مقدمه: الگوهای طراحی آموزشی چهارچوبی برای ایجاد آموزش نظام‌مند فراهم می‌آورند. در چند دهه اخیر الگوهای متعددی ارائه شده است که هر کدام بر یکی از رویکردهای رفتارگرایی، ساختن گرایی و سازنده گرایی مبتنی بوده اند. اما یکی از جدیدترین الگوهای ارائه شده در این زمینه الگوی طراحی آموزشی Isman است که بنیاد نظری این الگو از دیدگاه رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی می‌باشد. هدف اصلی از الگوی طراحی آموزشی Isman چگونگی برنامه‌ریزی، توسعه، پیاده‌سازی، ارزشیابی و سازماندهی فعالیت‌های یادگیری کامل و موثر است به طوری که عملکرد شایسته توسط یادگیرندگان را تضمین خواهد کرد. لذا این پژوهش با هدف آشنایی پژوهشگران با الگوی طراحی آموزشی Isman انجام شده است. روش کار: برای رسیدن به هدف این پژوهش در منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای بررسی‌های مورد نظر صورت گرفت. مقالات و کتاب‌های که با موضوع ارتباط بیشتری داشتند، انتخاب و مطالب آن‌ها استخراج شد و در قالب مقاله مروری ارائه گردید. یافته‌ها: مدل Isman مبتنی بر یادگیری فعال می‌باشد. در طول فعالیت تدریس و یادگیری، یادگیرنده فعال است. مدل جدید، فرآیند برنامه ریزی سیستماتیک را در پنج گام و دوازده مرحله توصیف کرده است. عبارتند از: ۱. ورودی: اولین گام در مدل جدید ورودی است. مرحله ورودی پایه و اساس فعالیت‌های آموزشی برای یادگیری و تدریس است. طراح نیز ویژگی‌های یادگیرندگان را شناسایی می‌کند. ورودی گام مهمی در برنامه ریزی آموزشی است که خود شامل پنج مرحله می‌باشد: الف) شناسایی نیازها، ب) شناسایی محتوا، پ) شناسایی اهداف، ت) شناسایی روش‌های تدریس و ث) شناسایی رسانه‌های آموزشی ۲. فرایند: دومین گام در مدل جدید فرایند است. این گام خود شامل سه مرحله می‌باشد: الف) آزمون نمونه‌های اولیه، ب) طراحی مجدد، پ) فعالیت‌های تدریس ۳. خروجی: سومین گام در این مدل، خروجی است. این گام، شامل دو مرحله می‌باشد: الف) سنجش، ب) بازنگری آموزش. در این گام، طراح با استفاده از روش‌های سنجش تراکمی و تکوینی، اهداف و مقاصد آموزشی را بررسی می‌کند. طراح آموزشی در طی فرآیند طراحی آموزشی مشکلات را شناسایی و حل می‌کند و سپس آموزش را دوباره طراحی می‌کند. ۴. بازخورد: این گام شامل یک مرحله است الف) مرحله بازگشت به مرحله مرتبط. فرآیند

بازخورد شامل بازنگری آموزش براساس داده‌های جمع آوری شده در مرحله اجرا است. در صورتی که مشکلی در مرحله ورودی باشد طراحی آموزشی به مرحله ورودی بر می‌گردد و تغییرات را ایجاد می‌کند و فرآیند را از ورودی شروع می‌کند. ۵. یادگیری: الف) مرحله یادگیری بلند مدت بحث و نتیجه گیری: مدل Isman مبتنی بر یادگیری فعال می‌باشد. این فرآیند می‌تواند برای انواع روش‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه مدرسین می‌توانند با استفاده از این فرآیند، آموزش موثر را توسعه دهند و آموزش موثر، به یادگیرندگان جهت یادگیری بیشتر و حفظ دانش جدید در حافظه بلند مدت کمک می‌کند و باعث انگیزه در یادگیرندگان جهت شرکت در فعالیت‌های کلاسی می‌شود.

کد: ۱۰۷۰

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: تأثیر آموزش به روش بحث گروهی بر آگاهی دانشجویان

پرستاری در زمینه اخلاق حرفه‌ای

نویسندگان: فائزه جهان پور

کلیدواژه‌ها: کلید واژه: آموزش، اخلاق حرفه‌ای پرستاری، بحث

گروهی، دانشجویان پرستاری

متن مقاله: تأثیر آموزش به روش بحث گروهی بر آگاهی دانشجویان پرستاری در زمینه اخلاق حرفه‌ای ۱- دکتر فائزه جهان پور، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ۲- آرش خلیلی، کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج ۳- دکتر شهناز پولادی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر زمینه: رعایت اخلاق در همه مشاغل ضروری است اما در حرفه پرستاری ضرورت آن بیشتر احساس میشود زیرا که رفتار توأم با مسئولیت پرستاران با بیماران نقش مؤثری در بهبودی و بازگشت سلامتی بیماران دارد. آموزش این مهم باید از دوران دانشجویی آغاز گردد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر آموزش به روش بحث گروهی بر آموزش دانشجویان پرستاری در زمینه اخلاق حرفه‌ای است. روش انجام کار: این مطالعه از نوع نیمه تجربی دوگروهی قبل و بعد است که جامعه مورد مطالعه شامل دانشجویان پرستاری ترم ۶ و ۸ دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر است که در بحث گروهی دیدند. تعداد نمونه در گروه ۳۰ نفر بود. قبل از آزمون و دو پس آزمون یکی بلافاصله پس از آموزش و دیگری ۴ هفته بعد از آموزش به دانشجویان انجام شد. از تی تست جهت آنالیز داده‌ها استفاده گردید. یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از وجود تفاوت معنی دار در مقایسه پیش آزمون و





پس آزمون بحث گروهی ( $p=0/005$ ) بود. بین فاکتورهای دموگرافیک و میانگین نمره آگاهی ارتباط معنی دار آماری دیده نشد. نتیجه‌گیری: آموزش اخلاق به شیوه بحث گروهی در افزایش یادگیری دانشجویان از اخلاق حرفه ای پرستاری موثر بوده و به نظر می رسد با توجه به اینکه آموزش اخلاق در دوره کارشناسی پرستاری از ملزومات رشد حیطه اخلاقی پرستاری است بنابراین می توان از روش فوق برای آموزش اخلاق استفاده کرد. کلید واژه: آموزش، اخلاق حرفه ای پرستاری، بحث گروهی، دانشجویان پرستاری

نتیجه گیری: در صورت مطلوب بودن شرایط از نظر زمان و مکان و وجود وسایل کمک آموزشی و نیز جهت صرفه جویی در وقت (امکان دسترسی ۲۴ ساعته در تمامی روزهای هفته، انعطاف پذیری این روش، غیر وابسته بودن به زمان و مکان)، می توان برای برخی از دروس از این روش آموزشی نوین بهره برد. از طرفی با توجه به تاثیر نقش انگیزش، توانایی تحصیلی یادگیرندگان، توانایی استفاده از کامپیوتر توسط یادگیرندگان، و لزوم کاربرد همه‌ی امکانات آموزشی در محیط وب، پیشنهاد می شود مطالعاتی در این زمینه ها صورت گیرد.

کد: ۱۰۸۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی تاثیر آموزش اداره ی مصدومین پرتویی به روش مبتنی بر وب بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری  
نویسندگان: فائزه بنی یعقوبی  
کلیدواژه‌ها: اداره ی مصدومین پرتویی، آموزش، آموزش مبتنی بر وب، سطوح یادگیری، حیطه ی شناختی  
متن مقاله: مقدمه و هدف: با ظهور و گسترش اینترنت، این رسانه به عنوان یک مکمل جهت تامین نیازهای اطلاعاتی و آموزش مورد استفاده قرار گرفته است. لذا این مطالعه به منظور بررسی تاثیر آموزش اداره ی مصدومین پرتویی به روش مبتنی بر وب بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری انجام شد. مواد و روش ها: این کارآزمایی بالینی تک گروهی در سال ۱۳۹۲ بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان پرستاری یکی از دانشکده ها ی پرستاری در شهر تهران که بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شده بود، انجام شد. انتخاب واحد های مورد پژوهش به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. نمونه ها تحت آموزش نحوه ی اداره ی مصدومین پرتویی به روش آموزش مبتنی بر وب قرار گرفتند. میزان تاثیر آموزش در سه سطح دانش، فهم و کاربرد در حیطه شناختی قبل، بلافاصله و یک ماه بعد از آموزش بررسی شد و داده‌ها با استفاده از آزمون آنوای اندازه های تکراری، تحلیل شد. نتایج: میانگین و انحراف معیار مجموع نمرات سطوح یادگیری (دانش، فهم و کاربرد) قبل و بلافاصله بعد از آموزش و ۴ هفته بعد به ترتیب  $18/57 \pm 3/308$ ،  $18/57 \pm 2/568$  و  $10/40 \pm 2/561$  بود. ( $p=0/001$ ). بین سه مرحله ی آزمون تفاوت آماری معنی دار وجود داشت. میانگین نمرات در مرحله ی پس آزمون سیر صعودی زیادی داشت اما در مرحله ی یادداری (۴ هفته بعد از آموزش) میانگین مجموع نمرات کاهش چشمگیری داشت. بحث و

کد: ۱۰۸۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: اثربخشی جلسات گزارش صبحگاهی بخش قلب در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱  
نویسندگان: محمد تقی شاکری، علی عمادزاده، علیرضا عبدالمهدی مقدم، عباس مکارم، فرزانه غریبی کانی پان،  
کلیدواژه‌ها: گزارش صبحگاهی، اثربخشی، کارورز، کار آموز  
متن مقاله: مقدمه: گزارش صبحگاهی به عنوان یکی از مهمترین روش های آموزشی در علوم پزشکی شناخته شده است. کارورزان و کار آموزان از مخاطبین این کنفرانس آموزشی پر کاربرد هستند و دستیابی به اهداف گزارش صبحگاهی برای این شرکت کنندگان تاثیر ارزشمندی در عملکرد بهتر پزشکان عمومی در آینده خواهد داشت. هدف از این مطالعه، بررسی اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران و بدون حضور آنان برای کارورزان و کارآموزان می باشد. روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی بر اساس نظرات ۸۵ نفر از کارورزان و کارآموزان بخش قلب بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که اعتبار آن با نظر متخصصین و پایایی آن به روش باز آزمایی تایید شد. داده ها با استفاده از آزمون های مجذور کای و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: این مطالعه بر روی ۴۵ نفر از کارورزان ۲۷ نفر (۶۰٪) از بیمارستان الف و ۱۸ نفر (۴۰٪) از بیمارستان ب و ۴۰ نفر از کارآموزان ۱۸ نفر (۴۵٪) از بیمارستان الف و ۲۲ نفر (۵۵٪) از بیمارستان ب انجام شد. اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران از نظر کارورزان و کارآموزان بیمارستان الف متوسط، اثر بخشی جلسات گزارش



صبحگاهی با حضور دستیاران در بیمارستان ب از نظر کارورزان متوسط و از نظر کارآموزان ضعیف بود. تفاوت معنا داری بین نظرات کارورزان بیمارستان های الف و ب درباره اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی طبق آزمون مجذور کای وجود نداشت ( $p=0.169$ ). اما نظرات کارآموزان بیمارستان های الف و ب تفاوت معنا دار داشت ( $p=0.000$ ). نظرات کارورزان و کارآموزان بیمارستان الف درباره اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران اختلاف معنی دار داشت ( $p=0.000$ ). نظرات کارورزان و کارآموزان بیمارستان ب درباره اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران تفاوت معنی داری نداشت ( $p=0.531$ ). بحث: در بررسی متون، تاکنون مطالعه ای با این موضوع جهت مقایسه نتایج؛ مشاهده نشده است. مطابق نظر کارورزان و کارآموزان بخش قلب بیمارستان الف اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران برای این دانشجویان متوسط می باشد و نظر کارورزان بخش قلب بیمارستان ب درباره اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران برای کارورزان نیز متوسط می باشد اما طبق نظر کارآموزان بخش قلب بیمارستان ب اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران برای کارآموزان ضعیف می باشد. پایین بودن مقطع تحصیلی کارورزان و کارآموزان نسبت به دستیاران و بالا بودن سطح مباحث در جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران، موجب کاهش میزان مشارکت و نقش کارورزان و کارآموزان و بالتبع کاهش آموزش و یادگیری این دانشجویان شده و نارضایتی آنها را به دنبال خواهد داشت. اما در جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران، موضوعات تخصصی که کارورزان و بخصوص کارآموزان اطلاعات زیادی درباره آنها ندارند؛ مورد بحث قرار نگرفته و محتوای جلسات تناسب بیشتری با دروس گذرانده شده آنها دارد. در نتیجه احساس ترس و اضطراب این گروه از دانشجویان که بخش مهمی از مخاطبین جلسات گزارش صبحگاهی هستند کاهش یافته و رضایت آنها بیشتر می شود. اختلاف نظر کارورزان و کارآموزان درباره اثر بخشی جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران بیمارستان الف فاحش می باشد. کارآموزان نشان دادند که نسبت به کارورزان بیشتر به اهداف آموزشی مورد انتظار از گزارش صبحگاهی دست می یابند.

عنوان: بررسی تاثیر کارگاه آموزشی دستیاران جدیدالورود<sup>۱</sup> آنچه که هر دستیار قبل از ورود به دوره دستیاری باید بداند<sup>۱</sup>  
نویسندگان: دیلی حاج حسنی  
کلیدواژه‌ها: کارگاه آموزشی، دستیاران جدید الورد  
متن مقاله: مقدمه: پیشرفت های چشمگیری که در زمینه آموزش پزشکی صورت گرفته است فرآیند آموزشی و ارزیابی دستیاران را دگرگون ساخته است. فرآیند آموزشی دستیاران از روش های سنتی که در آن فرآیند آموزش محصول را تعیین می کند به آموزش مبتنی بر پیامد تغییر یافته است بدان معنی که محصول و پیامد است که فرآیند آموزشی را تعریف و تعیین می کند. ضرورت برگزاری دوره ای برای ارتقای دستیاران و همچنین افزایش حس اعتماد به نفس در بین آنان قبل از ورود به دوره احساس می شود. ما نیز با مرور کوریکولوم و گایدلاینهای موجود، بر آن شدیم تا با طراحی و اجرا کارگاه چند روزه آموزش مهارت های بالینی گامی در جهت توسعه آموزش پزشکی برداریم. در روز برگزاری امتحان پیش دستیاری ثبت نام از حدود ۶۰ نفر از دستیاران صورت گرفت که با توجه به تمایل بیشتر برای شرکت در این دوره از حدود ۲۲ نفر دیگر نیز در فاصله زمانی بین برگزاری امتحان و شروع کارگاه ثبت نام به عمل آمد. زمان کارگاه به مدت ۷ روز تعیین گردید و در فاصله ی زمانی بین برگزاری امتحان پیش دستیاری و شروع روز اول دوره دستیاری برگزار شد. نتایج: در این بررسی تعداد کل دستیاران ۸۲ نفر بودند که ۴۰ نفر به پرسشنامه ها پاسخ دادند. ۷۲ درصد آنها نگرش کاملاً مثبتی به کارگاه داشتند و تمایل به شرکت در این کلاس ها را عالی و خوب اعلام کردند و بقیه متوسط و کم را انتخاب کردند. اما در بررسی میزان رضایت دستیاران، بر اساس نتایج تحلیل پرسشنامه رضایت سنجی، ۴٪ از دانشجویان این روش را عالی، ۶۴ درصد خوب و بقیه متوسط دانستند. هیچ یک میزان یادگیری خود را کم اعلام نکردند. بحث: در انطباق با راهبرد کلان ۷ در سند نقشه جامع علمی کشور بکارگیری و اجرای کارگاههای آموزشی برای دستیاران جدید الورد برای یادگیری بهتر به عنوان روشی خلاقانه در روش های آموزشی می تواند مطرح باشد.

—  
کد: ۱۱۱۵

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزشیابی برنامه های درسی دوره کارشناسی ارشد مجازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به روش کیفی  
نویسندگان: لیلیا بذرافکن، کریم عباسی،

—  
کد: ۱۰۹۸

حیطه: برنامه ریزی درسی



کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، ارزشیابی کیفیت، آموزش مجازی، کارشناسی ارشد

متن مقاله: مقدمه: امروزه دانشگاه‌ها و مؤسسات، به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین نمادها و شاخص‌های تعیین‌کننده در توسعه پایدار و نیز تربیت شهروندان فرهیخته، آگاه و متخصص ایفای نقش می‌کنند. با توجه به این نقش و اهمیت، بررسی و ارزیابی برنامه‌های درسی دانشگاهی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا کیفیت و جایگاه عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی در برنامه های درسی دوره کارشناسی ارشد مجازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد ارزشیابی قرار گیرد. رویکرد مطالعه کیفی و روش پژوهش از نوع ارزشیابی و مدل ارزشیابی، مدل خبرگی و نقادانه آیزنر است. در این مطالعه، نقش مؤلفه های استاد(مدرس)، دانشجو، روش تدریس، روش ارزشیابی، محتوا، محیط فیزیکی، قوانین و مقررات و زمان بندی به عنوان مؤلفه های هشت‌گانه برنامه درسی مورد بررسی قرار گرفته است. روش اجرا: این مطالعه به روش کیفی و با مشارکت ۶ تن از اساتید و ۸ تن از دانشجویان دوره مجازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شده است. نمونه‌گیری هدفمند بوده تا اطمینان از اشباع داده‌ها انجام گرفت. از ابزار مشاهده، مصاحبه، تحلیل محتوای دروس و گروه متمرکز استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش اشتراوس و کوربین استفاده شد. از چهار معیار گوبا و لینکلن برای تأیید صحت و درستی داده‌ها (اعتبار، تأییدپذیری، انتقال‌پذیری و قابلیت اطمینان)، استفاده شد. در میان انواع رویکردهای ارزشیابی، این مطالعه بر ارزشیابی از نوع انسان‌گرایانه و مبتنی بر شرایط طبیعی استوار بوده و از مدل ارزشیابی خبرگی و نقادانه آیزنر بهره‌گیری شده است. به کمک این مدل، به نقد مواردی مانند استاد(مدرس)، دانشجو، روش تدریس، روش ارزشیابی، محتوا، محیط فیزیکی، قوانین و مقررات و زمان بندی به عنوان مؤلفه های هشت‌گانه برنامه درسی پرداخته شده است. نتایج: یافته‌ها در خصوص ارزشیابی برنامه های درسی دوره کارشناسی ارشد مجازی، نشان دهنده عدم همسویی نگاه دانشجویان و مدرسین در اکثر موارد و وجود اختلاف نظر در پاره ای از موارد است. این عدم انسجام، در تعیین محتوای آموزشی، چگونگی کاربردی کردن آموزش پزشکی و آینده شغلی دانشجویان مجازی مشهود بود. راهکارهای اجرایی و عملی برای رفع مشکلات در هر یک از مؤلفه‌ها، با ذکر شواهد و مستندات ارائه شده است. بحث و نتیجه‌گیری: نتایج و یافته‌های به دست آمده از تحقیق نشان داد که کیفیت آموزشی دوره کارشناسی

ارشد مجازی آموزش پزشکی، از دیدگاه اساتید و دانشجویان تقریباً در حد مطلوب قرار دارد. اما کاستی‌هایی نیز در برنامه وجود دارد که، امر ضرورت انجام دادن تغییرات و اصلاحات لازم را در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد مجازی آموزش پزشکی خاطر نشان می‌سازد.

—  
کد: ۱۱۱۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: تاثیر دوره آموزشی، ترخیص با رضایت شخصی بر آگاهی پرستاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱ نویسنده‌گان: لیدا سلطانی، فریبا مظهری، مجید نوروزی بهجت، مجید کاظمی، احمدرضا صیادی، سید حمید سید باقری،

کلیدواژه‌ها: ترخیص با میل شخصی، آموزش، آگاهی، پرستار  
متن مقاله: مقدمه: یکی از مشکلات شایع در بیمارستانها ترخیص با رضایت شخصی می باشد. پرستاران به عنوان بزرگترین گروه از تیم سلامت نقش مهمی در انصراف بیمار از ترخیص با رضایت شخصی دارند. آگاهی از عوامل موثر بر رضایت شخصی می‌تواند باعث کاهش آن گردد لذا باید در جهت افزایش آگاهی پرستاران اقدام نمود. از این رو در این پژوهش تاثیر یک دوره آموزشی بر آگاهی پرستاران مورد بررسی قرار گرفت. مواد و روشها: در این مطالعه دو گروهی دومارحله‌ای نیمه تجربی تعداد ۱۳۵ نفر از پرستاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان شرکت داشتند که ۶۵ نفر ایشان در جلسه آموزشی به صورت گروهی و به روش سخنرانی به مدت ۴ ساعت شرکت کردند ولی گروه کنترل در هیچ برنامه ای شرکت نکردند. جهت سنجش آگاهی ایشان از پرسشنامه محقق ساخته که در دو مرحله، قبل از شروع آموزش و ۱۰ روز بعد از آموزش، توسط شرکت‌کنندگان تکمیل گردید استفاده شد. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و توزیع فراوانی و نمرات آگاهی نیز با آزمون آماری تی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج: تفاوت معنی داری بین دو گروه از نظر مشخصات دموگرافیکی سن، مدرک تحصیلی و وضعیت تاهل مشاهده نشد. در بررسی مقایسه میانگین نمرات آگاهی شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی میانگین نمرات قبل (۳۳/۲±۶/۱) کمتر از نمرات آگاهی بعد از آموزش (۳۹/۸±۵/۵) بود که آزمون آماری تی تفاوت معنی‌دار را نشان داد (p=۰/۰۰۱) و همچنین بین میانگین نمره بعد از آموزش در بین دو گروه آزمون و کنترل ارتباط معنی داری مشاهده شد (p=۰/۰۰۰) و نمرات آگاهی گروه کنترل قبل (۳۴/۶±۵/۱) و بعد از آموزش (۳۵/۲±۴/۵) تفاوت



معنی‌داری را نشان نداد ( $p=0/322$ ) از طرفی بین دو گروه قبل از مداخله نیز هیچ تفاوت معنی داری وجود نداشت. بحث ونتیجه گیری: ترخیص بارضایت شخصی مشکلی است که می‌توان با آموزش پرستاران و تاثیر بر آگاهی ایشان از میزان آن کاست که این می‌تواند یکی از راهکارهای اجرای بهتر حاکمیت بالینی و رضایتمندی بیشتر بیماران باشد.

کد: ۱۱۲۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر عملکرد پزشکان خانواده شاغل در دانشگاه علوم پزشکی لرستان  
نویسندگان: کورش ساکی، زهره نقوی، خاطره عنبری، محمد علی دریک

کلیدواژه‌ها: مهارت های ارتباطی، عملکرد، پزشک خانواده  
متن مقاله: مقدمه: چگونگی تعامل و ارتباط پزشک با بیمار نقش موثری در رضایتمندی بیمار، اثرات روانشناختی، هزینه‌های درمانی، نتایج درمان، کفایت بالینی پزشکان و حتی شکایت از پزشکان دارد. این مطالعه بمنظور بررسی تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی بر عملکرد پزشکان خانواده استان لرستان انجام گرفت. روش مطالعه: این مطالعه مداخله ای در سال ۱۳۹۲ بر روی پزشکان خانواده شاغل در دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد. ۷۷ پزشک خانواده شاغل در استان لرستان بطور تصادفی در دو گروه مداخله (۳۹ نفر) و کنترل (۳۸ نفر) قرار گرفتند. عملکرد پزشکان از طریق پرسشگری از بیماران آنها مورد ارزیابی قرار گرفت (تعداد ۴ بیمار از هر پزشک). در ابتدا با استفاده از پرسشنامه پایا و روا، عملکرد پزشکان هر دو گروه مداخله و کنترل مورد سنجش قرار گرفت. سپس گروه مداخله در کارگاه آموزشی دو روزه مهارت های ارتباطی شرکت کردند. چهارچوب ارائه مطالب در این کارگاه در قالب راهنمای کالگری- کمبریج بود. دو ماه بعد از آموزش عملکرد دو گروه مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصله با استفاده از نرم افزار- ۱۸spss و با استفاده از آزمون های  $t$  test، بررسی شدند و  $p < 0/05$  معنی دار تلقی گردید. یافته ها: مقایسه میانگین نمره عملکرد گروههای مداخله و کنترل قبل از انجام مداخله آموزشی تفاوت معناداری با هم نداشتند ( $p = 0/323$ ) ولی پس از مداخله آموزشی میانگین نمره گروه مداخله تفاوت معناداری با گروه کنترل داشت ( $p = 0/000$ ). میان جنس، سن و سابقه کار پزشکان با عملکرد آنها رابطه معکوس معنادار وجود داشت، بطوریکه بیماران عملکرد پزشکان

زن، پزشکان با سابقه کاری کمتر و جوان تر را مطلوب تر ارزیابی کردند. بحث و نتیجه گیری: آموزش مهارت های ارتباطی می تواند تاثیر قابل ملاحظه ای بر بهبود عملکرد پزشکان داشته باشد. با توجه به نقش مهم مهارت های ارتباطی پزشک- بیمار بر لزوم تدوین برنامه آموزشی مهارت های ارتباطی پزشک با بیمار در کوریکولوم دانشجویان رشته پزشکی تأکید می شود و استفاده از تکنیک های اثربخش در ارتقاء سطح آموزش این نوع مهارت ها ضروری شناخته می شود.

کد: ۱۱۲۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر عوامل انگیزشی درونی و بیرونی بر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی

نویسندگان: امیر صادقی، سیده آزاده صفوی،

کلیدواژه‌ها: انگیزش، رضایت شغلی، اعضای هیئت علمی

متن مقاله: تاثیر عوامل انگیزشی درونی و بیرونی بر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دکتر امیر صادقی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان دکتر سیده آزاده صفوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی گرایش آموزش، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان مقدمه و هدف: انگیزش به تمایل درونی افراد به کوشش و تلاش جهت تحقق اهداف یا ارضاء نیازها اشاره دارد. اعضای هیئت علمی بدلیل نقشی که در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بعهده دارند از ارکان اساسی این سازمانها بشمار میروند. تحقق بخش اعظم اهداف کلان دانشگاهها که تولید علم و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد به ارزشهای اجتماعی است برعهده اعضای هیئت علمی میباشد. این مهم زمانی میسر میگردد که دانشگاهها از اعضای هیئت علمی با انگیزه و دارای رضایت شغلی مطلوب برخوردار باشند. این مطالعه به هدف بررسی تاثیر عوامل انگیزشی درونی و بیرونی بر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان میپردازد. روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی در دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. نمونه پژوهش ۱۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی هفت دانشکده این دانشگاه بود که به روش تصادفی-طبقه ای از نوع نسبتی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه رضایت شغلی اسمیت، کندال و هیولین بود. پایایی این پرسشنامه از طریق مطالعه مقدماتی و محاسبه ضریب همسانی درونی (آلفای کرانباخ) مورد بررسی قرار گرفت که ضریب حاصله (۰.۹۰) بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه بود. یافته‌ها:



نتایج نشان داد که از مولفه های انگیزش درونی ماهیت شغل ( $M=29.14$ ,  $SD=4.43$ )، فرصتهای ارتقاء شغلی ( $M=28.48$ )، ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را کسب کردند. از مولفه های انگیزش بیرونی سرپرستی ( $M=28.26$ ,  $SD=6.43$ )، ارتباط با همکاران ( $M=27.30$ ,  $SD=5.35$ ) و حقوق ( $M=18.62$ )، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را کسب نمودند. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام نشان داد که از مولفه های انگیزش درونی، ماهیت شغل و فرصتهای ارتقاء شغلی و از مولفه های انگیزش بیرونی، حقوق پیش بینی کننده های معنی دار رضایت شغلی بودند ( $p=0.028$ )، این سه مولفه رویهمرفته ۵۱٪ واریانس رضایت شغلی را تبیین نمودند ( $R^2=0.51$ ). میزان بتای استاندارد شده برای سه مولفه فوق به ترتیب ۰.۴۵، ۰.۲۷ و ۰.۲۰ بود. بحث و نتیجه گیری: ماهیت شغل اعضای هیئت علمی و فرصتهایی که آنها برای ارتقاء شغلی دارند مهمترین عواملی بودند که اعضای هیئت علمی از آنها رضایت داشتند. کمترین رضایت مربوط به میزان مورد توجه قرار گرفتن توسط مدیران آموزشی بود. بیشترین نارضایتی از حقوق دریافتی بود. نتیجه جالب توجه این بود که حقوق ارتباط مستقیم و معنی داری با عوامل انگیزشی درونی داشت که با مفروضات تئوری هرزبرگ همخوانی ندارد. از نظر هرزبرگ حقوق یک عامل انگیزشی بیرونی است که سطح مطلوب آن از نارضایتی جلوگیری میکند ولی موجب رضایت شغلی نمیشود نتایج نشان داد حقوق پس از ماهیت شغل و فرصتهای ارتقاء شغلی سومین پیش بینی کننده رضایت شغلی اعضای هیئت علمی است. نتایج حاصل از این مطالعه میتواند توجه مدیران آموزشی را به اهمیت ماهیت شغل، ایجاد فرصتهای بیشتر ارتقاء حرفه ای و توجه به جایگاه اعضای هیئت علمی معطوف نماید. همچنین ضرورت دارد سیاستگذاران و متولیان تدوین خط مشی نحوه تعیین حقوق اعضای هیئت علمی تمهیدات لازم را در زمینه اصلاح خط مشی های مربوطه بیانندیشند.

کد: ۱۱۳۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رابطه عاداتهای مطالعه و موفقیت تحصیلی دانشجویان شرکت کننده در المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی در سال ۱۳۹۲  
نویسندگان: ترانه تهمتئی، دکتر سلیمان احمدی، دکتر سید جلیل

کوهپایه زاده، دکتر محمدعلی حسینی  
کلیدواژه‌ها: عادت مطالعه، موفقیت تحصیلی، المپیاد علمی، دانشجویان علوم پزشکی

متن مقاله: زمینه و هدف عادت های مطالعه یکی از عوامل تاثیر گذار در موفقیت تحصیلی است. سبک مطالعه فرد می تواند میزان یادگیری وی را تحت تاثیر قرار دهد. این پژوهش با هدف تعیین رابطه عاداتهای مطالعه و موفقیت تحصیلی دانشجویان شرکت کننده در المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی در سال ۱۳۹۲ انجام شده است. روش این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی تحلیلی است که به روش مقطعی و در جامعه دانشجویان شرکت کننده در پنجمین المپیاد دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۲ انجام گرفت. حجم نمونه معادل کل حجم جامعه و نمونه گیری از نوع تمام شماری بوده است. با عنایت به عدم تحویل همه پرسشنامه ها، تعداد ۲۷۸ نفر در مطالعه شرکت و داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه عاداتهای مطالعه PSSHI استفاده شد. در تحلیل داده‌ها از آزمونهای تی مستقل، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها میانگین سنی دانشجویان شرکت کننده در المپیاد  $24/36 \pm 2/4$  بود. ( $3/40$ ) از دانشجویان پسر و بوده و ( $5/65$ ) دانشجوی رشته پزشکی ( $4/28$ ) پیراپزشکی، ( $2/2$ ) دانشجوی رشته مدیریت، رشته داروسازی ( $3/6$ ) و ( $1/0$ ) دندانپزشکی بودند. نمرات به دست آمده به تفکیک حوزه های مربوط به عادت های مطالعه عبارت بودند از: تقسیم بندی زمان ۷ از ۱۰، شرایط فیزیکی ۷/۰۷ از ۱۲، توانایی خواندن ۹/۶۱ از ۱۶، یادداشت برداری ۳/۹۷ از ۶، انگیزش یادگیری ۸/۵۵ از ۱۲، حافظه ۴/۴۲ از ۸، امتحانات ۱۱/۸۳ از ۲۰، تندرستی ۳/۶۵ از ۶ و نمره کل ۵۶/۱۳ از ۹۰. آزمون تی مستقل نشان داد بین نمرات حوزه های مربوط به عادت های مطالعه و همچنین میانگین نمره کل عادات مطالعه دانشجویان دختر و پسر اختلاف معنی داری وجود ندارد ( $p=0/176$ ). نتیجه گیری بطور کلی در این مطالعه تفاوت چندانی بین روش های مختلف سبک‌ها و عادات مطالعه دیده نشد. لیکن عامل مطالعه تاثیر زیادی در موفقیت داشته است و دانشجویانی که از منابع الکترونیکی استفاده کرده بودند موفق تر عمل کرده بودند.

کد: ۱۱۴۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی مقایسه ای سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی



مورد اجرا با تاکید بر آموزش پاسخگو

نویسندگان: لقمان رضایی صوفی، سیده آزاده صوفی، محسن دالبند

کلیدواژه‌ها: برنامه های آموزشی، آموزش پاسخگو، دانشکده دندانپزشکی

متن مقاله: مقدمه و اهداف: ضرورت پاسخگویی برنامه‌های آموزشی به نیازهای جامعه در کنار توجه به نیازهای آموزشی دانشجویان در ارتقای پیامدهای نظام سلامت بدیهی به نظر می‌رسد. استراتژی پاسخ به جامعه برای هر برنامه آموزشی با تأثیر بر اجزاء کوریکولوم (اهداف، محتوای آموزشی، مدت آموزشی و امتحانات) عملیاتی می‌شود. در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی مقایسه ای سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی مورد اجرا از نظر انطباق اهداف و محتوای آموزشی آنها با نیازهای جامعه از دیدگاه ذینفعان (اعضای هیات علمی، دانشجویان و دانش آموختگان) در یازده گروه آموزشی پرداخته است. مواد و روش ها: پژوهش حاضر در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان صورت گرفت. از پرسشنامه، مشاهده، و بررسی مستندات به عنوان ابزار پژوهش استفاده گردید. در سال نخست اجرای پژوهش، بررسی اولیه به منظور آگاهی از وضعیت موجود و تعیین سطح مطلوبیت اهداف و محتوای برنامه های آموزشی به کمک یکسری «ملاک» صورت پذیرفت. سپس ارزیابی ملاک ها به کمک تعدادی «نشانگر» انجام شد. پس از جمع آوری اطلاعات، استخراج نتایج از جزئی ترین بخش آن یعنی نشانگر شروع گردید. هر نشانگر دارای سه سطح کیفی نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب و هر گروه آموزشی به صورت کیفی ارزیابی شوند، امتیاز عددی ملاک و حوزه آنها با طیف ۱ تا ۱/۶۶ (نامطلوب)، ۱/۶۷ تا ۲/۳۲ (نسبتاً مطلوب)، ۲/۳۳ تا ۳ (مطلوب) مطابقت داده شد. پس از اجرای یکسری مداخلات بهبود دهنده و بعد از گذشت دو سال، مجدداً سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی مورد اجرا تعیین و بررسی مقایسه ای بعمل آمد. یافته ها: نتایج حاصله از بررسی در سال اول پژوهش، سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی مورد اجرا در گروه های آموزشی را از دیدگاه ذینفعان (اعضای هیات علمی، دانشجویان و دانش آموختگان) نامطلوب و یا نسبتاً مطلوب نشان میداد و ضرورت تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرای یک مداخلات بهبود دهنده را تاکید می نمود. بعد از گذشت دو سال نتایج حاصل از پژوهش بعدی به منظور مقایسه سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی بیانگر اثربخشی نسبی مداخلات صورت گرفته

بود. به طوریکه در ارزیابی سطح مطلوبیت در سال نخست، گروه های یازده گانه آموزشی امتیازی بین ۱،۵۸ تا ۱،۹۲ را کسب نمودند در حالیکه با گذشت دو سال و انجام مداخلات، نتایج پژوهش حاکی از بهبود سطح مطلوبیت اهداف و نیز محتوای برنامه های آموزشی در پاسخگویی به نیاز جامعه (با افزایش امتیازی بین ۱،۸۱ تا ۲،۷۵) در تمامی گروه های آموزشی بود. نتیجه گیری: یکی از مهمترین رسالت های دانشگاه، ارتقای کیفیت برنامه های آموزشی به منظور افزایش پاسخ گویی به جامعه و ارتقای سطح علمی فارغ التحصیلان جهت انجام موثر تر وظایف شغلی آینده خود می باشد. ارزیابی سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی در پاسخگویی به نیازهای جامعه از دیدگاه ذینفعان (اعضای هیات علمی، دانشجویان و دانش آموختگان)، می تواند فرصت کافی جهت ارتقای سطح کیفی آموزش در راستای پاسخ گویی به جامعه را فراهم می آورد. در دانشکده دندانپزشکی بهبود سطح مطلوبیت برنامه های آموزشی پس از انجام مداخلات بیانگر تاثیر گذاری مداخلات انجام شده و تلاش دانشکده دندانپزشکی همدان در شناسایی نقاط ضعف و رفع کاستی های موجود بوده است. همچنین با توجه به ضرورت انجام و استمرار ارزشیابی برنامه های آموزشی به منظور پاسخگویی بیشتر به نیاز جامعه، استمرار مداخلات بهبود دهنده بر پایه نیازسنجی در دانشگاه ها تاکید می گردد.

—  
کد: ۱۱۶۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی مسائل و مشکلات دانشجویی و تأثیر آن بر افت تحصیلی دانشجویان موسسه آموزش عالی سلامت شهرستان قاین در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: علی دشتگرد

کلیدواژه‌ها: پیشرفت تحصیلی، مشکلات دانشجویی، افت تحصیلی  
متن مقاله: مقدمه و هدف: در جهان امروز با گسترش دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی بحث در مورد کیفیت آموزش اهمیت ویژه ای یافته و مسائل و مشکلات دانشجویی از موضوعات بسیار حیاتی است که تاثیر آن در مقوله کیفیت آموزش مطرح است لذا، این مطالعه با هدف تعیین مسائل و مشکلات دانشجویی و تأثیر آن بر افت تحصیلی دانشجویان موسسه آموزش عالی سلامت شهرستان قاین انجام گرفته است. روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است، که روی ۶۰ نفر از دانشجویان مرکز آموزش عالی سلامت قاین که افت تحصیلی داشته اند انجام شد.



جهت جمع آوری داده ها، از پرسشنامه ی چک لیست مشکلات مونی که ۷۶ سئوالی بود استفاده شد. پس از جمع آوری اطلاعات، داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: نتایج نشان داد، بین بعد عاطفی - شخصی با افت تحصیلی دانشجویان رابطه ی معنی داری وجود دارد. با استفاده از فرم ارزیابی تست مشکلات مونی، استفاده از شاخص های آماری به صورت نمره ی میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ مشخص گردید که دانشجویان در بعد عاطفی - شخصی با میانگین (۷۱/۴۰ درصد) بیشترین مشکلات را داشتند و در سایر ابعاد مشکلات به ترتیب خانوادگی (۳۴/۸۱ درصد)، برخورد نامناسب (۲۰/۸۰ درصد) تحصیلی (۲۰/۱۳ درصد) اقتصادی - محیطی (۱۶/۱۶ درصد) و ارتباطی (۱۴/۶۳ درصد) بودند. نتیجه گیری: دانشجویان به عنوان جزء اصلی سیستم آموزش عالی، دارای ویژگی های دموگرافیک و روان شناختی خاصی هستند پیشگیری از شکست تحصیلی و بروز آسیب ها ی روان شناختی نیازمند توجه نمودن به این ویژگی ها و دیگر عوامل موثر در فرایند یادگیری و عملکرد تحصیلی دانشجویان خواهد بود. و در این میان توجه به بعد عاطفی - شخصی می تواند تاثیر بسزایی در افت تحصیلی دانشجویان داشته باشد.

کد: ۱۱۷۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت آموزش بالینی در گزارش صبحگاهی از دیدگاه کارآموزان و کارورزان در بخش های داخلی و اطفال دانشگاه علوم پزشکی زنجان

نویسندگان: دکتر سعیده مظلوم زاده، دکتر عباسعلی نوریان، فریبا آربونی

کلیدواژه ها: اطفال، داخلی، گزارش صبحگاهی، آموزش بالینی،

وضعیت مطلوب

متن مقاله: مقدمه: گزارشات صبحگاهی یکی از کاربردی ترین شیوه های آموزش بالینی در سطح دنیا است و اولین قدم در جهت ارتقای کیفیت این شیوه آموزش، شناخت وضعیت فعلی برگزاری این گزارشات می باشد تا با شناخت نقاط ضعف و قوت در صدد اصلاح آن توسط برنامه ریزان آموزشی انجام گیرد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت آموزش در گزارش صبحگاهی از دیدگاه کارآموزان و کارورزان در بخش های داخلی و اطفال دانشگاه علوم پزشکی زنجان روش بررسی: در این مطالعه توصیفی کلیه فراگیرانی که در نیمه دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در دو بخش

ماژور از آموزش برخوردار بودند را مورد بررسی قرار گرفتند که ۱۴ و ۱۱ نفر کارورز داخلی و اطفال، ۱۳ و ۲۲ نفر کارآموز اطفال و داخلی شامل می شدند، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای خود ساخته بود که روایی آن مورد نظر صاحب نظران قرار گرفت و پایایی با ۸۳٪ آن مورد بررسی و تأیید شد، پرسشنامه حاوی هفت آیتم بود که در رابطه با فعالیت آموزشی فراگیران در گزارش صبحگاهی طراحی شده بود، بعد از جمع آوری اطلاعات بدست آمده و کدبندی داده ها و ورود اطلاعات، داده ها مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفتند. یافته ها: نتایج بدست آمده از امتیازات نشان می دهد در بخش داخلی و اطفال کارآموزان به ترتیب ۷۰٪ و ۶۱٪ و کارورزان با ۶۵٪ و ۶۴٪ به گزارش صبحگاهی امتیاز دادند که نشان می دهد کارآموزان در بخش داخلی وضعیت آموزشی در آن حیطه را بیشتر مطلوب دانستند و کارورزان در بخش اطفال نیز با دادن امتیاز بهتری نسبت به کارآموزان آنرا مطلوب دانستند، در بخش اطفال در گزارش صبحگاهی کارآموزان و کارورزان بیشترین امتیاز مربوط به نحوه بررسی بیماران به ترتیب با ۸۸٪ و ۸۲٪ و در بخش داخلی کارآموزان و کارورزان به ترتیب به تعداد جلسات در هفته با ۸۹٪ و ۹۰٪ دادند که نشانگر وضعیت مطلوب نسبت به سایر موارد می باشد و کمترین امتیاز در هر دو گروه کارآموزان و کارورزان مربوط به شرکت مسئولان آزمایشگاهی بدست آمده که به ترتیب در بخش اطفال با ۸٪ و ۱۸٪ و در بخش داخلی با ۲۷٪ و ۷٪ نشان دهنده نامناسب بودن آموزشی در این حیطه می باشد، با میانگین و انحراف معیار بدست آمده بین کارآموز داخلی و اطفال به ترتیب  $99/15 \pm 1/10$  و  $56/30 \pm 67/72$  و کارورز داخلی و اطفال  $47/90 \pm 4/45$  و  $41/67 \pm 40/90$  تفاوت معنی دار مشاهده نگردید. بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه در هر دو بخش فراگیران وضعیت آموزشی گزارش صبحگاهی را مطلوب دانستند ولی تفاوت های بین بخشی باعث شده شیوه برگزاری گزارشات صبحگاهی تنوع قابل ملاحظه ای داشته باشد لذا موضوعاتی همچون نظم و ترتیب و همچنین مدیریت جلسات گزارش صبحگاهی بسیار با اهمیت بوده و می بایستی این امر توجه خاص برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد..

کد: ۱۱۸۹

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: آموزش مهارتهای عملی در موقعیت های اورژانس به دانشجویان "داروسازی" از طریق درگیر کردن آنان در محیط های یادگیری الکترونیک با استفاده از social media



نویسندگان: انسبه میرحجتی، محمدعلی یزدانی پور، ساغر فاطمی، حمید خردادی، ساقی موسوی، کلیدواژه‌ها: کمک های اولیه، شبکه های اجتماعی، درگیر کردن، دانشجویان داروسازی

متن مقاله: مقدمه: امروزه یادگیری الکترونیکی بخشی توسعه یافته در عرصه آموزش پزشکی، برای ایجاد یک محیط آموزشی قابل انعطاف و یادگیرنده محور است. این روش با ایجاد فرصت های برابر آموزشی برای فراگیران، فضاهای تعاملی مناسب، دستیابی به اهداف آموزشی و تحقق باید های یادگیری را فراهم میکند. این روز ها شبکه های اجتماعی بعنوان نسل جدیدی از وبسایت ها، در کانون توجه کاربران شبکه جهانی اینترنت قرار گرفته اند. از این رو بر آن شدیم تا با استفاده از شبکه اجتماعی که ساختاری مبتنی بر پایه مشارکت همگانی دارد، مطالعه ای با هدف " تعیین تاثیر درگیر کردن دانشجویان داروسازی با استفاده از شبکه اجتماعی بر میزان یادگیری مهارت عملی آنان در موقعیت های اورژانس " انجام دهیم. مواد و روش ها: در این مطالعه تجربی از طریق سر شماری (۷۵) دانشجوی داروسازی بطور تصادفی در دو گروه مداخله (۳۷ نفر) و گروه شاهد (۳۸ نفر) شرکت نمودند. به منظور بررسی و تحقق همسانی دو گروه مورد مطالعه از نظر سن و معدل ترم قبل مورد بررسی قرار گرفتند. در این مطالعه ارایه آموزش برای هر دو گروه از روش ترکیبی (سخنرانی، ارایه فیلم، استفاده از مولاژ، پرسش و پاسخ) به انضمام ارایه / case که براساس علاقه توسط دانشجویان انتخاب و طی دو جلسه پایانی ارایه گردید. اجرا شد. پس از اتمام کلاس های نظری و عملی برای هر دو گروه؛ برای گروه مداخله از social media برای گیر شدن آنها در محیط های یادگیری الکترونیک استفاده شد. گروه مداخله و اساتید در هر طی شبانه روز میتوانند از طریق شبکه اجتماعی آموخته ها ی خود را در برخورد با موقعیت های اورژانس به اشتراک بگذارند. استاد / با ارایه بازخورد و همکاری وی با طرح سوالات مرتبط پایه پای فراگیران مشارکت داشتند. در پایان دوره اجرای فرایند مذکور؛ ارزشیابی پایانی برای هر دو گروه با سوالاتی یکسان، بطور همزمان انجام شد. همچنین نظرسنجی از دانشجویان گروه مداخله انجام شد. داده ها در برنامه SPSS ۱۶ ثبت و با استفاده از آزمون های تک نمونه ای Kolmogorov Smirnov؛ آزمون Chi Squar؛ آزمون تی مستقل و شاخص های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: میانگین و انحراف معیار سن نمونه ها، در دو گروه مداخله و شاهد بترتیب  $1/93 \pm 21/59$  و  $3/41 \pm 19/29$ ؛ میانگین معدل در دو گروه مداخله و شاهد به

ترتیب:  $1/14 \pm 16/51$  و  $1/14 \pm 17/07$  میانگین و انحراف معیار نمره ارزشیابی پایانی در گروه مداخله و شاهد بترتیب: (۲۶ /  $2 \pm 16/60$  و  $1/78 \pm 14/21$ ) بود. که براساس آزمون آماری (آزمون تی تست مستقل) تفاوت معنی داری مشاهده شد ( $0/00 > P$ ). همچنین ۹۴٫۳ درصد نمونه ها استفاده از شبکه اجتماعی را در فرایند یادگیری بسیار موثر اعلام کردند. نیجه گیری نهایی: بنظر میرسد، با توجه به میانگین نمرات بالاتر در گروه مورد و اعلام رضایت بالای ۹۰ درصد نمونه ها میتوان با درگیر کردن دانشجویان از طریق از شبکه اجتماعی بعنوان یک روش موثر در یادگیری مهارت های عملی و دروس نظری استفاده کرد.

—  
کد: ۱۱۹۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: شناسایی عوامل موثر در برنامه درسی پنهان از نگاه دانشجویان داروسازی

نویسندگان: انسبه میرحجتی، محمدعلی یزدانی پور، ساغر فاطمی، ساقی موسوی،

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی پنهان، یادگیری یاددهی، دانشجویان داروسازی

متن مقاله: مقدمه: تجارب کسب شده توسط فراگیران در نظام آموزشی صرفا محدود به برنامه های درسی آشکار نیست و عوامل دیگری در قالب برنامه های درسی پنهان نیز در یادگیری دانشجویان نقش قابل توجهی دارند. برنامه های درسی پنهان می توانند مستقیم و غیرمستقیم بر رفتار عاطفی فراگیران، روابط حرفه ای / بین فردی آنان، سازگاری اجتماعی، مهارت ها، دانش و ارزش های اجتماعی و ایجاد رفتارهای با ثبات اثر دارد. لذا توجه به برنامه های درسی پنهان نه تنها در مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسط، بلکه در عرصه آموزش عالی اهمیت بسزایی دارد. در این میان دیدگاه های مختلفی درباره عوامل شکل دهنده برنامه درسی پنهان مطرح می باشد. برخی بر محیط فیزیکی، تعدادی بر عوامل اجتماعی، عده ای نیز بر کتاب ها و متون درسی تاکید دارند. با چنین دیدگاهی این مطالعه با هدف " تعیین عوامل موثر در برنامه درسی پنهان از نگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان به تفکیک در سه حیطه " محیط اجتماعی، محیط فیزیکی و محیط آموزشی " طراحی، اجرا و ارزشیابی شده است. مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی؛ ۶۰ دانشجوی داروسازی بروش سرشماری شرکت نمودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه (۳۴ سوالی) روا و پایایی محقق ساخته (CVR & CVI) بالای ۰٫۹۰ و  $r$  مساوی





۰/۹۵). تجزیه تحلیل اطلاعات با استفاده از SPSS و محاسبات آمار توصیفی ( فراوانی، درصد و میانگین ) و آمار استنباطی (آزمون t و ANOVA) انجام شد. نتایج: ۳۳/۳٪ نمونه ها مرد و ۶۶/۶٪ زن بودند. علاوه بر اینکه ۵۸٪ نمونه ها عوامل درسی پنهان را بر فعالیت های یادگیری و یاددهی بسیار موثر اعلام کردند. همچنین میانگین و انحراف معیار نظرات موافق نمونه ها نیز در رابطه با تاثیر عوامل درسی پنهان به تفکیک مربوط به محیط های "اجتماعی، فیزیکی و آموزشی" بترتیب (۶۶/۶۰ ± ۴۷/۰۰)، (۷/۱۹ ± ۴۴/۴۰)، (۵/۵۰ ± ۳۷/۷۲) بود. ضمناً اکثریت نمونه ها بترتیب ۶۶/۷٪ عوامل اجتماعی، ۶۱/۷٪ عوامل آموزشی مرتبط با برنامه درسی پنهان را بر فرایند یادگیری بسیار موثر اعلام کردند، در حالیکه اکثریت ۵۸/۳٪ نمونه ها عوامل محیطی مرتبط با برنامه درسی پنهان را تا حدودی موثر اعلام کردند. و در کل ۵۸/۳٪ نمونه ها عوامل مرتبط با برنامه ریزی درسی پنهان را بسیار موثر اعلام کردند. همچنین بنابر آزمون کولوموگراف - اسمیرنوف متغیر های مرتبط با برنامه درسی پنهان در هر سه حیطة و در کل از توزیع نرمال برخوردار بودند. براساس آزمون t وضعیت سکونت فراگیران با عوامل اجتماعی مرتبط با برنامه درسی پنهان ارتباط معنی داری مشاهده شد ( $P < ۰/۵۰$ ) نتیجه گیری نهایی: با توجه به اینکه از دیدگاه دانشجویان برنامه های درسی پنهان در امر آموزش و یادگیری نقش بسزایی دارد. بنظر میرسد برای ارتقای کیفی فرایند آموزش به عوامل پنهان موثرتر برنامه درسی پنهان توجه بیشتری شود.

کد: ۱۱۹۷

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: طراحی و بکارگیری نرم افزار بررسی رشد و تکامل دوران کودکی

نویسندگان: طیبیه حسن طهرانی،

کلیدواژه ها: نرم افزار، رشد و تکامل، دوران کودکی

متن مقاله: مقدمه: رشد و تکامل کودک از مسائل مهمی است که باید به آن توجه ویژه نمود. زیرا زیر بنای زندگی بزرگسالی او می باشد. بی شک یکی از جنبه های موثر در ارتقای کیفیت آموزش استفاده از اطلاعات به روز و تکنولوژی نوین است. امروزه استفاده از نرم افزار ها یکی از رویکردهای جدید آموزش در علوم پزشکی می باشد که به فهم بیشتر دروس نظری از جمله بررسی رشد و تکامل کودک می انجامد. بررسی رشد و تکامل کودک به عنوان یکی از سر فصل های مهم در رشته های پزشکی و پیرا پزشکی

می باشد. بر اساس تجارب اساتید ی که این دروس را تدریس می کنند و نظرات دانشجویان، مفاهیم موجود در این دروس تا حدود زیادی غیر قابل ملموس بوده که فهم دقیق مطالب مربوطه را دشوار می نماید. لذا استفاده از نرم افزار هایی که بتواند مطالب نظری را قابل فهم تر نماید، مورد نیاز است. بر این اساس پژوهشگران با تجارب تدریس در این دروس بر آن شدند تا چنین نرم افزاری را طراحی و جهت استفاده در کلاس های درس مربوطه مورد استفاده قرار دهند. روش کار: درس رشد و تکامل کودک سالم از سال ۸۷ تا سال ۹۱ به روش پروژه محور توسط اساتید مربوطه تدریس می گردید. در این روش دانشجویان بر اساس برنامه ریزی مدرسین به گرو ههای ۵ نفری تقسیم گردیده و با نظر اساتید به بررسی رشد و تکامل یک گروه سنی می پرداختند و با تهیه ابزار و فیلم های آموزشی مراحل رشد و تکامل کودکان را در کلاس درس، ارائه می دادند. لذا با توجه به نتایج مثبت این روش در زمینه یادگیری دانشجویان و نظر خواهی از آنان پژوهشگران بر آن شدند تا به تهیه یک نرم افزار کامل از مراحل رشد و تکامل کودک در سنین مختلف بپردازند. برای انجام این کار ابتدا استانداردهای مهم رشد و تکامل کودک را از کتابهای مرجع پزشکی و پرستاری استخراج نموده و با توجه به گرو ههای سنی مختلف، دسته بندی کردند. فیلم های تهیه شده در دوره های مختلف که توسط دانشجویان تهیه شده بود تفکیک گردید و در سایر کمبود ها نیز با بررسی وسیعتر از سایر منابع مانند اینترنت و فیلم های آموزشی استفاده گردید. نتایج: با استفاده از نرم افزار MMB و برنامه فتوشاپ دوره های رشدی کودکان به صورت سن شیر خوارگی، نو پایی، خردسالی و دوران مدرسه در قالب یک DVD مجزا طراحی و تنظیم شد. در DVD تهیه شده هر دوره رشدی، نکات مهم و شاخص های رشد و تکامل به صورت مکتوب نمایش داده می شود و با کلیک، فیلم مربوط به هر دوره سنی با تاکید بر شاخص های تکاملی نمایش داده می شود. نتیجه گیری: با توجه به مطالعات انجام شده نتایج حاصل از بکار گیری تکنولوژی در آموزش می تواند در یادگیری عمیق و افزایش انگیزه دانشجویان تاثیر بسزایی داشته باشد لذا کاربرد نرم افزار بررسی تکامل کودکان، در فهم بیشتر دانشجویان، در آینده نقش مهمی در پیشگیری از پیشرفت اختلالات تکاملی دوران کودکی که بار اقتصادی سنگینی را برای خانواده و جامعه بدنبال دارد، خواهد داشت.

کد: ۱۱۹۹



حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش راهبرد یادگیری و مطالعه PQRST (پس ختام) بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۲  
نویسندگان: طیبه حسن طهرانی،  
کلیدواژه‌ها: آموزش راهبرد یادگیری و مطالعه / روش PQRST (پس ختام) / دانشجویان پرستاری

متن مقاله: مقدمه: راهبرد های یادگیری و مطالعه مهارتهای قابل یادگیری هستند. بعضی از فرگیران به تدریج و به تنهایی این مهارتها را می آموزند، اما بعضی دیگر به تنهایی از عهده یادگیری آنها بر نمی آیند و لازم است در این زمینه آموزش ببینند. با توجه به پژوهشهای انجام شده در رابطه با اثر بخشی آموزش و راهبرد های یادگیری و مطالعه، می توان به فراگیران راهبر د های گوناگون را آموزش داد و به آنان کمک کرد تا نسبت به یادگیری و تفکر خود آگاهانه عمل کنند و در برخورد با تکالیف مختلف یادگیری و مسائل گوناگون تحصیلی از استراتژی ها و تاکتیک های مفید استفاده نمایند. یکی از روشهای موفق مطالعه و یادگیری ویژه متون درسی علمی، روش پس ختام یا PQRST می باشد. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر آموزش روش پس ختام یا PQRST بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان می باشد. روش کار: مطالعه نیمه تجربی حاضر در نیمسال تحصیلی ۹۱-۹۲ و نیمسال اول تحصیلی ۹۲-۹۳ در کلاس درس پرستاری کودکان (۱) با تاکید بر مراقبت از کودک سالم دانشجویان پرستاری ترم چهارم به ارزش ۲ واحد انجام شد. کلیه دانشجویان ترم چهارم پرستاری در نیمسال دوم (۳۵ نفر) و دانشجویان ترم چهارم پرستاری در نیمسال اول (۴۵ نفر) که واحد درسی پرستاری کودک سالم را اخذ نموده، به عنوان گروه مداخله و خود دانشجویان به عنوان گروه کنترل قرار گرفتند. بدین ترتیب اندازه نمونه در گروه آزمون و کنترل مساوی (۸۰ نفر) بود. در ابتدای هر ترم محتوای درسی براساس سر فصل به دو قسمت تقسیم شد، در ۸ هفته اول در پایان هر دو جلسه تدریس دروس، و پایان جلسه هشتم، آزمون کتبی از مباحث ارائه شده بعمل آمد و میانگین نمرات آزمونها محاسبه شد. قبل از شروع ۸ جلسه، راهبرد های یادگیری دانشجویان در مطالعه دروس با استفاده از پرسشنامه، مورد سنجش قرار گرفت. سپس در طی یک کارگاه چهار ساعته، راهبرد های یادگیری شناختی و فر شناختی با تاکید بر روش پس ختام، به دانشجویان آموزش داده شد و از آنها در خواست شد که این روش را در مطالعه دروس خود بکار ببرند.

در ۸ هفته دوم نیز دروس طبق سر فصل ها ارائه شد و پایان هر دو هفته تدریس و در پایان ۸ هفته دوم یک آزمون کلی بعمل آمد و میانگین نمرات اندازه گیری شد. سپس در پایان ۸ جلسه دوم پرسشنامه مربوط به راهبردهای یادگیری به دانشجویان داده شد تا تکمیل نمایند. معدل نمرات ۸ جلسه اول و دوم و همچنین راهبردهای یادگیری قبل و بعد از آموزش کارگاهی با هم مقایسه شد و با استفاده از آمار تو صیفی و استنباطی داده ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند یافته ها: نتایج حاصل از مطالعه نشان داد، که اکثر دانشجویان مورد مطالعه (۷۶٪) از راهبردهای یادگیری مناسبی برای مطالعه دروس خود استفاده نمی کردند. ولی بعد از آموزش این راهبرد ها اکثریت دانشجویان (۸۶٪) برای مطالعه خود از این راهبردها استفاده کرده بودند. همچنین نتایج نشان داد که نمرات مربوط به آزمون های ۸ هفته اول که آموزش کار گاهی اجرا نشده بود نسبت به نمرات ۸ هفته دوم که دانشجویان از راهبردهای مطالعه آموزش داده شده در کارگاه، برای مطالعه دروس خود استفاده کرده بودند، بیشتر بود. بطوری که میانگین نمرات ۸ هفته اول قبل از اجرای آموزش راهبردهای مطالعه و یادگیری  $1.4 \pm 14.46$  و بعد از آموزش  $1.4 \pm 17.76$  بدست آمد و براساس آزمون تی اختلاف معنا دار آماری دیده شد.

کد: ۱۲۰۴

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: ارزیابی یادگیری مادام العمر و ارتباط آن با متغیرهای تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی اردبیل  
نویسندگان: عزیز کامران، یوسف شفائی، اسماعیل فرزانه،  
کلیدواژه‌ها: یادگیری مادام العمر - تحصیل - دانشجویان - فرصت  
متن مقاله: زمینه و هدف: یادگیری مادام العمر توسعه استعداد بالقوه انسان از طریق یک فرایند حمایتی مداوم است که افراد را برای کسب دانش، ارزش ها، مهارت ها و یادگیری هایی که در سراسر طول عمر خود نیاز دارند و آنها را با اعتماد به نفس، خلاقیت و لذت در تمامی نقش ها، شرایط و محیط ها به کار می برند، تحریک می کند و از جمله معیارهای اعتباربخشی دانشکده های پزشکی و علوم وابسته، میزان کسب شایستگی های موردنیاز برای یادگیری مادام العمر در دانشجویان اعلام شده است لذا این مطالعه با هدف ارزیابی یادگیری مادام العمر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و ارتباط آن با متغیرهای تحصیلی انجام شد. روش کار: در این پژوهش مقطعی ۳۸۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال تحصیلی ۹۳-۹۴



با نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار مطالعه نسخه فارسی JeffSPLL-MS بود که شامل حیطه‌های باورهای مرتبط با یادگیری و انگیزش، مهارت جستجوی اطلاعات و توجه به فرصت‌های یادگیری در ۱۴ گویه می‌باشد. داده‌ها بصورت مصاحبه حضوری جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار آمار SPSS نسخه ۱۸ و آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یکطرفه و تی مستقل با در نظر گرفتن سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد تجزیه تحلیل گردید. نتایج: میانگین نمره دانشجویان شرکت کننده در مطالعه در حیطه باورهای مرتبط با یادگیری و انگیزش خوب و در حیطه‌های مهارت جستجوی اطلاعات و توجه به فرصت‌های یادگیری ضعیف بود ارتباط معنی داری بین معدل تحصیلی و رتبه کنکوری با میانگین نمره کل یادگیری مادال عمر دانشجویان وجود داشت همچنین تفاوت معنی داری در میانگین نمره یادگیری مادام العمر در بین رشته‌های مختلف تحصیلی دیده شد اما تفاوت معنی داری در بین دو جنس وجود نداشت نتیجه گیری: توسعه مهارت‌های یادگیری و یادگیری چگونه یادگرفتن در دانشجویان علوم پزشکی ضرورتی اجتناب ناپذیر است و می‌تواند گام مهمی در جهت بهبود کیفیت آموزش پزشکی و در نهایت بهبود ارائه خدمات برای سلامت جامعه باشد

کد: ۱۲۰۷

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: عوامل موثر بر ضرورت تغییر در محیط یادگیری و مرور بر عناصر تغییر در نظام آموزش دانشگاهی کشور  
نویسندگان: اصغر دالوندی، محمد علی حسینی، ملوک پورعلیزاده، کلیدواژه‌ها: محیط یادگیری، یادگیری، تغییر در سازمان آموزشی، فعالیتهای آموزشی، کیفیت یادگیری

متن مقاله: مقدمه و هدف: در دنیای معاصر پیشگامی مقوله‌ای است که دراطلاعات، ارتباطات و آموزش تعریف میشود و سرمایه گذاری اصلی بر منابع انسانی فرهیخته و آکادمیکی یک رسالت ملی و فراملی تعریف میشود. از طرفی تأکید بر توسعه دانش و شایستگیهای فردی و آمادگی برای عصر تغییر و کارآفرینی مراکز علمی و پژوهشی از مولفه‌های جوامع بالنده به شمار میروند. درسالهای اخیر، شاهد دگرگونیهای مهمی در نظام آموزش عالی سراسر جهان هستیم و تحولات نظام‌های آموزش عالی در دو دهه گذشته تحت تأثیر سه تحول مهم قرارداشته‌اند: تحولات اقتصادی- اجتماعی، فن‌آورانه، تحولات مسأله جهانی شدن. محیط یادگیری شامل کلیه شرایط و امکانات فیزیکی، روانی، عاطفی، عوامل

فرهنگی و اجتماعی است که بر رشد توسعه یادگیرنده دریک موسسه آموزشی تاثیر میگذارد. ابعاد مختلف محیط آموزشی عبارتند از توانایی علمی مدرسین، فعالیتهای تدریس و یادگیری، جو آموزشی و شرایط اجتماعی- فرهنگی. با توجه به این نکته که محیط آموزشی در دانشگاهها موتور آگاهی بخش و برج فرماندهی فکری جامعه بوده و رسالتی فراتر از علم و پژوهش دارد، پژوهش حاضر با هدف "شناسایی عوامل تاثیر گذار بر ضرورت تغییر در محیط یادگیری و مرور بر عناصر تغییر در نظام آموزش دانشگاهی کشور" جهت درک و شناخت عمیق ترمحیط آموزش و عوامل مرتبط با آن برای دگرگونی، تعدیل و مدیریت برنامه‌های آموزشی برای ارایه آموزش باکیفیت بالا انجام شده است. روش کار: مروری بر متون مرتبط با محیط یادگیری و عوامل موثر بر یادگیری. یافته‌ها: در صورتیکه بتوانیم عناصرفعال در محیط آموزشی یک موسسه آموزش عالی را شناسایی کنیم و آنها را آنگونه که توسط دانشجو یا مدرسین درک می‌شوند، ارزیابی نماییم، هم اساس و پایه‌ای را برای تعدیل آنها به منظور تقویت تجربه یادگیری در اختیار داریم، هم زمینه سیاست گذاری آموزشی آگاهانه و مبتنی بر شناخت و تخصیص درست منابع استراتژیک سازمان تسهیل می‌شود. برای پوشش اهداف مدیریت نظام آموزش عالی، بدون تحول متناسب با زمان وتغییرات پیرامونی وابعاد جهانی راه به جایی نخواهیم برد. نظر به اینکه یکی از اهداف بلند مدت تعلیم و تربیت، دادن امکان رشد و شکوفائی استعدادها و مسئولیت به کودکان با ضرایب هوشی متفاوت است فقط فضاهای باز و انعطاف پذیر و نظامی پویا میتواند امکانات آموزشی لازم را در اختیار تک یادگیرندگان قرار دهد. انعطاف پذیری یک فرایند پویا میباشدکه مسئول ایجاد انطباق مثبت، علیرغم وجود تجارب مخالف یا تروماتیک در فرد است در یک محیط آموزشی سازنده لازمست معلم بافراگیرهمکاری و مشارکت مداومی داشته ودر محیطی انعطاف پذیر گام به گام با فراگیران پیشرفت نماید. اساسی ترین تغییر در نوع تفکر و فلسفه آموزش، انتقال از نظام معلم محوری به دانش آموز محوری است. در محیط جدید یادگیری، نقش استادان از چند جهت تغییر می‌کند. بایده دانشجویان بیاموزد که راهبردهای یادگیری را شخصاً تنظیم کنند، محرکهای لازم را ایجاد کند که چه مطالبی در کجا یافت می‌شود، آنان را برانگیزد که دانش و معلومات خود را شخصاً سازمان دهند، به ارتباطات با دیگران بیندیشند و از تجربیات دانشجویان دیگر استفاده کنند. یعنی به جای معرفی نیازها و روشهای برطرف سازی آنها، باید به دانشجویان بیاموزند که چگونه می‌توانند



مستقیماً و بی واسطه نیازهای خود را برآورده سازند و توانایی یادگیری مستقل را در خود تقویت کنند. این تحولات موجب شده است که مدیریت نظام آموزش عالی بیش از پیش به جنبه‌های کارایی و اثر بخشی فعالیت‌های خود حساس شوند. یکی دیگر از ضروریات تحول در عصر حاضر، پدیده فناوری اطلاعات

کد: ۱۲۰۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: آینده پژوهی، ضرورت در تحول و توسعه نظام آموزش پزشکی کشور

نویسندگان: شیما طباطبایی، سید امیر محسن ضیایی

کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی، آموزش پزشکی، نظام اجتماعی، نظام سلامت، توسعه

متن مقاله: آموزش پزشکی یکی از محوری ترین نظامهای اجتماعی در تحقق توسعه پایدار نظام سلامت هر کشور است. از اساسی ترین اهداف نظام آموزش پزشکی، ارائه تصویری روشن از یک انسان سالم؛ برآورده سازی سلامت و نیازهای بهداشتی، درمانی انسان ها، و تلاش برای تربیت نیروی توانمند پزشکی و متخصصان در رشته های مختلف تخصصی و فوق تخصصی برای تامین سلامت کامل انسانها است. توجه به آینده و با بیان بهتر آینده های بالقوه ضرورت سیستم آموزش پزشکی است. آموزش پزشکی چه در سطح عمومی و چه در سطوح تخصصی و فوق تخصصی باید آینده محور باشد. زیرا کارکرد آموزش پزشکی تجهیز کامل و مناسب دانشجویان و دستیاران به دانش و مهارت و توانمندی های لازم برای مشارکت موثر در ارتقاء سلامت جامعه چه در زمان حال و چه در زمان آینده است. در این مقاله، با تعریف مفاهیم آینده پژوهی و اهمیت آن در ارتقاء نظام آموزش پزشکی به عنوان یکی از ارکان سیستمهای اجتماعی به تشریح مشکلات وضع موجود پرداخته می شود. سپس با تبیین عوامل و پیشرانهای تاثیر گذار بر آموزش پزشکی در سطح کلان، به ضرورت و اهداف آینده پژوهی در توسعه و تحول نظام آموزش پزشکی به عنوان یکی از ارکان اصلی سیستم سلامت کشور پرداخته می شود. شایان ذکر است در مسیر این مقاله منظور از نظام آموزش پزشکی، آموزش در تمامی سطح پزشکی عمومی، تخصصی، فوق تخصصی، فلوشیپ و آموزش مداوم حرفه ای پزشکان است.

کد: ۱۲۱۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: دیدگاه دانشجویان پزشکی شیراز نسبت به تأثیر جشن

روپوش سفید بر اخلاق حرفه ای در سال ۱۳۹۲

نویسندگان: سیدضیاء الدین تابعی، صدیقه ابراهیمی، رضا محمدی،

کلیدواژه‌ها: جشن روپوش سفید، اخلاق حرفه ای، سوگند نامه، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: جشن روپوش به صورت یک پدیده در آموزش پزشکی، نمادی برای تاکید کردن بر دانشجویان پزشکی جهت اخلاق گرایی در حرفه پزشکی، در زمره اولین آمادگی سازی های لازم جهت ورود دانشجویان پزشکی به مقطع بالینی انتخاب شده است. هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر جشن روپوش سفید بر اخلاق حرفه ای و آشنایی دانشجویان با شرح وظایف حرفه ای ایشان جهت حضور در بخش های بالینی است. روش کار: پژوهش حاضر مطالعه ای کیفی است و طبق نمونه گیری مبتنی بر هدف انجام شده است. جامعه ی آماری شامل دانشجویان پزشکی ورودی ۸۸ دانشگاه علوم پزشکی شیراز است. جمع آوری اطلاعات به روش کیفی است که قسمتی از آن به روش مصاحبه ی نیم ساختار مند و قسمت دیگر با پاسخ به سوالات تشریحی از سوی مصاحبه شوندگان انجام شد. گفته های دانشجویان در زمینه درک و نظر آنان از جشن روپوش بررسی گردید. جمع آوری اطلاعات تا رسیدن به مرحله ی اشباع ادامه پیدا کرد و داده ها با روش تحلیل محتوا با توجه به دستورالعمل ها و کدهای اخلاقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: مهم ترین اثرات مثبت جشن بر دانشجویان افزایش تعهد و مسئولیت پذیری، بهبودی آمادگی جهت برخورد با بیمار، افزایش انگیزه و اعتماد به نفس در آنها و آشنایی با برخی اصول ابتدایی حرفه ای گرایی اخلاقی است. دانشجویان پیشنهاداتی در راستای تبیین هدف برگزاری جشن قبل از برگزاری آن، تشریح محتوای عهدنامه پس از قرائت آن، لزوم دعوت بیشتر از اساتید برجسته ی بالینی، آشناسازی بیشتر دانشجویان با جزئیات اخلاق حرفه ای و وظایف بالینی ابراز داشتند. دانشجویان همچنین برگزاری مراسم عهدنامه و جشن روپوش را کاملاً ضروری دانستند. بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصله حاکی از آن است که جشن روپوش سفید می تواند موجب افزایش آشنایی دانشجویان با وظایف حرفه ای و انگیزه ایشان شود. ولی تأثیر آن بر اخلاق حرفه ای با شیوه ی کنونی کم است.



آموزشی به یادگیری های پنهان دانشجویان، یادگیری را به تعالی رسانده و به صورت تمام و کمال به اهداف آموزشی دانشجویان پرستاری و مامایی دست پیدا کرد.

کد: ۱۲۱۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به نقش برنامه درسی پنهان در آموزش به مددجو: یک مطالعه کیفی

نویسندگان: مریم روانی پور، زهره آزادی

کلیدواژه‌ها: آموزش مددجو، برنامه درسی پنهان، آنالیز محتوا

متن مقاله: مقدمه: برنامه درسی پنهان از ابزار های توانمند در آموزش دانشجویان پرستاری و مامایی است که دارای نقش مثبت و منفی بر یادگیری دانشجویان می باشد. آموزش به مددجو از دغدغه های مسئولان این حرفه ها می باشد که با توجه به مطالعات انجام شده بر روی پرستاران و رضایتمندی بیماران از آموزش نارسایی نقش آموزشی آنها به وضوح درک شده است. بنابر این برآن شدیم تا طی مطالعه ای به بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی نسبت به برنامه درسی پنهان دریافت شده در زمینه آموزش به بیمار بپردازیم. روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتواست که با مصاحبه از ۱۷ دانشجوی پرستاری و مامایی شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۳ به صورت نیمه ساختار یافته انجام گرفته است. داده ها بر اساس گام های تحلیل محتوا از نوع قراردادی تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: از کد گذاری و دسته بندی داده های حاصل از سه مضمون اصلی تعاملات اساتید، دانشجویان، پرستاران، پزشکان معالج و سایرین، مضمون فرصت های آموزش و یادگیری و مضمون ارزشیابی باز اندیشانه دست پیدا کردیم. دانشجویان در سه زیر مضمون نحوه برقراری ارتباط، رعایت اخلاقیات و توجه به تفاوت های فردی به نقش آموزش پنهان در مضمون تعاملات در آموزش به مددجو اشاره کردند. همچنین فرصت های آموزش و یادگیری از چهار زیر مضمون نقش تکالیف و تمرینات، درک نیاز آموزشی، الگوپذیری دانشجویان و قوانین حاکم بر نظام آموزشی بوجود آمد. ارزشیابی باز اندیشانه نیز حاصل نقش بازخورد ها، هدف ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی بود. نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از مصاحبه با دانشجویان می توان بر روند آموزش دانشجویان پرستاری و مامایی در زمینه مسئولیت مهم آموزش به مددجو تجدید نظر کرده و با معطوف کردن توجه مسئولان و برنامه ریزان

کد: ۱۲۲۲

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی نتایج تحلیل آزمون های ارتقاء دستیاری سال ۹۳ دانشگاه علوم پزشکی تبریز

نویسندگان: شاپور نادر فام،

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، تحلیل آزمون، فراگیر، ارزشیابی

متن مقاله: مقدمه و هدف: همانطور که می دانیم ارزیابی فراگیران یکی از ارکان با اهمیت چرخه آموزش می باشد که با انجام آن روند آموزش تکمیل می شود و اگر این ارزیابی در راستای اهداف آموزشی و همچنین دارای تمامی معیار های آزمون استاندارد باشد می تواند در عین این که فراگیری دانشجو را می سنجد خود پیام های آموزشی کاربردی را داشته باشد لذا تحلیل کیفیت آزمون یکی از فرآیندهای ارزشیابی آموزشی است که میتواند توام با ارزشیابی سایر مسائل، ارزشیابی یک برنامه را تکمیل نماید و نقش به سزایی هم در ارتقاء آموزش داشته باشد و با توجه به راه اندازی نرم افزار تحلیل آزمون در این دانشگاه در اواخر سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و همچنین اهمیت آزمون ارتقاء دستیاری و دانشنامه که به تازگی به دانشگاه های علوم پزشکی محول شده است بر آن شدیم یک تحلیل جامع برای بررسی کیفیت این آزمون ها که یک پایه برای ارتقاء این آزمون ها در سال های آتی خواهد شد، انجام دهیم. روش پژوهش: این مطالعه از نوع تحلیلی میباشد که اطلاعات مورد استفاده در آن پایگاه داده نرم افزار تحلیل آزمون دانشگاه گرفته شده است. که البته این آزمون ها از نوع چند گزینه ای می باشند که در سطح دانشگاه به تعداد ۲۲ امتحان در بین ۵۴۹ شرکت کننده، برای ۲۱ گروه امتحانی به تعداد ۱۵۰ سوال برای ۲۰ گروه و ۲۰۰ سوال برای یک گروه با عنوان امتحان ارتقاء دستیاری در سال ۹۳ برگزار شده است. بعد از تحلیل نتایج آزمون بدلیل این که میانگین ضرایب دشواری و تمیز برای سوالات ارزش بیشتری دارند و در مقایسه کل آزمون ارزش آنها کاهش می یابد پس در جلسات متعدد کارشناسی بر آن شدیم تا شاخصی را با کمک گروه آموزش پزشکی تعیین کنیم تا به توانیم با آن در مورد کیفیت کل آزمون برای تمامی گروه های آموزشی رده بندی انجام دهیم لذا سه شاخص مهم برای مقایسه تعریف شد که عبارتند از شاخص





حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: تحلیلی بر زیرساختهای توسعه دانش پژوهی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی؛ ساخت یک ابزار نویسندگان: زهرا کریمیان، محمود ابوالقاسمی، زهرا صباغیان، محمد حسن پرداختچی، کلیدواژه‌ها: دانش پژوهی، زیرساخت، علمی، فرهنگی، سیاسی، رسمی

متن مقاله: مقدمه: رویکرد دانش پژوهی و توسعه تفکر علمی در دانشگاه مستلزم تامین زیر ساخت‌هایی است که زمینه احیای آن را فراهم نماید و این زیرساخت‌ها تا حد زیادی از رویکردهای ذهنی مدیران و رهبران دانشگاهی تاثیر می‌پذیرند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی زیرساختهای لازم در توسعه دانش پژوهی است. روش‌ها: پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۲ و با رویکرد کیفی- کمی انجام شد. ابتدا با ابزار مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند و نظرات ۲۰ نفر از خبرگان آموزش عالی از ۴ حوزه رشته ای علوم انسانی، علوم پزشکی، علوم پایه و فنی مهندسی گردآوری شد و با استفاده از تحلیل محتوا در ۴ طبقه، ۱۴ مقوله و ۷۴ گویه دسته بندی گردید که اساس پرسشنامه محقق ساخته اولیه را تشکیل داد. در مرحله کمی، روایی صوری و محتوایی ابزار با استفاده از منابع علمی و دیدگاه متخصصین تایید گردید و برای تعیین روایی سازه، پرسشنامه ساخته شده در مقیاس لیکرت ۶ گزینه ای (بسیار موافق تا بسیار مخالف) بر روی عضو هیات علمی از دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز در ۴ حوزه رشته ای علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی و علوم پزشکی [پزشکی بالینی، علوم پایه پزشکی و پیراپزشکی] نظر سنجی و آزمون شد. حجم نمونه در مرحله کمی با استفاده از جدول مورگان به نسبت جامعه آماری اعضای هیات علمی دو دانشگاه (۱۲۰۰ نفر) به روش تصادفی طبقه ای به تعداد ۳۰۰ نفر تعیین گردید و ۲۶۵ نفر به طور کامل به سوالات پاسخ دادند. داده ها با استفاده از نرم افزار spss ۱۹ و لیزرل به روش تحلیل عاملی اکتشافی و سپس تاییدی بررسی شد. پایایی ابزار در مرحله آزمایشی با ۳۰ نمونه و در پایان با ۲۶۵ نمونه تکمیل شده مجدداً آزمون شد که به ترتیب مقادیر ۰/۹۷ و ۰/۹۶ را نشان داد. یافته ها: حاصل تحلیل محتوای نظرات خبرگان در بخش کیفی، در ۴ مولفه اصلی و ۱۴ مقوله میانی شامل زیرساخت‌های علمی با ۴ مقوله (نقد، تعامل، توانمندسازی، تفکر)، زیرساختهای رسمی با ۴ مقوله (مقررات، منابع، ارزشیابی و پالایش)، زیرساختهای فرهنگی با ۳ مقوله (نمادهای فرهنگی، نشاط علمی، وحدت)، و زیرساخت‌های سیاسی با ۳

مقوله (تاکتیک، تدبیر، استقلال علمی) و مجموعاً ۷۴ گویه دسته بندی شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی تا حد زیادی روایی سازه و مقوله بندی مرحله کیفی را تایید نمود. در مجموع ۷ گویه پرسشنامه نا مناسب تشخیص داده شد که از پرسشنامه اصلی حذف گردید و ۶۷ گویه پرسشنامه مجموعاً ۷۰/۲۳٪ از سازه زیرساختهای دانش پژوهی را تبیین می نمود. بر اساس نتایج تحلیل عاملی تاییدی KMO کل پرسشنامه ۰/۸۹۷ و معناداری آزمون بارتلت به میزان Pvalue

کد: ۱۲۴۰

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: مقایسه زیرساختهای دانش پژوهی در دانشگاه های علوم پزشکی و غیر پزشکی نویسندگان: زهرا کریمیان، محمود ابوالقاسمی، محمد حسن پرداختچی، زهرا صباغیان، کلیدواژه‌ها: دانش پژوهی، زیرساخت، دانشگاه، علوم پزشکی، غیر پزشکی

متن مقاله: مقدمه: مفهوم دانش پژوهی در معنای کلی آن توسعه تفکر علمی در همه عرصه های دانش پژوهی و کارکردهای دانشگاه اعم از تولید، انتقال، تلفیق، کاربرد دانش و ارتباط با جامعه، در عین در بر داشتن معیارهای کیفی است. برای ترویج این تفکر، دانشگاه ها نیازمند الزامات و زیرساختهایی هستند که فضای لازم برای توسعه دانش پژوهی را فراهم نماید. تحقیق حاضر با هدف مقایسه زیرساختهای دانش پژوهی در دانشگاههای علوم پزشکی و غیر پزشکی انجام گردید. روش ها: پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۲ با رویکرد کمی و با استفاده از روش توصیفی پیمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق را ۱۲۰۰ نفر از اعضای هیات علمی دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز تشکیل می داد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان به میزان ۳۰۰ نفر تعیین گردید که بر اساس نمونه گیری طبقه ای نسبتی به تفکیک در دانشگاههای یاد شده به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مبانی نظری، تحلیل محتوای دیدگاه خبرگان آموزش عالی از ۴ حوزه رشته ای علوم انسانی، علوم پزشکی، علوم پایه و فنی مهندسی بود. روایی صوری و محتوایی با استفاده از نظر ۵ متخصص آموزشی تایید شد و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با KMO کل پرسشنامه آزمون بارتلت با معناداری (p=۰/۸۹۷). طبق نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس چند متغیره از طریق شاخص



لامبدای ویلکز، عامل دانشگاه بر ترکیب خطی متغیر های وابسته (زیرساخت های دانش پژوهی) تاثیر دارد. و این تاثیر در مورد زیرساخت پالایش بهینه سازی، منابع، مقررات تنظیمات، توانمندسازی، و نمادهای فرهنگی تفاوت معنادار دارد. حاصل تغییرات مشترک بین زیرساخت های معنادار و تقارب درونی آنها با یکدیگر منجر به ایجاد متغیر میانجی (مکنون) شد که از متغیر مستقل دانشگاه تاثیر می پذیرفت. بر اساس نوع زیرساخت های معنادار و سهم هر یک از آنها در تاثیر پذیری متغیر مکنون از عامل دانشگاه و با توجه به آنکه بیشترین میزان مجذور R به زیرساخت منابع تعلق دارد (۰/۳۴)، می توان حاصل برآیند درونی زیرساخت ها را در سازه «مدیریت منابع توسعه» تبیین نمود. به عبارت دیگر تفاوت دو دانشگاه بیشتر از جنس منابع است اما در مورد سایر زیرساختها شامل فضاهای نقد، تفکر، تعامل، ارزشیابی، وحدت، نشاط علمی، تاکتیک، تدبیر و استقلال علمی تفاوت معناداری مشاهده نشد ( $P > 0/05$ ). نتیجه گیری: دانشگاه علوم پزشکی در مقایسه با غیر پزشکی از زیرساخت های مالی و سخت افزاری بیشتری برخوردار بود. این امر می تواند ناشی از ساختار یکپارچه آموزش، بهداشت و درمان باشد که زمینه اشتراک و هم افزایی منابع را بیش از دانشگاه های غیر علوم پزشکی فراهم نموده است. اما زیرساختهای نرم افزاری نظیر فضاهای نقد، استقلال علمی، تفکر، تعامل و... در هر دو دانشگاه وضعیت مشابهی داشت که این امر ممکن است ناشی از ساختار دولتی و متمرکز دانشگاههای کشور باشد.

کد: ۱۲۴۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی بدرفتاری علیه دانشجویان پزشکی سال چهارم در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
نویسندگان: صدیقه ابراهیمی،  
کلیدواژه ها: بدرفتاری، دانشجوی، بیمارستان آموزشی  
متن مقاله: مقدمه: بدرفتاری با دانشجویان پزشکی یک پدیده جهانی می باشد که در مطالعات مختلفی وجود آن به اثبات رسیده است. بدرفتاری زمانی اطلاق می شود که رفتارها نمایانگر بی احترامی به شان دانشجوی و یا دخالت های بی دلیل در فرآیندهای آموزشی باشد. در این مطالعه ما با بررسی میزان بدرفتاری و چگونگی آن علیه دانشجویان پزشکی استیودنت در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به مسئولین بهداشتی - درمانی در پیشبرد برنامه های پیشگیری و غربالگری

کمک خواهیم نمود. روش کار: مطالعه حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. جامعه مورد پژوهش شامل کلیه دانشجویان پزشکی استیودنت در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد و همه افراد جامعه به صورت سرشماری مورد پژوهش قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ۵ قسمتی استفاده شد که شامل اطلاعات دموگرافیک، ۱۳ سوال درباره تجربه بدرفتاری و انواع آن، فرد مرتکب شونده بدرفتاری و بخشی که در آن بدرفتاری اتفاق افتاده است، ۸ سوال درباره انعکاس بدرفتاری رخ داده به مسئولین و سطح رضایت دانشجویان نسبت به عملکرد مسئولین، ۵ سوال درباره مشاهده بدرفتاری نسبت به سایر دانشجویان و سوالات نظرسنجی بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد. نتایج: یافته های پژوهش نشان می دهد که در یک سال گذشته ۸۶،۳ درصد از دانشجویان حداقل یکبار یک نوع بدرفتاری را تجربه کرده اند که ۵۷،۵ درصد از آنها دانشجویان دختر و ۴۲،۵ درصد از آنها دانشجویان پسر بوده اند. بیشترین بدرفتاری اعمال شده به ترتیب شامل بدرفتاری کلامی ۹۵،۱ درصد و بدرفتاری ناشی از اعمال قدرت ۷۶،۲ درصد بوده اند. هم چنین بیشترین بدرفتاری ها در بخش های زنان و زایمان ۶۰،۳ درصد و داخلی ۴۹،۲ درصد اتفاق افتاده اند که بیشترین افراد مرتکب بدرفتاری به ترتیب رزیدنت ها ۷۳ درصد، پرستارها ۶۶،۷ درصد و اینترن ها ۶۰،۳ درصد بوده اند. بحث و نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای بدرفتاری علیه دانشجویان پزشکی استیودنت و عدم حمایت کافی مسئولین از دانشجویان، ضرورت برنامه ریزی در جهت آموزش های مهارتی- ارتباطی و حمایت بیشتر از دانشجویان در این زمینه وجود دارد.

کد: ۱۲۴۳

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی میزان مهارت دانش آفرینی در بین مدیران دانشگاه علوم پزشکی تبریز  
نویسندگان: فریبا سالک رنجبرزاده،  
کلیدواژه ها: دانش آفرینی، مدیران، دانشگاه علوم پزشکی  
متن مقاله: بررسی میزان مهارت دانش آفرینی در بین مدیران دانشگاه علوم پزشکی تبریز فریبا سالک رنجبرزاده\*، محمد علی همتی، سوسن حسنزاده سلماسی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز زمینه و هدف دانش آفرینی را می توان فرآیند ایجاد دانش جدید و یا جایگزینی و بهسازی دانش موجود دانست. به





دلیل نقش دانش جدید در بقا و رشد سازمان، دانش آفرینی اهمیت بسیار بیشتری از دانش موجود دارد. با توجه به اینکه یکی از رسالت‌های دانشگاهها در عصر کنونی تولید دانش جدید است. ضرورت دانش آفرینی در دانشگاهها از دو بعد بیرونی (پاسخ به نیازهای جامعه) و بعد درونی (بهبود کیفیت آموزش، ارتقاء جایگاه دانشگاه و...) مشخص می‌گردد. مدیران آموزش در عرصه پویا، پرشتاب و دانش محور امروز نیازمند مهارت دانش آفرینی هستند و نیاز به مدیران دانش آفرین در دانشگاهها به دلیل نقش این مراکز در تربیت نیروی انسانی متمرکز اهمیت بسیاری دارد. لذا هدف این مطالعه بررسی میزان دانش آفرینی مدیران دانشگاه علوم پزشکی تبریز می‌باشد. مواد و روش: تحقیق حاضر یک پژوهش توصیفی است. جامعه آماری شامل تمامی مدیران (آموزشی، پژوهشی) دانشگاه علوم پزشکی تبریز به تعداد ۱۴۰ نفر بود که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده ۹۸ نفر از مدیران مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که پایایی آن با روش آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۳۳ بدست آمد. روایی صوری پرسشنامه نیز از طریق مراجعه به اساتید مدیریتی تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) استفاده گردید. یافته نتایج مطالعه میزان مهارت دانش آفرینی مدیران را با میانگین  $56/96 \pm 6/51$  در حد خوب ارزیابی نمود. مدیران در بلحاظ بعد اجتماعی سازی دانش با میانگین  $65/14 \pm 7/1$  بعد برونی سازی با میانگین  $60/24 \pm 6/12$  بعد ترکیب دانش با میانگین  $68/34 \pm 7/1$  و بعد درونی سازی  $54/13 \pm 5/74$  در حد خوب قرار داشتند. بحث: در مطالعه حاضر مدیران در بعد اجتماعی سازی دانش که نخستین عنصر فرآیند تبدیل دانش، اشتراک و تشریح ایده‌ها با یکدیگر، یعنی تعامل دانش ضمنی با دانش ضمنی است عملکرد خوب داشتند. این همان چیزی است که در خلال پویایی‌های تیم‌های کارآمد یا میان همکارانی که ایده‌های مشترک دارند، اتفاق می‌افتد. در این مرحله، مدیران از طریق انجمن علمی، جلسات تریبون آزاد، جلسات بحث و گفتگوی علمی، کامپیوترهای شخصی ماشین‌های فاکس، اینترنت، پست الکترونیکی، تلفن سیار، وب سایت‌های آموزشگاه‌های سراسر کشور... در مورد آنچه برایشان مهم است به گفت‌وگو می‌نشینند و از اندیشه‌های یکدیگر بهره می‌گیرند. و این ابزار مفیدی برای خلق ایده‌های جدید محسوب می‌شود. دومین رکن فرآیند دانش آفرینی که مدیران دانشگاه در این مورد نیز عملکرد خوب داشتند، تبدیل دانش ضمنی به دانش آشکار (برون

سازی) است. در این فرآیند، ایده‌ها به واقعیت عملی مبدل می‌شوند. در یک جوّ تیمی، استعاره‌ها به کمک اعضا می‌آیند تا دانش ضمنی خود را عرضه کنند. در نتیجه به دیگران کمک می‌کنند تا این استعاره‌ها را به همان صورتی که در محیط دانشگاه کاربرد دارند بشناسند. مستندسازی تجربیات مصداق این رکن از فرآیند است در واقع برونی سازی دانش منحصر به فرد آنان در قالبی مدون و قابل درک برای همگان است که بیش از هر چیز نیاز مند گفتگو، تشبه و نگارش اندوخته‌ها و آموخته‌ها است. هرگاه که دانش آشکار باشد، تبدیل آن به آسانی صورت می‌گیرد. این رویکرد، سومین ابزار دانش آفرینی است که مدیران دانشگاه در آن خوش درخشیدند.

—  
کد: ۱۲۴۵

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: جایگاه هم‌زمانی با جامعه در بین کارکردهای دانشگاه؛ ارائه

یک مدل مفهومی

نویسندگان: زهرا کریمیان، محمود ابوالقاسمی، زهرا صباغیان،

بهداد امیری

کلیدواژه‌ها: دانش پژوهی، هم‌زمانی، جامعه، دانشگاه

متن مقاله: مقدمه: صاحب‌نظران معتقدند تخصصی شدن دانش و تکه تکه شدن مفرط علم باعث دور شدن تدریجی جامعه علم و دانشگاه از عموم مردم شده و این امر، ارتباطات مردم با پذیرش اجتماعی فعالیت‌های علمی در دانشگاه را کمرنگ ساخته است. برداشتن فاصله بین مردم و دانشگاه و ایجاد زبانی مشترک با عامه مردم یکی از کارکردهای دانشگاهی است که گاه در روند پرشتاب فعالیت‌های تخصصی و علمی دانشگاهها کم اهمیت انگاشته می‌شود. مقاله حاضر سهم فعالیت‌های دانشگاه در هم‌زمانی با جامعه را با توجه به ماهیت رشته‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. روش‌ها: پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۲ با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. جامعه آماری تحقیق را ۲۰ نفر از خبرگان آموزش عالی از ۴ حوزه رشته‌ای علوم انسانی، علوم پزشکی، پایه و مهندسی تشکیل می‌دادند. انتخاب نمونه‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند از بین افرادی انتخاب شد که هم به عنوان عضو هیات علمی تجربه زیسته‌ای در همه کارکردهای دانش پژوهانه اعم از پژوهش، آموزش، کاربرد و ارائه خدمت، تلفیق و فعالیت‌های جامعه‌نگر داشتند و هم با رویکردی کل‌نگر، دارای شناختی مناسب از مسائل آموزش عالی و حوزه رشته‌ای خود بودند. گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه نیمه



ساختارمند عمیق انجام شد و تا مرز اشباع داده ها ادامه یافت. دامنه سنی خبرگان بین ۴۲ تا ۷۱ سال با متوسط میانگین ۵۴/۷۵ سال بود. از نظر مرتبه علمی، ۱۴ نفر استاد، ۵ نفر دانشیار و ۱ نفر استادیار بودند. دامنه سنوات کاری افراد بین ۱۳ تا ۴۰ سال با متوسط میانگین ۲۴ سال بود. بعد از اتمام هر مصاحبه در فاصله زمانی کمتر از ۳۰ ساعت، پیاده سازی مصاحبه شروع شد و با مطالعه مکرر بیانات شرکت کنندگان، اصل سخنان ثبت شد. با در نظر داشتن مکث ها، احساسات، تاکیدها، و حالات چهره شرکت کنندگان، بازتاب ذهنی پژوهشگر از برداشت معنایی هر مطلب در ذیل هر پاراگراف ثبت می گردید. در تحلیل هر مصاحبه زیر نکات اصلی و آشکارخط کشیده می شد. در مواردی که پیام نه به طور کاملاً آشکار بلکه نقل از مضمون محتوا بود، مفهوم استخراج شده در متن استخراج شد. در پایان هر مصاحبه معنای کلی مطالب ثبت گردید. حاصل تحلیل کیفی داده ها در قالب یک مدل مفهومی و ارتباط بین هم‌زمانی دانشگاه و جامعه با توجه به ماهیت رشته بیان گردید. یافته ها: دامنه تعریف هم‌زمانی با جامعه در رشته های مختلف متفاوت بود. این تفاوت اگرچه تا حدی از کلیت حوزه رشته‌ای اعم از علوم پزشکی، علوم مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی تاثیر می پذیرد اما فراتر از این مرز بندی از ماهیت درون رشته‌ای نیز تاثیر می پذیرد. در برخی علوم ماهیتاً سهم کشف و توصیف روابط علی معلولی و تبیین چستی و چرایی بیشتر است، حال آنکه علم محض با عبور از جریان تولید، تلفیق، انتقال و کاربرد دانش به تدریج به مرحله تجویز دانش نزدیک می شود. اگرچه هم‌زمانی با جامعه تا حد زیادی از ماهیت رشته تاثیر می پذیرد اما در محیط دانشگاه، فراتر از مرزهای رشته ای بُعد حرفه ای معلمی و آموزش ضرورت توجه به هم‌زمانی با جامعه و حرفه ای‌گرایی را در همه رشته های دانشگاهی ایجاب می کند. نتیجه گیری: کارکرد هم‌زمانی با جامعه به ۴ علت «انتظار جامعه از دانشگاه»، «اعتماد جامعه به دانشگاه»، «ارتباط جامعه با دانشگاه» و نقش «مرجعیت دانشگاه برای جامعه» عنصر کلیدی در تعریف نقش حرفه ای اعضای هیات علمی دانشگاه است که فراتر از ویژگی های رشته ای ضرورت هم‌زمانی با جامعه را به عنوان یک کارکرد اصلی تبیین می کند. و ضروری است در برنامه ریزی آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.

کد: ۱۲۴۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: سخنرانی یا آموزش مبتنی بر مسئله (PBL): مقایسه دو

روش آموزش اخلاق پرستاری براسندلال اخلاقی دانشجویان پرستاری  
نویسندگان: سیده نیره فلاحان، رویا امینی، دکتر مهناز خطیبان، دکتر افشین فراهانچی، دکتر علیرضا سلطانیان  
کلیدواژه‌ها: آموزش اخلاق پرستاری، دانشجویان پرستاری، استدلال اخلاقی، یادگیری مبتنی بر مسئله، سخنرانی  
متن مقاله: زمینه وهدف: توانایی استدلال اخلاقی از ضروریات حرفه پرستاری است. آموزش استدلال اخلاقی در دوران دانشجویی زمان مناسبی برای اصلاح تصمیم گیری اخلاقی دانشجویان است. مطالعه حاضر با هدف مقایسه آموزش اخلاق پرستاری با دو روش مبتنی بر مسئله و سخنرانی بر استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری انجام گردید. روش ها: در مطالعه نیمه تجربی حاضر، ۶۶ دانشجوی سال چهارم دانشکده پرستاری و مامایی همدان، شرکت نمودند. یک گروه (۳۳ نفر) با روش سخنرانی و گروه دیگر (۳۳ نفر) با روش مبتنی بر مسئله تحت آموزش اخلاق پرستاری قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و آزمون معمای پرستاری ( Nursing Dilemma Test) بود که در سه مرحله (پیش، بلافاصله و بعد از آموزش) توسط دانشجویان تکمیل گردید. داده ها با نرم افزار ۱۶-SPSS در سطح اطمینان ۹۵٪ تجزیه و تحلیل شد. نتایج: دو گروه از نظر مشخصات فردی مانند جنس، سن، تاهل، سابقه کار، خوابگاهی بودن، معدل تحصیلی تفاوت معنی داری نداشتند. میانگین نمره استدلال اخلاقی گروه سخنرانی در مرحله قبل از آموزش ۸/۱۲±۴۹/۹۷ و در مرحله بلافاصله و یک ماه پس از آموزش به ۸/۴۸±۴۷/۶۱ و ۱۶/۴۲±۴۹/۹۱ رسید. میانگین نمره استدلال اخلاقی در گروه PBL در مرحله بلافاصله و یکماه پس از آموزش به ترتیب به ۷/۳۹±۵۱/۲۲ و ۷/۸±۵۰/۹۱ رسید. آزمون آماری آنالیز واریانس با داده های تکراری با P=۰/۵۴۱ اختلاف معنی‌داری از نظر میانگین نمره استدلال اخلاقی در گروه سخنرانی قبل، بلافاصله و یکماه پس از آموزش نشان نداد، لیکن بین میانگین نمره استدلال اخلاقی در گروه PBL قبل، بلافاصله و یکماه پس از آموزش اختلاف معنی داری (P=۰/۰۱۵) مشاهده شد. نتیجه گیری: گرچه هر دو روش آموزشی در ارتقای سطح استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری می تواند موثر باشد، روش یادگیری مبتنی بر مسئله سطح تکاملی اخلاق دانشجویان را نسبت به روش سخنرانی ارتقای بیشتری می بخشد. این مسئله ضرورت برنامه ریزی مناسب و آموزش های اخلاقی صحیح در محیط بالینی را نشان می دهد و باید در نظر داشته باشیم که



دوران دانشجویی زمان مناسبی برای آموزش اخلاق و ارتقاء استدلال اخلاقی دانشجویان است.

کد: ۱۲۵۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی سطح دل بستگی، میزان پرخاشگری و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

نویسندگان: فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر سوسن حسنزاده سلماسی  
کلیدواژه‌ها: پرخاشگری، سطح دل بستگی، پیشرفت تحصیلی دانشجویان

متن مقاله: زمینه و هدف: پیشرفت تحصیلی دانشجویان بمنظور کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری و کارایی نظام آموزشی در سه دهه اخیر یکی از مهم ترین مباحث نظام آموزشی ما بوده است. تحقیقاتی که پژوهشگران انجام داده اند و بحث های فراوانی که روانشناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت در این راستا دارند، صرفا بمنظور شناخت مناسب مساله و کشف راه حل های اساسی بمنظور پیشرفت تحصیلی می باشد. این مطالعه به بررسی سطح دل بستگی، میزان پرخاشگری دانشجویان و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی پرداخته است. مواد و روش این مطالعه یک بررسی پیمایشی است. ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر بطور تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار سنجش پرسشنامه استاندارد می باشد بمنظور سنجش پیشرفت تحصیلی نیز از معدل دانشجویان استفاده گردید. اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS و آماره های توصیفی و آزمونهای آماری تی مستقل، تحلیل واریانس یکطرفه مورد تجزیه و تحلیل شد. بمنظور تبیین پیشرفت تحصیلی توسط پیش بینی کننده های مورد مطالعه از رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. یافته ها نتایج نشان داد که میزان پرخاشگری دانشجویان در حد متوسط به بالا قرار دارد و رابطه معکوس و معنی داری بین پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی آنان مشاهده گردید. همچنین پیشرفت تحصیلی دانشجویان بلحاظ سطح دل بستگی آنان تفاوت معنی داری دارد و رابطه معکوس و معنی داری بین پیشرفت تحصیلی و سطح دل بستگی بدست آمد. و در نهایت حدود ۹ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی دانشجویان توسط پرخاشگری تبیین گردید. بحث: در این مطالعه ما با میزان پرخاشگری متوسط در دانشجویان دختر و پسر مواجه گردیدیم که با توجه به اینکه پرخاشگری در تحلیل رگرسیون تنها

تبیین کننده پیشرفت تحصیل دانشجویان در این مطالعه بود یعنی بیشترین تاثیر گذاری داشت بنابراین مسئولین و روانشناسان باید در صدد اندیشیدن تمهیدات لازم جهت تعدیل و کنترل برآیند.

کد: ۱۲۵۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: برنامه درسی پنهان و نقش آن در انتقال ویژگیهای حرفه ای گری

نویسندگان: جواد احمدلو، مریم روانی پور، محمد رضا یزدانخواه فرد، مهسا شریف جعفری

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی پنهان، حرفه ای گری

متن مقاله: مقدمه: برنامه درسی به عنوان یکی از ستونهای الزامی سازه علوم تربیتی نقش بی بدیلی در عملکرد های تربیتی داشته و حتی پا را از قلمرو رسمی بودن بیرون گذاشته، فرایندهای غیر رسمی را فرا گرفته است رسالت اصلی برنامه درسی در نظامهای آموزشی، دستیابی مخاطبان به اهداف غایی آن نظام و تربیت انسان مطلوب است در تربیت دانشجویان علوم پزشکی، علاوه بر دانش و مهارتی که برای پرداختن به این حرف ضروری است، باید به توسعه ارزشها، نگرشها، هنجارهای اخلاقی، مهارت های اجتماعی و بقیه ویژگیهایی که شکل دهنده رفتار های انسانی یا همان مهارت های حرفه ای گری است توجه شود. روش کار: در این مطالعه مروری مقالات انگلیسی زبان در پایگاه داده های سینهل و مدلاین و سید از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج: یافته ها نشان می دهد که اگر چه برنامه های درسی رسمی و آشکار بخش عمده ای از آموزشهای مراکز آموزشی علوم پزشکی را به خود اختصاص می دهند ولی همچنان حرفه ای گری در علوم پزشکی مورد تهدید است و نیاز به یک مداخله آموزشی مناسب دارد. بنابر این پر واضح است که در آموزش علمی و عملی علوم پزشکی به دانشجویان صرف پرداختن به برنامه درسی رسمی، و بی توجهی به برنامه درسی پنهان که در انتقال ارزشها، باورها و هنجارها یا بطور کلی آموزش اصول حرفه ای گری به مراتب قوی تر از برنامه درسی آشکار می باشد موجب تحویل محصولات نا کار آمد به اجتماع گردیده که نه تنها اثرات سازنده کمتری را برای جامعه و بیماران خواهد داشت بلکه خطراتی را نیز متوجه آنان خواهد نمود. نتیجه گیری: به نظر می رسد برنامه درسی پنهان نقش بی بدیلی را در انتقال ویژگیهای حرفه ای گری در آموزش علوم پزشکی به عهده دارد بنابراین نیاز



است که پرسشنامه ای با هدف تعیین نقش برنامه درسی پنهان در انتقال ویژگیهای حرفه ای گری از نگاه گروه های مختلف ذینفع تهیه و اجرا شود با امید به اینکه بتوان گامی مثبت در جهت آگاهی دادن به برنامه ریزان و افراد درگیر در امر آموزش پزشکی برداشته و به این وسیله توجه آنان را به شناسایی نقش برنامه های درسی پنهان و پیامدهای منفی و مثبت آن معطوف ساخت.

کد: ۱۲۵۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی سرمایه های روان شناختی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

نویسندگان: مریم شهودی، محمد حسنی، عطا...اسدی لویه، ماهدخت طاهری،

کلیدواژه‌ها: سرمایه روان شناختی، آموزش، دانشجویان پزشکی  
متن مقاله: مقدمه: سرمایه روان شناختی و مؤلفه های آن می‌توانند در زندگی تحصیلی دانشجویان رشته های علوم پزشکی نقش ارزنده ای ایفا کنند و آنها را با انرژی مثبت به سمت اهداف خود سوق دهند. این مطالعه با هدف بررسی سرمایه های روان شناختی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شد. روش ها: روش پژوهش، از نوع توصیفی-مقطعی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بودند که ۳۵۰ نفر از بین آنان انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه سرمایه روانشناختی بود که روایی و پایایی آنها تایید شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های t تک نمونه ای، t مستقل و در نهایت با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: نتایج نشان داد که دانشجویان ابعاد حرفه، خود، اجتماعی، فشار روانی و امید را پایین تر و یادگیری، رهایی و تاب آوری را بالاتر از میانگین ارزیابی کردند و بین دو جنس اختلاف معنی‌دار وجود نداشت. در بعد حرفه بین گروههای سنی، اختلاف معنی داری وجود داشت. نتیجه گیری: با توجه به ارتباط مثبت و معنی دار بین متغیرهای پژوهش، مسئولین و اساتید می‌توانند با پرورش و توسعه روحیه مثبت گرای و مثبت اندیشی در دانشجویان و ارتقای مؤلفه های روانشناختی آنها، خودکارآمدی، امیدواری، خوش بینی و تاب آوری نقش مهمی داشته باشند.

کد: ۱۲۵۴

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: تبیین شاخص های ارزیابی پاسخگویی اجتماعی موسسات آموزش علوم پزشکی در حوزه آموزش

نویسندگان: هاجر شیعه،

کلیدواژه‌ها: پاسخگویی اجتماعی، موسسات آموزش علوم پزشکی  
متن مقاله: زمینه و اهداف: در طول دو دهه گذشته مفهوم پاسخگویی اجتماعی به ویژه در زمینه اقدامات انجام شده در خصوص دستیابی به اهداف توسعه هزاره مطرح گردیده است. اگرچه پاسخگویی اجتماعی یک مفهوم منحصر به فرد به نظر می‌رسد ولی ممکن است در جاهای مختلف به اشکال متفاوتی ظاهر گردد. سازمان بهداشت جهانی مفهوم پاسخگویی اجتماعی را برای دانشکده های علوم پزشکی به این صورت تعریف نموده است: "تعهد برای هدایت فعالیت های آموزشی، پژوهشی و ارائه خدمت در جهتی که به اولویت نیازهای جامعه/ منطقه و کشوری که بایستی به آن ها خدمت رسانی نماید، بپردازد. فرآیند هایی که به وسیله آن اولویت نیاز های سلامت تعیین میشود از منطقه ای به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. حقیقتاً دانشکده های علوم پزشکی در زمینه پاسخ گویی اجتماعی پیشرفت هایی داشته اند و به دنبال اصلاحات مداوم جهت برآوردن نیاز های جامعه هستند. هدف آن ها مشارکت در ایجاد سیستم سلامتی است که فعالیت ها و خدمات آن مرتبط با نیاز های جامعه، با کیفیت، به لحاظ اقتصادی کارآ و عادلانه بوده و جامعه محلی، کشور و حتی جوامع بین المللی از منافع آن استفاده نمایند. اگر پاسخگویی اجتماعی بیش از یک ایده آل کلامی باشد پس باید به نتایج قابل اندازه گیری منجر گردد. هدف از اجرای این پژوهش تبیین شاخص های پاسخگویی اجتماعی در حوزه آموزشی می باشد. خلاصه روش ها: مرحله اول با مرور کامل مطالعات گذشته و تجارب سایر کشورها و مراکز آکادمیک در زمینه ارزشیابی مقوله پاسخگویی اجتماعی آغاز گردید بر اساس توافق نامه جهانی در خصوص پاسخگویی اجتماعی در علوم پزشکی و فعالیت های انجام شده جهت ارائه چارچوب و شاخص در مراکز آکادمیک، پیش نویس کلی از همه شاخص های موجود در زمینه آموزش جمع آوری گردید. مرحله بعدی این مطالعه به روش کیفی بوده و از روش دلفی ( در سه مرحله) جهت جمع آوری نظرات خبرگان جهت اعتبار بخشی به معیار ها و چهارچوب ارزشیابی پاسخگویی استفاده شده است. اعضای گروه خبرگان بین ۱۰-۱۲ نفر از اساتید هیات علمی و صاحب نظر در این زمینه بوده



اند. تایید شاخص ها در دور اول، بررسی میزان اهمیت شاخص ها در ارزشیابی پاسخگویی اجتماعی در دور دوم و بررسی منبع گرد آوری داده ها در دور سوم مورد بررسی قرار گرفته است. خلاصه یافته ها: براساس نظرات گروه خبرگان ۲۲ شاخص در دو زیر گروه پذیرش دانشجوی و برنامه آموزشی مورد تایید و اصلاح قرار گرفت و اهمیت و اولویت این شاخص ها در بازده نهایی موسسات آموزش علوم پزشکی در جهت پاسخگویی بیشتر مشخص گردید. در دور نهایی منبع گرد آوری داده در جهت ارزیابی این شاخص ها تعیین گردید و پیشنهادات گروه خبرگان در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه گیری: پیشرفت دانشکده ها به سمت پاسخگویی اجتماعی در حرفه های علوم پزشکی امکان پذیر و مطلوب است و این کار اولین گام در تربیت افراد با دانش، نگرش و مهارت های مناسب در حرفه های مختلف سلامت برای برآوردن نیازهای جامعه است. توصیف و تشریح مفهوم پاسخگویی اجتماعی و مثال هایی که در زمینه طراحی معیارها وجود دارد به دانشکده های پزشکی و دیگر دانشکده های علوم پزشکی در ساختن زیرساخت ها و پیشرفت به سمت پاسخگویی اجتماعی در زمینه و محیط خاص خود کمک می نماید و به نظر می رسد که پاسخگویی اجتماعی بایستی به صورت یک استاندارد عملکرد در موسسات آموزش علوم پزشکی در نظر گرفته شود.

با توجه به تعداد ۱۳۰۰ دانشجوی درحال تحصیل در دانشگاه، دانشجویان با معیارگذراندن حداقل دو ترم تحصیلی و داشتن سابقه تکمیل فرم ارزشیابی جاری، هم چنین تکمیل تمامی آیتم های پرسشنامه وارد این مطالعه شدند و ۲۵۰ فرم به صورت تصادفی با توجه به تعداد دانشجویان هر دانشکده از گروه های مختلف آموزشی انتخاب شد. پس از انجام روانسنجی پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید، پرسشنامه اصلاح شده در اختیار دانشجویان دانشکده های دانشگاه قرار گرفت. آیتم ها با توجه به مقیاس لیکرت از ضعیف تا عالی (نمره ۱ تا ۴) امتیاز بندی شد. نتایج: در مرحله روایی صوری فرم اولیه ارزشیابی تغییراتی در ظاهر آیتم ها داده شد و در مرحله روایی محتوی ۷ آیتم با توجه به ضروری بودن به سایر آیتم ها اضافه شد. در نهایت ۲۱ آیتم سوالات ارزشیابی را تشکیل دادند. که شامل: ۶ آیتم مربوط به بعد مهارت ارائه درس، ۴ آیتم مربوط به بعد مدیریت کلاس، ۵ آیتم مربوط به توان علمی آموزشی و ۵ آیتم مربوط به مهارت ارتباطی بود. مقدار عددی CVI برابر ۰/۸۲ و CVR برابر ۰/۷۸ به دست آمد. و میزان آلفای به دست آمده با آزمون آلفا کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

کد: ۱۲۶۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر مداخله آموزشی بر آگاهی، عملکرد، حساسیت و شدت درک شده در زمینه ی صرفه جویی در مصرف آب در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی بهبهان  
نویسندگان: معصومه علیدوستی، فخری دخت اکبری، تیمور ملکپور،

کلیدواژه ها: مداخله آموزشی، صرفه جویی، کم آبی، دانشجوی متن مقاله: مقدمه: کمبود آب یک جهانی است و توجه به آن به علت مسائل بهداشتی و نیاز اولیه و اساسی، دارای حساسیت بالایی است. در مدیریت بخش بهداشت و درمان نیز با کمبود منابع مالی مواجه هستیم بنابراین استفاده کارآمد از منابع محدود انرژی (آب، برق، گاز) می تواند به تثبیت نرخ خدمات بهداشتی درمانی کمک کند و این مطلب باید در رشته های مرتبط با بهداشت و درمان نهادینه شود. با توجه به محدودیت منابع آب، افزایش نیازهای آبی و وقوع خشکسالی های متناوب، صرفه جویی در مصرف آب و استفاده کارآمد از آن امری لازم و ضروری است و از آنجا که در حال حاضر در تمامی کشورها راهکار مقرون به صرفه مقابله با بحران کم آبی شناخت رفتار مصرف

کد: ۱۲۵۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بازنگری فرم ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید با تاکید بر ابعاد تدریس

نویسندگان: مریم محمدی

کلیدواژه ها: ارزشیابی، الگوی بتوریت و توماس، ابعاد تدریس متن مقاله: مقدمه: مشکل اصلی فرمهای ارزشیابی، نداشتن وزن برای آیتم ها می باشد، لزوم وزندهی در محاسبه امتیاز نهایی نیز در این خصوص بسیار حائز اهمیت است چراکه می تواند باعث بازخورد مناسب به طور دقیق و شفاف به اساتید مربوطه گردد در این راستا اقدام به بازبینی فرم ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید با تاکید بر ابعاد تدریس آنان شده است. مواد و روش ها: جهت انجام این کار از فرم ارزشیابی با محوریت فرمت پرسشنامه های وزارت بهداشت با ۱۸ آیتم و با توجه به الگوی بتوریت و توماس (در نظر گرفتن ابعاد تدریس) استفاده شد. روایی صوری، محتوی با تشکیل پانل خبرگان و روایی سازه آن با استفاده از نرم افزار آموس انجام شد. از آزمون آلفا کرونباخ جهت پایایی فرم ارزشیابی استفاده شد.



کنندگان و انجام مداخلات در زمینه ی اصلاح رفتار مصرفی می باشد لذا مطالعه ی حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر آگاهی، عملکرد، حساسیت و شدت درک شده در زمینه ی صرفه جویی در مصرف آب در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی بهبهان انجام شد. روش کار: این مطالعه ی تجربی در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۹۴ انجام شد. بطور تصادفی دانشجویان رشته اتاق عمل ورودی مهر ۱۳۹۲ وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سوالات سنجش آگاهی، عملکرد، حساسیت و شدت درک شده در زمینه ی بحران کم آبی و صرفه جویی در مصرف آب بود و با استفاده از روش همسانی درونی، آلفا کرونباخ  $a = 0/81$  بدست آمد. قبل از مداخله آموزشی پرسشنامه ها تکمیل شد سپس برنامه آموزشی بر اساس نتایج حاصل از پیش آزمون مواد آموزشی متناسب طراحی گردید و توسط پژوهشگر به صورت مستقیم و با استفاده از روش سخنرانی، روش های مشارکتی و فعال سازی توأم با پرسش و پاسخ، بحث گروهی و بارش افکار در ۳ جلسه ارائه گردید و پس از یک ماه مجدداً پرسشنامه تکمیل شد. در سوالات آگاهی، پاسخ صحیح نمره ۱ و پاسخ های غلط یا نمی دانم نمره صفر و برای سوالات خودگزارش دهی عملکرد که ۴ گزینه ای (هرگز، گاهی اوقات، اکثر اوقات، همیشه) بود، نمره دهی از ۰ تا ۳ در نظر گرفته شد. نمره گذاری سوالات حساسیت و شدت درک شده در مقیاس لیکرت ۶ گزینه ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و به این مورد فکر نکرده ام) از ۰ تا ۵ بود. همه داده ها به درصد تبدیل و در هر قسمت کمترین نمره صفر و بالاترین نمره ۱۰۰ شد و با آزمون آماری Paired T test تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان  $20/63 \pm 1/32$  سال بود. ۵۹ درصد دختر و ۴۱ درصد پسر بودند. میانگین نمره آگاهی، عملکرد، حساسیت و شدت درک شده قبل از مداخله ی آموزشی به ترتیب  $18/14 \pm 3/9$ ،  $17/34 \pm 4/9$ ،  $21/60 \pm 2/72$  و  $21/32 \pm 2/60$  و میانگین نمره متغیرها پس از مداخله ی آموزشی به ترتیب  $15/74 \pm 7/8$ ،  $15/91 \pm 8/6$ ،  $24/82 \pm 6/54$ ،  $21/03 \pm 9/31$  و  $21/03 \pm 9/31$  بود. افزایش نمره در هر ۴ حیطة از نظر آماری معنی دار بود.

کد: ۱۲۶۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژه ها: هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان پزشکی  
متن مقاله: سابقه و هدف: امروزه هوش هیجانی به عنوان یک موضوع جدید در بسیاری از علوم، به خصوص مدیریت و آموزش مطرح شده و رابطه آن با متغیرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که با توجه به اهمیت و نقش هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان، این پژوهش به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی شیراز می پردازد. روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی و مقطعی در دانشجویان پزشکی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقاطع (استیودنت، اینترن و اکسترن) پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و نمونه مورد نظر شامل ۱۰۰ نفر بوده است که به شیوه تصادفی و به شکل طبقه ای سهمی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه هوش هیجانی بردبری که شامل چهار بعد (خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت ارتباطی) می باشد که پایایی این پرسشنامه، با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تعیین شد. روایی آن نیز توسط اساتید و محققان این حوزه تأیید گردید. همچنین شاخص پیشرفت تحصیلی، معدل کل دانشجویان پزشکی بود. جهت تجزیه و تحلیل نتایج نیز از نرم افزار SPSS ۱۴ استفاده گردید. یافته ها: باتوجه به یافته های پژوهش، میانگین نمره کل هوش هیجانی  $16/37 + 1/04$  می باشد که باتوجه به دامنه نمرات هوش هیجانی (۱-۱۰۳)، نمره هوش هیجانی در سطح متوسط می باشد. همچنین از نتایج این مطالعه می توان فهمید که بین نمره کل هوش هیجانی و ابعاد آن با نمره کلی پیشرفت تحصیلی و ابعاد آن تفاوت معناداری وجود ندارد ( $p = 0/949$ ). همچنین بین هوش هیجانی با دیگر متغیرهای دموگرافیک (مقطع تحصیلی، وضعیت سکونت و جنسیت) نیز به ترتیب، تفاوت معناداری وجود نداشت ( $p = 0/606$ )، ( $p = 0/550$ )، ( $p = 0/808$ ). بحث و نتیجه گیری: باتوجه به نتایج مطالعه که حاکی از سطح پایین نمره هوش هیجانی دانشجویان پزشکی است، به نظر می رسد به منظور رسیدن به سطح بالایی از موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی، علاوه بر توانایی های کلی، دانشجو بایستی بتواند به رشد مناسبی در مؤلفه هایی همچون خود مدیریت، خودآگاهی، مدیریت ارتباطی و آگاهی اجتماعی که همگی از مؤلفه های هوش هیجانی هستند توجه نمود. به زبانی دیگر، می توان این گونه نتیجه گیری کرد که دانشجویان بدون داشتن چنین توانایی ها، قادر به یادگیری مناسب مطالب درسی و موفقیت تحصیلی و درآینده کسب جایگاه مناسب شغلی نخواهند بود.



کد: ۱۳۷۰

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: روشهای ارزیابی استدلال بالینی دانشجویان پزشکی: یک

مقاله مروری

نویسندگان: مریم برادران بی نظیر، فریبا سالک رنجبرزاده، پریسا نیک آسا،

Keywords: Assessment methods, clinical reasoning, undergraduate medical students

Introduction: Clinical reasoning is consisting of many different parts to teach and learn, and there are several assessment methods and it is important to find effective one. To determine suitable question types for assessing clinical reasoning in undergraduate medical students a literature study was carried out.

Methods: In the present review article, reputable internet databases since 2000 were investigated. Studies that considered methods of clinical reasoning assessment in undergraduate medical students were included in this review Results: literature review demonstrated that there are several question types or assessment methods of clinical reasoning included Highlighter Exercise, Learner Thinking Behavior Scale, Diagnostic Thinking Inventory, Key Features Examination, Script-Concordance Test, Concept Mapping, Extended Matching Question, Comprehensive Integrative Puzzle, Short Answer Question, Modified Essay Question and Virtual Patient Conclusion: Using a mix of existing question types is better than searching for or designing a new method.

کد: ۱۳۷۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: نظر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در مورد

اثربخشی ارزشیابی اساتید

نویسندگان: زهره داناصفهای

کلیدواژه‌ها: دانشجویان، ارزشیابی، اثربخشی، اساتید، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

متن مقاله: مقدمه: ارزشیابی یکی از مهم‌ترین پایه‌های ارتقای کیفیت آموزش می‌باشد که هدف اصلی آن بهبود برنامه‌های آموزش و فعالیت‌های اعضای هیأت علمی است. نتایج ارزشیابی می‌تواند به عنوان بازخوردی برای اساتید ارتقای نقاط ضعف و

شناخت نقاط قوت را در پی داشته باشد. یکی از روش های ارزشیابی که امروزه کاربرد زیادی دارد، ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان است. از آنجائیکه استفاده از نظرات دانشجویان بعنوان مشتریان اصلی اساتید دانشگاه در بهبود کیفیت آموزشی اهمیت بسزایی دارد اما در خیلی از دانشگاهها دیده شده به علت عدم مشارکت داوطلبانه دانشجویان جهت مشارکت در ارزشیابی اساتید خود آنها را با استفاده از ابزارهایی مثل عدم رویت نمره و عدم انتخاب واحد و... مجبور به ارزشیابی اساتید خود می نمایند که از نظر علمی این ارزشیابی فاقد ارزش می باشد. لذا این پژوهش به دنبال علت عدم تمایل دانشجویان جهت مشارکت در ارزشیابی اساتید است. روش ها: در این مطالعه توصیفی-مقطعی ابتدا با توجه به اهداف تحقیق پرسشنامه ای بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای تنظیم گردید و دیدگاه دانشجویان را در مورد کیفیت، زمان، روش ارزشیابی و همینطور طریقه بازخورد نتایج آن مورد سنجش قرار داد. پرسشنامه در اختیار ۳۴۰ نفر از دانشجویان مقاطع مختلف در رشته های متفاوت که به روش خوشه ای - تصادفی انتخاب شدند قرار گرفت و ۲۹۰ پرسشنامه کامل جمع آوری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روشهای آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد ۵۴٫۳ درصد دانشجویان از روند کنونی ارزشیابی اساتید رضایت دارند. اکثریت معتقدند سوالات روشن و واضح است و و برای انجام این فرآیند مناسبند. زمان اجرای ارزشیابی از نظر اکثر دانشجویان مناسب نیست و ۵۶ درصد آنها زمان بعد از امتحان را گزینه مناسبی برای ارزشیابی اساتید معرفی کرده اند. ۴۶٫۵ درصد دانشجویان معتقدند که دانشجو ملاک معتبری برای ارزیابی اساتید است و ۴۰٫۲ درصد تلفیقی از دانشجو، مدیر گروه و مرکز مطالعات را برای ارزشیابی اساتید مناسب میدانند. ۶۴٫۵ درصد دانشجویان معتقدند که استفاده مدیران از نتایج ارزشیابی اساتید به میزان زیادی باعث ارتقاء کیفیت آموزشی خواهد شد. اکثریت دانشجویان به میزان ۵۸٫۷ درصد موافق با این موضوع هستند که ارزشیابی اساتید توسط دانشجو باعث بهبود عملکرد اساتید خواهد شد. اکثریت دانشجویان به میزان ۴۷٫۸ درصد می گویند مسئولین دانشگاه به نمره ارزشیابی دانشجو از اساتید اهمیت کمی میدهند و ۱۷٫۸ درصد معتقدند که ارزشیابی اساتید توسط دانشجو در نظر مسئولین بی اهمیت است. در این تحقیق بین سابقه دانشجو و نظر او (p=۰/۰۳) رابطه معنی داری وجود داشت. بحث و نتیجه گیری: دانشجویان از اهمیت ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان واقف هستند و معتقدند که استفاده مدیران از نتایج ارزشیابی اساتید به



میزان زیادی باعث ارتقاء کیفیت آموزشی خواهد شد و ارزشیابی استاد توسط دانشجو باعث بهبود عملکرد اساتید خواهد شد.

کد: ۱۲۸۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی سطح تکامل اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: سیده نیره فلاحان، رویا امینی، دکتر مهناز خطیبان، دکتر افشین فراهانچی، دکتر علیرضا سلطانیان  
کلیدواژه‌ها: تکامل اخلاقی، دانشجویان پرستاری، نظریه تکامل اخلاقی کلبِرگ

متن مقاله: مقدمه: با پیشرفت دوران تحصیل انتظار می‌رود دانشجویان پرستاری به سطح مناسبی از تکامل اخلاقی دست یافته و در ورود به کار بالینی تصمیمات اخلاقی صحیحی اتخاذ نمایند. با توجه به اهمیت موضوع این مطالعه با هدف تعیین سطح تکامل اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شد. روش کار: در این مطالعه توصیفی-همبستگی تعداد ۶۶ نفر از دانشجویان سال چهارم با روش نمونه‌گیری سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع‌آوری داده‌ها توسط پرسشنامه دو قسمتی که شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد معمای پرستاری (Nursing Dilemma Test) کلبِرگ بود، انجام شد. سطح تکامل اخلاق دانشجویان پرستاری در سه سطح پیش عرفی، عرفی و پس عرفی تعیین شد. همچنین نمره تفکر اخلاقی و ملاحظات بالینی نیز بررسی گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۱۶ توسط آزمون تی مستقل و همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد. نتایج: ۱۹٪ دانشجویان در سطح پیش عرفی، ۳۶٪ در سطح عرفی و ۴۵٪ از آنان در سطح تکامل اخلاقی پس عرفی قرار داشتند. میانگین نمره تفکر اخلاقی  $47/52 \pm 8/13$  و در سطح متوسط قرار داشتند و میانگین نمره ملاحظات بالینی دانشجویان پرستاری  $20/32 \pm 4/205$  بود. بین سطح تکامل اخلاقی دانشجویان با سن ( $p=0/402$ ) جنس ( $P=0/499$ )، معدل تحصیلی ( $p=0/640$ ) وضعیت تأهل ( $P=0/103$ )، محل سکونت ( $P=0/804$ ) و سابقه کار دانشجویی ( $P=0/724$ ) آنان ارتباط آماری معنی داری یافت نشد. نتیجه‌گیری: نمره سطح تکامل اخلاقی نیمی از دانشجویان پرستاری در حد مطلوب بوده و جهت ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی باید این مقوله در مجموعه دروس نظری و کارآموزی دانشجویان گنجانیده شود. کلیدواژه‌ها: تکامل اخلاقی، دانشجویان پرستاری، نظریه تکامل اخلاقی کلبِرگ

کد: ۱۲۹۳

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: موانع موثر در توسعه یادگیری الکترونیکی در آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
نویسندگان: پریسا نبیئی،

کلیدواژه‌ها: یادگیری الکترونیکی، آموزش پزشکی، موانع توسعه متن مقاله: مقدمه: دانشگاه های علوم پزشکی، علاوه بر ارائه خدمات بهداشتی درمانی به مردم، وظیفه تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز جامعه را بر عهده دارند. این امر ایجاب می‌کند که آموزش پزشکی به صورت مداوم تحت بازنگری قرار گرفته و با رفع کاستی‌ها در ارتقاء آن کوشش شود. فرآیند آموزش پزشکی تحت تاثیر عوامل و متغیرهای متعددی قرار دارد: دانشجو، استاد، عرصه آموزش، روش‌های آموزشی، منابع آموزشی، روند رو به رشد تکنولوژی‌های آموزشی و یادگیری الکترونیکی از جمله این عوامل هستند. روش کار: کلیه دانشجویانی که به عنوان دانشجوی آموزش پزشکی به صورت مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در طی سه سال گذشته ثبت نام کرده بودند به روش سرشماری به عنوان نمونه انتخاب شدند ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه موانع توسعه یادگیری الکترونیکی بود که توسط رضایی (۱۳۸۷) ساخته شده و ایجاد تغییراتی در این پژوهش استفاده شد. اطلاعات جمع‌آوری شده در مقیاس لیکرت با نرم افزار SPSS ۱۴ تجزیه و تحلیل شد. نتایج: نتایج بررسی نشان داد تعداد کم کارشناسان مسئول آموزش پزشکی در گروه، نگرانی اساتید و مقاوت آن‌ها در برابر تغییر و ورود تکنولوژی جدید آموزشی از جمله مهمترین موانع توسعه یادگیری و موانع انسانی می‌باشد و سلامت و سرعت خطوط ارتباطی جهت برقراری ارتباط، آشنایی و تسلط در دانشجویان به برنامه‌های رایانه‌ای و شیوه برقراری ارتباط نیز از جمله مهمترین موانع زیر ساختی و تجهیزاتی آموزش مجازی در این دانشگاه می‌باشد و همچنین نتایج نشان داد دسترسی دانشجویان مجازی به کتابخانه الکترونیکی، امکان رجوع دانشجویان به اساتید جهت رفع مشکلات خود در زمینه درسی و میزان انتقال فرهنگ دانشگاهی از طریق آموزش الکترونیکی از مهمترین موانع اجرایی و در نهایت کافی نبودن سرمایه‌گذاری و اعتبارات مورد نیاز جهت آموزش و یادگیری الکترونیکی مهمترین مانع اعتباری می‌باشد. بحث و نتیجه‌گیری: توسعه مهارت‌های یادگیری الکترونیکی در بین اعضاء هیات علمی و دانشجویان و برنامه‌ریزی برای تعامل





الکترونیکی بین اساتید و دانشجویان می تواند در توسعه فضای لازم جهت پیشبرد یادگیری الکترونیکی در دانشگاه ها اثرگذار باشد. لذا درک نگرش کاربران به یادگیری الکترونیکی و موانع توسعه آن در سطح دانشگاه و کشور، به ایجاد فضای یادگیری مناسب تری برای آموزش کمک می کند.

اجرای روش های نوین یادگیری در جامعه دانشگاهی تاکید دارند. نتایج این مطالعه همچنین حاکی از آن است که یادگیری توسط همتایان در افزایش اعتماد به نفس و کاهش اضطراب و استرس فراگیران و توسعه و پیشرفت آنان در مسئولیت های آینده شان موثر است.

کد: ۱۳۰۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش روش های مطالعه و یادگیری با استفاده از روش یادگیری از طریق همتایان در دانشجویان تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژه ها: یادگیری از طریق همتایان، فراگیران، اساتید، روش های مطالعه و یادگیری

متن مقاله: سابقه و هدف: از ابتکارات قابل توجه در زمینه ارتقای توانمندی فارغ التحصیلان دانشگاه ها، استفاده از توانمندی ها دانشجویان در آموزش به یکدیگر در سیستم کارآمد و نوین به نام یادگیری از طریق همتایان می باشد. در همین راستا، مرکز مطالعات و توسعه شیراز اقدام به برگزاری و اجرای دوره آموزشی روش های مطالعه و یادگیری در قالب یادگیری از طریق همتایان جهت دانشجویان تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شیراز و بررسی تاثیر این روش آموزشی نموده است. روش بررسی: این مطالعه به صورت شبه تجربی و در دو بخش کمی و کیفی انجام گرفت. در این مطالعه، گروه دانشجویی تغذیه در دروس روش های مطالعه و یادگیری به کمک اساتید یک دوره آموزش از طریق همتایان را براساس فراخوان عمومی و به شکل رقابتی در زمینه ۱۵ موضوع اصلی روش های مطالعه و یادگیری به صورت هفته ۲ جلسه، برای ۳۵ نفر از دانشجویان تغذیه برگزار و اجرا گردد. یافته ها: در بخش کمی در ۹ مورد از موضوعات درسی، نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار میانگین نمرات فراگیران بین پیش آزمون و پس آزمون بوده است. بدید معنا که میزان آگاهی و دانش دانشجویان شرکت کننده در دوره روش های مطالعه و یادگیری، قبل و بعد از شرکت، تفاوت معناداری داشته است. همچنین نتایج حاصل از نظر سنجی از کیفیت آموزش های این دوره، بیانگر رضایت شرکت کنندگان است. نتایج بخش کیفی هم حاکی از نیاز و ضرورت حضور و نظارت اساتید بر دوره آموزشی از سوی فراگیران است. بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه و مطالعات پیشین، تطابق زیادی با یکدیگر داشته و همگی آنها بر تاثیرات بی شمار و سازنده

کد: ۱۳۰۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارزیابی تاثیر روش های مختلف آموزشی بر میزان یادگیری از دیدگاه دستیاران تخصصی بخش چشم دانشگاه علوم پزشکی شیراز-۱۳۹۳

نویسندگان: منصور مسجدی، الهام علی پور، مرضیه کاوه، راضیه نشاط اور

کلیدواژه ها: مقدمه: از آنجایی که آموزش های بالینی یکی از فعالیت های تسهیل کننده محیط بالینی است و ایجاد مهارت در دستیار منجر به انجام مراقبت با کیفیت بیمار می گردد. دانشگاه ها رسالت ترتیب یک نیروی، کارآمد و متخصص را برعهده دارند. که در این زمینه ارایه روش های مختلف آموزشی باعث افزایش انگیزه در فراگیر می گردد. هدف پژوهش ارزیابی تاثیر روش های مختلف آموزشی بر میزان یادگیری از دیدگاه دستیاران گروه چشم است. روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی نظرات ۲۳ نفر از دستیاران سال اول تا سوم گروه چشم روش های مورد بررسی شامل راندا آموزشی، درمانگاه سرپایی و ژورنال کلاب، کنفرانس های آموزشی، همراهی با استاد و مطالعه فردی و... در قالب یک پرسشنامه ۱۱ سوالی که هر سوال مربوط به یک روش آموزشی بود، جمع آوری گردید. تاثیر این روشها به صورت طیفی از رضایتمندی (مقیاس لیکرت پنج گزینه ای) ارزیابی گردید. ابزار سنجش، پرسشنامه محقق ساخته است که روایی صوری و محتوایی توسط اعضا هیات علمی تایید گردید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰.۸۰ بود. نتایج: میزان رضایت مندی در سطح خیلی زیاد و زیاد در آیتم های تاثیر گزارش صبحگاهی، تاثیر درمانگاه سرپایی از لحاظ دستیاران سال سوم و تاثیر راند بخش از لحاظ دستیاران سال سوم و دوم و همچنین تاثیر همراهی با استاد جهت مشاوره پزشکی سال اول، دوم و سوم در نظر گرفته شد و از لحاظ دستیاران سال اول آیتم های تاثیر گراند راند، تاثیر ژورنال کلاب، تاثیر جلسات مورتالیته و موریبیدیته، تاثیر مطالعه فردی امتیاز داده شد. میزان رضایت مندی در سطح متوسط در آیتم های راند بخش، مطالعه های فردی از لحاظ



دستیاران سال دوم و تاثیر درمانگاه سرپایی و همراهی با دستیار ارشد از لحاظ دستیاران سال اول در نظر گرفته شد. میزان رضایت مندی در سطح کم و خیلی کم راند بخش و جلسات مورتالیتهی وموربیدیتهی از لحاظ دستیاران سال سوم در نظر گرفته شد. بحث ونتیجه گیری: چون هدف از این مطالعه ارتقا و بهبود سطح کیفی و کمی آموزشهای بالینی و افزایش یادگیری دستیاران تخصصی توصیه میگردد که مدیران وبرنامه ریزان آموزشی گروه چشم در محتوا و ارایه برنامه ریزی آموزشی به تاثیر درمانگاه سرپایی و راند بخش توجه بیشتری داشته باشند و پیشنهاد می گردد که مدت زمان دو مورد فوق در هفته بیشتر گردد. در حیطه های کم و خیلی کم نیاز به بررسی و تبیین مشکلات و علل از تاثیر نارضایتی یادگیری طی مطالعات آینده و باز خود به گروه مربوطه به همراه ارایه راهکارها و بررسی مجدد پس از اعمال تغییرات ارزیابی دوباره انجام شود. در مجموع از آنجا که مطالعات مشابه در زمینه نگرش کادر آموزش و درمان نسبت به مقایسه روشهای مختلف آموزشی و تاثیر آنها در یادگیری، انگشت شمار هستند لزوم بررسی بیشتر و بحث در این زمینه بخوبی بارز می باشد.

کد: ۱۳۰۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژهها: سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی و اعضای هیأت علمی متن مقاله: سابقه و هدف: سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که به تازگی در مطالعات آموزشی، مورد توجه قرار گرفته است و می توان آن را مجموعه ای از هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی که موجب ارتقای تبادلات و سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن هزینه های ارتباطات می گردند، تعریف کرد. از سوی دیگر، رضایت شغلی در یک سازمان باعث ایجاد روحیه اعتماد و تعاون، کاهش جابجایی و تغییرات نیروی انسانی می شود، لذا با توجه به اهمیت این متغیرها در احساس انسجام سازمانی، در این پژوهش، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رضایت شغلی در اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می پردازیم. روش بررسی: این پژوهش از نوع مقطعی و توصیفی- تحلیلی می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش، تمامی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد که ۱۲۰ نفر از آنها با توجه به نظر مشاور آماری، به

عنوان نمونه به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند. ابزار جمع آوری اطلاعات نیز، پرسشنامه ای محقق ساخته بوده است که روایی محتوایی آن توسط اعضای هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه شیراز مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی آن نیز با استفاده از فرمول کرونباخ با ضریب برابر ۰.۸۷ تأیید شده است. آزمون مورد استفاده تحلیل نتایج نیز، ضریب همبستگی پیرسون بوده است. یافته ها: نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر آن بود که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن شش گانه آن (اعتماد، رهبری و مشارکت مدنی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت سیاسی تنوع در معاشرت ها و دوستی ها و توانایی برقراری وابط اجتماعی غیر رسمی) با رضایت شغلی رابطه مثبت و معناداری برقرار بوده است. همچنین بین سن و رضایت شغلی اعضای هیأت علمی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ( $p=0/003$ ) ولی بین رضایت شغلی و جنسیت در این مطالعه رابطه معناداری یافت نشد ( $p=0/005$ ). بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد دیگر زمان آن رسیده است که موضوع سرمایه اجتماعی از یک بحث علمی پا فراتر نهاده و ابتدا در مراکز که در سطح بالاتر علمی قرار دارند و سپس در سازمان های تابع آنها و به طور کلی در سطح جامعه مطرح گردد و با برگزاری کارگاه های آموزشی در جهت استفاده از این سرمایه و تقویت آن، آگاهی های لازم داده شود. همچنین مدیریت دانشگاه، توجه بیشتری را در جهت افزایش شبکه های ارتباطی اعضای هیأت علمی مبذول کند.

کد: ۱۳۱۲

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی میزان آشنایی اساتید در استفاده از فناوری اطلاعات در فرآیند یاددهی و یادگیری در آموزش رشته پزشکی نویسندگان: صدیقه مختارپور

کلیدواژهها: فناوری اطلاعات، یاددهی، یادگیری

متن مقاله: مقدمه: ارتقای کیفیت آموزش در هر مقطع و رشته تحصیلی مستلزم کاربرد اصول و فنون برنامه درسی است. کاربرد فنون برنامه درسی با توجه به مبانی آن و اجرای اصول یادگیری، در بازنگری و بهبود برنامه ها و آموزش های موجود در دانشگاهها و مراکز تربیت نیروی انسانی حایز اهمیت است. در رشته پزشکی اساتید به نگرشی نیازمندند که جسارت استفاده از فناوری و خطرپذیری را تقویت کند و الهام بخش تفکر یادگیری مستمر و مادام العمر آنها باشد. روش کار: با توجه به ماهیت موضوع مورد پژوهش روش تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد حجم



نمونه مورد استفاده در این پژوهش ۱۰۰ نفر (۵۵ اساتید زن و ۴۵ نفر اساتید مرد) دانشکده پزشکی می باشد. که از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار اندازه گیری در این پژوهش فرم پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج درجه‌ای لیکرت که با توجه به سؤالات و ویژه تحقیق و براساس مباحث برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری تدوین شده و روایی صوری و محتوایی آن را کارشناسان و متخصصان تأیید کردند و پایایی آزمون با محاسبه ضریب آلفای کرانباخ ۰/۸۶ به دست آمد. نتایج: به منظور بررسی میزان شناخت اساتید از فناوری اطلاعات از آزمون T تک متغیره استفاده شد که نتایج نشان داد میزان آگاهی اساتید از فناوری اطلاعات بیشتر از متوسط می باشد. از دیگر نتایج این پژوهش ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام داشته‌اند که معتقدند که ورود فناوری باعث یاددهی و یادگیری بیشتر دروس در حد متوسط و بالاتر است. و همچنین در مجموع ۷۸ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام داشته‌اند که شناخت آنان نسبت به اصول یادگیری در حد متوسط و بالاتر است. بحث و نتیجه گیری: در این زمینه بایستی به منظور بازآموزی و توانمندسازی حرفه‌ای اساتید کارگاههای آموزشی طراحی و اجرا گردد تا از طریق آن زمینه آگاهی و شناخت بیشتر اساتید از برنامه‌ریزی درسی، اصول و روشهای یادگیری بیش از پیش فراهم شود.

کد: ۱۳۱۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت و مهارت های ارتباطی بین فردی در دانشجویان دانشکده پرستاری -مماپی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ۱۳۹۳

نویسندگان: احمد عباسی

کلیدواژه‌ها: اعتیاد به اینترنت، مهارت های ارتباطی بین فردی - دانشجویان دانشکده پرستاری -مماپی

متن مقاله: بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت و مهارت های ارتباطی بین فردی در دانشجویان دانشکده پرستاری -مماپی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ۱۳۹۳ مهستی گنجو-استاد راهنما- عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر احمدعباسی -دانشجوی کارشناسی پیوسته تکنولوژی جراحی - عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مهدی بختیاری نیا - دانشجوی کارشناسی پیوسته تکنولوژی جراحی -عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر روح انگیز دهدار- دانشجوی کارشناسی پیوسته تکنولوژی

جراحی -عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر سیما جلیلی- دانشجوی کارشناسی پیوسته تکنولوژی جراحی -عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مقدمه: زندگی بشر تحت تاثیر تغییرات وسیع صنعتی، اجتماعی، فرهنگی، دچار تحول شده است. در سال های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و فناوری ابزار های متعددی به جهان عرضه شده است. اینترنت و ابزارهای اینترنتی به عنوان پرستاده ترین و جذاب ترین قسمت فناوری ها شناخته شده اند. کاربردهای فراوان و جذابیت بسیار آن بخصوص بین قشر جوان و نوجوان جوامع سبب شده که پدیده ای با عنوان "اعتیاد به اینترنت" ظهور یابد. ارتباط فرآیند انتقال پیام ها، ایده ها، حقایق، اطلاعات و نگرش ا. یک شخص به شخصی دیگر است که اجازه می دهد اطلاعات و ایده های انتقال یافته به عمل تبدیل گردد. از سوی دیگر توانایی برقراری ارتباط، مهارت اساسی برای انسان است که بعضی از افراد نسبت به سایرین در این زمینه از مهارت بیشتری برخوردار هستند. اهداف و روش ها: این مطالعه یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که با هدف تعیین ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و مهارت ارتباط بین فردی در دانشجویان سال اول دانشکده پرستاری ممایپی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به روش سرشماری انجام می گیرد. برای جمع آوری یافته ها از دو پرسشنامه ی اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ و پرسشنامه ی مهارت های ارتباطی بین فردی منجمی زاده استفاده شده است تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. یافته ها: واحد های پژوهش ۱۰۰ نفر بودند که به روش سرشماری وارد پژوهش شده اند. از این تعداد ۷۷ درصد زن (۷۷ نفر) و ۲۳ درصد مرد (۲۳ نفر) بوده اند. میانگین سنی افراد شرکت کننده در پژوهش هم ۲۰/۷۶ (با انحراف معیار ۱/۵۸) گزارش شده است. میانگین امتیازهای مربوط به اعتیاد به اینترنت ۳۸/۷ با انحراف معیار ۱۴/۴۱ بوده است. میانگین امتیازهای مربوط به مهارت های ارتباطی بین فردی ۶۵ با انحراف معیار ۱۱/۵۱ بوده است. بین امتیازهای اعتیاد به اینترنت و مهارت های ارتباطی بین فردی ارتباط معنی دار وجود نداشت ( $p > 0.05$ ). میانگین امتیازهای اعتیاد به اینترنت در خانم ها ۳۷/۰۲ (انحراف معیار ۱۳/۳۱) و میانگین امتیازهای اعتیاد به اینترنت در آقایان ۴۴/۱۳ (انحراف معیار ۱۶/۸) بوده است که بین این دو ارتباط معنی دار بوده است ( $p = 0.037$ ). میانگین امتیازهای مربوط به مهارت های ارتباطی بین فردی در خانم ها ۶۴/۴ (انحراف معیار ۱۱/۲) و این میانگین در آقایان ۶۷/۰۸ (انحراف معیار ۱۵/۲۴) بوده است اما بین این دو میانگین



در دو جنس مونث و مذکر ارتباط معنی دار نبود ( $p < 0/05$ ). بحث و نتیجه گیری: اعتیاد به اینترنت با عباراتی نظیر اختلال ناشی از استفاده بیش از حد از اینترنت یا استفاده نامعقول و بیمارگونه از آن تعریف میشود. اعتیاد به اینترنت زمینه تخریب سلامت روابط، احساسات و در نهایت روان افراد را فراهم نماید. با توجه به نتایج پژوهش درصد زیادی از دانشجویان مشکل ارتباطی را نشان داده اند. به نظر می رسد

کد: ۱۳۲۲

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی کیفیت دوره ۷ ساله پزشکی عمومی از دیدگاه فارغ التحصیلان این رشته در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نویسندگان: شیرین قنواتی

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، آموزش پزشکی، فارغ التحصیلان.

متن مقاله: چکیده: مقدمه: دستیابی به کیفیت مطلوب در آموزش مستلزم ارزیابی کیفیت آموزش ارائه شده و سپس ایجاد تغییرات لازم در جهت ارتقاء سطح موجود می باشد. نظر به اینکه توجه به نظرات فارغ التحصیلان از مراکز آموزش پزشکی برای بررسی کیفیت این آموزش ها بسیار حائز اهمیت است بر آن شدیم تا در این مطالعه کیفیت آموزش ارائه شده در دوره ۷ ساله پزشکی عمومی را از دیدگاه فارغ التحصیلان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز بررسی کنیم. روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه با استفاده از روش های آمیخته (Mixed Method) می باشد که به ترتیب دارای دو بخش کمی و کیفی بوده است. بخش کمی این مطالعه را کلیه فارغ التحصیلان پزشکی ورودی ۱۳۸۳ تشکیل می دهند. ابزار جمع آوری اطلاعات را پرسشنامه AAMC تشکیل می دهد که روایی آن توسط اساتید گروه آموزش پزشکی شیراز و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در ۲۰ دانشجوی به صورت آزمایشی ۸۶٪ تعیین شد. ضمناً داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS ۱۴ شدند و تجزیه و تحلیل شدند. بخش کیفی، به روش Focus Group از تعدادی از دانشجویان برتر پزشکی و اساتید صاحب نظر دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام گردید. یافته ها: در این مطالعه ۵۵ نفر از دانشجویان متشکل از ۴۴ نفر دانشجوی دختر (۸۰٪) و ۱۱ نفر دانشجوی پسر (۲۰٪) پرسشنامه AAMC را تکمیل نمودند. ۴۰٪ از شرکت کنندگان در مطالعه در حیطه علوم پایه و ۳۴٪ از افراد مورد مطالعه حیطه علوم بالینی پزشکی را از نظر شیوه ادغام مباحث علوم پایه با تجارب بالینی مناسب دانستند. همچنین حدود ۴۰٪ از شرکت

کنندگان، کیفیت تعلیمات آموزشی در بخش های عمده (Major) و حدود ۶۰٪ از افراد کیفیت تعلیمات در بخش های کوچک (Minor) را مناسب و مطابق با اهداف آموزشی از پیش تعیین شده دانستند. از نظر ارتباط بین میزان موفقیت در دروس پیش از دانشگاه و میزان موفقیت در دروس دانشگاه که بر کیفیت خدمات آموزشی در دیدگاه دانشجویان اثرگذار باشد؛ تفاوت معناداری وجود نداشت ( $p = 0/37$ ). در بخش کیفی نقاط ضعف و قوت گروه های آموزش علوم پایه و علوم بالینی مورد بررسی قرار گرفت و بر این اساس بهترین و ضعیف ترین گروه ها لیست گردید. نتیجه گیری: اگرچه گروه های آموزشی مختلف در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در حال انجام فعالیت های روزمره خود هستند اما پس از بررسی نتایج این مطالعه، به نظر می رسد که نیازمند به حرکتی پویا، عمیق و منسجم در بسیاری از بخش های آموزشی هستیم و این مهم نه تنها جهت کسب رتبه های کشوری و یا حتی جهانی، بلکه جهت تربیت پزشکانی است که با احساس توانمندی کافی از دانشکده های پزشکی کشور فارغ التحصیل می شوند، می باشد.

کد: ۱۳۳۶

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی تحلیل پایایی آزمون های برگزار شده در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز- نیمسال اول تحصیلی ۹۳

نویسندگان: نجمه بردبار،

کلیدواژه‌ها: تحلیل آزمون، ضریب پایایی، ضریب کودرریچاردسون  
متن مقاله: مقدمه آزمون که در پایان دوره تحصیلی میزان یادگیری فراگیران را می سنجد باید پایا باشد. به این معنی که اگر این آزمون را در فاصله کوتاهی چندین بار به گروه واحدی از افراد بدهیم نتایج حاصله نزدیک به هم باشد. اگر آزمون در هر بار اجرا نتایج متفاوتی بدهد آن آزمون پایا نخواهد بود. هدف این پژوهش تعیین پایایی آزمون های برگزار شده در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز- نیمسال اول تحصیلی ۹۳ می باشد. روش مطالعه این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی می باشد و در آن پایایی تعداد ۶۴ آزمون مقطع فیزیوپاتولوژی و بالینی برگزار شده در دانشکده پزشکی در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳ با استفاده از نرم افزار تحلیل آزمون مورد بررسی و ضریب کودرریچاردسون مورد محاسبه قرار گرفته است. یافته ها نتایج نشان داد که از بین ۶۴ آزمون مورد بررسی، تعداد ۳۴ آزمون مربوط به مقطع بالینی و ۳۰ آزمون مربوط به مقطع فیزیوپاتولوژی می باشند. در مقطع



بالینی ۵۸/۸ درصد از آزمون ها دارای ضریب کودرریچاردسون بالاتر از ۶/۰ بوده اند و در مقطع فیزیوپاتولوژی ۵۰ درصد آزمون ها دارای ضریب کودرریچاردسون بالاتر از ۰/۶ بوده اند. بنابراین آزمون ها از پایایی مناسبی برخوردار می باشند. بحث و نتیجه گیری نتایج نشان داد مقادیر ضریب کودرریچاردسون این آزمون ها و نحوه تدوین سوالات از یک ضریب پایایی مناسبی برخوردار می باشد اما به نظر می رسد که در طراحی سوالات بایستی دقت بیشتری شود تا مقدار ضریب پایایی به یک نزدیک تر گردد. پیشنهاد می شود که پایایی هر سوال به تفکیک مورد بررسی قرار بگیرد و سوالاتی که از پایایی اندکی برخوردار هستند حذف شوند و سوالات پایاتری جایگزین گردد.

کد: ۱۳۵۰

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: تحول نظام سلامت: چالش ها و دستاوردها - مطالعه کیفی

نویسندگان: محمدرضا یوسفی

کلیدواژه ها: هیئت علمی بالینی تمام وقت، برنامه راهبردی، فعالیتهای آموزشی و پژوهشی - طرح تحول سلامت  
متن مقاله: زمینه و هدف: در چشم انداز ۲۰ ساله، ارتقاء کیفیت نظام سلامت یکی از اولویتهای و یک طرح ملی است لذا طرح تحول نظام سلامت بعد از پیروزی انقلاب، برنامه بی نظیر بوده و یک برنامه جهادی و بزرگ است. که جامعه پزشکی بدون ارتباط مالی مستقیم با بیمار بهترین خدمات را به مردم ارائه نماید لذا در راستای افزایش رضایت مندی مردم در بهره مندی از خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از بودجه دولتی و با هدف بهبود کیفیت خدمات و کاهش دغدغه ها و هزینه های درمانی مردم اجرا شد. به منظور استفاده مفیدتر از خدمات و توانمندیهای علمی و تخصصی اعضای هیأت علمی و پزشکان متخصص از طریق حضور و فعالیتهای بیشتر در دانشگاه، طرح تمام وقت جغرافیایی پزشکان در طرح تحول نظام سلامت به اجرا گذاشته شد. مطالعه حاضر با هدف بررسی چالش ها و دستاوردهای طرح تحول سلامت از دیدگاه اعضای هیئت علمی بالینی تمام وقت دانشکده پزشکی گرگان انجام شده است. روش مطالعه: این مطالعه به روش کیفی و از رویکرد مطالعه موردی استفاده شده است. شرکت کنندگان اعضای هیئت علمی بالینی تمام وقتی دانشکده پزشکی گرگان که در طرح تحول سلامت مشارکت داشته، می باشند. نمونه گیری بر اساس مبتنی بر هدف و حجم آن تا اشباع داده هامی باشد. داده های مطالعه از طریق مصاحبه عمیق جمع آوری شده است. متن

مصاحبه های استخراج شده باروش و نمان در چهار مرحله مورد تحلیل محتوایی موضوعی (Text Analysis) قرار گرفتند. یافته ها در قالب مضمون های بدست آمده معرفی، توصیف و تفسیر می شوند و کدهای مفهومی (تم ها) از آن استخراج و در دو قسمت فواید و چالش ها با بیست و یک مفهوم اصلی وزیر مفهوم های مربوطه دسته بندی شدند. یافته ها: نتایج حاصل در قسمت دستاوردها شامل دسترسی تمام افراد جامعه به خدمات پزشکی، ایجاد فرصت آموزشی و ویزیت بیماران با ارائه خدمات علمی روز، افزایش تعداد و تنوع بیماران و درآمدزایی بیمارستانها، کاهش هزینه های درمانی برای افراد جامعه و سوق دادن این هزینه ها بسمت بیمه ها، پاسخگویی به نیازهای تخصصی و فوق تخصصی جامعه می باشد. در قسمت چالش ها شامل ناپایداری منابع و نظارت کیفی نا کافی و پویا، کمبود نیروی انسانی، عدم اجرای کامل و جامع قانون تمام وقتی در همه سطوح سازمانی و بی اعتمادی به آن، واقعی نبودن تعرفه ها و پرداختی ها در بعضی رشته ها، تحمیل شدن هزینه با پرسنل و داروهای اضافی بر بیمار، توجه نا کافی به جایگاه سازمانی و هویت شغلی، درمان محور بودن و افت کیفیت آموزش با افزایش حجم کار درمانی و اجرایی و کاهش انگیزه اعضای هیئت علمی تمام وقت برای انجام وظایف آموزشی بدلیل عدم معادل سازی آنها در نظام پرداخت کارانه می باشد بحث و نتیجه گیری: نگاه کلان طرح تحول، کیفیت بخشیدن به خدمات بهداشتی و درمانی است ولی همواره بعلت درمان محور بودن طرح، نگرانی اینکه آموزش مورد غفلت واقع شود، وجود داشته است. در این زمینه سه عامل مهم برخوردار از هویت مستقل پزشکی، منافع مالی بخش خصوصی در بعضی رشته ها و ثبات آینده حرفه ای پزشکی در این مطالعه تعیین کننده بوده است و پایداری منابع در طرح تحول سلامت در این مطالعه از چالش های مهم بوده است. ایجاد عدالت اجتماعی و دسترسی تمام افراد جامعه به خدمات پزشکی، با حضور و فعالیت بیشتر اعضای هیأت علمی طرح تمام وقت و پزشکان متخصص مقیم در بیمارستان های دولتی فراهم می گردد. و با واقعی نمودن تعرفه ها و نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد و با معادل سازی وظایف آموزشی در نظام پرداخت کارانه و راه اندازی کلینیک های ویژه بعنوان مطب، هویت شغلی آنان حفظ و موجب افزایش رضایت مندیشان می شود و انجام پرسنل و تجویز داروهای اضافی و هزینه ها کاهش می یابد.

کد: ۱۳۵۱

حیطه: روش های تدریس



عنوان: آموزش استدلال منطقی به روش باز گروپ

نویسندگان: ارسلان مرادی

کلیدواژه‌ها: پزشکی مبتنی بر شواهد- المپیاد- اساتید- دانشجویان  
متن مقاله: مقدمه و بیان مساله: پیشرفت های سریع در دانش و خصوصاً دانش پزشکی نیاز به تجدید نظر در هدف گذاری ها دارد؛ زیرا در آینده نیازمند افرادی هستیم که به صورت خلاقانه و گروهی بتوانند به حل مسائل کشور بپردازند. در واقع روش آموزش سنتی در دانشگاه ها در بیشتر مواقع مخلوطی از اطلاعات را به دانشجویان ارائه می دهد، اما آنان را در تجزیه و تحلیل، اولویت بندی و دانش های نوپدید که لازمه تفکر انتقادی بوده و منجر به یادگیری موثر می شود، را رها می کند. یکی از روش های رفع این مشکل برگزاری و طراحی مسابقه ای است که مهارت حل مساله بصورت تیمی جزء ارزش های آن باشد. از رویدادهای مهم علمی کشور المپیادهای دانشجویی می باشد که سبب افزایش اعتماد به نفس و شکوفایی استعداد دانشجویان و تقویت کار گروهی برای رفع مشکلات سلامت کشور می گردد که المپیادهای علوم پزشکی با توجه به اثرات مستقیم علوم پزشکی در سلامت مردم اهمیت دو چندان پیدا می کند. روش اجراء این فرآیند که با طراحی پوستر و ارسال آن به همراه نامه به معاونت های آموزشی دانشکده ها و بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه، مکان های پر تردد دانشگاه و همچنین فرستادن نامه به هسته استعداد درخشان مستقر در دانشکده ها، از طریق نشریه درخشش مربوط به ادراه استعدادهای درخشان دانشگاه که در هر ماه دو بار چاپ می شود و همچنین از طریق سایت اداره و هماهنگی با سایت دانشگاه برای گذاشتن فراخوان در صفحه اصلی سایت نیز اقدام به اطلاع رسانی به دانشجویان شد. علاوه بر این از طریق پیامک انبوه به تمامی دانشجویانی که شماره آن ها در سیستم دانشگاه ثبت شده بود نیز فرستاده شد. از تمامی دانشجویان علاقه مند در حیطه های مورد نظر ( شامل حیطه علوم پایه، استدلال بالینی، مدیریت نظام سلامت و حیطه هنر در پزشکی) توسط مرکز استعدادهای درخشان ثبت نام به عمل آمد. و از دانشجویان پست الکترونیک و شماره تماس آن ها دریافت گردید. مرکز استعداد درخشان طی رایزنی با اساتید علاقه مند مجرب و توانای عضو هیئت علمی، برای هر حیطه، یک نفر از اساتید به عنوان مسئول حیطه معرفی گردید. نتایج: جهت برگزاری این دوره های آموزشی، از اساتید علاقه مند و توانا برای تدریس و همکاری دعوت به عمل آورد. همچنین از دانشجویان مستعد علاقه مند و مدال آور سال

های گذشته از ایشان نیز برای کمک گرفتن در امر آموزش و انتقال تجربیات استفاده شد. علاوه براین برای مشارکت بیشتر دانشجویان و تقویت کار گروهی از روش های باز گروپ شامل: پیچ، مهمه و غیره استفاده شد. و بدین ترتیب کلاس ها به طور منظم برگزار گردید. با توجه به منابع معرفی شده برای هر حیطه مرکز استعداد درخشان، نسبت به تهیه کتب، مقالات و پرینت جزوات آموزشی مورد نیاز دانشجویان همت گماشت و در اختیار ایشان قرار گرفت. اسامی نفرات برگزیده بعد از امتحان غربالگری درون دانشگاهی به وزارتخانه اعلام و کلاس ها با نفرات برگزیده با جدیت بیشتری پیگیری شد. در نهایت کسب مدال تمامی دانشجویان شرکت کننده در المپیاد و کسب دو مدال طلا در حیطه استدلال بالینی و حیطه هنر در آموزش پزشکی نشان دهنده روند مثبت و روبه رشد در این زمینه می باشد.

کد: ۱۳۵۶

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: ارزیابی وضعیت سلامت و کیفیت زندگی اعضای هیات

علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۹۳

نویسندگان: منصور مسجدی، محمود نجابت، معصوم معصوم

پور، مهرداد عسکریان، راضیه نشاط آور، لیلا معینی

کلیدواژه‌ها: اعضای هیات علمی، رضایت زندگی، سلامت عمومی.

متن مقاله: مقدمه: در راستای وظیفه خطیر اعضای هیات علمی در آموزش دانشجویان، بدیهی است وضعیت سلامت عمومی و کیفیت زندگی بر عملکرد آنها تاثیر فراوانی دارد. دانشگاه ها به عنوان متولی ارتقای این وضعیت مسئولیت توجه به این حیطه ها را بر عهده دارند. بنابراین پژوهش حاضر به منظور تعیین وضعیت سلامت و کیفیت زندگی اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی تدوین گردیده است. روش بررسی: مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و مقطعی و جامعه پژوهش ۶۰ نفر از اعضای هیات علمی گروه های بالینی می باشد. ابزار گردآوری دادهها، پرسشنامه ای ترجمه شده ۴۳ سوالی با معیار لیکرت در مورد سلامت عمومی، احساس رضایت از زندگی و محیط کار بود که روایی محتوایی آن توسط اعضای هیات علمی تایید شد. یافته ها: تعداد ۷۶/۷٪ مرد و ۲۱/۷٪ زن بودند. میانگین سن ۴۴/۱۵ سال بود. سلامت عمومی در سطح خوبو بالای ۵۰٪ بود. میزان رضایت از زندگی و رضایت از محیط کار در سطح خیلی خوب به ترتیب ۵۶/۷٪ و ۶۳/۶٪ بود. همبستگی بین سن، جنس و وضعیت تاهل با میزان رضایت از زندگی و رضایت از محیط کار رابطه معنی داری را نشان نداد اما بین سطح



سلامت عمومی با متاهل بودن رابطه معنی داری نشان داده شد) نتیجه گیری: نتایج نشانگر نیاز مبرم به برنامه ریزی مدون از سوی دانشگاه ها جهت ارتقای وضعیت سلامت و کیفیت زندگی اعضای هیات علمی می باشد. به عنوان اولین قدم نیازسنجی، توجه به مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی می باشد زیرا بر روی عملکرد آموزشی، پژوهشی و بالینی اعضای هیات علمی تاثیر فراوانی دارد.

کد: ۱۳۶۰

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: طراحی چارچوبی برای ارزیابی صلاحیت بین فرهنگی

اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی

نویسندگان: مجتبی موسوی بزاز، عاطفه ذبیحی ززولی، حسین

کریمی مونتقی

کلیدواژه‌ها: صلاحیت بین فرهنگی، تحول نظام سلامت، اعضای

هیات علمی

متن مقاله: مقدمه: طبق طرح تحول نظام سلامت، عدالت همه جانبه همراه با رعایت کامل اصول و اخلاق حرفه‌ای اصل نخست بوده و باید تمامی افراد بر اساس نیاز خود از مراقبت‌های سلامت بهره برند. از جمله گام های مهم جهت پیاده شدن این اصل، ارتقا صلاحیت فرهنگی تیم مراقبت بهداشتی می باشد زیرا عناصر آن، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های بهداشتی و پیشرفت پیامدهای سلامتی بازی می‌کنند و عناصر آن پاسخگوی بسیاری از موضوعات مطرح شده در طرح تحول نظام سلامت کشور می‌باشد. در این بین نقش و اثرگذاری اعضاء هیات علمی به عنوان الگو و آموزش دهنده نیروی بهداشتی کشور برکسی پوشیده نیست بنابراین در ابتدای امر باید به ارزیابی سطوح این صلاحیت در آنان پرداخت. لذا هدف از این مطالعه طراحی چارچوبی برای ارزیابی صلاحیت فرهنگی اساتید بوده است. روش بررسی: روش جمع آوری اطلاعات به صورت مطالعه آرشیوی، دو جلسه مصاحبه گروهی با حضور ۱۴ عضو هیات علمی کارشناس در زمینه صلاحیت فرهنگی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۶ عضو هیات علمی منتخب جهت رسیدن به اشباع بوده است. شرکت کنندگان بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و سپس به روش گلوله برفی و با حداکثر تنوع وارد مطالعه شدند. اطلاعات کسب شده از مشارکت کنندگان در مصاحبه و جلسه بحث گروهی به وسیله روش کلایزی (Colaizzi) تحلیل شد. یافته‌ها: متخصصان عوامل بین فرهنگی را به عنوان عنصری مهم و موثر بر تمامی جنبه‌های

نظام سلامتی در نظر گرفتند و بیشترین تاکیدشان بر تعامل بین اساتید با دانشجویان (در نقش معلم) و بیماران (در نقش پزشک) بوده است. ۲۱ مولفه برای صلاحیت بین فرهنگی اساتید به دست آمد و این مولفه‌ها در سه حیطه دانش (آگاهی نسبت به ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی گوناگون)، نگرش (ارزش‌ها، باورها و شناخت‌هایی که منشا هنجارهای حرفه‌ای می‌باشند) و رفتاری (نشان دادن نگرش و دانش فرد در عمل) قرار داده شدند. رعایت انصاف و عدالت در رفتار حرفه‌ای (آموزشی - درمانی - پژوهشی) در مواجهه با افراد از فرهنگ‌های گوناگون یکی از مؤلفه‌های حیطه رفتاری چارچوب فوق می‌باشد که به طور خاص اصل نخست طرح تحول نظام سلامت را مورد توجه قرار داده است. نتیجه‌گیری: با ارزیابی صلاحیت فرهنگی اساتید، می‌توان هم در راستای ارتقای کیفیت آموزش و هم در راستای ارائه مراقبت ایمن و بیمار محور گام برداشت و در جهت برنامه‌ریزی جامعی برای ارتقا این صلاحیت در دانشجویان و اساتید اقدام کرد تا موجبات افزایش رضایتمندی جامعه، در نتیجه پاسخگویی اجتماعی تیم سلامتی را فراهم نمود.

کد: ۱۳۶۲

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی سطوح تاکسونومی سوالات آزمون ارتقا دستیاری

دانشگاه علوم پزشکی قزوین (۹۱-۹۳)

نویسندگان: فریبا درخشان، دکتر عباس علمای،

کلیدواژه‌ها: تاکسونومی، آزمون ارتقا، دستیار

متن مقاله: مقدمه: آزمون های چند گزینه ای از رایج ترین نوع آزمون در آموزش علوم پزشکی می باشد که بهبود کیفیت سوالات آزمون به ویژه در دوره های تخصصی از سوی وزارت متبوع همواره مورد توجه بوده است. هدف از این تحقیق ارزیابی سطوح تاکسونومی سوالات آزمون ارتقای دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در طی سال های ۹۱ تا ۹۳ و مقایسه با استاندارد می باشد. روش کار: در یک مطالعه توصیفی- مقطعی سوالات آزمون ارتقا دستیاری پزشکی در سال های ۹۱ تا ۹۳ در ۷ رشته تخصصی اطفال، بیهوشی، زنان، روان شناسی، قلب، داخلی و جراحی بررسی شد. تاکسونومی سوالات بر اساس طبقه بندی بلوم در سه سطح یک (یادآوری، محفوظات)، دو (درک، فهمیدن) و سه (قضوت، کاربرد) تعیین گردید. سپس اطلاعات توسط نرم افزار SPSS ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: در مجموع ۳۱۵۰ سوال از نظر تاکسونومی بررسی شد. (۱۰۵۰ سوال به هر سال تحصیلی



اختصاص داشت). نتیجه تحلیل‌ها نشان داد در سال ۹۱، ۳۵/۶ درصد سوالات در سطح تاکسونومی یادآوری، ۲۶/۳ درصد در سطح درک و ۳۸/۱ درصد در سطح کاربرد بوده است. در سال ۹۲، ۴۰/۴ درصد سوالات تاکسونومی یک، ۲۲ درصد سوالات تاکسونومی دو و ۳۷/۶ درصد سوالات تاکسونومی سه بودند. در سال ۹۳ به ترتیب ۳۸/۲ درصد، ۲۶/۹ درصد و ۳۴/۹ درصد سوالات تاکسونومی یک، دو و سه به ترتیب ۳۸/۱ درصد، ۲۵ درصد و ۳۶/۹ درصد بدست آمد. نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد سوالات طراحی شده با تاکسونومی دو و سه ۶۱/۹ درصد می باشد که کمتر از حد استاندارد است (استاندارد تاکسونومی دو و سه برای گروه های post graduated برابر با ۸۰ درصد است) لذا پیشنهاد می گردد با برگزاری دوره های آموزشی توجه اساتید را در طراحی سوالات آزمون ارتقا با تاکسونومی بالاتر جلب نمود.

کد: ۱۳۶۴

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: طراحی استانداردهای آموزش بالینی کاردانی فوریت‌های

پزشکی

نویسندگان: شهرام رستاک، شهرام یزدانی، نوید محمدی، معصومه

ضیائیه

کلیدواژه‌ها: آموزش - استانداردهای مرجع - خدمات فوریت‌های

پزشکی

متن مقاله: مقدمه: امروزه حرکت کیفی به سمت آموزش‌های بهینه و کارآمد در نظام‌های تعلیم و تربیت امری ضروری است و لازمه این امر انطباق برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و مدیریتی با رشد حرفه‌ای، دانش تولید شده و استانداردهاست. این مطالعه به منظور طراحی استانداردهای آموزش بالینی دوره کاردانی فوریت‌های پزشکی انجام شد. روش کار: این مطالعه کیفی در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۳ طی چهار مرحله انجام شد. در مرحله اول، استانداردهای داخلی و خارجی در رابطه با آموزش بالینی و آموزش کاردان فوریت پزشکی (EMT Intermediate) از طریق اینترنت استخراج شد. در مرحله دوم، با بهره‌گیری از این استانداردها و اظهار نظر اساتید راهنما و مشاور و ۶ نفر از مسئولین مراکز فوریت پزشکی و اعضای هیأت علمی گروه فوریت‌های پزشکی، ۱۰۸ استاندارد در ۶ حیطه تنظیم شد. در مرحله سوم، برگه نظرسنجی پیش‌نویس استانداردها همراه با سؤال باز جهت ارزیابی کیفیت و امکان‌پذیری استانداردها با استفاده از روش دلفی

و براساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف برای ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی گروه فوریت‌های پزشکی و ۱۰ نفر از مسئولین مراکز فوریت‌های پزشکی ارسال شد. در مرحله چهارم، داده‌های کمی با شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و همچنین داده‌های کیفی با تحلیل محتوا تحلیل شدند. با توجه به نظرها و بازخوردهای ارایه شده، تغییرات ضروری در استانداردها اعمال و حاصل کار برای اظهار نظر مجدد به کارشناسان ارایه و بعد از اجماع نظر، متن نهایی استانداردها آماده شد. یافته‌ها: ۱۰۵ استاندارد در ۶ حیطه زیر پیشنهاد شد: هیأت علمی و مدرسین بالینی (۱۴ استاندارد)، دانشجویان (۳ استاندارد)، برنامه آموزشی (۲۵ استاندارد)، منابع و تسهیلات (۱۶ استاندارد)، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری (۲۴ استاندارد) و پیامدهای خروجی (۲۳ استاندارد). بحث و نتیجه‌گیری: از نظر خبرگان، اکثر استانداردها مهم، شفاف، قابل اندازه‌گیری و در دانشگاه‌های مختلف، امکان‌پذیر بودند. انتظار می‌رود عملیاتی شدن مجموعه استانداردهای تدوین شده، آموزش بالینی مقطع کاردانی رشته فوریت‌های پزشکی را در ایران علمی‌تر و مؤثرتر سازد کلمات کلیدی: آموزش، استانداردهای مرجع، خدمات فوریت‌های پزشکی

کد: ۱۳۶۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: نظرات دانشجویان بالینی در مورد عوامل موثر در اثربخشی

ارزشیابی استاد توسط دانشجو در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: آزاده عازمیان،

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، دانشجویان، اثربخشی آموزش

متن مقاله: مقدمه: ارزشیابی بعنوان یکی از کارکردهای مهم آموزش شامل فرایند نظام دار جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات اطلاق می شود. واز ساز و کارهای پایش مداوم و بهبود اصلاح کیفیت آموزش می باشد. ارزشیابی عملکرد اساتید یکی از ابزارهای مهم در فرایند فعالیت های آموزشی است و این امکان را فراهم می سازد تا براساس نتایج حاصله، نقاط قوت و ضعف را تشخیص داده و با تقویت جنبه های مثبت در رفع نارسایی های آن گام مؤثری برداشته شود. از آنجایی که ارزشیابی استاد توسط دانشجو در نظام آموزش کشور، به عنوان بخش مهمی از فرایند ارزشیابی استاد می باشد، لازم است اهداف، مراحل اجرایی، روند و بازده آن به درستی مورد ارزیابی قرار گیرد. شناخت دیدگاه دانشجویان در مورد سوالات مطرح شده در فرم ارزشیابی استاد و روشهای اجرای آن می تواند راهنمای مفیدی برای اصلاح





مشکلات موجود فراهم آورد. به علاوه، شناخت نقاط قوت و ضعف روند اجرای ارزشیابی ها، به برنامه ریزان آموزش کمک می نماید تا با مشکلات و همچنین راهکارهای پیشنهادی آشنا و امکان اصلاح و ارتقای کیفیت آن را فراهم نمایند. از این جهت این مطالعه با هدف شناخت دیدگاه دانشجویان از سوالات مطرح شده در ارزشیابی استاد در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. روش کار: در یک پژوهش توصیفی - تحلیلی، کلیه اساتید و دانشجویان پزشکی مقطع بالینی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بصورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها توسط پرسشنامه ای خود ایفا که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت جمع آوری شد. پرسشنامه شامل ۲ بخش بود: مشخصات دموگرافیک و سوالات مربوط عوامل موثر در اثربخشی ارزشیابی استاد بود ( دانشجویان ۵۱ گویه). داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی، و بوسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: از بین ۵۶ دانشجوی شرکت کننده ۷۶/۵٪ زن و ۲۳/۵٪ مرد بودند. بیشترین تعداد دانشجویان (۹۲/۷٪) تفسیر و توضیح یافته های پاراکلینیک و مورد بحث قرار دادن موارد اورژانس را بسیار مهم می دانستند. همچنین ۹۲/۷٪ از دانشجویان حفظ احترام دانشجو توسط اساتید را مهم می دانستند و ۹۰/۹٪ معتقد بودند در برخورد استاد با دانشجو سوء گیری و تحقیر نباید وجود داشته باشد. همچنین ۸۹/۱٪ معتقد بود راند اساتید باید بصورت کاربردی و مفید باشد و مشارکت دادن دانشجو را در آموزش درمانگاهی مهم می دانستند همچنین ۸۸/۷٪ بکار بردن مثالهای کاربردی را بسیار مهم می دانستند و ۸۵/۵٪ قدرت استاد رادر رهبری و اداره کلاس بسیار مهم بیان کردند. نتیجه گیری: دیدگاه دانشجویان درباره عوامل مؤثر در ارزشیابی استاد نشان داد که با اندکی تفاوت، هر سه ویژگی حرفه ای، علمی و فردی استاد در ارزشیابی استاد مهم ارزیابی شده اند و اکثریت دانشجویان اظهار نمودند که در بیان نظراتشان درباره استاد صداقت دارند و ارزیابی آنان یک منبع معتبر و قابل اعتماد است. بنابراین، به نظر می رسد می توان از نظرات دانشجویان به عنوان یک بخش مهم در برنامه آموزش استاد نمود، ولی همراه با آن نواقص و کاستی های موجود را شناسایی و اصلاح نمود.

کد: ۱۳۷۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی ارتباط بین تیپ شخصیتی افراد با افسردگی در دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه شهر قزوین در سال ۹۳

نویسندگان: نغمه نصیری، شهرام رستاک، اصغر کاربرد، معصومه ضیائیها،

کلیدواژه ها: تیپ شخصیتی-افسردگی-دانش آموزان دبیرستان دخترانه-قزوین

متن مقاله: مقدمه: افسردگی یکی از بیماری های شایع دروان نوجوانی خصوصا در دختران بوده و به دلیل شکل گیری شخصیت در این دوران و سیر تحول سریع در رفتار فرد در صورت عدم توجه به رفتارهای نوجوانان در این سن سبب افزایش بروز اختلالات روانی مثل افسردگی خواهد شد، همچنین در پزشکی نوین، پژوهشگران عرصه علوم رفتاری، بر ارتباط بین ویژگی های روانی - اجتماعی و خصوصیات شخصیتی و الگوی رفتاری با بروز اختلالات روانی تأکید دارند. این مطالعه باهدف تعیین ارتباط بین تیپ شخصیتی و بروز اختلال روانی افسردگی در دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه شهر قزوین در سال ۹۳ انجام شده است. روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۶۰۰ نفر از دانش آموزان دختر دوره دبیرستان که بصورت نمونه گیری چند مرحله ای تعیین و انتخاب افراد به شکل تصادفی ساده انجام شد. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه که یک پرسشنامه استاندارد روان شناسی تعیین تیپ های شخصیتی و دیگری پرسشنامه روان شناسی تعیین اختلال افسردگی می باشد که توسط افراد آموزش دیده در دبیرستانهای دخترانه شهر قزوین تکمیل و با نرم افزار SPSS ۱۶ آنالیز و تحلیل شد. یافته ها: در این مطالعه دانش آموزان بامیانگین سنی (۱۶±۲) و ۷۷٪ در مدارس دولتی با ۴۶٪ بیشترین تیپ شخصیتی متمایل به A و تیپ شخصیتی A ۱۴٪ و تیپ متمایل به B ۲۴٪ و تیپ شخصیتی B ۱۶٪ مشخص گردید. میزان افسردگی در دانش آموزان: افسردگی بیش از حد ۱۰٪ و افسردگی شدید ۱۴٪ و ۱۰٪ نسبتا افسرده و ۱۶٪ نیاز به مشاوره داشتند و مابقی از اختلال روانی افسردگی قابل ملاحظه ای دیده نشد. بحث و نتیجه گیری: به منظور بررسی ارتباط بین تیپهای شخصیتی و اختلال افسردگی با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک مشخص گردید که بین تیپهای شخصیتی متمایل به A و تیپ متمایل به B با میزان افسردگی ارتباط معنی دار (p=۰/۰۵) دارد. همچنین بین عواملی مثل سن و وضعیت اقتصادی خانوار با افسردگی ارتباط معنی دار (p=۰/۰۵) دیده شد که این بیانگر نیاز ضروری مدارس به معلم روان شناس و روان کاو می باشد که باید وزارت آموزش و پرورش در رفع این نیاز اقدام خیلی سریع و بجایی انجام دهد.



کد: ۱۳۸۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر کاربرد آموزش نامه بالینی رشته اتاق عمل در

یادگیری دانشجویان

نویسندگان: زهرا تذکری، نازیلا وثوق، میترا زندیه، معصومه

آقامحمدی، معصومه رستم نژاد، غفت مظاهری، عدیله عالی، رافت

کاظم زاده، راحله محمدی، فره وش پروین درآبادی، پریسا حاج

محمدی،

کلیدواژه‌ها: دانشجویان، لاگ بوک، بزار آموزش نامه بالینی، رشته اتاق

عمل

متن مقاله: مقدمه: دوره کارآموزی اتاق عمل شامل آموزش بالینی

عمومی و عرصه می‌باشد، که طی این دوره دانشجویان با تکنیکها،

وسایل و نحوه رفتار در اتاق عمل (ارتباط با بیمار و تیم مراقبت) و

مدیریت وضعیت عادی و موارد اورژانس آشنا می شوند. وجود

راهبرد آموزشی مشخص و معتبر محیط را جهت یادگیری

هدفمند و همسان دانشجویان آماده می سازد، هدف از این مطالعه

بررسی تاثیر کاربرد آموزش نامه بالینی بر یادگیری دانشجویان

اتاق عمل بود. مواد و روش: یک مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۲۰

دانشجوی اتاق عمل ترم ورودیهای مختلف صورت گرفت. ابتدا

طی چندین جلسه ابزار آموزش نامه بالینی رشته اتاق عمل حاوی

یک چک لیست عمومی و ۲۱ چک لیست اختصاصی و برگه

ارزشیابی تکالیف و فعالیت های آموزشی (سناریو نویسی، ثبت باز

اندیشی و یادداشت نگاری) تدوین شد، و دانشجویان در هر ترم

تحصیلی بطور تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند.

گروه کنترل به روش معمول و گروه مداخله با استفاده از

ابزار آموزش نامه بالینی آموزش دیدند و یادگیری حیطه شناختی و

مهارتی دو گروه قبل و بعد مداخله مقایسه شد. یافته ها: نتایج

نشان داد، ۶۷٪ دانشجویان مونث و ۶۹٪ بومی بودند. میانگین

نمرات دانشجویان در حیطه یادگیری شناختی و مهارتی در هر

دو گروه افزایش یافته بود و در گروه مداخله نمرات در هر دو

حیطه بطور معنی داری بالاتر از گروه کنترل بود.

کد: ۱۳۸۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان تسلط و دیدگاه دانشجویان اتاق عمل در

تدوین طرح تحقیقاتی با دو روش پازل و سخنرانی

نویسندگان: زهرا تذکری، یوسف شفایی، اسماعیل فرزانه، هما

علیزاده، منصوره کریم الهی، مریم نمادی، آسیه موحدپور، مرضیه

محمدی

کلیدواژه‌ها: یادگیری در حد تسلط، یادگیری مشارکتی، پازل،

سخنرانی

متن مقاله: مقدمه: یکی از اهداف اصلی آموزش، یادگیری در حد

تسلط می باشد، منظور از تسلط مقدار یادگیری واقعی یادگیرنده

است که هم به بازده مطلوب یادگیری و هم به سطح قابل قبولی

از عملکرد که حاکی از توفیق در یادگیری باشد اشاره دارد.

آموزش مشارکتی، از جمله روش پازل از روشهای آموزشی نوین و

موثر در این حیطه می باشد، هدف این مطالعه مقایسه میزان

تسلط دانشجویان اتاق عمل در تدوین طرح تحقیقاتی با دو روش

سخنرانی و پازل، می‌باشد. روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه شبه

تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بود که بر روی ۳۳

دانشجوی سال سوم اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام

گرفت. دانشجویان کلاس ابتدا بطور تصادفی به دو گروه ۱۶

(پازل) و ۱۷ (سخنرانی) نفره تقسیم شدند و هر دو گروه مجدد به ۴

زیرگروه ۴ نفره تقسیم شد و فقط یک زیرگروه (سخنرانی) ۵ نفره

شد. دانشجویان دو گروه به مدت ۷ جلسه آموزش واحد درسی

روش تحقیق اتاق عمل را با دو روش فوق دریافت نمودند. قبل و

بعد برنامه آموزشی میزان تسلط دانشجویان در تدوین طرح

تحقیقاتی مورد بررسی قرار گرفت. برای سنجش میزان تسلط

دانشجویان از آزمون های مرحله ای «تکوین» و پایانی «تجمعی و

تراکمی» استفاده شد داده‌ها با استفاده از شاخص های فراوانی و

میان و آزمون‌های ویلکاکسون و من‌ویتنی و نرم افزار آماری

SPSS (ویرایش ۱۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: یافته

های این مطالعه نشان داد که میزان تسلط دانشجویان در تدوین

طرح تحقیقاتی در گروه پازل بطور معنی داری بالاتر از گروه

سخنرانی بود و این روش نه تنها بر یادگیری عمیق و مشارکت

دانشجویان بلکه در ایجاد علاقه و انگیزه به درس تاثیر مثبت

داشت، بطوریکه در گروه پازل در پایان ۷ جلسه، تسلط دانشجویان

علاوه بر تدوین طرح تحقیقاتی در مرحله اجرا نیز قابل توجه بود و

هر ۴ زیرگروه پازل طرح تحقیقاتی تدوینی را تا مرحله نمونه

گیری و تکمیل پرسشنامه پیش بردند. در حالیکه در گروه

سخنرانی دانشجویان تا مرحله تهیه پوپوزال پیش رفتند و تمایلی

به عملیاتی نمودن نشان ندادند و هیچ زیرگروهی طرح تحقیقاتی

تدوینی خود را تا مرحله اجرا پیش نبرد، بعلاوه دانشجویان از

روش پازل ابراز خرسندی نموده آنرا عامل علاقه و انگیزه به درس

روش تحقیق بیان نمودند نتیجه گیری: با توجه به تأثیر مطلوب

روش تدریس پازل بر میزان یادگیری در حد تسلط و کاربرد،



ایجاد انگیزه و ارتقاء تعاملات دانشجویی، پیشنهاد می شود از این روش تدریس جهت یادگیری روش تحقیق در کلاس های نظری و کمیته های تحقیقات دانشجویی علوم پزشکی استفاده شود.

کد: ۱۳۹۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی توصیفی تطبیقی چالش ها و راهکارهای آموزش مبتنی بر واقعیت مجازی در آموزش علوم پزشکی  
نویسندگان: فاطمه نریمانی، لیلیا غلام حسینی، باقر صادقیان، کلیدواژه‌ها: واقعیت مجازی، آموزش مجازی، آموزش الکترونیکی، آموزش پزشکی

متن مقاله: مقدمه: آموزش مجازی ارائه برنامه آموزشی مبتنی بر ابزار الکترونیکی است و دانشگاه ها و دانشکده های مجازی علوم پزشکی جهت ارائه خدمات بهداشتی-درمانی نیازمند تربیت نیروی انسانی متخصص به دلیل نقش مهم دانش آموختگان این رشته در جامعه می باشند. این امر موجب گردیده بهترین و کاراترین آموزش ها برای آموزش پزشکی همراه با بالاترین کیفیت آموزش بکارگرفته شود با توجه به محدودیت ها و خطرات فضای واقعی، از جمله راهکارهای قابل تامل، ایجاد فضای مجازی با کیفیت فضای واقعی و با کیفیت بالایی باشد با توجه به اهمیت تاثیر تکنولوژی، شناسایی اجزاء و عملکرد واقعیت مجازی، و استفاده از تکنولوژی واقعیت مجازی به تحقق آرمان های آموزش و کیفیت آموزش می گردد. روش اجرا: مطالعه حاضر بصورت توصیفی-تطبیقی با جستجوی وسیع پایگاه های اینترنتی، نشریات معتبر، SID، wisegeek، vrs.ensio.usr.dezmed، Google scholar و کتب مرتبط در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. راهکارهای اساسی درزمی چالش ها و راهکارهای آموزش مبتنی بر واقعیت مجازی در آموزش علوم پزشکی ارائه گردید. نتایج: آموزش علوم پزشکی سه مقطع پزشکی عمومی، تخصصی، مداوم پزشکی تقسیم می گردد. آموزش مبتنی بر واقعیت مجازی در این مقاطع به روش های مبتنی بر شبیه سازی، مبتنی بر تصویر، مبتنی بر پروژکتور و مبتنی بر صفحه نمایش DESKTOP و با ویژگی های، شبیه سازی، تجسم، واقع گریزی، حس حضور واقعی، احساس امنیت و از جمله کاربردهای آموزش مجازی، پژوهش و تحقیق تجربی و آزمایشگاهی طبقه بندی می گردد. و عناصر کلیدی آن دنیای مجازی، عجین شدن، فیدبک حسی (در پاسخ به ورودی های کاربر) و ارتباط متقابل و با استفاده از زبان های استاندارد وب مانند VRML، PGML و ابزارهای

ورودی) دستکش اطلاعات و HMD) و غیره می باشد جهت پیاده سازی این اصول به زیرساخت اساسی از جمله: زیرساخت فناوری و فرهنگ سازی و شاخص های برنامه ای، چشم انداز، امور مالی، ارتباطات، ساختار و استانداردها و... مورد نیاز می باشند. بحث: با توجه به این مهم که بدون وجود زیرساخت ها و اصول واقعیت مجازی، دانشگاه های علوم پزشکی از تحقق آرمان های آموزشی باز خواهند ماند. لذا راه های مقابله با این چالش؛ شبیه سازی حس بویایی، فیدبک صدا (Sound feedback)، فیدبک نیرو (Force feedback)، فیدبک لمسی (Touch feedback)، جمع آوری و تلفیق (Mix) داده ها از منابع مختلف، تلفیق دنیای واقعی و مجازی و سوییچ کردن از یکی به دیگری، شبیه سازی دقیق رفتار و خصوصیات بافت نرم (soft tissue) می باشد در این زمینه بررسی عوامل سازمانی، عوامل محیطی، تکنولوژی، منابع آموزشی، سواد اطلاعاتی، تشکیل کنسرسیوم جهت دستیابی به آموزش مبتنی بر واقعیت مجازی ضروری می باشند. این امر با ایجاد خط مشی، راهبردمشخص و ماموریت روشن می توان آینده موفق را پیش روی آموزش مجازی علوم پزشکی قرارداد.

کد: ۱۳۹۶

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی مقایسه ای تاثیر آموزش به روش الکترونیک، سخنرانی و ایفای نقش بر یادگیری و یادداری دانشجویان پرستاری

نویسندگان: حکیمه سابقی

کلیدواژه‌ها: آموزش مجازی، سخنرانی، ایفای نقش، یادگیری، یادداری، دانشجویان پرستاری

متن مقاله: مقدمه: گسترش روز افزون دانش پزشکی و پی آمد آن شناخت مشکلات متعدد و از طرف دیگر تغییر نگرش از یادگیری معلم محور به یادگیری فرا گیر محور در آموزش عالی مسئولیتی جدید را برای مدرسان و دانشجویان فراهم ساخته است که یکی از محورهای اصلی آن انتخاب مناسب ترین روش یادگیری می باشد. آموزش پرستاری زمانی می تواند پویایی خود را حفظ کند که به سمت نوآوری ها و استفاده از روش های نوین تدریس و یادگیری پیش رود. دستیابی به چنین هدفی مستلزم این است که مدرسان، در طراحی تدریس از شیوه های نوین آموزش استفاده کنند، لذا این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر آموزش به روش الکترونیک، سخنرانی و ایفای نقش بر یادگیری و یادداری دانشجویان



پرستاری انجام شد. روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۶۰ دانشجوی ترم ۴ پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد در دو گروه آزمون و کنترل در دو ترم تحصیلی متوالی انجام گردید. محتوای آموزشی در یک ترم به صورت آموزش مجازی و ایفای نقش و در ترم بعد به صورت سخنرانی ارائه شد. به منظور جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای مشتتمل بر دو بخش مشخصات دموگرافیک و آزمون سنجش یادگیری استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آمار تحلیلی شامل آزمون تی مستقل، تی زوج، من ویتنی، ویلکاکسون، کراسکالوالیس و اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: در این مطالعه میانگین و انحراف معیار نمره پس آزمون در گروه ایفای نقش  $16.13 \pm 1.37$ ، در گروه آموزش مجازی  $15.50 \pm 1.44$  و در گروه سخنرانی  $16.45 \pm 1.23$  بود که به ترتیب با اختلاف نمره  $15.43 \pm 1.84$ ،  $12.57 \pm 1.57$  و  $13.73 \pm 1.53$  نسبت به قبل از آموزش افزایش معنی‌داری داشته است.

کد: ۱۳۹۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر اجرایی شدن گایدلاین های درمانی مبتنی بر شواهد بر هزینه های سه داروی پرمصرف در بیمارستان شهید فقیهی شیراز  
نویسندگان: لاله محمودی، مجتبی شفیعی خانی  
کلیدواژه‌ها: تحول نظام سلامت، پزشکی مبتنی بر شواهد، گایدلاین، دارو

متن مقاله: مقدمه و اهداف: پزشکی مبتنی بر شواهد (EBM) موجب تغییر در تصمیم گیریهای سیاست گذاران سلامت از جنبه های اقتصادی مداخلات، به جنبه کیفیتی شده که به نوبه خود ارتقای مداوم خدمات بهداشتی را به دنبال خواهد داشت. بی شک اجرای طرح تحول نظام سلامت یک تحول بزرگ در حوزه سلامت کشور بوده که کاهش هزینه های درمان از طریق منطقی کردن تجویز دارو از اهداف اختصاصی این طرح به شمار می رود. استفاده از گایدلاین ها به منظور درمان بیماری ها، نقش به سزایی در بهبود الگوی مصرف داروها دارد. این مطالعه به منظور استقرار EBM، اجرای گایدلاین ها و بررسی تأثیر آن در کاهش هزینه های ناشی از مصرف نامناسب داروها در راستای اجرای طرح تحول نظام سلامت در بیمارستان فوق تخصصی شهید فقیهی شیراز انجام پذیرفت. روش کار: این مطالعه در سه فاز صورت گرفته است. در فاز اول داروهای پرمصرف و پر هزینه در

بیمارستان شهید فقیهی شیراز از طریق سیستم HIS بیمارستان بدست آمد که شامل پنتوپرازول تزریقی، آلومین و انوکسپارین بودند. سپس از طریق یک جستجوی سیستماتیک، گایدلاینهای مربوط به مصرف این داروها از منابع معتبر علمی استخراج گردید. گایدلاینهای مربوطه در اختیار گروه های آموزشی بیمارستان قرار گرفت تا اصلاحات لازم در این گایدلاینها صورت گیرد. سپس میزان مطابقت تجویز داروها با گایدلاین طی یک دوره یک ماهه در تمام بخش های بیمارستان ارزیابی شد. در فاز دوم مطالعه ضمن اطلاع رسانی به اساتید، جلسات آموزشی جهت پرستاران و دستیاران برگزار گردید. سپس فرمهایی بر اساس موارد صحیح تجویز دارو تهیه شد و درخواست داروها منوط به تعیین اندیکاسیون تجویز توسط پزشک معالج گردید. در فاز سوم در موارد مغایرت با گایدلاینها، متخصص داروسازی بالینی به پزشک معالج بازخورد می داد تا حتی الامکان در موارد غیر ضروری از تجویز دارو پرهیز شود. کاهش تعداد درخواست های خارج از گایدلاین و کاهش هزینه های ناشی از آن در این طرح جمع آوری و بررسی گردیدند. یافته ها: داروهای پنتوپرازول، آلومین و انوکسپارین ۵.۸٪ داروهای تجویزی بیمارستان را شامل می شدند در حالیکه ۳۰٪ هزینه های دارویی بیمارستان را به خود اختصاص داده بودند. هزینه تجویز این داروها به طور متوسط ۳۸۰۰۰۰۰۰ ریال در ماه بود. در بررسی اولیه طی یک ماه، ۷۶٪ تجویز پنتوپرازول، ۲۶٪ تجویز انوکسپارین و ۸۲٪ تجویز آلومین با گایدلاینها مغایرت داشت. در فاز مداخله از (مهر-دی ۱۳۹۳) ۲۷۳۲ درخواست دارویی مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد، ۵۹.۷٪ موارد نیاز به مداخله نداشتند. در ۴۰.۳٪ موارد مداخله صورت گرفت و ضمن بازخورد به پزشک معالج حتی الامکان از ادامه تجویز دارو جلوگیری شد. پیامد مداخله به طور متوسط منجر به ۶۴٪ کاهش در مصرف آلومین، ۳۵٪ کاهش در مصرف پنتوپرازول و ۵۵٪ کاهش در مصرف انوکسپارین گردید. کاهش مصرف این داروها به طور متوسط در هر ماه ۲۱۳۹۸۷۵۰۰۰ ریال صرفه جویی اقتصادی به همراه داشت. بحث و نتیجه گیری: امروزه EBM در آموزش شاخه های مختلف علوم پزشکی در سرتاسر جهان گنجانده شده است. همچنین EBM مبنایی در سیاست گذاری نظام سلامت به حساب می آید. یکی از موارد مورد تاکید در EBM استفاده از گایدلاینهای معتبر می باشد. از موارد مهم و مورد توجه در تدوین گایدلاینها، مبحث مدیریت و تعدیل هزینه ها است. بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه، اجرای گایدلاینها نه تنها منجر



به کاهش هزینه های دارو گردیده بلکه تا ۴۸٪ منجر به حذف موارد غیرضروری در مصرف داروهای مورد بررسی گردیده که میتواند به بهبود روند درمان بیماران کمک کند.

کد: ۱۴۰۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی کیفیت آموزش مهارت های بالینی در مرکز مهارت های بالینی از دیدگاه کارآموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: حسین خوشرنگ، ارسلان سالاری، ایده دادگران،

فاطمه مودب، لیلا روحی، آیدین پور کاظمی

کلیدواژه‌ها: آموزش، مهارت های بالینی، مرکز مهارت های بالینی، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: آموزش بالینی از مقاطع حساس آموزش پزشکی است که در شکل دهی توانمندی های حرفه ای فراگیران نقش عمده ای دارد. عدم توانایی دانشجویان پزشکی در زمینه کسب مهارت های بالینی می تواند از ضعف ها و مشکلات آموزشی در دانشگاه های کشور محسوب گردد. از این رو با توجه به اهمیت این امر، آموزش کارهای عملی پزشکی طی دو دهه اخیر در دانشکده های پزشکی دستخوش تحولات چشمگیر شده است و به سمت گسترش مراکز آموزش مهارت های بالینی رفته است. در همین راستا، مطالعه حاضر با هدف تعیین کیفیت آموزش های ارائه شده در مرکز مهارت های بالینی از دیدگاه کارآموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی بود. محیط پژوهش، مرکز مهارت های بالینی دانشگاه علوم پزشکی گیلان و جامعه پژوهش، کلیه کارآموزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان بودند که در سال تحصیلی ۹۳ برای گذراندن دوره آموزشی به مرکز مهارت های بالینی معرفی شده بودند. نمونه گیری به شیوه سرشماری بود که تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان را شامل می شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته (براساس بایدهای یادگیری مهارتهای عملی کارآموزان در کوریکولوم آموزشی پزشکی عمومی) مشتمل بر ۲۰ سوال می شد که برای ۸ گروه داخلی، کودکان، ارولوژی، زنان، ارتوپدی، بیهوشی، ENT و جراحی عمومی با توجه به مهارت های در نظر گرفته شده برای آموزش تهیه شده بود. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS صورت گرفت. نتایج: نتایج حاصل از

ارزشیابی کیفیت آموزش ارائه شده در مرکز مهارت های بالینی حاکی از آن بود که اکثریت دانشجویان کیفیت آموزش گروه داخلی را خوب (۵۸/۵)، کودکان متوسط (۷/۵۳)، زنان خوب (۷/۵۳)، ارولوژی خوب (۶۱/۵)، جراحی خوب (۵/۵۴)، ENT خوب (۱/۵۹)، ارتوپدی خوب (۵/۵۴) و بیهوشی را متوسط (۵۰/۵) می دانستند؛ همچنین ۲/۶۸ درصد از دانشجویان کیفیت کلی آموزش همه گروهها را خوب بیان داشتند. نتیجه گیری: از آنجا که برای تحویل مراقبت از بیمار ایمن و بهینه، آموزش بالینی با کیفیت بالا در دانشجویان پزشکی امری حیاتی است، پیشنهاد می گردد که کیفیت آموزش های ارائه شده در مرکز مهارت های بالینی به عنوان اولین مکان تبدیل آموخته های تئوری به عملی آنها، جهت ارتقای کمی و کیفی آموزش مورد ارزیابی قرار گیرد و برنامه ریزی صحیح براساس نتایج حاصل از آن برای آنها صورت گیرد.

کد: ۱۴۰۸

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی توصیفی تطبیقی راهکارها و چالشهای اجرا و پیاده سازی آموزش الکترونیک در حوزه آموزش علوم پزشکی نویسندگان: باقر صادقیان، لیلا غلام حسینی، فاطمه نریمانی کلیدواژه‌ها: کلید واژه، آموزش الکترونیک، آموزش پزشکی، اجرا آموزش الکترونیک

متن مقاله: چکیده مقدمه: آموزش الکترونیک ارائه برنامه آموزشی مبتنی بر ابزار الکترونیکی است. ودانشگاه های علوم پزشکی جهت ارائه خدمات بهداشتی-درمانی نیازمند تربیت نیروی انسانی متخصص می باشند. باتوجه به اهمیت تاثیر تکنولوژی، شناسایی اجزاء آموزش الکترونیک پزشکی و استفاده از تکنولوژی به تحقق آرمان های آموزش و کیفیت آموزشی منجر می گردد. روش بررسی: مطالعه حاضر بصورت توصیفی-تطبیقی با جستجوی وسیع پایگاه های اینترنتی، نشریات معتبر، SID، scopus، Google Scholar، JISC، CSU، NYU و کتب مرتبط در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. راهکارهای اساسی در زمینه اجرا و پیاده سازی آموزش الکترونیک در حوزه آموزش علوم پزشکی ارائه گردید. یافته ها: آموزش علوم پزشکی سه مقطع پزشکی عمومی، تخصصی، مداوم پزشکی تقسیم می گردد. آموزش الکترونیکی در این مقاطع به روش آموزش مداوم پزشکی، بیمار مجازی، شبیه سازی، نرم افزارها، برنامه مبتنی بر حل مساله، تزاروس،... طبقه بندی می گردد. اصول اساسی آموزش



از آنجا که دانشجویان در بدو ورود باید در امتحان تعیین سطح مرکز زبان شرکت کنند و سپس به اضافه واحدهای تعریف شده در کلاس‌های مرکز هم شرکت کنند، برای هر دانشجو ۷ نمره متفاوت گزارش شد که به ترتیب عبارتند از: سطح زبان بر اساس سطوح کتب Top Notch از ۱ تا ۹، نمره مصاحبه از ۱ تا ۲۰، ضریب زبان در کنکور سراسری، نمرات واحدهای زبان شامل پیش، عمومی، تخصصی ۱ و تخصصی ۲. یافته‌ها: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان‌دهنده روابط معنادار و مثبت بین همه نمرات مذکور بود.

کد: ۱۴۱۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: آیا کوریکولوم آموزشی پرستاری در ایجاد نگرش مثبت

نسبت به مراقبت از سالمندان تاثیر داشته است؟

نویسندگان: پریا تارپوردی، مصطفی خدیری، فاطمه شجاعی، نسرین

معصومی،

Keywords: Attitude, Elderly, Nursing Students

Objective: The aim of this study was to compare the attitude of second and fourth year nursing students towards the elderly hospitalized in training hospitals of Zanjan University of Medical Sciences, Iran. With regard to the change of attitude from second year to fourth year. strategies for health promotion, better service for the hospitalized elderly, and different trainings for nursing students were offered. Materials and Methods: This was a cross-sectional study. The subjects were selected by census and included ۵۷ second-year nursing students and 33 fourth-year students of Zanjan University of Medical Sciences. Data collection tool consisted of a questionnaire including two parts. The first part included questions about general and demographical characteristics, and the second part contained McLafferty's attitude towards the elderly questionnaire. Results: Despite the more positive attitude of the fourth year students toward caring for the elderly compared with the second year students, there was no significant difference between the two groups. Based on the findings and in examining the effects of multiple variables on the attitude of students, multiple regression model was used. The final model showed that education site ( $p < 0.039$ ), gender ( $p < 0.052$ ), age ( $p < 0.057$ ), and experience in working with elderly ( $p < 0.057$ ) (close to the significance level) can be

الکترونیک پزشکی: آموزش چندرسانه ای، مدالیته، یکپارچگی،... می باشد. جهت پیاده سازی این اصول به زیرساخت اساسی از جمله: زیرساخت فناوری و فرهنگی و شاخص های برنامه ای، چشم انداز، امور مالی، ارتباطات، ساختار و استانداردها،... موردنیاز می باشند. نتیجه گیری: باتوجه به این مهم که بدون وجود زیرساخت ها و اصول آموزش الکترونیک پزشکی، دانشگاه های علوم پزشکی از تحقق آرمان های آموزشی باز خواهند ماند، لذا راه های مقابله باین چالش، ارائه آموزش ترکیبی، تصویرسازی الکترونیک، پزشکی از راه دور و تدوین منشور آموزش الکترونیک پزشکی می باشد. در این زمینه بررسی عوامل سازمانی، عوامل محیطی، تکنولوژی، منابع آموزشی، سواد اطلاعاتی، تشکیل کنسرسیوم جهت دستیابی به آموزش الکترونیک پزشکی ضروری می باشند. این امر با ایجاد خط مشی، راهبرد مشخص و ماموریت روشن می توان آینده موفق را پیش روی علوم پزشکی قرارداد.

کد: ۱۴۱۰

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی ارتباط بین آزمون های هنجارمند و معیارمند:

نمرات زبان انگلیسی

نویسندگان: مهدی آقاباقری

کلیدواژه‌ها: آزمون های هنجارمند، آزمون های معیارمند، نمرات

زبان انگلیسی

متن مقاله: مقدمه: یکی از اهداف مهم آموزش اصلاح و ارتقا شیوه های ارزشیابی است. ارزشیابی بدان حد حائز اهمیت است که قابلیت آن را دارد که شکل دهنده یادگیری صحیح باشد. به عبارت دیگر یادگیری موثر بدون ارزشیابی درست میسر نیست. آزمون ها بر اساس تقسیم بندی های آماری به دو دسته هنجارمند و معیارمند تقسیم می شوند. آزمون هایی نظیر تافل و ایلس جز آزمون های هنجارمندند چون تعداد شرکت کننده زیاد و توزیع داده ها نرمال خواهد بود در حالیکه آزمون هایی که توسط اساتید طراحی می شوند نظیر امتحانات میان ترم و پایان ترم جزء آزمون های معیارمند هستند. در یک نظام آموزشی بهینه، بین آزمون های هنجارمند و معیارمند ارتباطات معنادار آماری وجود دارد. این مطالعه وجود ارتباط بین آزمون های هنجارمند و معیارمند را در مورد دانشجویان پزشکی بررسی خواهد کرد. روش کار: این مطالعه که از نوع تحلیلی است ارتباط بین آزمون های هنجارمند و معیارمند را در مورد دانشجویان پزشکی ورودی ۹۱ دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، پردیس بین الملل بررسی خواهد کرد.



استفاده شد. یافته ها: دانشجویان در طول تجربه فرایند چگونگی نظارت و سرپرستی پایان نامه های تحصیلی، با دو دسته عوامل تسهیل گر و بازدارنده روبرو بودند. از مجموع ۵۴۰ های به دست آمده درشش زیر طبقه شامل طبقه بندی شدند که هر یک حسب ماهیت سبب تسهیل و یا ممانعت در فرایند نظارت و سرپرستی پایان نامه های تحصیلی می شوند. بر اساس ویژگی، زیر طبقات در ۳ طبقه اصلی ابهام در ساختار و نقش، بازاندیشی در راهنمایی و نظارت و مشکلات زمینه ای و اخلاقی دسته بندی شدند. نتیجه گیری: عوامل تسهیل گر و باز دارنده بنا بر ماهیت خود با ایجاد سهولت و یا صعوبت نظارت و سرپرستی پایان نامه های تحصیلی توسط اساتید، می توانند بر چگونگی تجربه دانشجویان موثر باشند. بر اساس یافته های حاصل از مطالعه، تجارب شرکت کنندگان تقویت عوامل تسهیل گر از طریق جلب مشارکت دانشجویان و اساتید و کاهش عوامل بازدارنده از طریق مدیریت فرآیند راهنمایی و نظارت بر پایان نامه ها میسر است.

کد: ۱۴۲۴

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: وضعیت طرح های پژوهش در آموزش دانشگاه علوم

پزشکی کرمانشاه (۹۲-۱۳۷۷)

نویسندگان: منصور رضایی

کلیدواژه ها: وضعیت موجود، طرح مصوب، پژوهش در آموزش،

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

متن مقاله: مقدمه: اعضای هیات علمی دانشگاه از ارکان اساسی آموزش و پژوهش هستند. پژوهش در زمینه آموزش بخش مهمی از کارهای تحقیقاتی اساتید دانشگاه است که با هدف ارتقاء کمی و کیفی فعالیت های آموزشی و بستر سازی تصمیم گیری های آموزشی با استفاده از نتایج طرح های کاربردی و نیز گسترش دسترسی به منابع آموزش پزشکی انجام می شود. هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت موجود طرح های پژوهش در آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی کرمانشاه در جهت برنامه ریزی و ارتقاء کیفیت و کمیت آن ها انجام شد. مواد و روشها: این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی کلیه طرح های مصوب پژوهش در آموزشی (۷۹ مورد) که از بدو تاسیس کمیته پژوهش در آموزش (سال ۱۳۷۷) تا پایان سال ۱۳۹۲ به مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ارائه شده بود انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات چک لیست بود و داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل گردید. یافته ها:

predictors of the attitudes of students towards the elderly. Conclusion: The results confirmed that the formal education struggled to make changes in the students' attitude towards the elderly during their second year to fourth year. Due to the existence of a neutral attitude in the second and fourth year students and the lack of difference in attitude between the two groups, to improve and create a positive attitude towards the elderly, more educational opportunities for nursing students should be created. Professors and students, while increasing their knowledge about aging processes, should define appropriate care models for the elderly and help them along with the students .

کد: ۱۴۱۹

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: فرایند نظارت و سرپرستی پایان نامه های تحصیلی از نگاه

اساتید و دانشجویان دکتری: عوامل تسهیل کننده و بازدارنده

(مطالعه کیفی)

نویسندگان: لیلیا بذرافکن، فرناز تکمیل، نیکو یمانی، علیرضا

یوسفی، کریم عباسی

کلیدواژه ها: نظارت و سرپرستی پایان نامه عوامل تسهیل گر، عوامل

باز دارنده، گراند تئوری

متن مقاله: مقدمه و اهداف: نظارت و هدایت پایان نامه توسط استاد راهنما مهم ترین روش برای ایجاد یک قرارداد یادگیری بین دانشجویان و اساتید راهنما، و ایجاد اهداف پژوهشی روشن برای یک دوره آموزشی و شفاف سازی نقش های دانشجویان و سرپرستان می باشد. چگونگی نظارت و سرپرستی پایان نامه های تحصیلی یکی از مباحث مهم در دانشگاه های علوم پزشکی است، که با چالش های مختلفی رو به روست. هدف از انجام این مطالعه کشف چگونگی این مشکلات و چالش ها در نظارت و هدایت پایان نامه ها در دانشگاه های علوم پزشکی ایران است. روش بررسی: بر اساس مطالعه کیفی گراند تئوری، تجربیات زیسته دانشجوی دکتری، ۱۰ استاد راهنما، از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاری و مشاهده در عرصه جمع آوری و بازنویسی گردید و بر اساس رویکرد استراوس و کوربین ۱۹۹۸ تحت کد گذاری باز، محوری و انتخابی قرار گرفت. جهت حصول دقت در مطالعه از روشهای مرور و تایید مطالب توسط شرکت کنندگان، اعتبار پژوهشگر، وابستگی یافته ها، بررسی طولانی و مشاهده مداوم، تلفیق در روشهای جمع آوری داده ها و نظرات تکمیلی همکاران



بیشترین طرح در سال ۹۰ (۱۲ مورد) و کمترین آن در سال ۸۸ (صفر مورد) با متوسط سالیانه تقریباً ۵ مورد تصویب شده بود. تعداد همکاران بین ۱ تا ۷ نفر بود (۳,۵±۱,۷). هزینه طرحها از ۰,۴۲ تا ۴,۴۵ میلیون تومان متغیر بود (۱,۲±۰,۹) میلیون تومان). مدت انجام ۳۱ تا ۲۴ ماه متغیر بود (۸,۹±۳,۵ ماه). اکثر طرحها کاربردی (۹۸,۷٪)، توصیفی (۵۳,۲٪)، مجری یک نفره (۵۸,۲٪)، جامعه مطالعه دانشجو (۳۱,۶٪)، جمع آوری داده با پرسشنامه (۶۰,۸٪)، مرتبه مجری استادیار (۴۹,۴٪)، جنس مجری مرد (۶۰,۸٪)، از دانشکده پزشکی (۴۴,۳٪) و از گروههای بالینی داخلی (۱۹٪) و علوم پایه (۱۶,۱٪) بودند. نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر، انجام اقدامات وسیع در زمینه آشنایی هر چه بیشتر اعضای هیات علمی با موضوع پژوهش در آموزش و برنامه ریزی های دقیق و مناسب جهت کارگاه های توانمندسازی اساتید با عنوان پژوهش در آموزش یک ضرورت اساسی است.

کد: ۱۴۲۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر همگون سازی فراگیران انگلیسی بر سطوح مختلف

یادگیری: واحد زبان عمومی

نویسندگان: مهدی آقاباقری

کلیدواژهها: همگون سازی، فراگیران انگلیسی، سطوح مختلف

یادگیری، واحد زبان عمومی

متن مقاله: مقدمه و اهداف: زبان انگلیسی یکی از مهم ترین دروس برای هر دانشجو در هر مقطع تحصیلی می باشد و لذا توجه خاص به نحوه آموزش و فراگیری آن نیز از اهمیت خاص برخوردار است. یکی از مهم ترین مسائلی که در این مورد حائز اهمیت است این مطلب است که تفاوت های اساسی در مورد این درس با دروس دیگر وجود دارد. در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر همگون سازی فراگیران انگلیسی بر سطوح مختلف یادگیری در واحد زبان عمومی است. موارد و روش ها: در ابتدا از دانشجویان ۳ رشته بهداشت محیط، بهداشت حرفه ای و اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی ابرکوه آزمون تعیین سطح استاندارد کمبریج به عمل آمد. در مرحله بعد، داده های به دست آمده از آزمون تعیین سطح وارد نرم افزار SPSS گردیدند و با استفاده از چارک های آماری، دانشجویان به ۲ گروه تقسیم شدند. گروه A به عنوان Intermediate+ و گروه B به عنوان Intermediate- در نظر گرفته شدند. البته در همان ابتدا آزمون عدم برابری بین گروه A

با گروه B انجام شد. در ادامه، دو طرح درس متفاوت برای گروهها طراحی شد بدین شکل که در گروه A ۹۰ درصد کلاس به زبان انگلیسی برگزار شد چون سطح زبانی بالاتری داشتند و همه آن ها قبلاً در کلاس های زبان شرکت کرده بودند. در گروه دیگر استفاده از زبان فارسی بیشتر بود. این طرح درس تا آزمون پایان ترم ادامه پیدا کرد و سپس آزمونی بر ۳ محور واژگان، گرامر و درک مطلب طراحی گردید. پس از وارد کردن نمرات آزمون پایان ترم به نرم افزار با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و استنباطی به سوالات مطرح شده جواب داده شد. نتایج: بین نمرات ۳ گروه به تفکیک رشته در آزمون تعیین سطح تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بین نمرات ۳ گروه به تفکیک رشته در آزمون پایان ترم تفاوت معنادار آماری وجود دارد، عملکرد دانشجویان اتاق عمل بهتر است. بین میانگین ۳ فرم تعیین سطح تفاوت معنادار آماری وجود ندارد. پس آزمون توکی مشخص می کند که در مورد امتحان تعیین سطح، شاخص های sig. نشان دهنده این است که تفاوت گروه A با B از لحاظ آماری معنادار است. در قسمت دوم پس آزمون، نتایج مذکور در مورد آزمون پایان ترم نیز موید تفاوت معنادار آماری بین گروه A با B است، که این امر نشان دهنده موفقیت پژوهش حاضر است. بحث و نتیجه گیری: با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت نگاهی خاص به واحد زبان، اتخاذ تصمیم درست، منطقی، کارشناسانه و تفکر مدار در این امر حائز اهمیت فراوان است. هر چند در مقاطع قبل از دانشگاه هم دانشجویان باید واحدهای زبان زیادی را بگذرانند و این مسیر اشتباه در دانشگاه هم ادامه پیدا می کند، امید آنکه با به کار گیری نتایج این پژوهش دیگر جواب هیچ دانشجویی به سوال What's your name? این پاسخ نباشد که and I'm fine. Thank you?you

کد: ۱۴۳۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تلاش برای افزایش دانش و تغییر نگرش کارورزان جهت

تجویز منطقی آنتی بیوتیک

نویسندگان: منصوره مومن هروی

کلیدواژهها: دانش، نگرش، کارورزان، آنتی بیوتیک

متن مقاله: تلاش برای افزایش دانش و تغییر نگرش کارورزان جهت تجویز منطقی آنتی بیوتیک دکتر منصوره مومن هروی دانشیار گروه عفونی دانشگاه علوم پزشکی کاشان سابقه و هدف: نحوه ی تجویز و مصرف دارو در هر کشور یکی از ارکان مهم در





نظام سلامت تلقی میشود امروزه یکی از مشکلات بزرگ سیستم های سلامت دنیا استفاده غیر منطقی از آنتی بیوتیک ها می باشد در کشور ما آنتی بیوتیک ها رتبه نخست فروش دارو در کشور به لحاظ ریالی را دارا می باشند. آموزش دانشجویان پزشکی به عنوان پزشکان آینده و مهره های اصلی تجویز کننده ی دارو به عنوان نقطه شروع هدف از طراحی این دوره بود. روش مطالعه: این پروژه به منظور طراحی یک دوره آموزشی تحت عنوان تجویز و مصرف منصفی آنتی بیوتیک با رویکرد ۶ مرحله ای ( شناسایی مشکل، بررسی نیاز یادگیرندگان، تعیین اهداف، مشخص نمودن استراتژی های آموزشی و ارزشیابی برنامه) انجام شد. طرح دوره براساس اهداف تعریف شده نوشته شد متد آموزش سخنرانی و demonstration بود. برنامه بصورت کلاسهای آموزشی اصول نسخه نویسی، آشنایی با اشکال مختلف آنتی بیوتیک ها در داروخانه آموزشی بخش عفونی ونحوه درمان بیماریهای شایع عفونی در دوره کارورزی عفونی و آشنایی با اهداف کمیته تجویز منطقی دارو، تحلیل نسخ پزشکان و آشنایی با بیمه ها در در معاونت غذا ودارو دانشگاه بود. نتایج: با برگزاری جلسات گروهی و نظر سنجی از کارورزان و برگزاری آزمونهای نسخه نویسی که در پایان دوره کارورزی عفونی به عمل آمد دانش و نگرش کارورزان در زمینه نحوه صحیح نسخه نویسی و تجویز منطقی آنتی بیوتیک افزایش یافت. بحث ونتیجه گیری: گنجاندن درس عملی آموزش نسخه نویسی و آشنایی با آنتی بیوتیک ها و تجویز منطقی آنها در دوره کارورزی عفونی میتواند گام موثری در ارتقا فرهنگ تجویز منطقی آنتی بیوتیک باشد.

کد: ۱۴۳۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی نگرش و نظرات دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد نحوه و شیوه نظرسنجی دانشجویان از اساتید

نویسندگان: علی بیک مرادی، شهره امدادادی، رسول یوسفی مشعوف،

کلیدواژهها: ارزشیابی، نگرش، نظر، تدریس، دانشجو، استاد متن مقاله: مقدمه و هدف: ارزشیابی دانشجویان از چگونگی تدریس اساتید دانشگاه بصورت نظرسنجی سالهاست که بصورت فرآیندی پذیرفته شده در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در آمده است. هدف از این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان و اعضاء هیئت علمی دانشگاه در مورد وضعیت فرمهای

فعلی نظرسنجی دانشجو از نحوه تدریس استاد بود. روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی- مقطعی و دو گروهی بوده که در گروه اساتید ۲۶۱ عضو هیات علمی و در گروه دانشجویان ۲۳۴ بصورت تصادفی سهمیه ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها پرسشنامه سه قسمتی مشتمل بر مشخصات فردی، بررسی نگرش و نظرات اساتید و دانشجویان بکار برده شد. مقیاس اندازه گیری سئوالات نگرش با استفاده از مقیاس لیکرت از (۱ تا ۵ نمره) صورت گرفت. نتایج: میانگین نمره نگرش اساتید در مورد وضعیت فرمهای فعلی نظرسنجی ۳/۵۸ با انحراف معیار ۰/۵۱ بود، در حالیکه میانگین نمره نگرش دانشجویان ۳/۳۰ با انحراف معیار ۰/۶۴ بود که اختلاف معنی داری ( $p=0/001$ ) بین نگرش اساتید و دانشجویان مشاهده گردید. فراوانی نوع نگرش کلی اساتید در مورد کارآیی و کیفیت فرمهای فعلی نظرسنجی نیز بدست آمد که ۶۱/۴٪ از اساتید نسبت به کارآیی و کیفیت فرمهای فعلی نظرسنجی دارای نگرش مثبت در حالیکه ۴۳/۱٪ از دانشجویان با دارای نگرش مثبت بودند. ۸۲٪ از اساتید و ۸۰/۷٪ از دانشجویان با ضرورت انجام ارزشیابی مدرسین موافق بودند. نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بین نگرش کلی اعضای هیات علمی و دانشجویان در خصوص کارآیی و کیفیت فرمهای فعلی نظرسنجی از نحوه تدریس اساتید اختلاف سلیقه وجود دارد، اما اکثر اعضای هیات علمی و دانشجویان با اصل و ضرورت انجام ارزشیابی توسط دانشجویان موافق بودند، در مورد کیفیت، کمیت و محتوای سئوالات مندرج در فرمهای نظرسنجی کاستیها و ابهاماتی وجود دارد که مورد تفاهم هر دو گروه می باشد، که نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.

کد: ۱۴۳۶

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی روابط سه گانه کمیت، کیفیت و زیرساختهای دانش پژوهی با استفاده از مدل معادلات ساختاری

نویسندگان: زهرا کریمیان، محمود ابوالقاسمی، زهرا صباغیان، محمدحسن پرداختچی،

کلیدواژهها: دانش پژوهی، کمیت، کیفیت، زیرساخت های دانش

پژوهی، مدل معادلات ساختاری

متن مقاله: مقدمه: همواره این سوال مطرح است که آیا توسعه کمی فعالیتهای علمی در سالهای اخیر بر کیفیت آن تاثیر داشته است؟ و یا کیفیت و کمیت فعالیتهای علمی تا چه حد از زیرساختهای دانشگاهی تاثیر می پذیرد؟ تحقیق حاضر با هدف



بررسی روابط بین زیرساختها، کمیت و کیفیت دانش پژوهی انجام پذیرفت. روش ها: تحقیق حاضر به روش توصیفی پیمایشی، در سال ۱۳۹۲ انجام شد. نمونه تحقیق مشتمل بر ۲۶۵ عضو هیات علمی در دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز بود که به روش نمونه گیری طبقه ای از ۴ حوزه فنی مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه محض و علوم پزشکی [پزشکان بالینی، علوم پایه پزشکی، و پیراپزشکی] به روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق ۳ پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مبانی نظری، تحقیقات گذشته و مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از صاحب نظران آموزش عالی در ۴ حوزه رشته ای بود. پرسشنامه زیرساخت شامل ۶۷ سوال، معیارهای کمی در ۵ عرصه دانش پژوهی و ۳۸ سوال و معیارهای کیفی ۲۹ سوال و همه پرسشنامه ها در مقیاس ۶ گزینه ای لیکرت تدوین شدند. روایی پرسشنامه ها با استفاده از روایی صوری، محتوایی و روایی سازه [تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی] و پایایی آنها به ترتیب با آلفای کرونباخ ۰/۹۱، ۰/۹۶ و ۰/۹۷ تایید گردید. روابط بین سه متغیر اصلی تحقیق با روش مدل معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل تحلیل شد. یافته ها: مدل پژوهش با دسته بندی زیرساخت ها در ۴ دسته کلی به برآزش مطلوب رسید. زیرساخت های رسمی، سیاسی، فرهنگی و علمی بر کمیت و کیفیت کارکردهای دانش پژوهی تاثیر مثبت دارند. سهم بار عاملی تاثیر زیرساختها بر کیفیت دانش پژوهی (۰/۴۵) بیش از تاثیر آن بر کمیت دانش پژوهی است (۰/۳۴). در سازه مدیریت دانش پژوهی دو عامل علمی (۰/۹۰) و فرهنگی (۰/۸۲) به ترتیب سهم بیشتری را در مقایسه با عوامل سیاسی (۰/۷۷) و رسمی (۰/۷۴) تبیین می کنند. در بین کارکردهای دانش پژوهی، عرصه «دانش پژوهی-اکتشاف» یا پژوهش، تاثیر پذیری کمتری از حضور زیرساختهای دانش پژوهی دارند (۰/۳۶). در بین معیارهای کیفی دانش پژوهی، معیار «نشر دانش» در مقایسه با دیگر معیارهای دانش پژوهی تاثیر پذیری کمتری از زیرساختهای دانش پژوهی دارد (۰/۶۴). بین کمیت و کیفیت کارکردهای دانش پژوهی رابطه منفی وجود داشت (۰/۰۲-) اما این رابطه منفی در حد معناداری نبود. نتیجه گیری: زیرساختها بر کیفیت بیش از کمیت تاثیر گذار بودند. این امر ممکن است مبین این مطلب باشد که «انگیزه» فعالیت های علمی، چه بارویکرد ارتقای فردی و چه بارویکرد تعهد به جامعه، قوی تر از تاثیر زیرساختهاست و از این رو می تواند زیرساخت را تحت تاثیر قرار دهد. اگرچه رابطه بین کمیت و کیفیت معکوس بود اما معنادار نبود. شاید این امر ناشی از آن باشد که کیفیت در بستر کمیت شکل می گیرد و

افزایش تعداد فعالیتهای علمی به خاطر تولید تجربه و دانش افزوده، امکان ارتقای کیفیت در فعالیت های بعدی را ایجاد می کند و به عبارتی، بخشی از کمیت وارد چرخه تولید کیفیت می شود. همچنین بر اساس نتایج، شاید به طور خوشبینانه بتوان ادعا کرد هنوز سهم انگیزه های مبتنی بر تعهد و شیفتگی علمی بیشتر از انگیزه های صرفاً انتفاعی و مبتنی بر ارتقاء فردی است.

—  
کد: ۱۴۳۷

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده رشته پزشکی

نویسندگان: آزاده ظهیری، حسن متینی، منصوره مومن هروی

کلیدواژه ها: رشته پزشکی، وضعیت تحصیلی

متن مقاله: بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده رشته پزشکی آزاده ظهیری، دکتر حسن متینی، دکتر منصوره مومن هروی دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی-دانشگاه علوم پزشکی کاشان سابقه و هدف: یکی از انتخاب های مهم زندگی جوانان پس از پایان تحصیلات متوسطه، انتخاب رشته تحصیلی است که در آینده شغلی آنان نقش بسزایی دارد. رشته پزشکی یکی از پرطرفدارترین رشته های مورد انتخاب جوانان است. این مطالعه مقطعی به منظور بررسی شرایط خانوادگی دانشجویان پذیرفته شده رشته پزشکی جدیدالورود این رشته انجام گرفت. روش بررسی: این مطالعه مقطعی روی ۷۸ دانشجوی پزشکی جدیدالورود در مهر ماه ۹۳ در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در زمینه رتبه و سهمیه قبولی، عوامل موثر در قبولی دانشجویان بود. پرسشنامه ها در بین دانشجویان توزیع و سپس اطلاعات وارد نرم افزار SPSS شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: از ۷۸ دانشجو ۴۴ (۶۰٪) دختر و ۳۴ (۴۰٪) پسر بودند. اکثریت (۸۰٪) ۱۸ تا ۱۹ ساله و دیپلمه همان سال یا سال قبل بودند. ۳۴/۴٪ از منطقه ۱ و ۵۰٪ از منطقه ۲ و ۲/۶٪ از منطقه ۳ بودند. رتبه کنکور ۶ نفر (۷/۹٪) زیر ۴۲،۵۰۰ نفر (۵۵/۲٪) بین ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ و ۱۴ نفر (۱۸/۴٪) بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ و ۲ نفر (۲/۶٪) بالای ۱۵۰۰ بود. پزشکی انتخاب اول ۵۸ نفر (۷۶/۳٪) دندانپزشکی ۱۷ نفر (۲۲/۳٪) و داروسازی ۱ نفر (۱/۳٪) بود. پزشکی در ۴۵ نفر (۵۹/۲٪) انتخاب دوم و در ۳۷ نفر (۴۸/۶٪) انتخاب سوم بود میانگین معدل  $1/9 \pm 1/62$  با حداقل ۱۷ و حداکثر ۱۹ بود. معدل ۶۴ نفر (۸۵/۳٪) ۱۹ به بالا بود. ۴ مورد ۵٪ تک فرزندی، ۴۱



نفر ۵۲/۶٪ دو فرزند و ۲۴ نفر ۳۰/۴٪ سه فرزند، ۹ نفر ۳/۵٪ چهار فرزند و بیشتر بود. اکثر خانواده ها دو فرزند بودند. ۴۱٪ پدران و ۵۰/۶٪ مادران دانشجویان تحصیلات دیپلم و پائین تر و مابقی تحصیلات بالاتر دیپلم داشتند. ۲۴ نفر (۳۰/۸٪) دبیرستان دولتی، ۲۰ نفر (۲۵/۶٪) دبیرستان غیر انتفاعی و ۳۴ نفر (۴۳/۶٪) مدرسه تیز هوشان می رفتند میانگین ساعت مطالعه در روز در ۴۰٪ بین ۱۰-۸ ساعت بود و حداکثر زمان مطالعه ۱۱-۱۴ ساعت در ۱۹ دانشجو گزارش شد و کمترین ساعت مطالعه ۳ ساعت بود. نتیجه گیری: اکثریت دانشجویان پذیرفته شده در رشته پزشکی دختر، با معدل ۱۹ با بالا و تیز هوش هستند. اکثر آنها از خانواده های کم فرزند و دارای والدین تحصیل کرده می باشند.

کد: ۱۴۴۰

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: راهبردهای مدیریت فعالیتهای تدریس آنلاین

نویسندگان: دکتر محمدصادق دهقان، دکتر فاطمه جاویدان

کلیدواژه ها: راهبرد، تدریس آنلاین، مدیریت تدریس

متن مقاله: سابقه و اهداف: محیط یادگیری آنلاین و سنتی تفاوت های زیادی دارند. در محیط یادگیری سنتی، تعامل بین استاد و دانشجو در زمان محدود تشکیل کلاس است. حال آنکه در محیط یادگیری آنلاین، تعامل در زمانی نامحدود و در بیست و چهار ساعت از هفت روز هفته است. چگونگی مدیریت تدریس آنلاین بر حجم کار و تداوم آن مؤثر است. یافتن راههایی برای برقراری ارتباط با فراگیرندگان می تواند بهره وری و اثربخشی تدریس را بهبود بخشد. فراگیرندگان نیازمند فرصتهایی برای پرسیدن سؤال برای کمک به درک فعالیتهای خاص می باشند. از طرفی فراگیرندگان مسئولیتهای مختلفی را در زندگی خود به عهده دارند که می تواند باعث شود آنها تعامل و مشارکت کمتری در فرآیند تدریس آنلاین داشته باشند. بنابراین ردیابی و نظارت بر پیشرفت فراگیرندگان برای کمک به ادامه مشارکت آنها مهم است. هدف از این مطالعه بررسی مهمترین راهبردها برای مدیریت فعالیتهای تدریس آنلاین می باشد. روش بررسی: این مطالعه، مروری روایی است که با بررسی منابع کتابخانه ای و الکترونیکی معتبر، مهمترین راهبردهای مدیریت فعالیتهای تدریس آنلاین را معرفی و توصیف می نماید. یافته ها: مهم ترین راهبردهای مدیریت فعالیتهای تدریس آنلاین عبارتند از: تدوین برنامه روزانه فعالیتهای تدریس، توسعه راههای مؤثر برای ردیابی پیشرفت فراگیرندگان و مدیریت افزایش میزان تعامل با آنها. بنابراین برای

اجرای شدن این راهبردها باید انتظارات دوره آموزشی تدوین شده و مسیر فعالیتهای معمول تدریس از قبل طراحی گردد. لازم است در برنامه ریزی فعالیتهای راه اندازی واحد درسی، راهبردهایی خاص برای مدیریت بحثها و افزایش مشارکت فراگیرندگان در بحثها، پیش بینی گردند. روش نمره دهی به بحثها و تکالیف باید مشخص باشد و پاسخگویی به سئوالات یادگیرندگان به خوبی مدیریت شوند. ارتباطات بین فراگیرندگان، فعال و مدیریت شوند و الگوی مدیریت تعامل و ارتباطات مدرس نیز مشخص باشد. در ابتدا باید مروری بر واحد درسی انجام شده و الگوها و ویژگی های بازخورد به یادگیرندگان و نمره دهی تعیین شوند و قابلیت ها و ویژگی های محیط کاری دوره آموزشی مشخص باشند. بحث و نتیجه گیری: به هر میزانی که قبل از شروع تدریس آنلاین، وقت بیشتری صرف تدوین راهبردهای مدیریت دوره آموزشی آنلاین شود، اجرای مؤثرتر و کارآمدتر آن تسهیل خواهد شد. چگونگی کیفیت مدیریت دوره آموزشی آنلاین، اثر مستقیمی بر ثبات جریان فعالیتهای مرتبط با آن داشته و برای موفقیت و دستیابی یادگیرندگان به اهداف و بهبود عملکرد آنها کمک کننده خواهد بود.

کد: ۱۴۴۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی اطلاعات کتابشناختی مقالات مداخله ای آموزش

پزشکی در ایران طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲

نویسندگان: لیلیا بهرامخانی، ماندانا شیرازی، حمیدرضا برادران،

هادی زمانیان، مریم کرباسی، فریده بهرامخانی

کلیدواژه ها: اطلاعات کتابشناختی، مقالات مداخله ای، آموزش

پزشکی

متن مقاله: مقدمه: با وجود نو پا بودن نسبی آموزش پزشکی به سایر علوم، تولیدات علمی آموزش پزشکی به سرعت در جهان در حال افزایش هستند. با توجه به انبوهی اطلاعات و مقالات، مدیریت اندوخته های علمی، خصوصاً در زمینه مقالات که قابلیت جمع و نظام مندی در آنها بیشتر است، ضروری به نظر می رسد. از طرفی تقریب قابل قبولی از وضعیت مقالات چاپ شده موجود، از نظر پراکندگی، کاربردی بودن و تمرکز بر اولویت ها در دست نیست. هدف اصلی این مطالعه مرور سیستماتیک، بررسی اطلاعات کتابشناختی کلیه مقالات مداخله ای آموزش پزشکی (به دلیل کاربردی بودن آنها در سیاست گذاری ها و برنامه های رفورم پژوهشی) در ایران در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ و بررسی



وضعیت محتوایی آنها می باشد. روش کار: در این مطالعه مقطعی، کلیه مقالات مربوط به مطالعات مداخله ای انجام شده در زمینه آموزش پزشکی در ایران طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، در بانک های اطلاعاتی ERIC، Medline، CINAHL و Iranmedex مورد جستجو قرار گرفت. در ابتدا ۱۲۰۲ مقاله، توسط دو مرور کننده مورد بررسی قرار گرفته و با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج مطالعات، در نهایت اطلاعات کتابشناختی ۸۲ مقاله با توجه به متغیرهای موضوع مقاله، نام نویسندگان، زبان، سال، دوره چاپ و وابستگی سازمانی از متن مقالات استخراج و در پایگاه طراحی شده در Excel وارد گردید. مقالات توسط تیم پژوهش بر اساس لیست سرفروشی موضوعات آموزش پزشکی که با مکاتبه با AMEE استخراج شده بود، در ۲۴ گروه طبقه بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. روش های آماری در این پژوهش، از نوع توصیفی (جداول فراوانی) بود. یافته ها: در مجموع ۱۳ مقاله از Medline و ۴ مقاله از CINAHL و ۶۵ مقاله از IranMedex استخراج شد. ۶۳ مقاله (۸۲/۷۶٪) مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ بود. بیشترین تمرکز مداخلات صورت گرفته، بر روی روش آموزش (۴۹ مقاله) بوده است. نمونه ی مورد بررسی در اکثریت مقالات، دانشجویان بودند و بیشترین مداخله صورت گرفته از طریق کارگاه بود که در ۵۰ مقاله به عنوان مداخله آموزشی به آن اشاره شده است. بحث و نتیجه گیری: سهم ایران از مقالات آموزش پزشکی، خصوصاً مداخلات آموزش پزشکی در بانک های اطلاعاتی بین المللی نظیر Medline بسیار پایین تر از سایر علوم است. ارتقاء کیفیت مقالات و مطالعات این حیطه می تواند به بهبود سهم ایران از تولید علم این رشته کمک کند. نتایج این مطالعه بیانگر رشد سریع تولید علم در حیطه های آموزش پزشکی خصوصاً مطالعات مداخله ای در ایران می باشد که این امر لزوم هدایت پژوهش های انبوه تولید شده در آینده نزدیک به سمت نیازها و اولویت های آموزش پزشکی کشور را به ما متذکر می شود. شیوه های آموزش و مداخلات مبتنی بر تکنولوژی های آموزش و یادگیری پراگماترین موضوعات مقالات این حوزه بودند.

کد: ۱۴۴۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بازخورد و یادگیری: استفاده موثر از شیوه DOPS در

ارزشیابی بالینی: گامی در جهت ارتقاء مهارت بالینی

نویسندگان: شهره جوادیپور،

کلیدواژه ها: ارزشیابی، شیوه نوین، همودیالیز، مهارت بالینی، DOPS

متن مقاله: مقدمه: در آموزش پرستاری، اصلی ترین بخش، آموزش بالینی است که هدف آن ایجاد تغییرات قابل اندازه گیری در دانشجو برای انجام مراقبت های بالینی است و بخش مهم آموزش، ارزشیابی می باشد. یکی از روشهای ارزشیابی مهارت های بالینی روش Direct Observation of Procedural Skills (DOPS) است که به معنی مشاهده مستقیم مهارت انجام پروسیجرهای بالینی است. مطالعه حاضر با هدف مقایسه دو روش ارزشیابی مرسوم و شیوه نوین ارزشیابی DOPS بر یادگیری، رضایتمندی و اضطراب دانشجویان کارآموزی در عرصه پرستاری در بخش ویژه همودیالیز انجام گرفت. روش اجرا: این مطالعه تجربی با مشارکت دانشجویان ترم هفتم پرستاری در نیمسال اول ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و در درس کارآموزی در عرصه دربخش همودیالیز انجام پذیرفت. دانشجویان دو نیمسال بصورت تصادفی به گروههای DOPS و سنتی تخصیص یافتند. در گروه سنتی آموزش به روش معمول توسط مربی انجام و در پایان بخش عملکرد بالینی بررسی گردید و در گروه DOPS پس از انجام پروسیجر توسط مربی، بلافاصله پروسیجر توسط دانشجویان انجام و بازخورد لازم ارائه گردید. مدت زمان انجام بطور متوسط ۱۵ دقیقه و مدت زمان بازخورد ۵ دقیقه بود. این روند در سه روز متوالی انجام و در روز چهارم ارزشیابی با مشاهده عملکرد بالینی و تکمیل چک لیست روا و پایا شده انجام گردید. میزان اضطراب در ابتدا و انتهای دوره و رضایتمندی دانشجویان در پایان دوره بررسی گردید. یافته ها: نمرات پایان دوره دانشجویان در سال ۹۱ و ۹۲ بدون در نظر گرفتن گروههای DOPS و سنتی از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشت (p=۰/۵۸). میانگین نمرات پایان دوره با احتساب دو نیمسال، در گروه DOPS ۱۷/۵۵ و در گروه سنتی ۱۶/۲ بوده و تفاوت چشمگیری را نشان داد (P=۰/۰۰۳). در نیمسال اول ۹۱، ۶۰/۹٪ دانشجویان از روش DOPS و ۷۶/۲٪ از روش سنتی رضایت مطلوب داشتند و در نیمسال اول ۹۲، ۸۰٪ دانشجویان از روش DOPS و ۵۷/۹٪ از روش سنتی رضایت مطلوب داشتند. رضایتمندی دانشجویان از روش DOPS در نیمسال دوم اجرا در بخش بیشتر شده بود. میانگین نمره اضطراب در پایان دوره در روش DOPS (۳۸/۵۲) نسبت به روش سنتی (۷۴/۴۵) کاهش یافته اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود (p=۰/۱۶). نتیجه گیری: این روش ارزشیابی بصورت یک رویکرد نوآورانه در ارزشیابی بالینی دقیق و عینی، افزایش رضایتمندی و ارتقاء



یادگیری فراگیران موثر بود. با توجه به اینکه ایجاد مهارت بالینی در بخشهای مراقبت ویژه بسیار حایز اهمیت می باشد از این روش بعنوان یک روش نوین در ارزشیابی عملکرد بالینی در بخش های مراقبت ویژه با در نظر گرفتن شرایط و با برنامه ریزی صحیح می توان بهره گرفت.

کد: ۱۴۵۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رابطه و وضعیت خود کارآمدی پژوهشی و انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نویسندگان: علی مراد حیدری گرجی، دکتر مرتضی دارابی نیا، دکتر منصور رنجبر کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی پژوهشی، انگیزش تحصیلی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

متن مقاله: مقدمه: با توجه به اینکه یکی از عوامل مهم در هدایت پژوهش و ایجاد انگیزه برای انجام آن، خودکارآمدی پژوهشی و انگیزه تحصیلی است هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان خودکارآمدی پژوهشی و انگیزه تحصیلی و تعیین ارتباط خودکارآمدی و انگیزه تحصیلی دانشجویان کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شده است. روش کار: این مطالعه توصیفی همبستگی بر روی ۳۴۱ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به صورت تصادفی انجام شد. داده ها بر اساس پرسشنامه های خودکارآمدی پژوهشی و انگیزش تحصیلی جمع آوری شدند. داده هادرمحیط نرم افزار SPSS ۱۶ با استفاده از آمار توصیفی و نیز آزمون های آماری تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: میانگین و انحراف معیار نمره کلی خودکارآمدی پژوهشی  $32/41 \pm 176/23$  شد. میانگین و انحراف معیار انگیزش تحصیلی کل دانشجویان هم  $73/73 \pm 24/89/153$  شد. میانگین نمره کلی خودکارآمدی پژوهشی و انگیزش تحصیلی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری داشت و در هر دو متغیر، دختران نمره بالاتری کسب کردند. میانگین نمره خودکارآمدی پژوهشی و انگیزش تحصیلی دانشجویان در دانشکده ها تفاوت معناداری با هم داشتند و در هر دو متغیر خودکارآمدی پژوهشی و انگیزش تحصیلی، دانشکده پرستاری و مامایی بالاترین میانگین، سپس دانشکده پیراپزشکی و در نهایت دانشکده بهداشت در مراتب بعدی قرار گرفتند. خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی همبستگی بالایی با هم داشتند و نتایج رگرسیون

نشان داد که ۲۸ درصد از تغییرات خودکارآمدی پژوهشی توسط متغیر انگیزش تحصیلی بیان می گردد. نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که در کل دانشجویان کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی مطلوبی برخوردار نیستند و خودکارآمدی و انگیزه تحصیلی در ارتباط مستقیم با هم هستند و باید باورهای دانشجویان نسبت به تواناییهایشان تقویت گردد و امکانات و آموزشهای لازم در اختیار آنها قرار بگیرد.

کد: ۱۴۵۹

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: بررسی نتایج ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان به دو روش دستی و الکترونیک در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان - ۱۳۹۲

نویسندگان: فرید خرمی، محسن آزاد، عظیمه ولی زاده، قدریه شیخی، یونس کریمی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی دانشجو از استاد (SET)، ارزشیابی متن مقاله: مقدمه: با توجه به پیشرفت تکنولوژی، در حال حاضر ارزشیابی اساتید هم به روش دستی و هم الکترونیک (تحت وب) انجام می شود. این نتایج به هر منظوری که به کار رود، هر چه عاری از تورش باشد به همان اندازه از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. یکی از عواملی که ممکن است در نتایج ارزشیابی تورش بوجود آورد محیط و روش جمع آوری پرسشنامه می باشد که لازم است مورد بررسی قرار گیرد. با این حال هیچ یک از مطالعات انجام شده در سال های اخیر دقیقاً توضیح نداده اند که آیا تفاوت معنی داری بین میانگین کل نمره استاد مربوطه در دو روش دستی و الکترونیک وجود دارد یا خیر؟، لذا این مطالعه با هدف تعیین اختلاف پرسشنامه ارزشیابی استاد توسط دانشجویان به دو روش دستی و الکترونیک انجام گرفته است. روش کار: در این مطالعه مقطعی کاربردی که از نوع توصیفی تحلیلی است به صورت گذشته نگر بر روی داده های ارزشیابی دانشجویان از اساتید در نیمسال دوم تحصیلی ۹۲-۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان انجام شد، جامعه پژوهش کلیه اساتید دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی (۵۰ نفر) که در دانشکده به آموزش اشتغال داشتند، بود. در این ترم تحصیلی ارزشیابی به طور همزمان به دو روش دستی و الکترونیک توسط دانشجویان در هر درس انجام گرفته شد. با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۴۴ نفر از اساتید دانشکده را انتخاب کرده و از



بین تمام دروس ارائه شده توسط هر استاد دو درس را به صورت تصادفی انتخاب نمودیم. سپس اطلاعات فرم ارزیابی دانشجویان آن درس را جمع آوری و در نرم افزار SPSS ۱۹ ثبت شدند. از طرفی نتایج و اطلاعات ارزشیابی الکترونیک نمونه انتخاب شده نیز از نرم افزار ارزشیابی استخراج شد و در کنار این داده ها وارد نرم افزار شده و میانگین دو روش با استفاده از آزمون تی مقایسه قرار گرفتند. دانشجویان برای پر کردن فرم ارزشیابی ممکن است به صورت کاملاً ریتمیک یعنی مثلاً فقط یک گزینه را از ابتدا تا انتها انتخاب کند و بر روی سوالات و گزینه ها هیچ تاملی صورت ندهند و صرفاً برای گذشتن از این مرحله و پر کردن فرم، گزینه ها را بزنند. لذا برای یافتن آنکه فرد پاسخ ها را از روی حوصله و تامل (تصادفی) پر کرده است یا به صورت ریتمیک (غیر تصادفی)، از آزمون RUN به صورت فرد به فرد استفاده کرده و دانشجویان در هر گروه درسی به دو دسته با رفتار تصادفی و غیر تصادفی تقسیم شدند. سپس با آزمون کی-دو، دو روش دستی و الکترونیکی را با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ با هم مقایسه گردیدند. یافته ها: نسبت افرادی که در گروه الکترونیک بصورت تصادفی پاسخ داده اند برابر ۲۸٫۱ درصد و در گروه دستی این نسبت برابر ۶۷٫۵ درصد می باشد که این دو نسبت تفاوت معناداری در سطح ۰٫۰۱ دارند. شانس تصادفی زدن در گروه دستی ۵٫۳۲ برابر تصادفی زدن در گروه الکترونیک بود. طبق آزمون های علامت، کی دو، نسبت شانس، تفاوت معناداری بین دو گروه در طریقه پر کردن فرم ارزیابی وجود دارد.

کد: ۱۴۶۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ترکیب روشهای ایفای نقش، نمایشی و کار در گروه کوچک سناریو محور (blended learning) در ارائه واحد درسی عملی "آموزش به مددجو" دانشجویان پرستاری میبد نویسنندگان: خدیجه نصیریانی، محمد رضا حیدری، طاهره سلیمی، کلیدواژه ها: blended learning، ایفای نقش، روش نمایشی، کار در گروه کوچک سناریو محور، آموزش به مددجو، دانشجویان پرستاری

متن مقاله: مقدمه: از ارکان مهم ارائه مراقبت و همچنین اجزاء وظایف پرستاران، آموزش به مددجو در وضعیت سلامت و بیماری محسوب می گردد. با توجه به این مهم دانشجویان کارشناسی پرستاری در طی تحصیل در این رشته، با گذراندن واحد درسی تئوری و عملی فرایند یادگیری و اصول آموزش به مددجو، با

مفاهیم مربوطه به آموزش دادن به مددجویان آشنا می گردند. در ارائه عملی این واحد درسی از روشهای مختلف آموزشی درجهت افزایش کیفیت یادگیری و ایجاد مهارت آموزش دادن به بیماران و مددجویان، در دانشجویان می توان بهره برد. ازاهم این روش ها می توان به ایفای نقش، پرسش و پاسخ، فرصت سوال و... اشاره نمود که به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد. به نظر میرسد می توان با استفاده از روشهای ترکیبی دیگر مانند نمایش و کاربرد گروه کوچک سناریو محور (blended learning) بتوان بر غنای یادگیری دانشجویان افزود. روش کار: در ارائه واحد عملی فرایند یادگیری و اصول آموزش به مددجو برای دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری میبد به طور معمول از روش ایفای نقش همراه با تهیه پمفلت آموزشی متناسب با کیس انتخابی استفاده می شده است. در جهت ارتقاء این فرایند علاوه بر روش های معمول برای ارائه واحد عملی فوق الذکر از روش های نمایشی و کار در گروه کوچک به همراه سناریو محوری (blended learning) بهره برده شده است. نتایج: به دنبال اجرای موارد مشروحه فوق، در نظر سنجی های بعمل آمده رضایت دانشجویان پرستاری میبد از گذراندن واحد درسی فرایند یادگیری و اصول آموزش به مددجو عملی با استفاده از روش blended learning افزایش داشته و ابراز نمودند که توانایی بالاتری برای ارائه آموزشهای لازم به بیماران با استفاده از روش های به کار برده شده، در خود یافته اند. نتیجه گیری: به طور کلی نتایج حاصل از اجرای این فرایند نشانگر افزایش رضایت دانشجویان پرستاری میبد از ارائه واحد درسی فرایند یادگیری و اصول آموزش به مددجو عملی با استفاده از پروتکل ذکر شده می باشد. از جمله چالش های مرتبط با اجرای این فرآیند عدم وجود مراکز خاص آموزش به بیمار در بیمارستان های آموزشی می باشد که وجود آن می تواند تا حد زیادی به ارتقاء کیفیت این فرایند آموزشی کمک نماید.

کد: ۱۴۸۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت برگزاری گزارشات صبحگاهی در بخش های ماژور آموزشی بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در نیمسال دوم تحصیلی ۹۴-۹۳ نویسنندگان: مهرداد امینی نوگورانی، افسانه ملک پور، فرامرز محمد علی بیگی، معصومه معزی، نجمه مجیدی، مجید شیرانی، فیروزه مجیدی



کلیدواژه‌ها: گزارش صبحگاهی، استاندارد، استاندارد گزارش صبحگاهی

متن مقاله: مقدمه: گزارش صبحگاهی، کنفرانسهای مبتنی بر مورد را توصیف می کند که استادان، دستیاران و سایر دانشجویان پزشکی برای ارائه موارد بالینی پذیرفته شده در شب گذشته در آن شرکت میکنند. اثر گزارشهای صبحگاهی با ویژگیهای ساختاری و محتوایی مختلف بر بهره مندی مخاطبین متفاوت باشد که لازم است این فرضیه مورد بررسی قرار گیرد. لذا این پژوهش در پی آن است که با در نظر گرفتن استانداردهای ملی، نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بیمارستانهای آموزشی شهرکرد را که نقش مهمی در مدیریت تعداد انبوه بیماران وارد شده به این بیمارستانها را دارد را بررسی نموده و بتواند با برجسته نمودن نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف در بهبود کیفیت آموزش بالینی موثر واقع شود. روش کار: در این پژوهش، که مطالعه ای توصیفی-مقطعی میباشد ابتدا استانداردهای ملی تدوین شده و استانداردهای گزارش صبحگاهی شناسایی شد و سپس بر اساس استانداردهای ملی و مروری بر سایر مطالعات، فرم جمع آوری اطلاعات جهت بررسی نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی از نظر مطابقت با استانداردهای ملی طراحی گردید. قبل از شروع کار فرم جمع آوری اطلاعات توسط ۳ نفر از متخصصین بالینی مورد تایید قرار گرفت و در یک جلسه صبحگاهی به صورت پایلوت مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از تکنیک مشاهده مستقیم و به صورت مخفی جمع آوری گردید مشاهده و ثبت داده‌ها توسط کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه صورت گرفت به این ترتیب که با حضور در جلسات گزارش صبحگاهی که بصورت سرشماری انتخاب شد فرم جمع آوری داده‌ها تکمیل گشت. فرم جمع آوری اطلاعات گزارشات صبحگاهی دارای دو بخش ساختار و محتوای آموزشی میباشد. که در مجموع ۲۲ گزارشات صبحگاهی از نظر ساختار و محتوای آموزشی بررسی شدند. در نهایت داده‌های جمع آوری شده وارد نرم افزار Spss و با استفاده از شاخصهای آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به جهت رعایت اصول اخلاقی، اطلاعات بخشها به صورت مخفی بایگانی شد. نتایج: در ۲۲ مورد جلسات گزارش صبحگاهی بررسی شده طولانیترین گزارشات ۶۰ دقیقه و کوتاهترین گزارش در ۲۵ دقیقه ارائه گردید و بطور میانگین مدت جلسات ۴۹/۳۶ دقیقه با انحراف معیار ۱۳/۶۹ بوده است. در ۲۰ گزارش، اساتید گرداننده بحث بودند. در ۱۶ گزارش (۷۷/۳ درصد) شیوه ارائه مطالب پرسش و پاسخ بوده و

اساتید صرفا سوال می پرسیدند و در ۵ مورد استاد سخنرانی را عهده دار بودند. در ۱۴ مورد (۶۳/۶ درصد) یک بیمار معرفی شده و در بقیه موارد ۲ مورد بیمار معرفی شده است. در ۱۲ مورد (۵۴/۵ درصد) فرد معرفی کننده در جلسات صبحگاهی کارورز و در ۱۰ مورد (۴۵/۵ درصد) فرد معرفی کننده دستیار و کارورز می باشد، مدت زمان معرفی بیماران بطور میانگین ۳۸/۹۱ دقیقه بوده است. با توجه به نتایج بدست آمده تعداد ۴۵/۵ درصد از گزارشات صبحگاهی از نظر مدت جلسات نامطلوب ارزشیابی شده. بیشترین نمونه های بیماران که در جلسات گزارش صبحگاهی معرفی شده اند بیماران پیچیده با فراوانی ۵۰٪ (۱۱ مورد) می باشد و بعد از آن بیماران شایع با فراوانی ۱۳/۶ (۳ مورد) معرفی شده اند. بحث و نتیجه گیری: این مطالعه توانست تصویر ساده شده ای از وضعیت موجود گزارشات صبحگاهی ارائه دهد. از یافته‌های بسیار مهم این مطالعه عدم مشخص بودن وظایف دستیاران و دانشجویان در این جلسات و عدم ایفای نقش موثر توسط دانشجویان (کارآموزان) و همچنین تعداد محدود بیماران معرفی شده در جلسات بود. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که اگرچه در برگزاری جلسات ایرادات و نقصهایی وجود دارد ولی گروهها به برگزاری آن پایبندند. بنابراین اطلاع رسانی و ترغیب گروهها باعث خواهد شد که شرایط جلسات ارتقا یافته و به آموزش موثر بالینی کمک نماید.

کد: ۱۴۸۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: عنوان: تبیین تجربه یادگیری در بالین: استفاده از مشاهده

برای کسب مهارت در بخش زنان و زایمان

نویسندگان: سحر پران دوجی

کلیدواژه‌ها: یادگیری، مشاهده، بالین، دانشجوی مامایی، گزارش

مورد آموزشی

متن مقاله: زمینه و هدف: رشته مامایی یکی از رشته های گروه علوم پزشکی است که یادگیری و کسب مهارت در بالین یکی از اصلی ترین روش آموزش آن می باشد. یادگیری از طریق مشاهده بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی (social learning theory)، بر حسب یک تعامل دو جانبه بین شخص و عوامل تعیین کننده محیطی تبیین می شوند. یادگیری از طریق مشاهده، سرمشق گیری و تقلید است. بسیاری از مهارت‌ها از طریق مشاهده و تقلید آموخته می شوند. هدف از این مطالعه تبیین تجربه دانشجوی مامایی از یادگیری در بالین بوده است. که دانشجوی تجربه یادگیری



از طریق مشاهده را داشته است. روش کار: این مطالعه یک گزارش مورد آموزشی با رویکرد کیفی است که برای گردآوری داده از مصاحبه بدون ساختار و تعاملی استفاده شد. علاوه بر تجربیات دست اول (lived experience) از نقل قول های در سایه (third person.shadow) نیز استفاده شد. از دانشجوی مامایی خواسته شد تجربه یادگیری خود را در بالین حکایت نماید. مصاحبه ضبط، خط به خط دست نویس و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای مرسوم، آنالیز شد. یافته ها: از تحلیل داده ها یک مضمون اصلی خاص یادگیری مهارت بالین با عنوان "استفاده از مشاهده و یادگیری مهارت با لین" و چندین مضمون فرعی "گپ پراتیک و مانکن در مقابل بالین و بیمار"، "اعتماد به نفس و جرات در مقابل استرس و لرزش دست" استخراج شد. در این تجربه دانشجو با مشاهده در بالین و مروری مطالب تئوری، تصویر شماتیک و تثبیت شده ای را در حافظه خود ترسیم می کرد. دادن فرصت تمرین و تکرار و حمایت دانشجو و تحمل خطا های او از سوی مربی می توانست این داده های ترسیم شده در حافظه را بصورت عملی بر بالین بیمار با موفقیت پیاده نماید. دادن حق تصمیم گیری و فرصت در آموزش از خواسته دانشجوی مامایی می باشد. بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه گزارش مورد نشان داد که دانشجوی مامایی در بالین بسیاری از دانش ها و مهارت ها را از طریق مشاهده رفتار کسب می کند. ادغام دانش تئوری و مشاهدات بالین باعث می شود توانایی بالقوه ای در دانشجو بوجود آورد اما برای بالفعل در آوردن این توانایی دانشجو نیاز به حمایت مربی و هم تایان و پرسنل بالین دارد. تحمل خطا و اجازه تمرین و تکرار می تواند او را به کسب صلاحیت حرفه ای برساند.

کد: ۱۴۸۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: عنوان: فرایند آموزش یادگیری اکتشافی از طریق تلفیق (اصول علمی، مبتنی بر شواهد علمی و گزارش مورد) در درس پرستاری بهداشت خانواده  
نویسندگان: اکرم ثناگو،  
کلیدواژه ها: یادگیری فعال، یادگیری اکتشافی، گزارش مورد،  
پرستاری بهداشت خانواده

متن مقاله: زمینه و هدف: درس بهداشت جامعه (۲) با هدف کمک به دانشجویان برای انتقال دانش و آگاهی ها و مفاهیم لازم در زمینه بهداشت خانواده است تا بر این اساس بتوانند به بررسی

و شناخت و تشخیص مشکلات بهداشتی پرداخته و مهارت های لازم را در حل مسائل و معضلات بهداشتی خانواده به کار گیرند. استفاده از روش های سنتی تدریس بدون نوآوری برای رسیدن به اهداف درس غیر ممکن می باشد. هدف از این مطالعه ارائه فرایند آموزش یادگیری اکتشافی از طریق تلفیق (اصول علمی، مبتنی بر شواهد علمی و گزارش مورد) در درس پرستاری بهداشت خانواده می باشد. روش کار: در شش دوره آموزشی درس پرستاری بهداشت جامعه (۲) به ارزش دو واحد توسط مجری طرح ارائه می شود. از دانشجویان انتظار می رفت که از موضوعات درس مرتبط با اهداف اختصاصی طرح درس، یکی از مطالبی را انتخاب کنند و در یکی از جلسات کلاس آن را به صورت کنفرانس از طریق تلفیق (اصول علمی، مبتنی بر شواهد علمی و گزارش مورد) در ارائه نمایند. برای استفاده از تجربیات و دیدگاه دانشجویان در خصوص این رویکرد یاددهی یادگیری از مصاحبه های نیمه ساختار با ۱۵ دانشجو در سه دوره غیر متوالی صورت گرفته بود به روش آنالیز محتوی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: در مجموع طی شش ترم ۱۸۰ دانشجو در این فرایند شرکت کردند. تقریباً ۹۰ درصد دانشجویان در قسمت اول کار یعنی "اصول علمی، گرد آوری و ارائه" موفق بودند. در بخش "مبتنی بر شواهد علمی"، ۷۰ درصد دانشجویان قادر بودند موضوع مورد بررسی را در مطالعات صورت گرفته بررسی و نتایج را ارائه دهند. در بخش "گزارش مورد" ۶۰ درصد دانشجویان توانستند از تلفیق "اصول علمی، مبتنی بر شواهد و گزارش مورد" مطالبی را برای ارائه کلاس تهیه نمایند. مضامین اصلی حاصل از مصاحبه های شامل "فعال شدن در یادگیری، یادگیری معنی دار و ماندگار، یادگیری عینی و کاربردی" بود. بحث و نتیجه گیری: در نقشه جامع علمی سلامت، در توسعه منابع انسانی، تحول نظام آموزش پزشکی را با رویکرد توانمند سازی با تمرکز بر یادگیری در مقابل صرف آموزش متذکر شده است. مرجعیت علمی تاکید بر نوآوری دارد. فرایند مذکور در آموزش یک روش جدید است که جنبه های مختلف یادگیری را در دانشجو ایجاد می کند "اصول علمی موضوع که دانشجو را دریادگیری فعال می کند، یادگیری مبتنی بر شواهد که خود تسهیل کننده ترجمان دانش خواهد بود و استفاده از گزارش مورد که فی النفسه مراقبت پاسخگو را تسهیل می نماید". فرایند مذکور توجه به یادگیری و توانمند سازی دانشجویان برای مراقبت پاسخگو را ارتقا می دهد.

کد: ۱۴۸۹





حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: تبادل تجارب آموزشی بین دانشگاهی جهت ارتقا یادگیری دستیاران بمنظور آمادگی برای آزمون بورد

نویسندگان: لیلا پاداش

کلیدواژه‌ها: تجارب آموزشی، ارتقای یادگیری، دستیاران

متن مقاله: زمینه وهدف: امروزه دانشگاه ها با توجه به گسترش روز افزون تکنولوژی آموزشی که منجر به سهولت تبادل اطلاعات و یادگیری می گردد، نیاز مبرم دارند که بصورت منطقه ای و فرا منطقه ای در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر باشند و در ابعاد مختلف فعالیتهای آموزشی تبادل نظر و تشریح مساعی نمایند. به اشتراک گذاری دانش دارای جنبه های بسیار برجسته و متمایزیست، زیرا داشته های علمی اغلب در معرض کاهش سودمندی هستند دستیاران در سال آخر در انتهای دوره دستیاری، با کاهش نسبی حجم مسئولیت ها و کم شدن تعداد کشیک ها مواجه هستند. که در این زمان، لازم است برنامه ریزی دقیقی را برای کسب آمادگی لازم برای شرکت در امتحانات بورد داشته باشند اما با حجم بالایی از مطالب برخورد می کنند و اساتید باید شرایطی را فراهم آورند که دستیاران اکثرا در ماههای اول فرصت زیادی را بدون برنامه ریزی خوب از دست ندهند. هدف اصلی از این پژوهش مدیریت دانش از طریق به اشتراک گذاری دانش در بین گروه داخلی دانشگاه های سطح کشور، جهت آمادگی دستیاران داخلی برای آزمون بورد تخصصی بوده است تا با استفاده از این روش بتوان در نهایت میزان قبولی آنان را افزایش داد. روش اجرا: ۱- تشکیل تیم کارشناسی و منسجم با جلب همکاری مسئولین آموزشی، اعضای هیئت علمی و کارشناسان دانشگاه در جهت پیشبرد اهداف طرح ۲- هماهنگی با دیگر دانشگاههای کشور در این بین همکاری گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی مازندران و اهواز ویزد جلب شد. ۳- با نظر خواهی از دستیاران، محتوی هر آزمون و زمانبندی آن مشخص شد. ۴- نحوه برگزاری آزمون، هر دانشگاه موظف بود تا حداکثر ۲ روز قبل از برگزاری آزمون از طریق پست الکترونیکی سئوالات را به آموزش بخش داخلی دانشگاه دیگر ارسال نماید. سئوالات توسط کارشناس آموزش ادغام و پس از کنترل نهایی توسط اعضای هیئت علمی مربوطه تکثیر می شدند. سپس آزمون در یکروز و یک ساعت از قبل تعیین شده به طور همزمان با دانشگاه ها برگزار گردید. ۵- تحلیل و بررسی سئوالات بعد از برگزاری آزمون در هر آزمون علاوه بر ۳۰ یا ۴۰ سؤال مربوط به مبحث مورد نظر ۲۰ سؤال ژنرال داخلی نیز گنجانده شد. پس از برگزاری آزمون ها سئوالات توسط رزیدنت ها و با کمک اساتید

مربوطه به بحث گذاشته شده. در کنار این آزمون ها رزیدنت های سال چهارم در آزمون های دوره ای که به منظور ارزشیابی درون بخشی برگزار می شد نیز شرکت کردند. بعد از برگزاری آزمون، جلسه ای جهت نقد و بررسی سئوالات در هر دوره با حضور اعضای هیئت علمی گروه داخلی و دستیاران برگزار گردید یافته ها: از جمله پیامدهای حاصل از اجرای این پژوهش در دوره اول دستیابی به هدف اصلی آن یعنی قبولی ۱۰۰٪ دستیاران داخلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در آزمون بورد سال ۹۳ که رکورد منحصر به فردی برای یک رشته نوپا بود. بازخورد های مهم ارزیابی از طریق اخذ نظر از گروه آموزشی به ترتیب اولویت: ایجاد انگیزه یادگیری و کسب تجربه کار گروهی در بین گروه های آموزشی دانشگاه های مختلف آشنایی دستیاران با سئوالات مختلف دانشگاه های دیگر بیش بینی نیازهای آموزشی آتی و ارتقا آموزش آشکار شدن نقاط قوت و ضعف دستیاران بازخورد مهم ارزیابی از طریق اخذ نظر دستیاران آنان اظهار داشتند که برگزاری این آزمون ها در کنار فاکتورهای دیگر آنان ملزم به مطالعه منظم تر کرده است و نقش به سزایی در کسب موفقیت ۱۰۰ درصد آنان داشته است.

—  
کد: ۱۴۹۲

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: عنوان فرآیند: ارتقای کیفی آموزش بالینی از طریق به کارگیری الگوریتم های تشخیصی و درمانی در قالب مولتی مدیا و

پوستر

نویسندگان: محمد رادگودرزی،

کلیدواژه‌ها: الگوریتم، مولتی مدیا، آموزش بالین، پوستر، دانشجوی پزشکی

متن مقاله: زمینه وهدف: الگوریتم ها نقشه های ذهنی گویایی هستند که با دنبال کردن شان، می توان یک مشکل را علت یابی نمود. در واقع الگوریتم ها نمونه ی بارزی از "یادگیری بر اساس حل مساله/ PBL or problem based learning" هستند. تفکر الگوریتمی و استفاده و ترغیب به استفاده از آن و نصب الگوریتم های مربوط به مشکلات شایع در هر بخش به صورت پمفلت، پوستر یا تابلو و التزام دانشجویان به پیگیری و حرکت بر اساس آن نقشه ها، عملی ترین راه برای همگام و همنا کردن هرچه سریع تر دانشجویان با اساتید است. زمانی که این الگوریتمها که به مثابه نقشه ذهنی برخورد با مسائل می باشد چه در گزارش صبحگاهی و چه در اتاق بیماران پیش رو باشد، دانشجو اگر به دلایلی مثل ضیق وقت یا پیش آمدن سئوالات متعدد بحث از



مسیرش خارج یا متوقف شود، رشته بحث را از دست نداده و در کنار آن سایر جوانب پیرامون بحث را هم خواهد دید. هدف از این فرایند ارتقای کیفی آموزش بالینی از طریق به کارگیری الگوریتم های تشخیصی و درمانی در قالب مولتی مدیا و پوستر بوده است. روش کار: " درک ضرورت و نیاز به یک تغییر در روند آموزش بالینی"، " طرح موضوع در گروه آموزشی اطفال"، " گردآوری الگوریتم ها"، "گروه هدف"، "منبع و چهارچوب الگوریتم ها"، " اجرای آزمایشی"، "ارزیابی"، "اجرای قطعی و مستمر" بوده است. یافته ها: الگوریتم های رویکردهای تشخیصی درمانی اطفال شامل خون، گوارش، غدد، قلب و نوزادان طی مدت یک ماه جمع آوری شد. الگوریتم های جدید می تواند جایگزین قبلی ها شده، همچنین موارد جدیدی همواره قابل ارائه کردن می باشند. الگوریتم ها به دو صورت: پاورپوینت و پوستر. پوسترها طی بحث در راندها، در مقابل دید قرار دارند و به عنوان یک نقشه از آنها استفاده می شود. در گزارش های صبحگاهی هرگاه راجع به یک مشکل بحث می شود الگوریتم تشخیصی مربوط یا نزدیک به بحث نیز در اسکرین توسط رزیدنت مسوول گزارش صبحگاهی نمایش داده می شود تا اتند مربوطه در صورت تمایل ضمن بحث از تصویر نیز استفاده نماید. بحث و نتیجه گیری: عمدتاً (درصد بالایی) از دانشجویان رضایت از اقدام صورت گرفته و خواهان پیگیری و مداومت آن می باشند. مجموعه الگوریتم ها در کنار یکدیگر می تواند به صورت یک اثر تالیفی تحت عنوان الگوریتم های تشخیصی درمانی بیماری های کودکان به صورت یک کتاب آموزشی کاربردی ارائه گردد.

کد: ۱۴۹۳

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی دانش و عملکرد دانشجویان پرستاری در ارتباط با

بیماران ناشنوا

نویسندگان: زهرا رضائی،

کلیدواژه‌ها: ارتباط، بیمار ناشنوا، دانشجویان پرستاری، عملکرد

متن مقاله: مقدمه: ارتباط موثر بین پرستار و بیمار جزء ضروری در مراقبت پرستاری است، با وجود این، ارتباط بین پرستاران با بیماران ناشنوا و دارای مشکلات شنوایی مشکل است. ارتباط با بیماران از وظایف دانشجویان پرستاری نیز است و برقراری ارتباط دانشجویان با بیماران ناشنوا می تواند نشان دهنده تعامل آنان در آینده باشد. هدف: این پژوهش به منظور بررسی دانش و عملکرد دانشجویان پرستاری در برقراری ارتباط با بیماران ناشنوا و دارای

مشکلات شنوایی انجام شده است. روش کار: پژوهش به صورت توصیفی مقطعی بر روی ۷۱ دانشجوی پرستاری سال آخر دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه دانش و چک لیست عملکرد جمع آوری گردید. جهت ارزیابی دانشجویان دو ایستگاه طراحی شد. در ایستگاه اول، دانشجویان با بیمار نمای ناشنوا مبتلا به درد قلبی مصاحبه نموده و شرح حال اخذ کردند، عملکرد و رفتار دانشجویان توسط ارزیاب و دوربین مخفی مورد ارزیابی قرار گرفت. در ایستگاه دوم، دانشجویان به پرسشنامه دانش پاسخ می دادند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱،۵ و آزمون‌های توصیفی و تحلیلی، تی تست و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: به طور کلی، ۱۱،۳٪ از شرکت کنندگان تاریخچه ارتباط با بیمار نمای ناشنوا را داشتند. بیشتر دانشجویان عملکرد ضعیفی در ارتباط با بیمار نمای ناشنوا داشتند. اختلاف معناداری بین میانگین نمره دانش و جنسیت دانشجویان دیده شد ( $P=0.05$ ) که دانشجویان مرد نمره بالاتری داشتند. همچنین در زمینه ارتباط با بیمار ناشنوا، ۶۱،۵٪ از دانشجویان از نظر دانش و ۸۷،۳٪ آنان از نظر عملکرد در سطح ضعیف و خیلی ضعیف قرار داشتند. نتیجه گیری: دانشجویان پرستاری دانش و مهارت کافی جهت ارتباط موثر با بیمار ناشنوا را ندارند و اکثریت آنان در ارتباط با این بیماران دچار اضطراب و تردید می شوند. لازم است که در برنامه درسی رشته پرستاری مبحثی در مورد آموزش ارتباط با بیماران ناشنوا گنجانده شود و مدرسین پرستاری نیز به این قضیه توجه بیشتری نمایند تا پرستارانی توانا در زمینه برقراری ارتباط با بیمار ناشنوا تربیت نمایند.

کد: ۱۴۹۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: مقایسه تأثیر آموزش نحوه تفسیر ارب اسکن II به روش

کلاس درس و یا با استفاده از نرم افزار کامپیوتری در دستیاران

چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

نویسندگان: سپهر فیضی، بهرام عین اللهی، معصومه کلانتریون

کلیدواژه‌ها: نرم افزار چند رسانه‌ای، آموزش به روش بحث آزاد،

تفسیر یافته‌های ارب اسکن، دستیاران چشم پزشکی

متن مقاله: هدف: بررسی تأثیر یک نرم افزار چند رسانه ای در

ارتقا توانائی تفسیر یافته های ارب اسکن در دستیاران چشم

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مقایسه با آموزش

به روش مرسوم. روش مطالعه: این مطالعه به روش تصادفی و



مقاطع (Randomized cross-over study) بر روی ۱۷ دستیار چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شامل ۱۱ دستیار سال دوم و ۶ دستیار سال سوم انجام شد. از یک نرم افزار چند رسانه ای بمنظور آموزش نحوه تفسیر ارب اسکن و ارائه مقادیر طبیعی و غیر طبیعی در مطالعه استفاده شد. دانش قبلی دستیاران درباره نحوه تفسیر یافته‌های ارب اسکن توسط یک پیش آزمون ارزیابی شد. پس از آن، دستیاران بطور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. گروه ۱ آموزش را بصورت کلاس حضوری و با روش بحث آزاد دریافت کرد. گروه ۲ فقط مواد آموزشی ارائه شده در DVD را مطالعه کرد. پس از آن، پس آزمون یک برگزار شد و سپس گروه‌ها جابجا شدند. پس از دو هفته از پس آزمون یک، پس آزمون دو برگزار شد. نتایج: ۹ دستیار چشم پزشکی در گروه ۱ و ۸ دستیار در گروه ۲ قرار گرفتند. متوسط سن شرکت کنندگان در گروه اول  $1/7 \pm 29/1$  سال (محدوده ۲۷ تا ۳۲ سال) و در گروه دوم  $1/7 \pm 29/1$  سال (محدوده ۲۷ تا ۳۲ سال) بود. ( $P=0.81$ ) نسبت مرد به زن در گروه یک ۷ به ۲ و در گروه دو ۶ به ۲ بود ( $P=0.82$ ). دستیاران سال دوم ۶۶/۷٪ گروه ۱ و ۶۲/۵٪ گروه ۲ را تشکیل می‌دادند ( $P=0.91$ ). نتایج پیش آزمون بین دو گروه از نظر آماری تفاوتی نداشت. در گروه اول یک افزایش معنادار در نتیجه پس آزمون ۱ در مقایسه با پیش آزمون مشاهده شد. برنامه نرم افزاری نتوانست منجر به افزایش معنادار در نتایج پس آزمون ۱ در گروه دوم شود. یک اختلاف آماری معنی دار بین نتایج پیش آزمون و پس آزمون ۲ در هر دو گروه مشاهده شد. بحث و نتیجه گیری: تنها آموزش به روش حضوری نتوانست باعث ارتقا توانایی تفسیر یافته‌های ارب اسکن در دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شود و استفاده از یک نرم افزار چند رسانه ای نتوانست بطور معناداری این توانایی را ارتقا دهد.

کد: ۱۴۹۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی تاثیر برگزاری جلسات طرح سوال در افزایش دانش و مهارت متخصصان در طراحی سوال استاندارد  
نویسندگان: سید غلامرضا مرتضوی مقدم، خیرالنسا رمضانزاده، کلیدواژه‌ها: جلسات طرح سوال - افزایش دانش و مهارت متخصصان، طراحی سوال استاندارد

متن مقاله: مقدمه و هدف: آموزش علوم پزشکی، فرآیندی است که در جریان آن دانش، اطلاعات و مهارت‌های مورد نیاز در عرصه

سلامت به دانشجو انتقال می‌یابد. فراگیران در این فرآیند عموماً خود را از نظر فکری و عملکردی برای کار در عرصه سلامت آماده میکنند و به عبارت دیگر محور اصلی آموزش در علوم پزشکی، گسترش و تکامل معرفت، علم، اطلاعات و دانش در حوزه سلامت است که خود ضامن توسعه و کیفیت در تحول نظام سلامت خواهد بود. و ابزار ارزیابی میزان یادگیری، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی است. نظر به اهمیت طراحی سوالات استاندارد جهت سنجش و ارزیابی میزان آموخته‌های فراگیران و فراهم ساختن زمینه‌های بازخورد مناسب در جهت بهبود کیفیت آموزش، آموزش اساتید با هدف بهبود مهارت و افزایش آگاهی آنان در این خصوص ضروری می‌نماید. روش پژوهش: این پژوهش به صورت مداخله‌ای اجرا گردیده است طی بررسی‌های به عمل آمده و طبق دستورالعمل وزارت خانه مبنی بر استاندارد سازی آزمون‌های دستیار مطابق روال قبلی این سوالات از اساتید جمع‌آوری و در زمان آزمون توسط کارشناس مرکز آزمون مورد بررسی قرار می‌گرفت که طی این روند اساتید طراح سوال به هیچ عنوان از نواقص سوالات خود مطلع نمی‌شدند حتی در برخی از موارد برای تهیه سوال در بازه زمانی امتحانی به علت مشغله زیاد اساتید گروه با مشکل مواجه می‌شد لذا تصمیم بر آن شد که این سوالات در طی جلساتی با حضور کلیه اساتید (متخصصان گروه داخلی) از اساتید دریافت شود. این جلسات توسط مدیر گروه به صورت ماهیانه با حضور متخصصان و کارشناس مرکز آزمون برگزار گردید که در طی این جلسات هر استاد در حوزه‌های مشخص شده بنا به رشته خود سوال را ارائه کرده و بعد کارشناس مرکز آزمون نظر خود را درباره ساختار این سوال بیان می‌کرد که با بررسی این نظر و نظرات سایر متخصصان سوال مورد ویرایش قرار می‌گرفت که مشابه یک کارگاه کاملاً عملی بود. سپس ارزیابی درخصوص تاثیر این جلسات به دو صورت انجام شد: ۱- مقایسه سئوالات سال ۹۲ اولیه با سئوالات سال ۹۳ برای مقایسه بهبود مهارت اساتید در طراحی سوال ۲- آزمون میزان آگاهی اساتید درباره طراحی سوال استاندارد (در ۵ حیطه). قابل ذکر است که در این جلسات ۲۵ نفر از بخش مختلف (داخلی، اعصاب، عفونی، قلب) شرکت می‌کردند که می‌توان گفت تقریباً این تعداد ۸۵ درصد متخصصان گروه داخلی را شامل می‌شود که ۱۹ نفر از آنان در این دیدگاه سنجی حضور داشتند یافته‌ها: در بررسی میزان آگاهی اساتید بعد از برگزاری این جلسات، میانگین نمره اساتید در طراحی پایه سوال  $4.1053 \pm 0.56713$  از نمره ۵ و در طراحی گزینه‌ها  $1.20428 \pm 0.583158$  از ۱۰ و در شیوه نگارش  $2.22942 \pm 0.94744$  از ۳ و در



شکل سوالات.  $31530 \pm 1,8947$  از ۲ و در محتوای سوالات آزمون  $1,41421 \pm 9$  از ۱۱ بود که نتایج بیانگر این بود که اکثریت اساتید آگاهی کامل از قواعد و رعایت آن پیدا کردند و فقط در محتوای سوال هنوز مقداری نواقص وجود داشت. نتایج بررسی میزان تأثیر این جلسات در بهبود مهارت اساتید نشان داد که در حیطه طراحی پایه سوال ۸۰ درصد و در طراحی گزینه های استاندارد (یکسان بودن از نظر شکل، اندازه و محتوا، طولانی نبودن، منفی نبودن و عدم کاربرد کلماتی مانند همه یا هیچ) ۷۰ درصد و در شیوه نگارش سوال ۸۶ درصد بهبود یافته است. نتیجه گیری: با توجه به نتایج و اهمیت ارزشیابی پیشنهاد می گردد علاوه بر برگزاری جلسات طرح سوال، سایر مولفه های آموزش نظیر شیوه های تدریس، بهره گیری از تکنولوژی مناسب و... نیز به این صورت آموزش داده شود.

کد: ۱۴۹۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر استخراج اصول مدیریت از نهج البلاغه توسط دانشجویان رشته هوشبری بر ارتقا درک ایشان از مفاهیم درس مدیریت

نویسندگان: سارا قدوسی مقدم،

کلیدواژه ها: نهج البلاغه، اصول مدیریت

متن مقاله: مقدمه مفهوم اداره یا به تعبیر امروزی تر "مدیریت" در کلمات و بیانات امام علی (ع) با واژه هایی مانند: تدبیر، امره، قدرت، سید و سیادت و راعی بکار گرفته شده است. از سویی بسیاری از اندیشوران حوزه مطالعات مدیریت، نامه ۵۳ امام به مالک اشتر را استفاده نموده اند که حقیقتاً منشور اسلامی مدیریت و حکومت تاریخ بشری است. (۱) از طرفی با توجه به تاکید مکرر مقام معظم رهبری بر تدوین الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی و ضرورت بومی سازی علوم انسانی و تولید الگوهای صحیح بومی و با توجه به اینکه نهج البلاغه همراه با اداره ی صحیح کشور اسلامی تحقق یافته است و روش ها و شیوه های صحیح مدیریت در آن مطرح شده و واقعیت های زندگی سیاسی، اجتماعی فرد و جامعه از نظر کاربردی معرفی شده اند. (۲) همچنین اهم محورهای نقشه جامع علمی سلامت که عبارتند از: دارا بودن مبانی و الگوی اسلامی ایرانی، احتراز از پیروی کورکورانه از الگوهای غربی، تطبیق نقشه بر اساس فکر و نیازهای خودی و استفاده از علم کشورهای غربی (۳)، بر آن شدیم تا با استعانت از کتاب مقدس نهج البلاغه برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی که

متناسب با فرهنگ اسلامی کشور عزیزمان نیز باشد، برای استخراج اصول مدیریت گام برداریم. از آنجاییکه یکی از مهم ترین اصول مدیریت که تقریباً در تمامی کتب مدیریت ذکر گردیده است اصول مدیریت هنری فایول می باشد و نیز اهمیت مطالعه و تدبر در نهج البلاغه، بر آن شدیم تا نگاهی عمیق و جامع به خطبه ها، نامه ها و حکمت ها نمائیم تا انشا... بتوانیم مباحث تئوری را که تقریباً همگی از غرب وارد متون و دروس دانشگاهی گردیده اند، را با این کتاب مقدس مطابقت دهیم و اثبات نمائیم که نهج البلاغه کتاب راهنمایی برای تمام مدیران از جمله مدیران سیستم بهداشتی و درمانی می باشد. روش کار در این پژوهش پس از مطالعه مقالات مرتبط با این موضوع و نیز پس از تدریس و توضیح کامل اصول مدیریت بصورت هدفمند برای دانشجویان مقطع کارشناسی هوشبری که واحد درسی مدیریت را می گذرانند، چک لیست طراحی شده که در آن ۱۴ اصل مدیریت هنری فایول لیست گردیده و نیز توضیحاتی در رابطه با مفاهیم تک تک اصول قید شده است، در اختیار ایشان قرار گرفت و دانشجویان تحت نظارت علمی مجری از طریق مطالعه ترجمه تک تک خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه (که طی تقسیم بندی صورت گرفته هر یک مسئول استخراج اصول از قسمت مشخصی از نهج البلاغه بودند) به استخراج جملاتی که مطابقت با اصول مدیریت دارند، پرداختند. این فرآیند حدود یک ترم تحصیلی بطول انجامید و در این مدت هر هفته مطالب گردآوری شده مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یافته ها مرور کامل نهج البلاغه (تمام خطبه ها، نامه ها و حکمت ها) با نگاه مدیریتی توسط دانشجویان که در مجموع منتج به استخراج ۳۶۷ جمله شد که می توان از آنها به عنوان مثال برای درک بهتر اصول مدیریت استفاده کرد، همچنین امیدواریم منجر به بهره گیری هر چه بهتر از اصول دینی و اسلامی در فعالیت های سازمانی گردد. بحث و نتیجه گیری با توجه به اینکه دانشجویان درک عمیقی از کتاب نهج البلاغه و نیز اشراف به اصول مدیریت نداشتند، زمان بسیاری برای انجام این کار صرف شد که البته با توجه به استقبال دانشجویان بخوبی به سرانجام رسید. لازم بذکر است هدف در این پژوهش استخراج مفاهیم آشکار و قابل درک در حد دانش و آگاهی قرآنی یک دانشجوی جوان مسلمان شیعه از نهج البلاغه بوده است و نه تفسیر علمی و عرفانی. با این وجود بر اساس نتایج آزمون پایان ترم دانشجویان با سوالات مشابه دوره های پیشین، به نظر میرسد علاقمندی و درک ایشان از درس مدیریت و نیز توانمندیشان در ارائه مثال های کاربردی ارتقا یافته است.



در این روش پذیرفته شده بودند به عنوان گروه اول و دانشجویان رشته ی اپتومتری واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با میانگین سنی سال و میانگین فاصله ی زمانی از مقطع تحصیلی قبلی سال که از طریق آزمون ورودی وزارت محترم بهداشت در این رشته پذیرفته شده بودند به عنوان گروه دوم با روش طرح شبکه ی مغزی آموزش دیدند ساعت ۸ تا ۱۰ صبح هر چهارشنبه گروه دوم و ۱۰ تا ۱۲ گروه اول با مطالب کاملا استاندارد شده حتی مثال های مشابه آموزش دیدند در انتهای ترم در یک روز و یک سوال هر دو گروه اول و دوم مورد آزمون واقع شدند معدل دانشجویان گروه اول و معدل دانشجویان گروه دوم بوده است تعداد دانشجویان ممتاز در گروه اول ۲ نفر و در گروه دوم ۴ نفر تعداد دانشجویان ضعیف در گروه اول ۲ نفر و در گروه دوم ۴ نفر بود که هیچ یک تفاوت معنی دار بین دو گروه محسوب نمیشود میزان رضایتمندی دانشجویان در گروه اول و در گروه دوم میباشد نشان دهنده ی بالاترین سطح رضایتمندی از آموزش و میزان یادگیری میباشد نتایج اولاً روش آموزش شبکه ی مغزی موجب ارتقای رضایتمندی دانشجویان میشود ثانیاً کارآیی این روش آموزشی در ارتقای گروه دوم که معدل سنی و میانگین فاصله ی زمانی آنها از مقطع تحصیلی قبلی به صورت معنی داری بالاتر میباشد و رساندن معدل نمرات آنها به دانشجویان گروه اول مثبت ارزیابی میشود ثالثاً برای بررسی کارآیی این روش تحقیق دیگری به صورت مورد شاهد با دو استاد متفاوت یکی با روش آموزش سنتی و دیگری با روش آموزش شبکه ی مغزی و آزمون مشترک در حال اجرا می باشد.

کد: ۱۵۰۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آموزش مهارتهای سخنوری و فن بیان بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا در دستیاران گروه کودکان؛ گامی به سوی آموزش پزشکی فرهنگی، تربیتی و اجتماعی  
نویسندگان: محمد رادگودرزی، مهناز فولادی نژاد، حسین زائری، احسان اعلائی، آرزو میر فاضلی، نصیبه رجبی، لیلا پاداش  
کلیدواژه ها: مهارتهای سخنوری و فن بیان، دستیاران، بیان نظریه یادگیری اجتماعی بندورا

متن مقاله: زمینه هدف: فن بیان از جمله مهارتهای آموزش نداده اما به بهترین وجه خواسته شده از دانشجویان پزشکی است. دانشجویان پزشکی که در طول دوره آموزش خصوصاً در دوران دستیاری بارها به چالش ارائه مطلب در مورنینگ رپورتهای کشیده

کد: ۱۵۰۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه کارآیی آموزش با روش نوین طرح شبکه ای به دو گروه از دانشجویان رشته ی اپتومتری  
نویسندگان: شاهرخ رامین،

کلیدواژه ها: کارآیی آموزش، اپتومتری، رضایتمندی

متن مقاله: در حال حاضر اعضای محترم هیات علمی طبق تجربه ی شخصی و مجموعه ای از توانایی های ذاتی و سلیق خود مطالب آموزشی را سر کلاس ارائه می دهند نظارت بر مواد درسی از طرف گروه های آموزشی و معاونت های محترم آموزشی دانشکده ها و در برخی موارد در حد سر فصل دروس می باشند علیرغم احساس نیاز به تلاش برای ارتقای کیفیت آموزش، هر گونه تغییری در نحوه ی آموزش و مواد آموزشی با خطر عدم استقبال دانشجویان و افت تحصیلی مواجه است مگر آنکه قبل از به کار گیری حتماً به صورتی علمی آزمایش شده باشد از سوی دیگر نیاز به یک تحول اساسی در سر فصل ها بر حسب نیاز روز جامعه ی علمی حرفه ای و تغییر روش های آموزش نیز به شدت احساس میشود خلاصه دو گروه از دانشجویان در مهر ماه سال ۱۳۹۳ در گروه اپتومتری دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با معدل سنی متفاوت و فاصله ی زمانی از مقطع تحصیلی قبلی متفاوت با یک روش واحد یک موضوع واحد توسط یک مدرس واحد و مطالب استاندارد شده تحت آموزش قرار گرفتند و در انتهای ترم در یک روز و یک سوال به صورت هم زمان مورد آزمون واقع شدند میانگین نمرات دو گروه تفاوت معنی داری نداشت تعداد دانشجویان برجسته و ضعیف هم در دو گروه تفاوت معنی داری نداشتند مواد و روش ها طرح شبکه ی مغزی آموزش یک روش شناخته شده آموزش است که تا کنون در خیلی از مراکز آموزشی دنیا به عنوان یک الزام برای خود مدرس جهت استاندارد کردن مطلب و سر فصل ها و ارتباط منطقی مطالب در ذهن مدرس به کار گرفته میشود اما تدریس با این روش تا کنون در هیچ مرکز آموزشی گزارش نشده است برای اولین بار سر کلاس درس فیزیولوژی چشم برای دانشجویان رشته ی اپتومتری ورودی سال با معدل سنی سال و میانگین فاصله ی زمانی از مقطع تحصیلی قبلی سال که از طریق کنکور سراسری



آمد. یافته ها: در ارزیابی دستیاران که بعد از شرکت در کارگاه های فن بیان انجام شد، آنان اظهار داشتند که علاوه بر اینکه آن آموزش ها باعث بوجود آمدن انگیزه ای برای شرکت در این دوره ها به طور فعال گردید؛ همواره باعث بوجود آمدن توانمندی جدیدی در ارائه سخنرانیها و یا حتی ارائه مطالب در مورنینگ ریپورتها، ژورنال کلاب ها و دیگر موارد شده است. علاوه بر آن اساتید بیان کردند که احساس جدید توانمندی دانشجویان و انگاره مثبت آنان از خودشان همراه با رضایتمندی اساتید از آنها و افزایش توانمندی ارتباطی با همراهان بیمار و افزایش توانمندی در کارهای عملی و کیفیت خلقی در حین انجام وظیفه به نحو معناداری در این گروه از دستیاران افزایش یافت.

کد: ۱۵۰۷

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: پرستاری مبتنی بر اسلام و معنویت: رویکرد بین رشته ای

در آموزش پرستاری

نویسندگان: زهرا عابدینی

کلیدواژه ها: پرستاری، اسلام، معنویت، رویکرد بین رشته ای،

پرستاری

متن مقاله: پرستاری مبتنی بر اسلام و معنویت: رویکرد بین رشته ای در آموزش پرستاری نویسندگان: زهرا عابدینی، طاهره صدیقیان، سعیده حیدری، هدی احمري طهران، ناهید مهران، مرضیه رئیسی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم مقدمه: تبیین آثار و ارزشهای پرستاری و مراقبت از بیمار و آگاهی از مقدمات حرفه ای و احکام پرستاری برای ترغیب و انگیزش دانشجویان از بدو ورود به رشته و پیشگیری از آسیبهای روحی در آنان مفید است. توجه به ارزشهای معنوی و اسلامی به عنوان محتوای آموزشی از نیازهای تکمیل کوریکولوم آموزشی می باشد. روش کار: این مطالعه در دو مرحله انجام شده است. نمونه ها شامل دانشجویان پرستاری سال اول دانشگاه علوم پزشکی قم بودند که به روش سرشماری انتخاب شدند. تعداد ۳۵ دانشجو در طرح شرکت کردند. محتوای آموزشی شامل ارزش معنوی پرستاری از بیمار، ویژگیهای پرستار مسلمان، تاریخچه پرستاری در اسلام، پرستاران شایسته و نمونه در اسلام، وظایف واجب پرستار در اسلام، نبایسته های اخلاقی در پرستاری اسلامی، احکام شرعی پرستاران، احکام شرعی بیماران، جایگاه بیمار در اسلام، مراقبت معنوی در پرستاری و مسائل اخلاقی در پرستاری بود. آموزش به شیوه سخنرانی و پرسش و پاسخ و

می شوند. چالشی که برای موفقیت بیش از هر توانمندی دیگری شاید به مهارت سخنوری احتیاج داشته باشد. این تکلیف سنگینی ست که بدون آموزش از آنان خواسته میشود. ندانم کاریها و نآزمودگی در این زمینه را که با آمادگی مختصر علمی و خستگی کشیک شب قبل ترکیب کنیم براحتی مواد اولیه برای تجربه ای تلخ بنام فوبی از سخنرانی در جمع مهیا میگردد. به نظر بندورا، عواطف، تفکر و رفتار فرد در هر موقعیت به احساس توانایی او وابسته است. در موقعیتهایی که فرد نسبت به تواناییهای خود اطمینان حاصل می کند، رفتار و شناخت و احساسات او کاملاً متفاوت از موقعیتهایی است که فرد در آن احساس عدم توانایی، امنیت یا فقدان صلاحیت می کند. لذا افزایش این توانمندی و مهارت در مواردی که لافل خود دانشجو به این پرسش که " آیا نیازمند افزایش این توانمندی و ارتقاء مهارت است " پاسخ مثبت میدهد الزامی است. لذا ما برآن شدیم تا با شروع و انجام یک دوره آموزشی کوتاه فن بیان و مهارت سخنوری و ارائه در هر دوره دستگیری به بررسی اثر این اقدام بر پارامترهای نگاه فرد بخود (SELF IMAGE) و خودکارآمدی (SELF EFFICACY) دانشجویان، رضایت ایشان از خودشان و رضایتمندی اساتید پیردازیمروش اجرا: ۱- مرحله نیازسنجی و پی بردن به ضرورت آموزش مهارت فن بیان و سخنوری در دستیاران کودکان: یک نظرسنجی از دستیاران در مورد خودشان و سایر دستیاران و از اساتید در خصوص آنان در ابتدای سال تحصیلی ۱۳۹۲ یک دوره کوتاه آموزشی به کمک روانشناس مرکز و چندی از اساتید گروه آموزشی مشتاق و توانمند کودکان برای آنان گذاشته که در آن مهارت های فن بیان بطور فشرده آموزش داده شود. ۲- تشکیل جلسه ای با جلب همکاری مسئولین آموزشی، اعضای هیئت علمی در جهت تدوین برنامه کارگاه فن بیان: قابل ذکر است که کارگاه احیاء نوزاد به صورت دوره ای برای دستیاران هر سال و کارورزان و کارآموزان هر سه ماه یکبار برگزار می شود و دستیاران زمانی مجوز تدریس را از گروه کسب می نمایند که در آزمون مگاکد استاندارد شده در کتاب درسنامه کشوری احیا نمره لازم را کسب کرده باشد. دستیاران آموزش دیده باید مباحث مذکور را در دفعه دوم و سوم با حضور اساتید و در دفعه چهارم به تنهایی در طی سال برای کارآموزان و کارورزان که دوره بالینی کودکان دارند را ارائه دهند. ۳- نظرسنجی و ارزیابی نهایی از اساتید و دستیاران گروه کودکان در مورد ارائه کارگاه های فن بیان پس از حدود ده روز بعد از برگزاری اولین و دومین دوره ارزیابی مجددی از دستیاران و اساتید در خصوص مهارت سخنوری دستیاران به عمل



برای ادغام موضوعات مهم در کوریکولوم آموزشی نیاز به نیاز سنجی وجود دارد که نوعی مدیریت آموزشی محسوب می شود. بازنگری موضوعات مهمترین عامل در تضمین کیفیت خدمات می باشد. طراحی بسته آموزشی پرستاری با رویکرد اسلامی هدف مطالعه بود. روش کار: محتوای آموزشی شامل ارزش معنوی پرستاری از بیمار، ویژگیهای پرستار مسلمان، تاریخچه پرستاری در اسلام، پرستاران شایسته و نمونه در اسلام، وظایف واجب پرستار در اسلام، نایسته های اخلاقی در پرستاری اسلامی، احکام شرعی پرستاران، احکام شرعی بیماران، جایگاه بیمار در اسلام، مراقبت معنوی در پرستاری و مسائل اخلاقی در پرستاری بود. فهرست نیاز های آموزشی با مطالعه متون تهیه شد توسط صاحب نظران در گروه معارف و پرستاری مورد داوری قرار گرفت. مراحل تایید ابزار به عنوان محصول آموزشی در جلسات متعدد شورای انتشارات دانشگاه علوم پزشکی قم مورد بررسی و تایید قرار گرفت. این بسته آموزشی به صورت کتابچه خلاصه جهت آموزش دانشجویان پرستاری جدیدالورود دانشکده پرستاری و مامایی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج: میانگین نمره نیز آگاهی از ۷/۳ قبل از دوره به ۱۶/۴ بعد از دوره رسید. بین میزان آگاهی قبل و بعد از دوره اختلاف معنی دار وجود داشت. همچنین انگیزش تحصیلی، افزایش نشان داد. نتیجه گیری: بسته آموزشی پرستاری اسلامی می تواند راهکار مناسبی برای تکمیل کوریکولوم پرستاری و اجرای پرستاری مبتنی بر ارزشهای اسلامی باشد.

کد: ۱۵۴۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: احراز شایستگی بالینی تعبیه لاین وریدی به روش

ونوپانکچرینگ متقاطع

نویسندگان: منصور سلطانی، طاهره خزاعی، اکرم خزاعی، خیرالنسا

رمضان زاده،

کلیدواژه ها: شایستگی بالینی، ونوپانکچرینگ متقاطع، لاین وریدی متن مقاله: زمینه و هدف: آموزش پزشکی با هدف تربیت نیروی شایسته، پشتیبان بهداشت و درمان در طرح تحول سلامت می باشد و با عنایت به اینکه احراز شایستگی بالینی کارکنان درمانی از چالش های جدی و بحث برانگیز حوزه درمان است. عدم کسب تبحر لازم این مهم موجب بروز کاستی ها و خطاهای درمانزاد در امور مراقبتی بیماران می شود. مهارت تعبیه لاین وریدی به تنهایی و در وهله اول شایستگی بالینی کارکنان درمانی را بدرستی توصیف می کند. ونوپانکچرینگ متقاطع روش آموزش رضایتمندانه

کتابچه آموزشی انجام شد قبل و بعد از دوره آموزش و تحویل کتابچه، میزان انگیزش تحصیلی و آگاهی دانشجویان در حیطه های یاد شده مورد بررسی قرار گرفت. مرحله دوم با مشارکت اساتید پرستاری به عنوان گروه خبره در قالب طرح دلفی انجام شد. فهرست نیاز های آموزشی با مطالعه متون تهیه شد و در گروه متمرکز با حضور اعضا هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی و دانشکده پیراپزشکی که دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد پرستاری و سابقه بالاتر از سه سال در آموزش دانشجویان پرستاری بوده اند مورد بررسی قرار گرفت. از آنان خواسته شد تا موضوعات آموزشی را در صورت تایید، مشخص کنند. در مرحله بعد آنان به موضوعات تعیین شده از ۱ تا ۵ نمره دادند. در صورت توافق بالای ۵۰ درصد، موارد تایید شده و فهرستی از نیازهای آموزشی تهیه شد. نتایج: یافته ها در بخش اساتید نشان داد که بالاترین اولویت آموزشی جایگاه بیمار در اسلام و کمترین اولویت تاریخچه پرستاری در اسلام بوده است. موارد توافق کمتر از ۵۰ درصد از دور خارج شد. جایگاه بیمار در اسلام ۸۱/۴ درصد، ارزش معنوی پرستاری از بیمار ۷۴/۸ درصد، ویژگیهای پرستار مسلمان ۷۲/۴ درصد، وظایف واجب پرستار در اسلام ۷۱/۲ درصد، احکام شرعی پرستاران ۶۹/۳ درصد، احکام شرعی بیماران ۶۸/۱ درصد، مراقبت معنوی در پرستاری ۶۶/۲ درصد، مسائل اخلاقی در پرستاری ۶۰/۵ درصد. در بخش دانشجویی، میانگین نمره نیز آگاهی از ۷/۳ قبل از دوره به ۱۶/۴ بعد از دوره رسید. بین میزان آگاهی قبل و بعد از دوره اختلاف معنی دار وجود داشت. نتیجه گیری: پرستاری معنوی و اسلامی از اولویت های آموزشی در دانشجویان پرستاری می باشد. کلمات کلیدی: پرستاری مبتنی بر اسلام و معنویت: رویکرد بین رشته ای در آموزش پرستاری

کد: ۱۵۱۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: طراحی بسته آموزشی پرستاری با رویکرد اسلامی

نویسندگان: زهرا عابدینی،

کلیدواژه ها: بسته آموزشی، پرستاری، اسلامی

متن مقاله: مقدمه: توجه به ارزشهای معنوی و اسلامی به عنوان محتوای آموزشی از نیازهای تکمیل کوریکولوم آموزشی می باشد. محققین بسیاری آنرا مورد تاکید قرار داده اند. در کشور ایران به لحاظ ماهیت اسلامی نیاز به تربیت پرستاران معتقد و آگاه به مسائل مذهبی و معنوی در حرفه پرستاری دارد. پرستاران باید پاسخگوی بیماران و دانشجویان در رابطه با نیازهای معنوی باشند.



گام به گام تعبیه لاین وریدی دانشجوی در استفاده از هم-کلاسی به عنوان بیمار نما با حضور مربی مربوطه است. این روش با ایجاد فرصت جدید آموزشی و کاهش تراکم دانشجویان بر بالین بیمار سبب افزایش حفظ خلوت و رضایت مندی بیماران می شود. موارد زیادی در تاریخ پزشکی از شرکت داوطلبانه صاحبان حرف پزشکی برای آموزش و پژوهش وجود دارد که مشکل اخلاقی انجام این قبیل اقدامات را مرتفع می سازد. روش کار: پژوهش پیش رو یک مداخله سری زمانی است که در طول ۴ ترم تحصیلی با نمونه پژوهش شامل ۲۰ دانشجوی کارشناسی پیوسته هوشبری در دو گروه مداخله و کنترل انجام گردید. معیار ورود به طرح؛ الزام یادگیری مهارت برقراری خط وریدی در درس اصول و فنون پرستاری به صورت نظری بود و معیار خروج شامل عدم آمادگی روحی و روانی در انجام مهارت به دلیل استرس و یا عدم تمایل بود. گروه مداخله به روش استفاده از بیمار نما و گروه کنترل به روال معمول تعبیه آنژیوکتتر بیماران اقدام می کردند. چک لیست سنجش تبصر شامل ۲۷ گویه ریزمهارت بود که هر کدام با سه گزینه «توانایی انجام به تنهایی» (۳ نمره)، «توانایی انجام با کمک» (۲ نمره)، و «عدم توانایی انجام» (نمره صفر) نمونه ها را مورد ارزیابی قرار می دادند و روایی آن توسط ۱۰ نفر مربیان پرستاری مورد تأیید قرار گرفت و برای تعیین پایایی آن از توافق مشاهده گران  $r=0.89$  تأیید شد. تمرین مهارت فوق و میزان یادگیری آن در دو گروه تا غایت هدف یعنی صاف شدن منحنی یادگیری «بتر» به طور مکرر انجام و اندازه گیری شد. بازه نمره دهی چک لیست فوق از ۰ تا ۸۱ تعیین گردید. داده ها پس از ورود به نرم افزار SPSS ۱۱.۵ و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: مقایسه میانگین تعداد دفعات انجام کار تا رسیدن به تبصر بالینی در گویه شماره ۱۱ «باز کردن صحیح پکیج آنژیوکتتر»، ۱۹ «مشاهده خون در dead space آنژیوکتتر» «تداوم ورود با بیرون کشی مختصر ماندن» و ۲۵ «فیکس نمودن آنژیوکتتر» بین دو گروه معنی دار بود، بدین صورت که گروه مداخله با تعداد دفعات کمتری به تبصر بالینی در این گویه ها رسید.

کد: ۱۵۵۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: ارزیابی دانشجویان پزشکی از محیط یاددهی و یادگیری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

نویسندگان: آرزو فرج پور، محمد علی رئیس السادات، علیرضا آل هاشمی، ناصر سنجر موسوی  
کلیدواژه ها: ارزیابی محیط آموزشی، پرسشنامه DREEM، دیدگاه دانشجویان پزشکی

متن مقاله: مقدمه: جو یا اتمسفر تظاهراتی از برنامه درسی و به منزله روح و محیط حاکم بر دانشکده ها و برنامه آموزشی است. محیط یادگیری یک تعیین کننده رفتاری است و نمودار ادراک دانشجویان از محیط پیرامون خود در عرصه یادگیری می باشد. این درک و نگرش دانشجویان، در پیشرفت تحصیلی و موفقیت وی در امر یادگیری تأثیر بسزایی دارد. هدف از این مقاله تعیین وضعیت موجود محیط و فضای حاکم بر آموزش در دانشکده پزشکی جهت برنامه ریزی اصلاحات می باشد. روش کار: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، ۱۰۴ نفر از دانشجویان پزشکی به طور تصادفی و به روش قرعه کشی شماره دانشجویی نمونه گیری شدند و با استفاده از ابزار ۵۰ سوالی و استاندارد DREEM در مقیاس لیکرت پنج گزینه ای در پنج حیطه یادگیری، اساتید، ادراک دانشجویان از توانایی علمی خود، جو آموزشی، ادراک دانشجویان از شرایط اجتماعی خود مورد بررسی قرار گرفتند دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۰-۲۰۰ و میانگین بین ۱-۵ است. براساس تفسیر مولف پرسشنامه، میانگین ۳٫۵ و بالاتر نشان دهنده این است که جنبه های مثبت محیط آموزشی بیش از جنبه های منفی است و میانگین ۲ و کمتر از ۲ نشان دهنده آن است که جنبه های منفی محیط آموزشی بیش از جنبه های مثبت است. حیطه هایی که میانگین ۲ و ۳ کسب میکنند نیازمند به تعدیل می باشند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: تعداد ۱۰۴ دانشجوی پزشکی با میانگین سنی  $22.8 \pm 2.6$  شامل ۸۰ نفر مونث و ۲۴ نفر مذکر در این مطالعه شرکت نمودند. میانگین امتیاز کلی پرسشنامه dreem در مورد دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد مشهد  $104 \pm 21$  بود به طوری که به نظر ۴۴٪ دانشجویان جنبه های منفی محیط آموزشی بیش از جنبه های مثبت آن است و ۵۶٪ عقیده دارند که فضای آموزشی نیازمند تعدیل می باشد. میانگین امتیاز دانشجویان در حیطه یادگیری  $24.5 \pm 6.46$ ، در حیطه اساتید  $24 \pm 6.55$ ، در حیطه ادراک دانشجویان از توانایی علمی خود  $19 \pm 4$ ، در حیطه فضای عمومی آموزشی  $21.8 \pm 6$ ، در حیطه ادراک دانشجویان از شرایط اجتماعی خود  $15 \pm 3$  می باشد. نتیجه گیری: ارزیابی دانشجویان از محیط آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد مشهد ۱۰۴ از ۲۰۰ می باشد که با توجه به اینکه زیر امتیاز ۱۲۰ می باشد مبین سیستم آموزش





پزشکی سنتی است و البته این نتایج با مطالعات مشابه در دانشگاه های علوم پزشکی همخوانی دارد و ضرورت تغییر و بازنگری در نظام آموزش پزشکی کشور را می طلبد لذا این واقعیت بایستی در بازنگری برنامه های آموزشی مد نظر مسوولین قرار گیرد و استراتژی های دانشجو محوری و روش های نوین آموزش و ارزیابی در کوریکولوم اجرا گردد.

—  
کد: ۱۵۶۶

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی محل گزیننه صحیح در آزمون های چند گزیننه ای نویسندگان: عبدالحسین شکورنیا، حسین الهام پور کلیدواژه ها: آزمون های چند گزیننه ای، گزیننه های انحرافی، محل گزیننه صحیح

متن مقاله: مقدمه: آزمون های چند گزیننه ای (MCQ) در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی سرتاسر دنیا به عنوان متداول ترین روش ارزیابی دانشجویان مورد استفاده قرار می گیرند. یکی از دشواری های آزمون های چند گزیننه ای تهیه گزیننه های انحرافی موثر و قرار گرفتن پاسخ صحیح در بین گزیننه های انحرافی می باشد. توزیع پاسخ صحیح بین گزیننه های انحرافی باید بطور نسبی یکسان و تصادفی صورت پذیرد. این مطالعه با هدف بررسی محل قرار گرفتن پاسخ صحیح سوال در بین گزیننه های انحرافی در آزمون های چند گزیننه ای در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی کلیه آزمون های چهار گزیننه ای پایان ترم به تعداد ۲۱۴ عنوان از دروس تخصصی به تعداد ۱۴۳۵۹ سوال، که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۳-۹۲ جهت تصحیح به مرکز خدمات ماشینی دانشگاه تحویل شده بود از نظر محل قرار گرفتن گزیننه صحیح مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل داده ها از فراوانی، درصد و آزمون مجذور کای به کمک نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته ها: از ۲۱۴ عنوان آزمون مورد بررسی تعداد ۱۵۸ عنوان (۷۳/۸ درصد) مربوط به دروس علوم پایه و ۵۶ عنوان (۲۶/۲ درصد) مربوط به دروس بالینی بود. در مجموع این آزمون ها مشتمل بر ۱۴۳۵۹ سوال چند گزیننه ای بود که از این تعداد ۷۵۵۷ سوال چند گزیننه ای مربوط به دروس علوم پایه و ۶۸۰۲ سوال چند گزیننه ای مربوط به آزمون های بالینی بود. در مجموع این آزمون ها مشتمل بر ۱۴۳۵۹ سوال چند گزیننه ای بودند. محل پاسخ صحیح در ۲۲۶۰ سوال (۱۵/۷ درصد) گزیننه «الف»، در ۳۸۹۳ سوال (۲۷/۱ درصد) گزیننه «ب»، در

۴۶۸۳ سوال (۳۲/۶ درصد) گزیننه «ج» و در ۳۵۲۳ سوال (۲۴/۵ درصد) گزیننه «د» بود. آزمون مجذور کای نشان داد بین توزیع فراوانی محل پاسخ صحیح سوالات در گزیننه های «الف»، «ب»، «ج» و «د» از نظر آماری تفاوت معنی دار وجود دارد ( $P=0/001$ ). بنحوی که بیشترین درصد پاسخ های صحیح در گزیننه «ج» و کمترین پاسخ صحیح در گزیننه «الف» قرار داشت. یافته های مطالعه همچنین نشان داد قرار گرفتن پاسخ صحیح در گزیننه های وسط (ب و ج) بطور معنی داری بیشتر از گزیننه های کناری (الف و د) بود (۵۹/۸ درصد در مقابل ۴۰/۲ درصد،  $p=0/001$ ). نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که در آزمون های چند گزیننه ای برگزار شده در دانشگاه، توزیع گزیننه صحیح در بین گزیننه های انحرافی مناسب نمی باشد با توجه به اینکه توزیع نامناسب پاسخ صحیح می تواند روی کیفیت آزمون اثر گذاشته و به دانشجویان در کشف پاسخ گزیننه صحیح با حدس زدن کمک کند انتخاب تصادفی محل گزیننه های صحیح به عنوان یک راهکار مناسب برای جلوگیری از این مشکل پیشنهاد می شود.

—  
کد: ۱۵۶۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی دیدگاه دانشجویان مامائی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در مورد محیط آموزشی براساس مدل DREEM در سال ۱۳۹۲ نویسندگان: فاطمه فریال اثنی عشری، آرزو فرج پور، زهرا مصطفویان، مجتبی مشکات کلیدواژه ها: ارزیابی محیط آموزشی، درک دانشجویان مامایی، DREEM

متن مقاله: مقدمه: محیط آموزشی یکی از ارکانی است که بر کیفیت و اثربخشی آموزشی تاثیر می گذارد. درک دانشجویان از محیط آموزشی خود به همان نسبت تاثیر بسزایی در رفتار و پیشرفت تحصیلی آن ها دارد. در این خصوص پژوهشی با هدف ارزیابی کلی محیط آموزشی و مقایسه ادراک دانشجویان مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد قبل از ورود به آموزش بالینی و مرحله آموزش بالینی انجام شده است. روش کار: این مطالعه توصیفی- مقطعی در دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بر روی ۱۳۸ نفر دانشجوی مامایی در سال ۱۳۹۲ انجام شد. نمونه گیری به روش تصادفی بر حسب شماره دانشجویی انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه DREEM بود که شامل ۵۰ سوال در مقیاس لیکرت در پنج حیطه: ادراک دانشجو از یادگیری،



اساتید، توانایی علمی خود، فضای عمومی آموزش و روابط اجتماعی می باشد. دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۲۰-۰ است. پرسشنامه ها به صورت بی نام تکمیل و جمع آوری شد و داده های آن توسط نرم افزار SPSS ۲۰ با استفاده از آزمون T-Test با سطح معنی داری کمتر از ۰/۵ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. یافته ها: تعداد ۱۳۸ نفر دانشجو با میانگین سنی  $21/5 \pm 2$  در این مطالعه شرکت نمودند. میانگین نمره کلی دانشجویان  $114 \pm 23$  است که طبق معیار امتیازدهی نمره ۱۵۰-۱۰۱ دیدگاه مثبت غالب است. طبق این نتایج ۷۶/۱ درصد عقیده دارند که فضای آموزشی نیازمند ارتقاء می باشد و ۲۳/۹ درصد دانشجویان بر جنبه های منفی محیط آموزشی بیش از جنبه های مثبت آن تاکید داشته اند. همچنین تفاوت معنی داری بین میانگین نمره های پرسشنامه DREEM در ۵ حیطه در بین دانشجویان مامایی گروه بالینی و غیر بالینی وجود نداشته است. نتیجه گیری: با توجه به امتیاز کسب شده در این پژوهش که مبین نکات مثبت بیشتر از نکات منفی در برنامه های آموزشی مامایی در دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی است، بایستی در برنامه آموزشی نقاط ضعف مورد توجه قرار گرفته و بر این اساس به اجرای استراتژی های نوین آموزشی و یادگیری اثر بخش در تربیت نیروهای حرفه ای اهتمام ورزیده شود.

کد: ۱۵۷۰

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: نظرات دانشجویان کارآموز در مورد نحوه برگزاری آزمون جامع مهارت های بالینی در پایان دوره کارآموزی در ۱۳۹۳ نویسندهگان: آزاده عازمیان، عاتکه ترکزاده

کلیدواژه ها: ارزشیابی، آزمون آسکی، دانشجو پزشکی

متن مقاله: مقدمه: ارزشیابی بالینی بعنوان یکی از ارکان مهم آموزش، باید شایستگی و توانمندی های دانشجو را اندازه گیری کند. استفاده از روش های متفاوت ارزشیابی برای سنجش ابعاد مختلف عملکرد کاملا لازم است. ارزشیابی شایستگی بالینی دانشجویان و کارایی آنها یکی از مشکل ترین وظایف اعضای هیأت علمی و آموزش دهندگان برنامه های آموزش پزشکی است. شواهد نشان می دهد که بطور معمول ارزیابی دانشجویان محدود به اطلاعات ذهنی و نظری است هر چند که روش ها و ابزارهای مکمل و متنوع ارزیابی بالینی و عملی متناسب با اهداف آموزشی متنوعی وجود دارد. امتحان بالینی با ساختار عینی بعنوان یکی از بهترین روش های سنجش میزان تحقیق اهداف آموزشی در زمینه های

شناختی عاطفی و روانی حرکتی - دانشجویان پزشکی شناخته شده است. روش کار: در یک پژوهش توصیفی - تحلیلی، کلیه دانشجویان کارآموز در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بصورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها توسط پرسشنامه ای خود ایفا که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت جمع آوری شد. پرسشنامه شامل ۲ بخش بود: مشخصات دموگرافیک و سوالات مربوط نظرات دانشجویان در مورد چگونگی آزمون مهارت های بالینی ( دانشجویان ۱۶ گویه). داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی، و بوسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: از بین ۳۵ دانشجوی شرکت کننده  $54/3\%$  زن و  $45/7\%$  مرد بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان  $22/5 \pm 0/68$  بود.  $0/80\%$  از مشارکت کنندگان اظهار داشتند زمان در نظر گرفته شده برای هر ایستگاه کافی بود.  $76/5\%$  بیان کردند که آزمون آسکس سبب افزایش استرس آنها شده است و  $54/3\%$  آزمون سنتی و نوشتاری را ه آزمون آسکی ترجیح می دادند.  $77/1\%$  معتقد بودند آزمون به خوبی سازماندهی شده بود. تقریباً نیمی از دانشجویان جایگاه ایستگاه استراحت را مناسب می دانستند ( $48/6\%$ )  $71/4\%$  تعداد و چیدمان ایستگاهها را مناسب می دانستند. ولی  $60\%$  از دانشجویان جلسه توجیهی آزمون را مناسب نمی دانستند و توضیحات داده شده را ناکافی می دانستند ( $65/8\%$ ) بیشتر دانشجویان معتقد بودن آزمون طیف وسیعی از مهارت های عملی را پوشش نمی داد ( $37/2\%$ ). تقریباً نیمی از دانشجویان بیان کردند آزمون آسکی نقاط قوت و ضعف آزمون را بهتر از روش های سنتی نشان می دهد ( $45/7\%$ ). همچنین  $41/2\%$  از آزمون رضایت داشتند. نتیجه گیری: علی رغم اینکه بیشتر دانشجویان آزمون سنتی و نوشتاری را به آزمون آسکی ترجیح می دهند. ولی با توجه به نقش این آزمون در ارزیابی مهارت عملی دانشجویان، انجام اقدامات مناسب در جهت رفع کمبودها و بهبود این روش برای جلب حمایت و نظر دانشجویان و رسیدن به حد مطلوب آزمون ضرورتی مهم است. همچنین با توجه به یافته های پژوهش توجیه مناسب و دادن اطلاعات ضروری قبل از امتحان به دانشجو می تواند در رضایت کاهش استرس او موثر باشد.

کد: ۱۵۷۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: مقایسه میزان آگاهی دانش آموختگان و دانشجویان پزشکی درباره بیماری های زئونوزیس (ضرورت برنامه ریزی بر اساس



نیازهای جامعه)

نویسندگان: خیرالنسا رمضان زاده، آزاده ابراهیم زاده، کلیدواژه‌ها: میزان آگاهی، دانش آموختگان، دانشجویان، بیماریهای زنوزیس

متن مقاله: مقدمه و هدف: کشور ما در کنار تمام پیشرفتهای و خدمات ارزنده ای که در حوزه سلامت در طول این سالها داشته، با چالشهای فراوانی مواجه بوده که در طرح تحول سلامت می توان این چالشها را تا حدودی مرتفع ساخت و هست و فاصله زیادی بین آموزش پزشکی و عملکرد گروه پزشکی وجود دارد که به خاطر ناهماهنگی آموزش پزشکی با نیازهای جامعه است. لذا لازم است تمرکز آموزش پزشکی از بیمار محور بودن به سمت جامعه محور بودن همراه با طراحی برنامه های آموزشی جهت اندازه گیری و بهبود سلامت و درک نیازهای بهداشتی جامعه حرکت کند. بنابراین ضرورت دارد در هر سرفصل آموزشی ابتدا نیازسنجی لازم در خصوص بیماریهای شایع در جامعه صورت پذیرد و آموزشها براساس این بیماریها انجام پذیرد که خود منجر به کارایی بهتر آموزش خواهد شد روش پژوهش: روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد. در این پژوهش ۱۳۱ نفر از دانشجویان و دانش آموختگان پزشکی شرکت داشتند که به صورت سرشماری انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان آگاهی پزشکان و دانشجویان، درارتباط با نظام مراقبت بیماریهای زنوزیس (تب مالت، کنگو، هاری)، پرسشنامه ای توسط محقق براساس کتابچه اصول مدیریت و پیشگیری از بیماریهای وزارت بهداشت با کمک متخصصین عفونی طراحی شد که روایی آن با نظر همکاران متخصص مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن با مطالعه پایلوت و محاسبه آلفای کرونباخ ۰.۸۲ برآورد شد. پرسشنامه شامل ۵ قسمت بود: قسمت اول؛ مشخصات دموگرافیک، قسمت دوم؛ راههای انتقال، قسمت سوم؛ علائم بالینی، قسمت چهارم؛ علائم پاراکلینیکی و تشخیص و قسمت پنجم؛ درمان پذیری و پیشگیری بود. سپس اطلاعات به spss وارد شدو با آزمون آماری t مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها: ۵۵/۷ درصد افراد شرکت کننده در این پژوهش دانشجویان پزشکی و ۴۴/۳ درصد دانش آموختگان پزشکی بودند. ۵۸/۸ زن بودند. میانگین معدل دانشجویان ۰/۸۹، ۶/۱۶± بود. میانگین نمره آگاهی دانشجویان درباره بیماری تب مالت ۲/۴۷± ۰/۸۸/۱۳، بیماری کنگو ۲/۱۶± ۰/۱۳/۲، هاری ۲/۴۲± ۰/۱۱/۱۱ بود. ۸۷ درصد افراد اعتقاد داشتند که این بیماریها بطور کامل در سرفصل درسی آنها بیان نشده است و از بین آنها ۳۴ درصد نیز اذعان داشتند که

آموزش های موجود درباره آموزش همین مطالب هم ناکافی بوده است. نتایج نشان داد که بین معدل دانشجویان با میزان آگاهی آنها در مورد بیماریهای تب مالت، هاری و تب کنگو رابطه وجود دارد اما معنی دار نیست ( $p > 0.05$ ) نتیجه گیری: با توجه به اینکه پزشکان عمومی نقش عمده ای در مواجهه و درمان بیماران سریایی بهعنوان یکی از رده های فعال تیم سلامت بر عهده دارند، و با توجه به نتایج این طرح ضروری می نماید برنامه ریزی های آموزشی بر اساس نیازسنجی های انجام شده از فارغ التحصیلان جهت آموزش های لازم صورت پذیرد.

—  
کد: ۱۵۷۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: طراحی اجرا و ارزیابی کارت واکسن مشاوره دانشجویی

گروه مامایی

نویسندگان: شهین دخت نوابی ریگی

کلیدواژه‌ها: مشاوره دانشجویی، کارت

متن مقاله: طراحی اجرا و ارزیابی کارت واکسن مشاوره دانشجویی گروه مامایی شهین دخت نوابی ریگی دفتر توسعه آموزش دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان مقدمه هدف پیشگیری بهتر از درمان است گفته ای که در آسیب های جسمی جای خود را پیدا نموده اما در آسیب های روانی راهکارهای خاصی را می طلبد. دانشجویان از جمله گروه هدفی هستند که نیازمند توجه ویژه می باشند زیرا به خود واگذاری آنان و عدم برنامه ریزی برای آنان مشکلات روحی جبران ناپذیری را می تواند وارد سازد. مشاوره دانشجویی چند سالی است که بحث جدی دانشگاهی است اما در آن تعامل، تعاون و تحول چشمگیری دیده نمی شود. ابتدای ترم سرگردانی و نگرانی از انتخاب واحد دانشجویان را به دانشکده می کشاند، اما در طول تحصیل دانشجو مدعی است که مشاوره را ندیده و مشاور مدعی است که دانشجویی به آن مراجعه ننموده است. این تعارض رویارویی دلیل این نگرانی هاست و دانشجو را به مدیران و مسئولان بالاتر می کشاند. مسئولان دانشجویانی را می بینند که در پاس کردن دروس خود موفق نبوده اند. زمان محدود انتخاب واحد اینترنتی، بار مراجعین به مدیران گروه و مسئولین و اساتید مشاوره نیازبه طرحی بود که این روند را آسان گرداند و از نظر صوری تصمیم گیری ها را آسان و زمان را ذخیره کند. از طرفی ارتباط بین دانشجو با آموزش، استاد مشاور و مدیر گروه نیازمند طرحواره ای بود که همه به آن رجوع کنند و مختصر رویدادها در آن ثبت گردد. از این رو طراحی کارت مشاوره



دانشجو به ذهن مسئولین رسید تا با ثبت وقایع مهم تحصیلی و رشد تحصیلی بصورت منحنی در ابتدای ترم همه چیز منسجم ثبت شود و بین مسئولین از استاد مشاور تا مدیر گروه ردو بدل گردد. مواد و روش ها ابتدا نیازسنجی ها دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان از سال ۹۳-۹۲ بعمل آمده توسط مدیر گروه و مسئولین طی ۵-۴ سال، ارتباط های ناقص در جهت مشاوره دانشجو بررسی ها موانعی را مشخص نمود. بنابراین دانشجو بین آموزش، استاد مشاور و مدیر گروه سرگردان می گشت و این سرگردانی در شروع ترم بیشتر خود را نشان می داد. زیرا در این زمان بار مراجعات مجالی برای بررسی بهتر پرونده ها را نمی دهد و بعضاً تصمیم گیری های اشتباه مشکل دانشجویان عقب افتاده از تحصیل را بدتر می ساخت. از این رو پیشنهاد بر این شد که کارتی طراحی شود تا در شروع ترم رابط صوری قوی بین آموزش، استاد مشاور و مدیر گروه با دانشجو ایجاد شود. شود که شامل خصوصیات زیر بود. روی کارت - مشخصات دانشجو ( شماره دانشجو، نام و نام خانوادگی، رشته و مقطع تحصیلی، ورودی نیم سال، دانشجوی دانشکده یا مهمان و تاریخ تحویل و نام اساتید راهنما اول و دوم) - جدول ۱: بررسی واحدهای دانشجو توسط استاد راهنما، کارشناس آموزش و مدیر گروه که در ۸ ترم (ستون) تعداد واحدهای پاس شده پایه / اختصاصی، تعداد واحدهای عمومی، تعداد و نام واحدهای پاس نشده و معدل ترم که توسط این سه نفر به ترتیب تأیید گردد. پشت کارت - نمودار رشد تحصیلی با رسم نمودار استاندارد دانشجو نسبت به آن. اگر رشد تحصیلی روی نمودار باشد وضعیت نرمال، و اگر زیر صدک باشد، نیازمند برنامه ریزی و درصدی بالای صدک قرار می گیرند. - جدول ۲: برنامه ریزی دانشجوی عقب افتاده از تحصیل و مشروط توسط استاد راهنما ثبت می گردد. (تصویر ۱ کارت) - و در نهایت تعیین موانع، طراحی و ارزیابی کارت و رضایتمندی از استفاده از کارت و آشکار سازی خرده اشکالات راهنمایی ها مشخص گردید. - این کارت توسط مدیر دفتر توسعه آموزش و مدیر گروه در ابتدا طراحی و تکمیل گردید و در جلسه توجیهی به اعضای گروه معرفی گردید.

کد: ۱۵۹۱

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: طراحی و ساخت و اجرای نرم افزار آموزشی تجزیه و تحلیل آزمونهای چند گزینه ای MCQ در اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان

نویسندگان: بهزاد ایمنی

کلیدواژه ها: MCQ - تجزیه و تحلیل آزمونهای چند گزینه ای  
متن مقاله: MCQ متداولترین آزمون عینی است که هم در سنجش توانایی های مختلف و هم در سنجش یادگیری در زمینه های گوناگون تحصیلی مورد استفاده قرار می گیرد. این آزمون ها از لحاظ یکنواختی سئوالها، حساسیت کم در مقابل حدس کورکورانه و سهولت تصحیح پاسخنامه ها بهترین نوع آزمونهای عینی می باشند. هر سؤال چند گزینه ای شامل قسمت های زیر است: ۱- قسمت اصلی یا تنه سؤال (Stem)، دربرگیرنده مسأله یا موضوعی است که سؤال باید آن را اندازه گیری کند. ۲- گزینه صحیح یا پاسخ سؤال (Key) یکی از گزینه های پیشنهادی است که دانشجو باید آن را انتخاب کند. ۳- گزینه های انحرافی (Distracters) تعدادی گزینه بجز گزینه صحیح است که نقش آنها منحرف نمودن دانشجویانی است که پاسخ درست را نمی دانند. تعداد گزینه های سئوالهای چند گزینه ای از ۲ تا ۵ متغیر است. - هرچه تعداد گزینه ها بیشتر باشد امکان حدس کمتر است. اما چون معمولاً پیدا نمودن بیش از سه پاسخ انحرافی، کار دشواری است، آزمونهای چهار گزینه ای شهرت بیشتری یافته اند. محاسن آزمونهای چند گزینه ای: ۱. از سایر آزمونهای عینی انعطاف پذیرترند و علاوه بر دانش، توانایی استدلال، قضاوت و بسیاری بازده های مهم دیگر یادگیری را می سنجند. ۲. با استفاده از آنها می توان در یک زمان محدود تعداد زیادی از اهداف آموزش و بخش مهمی از محتوای درس را اندازه گیری نمود. ۳. امکان حدس زدن کورکورانه در آنها نسبت به سایر سوالات عینی کمتر است. ۴. به سادگی و با عینیت کامل قابل تصحیح هستند. ۵. دانشجویان و اساتید آن را به سایر آزمونها ترجیح می دهند - اگر گزینه های انحرافی با توجه به اشتباهات و کج فهمی های متداول فراگیران تهیه شود، منبع بسیار مناسبی برای تشخیص مشکلات فراگیران است. معایب آزمونهای چند گزینه ای: ۱. ساختن آنها دشوار است. زیرا معلمان غالباً نمی توانند تعدادی گزینه انحرافی خوب برای سئوالها انتخاب کنند. ۲. معلمان اغلب سئوالها چند گزینه ای را در حد سنجش اطلاعات جزئی و کم اهمیت طرح می کنند. ۳. در مقایسه با دیگر آزمونهای عینی (مثل ص و غ) پیدا کردن گزینه درست مستلزم وقت زیادتری است بویژه اگر گزینه های خیلی شبیه بهم ساخته شوند. ۴. زمانی که به پاسخ های غلط نمره منفی تعلق می گیرد دانشجویان که اهل ریسک می باشند از سایرین نمره بهتری کسب می کنند و افرادی که در پاسخ دادن به این سئوالها خیره ترند نسبت به آن کارها نمره



بهتری می گیرند. ۵. فراگیران قوی بیش از فراگیران معمولی قادر به پیدا کردن اشکالات، پیچیدگیها و نظرگاههای واگرا (غیر معمولی) در سئوالها هستند. اما از آنجا که تنها یک جواب صحیح در سؤال است، بعلاوه این تیزبینی، خود دچار اشتباه نمی شوند. قواعد تهیه سئوالها چند گزینه ای: هر سؤال باید یک موضوع مهم و یک هدف آموزشی را اندازه گیری کند. بیشتر از یک مسئله و یا یک مطلب را در یک سؤال ننگجانید. همه گزینه های یک سؤال باید متجانس و به موضوع واحدی مربوط باشند. هدف از تحلیل سئوالهای آزمون واری تک تک سئوالها و تعیین میزان دقت و نارسایی های آنهاست در تحلیل سئوالهای آزمون، نقاط قوت و ضعف یک آزمون و کیفیت همه سئوالهای آن تعیین میشود بنابراین لازم است که مدرسان، پس از اجرای هر آزمون، سئوالهای آن را تحلیل کنند و با استفاده از نتایج حاصل به تجدید نظر در آزمون و بهبود کیفیت سئوالها برای استفاده های بعدی اقدام نمایند. اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل سئوالهای یک آزمون پاسخهایی هستند که آزمون شوندگان به هر سؤال چند نفر گزینه درست را انتخاب کرده اند، هر یک از گزینه های انحرافی چند نفر را به خود جلب کرده است.

کد: ۱۵۹۶

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: رابطه بین رهبری تحولی با اشتیاق کاری در پرستاران  
نویسندگان: اشرف السادات حکیم، کوروش زارع، عبدالزهر نعامی، کلیدواژهها: رهبری تحولی، مدیریت پرستاری، اشتیاق کاری  
متن مقاله: مقدمه: شیوه های سنتی رهبری و مدیریت در شرایط متحول و پویای امروزی فاقد اثربخشی لازم است. استفاده از روش های رهبری جدید مانند رهبری تحولی در حوزه مدیریت پرستاری ضروری است. این مطالعه به منظور تعیین رابطه بین سبک رهبری تحولی با اشتیاق کاری انجام گردید. روش کار: نمونه های تحقیق شامل ۲۴۰ نفر از پرستاران می باشند، که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بیمارستانهای دولتی شهر اهواز انتخاب و پرسشنامه های سبک رهبری چندعاملی و اشتیاق کاری را تکمیل کردند. داده ها با روش آماری ضریب همبستگی ساده و چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: نتایج تحقیق نشان دادند که روابط مثبت و معنی داری بین ابعاد رهبری تحولی (نفوذ آرمانی، انگیزش الهامی، برانگیختگی عقلانی، ملاحظه فردی) با حیطه های اشتیاق به کار (نیرومندی، وقف، جذب)  $(p= / 001)$ .

کد: ۱۵۹۸

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: علل انتخاب رشته دستیاران پزشکی و میزان رضایت مندی آنان از تحصیل در آن رشته در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

نویسندگان: عبدالحسین شکورنیا، فاطمه احمدی

کلیدواژهها: انتخاب رشته، دستیاران پزشکی، رضایتمندی

متن مقاله: مقدمه: انتخاب رشته تخصصی توسط دستیاران پزشکی موضوع مهمی است و این انتخاب تاثیر مستقیمی بر نیروی کار مراقبت بهداشتی و درمانی می گذارد. در دهه های اخیر تاکید زیادی بر مسئولیت پذیری شاغلین حرف پزشکی و مراقبت های بهداشتی برای حفظ و افزایش سلامت جامعه شده است. عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ممکن است با تاثیر بر انگیزه نیروی کار بهداشتی و درمان در سیستم های مراقبت های بهداشتی نقش حیاتی داشته باشد. انگیزه های انتخاب رشته ضمن تاثیر بر رضایت از تحصیل و موفقیت دانشجویان، می تواند زمینه تعهد به حرفه مرتبط با آن رشته تحصیلی را فراهم کند. این مطالعه با هدف بررسی انگیزه های انتخاب رشته دستیاران پزشکی و میزان رضایت مندی آنان از تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شد. روش کار: این پژوهش توصیفی مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دستیاران پزشکی شاغل به تحصیل در بیمارستان های آموزشی به تعداد ۴۳۰ نفر بودند که به عنوان نمونه و به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود مشتمل بر ۲۴ سؤال که در یک مطالعه مقدماتی روایی و پایایی آن بررسی و تایید شد. تجزیه و تحلیل داده ها با آزمون های تی مستقل و مجذور کای با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۸ انجام شد. یافته ها: از ۴۳۰ دستیار تعداد ۲۱۹ نفر (۵۲٪) مرد و تعداد ۲۱۰ نفر (۷۵٪) متاهل با میانگین سنی  $34/8 \pm 4/9$  بودند. توانایی انجام کار بهتر، بالابردن دانش و آگاهی و علاقه شخصی به ترتیب با میانگین ۴/۴۵، ۴/۳۹ و ۴/۳۶ به عنوان بالاترین اولویت بیشترین تاثیر؛ و راحتی و بی دردسر بودن، نداشتن اورژانس و استرس با میانگین ۲/۲۳، ۲/۵۰ به عنوان پایین ترین اولویت کمترین تاثیر را در انتخاب رشته تخصصی داشتند. مقایسه میانگین عوامل موثر در انتخاب رشته تخصصی توسط دستیاران به کمک آزمون t مستقل نشان می دهد که بین نظرات دستیاران به



تفکیک جنس، وضعیت تاهل و محل سکونت در برخی موارد تفاوت معنی دار آماری وجود دارد. عواملی از قبیل راحتی، نداشتن اورژانس و استرس برای دستیاران زن از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. در حالی که علاقه شخصی برای دستیاران مرد اهمیت بالاتری داشته است. امکان ادامه تحصیل برای دستیاران مجرد در مقایسه با دستیاران متأهل اهمیت بیشتری داشته است. موقعیت اجتماعی و درآمد بالا در انتخاب رشته دستیاران غیربومی در مقایسه با دستیاران بومی اولویت بالاتری داشته است. تعداد ۲۸۴ نفر (۶۶/۷٪) از رشته تحصیلی رضایت داشتند و تعداد ۱۴۲ نفر (۳۳/۳٪) اعلام داشتند که از رشته تحصیلی خود رضایت ندارند. میزان رضایت دستیاران به تفکیک سن، جنس و وضعیت تاهل تفاوت معنی داری نداشت. نتیجه گیری: افزایش دانش و توانایی انجام کار بهتر، علاقه شخصی و کمک به مردم از مهم ترین عوامل موثر در انتخاب تخصص دستیاران پزشکی بودند. موقعیت اجتماعی و درآمد بالا در اولویت های بعدی قرار داشتند. این امر نشا ندهنده این است که تصمیم گیری داوطلبان به انتخاب رشته بیشتر از آنکه تحت تاثیر عوامل خارجی باشد به روحیات و علایق آنها وابسته است؛ این یافته امیدوارکننده است. یافته های این پژوهش می تواند برای دست اندکاران امر بهداشت و درمان در شناسایی علایق و انگیزه های ادامه تحصیل و کمک به هدایت تحصیلی دستیاران پزشکی مؤثر باشد و برای پژوهشگران این حیطه موضوعاتی برای تحقیق بیشتر فراهم آورد.

کد: ۱۶۰۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه میزان همدلی در دانشجویان پزشکی در مقطع

تئوری و بالینی بر اساس پرسشنامه همدلی جفرسون

نویسندگان: نجمه شاهی

کلیدواژه ها: همدلی، دانشجوی پزشکی، پرسشنامه همدلی

جفرسون

متن مقاله: مقدمه و هدف: همدلی یکی از مهمترین غاکتورها در ارتباط پزشک با بیمار است. که برای هر دو بیمار و پزشک سودمند می باشد این مطالعه با هدف دستیابی به نمره همدلی در هر دو دانشجویان مقطع دانشگاه و دانشجویان بالین صورت گرفت مواد و روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی که بر روی ۶۲۴ دانشجوی پزشکی در سال ۱۳۹۳ انجام شد. دانشجویان تمام مقطع ها پرسشنامه همدلی جفرسون را تکمیل کردند. انالیز

داده ها توسط نرم افزار spss ورژن ۲۱ انجام شد. و از مومن های اماری  $t$  tests,  $\chi^2$  انجام شد. سطح معنی داری در تمام از مومن ها ۰,۰۵، در نظر گرفته شد نتایج: ۳۸,۴ درصد نمونه ها مرد و ۶۵ درصد نمونه ها زن بودند. میانگین نمره کل همدلی در نمونه ها  $103,67 (\pm 15,34SD)$  که در زنان بالاتر بوده است. در این مطالعه میانگین نمره همدلی در سه حیطه نیز محاسبه شد. میانگین نمره احترام گذاشتن:  $51,25 (\pm 5,53SD)$ : و مراقبت دلسوزانه:  $43,52 (\pm 7,02SD)$  و ایستادن همراه با بیمار:  $8,87 (\pm 2,79SD)$ ، می باشد که نمره کل همدلی و حیطه مراقبت دلسوزانه و احترام گذاشتن در بین گروه های سنی تفاوت معنی دار آماری داشت ( $p=0/000$ ). همچنین کسانی که علاقه زیادی به رشته شان داشتند همدلی بالاتری را نشان می دادند ( $p=0/008$ ) با افزایش سالهای تحصیلی همدلی به طور معنی داری کاهش می یافت ( $p=0/000$ ). نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که همدلی در زنان، در سالهای اول تحصیل، در سنین پایین تر بیشتر می باشد. مواجهه زودتر با آموزش های بالینی و در نظر گرفتن کوریکولوم برای کفایت حرفه ای باعث کمک به افزایش همدلی در دانشجویان پزشکی می شود.

کد: ۱۶۱۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی ارتباطات متقابل بین اعتقادات مذهبی،

حمایت اجتماعی و خوش بینی در دانشجویان دانشگاه علوم

پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: اکرم غیناکی

کلیدواژه ها: اعتقادات مذهب، حمایت اجتماعی، خوش بینی

دانشجو، علوم پزشکی

متن مقاله: زمینه وهدف: تقویت روحیه دین داری و گسترش منابع حمایتی دانشجویان باعث افزایش خوش بینی در آنان می شود، که این امر موجب بهبود عملکرد و در نتیجه ارتقا و پیشرفت نظام آموزشی کشور می شود. هدف تعیین ارتباطات متقابل بین اعتقادات مذهبی، حمایت اجتماعی و خوش بینی در دانشجویان می باشد. روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۳ انجام شد. نمونه گیری به روش آسان بر روی ۲۶۶ دانشجوی با استفاده از سه پرسشنامه سنجش دینداری، حمایت اجتماعی و خوش بینی، جمع آوری و با استفاده از میانگین و فراوانی و آزمون  $t$  مستقل و ضریب همبستگی پیرسون داده ها تحلیل شدند. یافته ها: تحلیل داده های



نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه‌گیری ۵٪ با درجه آزادی  $df=325$  سطح معناداری کلیه سوالات پژوهش از ۰,۰۵ کمتر شده است، نشان می‌دهد که بین اعتقادات مذهبی و خوش‌بینی و بین حمایت اجتماعی و خوش‌بینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش برابر  $R=0/783$  می‌باشد، نشان دهنده همبستگی مثبت و بالا بین متغیرهاست و این نتیجه حاصل می‌شود که «بین اعتقادات مذهبی و حمایت اجتماعی با خوش‌بینی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد». همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که، اعتقادات مذهبی با ضریب  $\beta=0/532$  بیشترین رابطه را با خوش‌بینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان دارا می‌باشد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد که با افزایش اعتقادات مذهبی و حمایت اجتماعی، میزان خوش‌بینی در دانشجویان افزایش می‌یابد. همچنین اعتقادات مذهبی، قابلیت پیش‌بینی بیشتری را نسبت به حمایت اجتماعی در خوش‌بینی دارد.

Sid.IranMedex.IranDoc انجام گرفت. یافته‌ها: مروری بر متون مربوطه مشخص ساخت هر چند طرح ادغام عرضه خدمات و آموزش پزشکی دستاوردهای خوبی در حوزه درمان و پیشگیری از بیماریها و تاحدودی رفع نواقص گذشته را داشته است اما نتوانسته است نیازها و مطالبات جامعه را به طور کامل تامین نماید. همچنین مشخص شد رویکرد فوق تا حدودی باعث نارضایتی بخش آموزشی را از جمله نگاه صرف به درمان و دور شدن از رسالت اصلی دانش‌آموختگان در محیط‌های بالینی و بیمارستانی را در پی داشته است. نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه ادغام نظام آموزشی و نظام سلامت به عنوان اقدام و تغییر بزرگی در سطح ملی ثمرات زیادی داشته است و مطالعات نشان از موفقیت بخش بهداشتی و در عین حال فاصله داشتن بخش درمان تا وضع مطلوب می‌باشد و با توجه به اینکه بخشی از اهداف اصلی ادغام ارتقاء کیفیت و رفع مطالبات جامعه و پاسخگویی نظام سلامت می‌باشد متولیان این حوزه می‌بایست هر چه سریعتر نسبت به شناسایی و رفع موانع گام‌های اساسی بردارند.

کد: ۱۶۱۶

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: چالش‌های ادغام نظام ارائه خدمات با نظام آموزشی در بخش سلامت: مطالعه مروری

نویسندگان: محمدحسن کشاورزی،

کلیدواژه‌ها: نظام سلامت، آموزش پزشکی، ادغام، جامعه محور

متن مقاله: زمینه: پس از اعلامیه ادینبرگ در سال ۱۹۸۸ و جلسات و گردهمایی‌های متعدد سازمان بهداشت جهانی پس از آن و اعلام تغییر در تعریف و رویکرد نظام سلامت و حرکت به سمت پاسخگو بودن بخش سلامت و بهداشت به مطالبات مردم نظام سلامت را برآن داشت تا با توجه به مقتضیات حاضر ضمن کم کردن فاصله تولید علم و عرضه خدمات طرح تلفیق مراکز درمانی و عرضه سلامت با آموزش پزشکی و دانشگاهی به عنوان مدلی مطلوب پیشنهاد نماید. هدف: این مطالعه به بررسی چالش‌های تلفیق ادغام نظام ارائه خدمات سلامت با نظام آموزشی پس از اجرا در ایران و کشورهای جهان می‌پردازد. روش بررسی: این مقاله با مطالعه جامع و عمیق و با استفاده از شبکه جهان گستر با کلیدواژه‌های ادغام عرصه سلامت و آموزش، پزشکی جامعه محور در محدوده زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی در پایگاه‌های ایرانی و بین‌المللی Ovid، ProQuest، PubMed، Eric،

کد: ۱۶۱۹

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: نقشه مفهومی یک روش موثر در آموزش دانشجویان نویسندگان: کامران میرزایی

Keywords: Concept Map, Learning, Educational Methods, Lecture, Students

Background: Concept mapping as a facilitator strategy for learning has been documented. This study aimed to compare the effectiveness of concept mapping and lecture methods on cognitive learning on students in Bushehr University of Medical Sciences. Methods: In a quasi-experimental study with pre- and post-test method. 39 students in “pathophysiology of disease” course divided into two intervention and control groups. After performing pre-test, students of intervention group precipitated in a concept map workshop. Then, the topic of “cardiac diseases” in intervention and control groups was studied by concept mapping and lecture methods, respectively.

At the end of semester, cognitive learning levels of two groups was evaluated by post test. Data was analyzed by Chi-Square, Mann Whitney and Wicoxon methods and SPSS 17 software. Results: The mean score of pre- test in both groups showed no



significant difference ( $p = 0.917$ ). But, post test scores in intervention group was significantly higher than the control group ( $p = 0.000$ ). There was no detected any relationship between participants' gender and learning level. Conclusion: the result showed both concept mapping and conventional training methods improved the cognitive learning, but concept mapping method is more effective than traditional method on students' meaningful learning.

کد: ۱۶۲۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر آموزش به روش یادگیری مبتنی بر تیم بر مهارت

تفکر انتقادی در دانشجویان

نویسندگان: کامران میرزایی،

کلیدواژه‌ها: آموزش مبتنی بر تیم، تفکر انتقادی، آموزش، دانشجوی متن مقاله: زمینه و هدف: امروزه آموزش تفکر انتقادی بعنوان یکی از اهداف مهم فعالیت های آموزشی و تربیتی و نتیجه نهایی سیستم های آموزشی مطرح می باشد و افزایش و بهبود مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان از جایگاه خاصی در فرایند آموزش - یادگیری برخوردار است. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر آموزش به روش یادگیری مبتنی بر تیم بر مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان انجام شد. روش ها: فرآیند حاضر از نوع مداخله ای است. گروه های مداخله و کنترل، دانشجویان کارشناسی تغذیه اخذ کننده درس فیزیولوژی تغذیه بودند. در آغاز ترم مهارت تفکر انتقادی دانشجویان هر دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفت. ارائه درس در گروه مداخله بر مبنای ویژگی های یادگیری مبتنی بر تیم با همکاری دانشجویان و در گروه کنترل به روش سنتی سخنرانی توسط استاد انجام شد. پس از پایان ترم مهارت تفکر انتقادی دانشجویان هر دو گروه مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد سنجش مهارت تفکر انتقادی کالیفرنیا ب بود. نتایج با استفاده با استفاده از روشهای توصیفی و آزمون ناپارامتریک من ویتنی و ویلکاکسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: نتایج بیانگر افزایش نمره مهارت تفکر انتقادی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل در حیطه های حیطه ارزشیابی ( $p = 0.036$ ) آنالیز ( $P = 0.043$ )، استنباط ( $P = 0.046$ )، استدلال قیاسی ( $p = 0.044$ ) و استدلال استقرایی ( $p = 0.042$ ) بود. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نتایج قبل و بعد از مطالعه بیانگر افزایش در نمره کل و حیطه های مورد بررسی در گروه مداخله بود ( $p < 0.05$ ) لیکن این تفاوت در گروه کنترل بجز

کد: ۱۶۲۱

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی تفصیلی پرسشهای چند جوابی آزمونهای انگل

شناسی رشته داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

نویسندگان: مهین غفورزاده، علی فتاحی بافقی،

کلیدواژه‌ها: پرسشهای چند گزینه ای، انگل شناسی پزشکی،

بررسی تفصیلی، آزمون، داروسازی.

متن مقاله: مقدمه: از بین ده بیماری عفونی مهم جهان هفت مورد آن انگلی است. بنابراین بجاست که مهمترین ابزار اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانشجویان را که آزمون است پیوسته ارزیابی و پایش نموده و دقیقترین آزمون ها را ارائه دهیم زیرا افزون بر اعتبار بخشی، ثبات و ارزیابی آزمون، تند تر و ساده تر هم به هدفهای آموزشی رسیده ایم. تنه سوال متن اصلی سوال را تشکیل میدهد و دقت در طراحی سوال رمز موفق رسیدن به هدفهای از پیش تعیین شده است. تنه سوال شامل مسئله پرسش است. در تاکسونومی یک دانش، در تاکسونومی دو تجزیه و تحلیل و در تاکسونومی سه فضاوت دانشجو ارزیابی میشود. این مطالعه با هدف بررسی تفصیلی سوال های چند جوابی آزمونهای انگل شناسی رشته داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی در سال ۹۳-۱۳۹۲ انجام شد. روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- مقطعی کلیه سوالهای آزمونهای انگل شناسی رشته داروسازیدر سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دو دانشکده پزشکی پردیس و بین الملل و با بررسی تفصیلی، تنه سوال، استخراج و اطلاعات مربوط به یک، دو، سه و ضریب دشواری، ضریب تشخیص، روایی، وجود گزینه های انحرافی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج: در دو نیمسال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ و در دو دانشکده پزشکی پردیس و بین الملل ۱۶۵ سوال مورد بررسی قرار گرفت که ۲۹ سوال تشریحی و جاخالی بود. پرسشهای چهار گزینه ای در مجموع ۱۳۶ مورد بود. از مجموع ۱۳۶ سوال بررسی شده تنه ۷ سوال (۵.۱۵٪) نامفهوم





اندازه‌گیری جو آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی و حیطه‌های آنها معرفی و اهداف استفاده از آنها در سه هدف تشخیص، مقایسه و ارزشیابی دسته‌بندی شدند. نتیجه‌گیری: کاربرد متناسب ابزارها در اندازه‌گیری جو آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی جهت استفاده درست از آنها جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت محیط آموزشی و اصلاح و بازبینی آن ضروری است.

کد: ۱۶۲۴

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: عوامل موثر بر بکارگیری پزشکی مبتنی بر شواهد در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

نویسندگان: کامران میرزایی

Keywords: evidence based medicine , clinical teacher, barrier , practice

Objectives: To assess the current evidence based medicine (EBM) knowledge, attitude and perceptions of teachers in Medical school of Bushehr University of Medical Sciences Further to evaluate barrier and facilitator factors toward implementing the EBM practice. Methodology: In a cross-sectional study, by using a self administrated questionnaire, the current attitude and knowledge of the teachers and their perceptions of the available barriers against applying the EBM in their daily clinical practice were evaluated. The barriers was evaluated at three categories: Personal barriers (5 questions), Organizational barrier (8 questions) and Patient related barrier (6 questions). Data was statistically analyzed by using SPSS Version 19 at 95% confidence interval. Results: In total 51 clinical teachers were participated. The response rate was 74.5%. Only about 29% of teachers were attended EBM courses, previously. Only one of them reported using EBM in clinical practices. About 76% believe that 50-75% of the patients are capable of participating in clinical decision while 89.5% disagreed that the concept of EBM is not applicable to their culture. The level of knowledge of teachers toward EBM were moderate to high. The level of knowledge of teachers who attended EBM courses showed statistical significance ( $p = 0.001$ ) from those who did not attend the EBM courses. Lack of encouragement to attend EBM courses and to set up EBM practice in their institution. EBM resource are not always accessible and Lack of patient education are the most barrier factors toward implementing the

بود، ۵۷ سوال (۴۱،۱۱٪) تاکسونومی یک، ۴۵ سوال (۳۳،۰۸٪) تاکسونومی دو و ۳۴ سوال (۲۵٪) تاکسونومی سه بود. در واقع ۷۹ سوال (۵۸،۰۸٪) تجزیه، تحلیل و قضاوت دانشجو را می‌سنجید. ضریب دشواری سوال های تک یاخته شناسی ۴۴،۱۸۵٪ و کرم شناسی ۲۳،۴۳۷۵٪ بود، ضریب تشیص سوال های تک یاخته شناسی ۳۱،۸۲٪ و کرم شناسی ۲۷،۲۷۵٪ بود. نتیجه‌گیری: سوال های مطرح شده در بیش از نیمی از موارد دانش را ارزشیابی می‌کند و چون تجزیه، تحلیل وقضاوت در افزایش دانش دانشجو تاثیر بسزایی دارد پیشنهاد می‌شود در طراحی سوال ها تاکسونومی ۲ و ۳ بیشتر مورد توجه قرار گیرد. سوال با ضریب دشواری ۵۰٪ معمولا دارای قدرت تشخیصی ایده آل ها است اما بهر حال ضریب دشواری ۸۰٪-۲۰٪ قابل قبول است و در ضریب تشخیص سوال بسیار مشکل (۱۰۰٪) و یا بسیار ساده (۰-٪) هر دو دارای قدرت تشخیصی ضعیفی بوده، سوال با ضریب تشخیصی ۵۰٪ بهترین سوال است.

کد: ۱۶۲۲

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: اندازه‌گیری جو آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی:

مروری نظام مند بر ابزارها و حیطه های آنها

نویسندگان: فاطمه حاجی حسینی، منصوره زاغری تفرشی، میمنت حسینی،

کلیدواژه‌ها: جو آموزشی، محیط آموزشی، ابزار اندازه‌گیری جو

آموزشی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، مرور نظام‌مند

متن مقاله: زمینه و هدف: محیط آموزشی یکی از مهمترین عوامل موثر بر موفقیت و رضایت و تعیین کننده رفتار در دانشجویان است. اندازه‌گیری جو آموزشی حاکم بر این محیطها جهت بازبینی و ایده‌آل‌سازی محیط ضروری است. این شاخص در دانشگاه‌های علوم پزشکی به واسطه دخیل‌بودن دانشجویان در امر سلامت جامعه اهمیت خاص دارد و شناسایی ابزارهای متناسب با محیط آموزشی و اهداف استفاده از آنها بر پژوهشگران لازم است. روش کار: پژوهش حاضر به صورت مرور نظام‌مند و بررسی متون مرتبط با آن در پایگاه‌های اطلاعاتی "گوگل اسکولار"، "ساینس دایرکت"، "اس آی دی"، "ایران مدکس"، "پری کویت"، "اسکوپوس"، "پاب مد"، "وب آو ساینس" و بدون محدودیت زمانی انجام و ابزارهای پرکاربرد اندازه‌گیری جو آموزشی در علوم پزشکی و حیطه‌های آنها معرفی و اهداف استفاده از آنها بررسی و دسته بندی شدند. یافته‌ها: در مرور نظام‌مند حاضر ۲۷ ابزار پرکاربرد در



EBM practice in each Barriers category. Conclusion: We conclude that EBM is not utilized by many clinical teachers in medical school of Bushehr University of Medical Sciences. Based on that an action plan is recommended to eliminate barriers that are affecting the EBM implementation.

کد: ۱۶۳۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تدریس بر مبنای سبک یادگیری، روشی موثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان  
نویسندگان: ثریا زحمتکش،  
کلیدواژه‌ها: سبک یادگیری، آموزش، پیشرفت تحصیلی، دانشجو، یادگیری

متن مقاله: زمینه و هدف: دانشجویان در هنگام روبرو شدن با انواع تکالیف یادگیری از راهبردهای مشخصی برای یادگیری استفاده می کنند. شناخت این راهبردها، گامی اساسی برای مداخلات آموزشی مناسب می باشد و موفقیت دانشجویان را از طریق تعیین نقاط قوت و ضعف مطالعه و تأمین مداخلات مناسب ارتقا می بخشد. از دید محققین آموزشی، یکی از راه های ارتقای کیفیت آموزش داشتن بینش کافی نسبت به نحوه یادگیری فراگیران می باشد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر روش تدریس بر مبنای سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود روش ها: در این فرآیند مداخله ای، دانشجویان کارشناسی تغذیه اخذ کننده دروس فیزیولوژی تغذیه شرکت نمودند. در زمان انتخاب واحد و قبل از شروع ترم تحصیلی، سبک های یادگیری دانشجویان با استفاده از پرسشنامه سبک های یادگیری کلب مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. در این مطالعه دانشجویان اخذ کننده درس فوق در سال تحصیلی قبل از اجرای فرآیند بعنوان گروه شاهد (گروه آموزش سنتی سخنرانی) انتخاب شدند برای آموزش دانشجویان گروه های مداخله درس فیزیولوژی تغذیه، الگوی استاندارد آموزش همتایان و آموزش در گروه های کوچک ( بر مبنای سبک یادگیری غالب آنان ) انتخاب شد. در این مطالعه، دانشجویان بر اساس الگوی طرح درس و بر مبنای روش آموزشی انتخاب شده در طول ترم مورد و توسط مدرسی واحد آموزش قرار گرفتند. در پایان دروس دانشجویان گروه های مداخله، با آزمونی مشابه آزمون گروه بدون مداخله در سال گذشته مورد ارزیابی قرار گرفتند و یادگیری شناختی دانشجویان مورد سنجش قرار گرفت. همچنین دانشجویان همه گروه ها فرم

نظر سنجی برای بیان نظر خود از الگوهای آموزشی بکار گرفته شده را تکمیل نمودند یافته ها: ۸۵/۷٪ از گروه مداخله و ۶۱/۱٪ از گروه شاهد درس فیزیولوژی تغذیه ( $P = ۰/۰۸۳$ ) با روش آموزشی مورد استفاده برای آنان موافق بودند. میانگین نمرات آزمون در دو گروه مداخله و شاهد تفاوت آماری معنی داری را نشان داد ( $P > ۰/۰۵$ ). همچنین بین نگرش دانشجویان خصوص روش آموزشی بکار رفته در آموزش دروس و نمره اخذ شده آنان در امتحان پایان ترم ارتباط معنی داری مشاهده شد (و  $۰/۰۴۶ = P$ ) نتیجه گیری: شناخت سبک های یادگیری غالب دانشجویان و طراحی الگوهای آموزشی متناسب با آن می تواند در ارتقا یادگیری و پیشرفت تحصیلی و نیز انتقال فعالیت ها از الگوی استاد محوری به سمت فراگیر محور و بدنبال آن افزایش رضایت از فرآیند یادگیری نقش موثر و اساسی داشته باشد.

کد: ۱۶۳۲

حیطه: ارزشیابی دانشجویان

عنوان: ارزشیابی تکوینی روشی موثر در کاهش اضطراب امتحان

در دانشجویان

نویسندگان: ثریا زحمتکش

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی تکوینی، اضطراب امتحان، دانشجو

متن مقاله: زمینه و هدف: یکی از نگرانی ها و دغدغه های نظام آموزشی، استادان و به ویژه دانشجویان مساله اضطراب از امتحان و تاثیر این اضطراب بر روند ارزشیابی آنان است. برای پیشگیری از این مشکل می توان توجه بیشتری به ارزشیابی های تکوینی طول سال تحصیلی داشت زیرا از این طریق از حجم شدن مطالب آموخته شده تا زمان ارزشیابی پایانی جلوگیری شده؛ میزان شکستها و اضطرابها کاهش یافته و انگیزه و رغبت در دانش آموزان افزایش می یابد. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر ارزشیابی تکوینی بر کاهش اضطراب امتحان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود. روش ها: مطالعه فوق یک مطالعه مداخله ای بود که بر روی دو گروه از دانشجویان پزشکی که درس بهداشت یک را اخذ نموده بودند، انجام شد. گروه ها بصورت تصادفی به دو گروه مداخله و شاهد تقسیم شدند. گروه مداخله طی دوره آموزشی خود بصورت تکوینی مورد ارزشیابی قرار گرفتند ( اخذ آزمون در پایان ۷۵٪ کلاس ها بصورت تصادفی ) و از گروه کنترل تنها ارزیابی پایان ترم ( ارزشیابی تراکمی ) صورت گرفت. در پایان دوره هر دو گروه با استفاده از پرسشنامه ۲۵ سئوالی TAI (Test Anxiety Inventory) جهت بررسی اضطراب امتحان و نیز



پرسشنامه بررسی نگرش درخصوص روش ارزشیابی انجام شده، مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج با نرم افزار SPSS و آماره های ناپارامتریک مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته ها: میانگین ( انحراف معیار) نمره اضطراب در گروه مداخله (  $6/67 \pm$  ) و در گروه کنترل (  $2/51 \pm$  )  $67/4$  بدست آمد. میزان اضطراب امتحان در گروه مداخله بصورت معنی داری کمتر از گروه کنترل بود (  $0/08$  )  $P =$  ). همچنین میزان رضایتمندی از روش ارزشیابی در دو گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل بود (  $P = 0/026$  ). نتیجه گیری: نتایج اجرای فرآیند نشان داد ارزشیابی تکوینی منظم موجب افزایش رضایت دانشجویان فراگیران و نیز کاهش اضطراب ناشی از امتحان می شود و اعتماد به نفس را در آنها ایجاد و تقویت می نماید. لذا جایگزینی ارزشیابی تکوینی بجای ارزشیابی تراکمی دانشجویان پیشنهاد می گردد.

نمره گزارش گردید. یافته ها: ه نتایج شش مرحله ارزشیابی در آمادگی دانشجویان از  $16/48$  تا  $18/4$  در دانش از  $17/78$  تا  $18/67$  در ارتباط از  $17/89$  تا  $18/89$  در پاسخگویی از  $17/5$  تا  $18/5$  در مدیریت زمان از  $16/53$  تا  $18/63$  در ارائه از  $15/85$  تا  $18/23$  و در علاقه مندی از  $16/03$  تا  $18/18$  یک الگوی صعودی نشان داد. نتیجه گیری: طبق یافته ها این پژوهش دانشجویان از تجربیات همدیگر برای بهبود توانایی تدریس خود استفاده نموده اند و با توجه به اهمیتی که مدرسین برای تدریس دانشجویان قائل بودند رفته رفته این توانمندیها بهتر گردید. در نتیجه الگوی توانایی دانشجویان پزشکی در تدریس به همکلاسیان به شکل صعودی ارتقا داشت. ارزشیابی از فعالیتهای دانشجویان، ایجاد باور و اعتقاد نسبت به فعالیتهای دانشجویان محوری جز مواردی هستند که فعالیتهای آنان را اثربخش تر می نماید.

کد: ۱۶۴۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی الگوی توانایی دانشجویان پزشکی در تدریس به همکلاسیان در درس بافت شناسی اختصاصی  
نویسندگان: سحر الماسی ترک، امراله روزبهی  
کلیدواژه ها: یادگیری مشارکتی، یادگیری تیمی، یادگیری به کمک همکلاسی، دانشجویان محوری و الگوی تدریس  
متن مقاله: بررسی الگوی توانایی دانشجویان پزشکی در تدریس به همکلاسیان در درس بافت شناسی اختصاصی مقدمه و هدف: تعداد زیادی از دانشکده های معتبر پزشکی دنیا برای آموزش دانشجویان پزشکی خود به نوعی از روش آموزش به کمک همکلاسی در طول برنامه های پزشکی بهره می برند. علاوه بر این، بعضی از دانشکده ها برای حمایت از روش دانشجوی معلمی خود و برای اینکه دانشجویان به عنوان مدرس ایفای نقش نمایند، به طور رسمی برنامه های آموزش برای دانشجویان پزشکی به عنوان معلم ارائه می دهند. هدف از این مطالعه بررسی الگوی توانایی تدریس دانشجویان پزشکی در آموزش به کمک همکلاسی در دانشکده پزشکی یاسوج می باشد. روش اجرا: در یک آموزش با رویکرد تلفیقی (یادگیری مبتنی بر تیم، یادگیری مشارکتی و یادگیری به کمک همتایان) در درس بافت شناسی اختصاصی دانشجویان پزشکی بعد از توجیه دانشجویان از نحوه ارزشیابی تدریس آنها از گروه های مدرس طی یک چک لیست ۱۶ سوالی در هفت حیطه (آمادگی، دانش، ارتباط، پاسخگویی، مدیریت زمان ارائه و علاقه مندی) و در شش مرحله ارزشیابی بعمل آمد و نتایج از ۲۰

کد: ۱۶۴۳

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: عنوان: رشد و بالندگی در دانشگاه: اولین تجارب توسعه فردی دانشجوی کاردرمانگر  
نویسندگان: سیده دلارام موسوی،  
کلیدواژه ها: کاردرمانی، دانشجوی، گزارش مورد آموزشی، دانشگاه، تجربیات آموزشی  
متن مقاله: سابقه و هدف: بدون شک علاقه به رشته تحصیلی، اولین شرط موفقیت در چنین رشته ای است، اما به گفته ی استادان کاردرمانی، علاقه در این رشته اهمیتی دوچندان دارد، تا جایی که گفته می شود یک کار درمانگر باید کاردرمانگر متولد شود. باید انگیزه ای قوی داشته باشد تا بتواند با بیمارانی که دارای معلولیت های مختلف هستند، ارتباط برقرار کرده و آن ها را به خوبی درمان کند. اولین و مهم ترین ویژگی دانشجوی کاردرمانی داشتن توانایی جسمی و روحی خوب است و این که بتواند با درایت، ابتکار عمل و خلاقیت، درمان مؤثرتری ارائه دهند. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات رشد و بالندگی دانشجوی کار درمانگر از حضور در دانشگاه در اولین ترم تحصیلی بوده است. روش بررسی: این مطالعه یک گزارش مورد آموزشی با رویکرد کیفی است که برای گردآوری داده از مصاحبه بدون ساختار و تعاملی استفاده شد. علاوه بر تجربیات دست اول (lived experience) از نقل قول های در سایه (third person.shadow) نیز استفاده شد. مصاحبه ضبط، خط به خط دست نویس و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای مرسوم، آنالیز شد. یافته ها: از تحلیل داده



ها یک مضمون اصلی خاص ورود به محیط آموزش عالی با عنوان "دانشگاه مکانی برای رشد و بالندگی" و یک مضمون اصلی خاص رشته کاردرمانی "دیدنی متفاوت به ناتوانی" و با مضامین فرعی "اشتیاق برای کمک"، "از خود گذشتگی"، "شکرگزاری نعمت سلامت"، ظهور یافت. داده ها موید آن بود ورود به دانشگاه ورود به دنیایی سرشار از انتخاب برای موفقیت، توسعه توانمندی ها، گسترش علائق است. دانشگاه به محلی برای پیشرفت و هدفمند شدن توصیف شد در حالی که دوران دبیرستان تنها حول یک هدف واحد و آن رسیدن به دانشگاه بوده است. عضویت در کمیته تحقیقات دانشجویی، به بستری برای تصمیم گیری و سرنوشت خود را رقم زدن تفسیر شد و عضویت در گروه ها و کانون های اجتماعی و مردمی دانشگاه، با باز کردن افق های جدید برای فعالیت و خودآگاهی (self-awareness) بوده است. فعالیت در گروه دانشجویی حقوق بشر دانشگاه و انجام امور انسان دوستانه، نیز به تجربیاتی بسیار برانگیزاننده تعبیر شدند. بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد دانشجوی کار درمانگر بعد از ورود به دانشگاه در صورت هدایت هوشمندانه از طریق کانون های آموزشی پژوهشی و اجتماعی "هدفمندی" را تجربه می کنند. "هدفمندی و رشد و تعالی" یک انتخاب است که همه دانشجویان به سمت آن نمی روند. نقش اساتید و تشکلات آموزشی و پژوهشی و فرهنگی در ارتقا فراتوانمندی های دانشجویان می بایستی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

کد: ۱۶۴۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آموزش مبتنی بر شواهد در کارورزی پرستاری بهداشت روان دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (کیفی)  
نویسندگان: فرشید عابدی، یحیی محمدی، محمدرضا رئیسون، کلیدواژه ها: آموزش، بهداشت روان، کارورزی  
متن مقاله: زمینه و هدف: در سال های اخیر تاکید بر مراقبت مبتنی بر شواهد به عنوان راهی برای ارتقاء استاندارد های مراقبت ها مورد تاکید سیاست گذاران نظام سلامت بوده است و برنامه درسی پرستاری نیز بر مراقبت مبتنی بر شواهد در آموزش بالینی، روش های تولید، بازیابی و ارزیابی شواهد معتبر برای کاربرد در مراقبت بر بالین بیمار تاکید داشته است. هدف مطالعه بررسی آموزش مبتنی بر شواهد در کارورزی پرستاری بهداشت روان دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند است. روش اجراء: انجام نظر سنجی و نیاز سنجی از اعضای هیئت علمی

و دانشجویان و دانش آموختگان از طریق؛ تحلیل کار پوشه ها و تکالیف دانشجویان کارورز، مصاحبه با کارکنان بخش روانپزشکی، مصاحبه با بیماران و همراهان آنان. در کارگاه ورود به بخش که در ابتدای ترم تشکیل می شود انواع سوالات (بک گراند و فور گراند)، چگونگی طراحی سوال بالینی (PICO)، انواع آن، نحوه بازیابی پاسخ، اهمیت آن در آموزش پرستاری و بالین ارائه گردید. حدود ۴۰ دانشجوی پرستاری (شامل کلیه دانشجویان ترم ۶ پرستاری) در این فرآیند آموزشی مشارکت نمودند. حداقل سه نوبت بازخورد برای این فعالیت بالینی در کارپوشه در نظر گرفته و مقرر شد هریک از سوالات بالینی طراحی شده توسط دانشجویان دارای یک بازخورد آموزشی از جانب مربی (مسئول دانشجویان کارآموز دربخش) باشد. طی هر نوبت بازخورد، دانشجو در مورد فعالیت انجام شده راهنمایی گردید و به فراگیر کمک شد تا برای ارتقای سوال بالینی خود تلاش مجدد نماید. سوالات بالینی کارورزی در عرصه پرستاری بهداشت روان به صورت تایپ شده در پیوست کار پوشه ارائه می گردد. هر دانشجویی موظف است ۳ تا ۵ سوال بالینی در ارتباط با بیمارانی که با آن ها طی ۲ واحد کارآموزی در بخش روانپزشکی مواجه می شود، تهیه نماید و برای یافتن پاسخ آنها به بهترین شواهد در دسترس (با توجه به امکانات جستجو در دانشگاه) مراجعه نماید. برای گرد آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. برای آنالیز داده ها از تحلیل محتوایی دست نوشته ها (سوالات بالینی) و همچنین آنالیز تجارب یادگیری دانشجویان استفاده شد. یافته: تحلیل سوالات بالینی کارورزان نشان داد ۶۰ درصد سوالات فراگیران از نوع گراند (زمینه ای) بوده است؛ سوالاتی که در کتاب قبلاً به آن ها پاسخ داده شده بود و در تئوری ها آن ها را گذرانده بودند. بیشتر سوالات درباره "سیمنولوژی، اتیولوژی، درمان، پیشگیری و نحوه آموزش" بوده است. تنها ۳۰ درصد سوالات از نوع سوالات "فور گراند" بودند. سوالاتی که از طریق پژوهش می توانستند به آن ها پاسخ دهند. "رضایتمندی بیماران از روان درمانی در مقایسه با دارو درمانی چگونه است؟"، "چرا درمان سرپایی بر درمان بستری ترجیح دارد؟" نظر سنجی نشان داد دانشجویان از این فعالیت یادگیری راضی می باشند و بر این باور بودند که باعث می شود شیوه های تفکر رایج آنان مورد سوال قرار گیرد دانشجویان از آشنایی با سوالات بالینی و شیوه های یافتن پاسخ مبتنی بر شواهد احساس رضایت داشتند و آن را به عنوان تجربه یادگیری جدید و جالب یاد نمودند. نتیجه گیری: هرچند که دانشجویان از اجرا و مشارکت در این فرآیند یاددهی یادگیری رضایت داشتند اما از توانمندی



بالایی برای تنظیم یک سوال بالینی و به دست آوردن بهترین شواهد، معتبر سازی، به کارگیری و ارزشیابی آن بر خوردار نبودند. پیشنهاد می شود استفاده از این رویکرد در سایر کار آموزشی هایی که دانشجویان در ترم ۴ پرستاری آن را می گذرانند شروع شود و تا رسیدن به ترم های بالاتر توانایی بیشتری بر

—  
کد: ۱۶۵۰

حیطه: ارزشیابی دانشجویان

عنوان: ارزشیابی دانشجویان پزشکی از چگونگی عملکرد کارکنان مراکز بهداشتی درمانی در میزان رعایت استانداردهای خدمات تعیین شده (کیفی)

نویسندگان: محمد باقر روزگار، یحیی محمدی، محمد علی نعمتی،

محمد رضا رئیسون

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، عملکرد

متن مقاله: زمینه و هدف: گسترش روزافزون اطلاعات پزشکی در دهه اخیر و بدنبال آن ارائه شیوه های جدید پیشگیری و تشخیص و درمان به کمک تکنیک و تکنولوژی نوین ضرورت آموزش دانش و مهارتهای جدید برای کارکنان بهداشتی درمانی در تمام سطوح و رده ها روز به روز بزرگتر گردیده است و به منظور ارزیابی اثربخشی این آموزش ها و ارائه خدمات به مردم ضرورت ارزشیابی چگونگی ارائه خدمات از جانب پرسنل بهداشتی درمانی با توجه به تغییرات فوق الذکر در گروه پزشکی اجتماعی احساس شد که البته این ارزشیابی از طرف دانشجویان علاوه بر مشارکت فعال آنان در امر آموزش توانائی آنان را در امر نظارت و ارزشیابی فعالیت های بهداشتی درمانی پس از فراغت از تحصیل را افزایش خواهد داد. روش اجرا: این مطالعه بر روی ۷ دوره دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی که دوره یک ماهه پزشکی اجتماعی را می گذراندند اجرا شد. در کلاسهای تئوری هفته اول آخرین ویرایش چگونگی ارائه خدمات بهداشتی درمانی در مراکز توسط اساتید گروه بطور نظری و بعضاً عملی تدریس گردید. بعد از مستقر شدن دانشجویان در فیلد آموزشی (مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستائی) ضمن آموزش فرایندهای ارائه خدمات بهداشتی درمانی در این مراکز با توجه به آموزش های تئوری و عملی دریافتی دانشجویان در هفته اول دانشجویان چگونگی ارائه خدمات بهداشتی درمانی در هر یک از برنامه های بهداشتی درمانی (بهداشت حرفه ای، بهداشت محیط، بهداشت خانواده، واکسیناسیون، مراقبت های مادر و کودک، بهداشت روان و...) توسط پرسنل را ارزشیابی می نمایند و نتایج ارزشیابی چگونگی ارائه خدمات بهداشتی درمانی بوسیله

آنان را به صورت مکتوب جمع آوری و در جلسه پایانی بخش به اساتید گروه گزارش می نمایند. نتایج: ۱. افزایش حس مشارکت دانشجویان در فعالیتهای آموزشی. ۲. استفاده از مزایای ارزشیابی. ۳. افزایش قابلیت دانشجویان در ارزیابی و ارزشیابی خدمات بهداشتی درمانی. ۴. فواید اجرای این برنامه بیشتر کیفی است و اثرات آن بعدها در عملکرد و توان فکری و مهارتهای مدیریتی دانشجویان آشکار خواهد شد. ۵. ایجاد یک موقعیت شبیه سازی شده مدیریتی برای دانشجویان جهت اعمال فرایندهای ارزشیابی در فیلدهای واقعی. ۶. تغییر برداشت دانشجو از محیط یادگیری و جذاب بودن یادگیری در محیط آموزش. ۷. بهبود درک دانشجویان نسبت به مشکلات بهداشتی درمانی جامعه و تقویت و یادگیری. ۸. ارائه نتایج ارزشیابی دانشجویان به معاونت بهداشتی دانشگاه جهت برنامه ریزی برای برگزاری کارگاههای آموزشی به منظور ارتقاء دانش و مهارت کارکنان بهداشتی درمانی در تمام سطوح. نتیجه گیری: تبیین اهداف آموزشی دوره پزشکی عمومی برای اعضاء هیئت علمی بالینی و افزایش آگاهی آنها از شیوه عملکرد پزشکان عمومی در مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستائی.

—  
کد: ۱۶۵۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آیا اعتماد به نفس تاثیری بر سبکهای یادگیری

دانشجویان دارد؟؛ مطالعه‌ای در دانشگاه علوم پزشکی کرمان

نویسندگان: هاجر شفیعیان،

کلیدواژه‌ها: سبک یادگیری، اعتماد به نفس، دانشگاه علوم پزشکی

کرمان

متن مقاله: چکیده فارسی مقدمه: سبک یادگیری یک رفتار عاداتی و متمایز برای کسب دانش، مهارت یا بازخوردهاست که از طریق مطالعه یا تجربه کسب می-شود. کلید اصلی درگیر کردن فراگیران در یادگیری و فراگیری هر چه بیشتر مطالب توسط آنها، شناسایی ترجیحات و سبک های یادگیری آنان و همچنین شناسایی عوامل تأثیرگذار روی این متغیرها می باشد. در این راه باید تلاش کرد تا به گونه‌ای دقیق متغیرهای پیش بینی-کننده سبکهای یادگیری شناسایی شوند تا بتوان شرایط آموزشی را بهسازی نمود. هدف: هدف از این پژوهش تعیین ارتباط سبکهای یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان با میزان اعتماد به نفس آنها می باشد. روش اجرا: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی دانشجویان شرکت داشتند که بر اساس نمونه گیری وارد مطالعه شدند.



ابزارهای گردآوری پرسشنامه‌ای مشتمل از سه بخش اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ بود. جهت تجزیه تحلیل از شاخص‌های مرکز و پراکندگی و آزمونهای خی دو، ضریب همبستگی اسپیرمن، رگرسیون لجستیک و رگرسیون خطی استفاده شد. یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین ( $\pm 2/96$ ) سنی بوده است، و  $44/3$  درصد از دانشجویان سبک‌یادگیری جذب کننده را گزارش کرده اند. علاوه بر این  $61(39)$  درصد دانشجویان از اعتماد به نفس ضعیفی برخوردار بوده اند. همچنین نتایج مربوط به پیش‌بینی کننده‌های سبک‌های یادگیری نشان داد که تنها جنس فاکتور پیش‌بینی کننده در تعیین سبک‌های یادگیری است.

کد: ۱۶۶۰

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی سیستم ارزشیابی

عملکرد، از دید اعضای هیات علمی، با رویکرد آمیخته (Mix method)

نویسندگان: آیین محمدی، ریتا مجتهدزاده، حسین کشاورز ولیان،

کامران سلطانی عربشاهی، محمد جلیلی

کلیدواژه‌ها: روانسنجی، فرارزشیابی، ارزیابی عملکرد، تحلیل

عملی، رویکرد آمیخته

متن مقاله: زمینه و هدف: فعالیت های اعضای هیات علمی دانشکده های پزشکی طیف وسیعی از فعالیت های آموزشی، پژوهشی، درمانی، مدیریتی و ارائه خدمات را شامل می شود و ارزیابی و هدایت آنها در راستای رسالت های دانشگاه یکی از دغدغه های این دانشکده ها است. هر نوع بررسی کیفیت عملکرد، مداخله آموزشی، تصمیم گیری در مورد هیات علمی یا برنامه ریزی در دانشکده پزشکی مستلزم ارزیابی کمی فعالیت های اعضای هیات علمی با استفاده از روشی قابل اجرا است. در فضایی که تقاضا برای جوابگویی دانشگاه و اعضای هیات علمی، در برابر جامعه و هزینه ها، رو به افزایش است، طراحی و استقرار یک سیستم شفاف ارزیابی عملکرد اعضای هیات علمی چالشی برای دانشگاه ها و نیز فرصتی برای آنها برای هم راستا کردن فعالیت ها با اهداف سازمان محسوب می شود. بدیهی است که آشنایی با نظرات اعضای هیات علمی در مورد چنین سیستم هایی می تواند در موفقیت آن نقش اساسی داشته باشد. روش اجرا: ابتدا با انجام مصاحبه با اعضای هیات علمی، نظرات ایشان در مورد سیستم

ارزشیابی کمی فعالیت ها جمع آوری شد. تعداد شرکت کنندگان بر اساس اشباع اطلاعات به ۱۸ نفر رسید. مصاحبه ها پیاده شده و تحلیل محتوا بر اساس مدل کوربین و اشتراوس صورت گرفت. سپس بر اساس تم ها و کدهای استخراج شده از این مصاحبه ها، یک پرسشنامه بسته طراحی شد. روایی محتوایی (Content validity) این پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان بررسی شد. سپس در طی یک طرح پیمایشی در بین کلیه اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی تکمیل گردید و همسانی درونی (Internal consistency) آن با محاسبه آلفای کرونباخ و پایایی آن با استفاده از بازآزمایی (Test-Re test) بررسی شد. سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی روایی ساختاری (Construct validity) ابزار نیز بررسی شد. نتایج: پرسشنامه شامل ۴۶ سوال است که ۱۳ سوال مربوط به سوالات زمینه ای و مشخصات شرکت کنندگان، می باشد. بررسی پایایی به روش بازآزمایی پس از دو هفته در یک نمونه ۲۵ نفری از گروه نمونه اصلی، ضریب همبستگی  $r = 0/81$  نشان داد. میزان همسانی درونی پرسشنامه برای کل پرسشنامه ۰,۹۲۴ بود. در تحلیل عاملی، شاخص نمونه گیری کایزر مایر الکین (KMO) برابر ۰,۹۱۴ و آزمون کرویت بارتلت با میزان  $5238,162$  در سطح معنی داری ۰,۰۰۰ معنا دار است. با توجه به نحوه لود شدن گویه ها در مدل با حداقل بار عاملی ۰,۴۱، شش عامل استخراج شد که در مجموع ۶۶,۰۸ درصد واریانس را تبیین می کند و ۸ سوال که تاثیری در تبیین واریانس کل نداشتند از پرسشنامه حذف شدند. بحث: در این مطالعه ابزاری برای بررسی سیستم اندازه گیری فعالیت ها از دید اعضای هیات علمی طراحی و روانسنجی شد و می تواند در زمینه دانشگاه های علوم پزشکی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

کد: ۱۶۶۳

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: دشواری نقش و عوامل مرتبط با آن در مدرسین پرستاری

کشور: چالش مدیران آموزشی

نویسندگان: منصوره زاغری تفرشی، امیر کاووسی، مریم رسولی،

شهره کلاگری

کلیدواژه‌ها: ابزار دشواری نقش، دشواری نقش، مدرسین پرستاری،

مدیران آموزشی، اعضای هیات علمی

متن مقاله: مقدمه: در سیستم آموزش پرستاری، نقش های چندگانه آموزش نظری، بالینی، پژوهشی و اجرایی به مدرسین پرستاری تفویض می شود. احساس فشار و استرس در به انجام



رساندن انتظارات و الزامات این نقش های متنوع منجر به دشواری نقش می گردد. هدف: این مطالعه جهت بررسی میزان دشواری نقش و عوامل مرتبط با آن در مدرسین پرستاری انجام شد. مواد و روشها: پژوهش حاضر، مطالعه توصیفی است که در سال ۱۳۹۲ بر روی ۳۰۲ نفر از مدرسین پرستاری دانشکده های پرستاری و مامایی کشور انجام شد. نمونه گیری به روش طبقه ای - خوشه ای انجام گردید. ابزار گردآوری داده ها نسخه روانسنجی شده ابزار اصلی دشواری نقش به صورت یک پرسشنامه خود گزارش دهی بود که روایی آن از طریق تعیین روایی محتوا و سازه و پایایی آن با محاسبه ضریب الفای کرونباخ ۰/۹۲ و آزمون مجدد (۰/۸۹/۰۲) تأمین شد. داده ها وسیله آمار توصیفی و آنالیز واریانس، آزمون تی و آزمون همبستگی پیرسون در برنامه SPSS ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: نتایج نشان داد که (۴۳ درصد) مدرسین پرستاری دارای دشواری نقش متوسط به بالا بودند (۰/۲۳/۴۸) و از بین خرده مقیاس ها گرانباری و ناهمخوانی نقش بیشتر از بقیه خرده مقیاس ها معرف دشواری نقش بود [۰/۷۲/۳۲۸، (۰/۷۶/۳۲۰) که بیشترین و کمترین میانگین دشواری نقش به ترتیب به عبارات "احساس می کنم که در پایان روز از نظر عاطفی تحلیل رفته ام و" چون تخصص بالینی کافی ندارم نگران هستم، اختصاص داشت. علاوه بر این در این مطالعه بین دشواری نقش و متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل و سابقه کار شرکت کنندگان تفاوت معنی دار آماری مشاهده گردید (P=۰/۰۵).

کد: ۱۶۸۶

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: عنوان: قرآن پژوهی در طب: وَ نُنزَلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا  
نویسندگان: خدیجه گنجی وطن،  
کلیدواژه ها: قرآن، طب، طب عامیانه  
متن مقاله: مقدمه و هدف: قرآن مجموعه ای عظیم و بی همتا، دارای نکته های ظریفی در رابطه با بهداشت و سلامت انسان است و در چند جای آن کلمه شفا آمده است این قاعده برای بیماریهای روانی و جسمی هر دو صادق است ابن قیم می گوید قرآن سراسر شفا برای تمام بیماریهای جسمی و تمام دردهای دنیوی و اخروی است روش کار: در این مطالعه توصیفی، به منظور تبیین تجربه مردم از به کارگیری قدرت شفابخش قرآن در بیماریها با ۱۲ نفر مصاحبه های نیمه ساختار انفرادی به عمل آمد. سوالات مصاحبه

در ارتباط با تجربه آنها از به کارگیری قرآن در بیماری بود. مصاحبه ها ضبط و خط به خط دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و توصیف شدند. یافته ها: داده ها نشان داد که افراد در بیماری از اثر معجزه آسای قرآن سود می بردند. قرائت آیه ۸۲ سوره اسراء " وَ نُنزَلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا"، برای کاهش درد، سردرد، دندان درد، خواندن سوره ایه الکرسی و حمد و توحید در بیماریهای سخت کار برد داشته است. یکی از شرکت کنندگان اثرات معجزه قدرت شفاء بخش قرآن را در ترس از مدرسه اینگونه بیان داشت. "پسرم کلاس چهارم بود، اواسط سال طوری شده بود که اصلا به مدرسه نمی رفت و از مدرسه فراری شده بود (البته بی خود و بی جهت) و حتی زمانی که اسم مدرسه را می شنید گریه می کرد، در ظرفی که آیه الکرسی نوشته شده بود آب ریختیم و به او دادیم خورد، از فردای آن روز به مدرسه رفت". نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که مردم از قدرت شفاء بخش قرآن در بیماریها سود برده بودند.

کد: ۱۶۸۹

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: طراحی، به کارگیری و ارزشیابی نرم افزار مدیریت آزمون OSCE (OSCE Manager) در قطب علمی آموزش مهارت های بالینی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

نویسندگان: وجیهه وفامهر، محمد دادگستر نیا،

کلیدواژه ها: نرم افزار، مدیریت آزمون، OSCE

متن مقاله: مقدمه: از آنجا که کار تولید نرم افزارهای سفارشی به دلیل صرف هزینه بالا و زمان طولانی، با ریسک بالا توأم میباشد، لذا اکثر مراکز آموزشی تمایل دارند تا نیازهای نرم افزاری خود را از طریق خرید و نصب و راه اندازی و بهره برداری از بسته های نرم افزاری آماده تأمین نمایند. اما در هیچ از یک از نرم افزارهای آماده مدیریت آزمون موجود در بازار، نیازهای یک آزمون OSCE مورد توجه قرار نگرفته بود و عملاً برای چنین آزمون هایی قابل استفاده نبودند. این مطالعه با هدف حمایت از تبدیل علم به فناوری های مفید مورد نیاز و تجاری سازی آنها در خدمت اقتصاد دانش بنیان امروز انجام شده است و اهداف اختصاصی آن شامل: افزایش نظم و کاهش مشکلات زمان بندی حین اجرای آزمون، سهولت تنظیم و مدیریت اطلاعات آزمون، سهولت جمع بندی نتایج آزمون، امکان برگزاری چندین مدار آزمون به طور همزمان و با کمترین مشکل، کاهش استرس داوطلبان حین برگزاری آزمون



و امکان کنترل و یا تعویض ایستگاه های آزمون، حین اجرای آزمون می باشد. روش اجرا: نرم افزار مدیریت آزمون OSCE که توسط کارشناسان قطب علمی آموزش مهارت های بالینی تهیه گردیده، وظیفه ثبت اطلاعات و زمان بندی و برگزاری آزمون ها را دارد. در این محصول اطلاعات کاملی از دانشجویان، آزمون ها و... ثبت می گردد و امکان زمان بندی و برگزاری آزمون های همزمان و همچنین امکان گزارش گیری های متنوع را فراهم می سازد. این نرم افزار به صورت کلاینت سرور طراحی شده که نرم افزار سرور وظیفه هماهنگ سازی و نمایش اطلاعات آزمون و برگزاری آن روی کلاینت ها را عهده دار می باشد. از ویژگی های بارز این نرم افزار می توان به دقت بسیار زیاد در زمانبندی، Real Time بودن، مستقل بودن آزمون ها از یک دیگر و قابلیت اجرا روی انواع سیستم عامل های ویندوز نام برد. مشخصات عملکردی نرم افزار شامل: تعریف دانشجو-تعریف استاد-تعریف کاربر-تعریف گروه و آزمون-تعریف کلاینت-زمانبندی آزمون ها-فعال سازی آزمون های تعریف شده-فعال سازی سریع آزمون ها-امکان توقف، توقف کامل و برگزاری مجدد آزمون-امکان پخش صدای اپراتور به اژه آزمون های مختلف روی کلاینت ها-گزارش گیری از دانشجویان، اساتید، آزمون ها و ارسال اطلاعات آزمون به مسئول برگزاری آزمون می باشد. این نرم افزار در طول یک نیمسال به صورت Pilot در کنار روش های جاری در اجرای آزمون های OSCE مورد استفاده قرار گرفته و پس از آن در طول ۳ ترم تحصیلی در سال های ۹۲ و ۹۳ در اجرای آزمون های OSCE قطب علمی آموزش مهارت های بالینی مورد استفاده قرار گرفته است. به منظور ارزیابی عملکرد نرم افزار، چک لیست ارزیابی عملکرد نرم افزار تهیه و در طول اجرای قطعی نرم افزار، برای ۲۳ آزمون تکمیل گردیده است. نتایج: از ۱۳ ویژگی کارکردی نرم افزار، در ۱۰ مورد نرم افزار طی ۲۳ آزمون کارکرد کاملی را داشته است. در ۴ ویژگی نرم افزار در ۱ تا ۳ آزمون نیاز به مداخله کارشناس کامپیوتر داشت. بنابراین می توان گفت که نرم افزار عملکرد قابل قبولی داشته است. همچنین ۹۹٪ اشکالاتی که نیاز به مداخله کارشناس داشتند، مربوط به عملکردهای کم اهمیت تر نرم افزار (با وزن کمتر) بودند. بحث: استفاده از این نرم افزار باعث افزایش کیفیت، کاهش استرس و سهولت برگزاری آزمون OSCE می گردد. تهیه نرم افزاری برای پوشش دادن به نیازهای یک آزمون OSCE باعث می شود تا سایر مراکز یادگیری مهارت های بالینی بتوانند نزدیک ترین بسته نرم افزاری به پوشش نیازهای خود را انتخاب نمایند.

کد: ۱۷۰۵

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: جایگاه برنامه درسی پنهان در آموزش پزشکی عمومی

دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

نویسندگان: عسگر آرمون

کلیدواژه‌ها: رنامه درسی پنهان، نظام آموزشی، پزشکی عمومی،

دانشجویان.

متن مقاله: مقدمه: اغلب صاحب نظران حوزه برنامه ریزی درسی و علوم تربیتی، بر این تاکید دارند که برنامه ی درسی آشکار و صریح بخش کوچکی از آن چیزی است که مراکز آموزشی و دانشگاهها آموزش می دهند. قسمت بیشتری از آموخته ها و یادگیری های فراگیران حاصل تعامل پویای آنان با فرهنگ یا مجموعه روابط و مناسبات، قوانین و مقررات و جو حاکم بر محیط آموزشی است که از دسته آموخته های غیر عمدی، قصد نشده و عمدتاً ارزشی، هنجاری و نگرشی است و جزئی از برنامه های درسی پنهان محسوب می شود. این تجارب که بدون دانش و قصد طراحان، اساتید آموزشی و فراگیران حاصل می شود، دارای آثار مثبت و منفی گوناگونی بر روی فراگیران می باشد. هدف: این مطالعه با محوریت جایگاه برنامه درسی پنهان در آموزش پزشکی عمومی و با هدف تبیین نقش و جایگاه برنامه درسی پنهان در آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام گردیده است. روش ها: این مطالعه با روش توصیفی-پیمایشی انجام شد، ابزار مطالعه پرسشنامه برنامه ی درسی پنهان که حاوی ۳۶ سوال است می باشد. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل (سالتحصیلی ۹۳-۱۳۹۲) تشکیل می دهد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای (در طبقات علوم پایه، کارآموزی و کارورزی)، تعداد ۲۲۰ نفر به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. داده های به دست آمده از طریق آزمون t تک نمونه ای و رگرسیون و با کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: با توجه به نتایج به دست آمده، ابعاد برنامه ی درسی پنهان (شامل: روش های تدریس و ارزشیابی، تعامل یادهنده-یادگیرنده، تفکر انتقادی، فضای فیزیکی و قوانین و مقررات) از دیدگاه دانشجویان مورد پژوهش دانشکده پزشکی در سطح نسبتاً مطلوبی می باشند. بالاترین میانگین حاصل شده مربوط به بخش تعامل یادهنده-یادگیرنده (۴/۰۲) و پایین ترین میانگین به دست آمده مربوط به بُعد قوانین و مقررات (۳/۱۱) و فضای فیزیکی (۳/۰۹) است دانشجویان دوره





علوم پایه نسبت به دانشجویان دوره کارآموزی و کارورزی معتقدند که برنامه‌ی درسی پنهان دانشکده پزشکی در شرایط نسبتاً مطلوب تری قرار دارد. نتیجه‌گیری: با توجه به نقش انکارناپذیر برنامه درسی پنهان درسی در نظام آموزشی به خصوص در آموزش پزشکی عمومی در ابعاد دانش، نگرشی و مهارتی، اجتماعی و اخلاقی- تربیتی دانشجویان، ضروری است که توجه ویژه‌ای به این بعد از برنامه درسی در برنامه ریزی آموزشی داده شود. از طریق برگزاری کارگاههای تخصصی در زمینه‌ی برنامه درسی پنهان برای اساتید هیأت علمی، مسؤولین آموزشی و مدیران گروههای بالینی و علوم پایه پزشکی کشور می‌توان قدم‌های موثری برداشت.

کد: ۱۷۰۹

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی میزان کاربری اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران از امکانات کمک آموزشی راند مجازی  
نویسندگان: ریسا مجتهدزاده، آیین محمدی، آزاده شعبانی، میترا ذوالفقاری، میترا قریب  
کلیدواژه‌ها: یادگیری الکترونیکی، کمک آموزشی، راند مجازی، اعضای هیأت علمی

متن مقاله: مقدمه: استفاده روزافزون دانشجویان از وسایل ارتباطی هوشمند و اینترنت و استقبال آنها از فضاهای مشارکتی، این فضاها را به ابزاری نوین در آموزش تبدیل نموده است. یادگیری الکترونیکی در آموزش پزشکی به دانشجویان فرصت میدهد از جدیدترین منابع مبتنی بر شواهد استفاده کنند، همچنین با توجه به اینکه یادگیری الکترونیکی؛ روشی یادگیرنده محور است، به دانشجویان اجازه میدهد براساس سبک یادگیری خود به این امر بپردازند. شبیه سازی راندهای بالینی در فضای مجازی با توجه به رویکرد فوق صورت گرفت. روش اجرا: سامانه راند مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران بعنوان فضایی برای ارتباط دانشجویان و استادان و بحث و تبادل نظر در مورد موارد بالینی راه اندازی شده است. دانشجویان می‌توانند پس از ارائه مورد توسط استاد، دریازه زمانی مشخص به مطالعه و تحلیل آن مورد پرداخته و سپس پاسخ مناسب را درج نمایند. در این مطالعه توصیفی، اطلاعات مربوط به کلیه اعضای سرمد شامل دانشجویان و اعضای هیأت علمی و موردهای طراحی شده توسط استادان جمع آوری شده و داده‌ها آنالیز شدند. نتایج: از تعداد ۹۳۹ عضو سرمد، ۹۸ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران میباشند. ۴۰

نفرمرد و ۵۸ نفر زن بوده اند. از سال ۱۳۸۹ که سرمد مورد استفاده قرار گرفته است تا کنون تعداد ۳۰۰ مورد بالینی در این سامانه بار گذاری شده است. تعداد اعضای هیأت علمی که در این سامانه به طراحی مورد پرداخته اند ۵۰ نفر بوده است از این تعداد ۳۴ نفر زن و ۱۶ نفر مرد بوده است. تعداد استادانی که یکبار در این سامانه به طراحی مورد پرداخته اند ۱۱ نفر، استادانی که ۲ بار به طراحی مورد پرداخته اند ۳۲ نفر و تعداد افرادی که بیش از ۲ بار در این سامانه فعالیت داشته اند ۷ نفر بوده است. بحث و نتیجه گیری: با وجود رشد فزاینده استفاده از آموزش مجازی در آموزش پزشکی، استفاده از این نوع آموزش در مقطع بالینی کمتر بوده است. با توجه به نتایج این مطالعه بنظر می‌رسد دانشجویان در مقطع بالینی علاقمند به استفاده از یادگیری الکترونیکی در کنار روش حضوری میباشند و استادانی که با استفاده از این سامانه به بحث و تبادل نظر با دانشجویان پرداخته اند، با وجود وقت گیر بودن این روش، به استفاده بیش از یک بار از این روش آموزشی ترغیب شده اند. با این وجود استفاده از سامانه های تشویقی برای اساتید فعال در زمینه برگزاری راند مجازی میتواند به فعالیت بیشتر اساتید در این زمینه منجر شود.

کد: ۱۷۱۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: عنوان: تبیین تجربیات اساتید در خصوص عوامل تسهیل کننده و موانع استفاده از روش های نوین تدریس در اعضای هیأت علمی علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
نویسندگان: میترا سرشار  
کلیدواژه‌ها: روش تدریس، روش های نوین تدریس، استاد، دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی

متن مقاله: زمینه و هدف: در سال های اخیر، آموزش پزشکی دستخوش تغییرات بسیار زیادی شده و روش های جدید آموزشی متنوعی ابداع شده است. دلایلی که سبب می شود همه مدرسین از روش های نوین آموزشی بهره نگیرند از نظر آنها بسیار متفاوت است. علیرغم تلاش هایی که برای آشنا کردن و استفاده از روش های نوین آموزش در دانشگاه های علوم پزشکی صورت گرفته ولی هنوز روش های سنتی نظیر سخنرانی در اولویت اول استفاده توسط بسیاری از اعضای هیأت علمی قرار دارد. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات اساتید در خصوص عوامل تسهیل کننده و موانع استفاده از روش های نوین تدریس در اعضای هیأت علمی علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشد. روش



کار: مطالعه حاضر به صورت پژوهش کیفی به منظور درک تجارب و دیدگاه های اعضاء هیات علمی استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل اعضای هیات علمی گروه های علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۹۲ بودند. حجم نمونه ۳۰ استاد که به روش نمونه گیری هدفمند و با در نظر گرفتن حداکثر تنوع شامل رتبه علمی، رشته تحصیلی، مقطع، سابق آموزش و وارد مطالعه شدند. به منظور جمع آوری داده ها از مصاحبه های باز و نیمه ساختار بصورت انفرادی استفاده شد. برای مثال محقق می پرسید "عوامل تسهیل کننده و محدود کننده در خصوص استفاده از روش های نوین تدریس را بیان کنید. مثال بزنید" از سوالات کاوشی برای عمیق تر شدن مصاحبه استفاده شد. داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوی مرسوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: مضمون اصلی برگرفته شده از این مطالعه عوامل تسهیل کننده "احساس نیاز به تغییر در فرآیند آموزش"، با مضامین فرعی "آموزش پاسخگو"، "فراگیر فعال"، "پیشرفت تکنولوژی آموزشی"، "مطالعات در زمینه پژوهش در آموزش"، "مرکز مطالعات و توسعه آموزش فعال در دانشگاه"، "دانش پژوهی"، "داشتن اساتید خبره در آموزش پزشکی"، "الگو پذیری از اساتید" می شود نامبرد. مضمون اصلی موانع استفاده از روش های نوین تدریس، "نداشتن الگوی مناسب در پیاده کردن روش ها نوین تدریس"، "نداشتن زیرساخت های مناسب"، "نداشتن فضای فیزیکی مناسب"، "عدم تناسب تعداد دانشجو و استاد"، "تصمیم گیری های متمرکز مدیریتی"، "عدم آشنایی اساتید و دانشجو از روش ها"، "عدم وجود روش های ارزشیابی مناسب" اشاره نمود. بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که جو آموزشی حاکم بر دانشگاه ها هم از سوی استاد و هم دانشجو آمادگی برای استفاده از روش های نوین تدریس را دارد. چرا که دانشجویان از نقش فعال در یادگیری داشتن احساس انگیزه و شغف داشتند و از طرفی اساتید با نقش راهنما و تسهیل کننده می توانند فضای آموزشی پویایی را در محیط های آموزشی فراهم نمایند. مهیا نمودن امکانات و ترغیب اساتید و دانشجو می تواند در این زمینه کمک کننده باشد.

کد: ۱۷۱۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: آموزش آناتومی اندام رشته پزشکی به شیوه برنامه درسی

مارپیچ به دانشجویان پزشکی

نویسندگان: امراله روزبهی، سحر الماسی

کلیدواژه ها: برنامه ریزی، آموزش، مارپیچ و آناتومی اندام  
متن مقاله: هدف: وظیفه اساتید در آموزش دروس علوم پزشکی به سبب نیاز این دروس برای یادگیری دروس بعدی به گونه ای است که بتواند در دانشجویان تفکر علمی ایجاد نموده، این تفکر با اهداف آموزشی و شخصیت دانشجو سازگار بوده و به تدریج آنان را به تفکر بیشتر وادارد. آقای برونر که مبدع برنامه درسی مارپیچ بوده پیشنهاد می کند که اساتید تا آنجا که میسر است برای دانشجویان خود از نظامهای فکری عملی، تصویری و نمادی به ترتیب استفاده نمایند. بیان اهداف و ایجاد زمینه تفکر باید به نحوی قطعیت یافته و به شانس واگذار نگردد. روش: در این مطالعه به شیوه تحقیق عملی، محتوای درس آناتومی اندام به شکل مارپیچ برنامه ریزی گردید به نحوی که مطالب از ساده به پیچیده و از محسوس و غیر انتزاعی تا کاملا کاربردی تنظیم گردید. کلاسهای تئوری و عملی به شکل ادغام یافته به مدت ۷۶ ساعت در قالب ۳۸ جلسه دو ساعته و در سه مرحله برنامه ریزی گردید. کلیات اندام فوقانی و تحتانی در ۱۶ ساعت، جزئیات در ۴۰ ساعت و کاربرد مطالب در ۲۰ ساعت تدریس گردید. نتایج: در این مطالعه پوشش محتوای درس ۹۵/۴، یادگیری مؤثر ۸۹/۳۲، ارتقای مهارت ها ۹۰/۶، شیوه مؤثر ۹۱/۳، نگرش مثبت دانشجویان ۷۸/۳، ارزشیابی مؤثر ۹۲/۷، مشارکت فعال دانشجویان ۸۹/۸ و ارتقای تعامل دانشجویان ۸۳/۷ درصد بود. دانشجویان رغبت بالایی در اجرای این برنامه داشته و توان پاسخ و پرسش خوبی از خود نشان دادند. نتیجه گیری: کوریکولوم مارپیچ در مقابل کوریکولوم سنتی قرار دارد دارای ویژگی هایی است که در آن موضوعات در مراحل مختلف تکرار شده و هر بار بر عمق مطالب ارائه شده افزوده می شود. مطالب در طی زمان دشوارتر شده و ارتباط یادگیری جدید با یادگیری قبلی و در حقیقت لزوم یادگیری قبلی برای یادگیری جدید احساس و تبحر دانشجویان در طی زمان افزایش می یابد.

کد: ۱۷۲۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تأثیر آموزش به شیوه مدرسه تابستانی بر نگرش به پژوهش

مابین دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی زابل

نویسندگان: مهدیه پودینه مقدم، دکتر مهدی افشاری، سلیمان

سراوانی

کلیدواژه ها: آموزش، مدرسه تابستانی، نگرش به پژوهش

متن مقاله: مقدمه: تحقیقات در زمینه علوم پزشکی از مهم ترین



بخش های تحقیقاتی جوامع محسوب می شود. آموزش در خصوص پژوهش امری ضروری است و مشارکت دانشجویان در پروژه های پژوهشی علاوه بر ارتقاء وضعیت پژوهشی دانشگاه، منجر به افزایش اطلاعات و عملکرد پژوهشی دانشجویان شده و توانایی لازم جهت تحلیل مطالعات و تغییر نگرش دانشجویان به پژوهش و فعالیت های تحقیقاتی مبنایی جهت مداخلات آتی در راستای تغییر و اصلاح این نگرش در طول دوران تحصیل را فراهم می نماید. بر این اساس بر آن شدیم تا تاثیر آموزش به شیوه مدرسه تابستانی را در دانشجویان استعداد درخشان نسبت به نگرش به پژوهش در سال ۱۳۹۳ جویا شویم. روش: این پژوهش به صورت نیمه تجربی در ۳۰ نفر از دانشجویان استعداد درخشان در مقاطع و رشته های مختلف تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی زابل که در اولین مدرسه تابستانی شرکت کرده بودند؛ در تابستان ۱۳۹۳ انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد بررسی نگرش به پژوهش بود. مدرسه تابستانی با رویکرد پژوهش در چهار روز در قالب ۴ کارگاه پژوهشی (روش تحقیق مقدماتی، روش تحقیق پیشرفته، آمار و SPSS، ۲ کلینیک آموزشی و ۱ بحث آزاد برگزار گردید. این کارگاه ها دارای بخش های تئوری و عملی بودند؛ پس از گذشت ۶۰ روز پرسشنامه نگرش به پژوهش مجدداً تکمیل شد و اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۷ و آمار توصیفی و آمار استنباطی در سطح معنی داری ( $P \geq 0/05$ ) تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: یافته ها نشان دهنده تاثیر اجرای مدرسه تابستانی با رویکرد پژوهشی بر ارتقای نگرش نسبت به پژوهش بود که طبق آزمون آماری t-paired از نظر آماری معنی دار بود ( $P=0/01$ ). نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه اجرای مدرسه تابستانی جهت دانشجویان می تواند ارتقای نگرش به پژوهش را در آنان سبب شود که این امر افزایش تمایل ایشان را برای انجام پژوهش در بر دارد. با توجه به این که دوران دانشجویی بهترین زمان یادگیری مهارت های پژوهشی است ضرورت برگزاری دوره هایی جذاب از قبیل مدرسه تابستانی بیشتر احساس می گردد تا در تحول نظام سلامت نقش مهمی را ایفا کند.

کد: ۱۷۲۹

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی تاثیر آموزش به شیوه ترکیبی بر میزان یادگیری درس اصول و مهارت های پرستاری  
نویسندگان: علی اکبر عبدالله زاده، مرضیه محمدی، قاسم صابری،

کلیدواژه ها: دوره یادگیری ترکیبی- دوره یادگیری سنتی- پیشرفت تحصیلی  
متن مقاله: مقدمه: پژوهش حاضر تأثیر دوره های یادگیری ترکیبی را بر میزان یادگیری دانشجویان پسر سال اول رشته ی پرستاری مورد بررسی قرار داده است. روش: به این منظور از بین مراکز آموزشی استان اردبیل ۶۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب گردید که ۳۰ نفر به عنوان گروه آزمایش با استفاده از روش ترکیبی و ۳۰ نفر به عنوان گروه گواه با استفاده از روش معمول (حضوری) آموزش دیدند. سپس در گروه آزمایش، آموزش به شیوه دوره های یادگیری ترکیبی و در گروه گواه آموزش به شکل سنتی ارائه گردید بعد از مدت دو ماه و تدریس فصل دوم کتاب، پس آزمون از هر دو گروه گرفته شد. نتایج: نتایج بدست آمده بیانگر تفاوت معنادار بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون درس اصول و مهارت های پرستاری دو گروه کنترل و آزمایش می باشد، و از طرفی بین نمرات آزمون پیگیری درس اصول و مهارت های پرستاری دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و افزون بر آن مشخص شد بین میزان یادگیری دانشجویان قوی و متوسط از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد ولی بین میزان یادگیری دانشجویان پرستاری قوی و ضعیف و همچنین متوسط و ضعیف تفاوت معناداری وجود دارد.

کد: ۱۷۳۲

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی عوامل مؤثر بر نمره ارزشیابی استادان توسط

دانشجویان پزشکی

نویسندگان: محمد آقاعلی، روح الله صفائی پور

کلیدواژه ها: استاد، دانشجو، نمره ارزشیابی، معدل

متن مقاله: مقدمه: مطالعات در مورد عوامل مؤثر بر نمره ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان نتایج متناقضی را نشان داده اند از طرفی شناخت عوامل مؤثر بر ارزشیابی استاد توسط دانشجویان می تواند دست اندرکاران امر آموزش را با نقاط قوت و ضعف این روش ارزشیابی آشنا کند و امکان برنامه ریزی صحیح و کسب نتایج واقعی از عملکرد آموزشی اساتید را فراهم آورد. بدین منظور، این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نمره ارزشیابی استادان توسط دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد. روش مطالعه: جامعه مورد مطالعه تمامی دانشجویان رشته پزشکی بودند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳ در دانشگاه علوم پزشکی قم مشغول به تحصیل بوده و ارزشیابی را انجام داده



به صورت مستقل به یادگیری بپردازند. از آنجا که هدف اصلی برنامه درسی، تربیت و تأمین منابع انسانی متخصص، متبحر و متعهد براساس وظایف معین است لذا محتوای برنامه های درسی باید همواره مورد بازنگری قرار گیرد و با توجه به نیازهای جامعه و آخرین دستاوردهای علمی، فرصت هایی را برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم نماید. نتیجه گیری: بازنگری برنامه های درسی به طور مستمر و با بازخورد گرفتن از دانشجویان، توسعه نگرش ها و اعتلای ارزش ها را به دنبال خواهد داشت.

کد: ۱۷۵۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: طراحی و بکارگیری برنامه آموزشی درسی ماریپیچ دروس علوم تشریحی در بستر دانشجو محوری برای دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی

نویسندگان: امراله روزبهی، سحر الماسی

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی ماریپیچ، دانشجو محوری، آناتومی،

بافت شناسی، علوم تشریحی

متن مقاله: مقدمه: تدریس علوم تشریحی در سالهای اخیر به دلیل بازنگری در رسالت آموزشی دانشگاهها، افزایش تعداد دانشجویان و برنامه ریزی درسی پزشکی چالش برانگیز شده است. هدف: پیاده سازی برنامه آموزشی درسی ماریپیچ دروس علوم تشریحی در بستر دانشجو محوری روش اجرا: محتوای دروس آناتومی اندام و تنه پزشکی، علوم تشریحی یک و دو دندانپزشکی به شکل ماریپیچ با گنجاندن محتوای درس در سه مرحله یادگیری تدریجی برونر برنامه ریزی گردید به نحوی که مطالب از ساده به پیچیده و از محسوس و عینی تا انتزاعی و کاملاً کاربردی تنظیم گردید. کلاسهای تئوری و عملی به شکل ادغام یافته به شکل سه مرحله برنامه ریزی گردید: فاز حرکتی، فاز شمایی و فاز نمادی. قبل از اجرا طی جلسات متعدد طرح دوره ها آماده و امکانات مورد نیاز پیش بینی و در طرح درس ها گنجانده شدند. از اثر بخشی فرایند مذکور به شکل کمی و کیفی ارزیابی بعمل آمد. ارزیابی کمی از طریق پرسشنامه لیکرت اجرا شد و ارزیابی کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند با دانشجویان و تحلیل محتوا گردید. از اساتید، کارشناسان و دانشجویان نیز به شکل گروه متمرکز داده هایی جمع آوری و تحلیل شد. نتایج: تحلیل های نتایج ارزیابی دوره و بررسی های کیفی حاکی از افزایش احساس وظیفه دانشجویان و ایجاد انگیزه یادگیری و آمادگی بیشتر برای یادگیری حکایت داشت. در این مطالعه میانگین پوشش محتوای درس

بودند، دانشجویان مقطع کارورزی وارد مطالعه نشدند. ارزشیابی از طریق سایت و در پایان ترم تحصیلی انجام شد. اطلاعات پرسشنامه ارزشیابی استاد مشتمل بر ۱۴ سؤال به همراه اطلاعات دانشجویان (نمره درس، معدل و جنسیت) و اطلاعات اساتید (جنسیت و مرتبه علمی) استخراج گردید. نتایج توسط نرم افزار SPSS و آزمون های همبستگی پیرسون و unpaired T-test تجزیه و تحلیل شد. نتایج: در مجموع ۱۰۲۸ پرسشنامه که توسط ۲۱۲ دانشجو در مورد ۳۴ استاد تکمیل شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. تعداد دانشجویان دختر و پسر به ترتیب ۱۲۷ (۶۰٪) و ۸۵ نفر (۴۰٪) بود. تمام اساتدان هم توسط دانشجویان دختر و هم پسر ارزشیابی شدند. میانگین نمره ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان دختران (۴/۲ از ۵) به طور معنی داری از دانشجویان پسر (۳/۹ از ۵) بالاتر بود.

کد: ۱۷۳۵

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بازنگری برنامه درسی آموزش عالی با استفاده از مکانیسم بازخورد

نویسندگان: طیبه شگری

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، بازنگری، بازخورد

متن مقاله: بازنگری برنامه درسی آموزش عالی با استفاده از مکانیسم بازخورد طیبه شگری مقدمه: تعیین اهداف یادگیری به فراگیران کمک می کند تا در فرایند یادگیری بر بخش های که در اهداف یادگیری وجود داشته است تمرکز بیشتری داشته باشند و از طرفی آنان را از پرداختن بیش از اندازه به حواشی منع می کند. برنامه ریزان آموزشی علاوه بر اینکه خود در برنامه ریزی به تعیین اهداف آموزشی می پردازند می توانند با تعامل با فراگیران و در جریان قراردادن آنها اهداف یادگیری را برای آنان نیز روشن سازند. روش ها: مطالعه حاضر مقاله مروری است که با جستجوی منابع و مجلات داخلی و منابع خارجی از جمله...ERIC, Ovid, Elsevier, Scopus, Springer, از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ انجام گردید. نتایج: بازخورد نقش مهمی در یادگیری دارد و محققین دو نوع بازخورد را مطرح کرده اند. بازخورد در عمل، که این نوع بازخورد حین انجام کار اتفاق می افتد و در این نوع بازخورد یادگیرنده، ارتباط بین فرایند فعلی و تجربیات قبلی را درمی یابد و بازخورد بر عمل که این نوع بازخورد بعد از انجام عمل است و می تواند اعمال بعدی را تحت تاثیر قرار دهد. کسب این مهارت ها برای دانشجویان ضروری است تا بتوانند خود



۹۲/۴، یادگیری مؤثر ۹۰/۳۲، ارتقای مهارت‌ها ۹۰/۶، شیوه مؤثر ۹۱/۳، نگرش مثبت دانشجویان ۷۹/۳، ارزشیابی مؤثر ۸۳/۷، مشارکت فعال دانشجویان ۸۹/۸ و ارتقای تعامل دانشجویان ۸۳/۷ درصد بود. دانشجویان رغبت بالایی در اجرای این برنامه داشته و توان پاسخ و پرسش خوبی از خود نشان دادند. بررسی اثر بخشی فرایند در جلسات متوالی انجام و در فازهای متوالی فرایند تحلیل و تقویت گردید. بحث و نتیجه گیری: کوریکولوم ماریچ دارای ویژگی هایی است که در آن موضوعات در مراحل مختلف تکرار شده و هر بار بر عمق مطالب ارائه شده افزوده می شود. مطالب در طی زمان دشوارتر شده و ارتباط یادگیری جدید با یادگیری قبلی و در حقیقت لزوم یادگیری قبلی برای یادگیری جدید احساس و تبحر دانشجویان در طی زمان افزایش می یابد. برای مدرسین آناتومی که می خواهند در طراحی آموزشی نوآوری داشته باشند روان شناسی آموزش کمک کننده خواهد بود. نوآوری هائی که با توجه به چالش های پیش روی پداگوژی و تفکر تغییر رسالت آموزش، ایده هائی برای یادگیری مؤثر مطرح می کنند. برای تفهیم پیچیدگی های علوم پزشکی و آناتومی نظریه پردازش اطلاعات، نظریه فراشناختی و نظریه ساختارگرائی اجتماعی هیچ کدام به تنهایی نمی توانند به محصول یادگیری ایده آل دست یابند.

کد: ۱۷۶۰

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: توانمندسازی دانشجویان با استفاده از ارتباطات بین رشته ای در جهت حرکت به سوی ابداعات و اختراعات

نویسندگان: اکرم ثناگو

کلیدواژه‌ها: اختراع، دانشجو، ابداعات

متن مقاله: زمینه و هدف: نظام‌های آموزشی نقش اساسی در شکوفایی استعدادهای بالقوه فراگیران دارند و اساتید و مسئولین این نظام ها در مواجهه با دانشجویان خلاق با مشاوره و راهنمایی به آنها می توانند باعث بروز خلاقیت و نوآوری آنها شوند و از آنجائی که اجرای این فرایند موجب افزایش فرهنگ حرکت، تلاش و کارآمدی دانشجویان در امر تولید کشور در آینده خواهد شد. هدف توسعه فراتوانمندی های دانشجویی به سمت و سوی اختراعات دانشجویی می باشد. این فرآیند با هدف دستیابی به سرآمدی علمی از طریق فعال سازی ابتکارات خلاقانه و نوآورانه دانشجویان، ارائه مشاوره و راهنمایی از طریق فرآیند اختراعات دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان شکل گرفته است و

در جریان است. هدف این فرآیند توانمندسازی دانشجویان با استفاده از ارتباطات بین رشته ای در جهت حرکت به سوی ابداعات و اختراعات می باشد. روش کار: انجام نیازسنجی، بر اساس نیازسنجی های رسمی (مطالعه کیفی) و غیررسمی که توسط مجریان این فرایند از دانشجویان به عمل آمد. نگاهی دوباره به تجربیات بالینی و یافتن مشکل، استفاده از شیوه های یاددهی و یادگیری به روش های نوین بود. یادگیری از همتایان، از دانشجویان مخترع به عنوان مشاور سایر دانشجویان استفاده شد. در کمیته دانشجویی این افراد مشاور و راهنما برای استخراج ایده ها، مشاور برای طراحی و ثبت اختراعات بودند. تعاملات بین رشته ای، ایجاد بستر برای برقراری تعامل گروهی از دانشجویان علوم پزشکی با دانشجویان مهندسی (همکاری بین رشته ای. استفاده از مکانیزم های تشویقی و اطلاع رسانی، از روش های رسمی و غیررسمی برای اطلاع رسانی دانشجویان استفاده شد. نتایج: این فرایند آموزشی تا کنون منجر به ۱۵ اختراع شده است. ۸ طرح گواهی نامه ثبت اختراع را کسب نمود و ۸ طرح در همایش های دانشجویی و کشوری ارائه شده است. دو طرح در قالب مقاله به یکی از مجلات علمی پژوهشی جهت چاپ ارائه و ۶ طرح در کنگره های خارج از کشور مطرح شده است. نمونه ای از این اختراعات در اتاق پراتیک دانشکده پیراپزشکی برای یادگیری و تمرین دانشجویان نصب می باشد. برای دو طرح پیشنهاد ساخت داده شده است. طرح های متعدد دیگری نیز توسط دانشجویان در دست اجرا است بحث و نتیجه گیری: این فرآیند خودجوش در دانشجویان ایجاد شد لذا با بیشترین انگیزه از جانب دانشجویان همراه بود. اما در اجرای فرایند چالش هایی از قبیل "آشنایی نداشتن با روند طراحی اختراع، جستجوی منابع، نوشتن ایده، طراحی و ساخت نمونه واقعی از اختراع" نیز وجود داشته است که با اجرای مداخلات مناسب مرتفع گردید.

کد: ۱۷۶۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بازاندیشی و حکایت نویسی و اثر آن بر تنش اخلاقی

پرستاران: بررسی متون تحقیقی

نویسندگان: عصمت سعیدی، لیلا مهستی جویباری، اکرم ثناگو

کلیدواژه‌ها: بازاندیشی، حکایت نویسی، تنش اخلاقی، پرستاران

متن مقاله: مقدمه: بخش مراقبت های ویژه مکانی است که بیماران با بیماریهای تهدید کننده حیات و به عبارتی بد حالترین بیماران با پیشرفته ترین امکانات و مجرب ترین پرسنل مورد



مراقبت و درمان قرار می گیرند. بخش مراقبت های ویژه تفاوت های اساسی از نظر محیط، پرستاران، بیماران و نوع مراقبت با سایر بخش های درمانی دارد. پرستارانی که در بخش های مراقبت های ویژه کار می کنند، دچار فشار روانی و مسئولیتی زیادی می شوند. تنش اخلاقی به عنوان یک احساس دردناک و یا عدم تعادل شرح داده شده است. تنش اخلاقی در جایی تجربه شده است که پرستار می داند موضوع از نظر اخلاقی صحیح است اما به دلایلی که مربوط به سازمان می شود مانند کمبود وقت، عدم حمایت از طرف سوپروایزر و... نتواند آن اقدام را انجام دهد. هدف از این مقاله بررسی اثر حکایت نویسی و بازاندیشی بر تنش اخلاقی پرستاران بر اساس شواهد تحقیقی منتشره است. روش کار: در این مطالعه مروری با استفاده از کلمات کلیدی *narrative*، *reflective journaling*، *moral distress*، *reflection* و ترکیبی از این کلمات در پایگاه اطلاعاتی اسکوپوس، پایمد و پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان *magiran* و جهاد دانشگاهی در تمامی بازه های زمانی موجود در پایگاه های مذکور جستجو به عمل آمد. یافته ها: بررسی متون حاکی از آن است که نوشتن در مورد تجارب مهم و تروماتیک زندگی می تواند باعث بهبود وضعیت سلامت جسمی و عاطفی شود. در واقع زمانی که مردم تحولات عاطفی خود را بصورت کلمه در می آورند بصورت بارزی تغییر در بهبود سلامت جسمی و ذهنی آنها دیده می شود. حکایت نویسی باعث بهبود در روند وضعیت عاطفی می شود و تاثیرات مثبتی بر وضعیت جسمی (مارکهای خونی و سیستم ایمنی، کاهش دردهای جسمی و کاهش تعداد دفعات مراجعه به پزشک شود). در چندین مطالعه نشان داد که نوشتن یا صحبت کردن در مورد موضوعات عاطفی می تواند از طریق افزایش *T-cell* باعث تقویت سیستم ایمنی شود. حکایت نویسی علاوه بر کاهش استرس می تواند روی ارتقاء مهارت های سازگاری، راهکاری برای تفکر و تعامل و بهبود بخشیدن به سلامت فیزیکی و ذهنی و ارتقاء توانایی حل مساله و رشد شخصی و تکامل مؤثر باشد. همچنین حکایت نویسی می تواند علایم افسردگی را کاهش دهد و به عنوان یک ابزار قدرتمند در کشف باطن و درون افراد در هر موقعیتی از زندگی شود. هنگامی که بیان مشکلات به صورت کلامی سخت باشد، می توان از حکایت نویسی استفاده کرد. نتیجه گیری: اگرچه بسیاری از مقالات به اثرات مثبت جسمی و روانی این شیوه در بهبود روند درمان بیماران یا بهبود عملکرد دانش آموزان و یا عملکرد کارمندان اشاره کرده است اما یافته های بعضی از مقالات حاکی از آن است که این شیوه در افرادی با تصویر

بدنی منفی از خود، افرادی که از کودکانی با بیماریهای مزمن مراقبت می کنند و ممکن است این شیوه در بیماران با اختلال استرس بعد از سانحه اثر مضر داشته باشد. در کل استفاده از این راهکار غیر دارویی به عنوان تکنیک موفق در ابراز افکار و عواطف می تواند وسیله ای جهت مقابله با تنش اخلاقی باشد. با توجه به حیاتی بودن بخش های ویژه و پرستاران این بخش ها که باید از افراد با علم و تجربه و همچنین دارای خصوصیات روحی و روانی و رفتاری مناسب برخوردار باشند به نظر می رسد آموزش این رویکرد به آنان مفید خواهد بود.

—  
کد: ۱۷۷۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی موضوعات محوری در مطالعات مداخله ای آموزش

پزشکی در ایران

نویسندگان: لیلا بهرامخانی، ماندانا شیرازی، حمیدرضا برادران،

هادی زمانیان، مریم کرباسی، فریده بهرامخانی

کلیدواژه ها: مطالعات مداخله ای، آموزش پزشکی، ایران

متن مقاله: مقدمه: رشد گستره هر دانشی از طرفی مدیون و وابسته به تولیدات علمی و پژوهش های مرتبط با آن حیطه علمی بوده و از طرفی به عنوان یک حلقه هم افزایی، منجر به زمینه های تحقیقاتی جدید، ایجاد بسترهای ثبت و انتشار دانش و به تبع آن رشد بیشتر تولیدات علمی می شود. در بسیاری از شاخه های علوم سرعت دو برابر شدن دانش به کمتر از ۲۰ سال رسیده است که علم آموزش پزشکی نیز از آن مستثنی نیست. از شواهد این رشد می توان به افزایش قابل توجه مقالات آموزش پزشکی در مجلات بالینی و افزایش مجلات اختصاصی این رشته اشاره کرد. با توجه به روند رو به رشد مقالات آموزش پزشکی و انبوهی اطلاعات این رشته، تعیین وضعیت مقالات چاپ شده موجود، از نظر پوشش زیرحیطه های علم آموزش پزشکی و تمرکز بر اولویت ها ضروری به نظر می رسد. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان پراکندگی و گرایش موضوعی مقالات مداخله ای آموزش پزشکی در ایران طی سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، انجام شده است. روش کار: پژوهش حاضر از نوع توصیفی - مقطعی بوده است. در این مطالعه، کلیه مقالات مربوط به مطالعات مداخله ای انجام شده در زمینه آموزش پزشکی در ایران طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، در بانک های اطلاعاتی *CINAHL*، *ERIC*، *Medline* و *Iranmedex* مورد جستجو قرار گرفت. نکته اساسی در استراتژی جستجو، رویکرد ما در انجام یک جستجوی با حساسیت بالا



(high sensitive searching) بوده است تا حداکثر مقالات ممکن بدست آید. در ابتدا ۱۲۰۲ مقاله، توسط دو مرور کننده مورد بررسی قرار گرفته، و با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج مطالعات، در نهایت ۸۲ مقاله جهت بررسی موضوعی و محتوایی وارد مطالعه شدند. صرفاً مرور خلاصه مقالات در درجه اول انجام شد و در صورت عدم تکمیل اطلاعات مورد نیاز، متن کامل مقاله مورد مطالعه قرار گرفت. مقالات توسط تیم پژوهش بر اساس لیست سرموضوعات آموزش پزشکی که با مکاتبه با AMEE استخراج شده بود، در ۲۴ گروه طبقه بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. روش های آماری در این پژوهش، از نوع توصیفی (جداول فراوانی) بود. یافته ها: ۱۰۰٪ مقالات مرور شده به روش الکترونیکی به دست آمده است. عمده مقالات بررسی شده از بانک اطلاعاتی داخلی IranMedex بوده و تنها ۱۷ مقاله از ۸۲ مقاله در بانک های اطلاعاتی بین المللی مورد جستجو بودند. از نظر پراکندگی موضوعی، بیشترین تعداد مقالات مرور شده (۸/۵۹٪) روی روش های تدریس، مطالعه خود را انجام داده اند. ۱۶ مقاله (۵/۱۹٪) به بررسی مداخلات مبتنی بر تکنولوژی های آموزش و یادگیری پرداخته اند. پس از آن موضوعات اصلی پژوهش به ترتیب: آموزش بالینی، آموزش مداوم، آموزش الکترونیکی، ارزیابی دانشجویان پزشکی بوده اند. مهارت های ارتباطی، حرفه گرایی و اخلاق با ۴ مقاله مورد توجه کمی قرار گرفتند. آموزش جامعه نگر صرفاً مورد توجه یک مقاله قرار گرفت، همین طور طراحی و ارزشیابی کوریکولوم که صرفاً در یک مقاله مورد توجه قرار گرفت. موضوعاتی از قبیل موضوعات فرهنگی، دسترسی به آموزش، آموزش پزشکی بین المللی، ارتقاء هیئت علمی در هیچ مطالعه مداخله ای مورد توجه قرار نگرفتند. بحث و نتیجه گیری: علی رغم رشد سریع تولید مقالات آموزش پزشکی در ایران، هیچ گونه جهت دهی در مسیر اولویت ها برای انجام پژوهش ها وجود ندارد و کماکان تمایل پژوهشگران به موضوعات سنتی نظیر روشهای آموزش و تدریس می باشد و اولویت هایی نظیر کوریکولوم، ارتقاء اساتید، مهارت های ارتباطی، اخلاق حرفه ای و حتی آموزش مداوم، از طرف پژوهشگران مورد توجه قرار نمی گیرد. هدایت تحقیقات و چاپ مقالات به سوی اولویت ها و شناسایی خلأهای موجود در حوزه آموزش پزشکی از ضروریات می باشد. توصیه می شود مراکز متولی پژوهش در آموزش پزشکی و مجلات مرتبط با آن و نیز مراکز تحقیقاتی، با توجه به اولویت های آموزش پزشکی کشور، پژوهش ها را عمدتاً به سمت اولویت ها و نیازها سوق دهند تا به

این شدت شاهد تشدد در پراکندگی موضوعی مقالات در ایران نباشیم.

—  
کد: ۱۷۸۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: الش های یاددهی در فرصت های اندک یادگیری: بهره گیری از یادگیری مبتنی بر همکاری و تشریک مساعی جیگسا (Jigsaw).

نویسندگان: مریم چهره گشا، قربان محمد کوچکی، امید بهروش،

الیاس بهادر، اکرم تاج مهری

کلیدواژه ها: جیگسا، یادگیری، آموزش بالینی

متن مقاله: مقدمه: یکی از رویکردهای اثر بخشی که می تواند در امر آموزش اثرگذار باشد شیوه تدریس آموزش دهنده می باشد. استفاده از تکنیک های یادگیری فعال یکی از اثر بخش ترین تکنیک ها در انتقال دانش بین آموزش دهنده و آموزش گیرنده می باشد. در این رخدادهای آموزشی به صورت تعاملی علمی، عاطفی و اجتماعی اتفاق می افتد. جیگسا (jigsaw) یکی از تکنیک های یادگیری مبتنی بر همکاری و تشریک مساعی می باشد. در این روش علاوه بر توجه به کسب اطلاعات و مهارت ها، به فرایند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش تاکید فراوان می شود. لذا هدف این مطالعه بهره گیری از یادگیری مبتنی بر همکاری و تشریک مساعی جیگسا (Jigsaw) در آموزش بالینی دانشجویان بوده است. روش بررسی: این فرآیند در نیمسال اول تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ برای دانشجویان کارآموز ترم ۵ اتاق عمل به کار گرفته شد و در بخش اتاق عمل سایر بیمارستان های آموزشی تحت پوشش دانشگاه برنامه روتین دانشجویان اجرا گردید. در این روش در ابتدای هر دوره، روش کار به دانشجویان ابلاغ گردید و از آنجا که امکان حضور در عرصه عمل جراحی تنها برای ۲ دانشجو امکان پذیر بود لذا دانشجویان به گروه های دو تایی تقسیم شدند. در ابتدای روز هر یک از دانشجویان در اتاق عمل مخصوص تعیین شده حضور یافته و هر گروه جیگسا موظف بودند هر عملی که در اتاق آنان رخ می دهد، علاوه بر انجام وظایف روتین خود به عنوان کمک جراح اسکراب یا سیرکولار، کلیه پروسه عمل را مد نظر قرار دهند، به دانشجویان گفته شد که وظیفه یادگیری سایر همگروه های خود بر عهده آنان خواهد بود و روز بعد موظف به انتقال تجربیات و دانش خود به سایر همگروه های خود خواهند بود. در طول پروسه عمل مربی در اتاق حضور داشته و به منظور تقویت سطح دانش دانشجویان سوالات کنکاشی مربوط به همان عمل را در



موضع عمل از دانشجویان می پرسید و پاسخ آن را برای روز بعد از دانشجویان می خواست، پرسیدن این سوالات تنها به علت تاکید نکات مهم در پروسه عمل برای دانشجویان صورت می گرفت. ۲ دانشجوی حاضر در هر اتاق موظف بودند همه چیز را درباره عمل بدانند، مباحث تئوری را بدانند و هنگام آموزش برای همگروه های خود نه به صورت تیتروار، نه به صورت سخنرانی بلکه با عکس، با فیلم با تشریح موقعیتی که تجربه نموده اند و تفاوت آنچه را در عرصه عمل دیده اند با آنچه که در کتاب بصورت روتین خوانده اند را برای سایر همگروه ها بیان نمایند، سوالات سایر همگروه ها را پاسخ دهند. از آنجا که هر گروه از دانشجویان به صورت چرخشی دوره کارآموزی اتاق عمل بیمارستان صیاد را تجربه می نمودند، برنامه کارآموزی در سایر بیمارستان همانند روتین گذشته اجرا گردید تا علاوه بر اینکه امکان مقایسه روش ها وجود داشته باشد، چنانچه بازخورد مثبتی از این روش حاصل نشده باشد، لطمه زیادی به دانشجو وارد نیامده و امکان یادگیری در سایر عرصه ها برای وی امکان پذیر باشد. یافته ها: در انتهای هر دوره از دانشجویان بازخورد گرفته می شد که آیا از به کارگیری این شیوه آموزشی در کارآموزی خود راضی بوده اند یا خیر و آیا فکر می کنند تا دوام این شیوه برای سایر دانشجویان نیز مفید خواهد بود یا خیر، اکثر دانشجویان از به کارگیری این شیوه رضایت داشتند و یادگیری با این شیوه آموزشی را برای سایر دوره ها مفید می دانستند. بحث و نتیجه گیری: در مطالعه بهرنگی و همکاران در سال ۱۳۸۷، این تکنیک در دانش آموزان مورد استفاده قرار گرفت و نتیجه نشان دهنده تفاوت بارز در پیشرفت دانش آموزان و افزایش یادگیری دانش آموزان بود.

کد: ۱۷۸۹

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: استاد پرستاری ایده آل از نظر دانشجویان پرستاری  
نویسندگان: شهین سالاروند، مهسا شکور، محمد عطایی، مریم سالاروند،

کلیدواژه ها: دانشجوی پرستاری، استاد پرستاری، شاخص های استاد ایده آل

متن مقاله: زمینه و هدف: یکی از پارامترهای موثر بر ارتقاء کیفیت آموزش، اساتید می باشند. آگاهی استاد از رفتارهای موثر و غیر موثر می تواند باعث افزایش میزان موفقیت در رسیدن به اهداف آموزشی شود. با توجه به اینکه کسب بازخورد از مشتری یکی از گامهای اساسی برای ارتقاء کیفیت خدمات میباشد لذا این

تحقیق با هدف تبیین درک دانشجویان از استاد ایده آل انجام شد. روش بررسی: مطالعه ای کیفی با رویکرد تحلیل محتواست، نمونه گیری هدفمند و از ۲۰ دانشجوی کارشناسی پرستاری بود تجزیه و تحلیل محتوا انجام گردید. استحکام این مطالعه بر اساس دو معیار اطمینان پذیری و باور پذیری بوده است. یافته ها: در این بررسی پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، ۴۵۰ کد و پنج مفهوم ساختاری پدیدار شد که شامل این موارد بودند: توانمندی علمی، توانمندی حرفه ای در تدریس، ویژگی های فردی، الگو بودن، اخلاق حرفه ای پرستاری استخراج گردید. نتیجه گیری: استاد ایده آل از نظر دانشجویان پرستاری جنبه های مختلفی را شامل می شود. از نظر دانشجویان استاد ایده آل استادی عالم است که در عین حال که فردی با ویژگیها و مشخصات برجسته اخلاقی است مدیریت است که از دانشجویان بخوبی حمایت می کند، نسبت به جامعه و کشورش متعهد است و در همان حال حرفه ای گری پرستاری را بخوبی رعایت می کند.

کد: ۱۷۹۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارزیابی نقشه مفهومی به عنوان یک تکلیف دانشجویی از دیدگاه دانشجویان مامایی

نویسندگان: حسنعلی فتاحی، اعظم محمد علیپور، مریم یآوری،

احمد کجویی، هدی احمري طهران،

کلیدواژه ها: نقشه مفهومی، ارزیابی، تکالیف دانشجویی، دانشجویان متن مقاله: زمینه و هدف: یکی از وظایف و فعالیت های آموزشی در دانشگاه ها، ارائه تکالیف و یا پروژه های مطالعاتی توسط دانشجویان می باشد. امروزه به ادعان اکثریت دانشجویان و یا اساتید ارائه تکالیف دانشجویی سمبل فعالیت و تفکر آنان نمی باشد و حتی دیگر جالب نیز به نظر نمی رسد و صرفاً جنبه اجبار و یا جایگزین کمبود نمرات در ارزشیابی نهایی می باشد. ارائه پوستر، بمفصلت، بروشور آموزشی، ترجمه متون خارجی، تحقیقات نامرتبط با دروس تدریس شده، کنفرانس های کلاسی و بالینی همگی از این دسته فعالیت های تکراری و گاه بدون نتیجه است. این مطالعه با هدف ارزیابی نقشه مفهومی به عنوان یک تکلیف دانشجویی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد. روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۳۵ دانشجوی مامایی به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند همچنین یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات فردی نمونه های مورد پژوهش و عبارات مرتبط با اولویت و شدت علاقمندی





دانشجویان نسبت به روش های گوناگون ارائه تکالیف (نقشه مفهومی، طراحی پوستر، پمفلت آموزشی، ترجمه متون درسی به زبان انگلیسی، بنر آموزشی، بوکلت چارت آموزشی، کنفرانس فردی بدون استفاده از پاورپوینت، کنفرانس فردی با استفاده از پاورپوینت، جستجو در مورد یک موضوع تحقیقاتی، همکاری در پروپوزال تحقیقاتی بصورت پرسشگری، تهیه آلبوم عکس آموزشی در دروس تخصصی) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS ۱۸ در سطح معنی داری  $p < 0/05$  استفاده شد. یافته ها: یافته ها نشان داد که در خصوص شیوه های مختلف ارائه تکالیف دانشجویی به ترتیب اولویت ترسیم نقشه مفهومی به عنوان یک تکلیف درسی بالاترین امتیاز (۰/۹۵) و سپس ارائه کنفرانس فردی بدون پاورپوینت (۰/۷۶)، جستجو در مورد یک موضوع تحقیقاتی (۰/۷۱)، همکاری در پروپوزال تحقیقاتی بصورت پرسشگری (۰/۶۹) را کسب نمود. همچنین کمترین امتیاز به ترجمه متون علمی و بنر آموزشی با ۰/۴۳ تعلق گرفت. نتیجه گیری: با توجه به محبوبیت بالای ترسیم نقشه مفهومی نسبت به سایر اشکال ارائه تکالیف درسی در میان دانشجویان لذا پیشنهاد می شود اساتید از این شیوه ی مفید دانش افزایی استفاده نمایند.

کد: ۱۷۹۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: تزریق تم طولی استدلال، حل مسأله و تصمیم گیری در برنامه درسی دوره پزشکی عمومی  
نویسندگان: اکبر سلطانی، مریم اعلا، حمیده موسی پور، فرزانه شهرتاش، علیرضا منجمی، توحید ارسطو، مریم احمدی نژاد، عظیم میرزازاده، محبوبه خباز مافی نژاد  
کلیدواژه ها: تم طولی، تفکر نقاد، حل مسأله، استدلال بالینی،

ادغام طولی

متن مقاله: مقدمه: در حال حاضر، ارتقاء مهارت تفکر نقاد و توانایی حل مسأله و استدلال فراگیران یکی از اهداف جهانی حمایت شده در بیشتر دانشگاه های علوم پزشکی است و آژانس های اعتباربخشی مراقبت سلامتی در سراسر جهان، کسب این مهارت ها را به عنوان یک الزام برای ارزیابی توانمندی اعضای تیم سلامت لحاظ کردند. این مطالعه با هدف طراحی برنامه آموزشی تم طولی استدلال، حل مسأله و تصمیم گیری در دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد. روش کار: در مرحله طراحی برنامه آموزشی، مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد

به عنوان کانون تم طولی استدلال، حل مسأله و تصمیم گیری انتخاب شد. سپس کارگروهی متشکل از صاحب نظران در این حیطه به روش نمونه گیری غیر احتمالی، به منظور پیشبرد کار طراحی پیش نویس اولیه تشکیل گردید. پیش از آغاز تدوین برنامه آموزشی، جستجوی اینترنتی یکپارچه ای در پایگاه های اطلاعاتی مختلف صورت گرفت. همه الگوهای مرتبط از نقطه نظر محتوای آموزشی، روش های آموزشی و ارزیابی مورد استفاده در جلسات هفتگی توسط کارگروه مربوط به بحث و نظر سنجی گذاشته شد و با در نظر گرفتن امکان اجرایی آن ها، در نهایت مدل آموزش تم طولی استدلال، حل مسأله و تصمیم گیری در دوره پزشکی عمومی در نظر گرفته شد. در مرحله بعد پیش نویس برنامه آموزشی بر طبق مدل هاردن، با حضور جمعی از اساتید گروه های علوم پایه و بالینی و سایر مراجع ذی ربط و تعدادی از دانشجویان در قالب کارگاه ۷ ساعته مورد نقد و بررسی قرار گرفت. یافته ها: برنامه آموزشی تم طولی تصمیم گیری، استدلال و حل مسئله بر اساس مدل هاردن شامل ساختار کلی دوره، اهداف آموزشی دوره، روش های آموزش، روش های ارزشیابی (ارزشیابی دوره، دانشجو و اعضای هیات علمی)، روش های اطلاع رسانی در مورد دوره و مدیریت دوره نوشته شد. نتیجه حاصل از جمع بندی نظرات صاحب نظران در خصوص آموزش مهارت های تفکر به دانشجویان پزشکی در چهار حیطه به دست آمد که شامل آموزش مهارت های تفکر نقاد، حل مسأله، پزشکی مبتنی بر شواهد و تصمیم گیری بالینی در دوره پزشکی عمومی است. بر این اساس آموزش مهارت های تفکر نقاد به عنوان اصول کلی تفکر در مقطع علوم پایه، حل مسأله در مقطع فیزیوپاتولوژی، پزشکی مبتنی بر شواهد در مقطع کارآموزی و تصمیم گیری بالینی در مقطع کارورزی گنجانده شد. در هر یک از فازهای چهارگانه دوره پزشکی عمومی بر اساس اهداف و محتوای آموزشی، از روش های آموزشی و ارزیابی متعددی استفاده می شود. نتیجه گیری: از نتایج این مطالعه می توان به عنوان الگوی مفید در زمینه ادغام طولی موضوعات روانشناسی- اجتماعی از جمله شیوه ی تفکر خلاق، استدلال منطقی و حل مسئله در برنامه های بازنگری پزشکی عمومی برای سایر دانشگاه های علوم پزشکی کشور و حتی سایر کشورها استفاده نمود.

کد: ۱۸۰۶

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: دیدگاه دانشجویان بهداشت عمومی نسبت به برگزاری



## آزمون الکترونیک

نویسندگان: مرضیه لطیفی، ناصر بهنام پور، زهرا مقدم،

عبدالرحمان چرکزی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، آزمون الکترونیک، دیدگاه، دانشجویان

بهداشت عمومی

متن مقاله: مقدمه: ارزشیابی به عنوان بخش مهم تدریس برای نمایش کارایی آموزش و میزان یادگیری دانشجویان به حساب می آید و در این میان استفاده از آزمون های الکترونیکی به دلیل صرفه جویی در کاغذ، زمان و نیروی انسانی، تنوع سوالات و سهولت نمره گذاری و کاهش دخل و تصرف اساتید در نمرات دانشجویان نسبت به آزمون های کاغذی را می توان به عنوان مکمل استفاده از روش های نوین آموزشی گسترش داد. با توجه به این که در زمینه آزمون های الکترونیکی در کشورمان کمتر مورد اقبال و توجه قرار گرفته است و اطلاعات بسیار معدود و محدودی در این زمینه وجود داشت، لذا این فرایند با هدف اجرای دیدگاه دانشجویان بهداشت عمومی دانشکده بهداشت علوم پزشکی گلستان در خصوص آزمون های الکترونیکی در مرحله پیش کارورزی و انجام گرفت. روش کار: در این فرایند تعداد ۸۵ دانشجوی رشته بهداشت عمومی مقطع پیوسته و ناپیوسته آزمون جامع (مرحله پیش کارورزی) وارد مطالعه شدند و در دو زمان و تاریخ متفاوت در کارگاه رایانه دانشکده بهداشت در آزمون الکترونیک (بهمن ۱۳۹۲ و شهریور ۱۳۹۳) شرکت کردند. این آزمون با استفاده از نرم افزار Quiz Creator ویرایش سوم ساخت شرکت Wondershare در محیط پابلیش فلش طراحی و اجرا شد. نوع سوالات به شکل چند گزینه ای و در بازه زمانی مشخص انجام گرفت. قبل از اجرای آزمون راهنمایی ها و آموزش های لازم در خصوص نحوه استفاده و روش کار نرم افزار به دانشجویان توسط یکی از اعضای هیئت علمی و کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی داده شد و در انتها به ابهامات و سوالات احتمالی دانشجویان در این خصوص توضیحات تکمیلی داده شد. پس از انتهای آزمون دانشجو قبل از سابمیت با بالا بردن دست آمادگی خود را برای سابمیت نهایی اعلام می کرد و در حضور یکی از اعضای گروه و مراقبین نمرات آنان در برگه مخصوص ثبت می گردید. بلافاصله پس از اتمام آزمون و قبل از ترک کارگاه دانشجو پرسشنامه سنجش دیدگاه مرتبط با آزمون الکترونیک را تکمیل می کرد. معیار قبولی دانشجو ۵۰ درصد نمره قبولی هر درس در نظر گرفته شد ولی در مجموع معیار قبولی ۶۰ درصد نمره کل آزمون در نظر گرفته شد. ابزار مورد استفاده جهت سنجش دیدگاه

دانشجویان پرسشنامه محقق ساخته ۱۰ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ رتبه ای بود و به ترتیب از ۵ تا یک نمره داده شد بود. نتایج: توزیع فراوانی دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه به شرح زیر بود: مدیریت زمان مناسب در هنگام برگزاری آزمون الکترونیک (۸۲/۴٪)، خوانا بودن سوالات آزمون الکترونیک (۸۱/۲٪)، تجربه استرس درک شده کم در هنگام برگزاری آزمون الکترونیک (۷۱/۸٪)، اطمینان کافی از نتیجه آزمون الکترونیک (۶۷/۹٪)، مناسب بودن فضای فیزیکی محل برگزاری آزمون الکترونیک (۶۵/۹٪)، اطمینان از درست بودن سوالات آزمون الکترونیک (۶۵/۸٪)، نگرش مطلوب به برگزاری آزمون الکترونیک (۶۰٪)، انعطاف پذیری آزمون الکترونیک (۵۸/۵٪)، نداشتن اضطراب از حضور مراقب در هنگام برگزاری آزمون الکترونیک (۵۶/۵٪)، تمرکز مناسب در هنگام برگزاری آزمون الکترونیک (۴۷/۱٪). نتیجه گیری: مدیریت زمان، خوانا بودن سوالات آزمون الکترونیک، و استرس درک شده کمتر مهمترین دیدگاه دانشجویان بود. همچنین دانشجویان تمرکز مناسبی در هنگام برگزاری آزمون نداشتند که می تواند ناشی از تجربه قبلی آنان در این زمینه و کسب نمره قبولی جهت شرکت در مرحله کارورزی در عرصه مرتبط باشد. انجام مطالعات متناسب جهت درک بهتر از این روش در دیگر دانشگاه های کشور توصیه می شود.

—  
کد: ۱۸۰۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: مطالعه تطبیقی ساختار و عملکرد متولیان توسعه آموزش

در دانشگاه های معتبر جهان

نویسندگان: دکتر شهرام یزدانی، دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر

سلیمان احمدی، نوشین کهن، دکتر علی طیبی، دکتر محمد

مهدی فروزانفر، فرنگیس شوقی شفق آریا، ویدا رشمئی

کلیدواژه‌ها: مطالعه تطبیقی، ساختار، عملکرد، متولیان توسعه

آموزش، دانشگاه های معتبر جهان

متن مقاله: مقدمه: مراکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی و

دفاتر توسعه آموزش با اهداف تسهیل تغییرات آموزشی، توسعه

برنامه درسی مبتنی بر نیازهای جامعه و ارتقاء عملکردهای

آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور تاسیس گردیده اند.

نتایج برخی از پژوهشها، اشاره به موانع ایفای نقش کامل این

مراکز در ارتقای کیفی آموزش از جمله متناسب نبودن ساختار و

تشکیلات و کمبود منابع مالی دارد. بر این اساس در شرایط



کنونی انطباق ساختار این مراکز بر حسب نیازهای جامعه دانشگاهی الزامی است و طراحی مجدد ساختار تشکیلاتی آنها از ضرورت‌های غیرقابل اجتناب می‌باشد. از این رو، این مطالعه به منظور تعیین راهکارهای عملیاتی در این خصوص به بررسی و مقایسه ساختار و عملکرد متولیان توسعه آموزش در دانشگاه‌های معتبر جهان پرداخته است. روش انجام کار: این مطالعه از نوع توصیفی تطبیقی می‌باشد. ابتدا به بررسی متون گسترده در زمینه عملکرد و ساختار مراکز توسعه آموزش پزشکی پرداخته شد. سپس یازده مرکز بر اساس نتایج تنها مطالعه مروری یافت شده که توسط هاردن و همکاران در سال ۲۰۰۵ در زمینه عملکرد دپارتمانهای آموزش پزشکی انجام شده بود به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند (با توجه به عدم دسترسی به رتبه بندی جهانی این مراکز). ابزار گردآوری داده ها چک لیست پژوهشگر ساخته بود که بر مبنای بررسی متون و پانل متخصصان طراحی گردید. جهت تایید اعتبار ابزار از نظرات اصلاحی ده نفر از متخصصین آموزش پزشکی کشور و به منظور تایید پایداری از روش هم ارزی استفاده گردید. ابزار مورد نظر دارای پنج عامل ۱. عملکرد دپارتمان با گویه هایی همچون مشارکت در توانمندسازی اعضای هیات علمی، آموزش به دانشجویان، آموزش به جامعه، آموزش مداوم، پژوهش و دانش پژوهی آموزشی، ارائه خدمت، ارائه مشاوره، وجود برنامه هایی مبنی بر نوآوری و ارائه دوره های منتج به مدرک در آموزش پزشکی ۲. گستره عملکرد با گویه هایی مانند ارتباط با دیگر نهادهای ملی و بین المللی، ارائه خدمت به دیگر حرف بهداشتی درمانی ۳. ساختار سازمانی با گویه هایی مانند نحوه گزارش دهی و فعالیت در قالب واحد پژوهشی، برنامه، دپارتمان و انستیتو ۴. عامل کارکنان با گویه هایی همچون حضور پرسنل با زمینه حرفه ای علوم پزشکی و علوم تربیتی، دانشوران و... بود. به منظور جمع آوری داده ها به فضای مجازی (وب سایت) مراکز توسعه دانشگاه‌های برتر منتخب و مقالات مرتبط مراجعه گردید و در انتها به مقایسه عملکرد و ساختار مراکز توسعه آموزش پزشکی بر اساس چک لیست پرداخته شد. نتایج: پس از توصیف تشریحی عملکرد و ساختار یازده مرکز مورد مطالعه مانند مرکز آموزش پزشکی داندی، برنامه پژوهش و توسعه آموزش دانشگاه مک ماستر کانادا، مرکز پژوهش در آموزش دانشگاه تورنتو (مرکز ویلسون)، دپارتمان آموزش پزشکی دانشگاه ایلینوئز، مرکز پژوهش و توسعه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه کلمبو، دپارتمان توسعه و پژوهش آموزش دانشگاه ماستریخ و... نتایج این مطالعه نشان داد که ۱۰۰٪ این مراکز به مقوله توانمندسازی

اساتید، ۶۴٪ آموزش به دانشجویان، ۹٪ آموزش به جامعه، ۴۵ درصد آموزش مداوم، ۱۰۰٪ پژوهش و دانش پژوهی آموزشی، ۵۵٪ ارائه خدمت، ۶۴٪ ارائه مشاوره و ۵۵٪ به نوآوری پرداخته بودند. همچنین ۵۵٪ با دیگر نهادهای ملی و بین المللی ارتباط داشته و ۶۴٪ به جز پزشکی به دیگر حرف علوم سلامتی خدمت می دادند. ۷۲٪ در داخل دانشکده پزشکی و ۹٪ در داخل بیمارستان بودند. همچنین ۱۸٪ واحد پژوهشی، ۹٪ در قالب برنامه، ۹٪ دپارتمان، ۹٪ انستیتو و ۱۸٪ تحت نظارت انستیتوی آموزشی بودند و در عامل کارکنان در ۹۱٪ این مراکز دانشوران و ۱۰۰٪ افراد با زمینه حرفه ای آموزش پزشکی و ۶۴٪ با زمینه حرفه ای علوم پزشکی حضور داشتند. نتیجه گیری: بررسی و مقایسه ساختار و عملکرد مراکز مورد مطالعه استفاده از تجارب ارزشمند دانشگاه‌های پیشرو را در طراحی مجدد ساختار این مراکز در کشور توصیه می نماید.

کد: ۱۸۱۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مرور نظام مند و تحلیل محتوای موانع آموزش بالینی در

دانشگاه های علوم پزشکی ایران

نویسندگان: صابر اعظمی، رضا نیکان فر، زلیخا عسگرلو، محمد

محسنی

کلیدواژه‌ها: کلمات کلیدی: موانع، آموزش بالینی، علوم پزشکی،

ایران، مرور نظام مند، تحلیل محتوا، الگوی دونابندین

متن مقاله: مقدمه: آموزش بالینی، جزء اساسی و مهم آموزش پزشکی محسوب می شود. هدف مطالعه حاضر مرور نظام مند و تحلیل محتوای موانع موجود در آموزش بالینی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران می باشد. روش کار: اطلاعات مورد نیاز برای مرور نظام مند با استفاده از کلیدواژه‌های: " \*obstacle", " \*Clinical", " \*Medical education", " \*challeng", " \*Problems", " \*Iran", " \*education", " \*SID", " \*Magiran", " \*PubMed", " \*Google Scholar", " \*Iranmedex جستجوی دستی مجلات و منابع مقالات انتخاب شده و منابع منتشر نشده جمع آوری گردیده و برای تحلیل محتوای موانع نیز از الگوی دونابندین (درون داد، فرایند و برون داد) استفاده گردید. نتایج: مهمترین موانع در قسمت درون داد ها شامل: مهارت ناکافی مربیان، نبود امکانات رفاهی مناسب در بخش ها، مناسب نبودن فضای بخش ها، کمبود بودجه و امکانات و محیط نامناسب آموزشی برخی از بخش ها می باشد. در حیطه فرایند ها نیز



holding these Olympiads are negligible versus their spent costs. The most significant barriers were: absence of appropriate relationship between universities, lack of proper support for holding these Olympiads, low- motivated professors, non-interested students, shortage of resources and facilities. Furthermore, the most important solutions included: performance evaluation of previous Olympiads, increasing incentives and motivations as well as suitable planning. Conclusion: According to experts' view points, although holding scientific Olympiads is necessary for medical students, during past years, the achievements of such Olympiads versus their costs seems negligible and there are lots of barriers in the path of achieving their goals and philosophy

کد: ۱۸۱۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: طراحی، اجراء و ارزیابی مدل جدید دوره آموزش مهارتهای پژوهشی ویژه دستیاران بالینی: گزارش یک تجربه نویسندگان: صدیقه عرفانی، علی مشکینی، فاطمه صالح نیا، مرتضی قوجازاده، محمدرضا رشیدی، صابر اعظمی

Keywords: Design; Implementation; Evaluation; Research skills course; Clinical residents; Tabriz University of Medical Sciences

Background: The rate of conducted research within a community is considered as its development index. In the field of medical sciences, empowering residents to conduct research is also necessary. This is not possible unless through fundamental and systematic education of research concepts. This study, therefore, aims to design, implement and evaluate a new model for research skills training course for clinical residents. Methods: During 5 sessions with the attendance of the authorities for education and research in the university as well as the director of the Research Development & Coordination Center RRCC, the contents of the training course was designed and also implemented by this center. All clinical residents except first-year social medicine residents were eligible for the study. In this study, by full enumeration 600 specialty residents and 27 subspecialty residents were

مهمترین موانع شامل عدم نظر خواهی از دانشجویان در برنامه ریزی کارآموزی، ناهماهنگی دانشکده و بخش های بالینی، عدم حمایت مناسب از دانشجویان توسط مربیان و عدم حمایت دانشجویان توسط کارکنان در بخش ها می شد. مهمترین موانع در حیطه برون داد ها نیز شامل: عدم آموزش دانشجویان در راستای اهداف کار بالینی، عدم مهارت دانشجو در مراقبت های اساسی از بیمار، ارزشیابی ضعیف در بخش ها و عدم اعتماد به نفس در دانشجویان می باشد. نتیجه گیری: آموزش های بالینی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران با موانع مختلفی روبرو می باشد. با توجه به اهمیت و جایگاه آموزش بالینی در آموزش دانشجویان علوم پزشکی، برنامه ریزی و انجام مداخلات اثربخش در زمینه رفع موانع اشاره شده و ارتقای کیفیت آموزش های بالینی امری ضروری بنظر می رسد.

کد: ۱۸۱۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: ضرورت، هزینه ها، دستاوردها، موانع و راهکارهای برگزاری اثربخش المپیادهای علمی دانشجویان علوم پزشکی از دیدگاه صاحب نظران: یک مطالعه کیفی

نویسندگان: مرتضی قوجازاده، محمد محسنی، صابر اعظمی

Keywords: experts, scientific Olympiad, students of medical sciences, necessity, costs, achievements, barriers .

Background: Due to the importance of holding Effective Scientific Olympiads for Students of Medical Sciences in the health system, this study aimed to evaluate Experts' view point in regard of their necessity, costs, achievements, barriers and solutions. Methods: In this qualitative study, the required data was collected from open-ended questions through a self-development questionnaire which was filled out by experts. Data was analyzed through thematic analysis. To select participants, purpose -based sampling method was applied up to the point of information saturation. Thus this study was performed with 20 individuals. Results: The main expressed necessity and philosophy of holding Olympiads were: promoting health system performance, extension of interrelationships between universities, development of scientific competition and incensement of students' creativity. The majority of participants believed that the achievements of



موفقیت یک دانشجوی از طریق بررسی عملکرد تحصیلی و یا چگونگی سازگاری وی با مقررات تحصیلی ارزیابی می شود، در راستای یادگیری موثرتر و کسب عملکرد تحصیلی بهتر در دانشگاه میتوان به عمل تأثیر گذاری به نام عادت های مطالعه اشاره کرد. این پژوهش با هدف شناسایی ارتباط بین عادات مطالعه و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام گرفت. مواد و روش ها: در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، نمونه های مورد پژوهش ۴۶۱ نفر از دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه علوم پزشکی گیلان بودند که بر اساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه PSSHI که دارای ۸ حیطه و حاوی ۴۵ گویه و پایایی ۰/۸۸ و روایی آن ۰/۸۵ تا ۰/۹۷ بود. داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری توصیفی و استنباطی میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند گانه با سطح معنی داری (PP) و کمترین همبستگی را با حیطه تندرستی داشته است ( $r=0/101$ ) و  $p=0/03$ . به طور کلی همبستگی بین عادات مطالعه و عملکرد تحصیلی معنی دار به دست آمد ( $r=0/229$  و  $p<0/001$ ). بحث و نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که عادات مطالعه دانشجویان در حد نسبتاً مطلوب یا متوسط است. همچنین با توجه به وجود ارتباط معنی دار عادات مطالعه با عملکرد تحصیلی، مدیران و برنامه ریزان آموزشی می توانند با گنجاندن محتوای آموزشی مناسب جهت ارتقا عادات مطالعه دانشجویان و به ویژه مهارت یادداشت برداری و توانایی خواندن آنان و در نتیجه بهبود عملکرد تحصیلی اقدام نمایند.

کد: ۱۸۱۹

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزشیابی وضعیت شاخصهای برون داد دوره دکتری

بهداشت باروری ایران: دیدگاه یاددهندگان و یادگیرندگان

نویسندگان: مهشید عبدی شهشهانی، سهیلا احسان پور، نیکو

یمانی، شهناز کهن، بابک حمیدفر

کلیدواژهها: ارزشیابی برنامه، شاخصهای برون داد، بهداشت

باروری، ایران

متن مقاله: مقدمه: ارزشیابی برون داد به منظور ادامه فعالیت های آموزشی، قطع آنها، تعدیل یا تغییر برخی از جنبه های مورد نظر انجام می شود. علاوه بر آن به وسیله ارزشیابی برون داد می توان آثار اجرای فعالیت های آموزشی را اعم از آثار منتظره و غیرمنتظره

incorporated into the study. In order to evaluate this course, a valid and reliable questionnaire including ۱۹ questions, on a 5-point Likert scale was used. The data from multiple choice questions were analyzed using descriptive statistics and SPSS. ۱۷ software. Results: The results of the study are provided in two parts of course description and course evaluation. Based on the content of the course, the duration of this course is ۷ days (42 hours) which carries 2.5 credits. The residents were categorized into 5 groups in terms of their field of study and they attended the research courses based on the announced schedule. Practical skills-based training with practical tasks was provided to the residents by teams of facilitators and lecturers within a planned time interval. At the end of each course a mixture exam consisting of descriptive questions, multiple choice questions and short-answer questions was held. Also, at the end of each course an exercise proposal as a final course assignment should be submitted. The overall mean for the performance of this course from the participants' viewpoint was  $2.59 \pm 1.03$  (the lowest mean: ۱ and the highest mean: 5). Conclusion: The new model for research skills training course for clinical residents was designed with the aim of focusing on the importance of clinical research and empowering clinical residents. According to the results of the study, it can be claimed that this course could, in part, achieve its aims. However, to completely achieve the aims, current problems and obstacles should be resolved through regular planning and cooperation among various authorities.

کد: ۱۸۱۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی ارتباط بین عادات مطالعه و عملکرد تحصیلی

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان سال ۱۳۹۲

نویسندگان: سیده فاطمه سید فاضل پور

کلیدواژهها: عادات مطالعه، عملکرد تحصیلی، دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی گیلان

متن مقاله: زمینه و هدف: در مؤسسات آموزشی، نظیر دانشگاه ها،



فراهم آورد. بنابراین این مطالعه با هدف ارزشیابی وضعیت شاخصهای برون داد دوره‌ی دکتری تخصصی بهداشت باروری ایران انجام گردید. روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی و ارزشیابی آموزشی می باشد که در سال ۱۳۹۲ در دانشکده های پرستاری و مامایی علوم پزشکی کشور که در آنها مقطع دکتری تخصصی بهداشت باروری دایر است انجام شد. جامعه پژوهش شامل مدیران گروه مامایی/مسئول دوره ی دکتری بهداشت باروری (۵ نفر)، اعضای هیأت علمی دوره ی دکتری بهداشت باروری (۱۸ نفر)، دانش آموختگان (۱۲ نفر) و دانشجویان (۵۴ نفر) دکتری تخصصی بهداشت باروری دانشگاههای علوم پزشکی کشور بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، چهار پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته شامل ۲۹ شاخص حیطة برون داد بود. اطلاعات به دست آمده با نرم افزار SPSS تحلیل شد. در تجزیه و تحلیل داده های حاصل از این پژوهش، از آمار توصیفی و برای مقایسه میانگین بین گروهها از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد. یافته ها: در حیطة برون داد، بیشترین درصد مدیران گروه (۶۰)، اساتید (۵۵/۶) و دانشجویان (۶۱/۱) وضعیت شاخصهای ارزشیابی دوره‌ی دکتری تخصصی بهداشت باروری را نیمه مطلوب و نیمی از دانش آموختگان وضعیت را مطلوب و نیمی، نیمه مطلوب ارزیابی کردند. از دیدگاه مدیران شاخصهای «کمک پایان نامه های این دوره به رشد حرفه ای و تقویت برنامه های درسی و مراقبتی» و «تأثیر محسوس دست آوردهای فعالیتهای پژوهشی و تکالیف دانشجویان بر حرفه» کمترین میانگین را داشت. شاخص «استفاده گروه/دانشکده از نتایج تحقیقات انجام شده در جهت رشد و ارتقاء بهداشت باروری» کمترین میانگین را از دیدگاه اساتید، دانش آموختگان و دانشجویان داشت. میانگین تعداد مقاله علمی دانش آموختگان در مجلات معتبر داخلی در ۵ سال اخیر برابر با  $1/92 \pm 0.08$  و تعداد مقاله علمی در مجلات معتبر خارجی در ۵ سال اخیر برابر با  $2/9 \pm 0.4$  بود. نتیجه گیری: وضعیت شاخصهای برون داد دوره دکتری بهداشت باروری نیمه مطلوب بود، با توجه به شاخصهای نامطلوب در این مطالعه پیشنهاد می شود که مسئولین جهت استفاده از نتایج تحقیقات و پایان نامه های دانشجویان دکتری بهداشت باروری و بهبود این شاخصها، موانع انتقال دانش را مشخص کرده و فرآیند ترجمان دانش را بهبود بخشند.

عنوان: ارزیابی آموزش درمانگاهی بیمارستان فیروزگر براساس استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی ایران در سال ۱۳۹۲  
نویسندگان: مهلا سلاجقه  
کلیدواژه‌ها: کیفیت، آموزش درمانگاهی، استانداردهای WFME، استانداردهای ملی  
متن مقاله: مقدمه: در این پژوهش وضعیت آموزش درمانگاهی بیمارستان فیروزگر براساس استانداردهای ملی آموزش پزشکی عمومی ایران که مرتبط با آموزش درمانگاهی هستند و با استفاده از مدل تعالی بالدریج بررسی گردید و با تحلیل شکاف میان وضعیت موجود آموزش درمانگاهی در این بیمارستان و استانداردهای مذکور، راهبردهایی برای ارتقای کیفیت آموزش ارائه شد. روش: این مطالعه‌ی توصیفی تحلیلی که از نوع پژوهش ارزشیابی می باشد، با استفاده از چک لیستهای استاندارد منتشر شده از سوی دبیرخانه شورای آموزش پزشکی عمومی و استفاده از روش‌های بررسی مستندات، نظرسنجی و مشاهده توسط متخصصین و براساس مدل تعالی بالدریج انجام شد. بعد از تأیید روایی و پایایی چک لیستها، میزان تحقق "استانداردهای ملی دوره آموزش پزشکی عمومی" در درمانگاه های این بیمارستان در چهار حوزه "برنامه آموزشی"، "ارزشیابی"، "منابع آموزشی و پژوهشی" و "هیات علمی" ارزیابی شد. داده‌ها براساس استانداردهای ملی آموزش پزشکی عمومی در حیطة آموزش درمانگاهی و ماتریس امتیازدهی بالدریج تحلیل شدند. در نهایت میزان مطلوبیت وضعیت موجود آموزش درمانگاهی این بیمارستان در هریک از شاخصها در ۵ سطح شامل خیلی مطلوب، مطلوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف تعیین شد. یافته ها: در حوزه "برنامه آموزشی" ۶۲ درصد، "ارزشیابی" ۴۸ درصد، "منابع آموزشی و پژوهشی" ۴۶ درصد، "هیات علمی" ۶۸ درصد و در کل ۵۶ درصد استانداردها رعایت شده بودند. نتیجه گیری: حوزه های "برنامه آموزشی" و "هیات علمی" موفق ترین حوزه ها بودند و حوزه های "ارزشیابی" و "منابع آموزشی و پژوهشی" عملکرد متوسطی داشتند. لذا پیشنهاد می شود، مسئولان آموزش درمانگاهی بیمارستان با در نظر گرفتن استانداردهای ملی آموزش درمانگاهی، در حوزه‌ها و شاخصهایی که در این مطالعه نیازمند ارتقای کیفیت شناخته شدند، علاوه بر فراهم کردن تسهیلات و امکانات مورد نیاز، اقدامات و بازنگری‌های لازم را نیز انجام دهند.

کد: ۱۸۲۰

حیطه: ارزیابی برنامه

کد: ۱۸۲۱



حیطه: روش های تدریس

عنوان: دلایل عدم مشارکت دانشجویان علوم پزشکی در فعالیت

های کلاسی: یک مطالعه ی کیفی

نویسندگان: سارا حیدری

کلیدواژه‌ها: کلاس درس، دانشجویان علوم پزشکی، مشارکت  
متن مقاله: مقدمه: در آموزش علوم پزشکی همانند سایر حوزه‌های  
آموزش عالی، هسته اصلی، یادگیرندگان می باشند که از طریق  
مشارکت فعالانه در فرآیندهای تعلیم و تربیت به فرهیختگی دست  
یافته و با کسب دانش، نگرش و مهارت‌های لازم، تبحر حرفه ای  
خاصی را به دست می آورند و به ارائه خدمت به جامعه می  
پردازند. مدیریت کلاس درس و فراهم کردن شرایط لازم برای  
فرایند یادگیری - یاددهی، هنری است که علاوه بر داشتن دانش،  
مستلزم تجربه و آگاهی از شیوه ی برخورد با فراگیران و اتخاذ  
تصمیم های به موقع و کارا و در گیر نمودن فراگیران در تعاملات  
و فعالیت های کلاسی می باشد. هدف از این مطالعه بررسی علل  
عدم مشارکت دانشجویان رشته های علوم پزشکی در فعالیت های  
کلاسی از دیدگاه اساتید می باشد. روش کار: در این مطالعه کیفی  
با نمونه گیری هدفمند، با اساتیدی از رشته های پزشکی،  
پرستاری، مامایی و مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از دانشگاه  
های شاهرود، یزد، بوشهر و کرمان مصاحبه به عمل آمد. با توجه  
به اشباع مفهومی طبقات، مصاحبه با ۱۰ شرکت کننده از کفایت  
لازم برخوردار بوده است. مصاحبه ها خط به خط دست نویس،  
کدگذاری، طبقه بندی و آنالیز محتوایی شدند. یافته ها: مشارکت  
کنندگان در این مطالعه سه تم " انگیزش دانشجویان " شامل عدم  
بازخورد مناسب و عدم کاربردی بودن دروس در آینده حرفه ای، "  
توانمندی اساتید" شامل مهارت ناکافی در استفاده از روش های  
تدریس مشارکتی و تسلط ناکافی بر محتوای دروس و "مشکلات  
روانشناسی دانشجویان" رابه عنوان دلایل عدم مشارکت  
دانشجویان علوم پزشکی در فعالیت های کلاسی مطرح نمودند.  
بحث: مدیریت کلاس درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق  
یادگیری است و مهارت های مدیریت کلاس درس، سنگ بنای  
کل موفقیت در تدریس است. در تدریس خوب، علم و هنر درهم  
تنیده اند. استاد علاوه بر تسلط بر محتوا باید با انواع الگوها و فنون  
تدریس آشنا بوده و در مواقع مقتضی از روش های مناسب  
استفاده نماید. از طرفی انگیزه ها نیروی قوی در فرآیند یاددهی -  
یادگیری هستند، به طوری که غنی ترین و بهترین برنامه های  
آموزشی سازماندهی شده، در صورت فقدان انگیزه در فراگیران،  
سودمند نخواهند بود. به گفته ی صاحب نظران نقش انگیزش در

یادگیری به قدری کلیدی است که به نظر میرسد اهمیتی بیشتر  
از هوش داشته باشد. از مهمترین عوامل انگیزشی در این مطالعه و  
سایر مطالعات، میتوان از ارتباط مواد درسی با سرنوشت نهایی  
دانشجویان و ارائه بازخورد مناسب از طرف استاد نام برد. در  
خصوص عوامل روانشناسی مشارکت کنندگان به مسائلی چون  
تفاوت شخصیتی دانشجویان، اعتماد به نفس پایین در برخی و  
مشکلات ارتباطی اشاره نمودند.

کد: ۱۸۲۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: وضعیت برنامه آموزشی، آموزش درمانگاهی بیمارستان

فیروزگر براساس استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی

ایران در سال ۱۳۹۲

نویسندگان: مهلا سلاجقه

کلیدواژه‌ها: کیفیت، آموزش درمانگاهی، برنامه آموزشی

استانداردهای WFME، استانداردهای ملی

متن مقاله: مقدمه: هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان تطابق  
وضعیت حوزه برنامه آموزشی در آموزش درمانگاهی بیمارستان  
فیروزگر با استانداردهای ملی آموزش پزشکی عمومی ایران که  
مرتبط با آموزش درمانگاهی هستند، براساس مدل تعالی بالدریج  
بود. این مطالعه با تحلیل شکاف میان وضعیت موجود برنامه  
آموزشی در آموزش درمانگاهی این بیمارستان فیروزگر و  
استانداردهای مذکور، موفق به ارائه راهبردهایی برای ارتقای  
کیفیت آموزش در درمانگاه‌های این بیمارستان آموزشی شد.  
روش: این پژوهش توصیفی تحلیلی با استفاده از چکلیست  
استاندارد منتشرشده از سوی دبیرخانه شورای آموزش پزشکی  
عمومی و روش‌های بررسی مستندات، نظرسنجی و مشاهده توسط  
متخصصین و براساس ماتریس امتیازدهی بالدریج انجام شد. بعد از  
تأیید روایی و پایایی چکلیست، میزان تحقق استانداردهای ملی  
در درمانگاه‌های این بیمارستان در حوزه برنامه آموزشی ارزیابی  
شد. داده‌ها براساس حوزه برنامه آموزشی استانداردهای ملی در  
حیطه آموزش درمانگاهی و ماتریس امتیازدهی بالدریج تحلیل  
شدند. در نهایت میزان مطلوبیت وضعیت موجود برنامه آموزشی  
در هریک از شاخص‌ها در ۵ سطح شامل خیلی مطلوب، مطلوب،  
متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف تعیین شد. یافته‌ها: در درمانگاه  
های بیمارستان فیروزگر ۶۲ درصد از استانداردهای ملی مربوط به  
آموزش درمانگاهی در حوزه برنامه آموزشی رعایت می‌شوند و این  
حوزه در وضعیت مطلوب قرار دارد. نتیجه‌گیری: باتوجه به وضعیت



مطلوب استانداردهای ملی مربوط به حوزه برنامه آموزشی براساس ماتریس امتیازدهی بالدریج، پیشنهاد می‌شود، مسئولان آموزش درمانگاهی بیمارستان با در نظر گرفتن استانداردهای ملی آموزش درمانگاهی، در زیرحوزه‌ها و شاخص‌هایی که در این مطالعه نیازمند ارتقای کیفیت شناخته شدند، علاوه بر فراهم کردن تسهیلات و امکانات مورد نیاز، اقدامات و بازنگری‌های لازم را نیز انجام دهند.

کد: ۱۸۲۴

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: ارزیابی وضعیت حوزه ارزشیابی در حیطه آموزش

درمانگاهی بیمارستان فیروزگر براساس استانداردهای پایه دوره

آموزش پزشکی عمومی ایران در سال ۱۳۹۲

نویسندگان: مهلا سلاجقه،

کلیدواژه‌ها: کیفیت، آموزش درمانگاهی، ارزشیابی، استانداردهای

WFME، استانداردهای ملی

متن مقاله: مقدمه: در این پژوهش وضعیت حوزه ارزشیابی مربوط به آموزش درمانگاهی در بیمارستان فیروزگر براساس استانداردهای ملی آموزش پزشکی عمومی مرتبط با آموزش درمانگاهی و با استفاده از ماتریس امتیازدهی بالدریج بررسی گردید و با تحلیل شکاف میان وضعیت موجود و استانداردهای مذکور، راهبردهایی برای ارتقای کیفیت آموزش ارائه شد. روش:

این مطالعه‌ی توصیفی تحلیلی که از نوع ارزشیابی پژوهشی می‌باشد، با استفاده از چکلیست استاندارد منتشرشده از سوی دبیرخانه شورای آموزش پزشکی عمومی و روش‌های بررسی مستندات، نظرسنجی و مشاهده توسط متخصصین و براساس ماتریس امتیازدهی بالدریج انجام شد. بعد از تأیید روایی و پایایی چکلیست، میزان تحقق استانداردهای ملی در درمانگاه‌های این بیمارستان در حوزه ارزشیابی بررسی شد. داده‌ها براساس حوزه ارزشیابی استانداردهای ملی در حیطه آموزش درمانگاهی و ماتریس امتیازدهی بالدریج تحلیل شدند. در نهایت میزان مطلوبیت وضعیت موجود حوزه ارزشیابی در هر یک از شاخص‌ها در ۵ سطح شامل خیلی مطلوب، مطلوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف تعیین شد. یافته‌ها: در درمانگاه‌های بیمارستان فیروزگر ۲۵/۵۰٪ از استانداردهای ملی مربوط به آموزش درمانگاهی در حوزه ارزشیابی رعایت می‌شوند و این حوزه در وضعیت متوسط قرار دارد. نتیجه‌گیری: باتوجه به وضعیت متوسط استانداردهای ملی مربوط به حوزه ارزشیابی براساس ماتریس امتیازدهی بالدریج، پیشنهاد می‌شود، مسئولان آموزش درمانگاهی بیمارستان با در نظر گرفتن استانداردهای ملی آموزش درمانگاهی، در زیرحوزه‌ها و شاخص‌هایی که در این مطالعه نیازمند ارتقای کیفیت شناخته شدند، علاوه بر فراهم کردن تسهیلات و امکانات مورد نیاز، اقدامات و بازنگری‌های لازم را نیز انجام دهند.



## چکیده مقالات پوستر

کد: ۱۰۱۳

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: طرح تحول نظام سلامت راهکاری برای ارتقاء کیفیت

آموزش بالینی

نویسندگان: خدیجه نصیریانی، محمود نوری شادکام،

کلیدواژه‌ها: طرح تحول نظام سلامت، ارتقاء کیفیت، آموزش

بالینی

متن مقاله: مقدمه: آموزش بالینی فرآیندی است که در آن دانشجویان با حضور بر بالین بیمار و به صورت تدریجی به کسب مهارت پرداخته و با استفاده از تجربیات و استدلال های منطقی کسب شده برای حل مشکلات بیمار آماده می شوند. یکی از موارد لازم برای رسیدن به آموزش بالینی مطلوب تنوع و تعداد بیماران آموزشی است. این مطالعه به تعیین اثر تنوع و تعداد بیماران آموزشی بر کیفیت آموزش بالینی می پردازد. روش کار: این مقاله از نوع مرور سنتی متون است بدین صورت که مقالات پایگاه های اینترنتی از قبیل pubmed و google scholar با کلیدواژه‌های clinical education و Ratio Patient to students جستجو و بررسی شد. طی پنج سال اخیر ۱۰ مقاله در مورد کیفیت آموزش بالینی یافته شد که به نسبت تعداد بیمار به تعداد دانشجو در کیفیت آموزش بالینی اشاره داشت نتایج بر اساس شواهد موجود در مقالات به واسطه کوتاه شدن دوره بستری در بیمارستان ها، عدم مراجعه بیماران به مراکز درمانی دولتی و افزایش مراقبت از بیماران در جامعه، اغلب تنوع و تعداد بیماران بستری در بیمارستان موقعیت مناسبی را برای یادگیری مهارت های بالینی پایه دانشجویان علوم پزشکی فراهم نمی کنند. بنابراین برای آموزش بالینی با کیفیت باید در جستجوی راهکارهای مناسب برای حضور بیشتر بیماران در مراکز آموزشی بود. طرح تحول نظام سلامت با حضور فعال گروه های آموزشی در مراکز آموزشی و برخورد علمی در هنگام مواجهه با بیماران، ضمن بهبود کیفیت در آموزش دانشجویان، بخصوص آموزش بالینی موجب ارتقاء ارائه خدمات نیز خواهد شد. نتیجه گیری: یکی از راهکارهای بهبود کیفیت آموزش بالینی طرح تحول نظام سلامت می باشد چرا که با ایجاد تنوع و تعداد بیماران مراجعه کننده به مراکز آموزشی بهبود کیفیت آموزش بالینی و مهارت های بالینی در دانشجویان علوم پزشکی را به دنبال خواهد داشت.

کد: ۱۰۱۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان خطای تخمین خونریزی مرحله سوم زایمان

واژینال توسط دانشجویان در زایشگاه الزهرا شهر رشت در سال

۱۳۹۲

نویسندگان: طاهره ضیایی

کلیدواژه‌ها: میزان خطای تخمین خونریزی مرحله سوم زایمان

واژینال، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه و هدف: خونریزی پس از زایمانی یکی از علل عمده مرگ و میر مادران محسوب می گردد. لذا به کارگیری اقدامات فعال در مراحل مختلف زایمان در پیشگیری از خونریزی بعد از زایمان امری حیاتی به شمار می رود. از آنجا که سرعت در تصمیم گیری و تخمین میزان خونریزی نجات دهنده است و نیز تعیین مقدار خونریزی پس از زایمان بطور مرسوم با تخمین مشاهده ای صورت می گیرد. لذا از اینرو مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان خطای تخمین خونریزی مرحله سوم زایمان واژینال توسط دانشجویان صورت گرفت. مواد و روشها: پژوهش حاضر، مطالعه ای مقطعی و روش نمونه گیری بصورت تدریجی برای ۲۰۰ مورد تخمین میزان خونریزی مرحله سوم زایمان به روش چشمی و وزن سنجی بر روی زایمانهای طبیعی ترم تک قلو در زایشگاه الزهرا رشت انجام گردید. جامعه پژوهش دانشجویان مامایی سال سوم و چهارم و دستیاران سال اول و دوم زنان دانشگاه علوم پزشکی گیلان بودند که در اتاق زایمان کار ورزی داشتند. در این مطالعه میزان تخمین خونریزی به روش چشمی و وزن سنجی انجام شد. سپس اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (فاصله اعتماد ۰.۹۵، آزمون کلموگروف اسمینروف، Kruskal, Mann Whitney U test, walis test و ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل شد. نتایج: در بررسی تخمین میزان تخمین خونریزی به روش چشمی با روش وزن سنجی در دانشجویان میانگین خطا برابر  $(8/102 + cc 5/196)$  با فاصله اطمینان  $(۹۵/۰۲ - ۱۳۰/۲)$  بود. در بررسی توزیع خطاهای چشمی بر اساس آزمون (K-S) توزیع خطاها یک نامتقارنی مثبت داشت همچنین در بررسی ارتباط وزن نوزاد با میزان خطای خونریزی چشمی بر اساس ضریب همبستگی spearman این همبستگی معنی دار شد  $(p=۰/۰۰۱)$   $(r=۰/۴۸۴)$  بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه حاکی از این است که میانگین خطا و توزیع خطاهای چشمی در قالب موارد کمتر از



میزان تخمین خونریزی به روش وزن سنجی بود که این نتایج با کلیه مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته مشابهت دارد. خونریزی بعد از زایمان به روش چشمی قابل اطمینان نبوده و با ابداع روشهای مطمئن و جدید و یا تهیه مولاژ و وسایل آموزشی مناسب در این زمینه برای آموزش دانشجویان می توانیم باعث کاهش عوارض و مرگ و میر مادران بعد از زایمان شویم

کد: ۱۰۱۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: ترجمه، بومی سازی و اعتباریابی مقیاس تعلق ورزی

درسی سولومون نسخه دانشجویی

نویسندگان: فروغ مرتضوی، معصومه هاشمیان، راضیه خسرواراد،

کلیدواژه‌ها: تعلق ورزی درسی، روایی پایایی

متن مقاله: مقدمه: یکی از عادات شایع که ممکن است سالها برای فرد دشواری ایجاد کرده باشد، عادت به تعویق انداختن امور است. این عادت جنبه های متفاوت زندگی فرد را در بر میگیرد که از جمله آنها به تعویق انداختن امور درسی است. هدف از این مطالعه بومی سازی ابزار تعلق ورزی درسی و بررسی روایی و پایایی آن در دانشجویان علوم پزشکی سبزوار است. روش کار: ابتدا پرسشنامه تعلق ورزی درسی سولومون به روش فوروارد بک وارد ترجمه و اعتبار محتوای آن توسط پنل خبرگان بررسی شد. اطلاعات دموگرافیک و معدل دانشجویان در ترم قبل از مطالعه جمع آوری شد. حجم نمونه با توجه به تعداد آیتم های ابزار و شیوع تعلق ورزی در مطالعات قبلی برابر با ۳۹۸ مورد تعیین شد. بررسی سازگاری درونی ابزار ترجمه شده با ضریب آلفا کرونباخ و تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی روایی ساختار ابزار انجام شد. نتایج: این مطالعه بر روی ۴۰۰ دانشجو دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام شد. میانگین سن دانشجویان  $20/6 \pm 2/1$  سال بود. ۷۶٪ شرکت کنندگان دختر و ۷۸٪ مجرد بودند. با جمع نمره دو سوال اول از هر حیطه نمره تعلق ورزی دانشجویان محاسبه شد. این نمره برابر  $35/8 \pm 6/7$  و با دامنه ۵۷-۱۳ بود. به ترتیب  $34/8$ ،  $37/1$ ،  $49/9$ ،  $13/8$ ،  $27/6$  و  $44/4$  درصد دانشجویان در حیطه های یک تا شش اغلب اوقات یا همیشه تعلق ورزی داشته اند. همچنین به ترتیب  $41/9$ ،  $62/4$ ،  $54/4$ ،  $32/8$ ،  $26/3$  و  $18/5$  درصد دانشجویان اظهار کردند که به تعویق انداختن فعالیت ها در حیطه های ۱ تا ۶ برایشان مشکل ساز بوده است. به ترتیب  $43/1$ ،  $54/6$ ،  $42/6$ ،  $41/6$ ،  $32/3$  و  $19/3$  درصد دانشجویان اعلام کردند که قویا تمایل دارند تعلق ورزی خود را در شش حیطه

کاهش دهند. شاخص CVR و CVI رای کل پرسشنامه ۰/۷ و ۰/۸۶ بدست آمد. پایایی بخش اول پرسشنامه تعلق ورزی ۰/۷۸۱ و بخش دوم ۰/۸۶۱ بدست آمد. همبستگی معکوس و ضعیف اما معنی داری بین نمره رفاه روانی و نمره تعلق ورزی دانشجویان وجود دارد ( $p=0/195$ ).

کد: ۱۰۱۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: اصلاح و تعدیل منابع آزمون جامع پیش کارورزی، متمرکز

بر ضرورت های یادگیری

نویسندگان: مریم آویژگان، وحید عشوریون، طاهره چنگیز

کلیدواژه‌ها: آزمون جامع، پیش کارورزی، ضرورت های یادگیری،

منابع

متن مقاله: مقدمه: آزمون جامع پیش کارورزی پزشکی با هدف اطمینان از کسب حداقل های ضروری یادگیری دوره کارآموزی بالینی قبل از ورود به دوره کارورزی و به صورت سراسری دو نوبت در سال برگزار می شود. بر اساس این فلسفه انتظار می رود منابع آزمون متمرکز بر ضرورت های یادگیری باشد. از طرف دیگر حجم فعلی منابع معرفی شده برای آزمون پیش کارورزی در حدی است که مطالعه تمام منابع آزمون توسط اکثر دانشجویان را غیرمحمتمل می نماید. کل صفحات منبع برای این آزمون حدود ده هزار صفحه برآورد شده است. این امر باعث می شود دانشجویان بجای مطالعه منبع اصلی به کتاب های تست بسنده کنند و در مجموع نتایج آزمون نیز از میانگین مورد انتظار فاصله داشته باشد. از این رو دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی در راستای سیاست های دبیرخانه آموزش پزشکی عمومی با کسب نظر اعضای هیات علمی و مدیران محترم گروه های آموزشی دخیل در ارائه مواد درسی بالینی دوره پزشکی عمومی، به اصلاح و تعدیل منابع آزمون بر اساس حداقل های ضروری یادگیری دوره پزشکی عمومی اقدام نمود. روش اجرا: در ابتدا مجوز و مستندات لازم از معاونت آموزشی اخذ گردید سپس آخرین فهرست منابع آزمون جامع پیش کارورزی سال ۱۳۹۳ از سایت دبیرخانه شورای آموزش پزشکی استخراج شد. به تمامی گروه های متولی آزمون (۱۸ گروه آموزشی)، جدولی برای مشخص نمودن منبع و صفحات آن با فرمت مشخص ارسال، پیگیری و جمع آوری گردید. با مسوولین درس پزشکی به تفکیک هر گروه، مسوول و کارشناس دفتر توسعه آموزش، طی چندین جلسه، عناوین فصل ها و زیرفصل های مورد نیاز با روش تحلیل منبع مربوطه و



تعیین ضرورت های یادگیری تعیین گردید. نتایج: نوزده منبع اصلی مربوط به آزمون مشخص شد. فصل ها، زیر فصل های ضروری برای این آزمون مشخص گردید. جمع صفحات قبل از این فرایند ۱۱۸۵۰ صفحه و بعد از آن ۷۵۹۰ صفحه تعیین شد. ۴۲۶۰ صفحه کاسته شد. نتیجه گیری: مطالب آماده شده در حال حاضر مراحل تصویب را در دبیرخانه شورای آموزش پزشکی طی می نماید و در صورت تصویب برای اجرای آزمون در هر نیمسال قابلیت استمرار دارد. کاهش جزوه خوانی، افزایش استفاده از کتب اصلی و مرجع، افزایش تسلط بر زبان انگلیسی، افزایش دستیابی به آخرین اطلاعات علمی، ارتقای یادگیری عمیق و پایدار، تعیین ضرورت های یادگیری، ارتقای کیفیت آزمون جامع پیش کارورزی از پیامدهای اجرای آن خواهد بود. در دسترس نبودن بسیاری از منابع اصلی و اشراف نداشتن بسیاری از اعضای هیات علمی بر ضرورت ها و باید های یادگیری برای دانشجویان پزشکی از محدودیت های اصلی این مطالعه بود. با توجه به مشترک بودن منابع در سطح وزارت متبوع، یافته های این مطالعه قابلیت تعمیم در تمام دانشگاه های علوم پزشکی سطح کشور را دارد.

کد: ۱۰۲۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: خود ارزیابی دستیاران مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی بابل در محیطهای آموزشی بالینی

نویسندگان: مریم قائمی امیری، سیمین موعودی، بهاره

اسبکیان، محدثه شامخی امیری،

کلیدواژه ها: خود ارزیابی، دستیاران، محیطهای آموزشی، بالینی  
متن مقاله: زمینه و هدف: آموزش بالینی فرایندی پویاست و دانشجویان در تعامل با محیط خود مفاهیم آموخته شده را در عمل به کار می گیرند. و فرصتی برای آنها فراهم می آید که دانش نظری را به مهارتهای ذهنی، روانی و حرکتی متنوعی تبدیل نمایند. یکی از بهترین روش هایی که برای تعیین دانش و مهارت بالینی استفاده می گردد «خودارزیابی» است. زیرا فراگیر، منبعی آشکار برای گردآوری اطلاعات درباره خود است و به جز او، هیچ کس دیگر دیدگاه بی پرده و مستمري از او ندارد که موجب شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه های آموزشی و همچنین، منابع و آموزش دهندگان خواهد شد. خود ارزیابی یک بازنگری جامع و منظم از فعالیت ها و عملکرد است. این مطالعه با هدف خود ارزیابی دستیاران مشغول به تحصیل در

دانشگاه علوم پزشکی بابل در محیطهای بالینی انجام گرفته است. روش: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بوده است که بر روی ۱۰۰ دستیار مشغول به تحصیل در رشته های اطفال، زنان، بیهوشی، داخلی و پاتولوژی در مراکز آموزشی و درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام شد. ابزار مورد استفاده شامل ۸ سوال دموگرافیک و ۲۶ سوال مربوط به خودارزیابی دستیاران در خصوص ارزیابی آنان از یادگیری، اساتید بالینی و توانمندی علمی خود همچنین دیدگاه آنان نسبت به شرایط اجتماعی خود پس از تایید روایی و پایایی بوده است. داده های حاصل پس از ورود به نرم افزار آماری spss16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: بیشترین میزان رضایتمندی در مورد "تأثیر تدریس اساتید در ایجاد تبحر و صلاحیت بالینی" (۰/۷۰)، "توانایی در استفاده از راهکارهای یادگیری که قبلا با آن آشنا بوده اند" (۰/۷۵)، "امکان پرسش هرگونه سوالی توسط آنان" (۰/۷۲)، "یادگیری مهارت های ارتباطی بین فردی در بخش" (۰/۷۲) بوده است. بیشترین میزان رضایتمندی را دستیاران اطفال و کمترین را دستیاران زنان داشته اند. همچنین اغلب دستیاران معتقد بودند که مهارتهای حل مساله در آنان بخوبی پرورش نیافته است. در مجموع دستیاران مرد احساس بهتری نسبت به دستیاران زن داشتند ( $P < 0/05$ ). همچنین نتایج نشانگر آن بوده است که دستیارانی که سابقه اجرایی داشته اند در مجموع احساس منفی تری نسبت به وضعیت آموزشی دانشگاه داشته اند ( $P < 0/05$ ). بحث: نتایج بالا نشان می دهد که تنها انگیزه درونی جهت یادگیری نمی تواند در ایجاد یک حس رضایتمندی از خود موثر باشد بلکه به همراه آن ویژگی های استاد، اتمسفر آموزشی و محیط اجتماعی فراگیران در این امر نقش مهمی را ایفا می کنند. پیشنهاد می شود مسئولین آموزشی دانشگاه بابل با استفاده از نشانگر های کیفیت محیط آموزشی جهت بررسی محیط آموزش بالینی و ارزیابی نقاط اصلاح شده در راستای افزایش بازده آموزشی دانشگاه اقدام کنند. در برخی از بخش های بالینی که نمره کمتری را بدست آورده اند مانند بخش زنان و پاتولوژی با ایجاد اصلاحات و تغییرات در حیطه های دارای ضعف در بهبود روند آموزش دانشگاه تصمیماتی را اتخاذ نمایند، استفاده از راهکارهای جدید آموزش، ارائه مشاوره به دانشجویان به منظور حل مشکلات داخل و خارج از دانشگاه و ایجاد محیط آموزشی توأم با آرامش برای آنان از جمله پیشنهادهای است که به نظرمی رسد با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه در بهبود فرایند آموزش در این دانشگاه موثر است.



کد: ۱۰۲۹

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: پیمایش وضعیت آموزش پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی اصفهان بر اساس استانداردهای WHO و تدوین ابزار ارتقای کیفیت

نویسندگان: وحید عشوریون، مریم آویژگان

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی عمومی، استانداردهای WHO، ابزار ارتقای کیفیت، دانشکده پزشکی

متن مقاله: مقدمه: از آنجا که بهسازی و ارتقای سطح دانشکده‌های پزشکی از سیاست‌های اصلی و ماموریت‌های ویژه نظام آموزش است، همچنین برای دستیابی به اهداف موردنظر و پویایی و ارتقای کیفی دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی نیاز به یک سیستم ارزشیابی کیفیت و اعتبارسنجی می‌باشد تا با توجه به نظام ارزشی جامعه به سنجش وضع موجود از طریق استانداردهای از قبل تعیین شده، اقدام نموده و هویتی قانونی و علمی به دانشکده‌های پزشکی اعطا نماید لذا دفتر توسعه آموزش مامور شد تا با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی WHO، کیفیت و سطح مطلوبیت آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی اصفهان را تعیین نماید. با استفاده از نتایج آن و تدوین ابزاری مشتمل بر شاخص‌ها و استانداردهای جهانی، به ارتقای کیفیت دانشکده پزشکی بطور مستمر بپردازد. روش‌ها: یک مطالعه پیمایشی بر روی واحدها و امور مختلف دانشکده پزشکی اصفهان به منظور بررسی وضعیت آموزش پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی اصفهان انجام گرفت. ابزار مطالعه، پرسشنامه ارزشیابی کیفیت WHO بود که از دبیرخانه پزشکی عمومی اخذ گردید. در ابتدا این ابزار به فارسی برگردانده شد. این پرسشنامه شامل ۱۰۵ شاخص در ۱۳ حیطه بود. این حیطه‌ها شامل اطلاعات پایه دانشکده پزشکی، سطح کیفیت پاسخگویی اجتماعی، انتخاب و پذیرش دانشجوی، برنامه درسی، ارزیابی دانشجوی، منابع آموزشی، تسهیلات و عرصه آموزش بالینی، اعتبار بخشی، سطح کیفیت آموزش پزشکی، و حمایت دانشجویی بود. نتایج: وضع موجود آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی اصفهان در حوزه‌های ۱۳ گانه مذکور تعیین گردید. نقاط ضعف، کمبودها، نقاط قوت و فرصت‌ها شفاف شد. بر اساس ابزار مربوطه، چک لیستی مشتمل بر شاخص‌ها و استانداردهای جهانی، برای استمرار ارتقای کیفیت دانشکده پزشکی تدوین شد. نتیجه گیری: در ایران در دهه‌های اخیر، مساله اعتبارسنجی در آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته و در برنامه سوم توسعه و مصوبات

شورای عالی برنامه ریزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در جهت اجرایی کردن سیاست‌های کلان نظام، توجه ویژه‌ای به امر راه‌اندازی و کارآمد نمودن نظام ارزشیابی و اعتبارسنجی موسسه‌ها و دوره‌های آموزشی مشاهده می‌شود. در این دانشکده نیز با شفاف شدن وضع موجود و تدوین چک لیست سنجش کیفیت، بطور مستمر این شاخص‌ها و استانداردها در برنامه‌های جاری دانشکده مدنظر بوده و ارتقا می‌یابد. توسعه کیفیت آموزش پزشکی، ارتقای پاسخ‌گویی دانشکده، تحقق استانداردها، و بازنگری مداوم آموزش بر اساس آنها، برنامه ریزی برای رفع نقاط ضعف و کمبودها، و برنامه ریزی برای تقویت نقاط قوت می‌تواند از پیامدهای چنین مطالعاتی باشد. ارتقای دانشکده در سطح دانشگاه باعث ارتقای آن در سطح کشور و بین الملل نیز خواهد بود.

کد: ۱۰۳۳

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی میزان اضطراب دانشجویان مامایی در آزمون بالینی قبل از کارورزی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: فرانک صفدری، معصومه دل‌آرام، فریبا آصفی، بهاره متقی، زبیا ریسی، افسانه کاظمیان، نرجس خاتون دادخواه، اکرم کرمی دهکردی

کلیدواژه‌ها: اضطراب پنهان و آشکار، دانشجویان مامایی، آزمون

پره عرصه

متن مقاله: زمینه و هدف: اضطراب و فشارهای عصبی، ریشه بسیاری از مشکلات جسمی و ناکامی‌ها می‌باشد و که اگر شدت یابد، ممکن است سبب اختلال در فراگیری مهارت‌ها و تصمیم‌گیری‌های بالینی موثروافت عملکرد تحصیلی دانشجویان گردد. دانشجویان مامایی به علت ماهیت رشته و استرس‌های مرتبط با حرفه در زمان آزمون فینال، در معرض عوامل فشارزای روانی قرار می‌گیرند. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت اضطراب دانشجویان در زمان آزمون پره عرصه و ارتباط آن با برخی متغیرهای زمینه‌ای بود. روش کار: در این مطالعه مقطعی تعداد ۲۱ نفر دانشجوی ترم ۶ مامایی دانشکده پرستاری و مامایی شهرکرد در هنگام امتحان بالینی قبل از کارورزی (پره عرصه) با پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اسپیل برگر (STAI) و پرسشنامه ویژگی‌های دموگرافیک مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه STAI، به طور عمیقی در پژوهش‌ها و فعالیت‌های بالینی مورد استفاده قرار گرفته است و شامل مقیاس‌های



جداگانه خود سنجی، برای اندازه گیری اضطراب آشکار و پنهان می باشد. پرسشنامه ها قبل از شروع آزمون پر عرصه در اختیار افراد مورد پژوهش قرار گرفت. داده های بدست آمده با نسخه SPSS ۱۶ و استفاده از آمار توصیفی و آزمون رگرسیون چند گانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نتایج نشان داد  $57/14$  / واحد های مورد پژوهش اضطراب بسیار شدید،  $28/57$  / اضطراب شدید،  $9/52$  / اضطراب نسبتا شدید،  $4/70$  درصد افراد مورد پژوهش اضطراب متوسط به بالا داشتند. بین رضایتمندی از برگزاری این آزمون و سایر متغیر های زمینه ای با میزان اضطراب نتیجه معناداری حاصل نشد اما بین معدل تحصیلی دانشجویان و امتیاز کسب شده از پرسشنامه اسپیل برگر رابطه معنی دار وجود داشت ( $p < 0/05$ ) بدین معنا که افرادی که معدل تحصیلی پایین تری داشتند، از سطح اضطراب بالاتری برخوردار بودند. نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان میدهد که اکثریت دانشجویان در هنگام برگزاری آزمون پر عرصه اضطراب زیادی را تجربه می کنند با توجه به نقش این اضطراب در کاهش عملکرد پیشنهاد می شود گروه های مامایی راهکارهایی راجهت کاهش اضطراب دانشجویان را طراحی نمایند از آنجا که سطح دانش علمی نیز بعنوان یک عامل اثر گذار بر میزان اضطراب موثر بوده بهتر است پیشرفت تحصیلی و تلاش در جهت ارتقای کیفی تحصیلی دانشجویان مامایی مورد توجه قرار گیرد

کد: ۱۰۳۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی مقایسه ای سطح مهارت های تفکر انتقادی

دانشجویان کارشناسی پرستاری و کارشناسی ارشد مراقبت های

ویژه ی پرستاری

نویسندگان: حسن بابامحمدی

کلیدواژه ها: تفکر انتقادی، دانشجویان پرستاری، کارشناسی

پرستاری، کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه پرستاری

متن مقاله: مقدمه: از آنجا که ارتقاء سطح مهارت های تفکر

انتقادی یک پیامد قابل انتظار از تحصیلات عالی دوره کارشناسی

و بالاتر به حساب می آید، این مطالعه با هدف مقایسه سطح

مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی پرستاری و

کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه پرستاری در سال ۱۳۹۲ انجام

شد. روش ها: در مطالعه ای توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی،

سطح مهارت های تفکر انتقادی ۱۲۳ دانشجوی کارشناسی

پرستاری و کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه پرستاری در سه

دانشگاه علوم پزشکی (سمنان، تهران و کاشان) مورد بررسی قرار گرفت. ابزار مورد استفاده شامل آزمون مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب، حاوی ۳۴ سوال چند گزینه ای با یک پاسخ صحیح در پنج حوزه مهارت های شناختی تفکر انتقادی (تحلیل، ارزشیابی، استنباط، استدلال قیاسی و استقرایی) بود. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات توسط نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ و با آزمونهای آماری ANOVA، t، کراسکال والیس، من ویتنی، آزمون همبستگی اسپیرمن و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: میانگین نمرات دانشجویان کارشناسی پرستاری و کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه پرستاری در آزمون مذکور به ترتیب  $3/33 \pm 1/05$  و  $3/01 \pm 11/14$  بود که با یکدیگر اختلاف معنی داری نداشتند. میانگین نمرات دانشجویان بر حسب دانشگاه نشان داد که در دانشگاه علوم پزشکی سمنان  $9/84 \pm 3/13$ ، تهران  $9/66 \pm 3/32$  و کاشان  $11/79 \pm 2/92$ ، و در سه دانشگاه  $10/46 \pm 3/24$  بود. نمرات حیطه های تفکر انتقادی دانشجویان بر حسب دانشگاه نشان داد که دانشجویان دانشگاه کاشان در حیطه های استنباط، استدلال قیاسی و استقرایی نمرات بالاتری از دانشجویان دو دانشگاه دیگر داشتند. بین نمرات آزمون تفکر انتقادی و متغیرهای جنس، وضعیت تاهل و معدل کل ارتباط معنی داری وجود نداشت. بین سن و حیطه ارزشیابی تفکر انتقادی ارتباط معنی داری مشاهده شد. بحث: سطح تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه از دانشجویان کارشناسی بالاتر بود. دانشجویان پرستاری در کل از سطح مهارت های تفکر انتقادی پایینی برخوردار بودند. پژوهشگران پیشنهاد می کنند که روش های موثر در ایجاد و ارتقای تفکر انتقادی، به نحو مقتضی در آموزش دانشجویان در نظر گرفته شود.

کد: ۱۰۴۷

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: مقایسه نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

در باره عملکرد اساتید مشاور قبل و پس از اجرای طرح استاد

مشاور

نویسندگان: معصومه دل آرام

کلیدواژه ها: استاد مشاور، نظرات دانشجویان، دانشگاه علوم

پزشکی شهرکرد، طرح استاد مشاور

متن مقاله: چکیده مقدمه: مشاوره توسط اساتید مشاور در طول

تحصیل به دانشجویان در غلبه بر مشکلات آموزشی کمک خواهد

کرد. هدف مطالعه حاضر "مقایسه نظرات دانشجویان دانشگاه



علوم پزشکی شهرکرد در باره عملکرد اساتید مشاور قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور " بود. مواد و روشها: در یک مطالعه توصیفی - مقطعی نظرات ۲۴۴ نفر از دانشجویان رشته های مختلف در مورد عملکرد اساتید مشاور از طریق پرسشنامه ای خود ساخته قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور مورد مقایسه قرار گرفت. داده های بدست آمده با نرم افزار Spss ( نسخه ۱۶ ) و آزمونهای تی زوج و کا- اسکور تجزیه و تحلیل و میزان  $P < P$ ، مراجعه به وی جهت انتخاب واحد یا مشکل تحصیلی ( $P > 0.001$ )، پذیرفتن او به عنوان منبع کسب اطلاعات آموزشی ( $P > 0.001$ )، آگاهی از چگونگی کمک گرفتن از استاد مشاور ( $P > 0.001$ )، تشکیل پرونده تحصیلی توسط استاد مشاور ( $P > 0.001$ )، ایجاد مشکل تحصیلی ( $P = 0.04$ ) و سؤال از استاد مشاور در مورد ادامه تحصیل ( $P = 0.03$ ) قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور وجود داشت. ۳ مورد از ۱۳ مورد عملکرد اساتید مشاور یعنی " کنترل و امضاء فرم انتخاب واحد" ( $P = 0.001$ )، نقد و بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجویان " ( $P = 0.03$ ) و " راهنمایی دانشجویان در مورد مشکلات شخصی " ( $P = 0.001$ ) از تفاوت معنی داری قبل و پس از اجرای طرح برخوردار بود. نتیجه گیری: دانشجویان پس از اجرای طرح استاد مشاور، وضعیت بهتری از " داشتن استاد مشاور و مراجعه به وی"، " پذیرفتن وی به عنوان منبع کسب اطلاعات"، " آگاهی از چگونگی کمک گرفتن از او"، " تشکیل پرونده تحصیلی"، " ایجاد مشکل تحصیلی" و " سؤال از استاد مشاور در مورد ادامه تحصیل" را گزارش کردند. " کنترل و امضاء فرم انتخاب واحد"، " راهنمایی دانشجویان در مورد مشکلات شخصی" و " نقد و بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجویان" مواردی از عملکرد دانشجویان بودند که پس از اجرای طرح استاد مشاور بهبود یافته بودند و در سایر موارد بهبودی چندانی حاصل نشده بود. آگاه نمودن اساتید مشاور با وظایف مشاوره و راهنمایی در جهت کمک به دانشجویان همراه با اجرای برنامه آموزشی در طول دوره مشاوره، پیشنهاد می گردد.

کد: ۱۰۴۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی بالینی از عملکرد برنامه تحول نظام سلامت در بیمارستانهای تابعه دانشگاه علوم پزشکی اردبیل  
نویسندگان: لیلی داداشی

کلیدواژه‌ها: اعضای هیات علمی، برنامه تحول نظام سلامت، عملکرد

متن مقاله: زمینه و هدف: سلامت، سرمایه ارزشمندی است که حفظ و ارتقای آن باید جز مهمترین تلاش های زندگی روزمره انسانها محسوب شود. انسان سالم، محور توسعه پایدار بوده، ماموریت اصلی نظام سلامت، ارتقای سطح سلامت و پاسخ گفتن به نیاز های مردم و جامعه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی بالینی از عملکرد برنامه تحول نظام سلامت در بیمارستانهای تابعه دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام شده است. روش کار: این مطالعه از نوع کیفی بوده که به شیوه تحلیل محتوا انجام یافته است. در این مطالعه با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف ۱۲ نفر شرکت کننده در مدت دو ماه انتخاب و بررسی شدند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری گردید، سپس به صورت تحلیل کیفی و از طریق استخراج مباحث محوری و تخصصی تحلیل گردید. یافته ها: یافته های حاصل شده مطالعه حاضر عبارت از کاهش پرداخت از جیب بیماران، افزایش رضایتمندی بیماران، افزایش تعداد مراجعین، افزایش اشغال تخت بیمارستانی، کمبود امکانات و تجهیزات بیمارستانی، نبودن تخت کافی در بخشهای مراقبت های ویژه، مداخله درمانی مستقیم پزشک متخصص، حضور به موقع متخصص در اتاق عمل، کمبود کادر پرستاری، فرسوده بودن بیمارستانها، درمان محور بودن این طرح می باشد بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، این طرح بیشتر درمان محور بوده و لازم است در خصوص پیشگیری و بهداشت و ارتقاء سلامت جامعه، بسته های حمایتی در این راستا تهیه و ابلاغ گردد.

کد: ۱۰۵۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: نیازسنجی پرستاران اورژانس دانشگاههای علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی با استفاده از فن دلفی  
نویسندگان: سودابه لونی

کلیدواژه‌ها: پرستاری اورژانس، نیازسنجی، فن دلفی، نیازهای آموزشی

متن مقاله: مقدمه: از ضروریات بخش اورژانس وجود پرسنل و افراد ماهر و کارورزیده می باشد پرستاران نقش مهمی را در ارائه خدمات در اورژانس را دارند. در تدوین هر برنامه آموزشی، قدم اول تعیین نیازسنجی آموزشی است. هدف این پژوهش تعیین



نیازهای آموزشی پرستاران اورژانس دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، ایران و شهید بهشتی است. روش: این پژوهش یک مطالعه نیازسنجی است که با استفاده از فن دلفی انجام گرفته است. جامعه پژوهش شامل اعضای هیأت علمی دانشکده‌های پرستاری و مامایی سه دانشگاه، سوپروایزرهای آموزشی، سرپرستاران و مدیران بخش‌های اورژانس بود. در این پژوهش به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، تعداد ۴۰ نفر انتخاب شدند و در سه راند دلفی در پژوهش شرکت کردند. یافته‌ها: ۱۰۹ نیاز آموزشی در چهار حیطة مراقبتی، آموزشی مشاوره‌ای، پژوهشی و مدیریتی در طی سه راند دلفی استخراج شد که حیطة مراقبتی با ۷۸ آیتم بیشترین نیاز آموزشی را به خود اختصاص داد. در حیطة های آموزشی، پژوهشی و مدیریتی نیز به ترتیب ۱۰، ۱۱ و ۱۰ آیتم استخراج گردید. بحث و نتیجه‌گیری: به کارگیری نتایج حاصل از نیازسنجی‌هایی که به صورت بومی و با توجه به نیازهای اصلی و اساسی فعلی کشورمان انجام می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آتی برای تربیت نیروهای متخصص منجر به تربیت پرستارانی خواهد شد که بی‌شک در دراز مدت منافع بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیادی به دنبال خواهد داشت.

کد: ۱۰۷۴

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: میزان سواد اطلاعاتی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

نویسندگان: پرویز عضدی، فائزه جهان‌پور، شهرام یزدانی، کامران میرزایی

کلیدواژه‌ها: سواد اطلاعاتی، هیأت علمی، استاندارد

متن مقاله: مقدمه: سواد اطلاعاتی مجموعه توانمندی‌هایی است که افراد به کمک آن می‌توانند تشخیص دهند چه موقع به اطلاعات نیاز دارند و به جایی، ارزیابی و استفاده موثر از اطلاعات مورد نیاز مبادرت ورزند. ماموریت اصلی نظام‌های آموزشی بخصوص در سطوح عالی این است که به نحوی عمل کنند که بتوانند توانمندی‌های لازم را برای کسب مهارت‌های یادگیری در دانشجویان فراهم نمایند. هدف از این مطالعه تعیین میانگین نمره کل و نمره در زیر حیطة های سواد اطلاعاتی بر اساس پنج استاندارد انجمن ملی کتابخانه‌های آمریکا در اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می‌باشد. مواد و روش‌ها: این بررسی یک مطالعه توصیفی می‌باشد که در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر صورت گرفت. تعداد نمونه ۸۷ مورد می‌باشد که بصورت

سرشماری انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد سنجش سواد اطلاعاتی استفاده گردید. روایی و پایایی پرسشنامه قبل از جمع‌آوری داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جهت آنالیز داده‌ها از نرم افزار اسپاس ۱۶ و روش‌های تحلیل داده‌های توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار و نمره حداقل و حداکثر) استفاده شد. نتایج: اعضای هیأت علمی نمره پایین‌تر از حد پنجاه درصد کل نمره (۲۶) را کسب نموده میانگین نمره کل سواد اطلاعاتی برابر ۲۳/۱۱ (۵/۲۶) و در میان استانداردها، استاندارد بالاترین نمره را به خود اختصاص داد و بعد از آن به ترتیب استانداردهای ۵، ۳، ۴ و ۱ قرار گرفتند نتیجه‌گیری: نمره سواد اطلاعاتی اعضای هیأت علمی در سطح مطلوبی نمی‌باشد. از آنجایی که مدرسان دانشگاه وظیفه الگو بودن و تربیت دانشجویان را به عهده دارند باید از این نظر مورد توجه قرار گیرند.

کد: ۱۰۸۲

حیطه: ارزشیابی دانشجویان

عنوان: مقایسه تاثیر بکارگیری آزمون عینی ساختار یافته

مهارت‌های عملی (OSATS) و روش ارزیابی سنتی بر میزان

یادگیری دانشجویان

نویسندگان: مرضیه سادات حسینی، محمد رضا منصوریان

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی سنتی، ارزشیابی عملی با ساختار عینی،

دانشجوی پرستاری

متن مقاله: سابقه و هدف: آموزش پرستاری از دروس تئوری همراه با تمرینات عملی تشکیل شده است بیش از ۵۰ درصد آموزش‌های پرستاری و مامایی صرف فعالیت‌های آموزش عملی می‌شود لذا ارزشیابی یکی از موضوعات مهم در آموزش پرستاری بشمار می‌رود. از طریق ارزشیابی می‌توان به نقاط قوت و کاستی‌های برنامه‌های آموزشی پی‌برد و راهکارهای مناسبی را در جهت ارتقاء سیستم آموزشی ارائه نمود. پژوهش حاضر با هدف مقایسه تاثیر به کارگیری آزمون عینی ساختار یافته مهارت‌های عملی (OSATS: Objective Structured Assessment of Technical Skills) و روش ارزیابی سنتی بر میزان یادگیری دانشجویان انجام شد. روش: پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله‌ای است و نمونه پژوهش شامل کلیه دانشجویان ترم اول رشته پرستاری و فوریتهای پزشکی می‌باشند که در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی گناباد مشغول به تحصیل بوده‌اند و هر دو روش ارزشیابی عملی با ساختار عینی و سنتی در ارزیابی



آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته و چک لیست استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تی زوج و مستقل مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد میانگین نمره خودارزیابی دانشجویان از روش OSATS بیشتر از روش سنتی بود و آزمون آماری تی زوج تفاوت معنی‌دار آماری بین نمرات نهایی دو روش ارزشیابی نشان داد. هم‌چنین ۹۵٫۶ درصد از دانشجویان کیفیت آزمون‌های ساختارمند عینی مهارت‌های بالینی را نسبت به روش سنتی بالاتر ارزیابی کردند و معتقدند این آزمون در ارزیابی توانمندی دانشجویان در انجام مهارت‌های بالینی نسبت به روش سنتی دقیق‌تر عمل می‌کند. نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های مطالعه، نتیجه‌گیری می‌شود: ارزشیابی ساختارمند عینی مهارت‌های عملی بیش از روش سنتی سبب یادگیری و افزایش نمرات دانشجویان می‌شود. مدرسین نیز نسبت به این نوع ارزشیابی دیدگاه مثبتی دارند.

کد: ۱۰۸۸

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بخش قلب در بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بر اساس استاندارد ملی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲  
نویسندگان: محمد تقی شاکری، علی عمادزاده، علیرضا عبدالمهدی مقدم، عباس مکارم، فرزانه غریبی کانی پان  
کلیدواژه‌ها: گزارش صبحگاهی، استاندارد، بیمارستان آموزشی  
متن مقاله: مقدمه: گزارش صبحگاهی یکی از کاربردی‌ترین روش‌های آموزش بالینی در سطح دنیاست. گزارش صبحگاهی دارای شاخصه‌ها و استانداردهایی است که در صورتی که کامل باشد در عملکرد بهتر پزشکان در آینده نقش مهمی ایفا خواهد نمود. هدف از این مطالعه، بررسی نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بخش قلب با حضور دستیاران و بدون حضور آنان و مقایسه این دو روش برگزاری با استاندارد ملی می‌باشد. بخش قلب بیمارستان الف دانشگاه علوم پزشکی مشهد از آبان ماه سال ۸۹ اقدام به برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران جهت کارورزان و کارآموزان بخش به صورت کامل یعنی از شنبه تا چهارشنبه نمود و سپس این تغییر به طور نسبی در بخش قلب بیمارستان ب نیز صورت گرفت و در حال حاضر جلسات گزارش صبحگاهی در بخش قلب بیمارستان ب، ۳ روز

در هفته به شکل بدون حضور دستیاران و ۳ روز طبق روال معمول با حضور دستیاران، کارورزان و کارآموزان برگزار می‌شود. روش‌ها: این مطالعه مقطعی، مطالعه به صورت مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ در بخش قلب دو بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. جامعه آماری شامل جلسات گزارش صبحگاهی برگزار شده در دو بیمارستان آموزشی الف و ب بود. در بیمارستان الف جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران و فقط با حضور کارورز و کارآموز برگزار می‌شود و در بیمارستان ب ۳ روز در هفته بدون حضور دستیاران و ۳ روز طبق روال معمول یعنی با حضور دستیار، کارورز و کارآموز برگزار می‌شود. جلسات گزارش صبحگاهی بخش قلب هر دو بیمارستان که در هر ماه شرکت کنندگان جدید دارند، با استفاده از مشاهده و تکمیل چک لیست مورد بررسی قرار گرفت. برای هر بیمارستان دو چک لیست در هر ماه تکمیل شد. مطالعه در مدت ۶ ماه انجام شد و در مجموع ۲۴ چک لیست (۱۲ جلسه گزارش صبحگاهی در بیمارستان الف و ۱۲ جلسه گزارش صبحگاهی در بیمارستان ب) تهیه شد. روز تهیه چک لیست از بین روزهایی که جلسات گزارش صبحگاهی تشکیل می‌شد به صورت غیر احتمالی آسان انتخاب گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل چک لیست پژوهشگر ساخته بود که روایی آن با نظر متخصصین و پایایی آن به روش توافق هم‌ارزان تایید شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی از قبیل آزمون تی مستقل و مجذور کای جهت متغیرهای کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سطح معنی‌داری در همه آزمونها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج: میانگین نمره چک لیست بررسی نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بیمارستان الف ۲۳/۲۹ با انحراف معیار ۹۶/۱ و بیمارستان ب ۲۶/۸۳ با انحراف معیار ۳/۲۷ بود. تفاوت نمرات چک لیست بررسی نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بیمارستان الف و بیمارستان ب معنی‌دار بود (۰/۰۳۳ = P). بدین معنی که نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی هر دو بیمارستان با استاندارد ملی مطابقت متوسط داشت. بحث: نحوه برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بیمارستان الف علیرغم جدید بودن به استاندارد ملی نزدیک تر بود. اجرای این شیوه آموزشی مطابق با استاندارد نتایج دقیق‌تری از فواید آن به دست خواهد داد و به دستیابی شرکت کنندگان به اهداف مهم آموزشی آن منجر خواهد شد.

کد: ۱۰۹۰





حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: فناوری اطلاعات در توانمندسازی اعضای هیأت علمی و ارتقای کیفی برنامه درسی نویسندگان: طیبه شگری

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی-فناوری اطلاعات- اعضای هیأت علمی  
متن مقاله: مقدمه: نوسازی و تجدید نظر در برنامه های درسی و هماهنگ نمودن محتوا و روشهای تدریس با شرایط در حال تغییر و جدید از موضوعات مهمی است که اخیرا در آموزش عالی مطرح است. فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی زندگی را در بسیاری از ابعاد آن دگرگون ساخته اند. از جمله این دگرگونیها تغییر در شیوه های سنتی آموزش است به گونه ای که نیاز به حضور فیزیکی در کلاس درس کاهش یافته است. روند رو به رشد تکنولوژی های آموزشی بر آموزش پزشکی هم تأثیر گذاشته است. تا قبل از سال ۱۹۹۸ تنها نیمی از اعضای هیئت علمی علاقه زیادی به توسعه مهارتهای فنی و تکنولوژی خود داشته اند. با انقلابی که در عرصه ارتباطات از راه دور اتفاق افتاد نیازها و علایق اساتید تغییر کرده و استفاده آنها از این تکنولوژی برای حمایت از تدریس مبتنی بر جامعه امکانپذیر شد. روش اجرا: مطالعه ی حاضر مقاله ای مروری است که با جستجوی منابع در پایگاههای اطلاعاتی داخل و خارج کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ در زمینه موضوع مورد بررسی انجام شد ۵۳مقاله یافت شد که ۲۱ مقاله با موضوع مورد بررسی ارتباط داشته و نتایج پژوهش های آنها استخراج و بررسی گردید. بحث: براساس یافته های موجود در مقالات، الزاماتی برای آموزش فناوری اطلاعات گفته شده است که شامل این موارد می شود: آموزش اساتید باید بصورت پیوسته ارائه گردد تا بتواند دانش و مهارتهای IT آنها را بصورت مضاعف افزایش دهد. فناوری های گوناگون در آموزش الکترونیکی را باید به گونه ای بکارگرفت که فراگیران را در رسیدن به نتایج یادگیری توفیق دهد. علاوه بر تسلط نظری و تجربه کافی مدرس در زمینه یا زمینه های علمی موجود، برخورداری وی از رفتارها، نگرش ها و مهارت های مطلوب در پرداختن به آموزش از اهمیت بسیاری برخوردار است. فوایدی که برای یادگیری فناوری اطلاعات در بین اساتید گفته شده بود شامل این موارد می باشد: (۱) یادگیری الکترونیک فرصت های پژوهشی زیادی برای اعضای هیئت علمی فراهم می کند. (۲) خلاقیت در تکنولوژی های یادگیری الکترونیک و بدنال آن ارتقای آموزش (۳) این تکنولوژی ها اجازه می دهند تا یادگیری فردی (یادگیری انطباقی) قابل اجرا باشد. (۴) ارتقاء تعاملات فراگیر با دیگران (یادگیری مشارکتی) (۵)

م تفاوت کردن نقش استاد، (۶) تسهیل پذیرش تئوری یادگیری بزرگسالان (۷) اساتید دیگر به عنوان ارائه دهنده محتوا نیستند و بیشتر به عنوان تسهیل گر یادگیری و ارزیاب صلاحیت های فراگیران خواهند بود. نتایج: اساتید و اعضای هیأت علمی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در فرایند یاددهی-یادگیری هستند که در تلفیق فناوری های نوین اطلاعاتی و آموزش الکترونیکی نقش کلیدی ایفا نموده و چنانچه بخواهند از این فناوری ها استفاده نمایند باید به اثربخشی آن ها اعتقاد داشته و مهارت و دانش کافی برای استفاده از این فناوری ها را داشته باشند تا به ارتقای کیفی برنامه های درسی در آموزش عالی کمک کنند.

کد: ۱۰۹۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی تاثیر اجرای روشهای ارزیابی بالینی دستیار در محیط واقعی

نویسندگان: فاطمه علی پور یگانه

کلیدواژه‌ها: ارزیابی بالینی دستیار، CSR، ارزیابی روشهای نوین  
متن مقاله: مقدمه سیستم جدید درمانی با توجه به وسعت کار اساتید و نیز مدت کوتاه بستری در بیمارستان و لزوم پرداخت به جنبه های اخلاق حرفه ای، نیاز به تغییر در نظام ارزیابی را مطرح می نماید. ارزیابی های محل خدمت در واقع به دستیار می آموزد که «در حین کار کردن، کار یاد بگیرد». ارزیابی های قبلی روش مناسبی به نظر نمی رسیده به همین دلیل دبیرخانه شورای آموزش پزشکی CSR و سایر روشهای ارزیابی نوین را پیشنهاد کرد. این آزمون در هر مواجهه ۲۵-۲۰ دقیقه به طول انجامیده و طی آن از فراگیر خواسته می شود از یک بیمار تکراری یا جدید شرح حال گرفته، معاینه کند و طرح تشخیصی و درمانی خود را ارائه دهد. روش ها: ارزیابی های محل خدمت در واقع به دستیار می آموزد که «در حین کار کردن، کار یاد بگیرد». این ارزیابی یک مصاحبه ساختاری در مورد یک بیمار خاص است که قضاوت بالینی دستیار در کل ارزیابی می شود. نحوه اجرا: اطلاعات مربوط به یک بیمار، پرونده و کلیه اطلاعات مربوطه توسط دستیار در اختیار استاد قرار می گیرد. در این مورد نیز نتایج بحث در کاربرد مخصوص ثبت می شود. در این آزمون از طریق تکمیل بررسی پرونده ی بیمارانی عملکرد آنها در قالب یک آزمون شفاهی استاندارد مورد ارزیابی قرار می گیرد. اجرای این آزمون به اینصورت است که در باره ی مراقبت هایی که برای بیمار انجام داده، علل درخواست آزمایشات و بررسی هایی که در



خواست کرده است پرسش می کند. آزمون گیرنده باید با استفاده از یک پروتکل خوب تدوین شده و پروسچور نمره دهی مشخص به فرد نمره دهد. در یک آزمون شفاهی CSR خوب طراحی شده، بررسی هر پرونده ۵ تا ۱۰ دقیقه و یک آزمون تئوریک CSR دوساعت طول می کشد. این در صورتی است که یک یا دو آزمون گیرنده برای هر جلسه مجزای ۳۰ تا ۶۰ دقیقه ای حضورداشته باشند و فیدبک داده شده و نمرات دستیار ارائه شده و در مورد نحوه اجرا و یکسان سازی آن بحث و تبادل نظر صورت می گرفت. نتایج: مهمترین بخش این نوع ارزیابی پس خوراند به موقع و مناسب است. در این مورد نیز هدف اصلاح، تشویق و ارتقاء است یکی از قدمهای مفید در راستای آموزش دستگیری ارزیابی اثربخشی کوریکولوم های آموزشی موجود و ارتقاء آن می باشد. این کار در دانشکده پزشکی تبریز در قالب چهار پرسشنامه شروع شده است: میزان رضایتمندی دستیاران از این روش بسیار بالا بود. در پایان هر جلسه که خواسته شد سوال آخر پرسشنامه که از ۹-۱ بیان کند دستیاران نمرات ۹-۸ را به این گویه اختصاص دادند. برخی دستیاران معتقد بودند که اگر در همه چرخش ها و از ابتدای دوره دستگیری اینگونه مشکلات و نقاط قوت و ضعف بازخورد داده می شد بسیار سازنده می توانست باشد. طی نظر سنجی انجام شده بعد از آزمون ۹۷٪ دستیاران از آزمون رضایت داشته ۹۵٪ خواستار تکرار این آزمون چندین بار در سال تحصیلی بودند. ۹۳٪ رضایت از تاثیر این آزمون بخشی از این ارزیابی مربوطه میزان رضایت دستیار و بخشی دیگر مربوط بود به تاثیر مثبت این آزمون در افزایش نمرات ارتقا که در واقع خود نشانگر تغییر رفتار آموزشی است. با توجه به رضایت دستیاران انتظار می رفت که همبستگی مستقیم و مثبتی بین نمرات این دو آزمون وجود داشته باشد. و بررسی های تحلیلی نشان داد که میزان همبستگی بین این دو آزمون ۰/۶۲۵ بوده است که قابل توجه می باشد. بحث: با توجه به رضایت دستیاران و ایجاد زمینه برای بهتر شدن نتایج آزمون مورد مقرر شد این آزمون همه ساله در گروه روانپزشکی دانشکده پزشکی تبریز برگزار گردد.

کد: ۱۰۹۶

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی تاثیر طراحی و اجرای آزمون Dops گروه ارتوپدی با هدایت و پشتیبانی سیستم آموزشی دانشکده پزشکی تبریز  
نویسندگان: فاطمه علی پور یگانه  
کلیدواژه‌ها: آزمون مهارتهای علمی و عملی، دستیاران ارتوپدی

متن مقاله: مقدمه: ارزیابی شایستگی عملی دستیاران به اندازه سنجش میزان دانش آنها دارای اهمیت است. در این راستا برخی ارزیابان آموزش پزشکی برای دستیابی به شیوه های ارزیابی معتبر، پایا و عادلانه کوشیده اند شیوه ارزیابی که طی آن داوطلب از چند ایستگاه می گذرد و در هر ایستگاه از او خواسته می شود که وظایفی را انجام دهد و در این میان توسط ممتحن به کمک چک لیست از پیش تهیه شده ارزیابی می شود مهمترین مشکلی که در رابطه با ارزشیابی تکوینی وجود دارد فقدان ارزشیابی اجزاء عملکرد بالینی و فقدان بازخورد به دستیار می باشد. در این ارزشیابی یک نمره کلی به فعالیت های فراگیران داده شده. این روش اگرچه به طور اختصاصی فعالیت بالینی دستیار را مورد ارزشیابی قرار می دهد ولی از لحاظ وقت صرف شده و فرایندی که در واقعیت اتفاق می افتد روش مناسبی به نظر نمی رسد به همین دلیل مورد طب ارتوپدی امریکا آزمون Dops وسایر روشهای ارزیابی نوین را پیشنهاد کرد. این آزمون در هر مواجهه ۲۵-۲۰ دقیقه به طول انجامیده و طی آن از فراگیر خواسته می شود از یک بیمار تکراری یا جدید شرح حال گرفته، معاینه کند و طرح تشخیصی و درمانی خود را ارائه دهد. روش ها: نکته مهم در ارزشیابی بالینی ارزشیابی مهارت های بالینی نیازمند مشاهده مستقیم است خصوصیات DOPS شامل ارزشیابی مهارت های بالینی و بازخورد همزمان و کار روی بیمار واقعی زمان مشاهده کوتاه (۲۰ تا ۱۵ دقیقه)، مشاهده به منظور ارزیابی بعنوان بخشی از یک برنامه آموزشی روتین صورت می گیرد که در پایان هر ماه بیمار جدید توسط استاد مربوطه در نظر گرفته می شد و از آنها خواسته می شد که دستورالعمل مربوطه را مطالعه کنند. سپس از دستیاران خواسته می شد تا از بیمار منتخب در حضور سه تن از اساتید مسئول انجام طرح شرح حال گرفته، معاینه کننده و طرح تشخیصی و درمانی خود را ارائه دهند. پس از پایان زمان مربوطه در اتاق دیگری به دستیاران نسبت به عملکرد خود بازخورد داده می شد. بعد از خروج دستیار مربوطه از اتاق، نمرات حیطه های مختلف دستیار توسط اساتید ارائه شده و در مورد چگونگی اجرائی و یکسان سازی آزمون بحث و تبادل نظر صورت می گرفت. نتایج: میزان رضایتمندی دستیاران از این روش بسیار بالا بود. در پایان هر جلسه که خواسته شد سوال آخر پرسشنامه که از ۹-۱ بیان کند دستیاران نمرات ۹-۸ را به این گویه اختصاص دادند. برخی دستیاران معتقد بودند که اگر در همه چرخش ها و از ابتدای دوره دستگیری اینگونه مشکلات و نقاط قوت و ضعف بازخورد داده می شد بسیار



سازنده می توانست باشد. طی نظر سنجی انجام شده بعد از آزمون ۹۶٪ دستیاران از آزمون رضایت داشته ۹۴٪ خواستار تکرار این آزمون چندین بار در سال تحصیلی بودند و ۹۲٪ رضایت از زمان آزمون. بخشی از این ارزیابی مربوطه میزان رضایت دستیار و بخشی دیگر مربوط بود به تاثیر مثبت این آزمون در افزایش نمرات ارتقا که در واقع خود نشانگر تغییر رفتار آموزشی است. با توجه به رضایت دستیاران و مشابه بودن حیطه ارزیابی و فضای آزمون کتبی متمرکز با آزمون ارتقا انتظار می رفت که همبستگی مستقیم و مثبتی بین نمرات این دو آزمون وجود داشته باشد. و بررسی های تحلیلی نشان داد که میزان همبستگی بین این دو آزمون ۰/۶۲۵ بوده است که قابل توجه می باشد. نتیجه گیری: با توجه به رضایت دستیاران و ایجاد زمینه برای بهتر شدن نتایج آزمون مورد مقرر شد این آزمون همه ساله در گروه ارتپدی دانشکده پزشکی تبریز به تعداد دفعات لازم برگزار گردد.

کد: ۱۰۹۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر اجراء استفاده از بحث و تبادل نظر های کوتاه مدت بعنوان یک نو آوری اثربخش در تدریس درمان عمل جراحی ترمیم تاندونهای قطع شده سطح فلکسور مچ دست قبل از شروع عمل جراحی در بین دستیاران ارتپدی تبریز نویسندگان: فاطمه علی پور یگانه

کلیدواژه ها: بحث و گفتگو، دستیاران ارتپدی، آموزش

متن مقاله: مقدمه: بیان اهمیت: مطالعات داخلی حاکی از عدم رضایت بسیاری از دستیاران ارتپدی در کسب مهارت کافی برای انجام کلیه پروسیجرها و تخصص کافی در امور مربوط به ارتپدی است. این مشکلات و نارضایتی های موجود در آموزش ارتپدی نه تنها در مطالعات داخلی به آنها اشاره شده بلکه مطالعات کشورهای دیگر نیز به آنها اشاره کرده اند، در این بین گاه استفاده از یک راهکار ساده می تواند بسیاری از نارضایتی ها را کاهش دهد. مثلا تغییر در اجراء برنامه های آموزشی می تواند منجر به بهبود وضعیت آموزشی ارتپدی و افزایش رضایت شود، از جمله مواردی که مورد نظر بسیاری از دستیاران است درمان عمل جراحی ترمیم تاندونهای قطع شده سطح فلکسور مچ دست است، به همین علت مطالعات مختلفی در مورد روش های آموزشی جدید و راهکارهای بهبود آموزش آن انجام شده است. روش اجراء مطالعه اقدام پژوهی و محیط پژوهش در دانشکده پزشکی تبریز بود. نمونه ها کلیه دستیاران ارتپدی سال آخر از

دو دوره مختلف بودند. که هر دوره به صورت یک گروه آزمون (الف) و گروه دیگر گروه شاهد(ب) بودند. در گروه الف در ابتدای شروع جلسات، استاد درس بحث های کوتاه ( ۱۵ دقیقه) در رابطه با سر فصل های آموزشی درمان عمل جراحی ترمیم را ارائه می نمود و در انتهای بحث به سوالات دستیاران پاسخ می داد. در هر جلسه بخش درمان و سه سرفصل مرتبط با درمان عمل جراحی آموزش داده شد؛ بدین ترتیب در مجموع ۱۰ جلسه بخش درمان عمل جراحی ترمیم و تمامی ۳۰ سرفصل آموزشی مورد انتظار بر اساس کتاب و کوریکولوم پوشش داده شد. ولی این شیوه آموزشی برای دستیاران گروه دیگر، گروه ب انجام نشد و این دستیاران به روشی سنتی دوره ی درمان این عمل بخش را به پایان رساندند. روایی پرسشنامه با بررسی سه تن از اساتید بخش درمان عمل جراحی ترمیم تاندونهای قطع شده سطح فلکسور مچ دست دانشکده پزشکی تبریز تایید شد. همچنین پایایی پرسشنامه در یک مطالعه اولیه و به روش آزمون مجدد با ده نفر دانشجو سال آخر سنجدیده شد ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۹۲۷ درصد به دست آمد. پس از پایلوت اولیه هیچ سوالی حذف نگردید و تنها لحن بعضی از سوالات برای به جهت فهم بیشتر دستیاران تغییر داده شد. تجزیه و تحلیل آماری بانرم افزار SPSS 14 و آزمون T test انجام پذیرفت و سطح معناداری (۰/۰۵) در نظر گرفته شد. نتایج: پیامدهای اجرا و محصول یا برون دادهای فرآیند: جهت بررسی پیامدهای این فرآیند از روش پیش آزمون پس آزمون استفاده شد و سپس با گروه شاهد مقایسه شد. از ۴۰ نمونه شرکت کننده در مطالعه حاضر ۲۰ نفر در گروه آزمون و ۲۰ نفر در گروه شاهد شرکت کردند که جهت همگنی دو گروه مطالعه بر اساس نتایج آزمون پیش آزمون هر دو گروه، نمونه های ناهمگن حذف شدند و در هر گروه ۱۶ نفر باقی ماند. تفاوت میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه شاهد معنادار نبود (p=۰/۱۳). اما در گروه آزمون معنادار بود (p=۰/۰۵). همچنین تفاوت میانگین نمرات گروه آزمون و گروه شاهد معنادار بود (p=۰/۰۵). بحث: آموزش نظری دروسی که در اصل عملی هستند بهتر است در تمامی دوره تحصیلی دستیاران مورد توجه سیستم های آموزشی قرار بگیرد. همچنین بحث های کوتاه (۱۵ دقیقه) به عنوان یک روش آموزشی ساده، کم هزینه و با صرف زمانی کم می تواند در افزایش سطح آگاهی آنان مفید باشد. با توجه به نتایج مطالعه، طراحی و برگزاری این روش آموزشی، ارائه مشاوره های لازم، مؤثر بوده و انجام این روشها می تواند راه گشایی برای بهبود آموزش در دیگر گروهها باشد.



کد: ۱۱۰۰

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: سه ترمی شدن سال تحصیلی در رشته پرستاری: نقاط

ضعف و قوت

نویسندگان: بهروز پورآقا، مهدی طیبی آراسته، روح انگیز نوروزی

نیا، محمد زیبایی

کلیدواژه‌ها: پرستاری، برنامه ریزی، ترم تحصیلی

متن مقاله: مقدمه عدم توجه به برنامه ریزی درسی یا تکیه بر روش‌ها و الگوهای سنتی؛ فرصت بررسی و استفاده از روش‌های مختلف برنامه‌ریزی آموزشی را محدود خواهد نمود. انجام مطالعه‌ای که برای دانشگاه‌های علوم پزشکی این امکان را فراهم سازد که به جای دو ترم تحصیلی در سال، سه ترم را طراحی کنند؛ شاید موجب شود واحدهای درسی کمتر با کیفیت و تعمق بیشتر؛ و مدت زمان کمتری در طول هر ترم تحصیلی طی شود. روش کار در قالب این مطالعه؛ برنامه ریزی درسی مقطع کارشناسی رشته پرستاری برای ۸۶ واحد نظری، ۱۱ واحد عملی و ۳۹ واحد کارآموزی و کارورزی مطابق کوریکولوم آموزشی در قالب دو سناریوی دو ترمی و سه ترمی در هر سال تحصیلی انجام و مقایسه شد. در این مطالعه سناریوی سه ترمی دقیقاً در دوره زمانی سناریوی دو ترمی و بدون استفاده از پتانسیلهای آموزشی در تعطیلات تابستان اتفاق افتاده است. بنابراین در سناریوی دو ترمی ۱۳۶ واحد در دوره چهار ساله، در قالب ۸ ترم و در سناریوی سه ترمی در قالب ۱۲ ترم در نظر گرفته شد. به لحاظ محاسبه ظرفیت زمانی آموزش در هر هفته، در هر دو سناریو؛ روزهای کاری هر هفته پنج روز و ساعات فعالیت در هر روز هشت ساعت در نظر گرفته شد. تعداد هفته‌های آموزش در هر ترم در سناریوی دو ترمی ۱۶/۵ و در سناریوی سه ترمی ۱۱/۲ می باشد لیکن متوسط ساعت آموزش دانشجویان در هر دو سناریو و در هر روز مساوی و حدود ۵ ساعت بود. پس از آن مزایا و معایب آن برای دانشجویان، مدرسان و کارکنان آموزش مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌ها در مجموع تعداد روزهای آموزش، امتحانات، تعطیلات بین ترمی؛ به ترتیب ۹، ۷ و ۴۶ روز؛ در سناریوی دو ترمی نسبت به سناریوی سه ترمی کمتر بوده و در مجموع آموزش مستقیم دانشجویان در هر دو سناریو صرفاً ۵۰ درصد از روزهای سال را به خود اختصاص می دهد. در سناریوی سه ترمی، تعداد واحدهای درسی کمتر و میزان ساعت آموزش هر واحد بیشتر، و احتمال تمرکز و تعمق دانشجویان و مدرسین بیشتر به دروس آموزشی فراهم می باشد. همچنین

آموزش در کوتاه مدت و بصورت پیوسته ماندگاری بیشتری می تواند داشته باشد. از سویی عدم تنوع در دروس در نظام سه ترمی و کوتاه بوده طول ترم به نوبه خود می تواند موجب کسالت و خستگی و استرس دانشجویان را فراهم آورد. مدرسان نیز در سناریوی سه ترمی بجای ۱۶ هفته ۲ ساعته، ۱۱ هفته سه ساعته تدریس می نمایند. این موضوع موجب خواهد شد مدرس در طول ترم با تعداد کلاس کمتر ولی ساعت بیشتر روبرو باشد و شناخت و تمرکز بیشتری بر روند تحصیلی و آموزشی دانشجویان در طول یک ترم داشته باشند. میزان فعالیت کاری کارکنان آموزش از جمله تشریفات امتحان و انتخاب واحد دانشجویان برای ۳۸ واحد در دو ترم (هر ترم ۱۹ واحد) به ۳۸ واحد در سه ترم (هر ترم ۱۳ واحد) با توزیع متوازن تری صورت خواهد گرفت. بحث و نتیجه گیری تجویز نظام آموزشی سه ترمی یا دو ترمی در هر سال تحصیلی دارای مزایا و معایبی استفاده که می تواند برای رشته های مختلف دانشگاهی و کورس های درسی مختلف بنا به فراخور و پتانسیل های آموزشی دانشگاهها مثر ثمر یا بی فایده باشد.

کد: ۱۱۰۳

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی تأثیر بازخورد شفاهی بر پیامدهای یادگیری

دانشجویان پرستاری

نویسندگان: حدیثه منادی زیارت

کلیدواژه‌ها: بازخورد شفاهی، آموزش بالینی، یادگیری شناختی،

یادگیری مهارت های بالینی، دانشجویان پرستاری.

متن مقاله: مقدمه: مفهوم ارزیابی به عنوان مهم ترین عامل مؤثر در چگونگی یادگیری فراگیران در آموزش شناخته شده است. این فرآیند در قالب ارزیابی تکوینی و نهایی صورت می گیرد. ارزیابی تکوینی باید همراه با ارائه بازخورد صورت بگیرد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر بازخورد شفاهی بر پیامدهای یادگیری دانشجویان پرستاری، دانشکده علوم پزشکی آبادان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ انجام گرفت. روش کار: مطالعه حاضر، یک مطالعه مداخله ای از نوع نیمه تجربی می باشد، نمونه گیری به شیوه آسان و در دسترس انجام گرفت. تعداد نمونه ها ۳۳ نفر (۱۹ نفر گروه مداخله و ۱۴ نفر گروه کنترل) بودند و به همراه مربیان کارآموزی خود را در بخش اطفال گذراندند. هر مربی در هر دو نوع روش آموزشی حضور داشت. در گروه مداخله، مربی بایستی حداقل یک نوبت در روز و در نزدیک ترین زمان ممکن به



عملکرد دانشجوی، بازخورد شفاهی را ارائه می نمود. ابزار گردآوری داده ها شامل: (۱) فرم اطلاعاتی حاوی مشخصات شرکت کنندگان. (۲) پرسشنامه خود ایفاء در حیطة یادگیری شناختی که در اولین و آخرین روز کارآموزی توسط فراگیران تکمیل گردید. (۳) چک لیست یادگیری مهارت های بالینی در حیطة فعالیت های بالینی که در آخرین روز کارآموزی توسط مربیان تکمیل گردید. سپس داده های مربوطه با استفاده از آزمون های آماری تی، من-ویتنی و مجذور کای بررسی گردید. یافته ها: در هر دو گروه، میانگین نمرات فراگیران در حیطة یادگیری شناختی نسبت به پیش آزمون به طور معنی داری بهبود یافت ( $p=0.01/0$ ). همچنین تفاضل میانگین نمرات یادگیری بین دو گروه، از نظر آماری معنی دار بود ( $p=0.01/0$ ). در حیطة مهارت های بالینی، میانگین نمرات در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل تفاوت آماری معنی داری داشت ( $p=0.01/0$ ). نتیجه گیری: بازخورد شفاهی می تواند موجب ارتقاء یادگیری شناختی و یادگیری مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری گردد. پیشنهاد می شود از این روش آموزشی در برنامه آموزش بالینی فراگیران استفاده شود.

کد: ۱۱۱۱

حیطة: روش های تدریس

عنوان: سنجش نگرش درمورد برنامه گزارش صبحگاهی مشترک عفونی - داخلی در بیمارستان ولیعصر دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نویسندگان: زهره آذرکار

کلیدواژه ها: گزارش صبحگاهی، آموزش، عفونی

متن مقاله: مقدمه: هدف از آموزش پزشکی کسب دانش و مهارت و نگرش لازم برای مراقبت از بیماران میباشد. گزارش صبحگاهی یکی از جلسات آموزشی در بیمارستان های آموزشی است که به منظور ارایه گزارش از بیماران بستری شده و اقدامات انجام شده توسط پزشکان مستقر در بیمارستان در کشیک قبلی تشکیل می شود. به طور معمول بیشتر گروه های آموزشی به طور مستقل جلسات گزارش صبحگاهی خود را برگزار می کنند که معمولا اساتید صاحب نظر گروه در جلسات حضور داشته و درباره اقدامات انجام شده اظهار نظر کرده و مطالب آموزشی را ضمن آن به دانشجویان منتقل می کنند. گزارش صبحگاهی باعث ارتقاء دانش پایه، مهارت های طرح تشخیص افتراقی، مهارت حل مسئله میشود و به عنوان ابزاری برای ارزیابی خدمات بالینی و وسیله ای برای

تضمین کیفیت شناخته میشود. ارائه گزارش صبحگاهی در بخش عفونی نیز یکی از مهمترین پایه های آموزش در این بخش به حساب می آید. سالها این برنامه آموزشی بصورت مشترک با بخش داخلی برگزار میشود. بر اساس نظرسنجی از کارآموزان پزشکی در مورد روند برگزاری مورنینگ رپورت عفونی و وجود نارضایتی دانشجویان از رویه مورنینگ جهت رفع مشکل و نیز جهت ارتقا کیفیت آموزش دانشجویانی که بخش عفونی را در دوره کارآموزی می گذرانند بران شدید تا در این مورد ارزیابی انجام دهیم. روش اجرا: در طی یکسال گزارش صبحگاهی بخش عفونی به دو شکل مشترک با بخش داخلی برای سه روز در هفته و بصورت مستقل سه روز در بخش عفونی برگزار شد سپس با طراحی یک پرسشنامه که توسط کارشناس آموزش پزشکی تهیه شده بود در رابطه با نگرش برنامه گزارش صبحگاهی بخش عفونی از دانشجویان پزشکی کارآموز که در یک دوره تحصیل میکردند و هر دو نوع مورنینگ رپورت مشترک و اختصاصی را تجربه کرده بودند نظر سنجی بعمل آمد. نتایج: در این مطالعه ۳۶ دانشجوی پزشکی در مقطع کارآموزی شرکت کردند. ۵۵/۵ دختر و ۴۴/۵ پسر بودند. ۳۸/۹٪ معدل بین ۱۵ تا ۱۷ داشتند. ۵۰٪ دانشجویان معتقد بودند که شرکت در مورنینگ مشترک به فهم بیماران عفونی کمک میکند. ۹۰٪ دانشجویان شرکت در مورنینگ عفونی را به دلیل کم بودن دانشجویان باعث مشارکت خود در بحث ها میدانستند. همچنین ۸۰٪ آنها اختصاصی بودن مطالب را موثر در درک مطالب می دانستند اما ۵۰٪ معتقد بودند که شرکت در مورنینگ مشترک باعث مطرح شدن مشکلات متنوع را بیشتر فراهم می کند. اکثر دانشجویان معتقد بودند که شرکت در مورنینگ اختصاصی عفونی باعث یادگیری بیشتر دانشجوی، تعامل بیشتر استاد و دانشجویان و افزایش نظم جلسه میشود. بطور کلی ۸۶/۲٪ دانشجویان با برگزاری گزارش صبحگاهی اختصاصی عفونی موافق بودند. نتیجه گیری: بر اساس این مطالعه برگزاری مورنینگ مشترک به دلیل حضور دستیار داخلی و توجه بیشتر اساتید به مباحث داخلی و نیز زیاد بودن دانشجویان در مورنینگ مشترک باعث کاهش تمرکز دانشجویان و در نتیجه افت کیفیت آموزش عفونی میشود. بر همین اساس برگزاری مورنینگ اختصاصی به دلایل مدیریت بهتر زمان، افزایش توجه و تمرکز دانشجویان، توجه بیشتر به مسائل عفونی و افزایش میزان یادگیری باعث ارتقا آموزش بخش عفونی می شود.

کد: ۱۱۱۶

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص ارزشیابی عادلانه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال تحصیلی ۹۴-۹۲

نویسندگان: سمیه دل رحمی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی عادلانه، تحصیلی، عدالت، دانشجویان  
متن مقاله: مقدمه: عدالت آموزشی یکی از پرچالش‌ترین مباحث در آموزش که در سال‌های اخیر کانون توجه بوده، اجرای یکسان قوانین و مقررات آموزشی برای همه افراد و برتری نداشتن دانشجویی بر دانشجوی دیگر شیوه ارزشیابی و نحوه آموزش اساتید از مباحثی است که بیشترین دغدغه دانشجویان را شکل می‌دهد. از این رو مسئله مورد توجه این فرآیند بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص ارزشیابی تحصیلی عادلانه دانشجویان دانشکده پرستاری اسفراین می‌باشد. روش کار: در این مطالعه توصیفی-مقطعی از پرسشنامه "بررسی عدالت در ارزشیابی درسی از دیدگاه دانشجویان" که روایی و پایایی آن استفاده شده. پرسشنامه در طی نیمسال اول ۹۳-۹۲ در اختیار ۳۴ نفر از دانشجویان پرستاری و نیمسال اول ۹۴-۹۳ در اختیار ۳۹ نفر از دانشجویان پرستاری و بهداشت عمومی قرار گرفت و بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: در گروه اول این مطالعه، ۳۸/۲٪ مونث و ۶۱/۸٪ مذکر، ۷۳/۵٪ مجرد و ۲۶/۵٪ متاهل، ۵۸/۸٪ ساکن خوابگاه و میانگین سنی ۲۲/۳۱ سال، میانگین معدل کل دانشجویان ۱۶/۵۵ و میانگین واحد‌های گذرانده شده ۴۹ و در گروه دوم ۷۴/۴٪ مونث و ۲۵/۶٪ مذکر، ۸۰٪ مجرد و ۲۰/۲۰٪ متاهل، ۶۸/۸٪ ساکن خوابگاه و میانگین سنی ۲۰/۳۵ سال، میانگین معدل کل دانشجویان ۱۶/۲۶ و میانگین واحد‌های گذرانده شده ۳۷ می‌باشد. و حداقل نمره عدالت کسب شده در هر سوال ۱ و حداکثر ۵ می‌باشد که هرچه میانگین نمرات به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده عادلانه تر بودن ارزشیابی از نظر دانشجویان است و هرچه میانگین نمرات به ۵ نزدیکتر باشد نشان دهنده ناعادلانه تر بودن ارزشیابی از نظر دانشجویان می‌باشد، که در مطالعه حاضر میانگین نمره عدالت از دیدگاه دانشجویان در گروه اول ۲/۴۸ با انحراف معیار ۰/۴۱ و در گروه دوم ۲/۷۰ و انحراف معیار ۰/۳۸ بوده است بین دو گروه از نظر نمره عدالت اختلاف معنا دار آمار وجود دارد و گروه دوم نمره عدالت بالاتری دارند با (p=۰/۱۸).. نتایج بدست آمده. در گروه اول و دوم ه ترتیب سوال ۱ (آزمون پایان ترم برای ارزشیابی تحصیلی

دانشجویان کافی است.) با  $P < 0.0001$ ، سوال ۲ (سوالات طراحی شده توسط اساتید با محتوی تدریس آنها تطابق خوبی دارد.) (p=۰/۰۵۵)، سوال ۱۳ (امتحان تستی-تشریحی سبب افزایش اعتماد به نفس من می‌شود) با (p=۰/۰۴۱)، سوال ۱۶ (میزان فعالیت دانشجویان باید در نمره پایان ترم لحاظ گردد) با (p=۰/۰۳) و سوال ۱۷ (نظر مثبت استاد به دانشجویان خاص سبب افزایش نمره آنها می‌شود) با (p=۰/۰۱۲). می‌باشد که رابطه معنا داری وجود دارد. نتیجه گیری: ارزشیابی را بصورت سنجش میزان پیشرفت آموزشی فراگیران بر اساس اهداف تعیین شده تعریف کرده اند. عبارت دقیق تر در ارزشیابی مطلوب و ایده آل تغییر رفتار دانشجو از جهات مختلف که ناشی از آموخته‌های او و در راستای تحول در نگرش، مهارت و حتی شخصیت اوست، بایستی مورد توجه قرار گیرد. زیرا هدف نهایی از آموزش و ارزشیابی اصلاح و ارتقای فرآیند یاددهی - یادگیری در جهت تربیت یک انسان عالم، توانمند و با اخلاق و با دیدگاه باز و روشن است. ملاک رسیدن به اهداف آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان نمود پیدا می‌کند و پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان در تغییر رفتار آنها تجلی می‌یابد که از آن به عنوان ارزشیابی یاد می‌شود که مجموعاً حاصل عملکرد مدرس و بازخورد آن از طرف دانشجویان است، شناخت دیدگاه دانشجو در مورد ارزشیابی تحصیلی و روش‌های اجرایی آن می‌تواند راهنمایی مفیدی برای اصلاح مشکلات موجود فراهم آورد.

کد: ۱۱۱۷

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: بررسی نقش کارپوشه الکترونیکی در فرایند آموزش

نویسندگان: کریم عباسی

کلیدواژه‌ها: کارپوشه الکترونیکی، یادگیری، آموزش

متن مقاله: مقدمه و هدف: امروزه استفاده از کارپوشه الکترونیکی از جدیدترین روش‌های آموزش و ارزشیابی محسوب می‌شود. تعاریف گوناگونی از کارپوشه شده است از جمله کارپوشه روشی است که برای نشان دادن کارها، جلوه‌گر ساختن معلومات، فعالیت به عنوان ادامه فراگیری و ایجاد یک ابزار شغلی که شامل نمونه کارها، گواهی، مهارت و قابلیت‌های اکتسابی است. به طور کلی کارپوشه الکترونیکی نرم افزاری اختصاصی است که برای اهداف گوناگون مانند: پیشرفت دانشجویان و سنجش و ارزیابی آنان، پیشرفت و ترقی استعدادها، فکری، توسعه و پیشرفت آموزشی، ارتباطات آموزشی، آموزشگاه‌ها و یادگیری مادام‌العمر



مورد استفاده قرار می گیرد. این مطالعه با بررسی تحقیقات صورت گرفته در جهان در استفاده از کارپوشه الکترونیکی آموزشی، نقش این وسیله را در یادگیری مادام‌العمر و توسعه فردی، نوع کارپوشه مورد استفاده و عوامل موثر در ایجاد انگیزه جهت استفاده از این وسیله آموزشی مورد ارزیابی قرار می دهد. هدف این مطالعه بررسی نقش کارپوشه الکترونیکی در فرایند آموزش است. روش کار: در این مطالعه که به شیوه مروری انجام گرفت، با جستجو در بانک‌های اطلاعاتی CINAHL، MEDLINE، SCOPUS، DARE و مقالات و تحقیقات مرتبط با موضوع کشف و مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه گیری: نتایج این بررسی حاکی از نقش موثر کارپوشه الکترونیکی در فرایند آموزش بوده و استفاده از آن به اساتید، دانشجویان و مدیران آموزشی در دانشگاه‌ها توصیه می شود.

کد: ۱۱۲۴

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: تاثیر آموزش دستورالعمل مراقبتهای ادغام یافته ناخوشی‌های اطفال بر آگاهی و مهارت دانشجویان پزشکی در ارتباط با مدیریت شایعترین شکایات کودکان  
نویسندگان: فاطمه کیانی، مژگان جهانتیغ، منیژه خلیلی، نرجس سرگلزایی  
کلیدواژه‌ها: مراقبتهای ادغام یافته ناخوشی‌های اطفال، دانش، مهارت، دانشجویان پزشکی

متن مقاله: مقدمه: ارتقاء شاخصهای سلامت کودکان از مهمترین نشانگرهای وضعیت سلامت و از بارزترین نشانگرهای کیفیت ارائه خدمات بهداشتی درمانی در یک جامعه می باشد همانطور که یکی از اهداف توسعه هزاره سوم کاهش مرگ و میر کودکان است. یکی از راهکارهای موثر توصیه شده توسط سازمان جهانی بهداشت به منظور کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال طرح مراقبتهای ادغام یافته ناخوشی‌های اطفال (مانا) است. ما در این تحقیق سعی کردیم تا دانش و مهارتهای کلیدی را در ارتباط با شایعترین شکایات کودکان قبل و بعد از آموزشهای مانا بررسی کنیم. روش‌ها: مطالعه ما یک مطالعه مداخله ای می باشد. افراد مورد مطالعه عبارت بودند از دو گروه ۱۸ و ۱۹ نفره از کارورزان بخش اطفال که در طی دو دوره سه ماهه متوالی مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه اول طی سه ماه بخش اطفال مورد آموزشهای روتین بخش اطفال قرار گرفتند. اما گروه دوم علاوه بر آموزشهای روتین، دستورالعمل مانا را نیز آموزش دیدند. نتایج: تفاوت آماری

معنی داری بین نمره آگاهی دانشجویان درمورد نحوه طبقه بندی، تشخیص بیماری، دستور دارویی، پایش رشد و توصیه های تغذیه ای در دو گروه شاهد و مداخله مشاهده شد (P

کد: ۱۱۲۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت اعتیاد به اینترنت در میان اعضاء هیات علمی علوم پایه پزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد  
نویسندگان: فاطمه نظمیه، محسن میرجلیلی، خدیجه نصیریانی، هنگامه زندی، مهسا خدایاریان، طاهره سلیمی  
کلیدواژه‌ها: اعتیاد به اینترنت، اعضاء هیات علمی، علوم پایه پزشکی، پرستاری، مامایی

متن مقاله: مقدمه و هدف: به دنبال تقاضای رو به افزایش برای استفاده از اینترنت و رایانه، مشکلات به وجود آمده در بهداشت روان و روابط اجتماعی در این ارتباط قابل توجه می باشد. اعتیاد به اینترنت نوعی اختلال است که افراد واجد آن رابطه با صفحه رایانه را جذاب تر از واقعیت زندگی روزمره می دانند. این اختلال را می توان نوعی استفاده از اینترنت تعریف کرد که مشکلات روان شناختی، اجتماعی، درسی و یا شغلی در زندگی فرد ایجاد می کند. واژه معتاد برای کاربران اینترنت هم در نظر گرفته می شود زیرا نشانه های اعتیاد به اینترنت همانند اعتیاد به مواد مخدر، سیگار و... می باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت اعتیاد به اینترنت در میان اعضاء هیات علمی علوم پایه پزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد صورت گرفته است. روش بررسی: این مطالعه توصیفی مقطعی بر روی اعضاء هیات علمی علوم پایه پزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد صورت گرفته است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ مشتمل بر بیست گویه انجام شده که به صورت خود ایفا توسط اعضاء هیات علمی مذکور تکمیل گردیده است. اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی در نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است. یافته ها: نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که میانگین سنی واحدهای مورد پژوهش ۴۲،۳۹ سال بوده است. ۷۱،۴ درصد از اعضاء هیات علمی مذکور در دانشکده پزشکی و بقیه در دانشکده پرستاری و مامایی شاغل می باشند. ۹۳،۹ درصد واحدهای مورد پژوهش به عنوان کاربر معمولی بوده و ۶،۱ درصد در معرض اعتیاد به اینترنت می باشند.



هیچ یک از واحدهای مورد پژوهش به عنوان معتاد به اینترنت شناخته نشدند. بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله به نظر می رسد که اعضاء هیات علمی علوم پایه پزشکی، پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد با برنامه ریزی مناسب و توجه کافی از ایجاد اعتیاد به اینترنت در خود جلوگیری کرده و به عنوان کاربر معمولی استفاده معقولانه از اینترنت داشته اند.

کد: ۱۱۲۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی نیازهای مهارتی زبان انگلیسی دانشجویان رشته پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: صدیقه فلاح، سیده انسیه میرحجتی  
کلیدواژه‌ها: نیازسنجی، دانشجوی پرستاری، زبان انگلیسی، مهارت

متن مقاله: مقدمه: نیازسنجی به عنوان یک عامل مهم در طراحی و تدوین مناسب مطالب، تعیین اهداف و تشخیص شکاف بین جایگاه فعلی و اهداف تعیین شده است. به لحاظ علمی نیز، اولین گام در برنامه ریزی آموزشی، تعیین نیازهای آموزشی افراد است. این مطالعه در صدد تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان رشته پرستاری به آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است. روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی، ۵۷ نفر از دانشجویان ترم های ۵ و ۴ رشته پرستاری (۲۳ نفر پسر و ۳۴ نفر دختر) در دانشگاه علوم پزشکی گیلان به روش نمونه گیری سرشماری انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته شامل ۲ قسمت در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. بخش اول پرسشنامه شامل مشخصات دموگرافیک دانشجویان بوده است و بخش دوم نیز شامل دو قسمت متشکل از ۲۳ پرسش در راستای نیازهای دانشجویان رشته پرستاری در زمینه به کارگیری چهار مهارت اصلی زبان انگلیسی (شنیداری، گفتاری، خواندن و نوشتن) و سوالاتی از قبیل نوع دوره، نوع تدریس، شیوه ارزشیابی بوده است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ تایید گردید. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: با توجه به میانگین نمرات به دست آمده در زمینه چهار مهارت اصلی، بیشترین نیاز در زمینه مهارت شنیداری، درک مطالب مورد بحث (۴,۲۱±۰,۹)

در زمینه گفتاری به مکالمه عمومی (۴,۵۱±۰,۶۸) در زمینه مهارت خواندن، خواندن متون انگلیسی تخصصی (۴,۵۸±۰,۵۶) و در زمینه مهارت نوشتن، یادداشت برداری طی سخنرانی ها (۳,۸۱±۰,۹) تشخیص داده شد. همچنین براساس یافته های تحقیق ۷۳,۷ درصد از دانشجویان معتقد بودند بحث گروهی در آموزش زبان انگلیسی می تواند یک شیوه تدریس اثربخش در دانشگاه باشد و ۵۶,۱ درصد باور داشتند که در ارزشیابی، فعالیت های کلاسی میان ترم به همراه نمره امتحان آخر ترم لحاظ گردد. در مورد تعداد دفعات برگزاری کلاس در هفته ۸۴,۲ درصد از دانشجویان برگزاری دو جلسه در هفته را مناسب دانستند. همچنین اختلاف معناداری بین دانشجویان دختر و پسر در زمینه نیازهای مهارتی زبان انگلیسی مشاهده نشد. نتیجه گیری: به منظور دستیابی به اهداف آموزشی تعیین شده و ارائه مناسبتر مطالب براساس نیاز فراگیران بررسی علمی نیازهای آموزشی ضروری به نظر می رسد. لذا بایستی زمینه ای فراهم گردد تا کسب مهارت های زبان انگلیسی دانشجویان پرستاری بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کد: ۱۱۳۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: نقش پیش بینی کننده سبک رهبری مدیران گروههای آموزشی بر اثربخشی رهبری و تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان  
نویسندگان: امیر صادقی، سیده ازاده صفوی  
کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، مدیر گروه، اثر بخشی رهبری، تلاش مضاعف

متن مقاله: نقش پیش بینی کننده سبک رهبری مدیران گروههای آموزشی بر اثربخشی رهبری و تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان دکتر امیر صادقی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان دکتر سیده ازاده صفوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی گرایش آموزش، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان مقدمه و هدف: گروههای آموزشی واحدهای محوری در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به حساب می آیند و موفقیت هر یک از این موسسات تابع عملکرد اثربخش گروههای آموزشی است. موفقیت گروههای آموزشی در گرو بهره مندی آنها از مدیران اثربخش و تلاش مضاعفی است که اعضای هیئت علمی در جهت تحقق اهداف گروه از خود نشان میدهند. نتایج برخی از





مطالعات حاکی از تاثیر سبک رهبری بر اثربخشی مدیران و همچنین تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی است. مطالعه حاضر بمنظور بررسی ارتباط سبک رهبری مدیران گروههای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی همدان با اثربخشی آنها و تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی صورت گرفته است. روش کار: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۱۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی گروههای آموزشی دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی همدان به روش نمونه گیری تصادفی- طبقه ای از نوع نسبی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه چند عاملی رهبری بس و اولیو بود. پایایی پرسشنامه با انجام مطالعه مقدماتی بررسی و ضریب همسانی درونی آن ۰.۹۲، بدست آمد. یافته ها: مدیران گروههای آموزشی از ترکیبی از سبکهای تحول آفرین، عملگرا و عدم مداخله استفاده میکردند که در این بین سبک رهبری تحول آفرین سبک غالب بود. از مولفه های سبک رهبری تحول آفرین، انگیزش الهام بخش ( $SD=0.84, M=2.61$ ) و نفوذ آرمانی ( $SD=0.77, M=2.58$ ) بیشتر از سایر مولفه ها مورد استفاده مدیران گروههای آموزشی قرار میگرفتند. مدیران گروههای آموزشی از بین مولفه های سبک عملگرا، از پاداش اقتضایی ( $SD=0.82, M=2.46$ ) بیشتر از سایر مولفه ها استفاده میکردند. نتایج حاصل کمتر از نرم اعلام شده در تئوری رهبری تحول آفرین میباشد. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره گام به گام بیانگر این بود که تحریک ذهنی و نفوذ آرمانی از مولفه های سبک تحول آفرین و پاداش اقتضایی از مولفه های سبک عملگرا ۷۰٪ از واریانس اثر بخشی رهبری را تبیین میکنند ( $R^2=0.70$ ) در این زمینه تحریک ذهنی با بتای استاندارد شده ( $\beta=0.36$ ) پیش بینی کننده غالب بود. همچنین نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این بود که انگیزش الهام بخش از مولفه های سبک رهبری تحول آفرین و پاداش اقتضایی از مولفه های رهبری عملگرا ۷۱٪ پراکندگی تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی را تبیین میکنند ( $R^2=0.71$ ) انگیزش الهام بخش با بتای استاندارد شده ( $\beta=0.6$ ) پیش بینی کننده غالب بود. بحث و نتیجه گیری: هر چند استفاده از ترکیبی از رفتارهای رهبری تحول آفرین و عملگرا توسط مدیران گروههای آموزشی تا حدی مطلوب بنظر میرسد اما نتایج حاصله با میانگین رهبران اثر بخش فاصله دارد. بهمین جهت آموزش سبکهای نوین رهبری میتواند به کاهش این فاصله کمک کند. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون بیانگر این بود که متغیر سبک رهبری پیش بینی کننده مناسبی برای اثربخشی مدیران گروههای آموزشی و تلاش مضاعف اعضای هیئت علمی است.

نتایج حکایت از آن دارد که تدوین اهداف بلند پروازانه، ترغیب اعضای هیئت علمی به مشارکت در فعالیتهای گروه، اعطای پاداش در قبال عملکرد مناسب به اعضای گروه و تشویق و ترغیب آنها به فعالیتهای نوآورانه، تلاش بیشتر اعضای هیئت علمی را بدنبال داشته و موجب تحقق بیشتر اهداف گروه و دانشکده میشود.

کد: ۱۱۳۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: عوامل تاثیر گذار بر خودتنظیمی در یادگیری از دیدگاه

دانشجویان پزشکی

نویسندگان: زهرا جوهری، فریبا حقانی، طاهره چنگیز

کلیدواژهها: دانشجو، خودتنظیمی در یادگیری، عوامل تاثیر گذار

متن مقاله: دانشجوی پزشکی بدلیل شرایط خاص دوره بالینی مانند برخورد با بیمار، یادگیری معنادار، استفاده از تفکر انتقادی، خودارزیابی در فعالیت های انجام شده و به روزرسانی اطلاعات نیاز به مهارت کلیدی خودتنظیمی در یادگیری دارد. از طرفی تنوع فعالیتهای دانشجویان این دوره و جذابیت حضور در بالین بیمار شرایط متفاوت و متنوعی را برای آموزش فراهم می آورد. از آنجایی که پژوهش های کمی بیشتر در بر گیرنده متغیرهای محدودی هستند و عمق واقعیت موجود را نشان نمی دهند در این پژوهش به منظور درک واقعی تجربیات دانشجویان در زمینه خودتنظیمی رویکرد پژوهش کیفی بکار گرفته شده است. بنابر این مطالعه حاضر با هدف تبیین دیدگاه دانشجویان پزشکی در زمینه عوامل تاثیر گذار بر خودتنظیمی آنان در یادگیری انجام شده است. جامعه پژوهش دانشجویان پزشکی دوره بالینی مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. مطالعه در سال ۱۳۹۳ انجام گرفته است. در مطالعه حاضر روش نمونه گیری مبتنی بر هدف برای انتخاب دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت. برای داشتن بیشترین تنوع در نمونه ها بر اساس لیست تهیه شده از آموزش گروه دانشجویان با معدل بالا (۱۶ به بالا)، دانشجویان با معدل متوسط (۱۴-۱۶) و دانشجویان با معدل پایین (زیر ۱۴) وارد مطالعه گردیدند. برای گرد آوری داده ها از مصاحبه حضوری نیمه ساختار یافته استفاده شده است برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده و سازماندهی اطلاعات با نرم افزار MAXQD 2010 انجام گرفت. در مجموع تحلیل اطلاعات کیفی مربوط به ۲۱ مصاحبه با ۱۹ دانشجو در سال ۵۰۴ پزشکی انجام گرفت. در پایان تجزیه و تحلیل اطلاعات شش طبقه اصلی بعنوان عوامل تاثیر گذار



16 via Chi-square test. ultimately. Results: all of the mentioned students have participated in the current trial, but just 10 persons of Kashan University of Medical Sciences' teachers and 15 persons of Shahid Beheshti University of Medical Sciences' teachers have done so. The mean and standard deviation of students' view was estimated (Shahid Beheshti University of Medical Sciences ( $110 \pm 22.8$ ) and Kashan University of Medical Sciences ( $101 \pm 24.7$ )) ( $P = 0.002$ ). Also, the mean and standard deviation of lecturers' view was estimated (Shahid Beheshti University of Medical Sciences ( $83 \pm 15.5$ ) and Kashan University of Medical Sciences ( $72 \pm 16.6$ )) ( $P = 0.1$ ). Conclusion: totally, the rate of welcoming of this program in students' view and teachers' one was in a high state. But the rate of Kashan University of Medical Sciences was lower than Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Codifying and informing of this plan in the University and wiping out of possible problems could promote the satisfying of students and lecturers .

کد: ۱۱۴۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: عوامل موثر بر ایجاد انگیزش شغلی در بین پرستاران

دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

نویسندگان: نسرين خواجه علي، فاطمه احمدی، مریم اسلمی

کلیدواژه‌ها: انگیزش شغلی، رضایت شغلی، عوامل درونی، عوامل

بیرونی، پرستاران

متن مقاله: مقدمه: انگیزش یکی از ابزارهای مهم در القای کارکنان برای تولید نتیجه موثر و کارآمد و خلق محیط کاری مثبت و اجرای موفقیت آمیز برنامه های پیش بینی شده است. لذا جهت شناسایی عوامل درونی و بیرونی انگیزش شغلی، این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر در ایجاد انگیزش شغلی پرستاران دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شد. روش: در یک مطالعه توصیفی، تعدادی از پرستاران شاغل در بیمارستان های آموزشی اهواز (۳۰۰ نفر) مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای ۴۰ سوالی که بر اساس تئوری دو عاملی هرزبرگ طراحی گردیده بود، مورد بررسی قرار گرفت. روایی و پایایی ابزار مورد تاکید قرار گرفت. داده ها با استفاده از آزمون کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نتایج نشان داد که ۷۵ درصد پرستاران عوامل بیرونی و ۶۸ درصد آنها عوامل درونی را بر ایجاد انگیزه شغلی

مطرح گردیدند. این طبقات عبارت بودند از: طبقه خانواده با دو زیر گروه نقش نظارتی و نقش حمایت خانواده طبقه همتایان با دو زیر گروه نقش مثبت همتایان و نقش بازدارنده همتایان طبقه اساتید با دو زیرگروه ویژگی های شخصیتی اساتید و ویژگی های آموزشی اساتید طبقه محیط آموزشی با دو زیر گروه نقش تسهیل کننده و نقش بازدارنده طبقه دانشجو (خود فرد) با دو زیر گروه موانع فردی و عوامل تسهیل کننده فردی طبقه اجتماعی، فرهنگی با زیر گروه انتظارات و جذابیت های جامعه با توجه به نتایج حاصل از بیان و درک دانشجویان از عوامل تآثر گذار بر خودتنظیمی بایستی بمنظور ارتقاء مهارت خودتنظیمی در یادگیری دانشجویان بر حسب مورد و شرایط از اثرات مثبت هر یک از عوامل یاد شده کمک گرفته و در جهت رفع و یا کاهش اثرات منفی هر یک اقدام شود.

کد: ۱۱۳۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی و اعضای هیئت علمی

در خصوص درس فارماکولوژی آنتی بیوتیکها در دانشگاههای

علوم پزشکی کاشان و شهید بهشتی

نویسندگان: زهرا سلیمانی

Keywords: Evaluation of viewpoint, antibiotics

Background: integration is an important strategy and also a complicated conception in medical training. One of the most important points in this matter is the communication between teacher and being of common programs (in different subjects). The lecturers might be agreeing with integration, but might not in their own view. Polling of lecturers and students of related filed is seemed to be necessary in order to integration. Because of antibiotic resistance integration must be done in curriculum. Aim: Evaluation of viewpoint of medical students and faculty member of Kashan and Shahid beheshti university of medical sciences about pharmacology of antibiotics in education curriculum Methods and materials: the current study is a cross sectional-describing trial. Medical students (150 persons of Kashan University of Medical Sciences and 150 persons of Shahid Beheshti University of Medical Sciences) that have spent pharmacology course and infection ward, and also the teachers of pharmacology and infection ward recorded their polls in the questionnaire. The obtained data of the questionnaires were analyzed by SPSS software v.



موثر می دانستند. در بین عوامل درونی به ترتیب اهمیت، شناخت و قدردانی افراد، پیشرفت شغلی و موفقیت شغلی و در بین عوامل بیرونی به ترتیب اهمیت، عامل های حقوق و دستمزد، امنیت شغلی و نحوه ارتباط با دیگران بیشترین نقش را داشته اند. نتیجه گیری: اهمیت عامل بیرونی از نظر پرستاران در مقایسه با عوامل درونی (انگیزش) در ایجاد انگیزه شغلی بیشتر می باشد که با نظرات هرزبرگ مطابقت ندارد. مهم ترین عامل در ایجاد انگیزش شغلی، حقوق بوده است.

کد: ۱۱۵۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی کیفیت آموزش درمانگاهی از دید فارغ التحصیلان جدید رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز ۱۳۹۳  
نویسندگان: راضیه نشاط آور، منصور مسجدی  
کلیدواژه ها: آموزش درمانگاهی، فارغ التحصیلان، کیفیت.  
متن مقاله: مقدمه: آموزش طب سرپایی بخش عمده ای از آموزش پزشکی بوده و از نظر ارتباط نزدیک با آینده شغلی پزشکان و ایجاد پزشک خانواده و سیستم ارجاع مورد توجه ویژه قرار گرفته است. هدف از انجام این مطالعه بررسی کیفیت آموزش درمانگاهی از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد. روش ها: مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی و تعداد شرکت کنندگان ۹۰ نفر بود. ابزار تحقیق برگرفته از پرسشنامه روا و پایای مطالعه آقای خراسانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود که پایایی با آلفای کرونباخ بالای ۹۲ درصد و روایی ظاهری و محتوایی آن با تأیید کارشناسان آموزشی با ۲۲ سوال تهیه گردید. نتایج: میانگین سنی دانشجویان  $25 \pm 2/7$  بود.

کد: ۱۱۵۴

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: میزان آشنایی و دانش اعضای هیات علمی با اصول تهیه سوالات امتحانی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز  
نویسندگان: مریم اسلمی، عبدالحسین شکورنیا،  
کلیدواژه ها: سوالات امتحانی، اعضای هیات علمی، دانش، آگاهی  
متن مقاله: مقدمه: با بررسی آگاهی و مهارت اعضای هیات علمی نسبت به اصول تهیه سوالات امتحانی می توان به دست اندرکاران در بهبود و ارتقای کیفیت آزمون ها در دانشگاه کمک کرد. به

همین منظور مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان آشنایی و دانش اعضای هیات علمی در ارتباط با اصول تهیه سوالات امتحانی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. یکی از ارکان برنامه ریزی آموزشی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که به وسیله آن میزان یادگیری و در نهایت میزان دستیابی به اهداف آموزشی اندازه گیری می شود. اگر ارزیابی دانشجویان به درستی طراحی و اجرا شود علاوه بر افزایش انگیزه دانشجویان، به مدرسان نیز در ارزیابی فعالیت های خود کمک می کند. از اهم وظایف مدرسان طراحی آزمون و تهیه سوالات امتحانی به عنوان بخش پایانی فرایند تدریس می باشد. در دانشگاه های علوم پزشکی کارگاهی به منظور آشنایی اعضای هیات علمی با روشها و اصول طراحی آزمون و سوالات امتحانی، برگزار می گردد. در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز نیز "کارگاه ارزیابی دانشجو و طرح سوال" برگزار گردیده است و انتظار می رود که اعضای هیات علمی آگاهی کافی با روشها و اصول طراحی آزمون داشته باشند و بتوانند شرایط برگزاری یک آزمون مطلوب و استاندارد را فراهم نمایند. بنابراین اساسی ترین عامل برای تحقق این مهم میزان آگاهی و توانایی مدرسین با قواعد آزمون سازی است. روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی میزان آشنایی و دانش اعضای هیات علمی غیر بالینی در زمینه اصول طراحی آزمون مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای بود که روایی آن توسط کارشناسان تایید و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ  $0/725$  تعیین شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-18 و آمار توصیفی و تحلیلی آنالیز شد. یافته ها: میانگین مجموع نمره "میزان آشنایی اساتید" با اصول تهیه سوالات چند گزینه ای  $17/62$  از حداکثر ۲۴ و میانگین مجموع نمره "میزان آگاهی اساتید" با اصول تهیه سوالات چند گزینه ای  $4/02$  از حداکثر ۹ بود. آزمون t نشان داد که بین "میزان آشنایی" اساتید به تفکیک جنس و رتبه علمی تفاوت معنی دار آماری وجود دارد ( $p < 0/05$ ). نتیجه گیری: نتایج نشان داد میزان آشنایی و آگاهی اعضای هیات علمی با مبانی و اصول طراحی آزمون و تهیه سوالات امتحانی در دانشگاه مطلوب نمی باشد و اکثر مدرسین از روشهای ارزیابی و اصول علمی تهیه سوالات امتحانی اطلاع کافی نداشتند. به همین منظور پیشنهاد می شود با توجه به اهمیت و نقش آزمون ها در ارزشیابی دانشجویان و ارتقای کیفیت آزمون ها ضمن بررسی تاثیر عوامل مرتبط و موثر در این زمینه برگزاری دوره های آموزشی جهت اساتید استمرار یابد.



کد: ۱۱۵۵

حیطه: ارزشیابی دانشجویی

عنوان: مقایسه عملکرد آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضای هیات علمی بالینی و علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز بر اساس امتیازات ارزشیابی نویسندگان: محمد زیبایی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، هیات علمی علوم پایه و بالینی، عملکرد آموزشی، عملکرد پژوهشی، عملکرد اجرایی

متن مقاله: مقدمه: اعضای هیات علمی به دو صورت پایه و بالینی تمام وقت جغرافیایی و غیرجغرافیایی مشغول ارائه خدمت به دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشند. با توجه به شرح وظایف موجود، اعضای هیات علمی باید در حیطه‌های آموزشی، پژوهشی، توسعه فردی و اجرایی-مدیریتی انجام وظیفه نمایند، و بر اساس همین فعالیت‌ها ارزشیابی می‌گردند. تحقیق حاضر با هدف مقایسه عملکرد آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضاء هیات علمی پایه و بالینی تمام وقت جغرافیایی و تمام وقت غیر جغرافیایی دانشگاه علوم پزشکی البرز بر اساس امتیازات ارزشیابی در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ انجام گرفته است. مواد و روش‌ها: در یک مطالعه توصیفی-مقطعی ۱۰۰ نفر از اعضای هیات علمی پایه و بالینی که در طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ در دانشگاه علوم پزشکی البرز به صورت تمام وقت جغرافیایی و تمام یا نیمه وقت غیر جغرافیایی مشغول به کار بودند، انتخاب شدند. داده‌ها بر اساس فرم‌های ترفیع سالیانه که توسط کمیته ترفیع دانشکده‌ها تکمیل و به اداره امور هیات علمی دانشگاه ارائه شده بود، جمع‌آوری گردید، سپس نمره ارزشیابی افراد تحت مطالعه در واحد ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی با نرم افزار SPSS و آزمون T-test مستقل با هم مقایسه گردید. یافته‌ها: از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت کننده در این مطالعه ۵۱ (۵۱ درصد) نفر مرد و ۴۹ (۴۹ درصد) نفر زن بودند. آزمون آماری تی مستقل بین میانگین امتیازات آموزشی ( $P=0.191$ ) و اجرایی ( $P=0.942$ ) دو گروه تفاوت معنی داری را نشان نداد، در حالیکه در حیطه پژوهشی تفاوت معنی داری بین دو گروه مورد مطالعه مشاهده گردید ( $P=0.005$ ). در مقایسه عملکرد دو گروه بر اساس جنس، آزمون آماری تی مستقل بین زنان و مردان تفاوت معنی داری را نشان داد ( $P=0.046$ ). در حیطه آموزشی میانگین نمرات اعضای هیات علمی پایه تمام وقت جغرافیایی (۱۵/۹۷) اندکی بیش از اعضای هیات علمی بالینی تمام وقت و غیر تمام وقت جغرافیایی بود (۱۲/۱۳). بحث و نتیجه گیری: با توجه به

نتایج بدست آمده بین عملکرد آموزشی و اجرایی اعضای هیات علمی علوم پایه و بالینی تمام وقت و غیر تمام وقت جغرافیایی در این دانشگاه تفاوتی وجود ندارد، در حالیکه در حیطه پژوهشی تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده گردید. تفاوت مشاهده شده نشان دهنده این نکته بوده که اعضای هیات علمی بالینی به علت انجام امور درمانی و نبود دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه پژوهشی دارای فعالیت کمتری می‌باشند.

کد: ۱۱۶۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: ارزیابی وضعیت عدالت آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: مازیار جلالوندی، پیمان امیریان، میلاد مرادی، محمد رسول توحیدنیا، پوریا ویسی

کلیدواژه‌ها: عدالت آموزشی، دانشجویان، اساتید، کرمانشاه

متن مقاله: مقدمه: به طور کلی عدالت را احقاق، حقوق برابر برای تمامی افراد جامعه می‌دانند. یکی از جنبه‌های مهم عدالت، عدالت در امر آموزش می‌باشد. عدالت در آموزش به معنای فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی برابر برای دانشجویان است، که اغلب برابری در برخورد‌های اساتید با دانشجویان را شامل می‌شود. این شکل از عدالت می‌تواند باعث ارتقای سطح عملکرد دانشجویانی شود که دارای تفاوت در زمینه‌های تحصیلی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند. لذا با توجه به اهمیت مقوله عدالت آموزشی و جایگاه ویژه آن در آموزش پزشکی، این مطالعه با هدف بررسی وضعیت عدالت آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه انجام گردید. مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی - مقطعی می‌باشد، که در سال ۱۳۹۳ و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شد. در مجموع ۲۰۱ نفر از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه حاضر به همکاری شدند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه عدالت آموزشی و پس از تایید پایایی و روایی محتوایی آن، جمع‌آوری گردید. سپس داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ و آزمون‌های تی مستقل و کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: اکثر واحد‌های پژوهش (۷/۶۴٪) را دانشجویان مونث تشکیل می‌دادند. میانگین سنی واحد‌های پژوهش  $۶۹/۲۰ \pm ۶۵/۱$  بود. میانگین نمره کسب شده از پرسشنامه عدالت آموزشی  $۴۸/۵۳ \pm ۲۴/۱۵$  بود. بین میانگین نمره کسب شده از پرسشنامه عدالت آموزشی

دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری یافت شد.

کد: ۱۱۶۳

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی مقایسه ای اثر بخشی لاگ بوک طراحی شده در درس کارآموزی در عرصه مهندسی بهداشت محیط نویسندگان: معصومه روانی پور، دکتر مریم روانی پور، آزاده

عازمیان

کلیدواژه‌ها: آموزش، بهداشت محیط، دانشجویان، کارآموزی، لاگ بوک.

متن مقاله: سابقه و اهداف: لاگ بوک بعنوان روشی جهت ارزشیابی آموزش ها و نیز به عنوان یک استراتژی تسهیل کننده فرآیند بازخوردی تفکر خلاق اهمیت دارد. در دنیای امروز، برنامه های آموزشی مطلوب باید ماهیت پویا داشته و به دنبال بازخوردهای محیطی بطور مرتب بازنگری و اصلاح گردد. این تحقیق با هدف مقایسه دیدگاه دانشجویان سال آخر دو ورودی متفاوت از دو گروه کارشناسی پیوسته و ناپیوسته بهداشت محیط در خصوص لاگ بوک طراحی شده در درس کارآموزی در عرصه نسبت به کفایت محتوا و معیار های لاگ بوک انجام شد. روش بررسی: این تحقیق یک مطالعه توصیفی تحلیلی بوده و جمع آوری داده ها بر اساس تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان کارشناسی بهداشت محیط در پایان ترم مهرماه دو سال تحصیلی متوالی ۹۲ و ۹۳ صورت گرفت. تعداد دانشجویان مورد مطالعه در سال ۹۲ برابر ۲۳ نفر پیوسته و ۱۹ نفر ناپیوسته، و در سال ۹۳ برابر ۲۳ نفر پیوسته و ۱۹ نفر ناپیوسته بود. دانشجویان مورد مطالعه مربوط به دو ورودی متفاوت، در هر دو گروه پیوسته و ناپیوسته بودند. ارزشیابی در دو بخش بررسی کفایت محتوای آموزشی (۶ فعالیت) و معیارهای تدوین شده آن برای هر فعالیت مطابق با لاگ بوک با آنالیز پرسشنامه ها صورت گرفت. مقیاس ها به ترتیب کاملاً موافقم=۵، نمره، موافقم=۴، نظری ندارم=۳، مخالفم=۲، و کاملاً مخالفم=۱ تعیین شدند. نهایتاً نمرات و نتایج حاصل از بخش های مختلف ارزشیابی مورد آنالیز آماری قرار گرفت. یافته ها: در سال اول (مهر ۹۲)، ۶۵/۲٪ دانشجویان کارشناسی پیوسته و ۶۸/۴٪ دانشجوی کارشناسی ناپیوسته و در سال دوم (مهر ۹۳)، ۹۲/۳٪ دانشجویان کارشناسی پیوسته و ۶۸/۲٪ دانشجوی کارشناسی ناپیوسته پرسشنامه را تکمیل نمودند. دیدگاه آنها در مورد محتوای فعالیت ها و محتوای معیار ها در سال ۹۲ بیش از ۵۰ درصد بود درحالیکه در سال ۹۳ بیش

از ۸۰ درصد دارای دیدگاه کاملاً موافق یا موافق بود. همچنین در فعالیت نمونه برداری شیمیایی آب در سال ۹۲ در هر دو مورد محتوای فعالیت و معیارها، دانشجویان ناپیوسته کمتر از ۵۰ درصد دارای دیدگاه کاملاً موافق بودند در حالیکه این شاخص در سال ۹۳ به بیش از ۸۰ درصد افزایش یافت. نتیجه گیری: نتیجه بالاتر کسب شده در اغلب فعالیت ها و معیارهای مورد نظر در سال ۹۳ در مقایسه با سال قبل (سال ۹۲) نشان داد لاگ بوک طراحی شده دارای کفایت محتوای آموزشی و معیارهای تدوین شده مناسبی می باشد. لذا توصیه می شود استفاده از لاگ بوک بعنوان ابزاری با کفایت به منظور تسهیل در فرآیند یادگیری و ارزشیابی و ارتقاء نگرش در دانشجویان بهداشت محیط در سالهای آتی نیز ادامه یابد.

کد: ۱۱۶۴

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: مقایسه نتایج ارزشیابی برنامه آموزش مبتنی بر پرسپکتورشیپ در درس کارآموزی در عرصه بهداشت محیط (فیلد مراکز بهداشتی درمانی) از دیدگاه فراگیران طی سالهای تحصیلی ۹۳ و ۹۲

نویسندگان: معصومه روانی پور، مریم روانی پور، آزاده عازمیان، داریوش رنجبر وکیل آبادی، سینا دوبرادران، مسعود محمدی باغملایی

کلیدواژه‌ها: آموزش، بهداشت محیط، پرسپکتورشیپ، کارآموزی.

متن مقاله: سابقه و اهداف: مدل پرسپکتورشیپ در برخی دانشکده های داخل و خارج از کشور بیشتر در رشته های بالینی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مدل، هر دانشجویی سال آخر به یک مربی سپرده می شود و یک عضو هیأت علمی دانشکده در نقش رابط پر کردن شکاف بین تئوری و عملی را بر عهده دارد. مدل آموزش مبتنی بر پرسپکتورشیپ برای درس کارآموزی در عرصه دانشجویان سال آخر کارشناسی پیوسته بهداشت محیط ورودی ۸۹ برای اولین بار در دانشکده بهداشت بوشهر در سال ۹۲ انجام و در سال ۹۳ نیز مجدداً جهت دانشجویان سال آخر ورودی ۹۰ همان رشته انجام شد. هدف از این تحقیق مقایسه نتایج ارزشیابی برنامه آموزشی مبتنی بر پرسپکتورشیپ از دیدگاه فراگیران می باشد. روش بررسی: این تحقیق یک مطالعه توصیفی تحلیلی می باشد. تعداد دانشجویان مورد مطالعه در سال ۹۲ برابر ۲۵ نفر در ۶ گروه و ۶ مربی مرکز بهداشتی درمانی شهر بوشهر و در سال ۹۳ برابر ۲۶ نفر در ۵ گروه و ۵ مربی مرکز بهداشتی



درمانی بودند. سپس مربیان با توجه به معیارهای مورد نظر انتخاب و فرآیند آموزش بر اساس مدل پرسپکتورشیپ انجام شد. ارزشیابی مدل به دو روش تکوینی و نهایی صورت گرفت. جمع آوری داده ها جهت ارزشیابی تکوینی با کمک چک لیست و نیز مشاهده در طول ترم توسط استاد راهنمای درس و ارزشیابی نهایی نیز با محاسبه میانگین نمره حاصل از ارزشیابی علمی که بصورت آزمون کتبی پایان ترم بود و همچنین نمره نهایی درج شده در بخش ارزشیابی لاگ بوک ها که توسط مربیان مراکز و در پایان آخرین روز کارورزی دانشجو توسط مربی هر مرکز درج می شد محاسبه گردید. بخش دوم ارزشیابی نهایی با حضور دانشجویان و اجرای امتد Case analysis و Simulation با حضور دو نفر از مربیان و در محیط مرکز بهداشتی درمانی صورت گرفت. نهایتاً نمرات و نتایج حاصل از بخش های مختلف ارزشیابی مورد آنالیز آماری قرار گرفت. یافته ها: در هر دو سال، بیش از نیمی از دانشجویان در زمینه های علمی توانایی پاسخگویی به سوالات مطرح شده بصورت چهار گزینه ای را داشتند و آنالیز نتایج آزمون Case analysis و Simulation نشان داد در سال ۹۲ حدود ۱۶٪ از دانشجویان دارای اطلاعات عالی، ۶۰٪ اطلاعات خوب، ۲۰٪ اطلاعات متوسط و ۴٪ اطلاعات ضعیف بوده که در سال ۹۳ به ترتیب ۱۹/۲٪ دارای اطلاعات عالی، ۵۲/۸٪ اطلاعات خوب، ۲۳/۲٪ اطلاعات متوسط و ۳/۸٪ اطلاعات ضعیف هستند. همچنین در سال ۹۲ میزان رضایتمندی دانشجویان از وضعیت دوره کارآموزی خود در طول ترم تحصیلی پائیز تقریباً ۶۹/۵٪ در سطح عالی و خوب و ۸/۷٪ متوسط بوده و مابقی (۲۱/۸٪ دانشجویان) نظری نداشتند. این نتیجه در سال ۹۳ به ۸۰/۸٪ رضایتمندی در سطح عالی و خوب، ۱۵/۴٪ سطح متوسط بوده و تنها ۳/۸٪ از کل نظری نداشتند. در هر دو سال میزان رضایتمندی در سطح ضعیف برابر صفر درصد حاصل شد. نتیجه گیری: بالا بودن درصد رضایتمندی و میانگین بالای نمرات کسب شده در بخش آزمون عملی و تئوری در سال ۹۳ نسبت به سال قبل نشان می دهد برگزاری این دوره با استفاده از مربیان در انتقال دانش به دانشجویان بهداشت محیط مناسب می باشد که می تواند علاوه بر کارآمدی ابزار، حاکی از آشنایی بیشتر مربیان با شیوه آموزش و ارزشیابی بدنبال کسب تجربه نسبت به سال قبل باشد.

کد: ۱۱۶۹

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: آموزش الگوی استاندارد گزارش پرستاری و مدیریت اجرا، ارزیابی و ارائه بازخورد در دانشجویان سال آخر پرستاری و پرستاران مرکز آموزشی درمانی شهید مدرس نویسنده: اقدس بهزادپور  
کلیدواژه‌ها: الگوی استاندارد، گزارش پرستاری، ارزیابی، ارائه بازخورد، دانشجویان پرستاری  
متن مقاله: مقدمه: وجود الگوهای آموزشی ناپایدار آثار مخربی به همراه دارد و باعث به چالش کشیدن آموزش می شود با توجه به اینکه دانشگاهها و موسسات آموزشی تحت نظارت آنها، پرورش دهنده فکری و حرفه ای تصمیم سازان، مدیران و فراگیران هستند بایستی نقش اساسی در زمینه ارائه و اجرای الگوهای آموزشی پایدار، جهت افزایش ظرفیت ذهنی فراگیران برای آینده ایفا نمایند. بنابراین با تعیین مولفه های ارائه شده در الگوی استاندارد گزارش پرستاری می توان روشهای ناموفق در این زمینه را اصلاح کرد. بنابر این در صورت آگاه سازی دانشجویان پرستاری در زمان تحصیل و پرستاران فارغ التحصیل از علل و عوامل منجر به آن خطاها و وجود سیستم های نظارتی و مدیریتی از میزان وقوع آنها کاسته خواهد شد. لذا با عنایت به نقش آموزش در تربیت نیروی انسانی به عنوان عامل کلیدی در مراکز آموزشی درمانی و با توجه به تاکیدات مکرر به اجرای حاکمیت بالینی و رعایت استانداردهای آموزشی و خدمات حوزه سلامت برآن شدیم تا از طریق الگوی استاندارد گزارش پرستاری و اجرای برنامه آموزشی، ارزیابی و ارائه بازخورد را با هدف آموزش الگوی استاندارد گزارش نویسی برای دانشجویان پرستاری و پرستاران فارغ التحصیل در هر بخش بیمارستان، مرکز پزشکی \_ آموزشی و درمانی مدرس انجام دهیم. روش اجرا: بعد از بررسی گزارشات پرستاری ۳ پرستار از پرونده های پزشکی بیمار وانجام نیازسنجی و طراحی و تعیین اعتبار فرم ثبت اطلاعات گزارش نویسی پرستاری کلاسهای آموزشی استاندارد نویسی گزارش پرستاری برای کلیه دانشجویان پرستاری و پرستاران فارغ التحصیل (۴۲۰ پرستار) در هر بخش بطور جدا گانه اجرا گردید. قبل از برگزاری کلاس آموزشی استاندارد گزارش نویسی آزمون نحوه نوشتن گزارش استاندارد از پرستاران به عمل آمد سپس برنامه آموزشی نحوه نگارش صحیح گزارش پرستاری آموزش داده شد و در پایان کلاس به گزارشات نوشته شده توسط فراگیران بازخورد داده شد سپس گزارشات پرستاری ثبت شده توسط هر پرستار بطور جداگانه در چک لیست ارزیابی ثبت گردید. جمع آوری اطلاعات در طی سه دوره قبل از آموزش، یک هفته بعد از



آموزش و یک ماه بعد از آموزش صورت گرفت) اطلاعات فرمها توسط نرم افزار SPSS16.5 مورد ارزیابی قرار گرفت و جهت متغیرهای کیفی از آزمون کای دو و برای متغیرهای کمی از آزمون آماری تی تست استفاده گردید. یافته ها: از مجموع ۵۶۷۴ پرونده مورد بررسی از گزارشات پرستاری ۴۲۰ پرستار ۲۲۳۶ پرونده مربوط به فرمهای ثبت اطلاعات قبل از آموزش ۷۲۶ مورد مربوط به دوره یک هفته نظارت و بازخورد حین آموزش و ۲۷۱۲ مورد مربوط به فرمهای ثبت اطلاعات پس از آموزش و بازخورد بود. رعایت استانداردهای گزارش پرستاری در ثبت گزارش موارد خاص، بررسی وضعیت سلامت و روند بهبود بیمار، آموزش به بیمار، توالی گزارش نویسی، اتصالات بیمار (NGT، IV، ...) قبل و بعد از آموزش تفاوت معنی داری را نشان داد. ثبت نیازهای فیزیولوژیک، تزریق داروهای خاص، متن گزارش پرستاری (آنتی بیوتیک، انسولین...) قبل و بعد از آموزش تفاوت معنی داری را نشان نداد. نتایج: برنامه آموزشی استاندارد گزارش پرستاری و مدیریت برنامه از طریق آموزش مستمر، نظارت فعال و بازخورد اثر قابل توجهی در توانمندسازی دانشجویان پرستاری و پرستاران در نحوه صحیح گزارش نویسی پرستاری دارد و باعث بهبود وضعیت گزارش نویسی پرستاری در آنان شد. بنابراین پیشنهاد می شود که تدوین اصول استاندارد گزارش نویسی پرستاری متناسب با بخشهای مختلف بیمارستان انجام گیرد به صورت روتین به عنوان بخشی از فرایند آموزشی و ارزیابی های دوره ای دانشجویان پرستاری قرار گیرد.

کد: ۱۱۷۰

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی دیدگاههای اعضای هیئت علمی و پزشکان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در خصوص طرح تحول نظام سلامت کشور در

سال ۱۳۹۴

نویسندگان: حسن سلامی، نیر سیدنظری، شاپور نادرغام، حبیب اله قمی،

کلیدواژهها: طرح تحول نظام سلامت، دیدگاههای اعضای هیئت

علمی و پزشکان، توصیفی تحلیلی، ابزارهای جمع آوری

متن مقاله: مقدمه همانطوریکه از رسانه ها اعلام شده است طرح تحول نظام سلامت بعد از مدت ها انتظار به مرحله اجرا رسید و اولین گام جدی دولت تدبیر و امید در حوزه بهداشت و درمان برداشته شد. این طرح قرار است هزینه های پرداختی درمان را از جیب مردم در عمل و نه

در حرف کم کند. طرحی که از برنامه چهارم توسعه بر کاهش آن تاکید شده بود و اجرای آن به فراموشی سپرده شده بود. با عنایت به اینکه اعضای محترم هیئت علمی دانشگاههای علوم پزشکی و پزشکان کشور صاحبان عمده فرایند نظام سلامت هستند مطالعه حاضر بمنظور انعکاس دیدگاه های دست اندرکاران حوزه بهداشت، درمان و سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز در رابطه با طرح تحول نظام سلامت انجام شده است. روش کار این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می باشد، جمع آوری اطلاعات از طریق ۱۰۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین اعضای هیئت علمی و پزشکان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۴ انجام گرفته که به تعداد ۶۸ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاسهای (خیلی مخالفم=۱، مخالفم=۲، موافقم=۳، خیلی موافقم=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایائی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰،۷۷۸ می باشد. نتایج نظرات اعضای هیئت علمی و پزشکان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در قالب پرسشنامه چهار گزینه ای نه سوالی بررسی شد. شرکت کنندگان به این سوالات که در خصوص طرح تحول نظام سلامت کشور بودند پاسخ دادند. برون داده ها بصورت درصد و اولویت بندی به تفسیر زیر از مقیاس ۴ بدست آمدند: ۱- موجب کاهش هزینه های درمان در جامعه میشود، ۵۹،۵٪ ۲- موجب بهبود سلامت جامعه میشود، ۷۲٪ ۳- موجب ایجاد فضای اعتماد در جامعه میشود، ۷۱٪ ۴- موجب احترام و کرامت مردم میشود، ۶۹،۵٪ ۵- موجب اصلاح فرهنگ حرفه ای پزشکی میشود، ۶۹٪ ۶- موجب اصلاح سبک زندگی مردم در حوزه بهداشت، درمان و سلامت جامعه می شود، ۶۸،۷۵٪ ۷- موجب ارتقای فرهنگ عمومی جامعه میشود، ۶۷،۲۵٪ ۸- موجب ایجاد روحیه و نشاط در بین مردم میشود، ۶۷٪ ۹- موجب کاهش درد و گرفتاری مردم میشود، ۵۸،۷۵٪ بحث و نتیجه گیری در این مطالعه مهمترین ویژگیهای طرح تحول نظام سلامت کشور در دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی و اولویت بندی شد. با عنایت به دیدگاههای اعضای هیئت علمی، پزشکان و سایر دست اندرکاران حوزه بهداشت، درمان و سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز کاهش هزینه های درمان در جامعه بعنوان خصوصیت مثبت طرح تحول نظام سلامت کشور



بیشترین میانگین را به خود اختصاص داد، همچنین با توجه به نظرات شرکت کنندگان در نظرسنجی تاثیر اجرای طرح در کاهش درد و گرفتاری مردم دارای کمترین میانگین است. امید است نتایج بررسی مورد توجه مسئولین و برگزارکنندگان طرح تحول نظام سلامت کشور قرار بگیرند.

کد: ۱۱۷۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت آموزش بالینی در ژورنال کلاب از دیدگاه فراگیران و اساتید در بخش های جراحی و زنان دانشگاه علوم پزشکی زنجان  
نویسندگان: دکتر سعیده مظلوم زاده، دکتر عباسعلی نوریان، فریبا آربونی  
کلیدواژه‌ها: اساتید، فراگیران، آموزش بالینی، وضعیت مطلوب، ژورنال کلاب، جراحی، زنان

متن مقاله: مقدمه: آموزش بالینی فرآیندی است که در آن فراگیران به تدریج با انجام کارهای عملی به کسب مهارت پرداخته و با استفاده از تجربیات و استدلال های منطقی کسب شده از اساتید خود را برای انجام درمان بیماران آماده می کنند هدف از این مطالعه بررسی وضعیت آموزشی ژورنال کلاب با وضعیت مطلوب از دیدگاه فراگیران و اساتید در بخش های جراحی و زنان دانشگاه علوم پزشکی زنجان روش بررسی: در این مطالعه توصیفی کلیه کارآموزان و کارورزانی که در نیمه دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در دو بخش های ماژور در بخش های زنان و جراحی آموزش برخوردار بودند را مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع ۳۲ نفر کارورز ۲۷ نفر کارآموز و ۲۷ نفر از دستیار و ۱۰ نفر از اساتید را شامل شد، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای خود ساخته بود که روایی آن مورد نظر صاحب نظران قرار گرفت و پایایی با ۰/۸۳. آن مورد بررسی و تأیید شد، پرسشنامه مذکور حاوی ۴ آیتم بود که در رابطه با فعالیت آموزشی فراگیران در ژورنال کلاب طراحی شده بود، بعد از جمع آوری اطلاعات بدست آمده و کدبندی داده ها و ورود اطلاعات، داده ها مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفتند. یافته ها: نتایج بدست آمده در بخش زنان (کارآموزان، کارورزان، دستیاران و اساتید) به ترتیب ۳۸٪، ۵۱٪، ۴۹٪، ۴۰٪ و در بخش جراحی (کارآموزان، کارورزان، دستیاران و اساتید) به ترتیب ۸٪، ۳۶٪، ۶۰٪، ۷۸٪ امتیاز را به ژورنال کلاب دادند که نشان

دهنده میزان وضعیت مطلوب در ژورنال کلاب در گروه کارآموزان و کارورزان بخش زنان نسبت به بخش جراحی می باشد و در گروه دستیاران و اساتید وضعیت بخش جراحی از بخش زنان مطلوب تر می باشد. میانگین و انحراف معیار بدست آمده بین کارآموز جراحی و زنان به ترتیب ۹۹/۱۵±۱۱۰/۹۴ و ۶۷/۷۲±۵۶/۳۰ و کارورز داخلی و اطفال ۴۷/۹۰±۷۴/۴۵ و ۴۱/۶۷±۴۰/۹۰ تفاوت معنی دار مشاهده نگردید. در ارزیابی کلی مشاهده گردید در هر دو گروه کارورزان نسبت به کارآموزان وضعیت آموزشی در ژورنال کلاب را مطلوبتر میدانند. از دیدگاه اساتید نیز بر اساس آزمون t مستقل بین میانگین گروه زنان و جراحی تفاوت معنی داری مشاهده گردید. بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله و نقش آموزش دستیاران و اساتید در گروه های ماژور که ۶۰٪ آموزش در آن انجام میگیرد، برای ارتقاء آموزشی در حیطه ژورنال کلاب می بایستی با ابتدا امکانات جهت استفاده بهتر فراگیران و اساتید فراهم گردد، ضمناً جهت توانمندسازی فراگیران، آنان جهت استفاده هر چه بیشتر از ژورنال کلاب تشویق نمایند. گیرد.

کد: ۱۱۷۳

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: تبیین نقطه نظرات کارورزان و دستیاران پزشکی در مورد تاثیرات آموزشی اجرای طرح تحول نظام سلامت کشوری  
نویسندگان: بهجت ناصریان، مرضیه نیک پرور، الهام بوشهری  
کلیدواژه‌ها: طرح تحول نظام سلامت کشوری، آموزش کارورزی پزشکی، آموزش دستیار بالینی  
متن مقاله: طرح تحول نظام سلامت کشور به منظور ارتقای کیفیت خدمات درمانی، محافظت مردم از هزینه های گزاف درمان و برقراری عدالت در دسترسی بیماران به خدمات درمانی ارائه شده و قریب به یک سال در حال اجرا می باشد. از آنجاییکه بیمارستانهای دانشگاهی کشور بستر اصلی آموزش دانشجویان پزشکی در مقاطع عمومی و تخصصی است، به نظر می رسد که اجرای این طرح بر کمیت و کیفیت آموزش پزشکی نیز تاثیر داشته است. در این مطالعه تاثیرات اجرای طرح تحول نظام سلامت بر وضعیت آموزش پزشکی دوران بالینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان بررسی گردیده است. روش: این مطالعه به روش کیفی تحلیل محتوا انجام گردید. اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با شرکت کنندگان داوطلب در دو مقطع دستیار و کارورزی سه





بیمارستان دانشگاهی عمومی، زنان و زایمان و کودکان شهر بندرعباس جمع آوری گردید. اشباع داده ها در دستیاران پس از ۵ مصاحبه و در کارورزان بعد از ۴ مصاحبه حاصل شد. کلیه مصاحبه ها ضبط و پیاده سازی شد. متن پیاده سازی شده مجدداً به مصاحبه شونده‌گان بازگردانیده و تایید شد. هر مصاحبه پیش از انجام مصاحبه بعدی تحلیل گردید و نتایج تحلیل هر مصاحبه در تعیین خط مشی مصاحبه های بعدی تاثیر گذار بود. متن مصاحبه ها توسط دو پژوهشگر کد گذاری شد، سپس کدها برای ایجاد تم ها و زیر تم های اصلی با یکدیگر ادغام شدند. کد ها و تم های حاصل شده توسط یک ناظر خارجی مورد بازبینی قرار گرفت. نتایج: تحلیل محتوای مصاحبه ها منجر به تولید ۳ تم اصلی و ۶ زیر تم گردید. شایع ترین زیر تم های استخراج شده از متن مصاحبات کارورزان عبارت بود از " افزایش بار اقدامات غیر آموزشی " و از متن مصاحبه های دستیاران عبارت بودند از " افزایش فرصت های آموزشی "، " عدم تناسب وظایف با حق الزحمه دستیاری ". در مجموع هر دو گروه بر لزوم توجه هم زمان اساتید بالینی به تبعات طرح تحول نظام سلامت در حیطه درمان و آموزش تاکید داشتند. بحث: از آنجاییکه بیمارستان های آموزشی یکی از بستر های اصلی آموزش دانشجویان پزشکی در مقاطع عمومی و تخصصی است، به نظر می رسد که ادامه موفقیت آمیز طرح تحول نظام سلامت با محوریت بیمارستان های آموزشی در گرو توجه هم زمان به تاثیرات این طرح بر آموزش بالینی است. مسلم است که در تهیه بسته آموزشی طرح تحول سلامت در نظر داشتن نقطه نظرات دانشگاه های مختلف و با درک تفاوت های موجود در شرایط آموزشی آنها، می تواند مفید واقع گردد.

کد: ۱۱۷۶

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: اهمیت آموزش کار تیمی به دانشجویان توانبخشی در

ایران

نویسندگان: سحر قنبری

کلیدواژه‌ها: آموزش، کار تیمی، توانبخشی

متن مقاله: هدف پرسنل توانبخشی افزایش توانمندی های کارکردی و روانی اجتماعی افراد دارای ناتوانی و در نهایت افزایش کیفیت زندگی آنان است. بر اساس تعریف طبقه بندی بین المللی از کارکرد، سلامت و ناتوانی (ICF) هدف درمانی در افراد دارای ناتوانی کاهش آسیبهای مربوط به ساختارها و کارکردهای

بدنی (Body Structure and Body Function) و کاهش محدودیت در فعالیتهای (Activity) و افزایش مشارکت اجتماعی (Participation) است که رشته های مختلف در گروه توانبخشی بر اساس جهان بینی (Paradigm) مربوط به خود به بهبود هر یک از این بخشها کمک می نمایند. ناتوانی باعث آسیب به سامانه های مختلف بدنی و تاثیر منفی روی جنبه های متفاوت زندگی افراد می گردد و این فرای توانمندی یک فرد یا یک پزشک است که خدمات مورد نیاز مددجو را فراهم نماید و اینجاست که نیاز به توانبخشی تیمی نمود بیشتری می یابد. بنابراین به منظور نیل به اهداف درمانی وسیع در توانبخشی نیازمند پرسنل آموزش دیده و نیز تسهیلات و وسایل مرتبط با توانبخشی ضرورت می یابد. سه مدل بسیار شایع در توانبخشی تیمی مدل های چند رشته ای (Multidisciplinary) و بین رشته ای (Interdisciplinary) و درون رشته ای (Trans disciplinary) می باشند که دو مدل اول کاربرد بیشتری در توانبخشی کنونی در دنیا دارند. در توانبخشی مدل چند رشته ای اعضای هر یک از رشته ها به طور جداگانه به ارزیابی و مداخلات مددجویان می پردازند اما در مدل بین رشته ای اعضای تیم توانبخشی در کنار هم به ارزیابی و مداخلات توانبخشی مبادرت می ورزند که بر اساس شواهد بسیار نشان داده شده است که مدل بین رشته ای باعث نتایج بهتر روی مراجعین، رضایت بیشتر اعضای تیم و کاهش هزینه های درمان می شود. از ملزومات یک کار تیمی، اجرای برنامه ها به صورت یکپارچه حول مشکلات مددجو می باشد که این خود مستلزم وفاداری اعضای تیم نسبت به یکدیگر، حمایت و احترام متقابل و آگاهی از نقشهای خود و دیگران در تیم توانبخشی است. هر یک از اعضای تیم باید رشته خود و محدودیت های موجود در آن، محدودیت های شخصی را شناخته و آماده یادگیری از سایر اعضای تیم توانبخشی باشد. همچنین مطرح می شود که اجزای لازم برای عملکرد تیمی موثر اعتماد، دانش، تقسیم مناسب وظایف، ارتباط موثر، روحیه همکاری و خوش بینی، هماهنگی و تعهد کاری مناسب از سوی هر یک از اعضا می باشد. عدم آشنایی با نقش خود در تیم، عدم آشنایی با نقشهای دیگران، گاه هم پوشانی و یا تضاد نقشها، ناهمگونی تیم، اختلاف اعضا در حد و مرز رشته ها، نشان دادن حالت تدافعی نسبت به نقشهای خود در تیم، در دسترس نبودن همه اعضا، تسهیلات ناکافی، تجربه کاری اندک در کار تیمی، کمبود حمایت و فشار از سوی ساختار سازمانی از جمله عوامل ایجاد مشکل و گاه شکست کار تیمی در توانبخشی شناخته شده است. از سوی دیگر اعتماد،



رابطه سازمان یافته و رشد یافته، هماهنگی، دانش و تجربه کافی، تقسیم مناسب وظایف و احساس تعهد به سایر اعضای تیم، به عنوان عوامل موفقیت در آن شناخته شده است. مطالعات گذشته نشان می دهد که آموزش رویکردهای بین رشته ای در کلیه رشته های علوم پزشکی چالش برانگیز بوده است. همچنین مطرح می شود که در همه کشورهای اروپا آموزش کافی در مورد هر یک از رشته های توانبخشی وجود دارد اما جدیدترین مطالعات در همین کشورها مشکلات وسیعی را در کار تیمی و آموزش آن به دانشجویان توانبخشی عنوان نموده اند. اما در ایران عمده ارائه خدمات توانبخشی به صورت چند رشته ای است و در این مطالعه به اهمیت آموزش کار تیمی به دانشجویان توانبخشی در ایران پرداخته می شود.

متداول (۱۷/۴۹±۱/۵۶) نسبت به روش آموزش تلفیقی (۱۶/۰۵±۱/۴۵) نمرات بیشتری داشتند. تفاوت معناداری در نمرات دانشجویان با دو روش آموزش تلفیقی و آموزش متداول دیده شد، ( $t=-2.96, p=0.005, df=40$ ). نتیجه گیری: در استفاده از روش های نوین تدریس نظیر آموزش همتایان باید در نظر داشت هرچند آموزش و یادگیری از همتایان یک مداخله آموزشی مؤثر برای دانشجویان علوم پزشکی است اگر شخصیت یا سبک های یادگیری دانشجویان هم گروه با هم سازگار نباشد و یا دانشجویان وقت کمتری را نسبت به مربی بالینی صرف آموزش نمایند می تواند در روند یادگیری اختلال ایجاد نماید. از سوی دیگر استراتژی های قبلی برای تطبیق دانشجویان ناسازگار و یا با توانایی یادگیری ضعیف تر مورد نیاز است.

کد: ۱۱۷۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه تأثیر دو روش آموزش تلفیقی و متداول در درس معاینه فیزیکی بر میزان یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم

نویسندگان: زهره بادیه پیمای جهرمی، رسول اسلامی اکبر، وحید سعادت مند،

کلیدواژه ها: یادگیری، دانشجویان، آموزش تلفیقی، آموزش متداول

متن مقاله: مقدمه: یادگیری مؤثر و پایدار مهارت انجام معاینه فیزیکی از جمله اهداف اصلی برنامه آموزش پزشکی بوده است. در این میان برخی چالش ها در دستیابی به یادگیری مؤثر مهارت های انجام معاینه فیزیکی در دروس مرتبط با این موضوع در آموزش پزشکی مطرح است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه یادگیری دانشجویان در دو روش آموزش تلفیقی و متداول در درس معاینه فیزیکی انجام گردیده است. روش ها: این مطالعه شبه تجربی بر روی ۱۵ نفر از دانشجویان ترم دوم فوریت پزشکی در نیمسال اول تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت. کلیه دانشجویان در درس معاینه فیزیکی به روش آموزش تلفیقی (آموزش همتایان و استفاده از فیلم آموزشی) شرکت کردند. جهت ارزیابی یادگیری دانشجویان، نمرات پایان ترم دانشجویان این مطالعه با آموزش تلفیقی با نمرات دانشجویان سال قبل (۲۰ نفر) که تدریس با روش آموزش متداول (تدریس سخنرانی و آموزش نحوه معاینات توسط مدرس) ارائه شده بود مقایسه گردید. یافته ها: دانشجویان با روش آموزش

کد: ۱۱۷۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: رضایتمندی دانشجویان رشته فوریت پزشکی از اجرای عملیاتی آموزش تریاژ پیش بیمارستانی START به روش شبیه سازی شده

نویسندگان: وحید سعادت مند، زهره بادیه پیمای جهرمی، شهره جوادپور

کلیدواژه ها: دانشجویان، آموزش عملیاتی، آموزش به روش شبیه سازی، تریاژ، START

متن مقاله: مقدمه: تریاژ، سنگ بنای مدیریت حوادث است و آموزش تریاژ به تکنسین های فوریت پزشکی در برنامه ریزی بلایا و حوادث بسیار اهمیت دارد. یکی از سیستم های تریاژی که بطور وسیع مورد پذیرش و استفاده قرار گرفته است سیستم START (تریاز آسان و انتقال سریع) می باشد. این مطالعه با هدف بررسی رضایتمندی دانشجویان از اجرای روش عملیاتی آموزش تریاژ START انجام گردیده است. روش کار: این مطالعه شبه تجربی است که کلیه دانشجویان کاردانی (۲۴ نفر) فوریت پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم در نیمسال اول تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در کارگاه عملیاتی یک روزه آموزش تریاژ START مشارکت نمودند. آموزش عملی در محیط شبیه سازی شده با حوادث غیر مترقبه و با قابلیت مشارکت و فرصت تمرین مجدد به دانشجویان اجرا گردید. رضایتمندی دانشجویان از این روش آموزشی توسط پرسشنامه روا و پایا ارزیابی شد ( $p=0.78$ ). نتایج: کلیه دانشجویان (۱۰۰٪) از آموزش عملیاتی تریاژ راضی بودند و تمایل داشتند این چنین کارگاه های آموزشی در سایر موضوعات



آموزشی فوریت‌ها تکرار شود.  $95/8\%$  دانشجویان با مواردی نظیر کمک به تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان، ایجاد آمادگی لازم برای کار در محیط واقعی و افزایش انگیزه برای یادگیری بیشتر تریاژ موفق و کاملاً موفق بودند. همچنین  $94/8\%$  دانشجویان اذعان نمودند که با این روش آموزشی، بیش از سایر روش‌ها نقایص دانشجویان در عملکرد تریاژ مشخص می‌گردد. نتیجه‌گیری: بکارگیری روش‌های فعال و عملی آموزش و اختصاص زمان بیشتر برای تمرین عملی و مواجهه با محیط واقعی می‌تواند به افزایش رضایتمندی و در نهایت به ارتقا سطح دانش‌تئوری و عملی دانشجویان کمک نماید.

کد: ۱۱۸۰

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: ارزیابی مهارت‌های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: مازیار جلالوندی، پیمان امیریان، محمدرسول توحیدنیا، علی نعمتی، رسول یآوری  
کلیدواژه‌ها: مهارت‌های ارتباطی، دانشجویان، پیراپزشکی، کرمانشاه

متن مقاله: مقدمه: مهارت‌های ارتباطی رفتارهایی کمک‌کننده در جهت بیان عواطف و نیازمندی‌ها و رسیدن به اهداف در روابط میان افراد می‌باشند. در علوم پزشکی هدف از برقراری ارتباط آموزش به بیمار، جمع‌آوری اطلاعات، حمایت و یا درمان بیمار می‌باشد. لذا با توجه به جایگاه ویژه این مهارت‌ها در روابط بین بیمار و کادر درمان، این مطالعه با هدف بررسی مهارت‌های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ انجام گردید. مواد و روش‌ها: در این پژوهش توصیفی-مقطعی، تعداد ۱۹۶ نفر از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای وارد مطالعه شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد آزمون مهارت‌های ارتباطی بین فردی که روایی محتوایی و پایایی آن مورد تایید بود، استفاده گردید. سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از بسته آماری SPSS نسخه ۲۱ و آزمون‌های تی مستقل و کروسکال والیس صورت گرفت. یافته‌ها: اکثر واحدهای پژوهش ( $3/64\%$ ) را دانشجویان دختر تشکیل دادند. میانگین نمره سطح مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان مورد مطالعه  $31/12 \pm 74/113$  بود. میانگین نمره دانشجویان پسر و دختر به ترتیب  $38/13 \pm 78/112$  و

$32/114 \pm 64/11$  بود، که اختلاف معناداری بین آنها یافت نشد ( $P=0/45$ ). اما بین میانگین نمره دانشجویان با رشته تحصیلی ارتباط معناداری یافت شد ( $P=0/01$ ). بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که، رشته تحصیلی دانشجویان یک از عوامل مهم مؤثر بر سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه می‌باشد. از طرفی سطح توانمندی‌های دانشجویان دانشکده پیراپزشکی در زمینه مهارت‌های برقراری ارتباط در سطح متوسطی قرار داشت، لذا برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه در جهت بهبود سطح ارتباطی دانشجویان باید مورد توجه قرار گیرد.

کد: ۱۱۸۷

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: نقش مثبت تکنولوژی در آموزش و یادگیری: طراحی، اجرا و ارزشیابی وب کوست و مقایسه آن با یادگیری تیمی: حرکت در مسیر پاسخگویی در طرح تحول نظام سلامت  
نویسندگان: لیلی مصلی نژاد  
کلیدواژه‌ها: خودراهبری، خود تنظیمی، وب کوست  
متن مقاله: مقدمه: امروزه با توسعه یادگیری الکترونیکی روش‌های آموزش و یادگیری که از صدها سال قبل شاهد تغییرات اندکی بوده است تحولات شگرفی یافته است. زیرا دانش‌آموختگان باید قادر به تطبیق خود با گسترش روز افزون دانش پزشکی، پیچیدگی‌های محیط بالینی و تغییرات سریع تکنولوژی و تاثیر آن بر نیازهای علمی جامعه باشند. وب کوست یکی از انواع تکنولوژی‌های آموزشی است که در آموزش بعضی از موضوعات درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وب کوست یک استراتژی فراگیر محور است که فراگیران را در توسعه دانش و ایجاد معانی جدید درگیر می‌نماید. روش کار: در این تحقیق که بر روی دانشجویان پرستاری دارای واحد بیماری‌های روانی انجام گرفت، دانشجویان از طریق روش وب کوست آموزش دیدند. مساله‌ای در ارتباط با موضوع درس مطرح و سپس دانشجویان در قالب فردی و سپس گروهی به تحقیق در خصوص مساله، بحث گروهی و جستجو در سایتهای معتبر معرفی شده می‌پرداختند. استفاده از موبایل، تبلت و لپ‌تاپ و جستجوی آنلاین همزمان در کلاس درس و سپس بحث گروهی از ویژگی این روش بود. تاثیر روش بر خوراهبری و خود تنظیمی یادگیری و نمره نهایی دانشجویان با روش تیمی مساله محور به تنهایی مورد مقایسه قرار گرفت. از امار توصیفی، تی زوجی و تی مستقل جهت



مقایسه شاخص‌ها بهره گرفته شد نتایج: نتایج نشان داد که خود راهبری و شاخص‌های آن ( خود کنترلی- خود مدیریتی و خود انگیزگی در روش وب کوست افزایش و در روش تیمی مساله محور شاخص خود تنظیمی افزایش و معنا داری بود. اختلاف معنی داری بین میانگین دو شاخص خود مدیریتی و خود تنظیمی در دو گروه وجود داشت. بگونه‌ای که خود مدیریتی در روش وب کوست و خود تنظیمی در روش تیمی مساله محور از مقادیر بیشتری برخوردار بود. نتیجه گیری نهایی: با توجه به نتایج استفاده از روشهای مساله محور با درگیری دانشجو میتواند در خودراهبری و خود تنظیمی دانشجو تاثیر بسزایی داشته باشد. استفاده از تکنولوژی در امر آموزش و یادگیری نیز میتواند با محوریت دانشجو نقش موثری بر راهبری یادگیری در دانشجویان داشته باشد.

کد: ۱۱۸۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: افزایش دقت و سرعت تصمیم گیری در تشخیص و درمان آریتمی های کشنده بوسیله شوک الکتریکی با شبیه سازی محیط واقعی: حرکت در مسیر پاسخگویی و تغییر نظام سلامت نویسندگان: لیلی مصلی نژاد،

کلیدواژه‌ها: شبیه سازی، عملکرد، دانشجو، آریتمی

متن مقاله: مقدمه: شبیه سازی ها یکی از انواع روش های آموزشی است که از اوایل سال های ۱۹۰۰ میلادی به عنوان روشی برای کار آموزی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از شبیه سازی ها بدین منظور استفاده می شوند که برای یادگیرنده امکان دسترسی به تجارب یادگیری بدون خطر، بدون هزینه یا پیچیدگی زندگی واقعی را فراهم کنند. از مزایای استفاده از روشهای شبیه سازی میتوان به کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس و تسهیل کسب توانایی کاستن از فشارها و محدودیت های محیط های بالینی اشاره کرد. اما محیط شبیه سازی ها با وجود نزدیکی با محیط واقعی بالینی فاصله دارد. لذا این تحقیق با هدف افزایش دقت و سرعت تصمیم گیری در تشخیص و درمان آریتمی های کشنده بوسیله شوک الکتریکی با شبیه سازی محیط واقعی در محیط آزمایشگاه برگزار شد. روش کار: در هر دوره بخش قلب، دانشجویان اکسترن و اینترن به تعداد ۱۰-۱۲ شرکت داشتند. ابتدا توسط متخصص قلب و عروق در مورد آریتمی های قلبی خطرناک بصورت تئوری توضیح داده شد و با توضیحات تکمیلی در مورد دستگاه شوک الکتریکی، انواع شوک

الکتریکی، موارد استفاده، منع استفاده و عوارض تکمیل شد. سپس انواع آریتمی ها با دستگاه شبیه ساز مدل توضیح داده شد. سپس از این مرحله دانشجویان با تمرین کار با دستگاه دیسی شوک به تمرین سناریوها در محیطی پرداختند که خود دانشجویان شرایط یک محیط طبیعی و پر استرس را به صورت نمایشی اجرا میکردند و محیط واقعی را شبیه سازی مینمود. نتایج: دانشجویان استفاده از این شیوه را در ارتقای حل مساله ۹۰٪- خلاقیت ۳۰٪- کاهش اضطراب در محیط واقعی ۴۰٪- استفاده از تجربیات قبلی در محیط بدون استرس ۴۰٪- بکار گیری تجربیات در محیط بالینی ۷۰٪ و تقویت یادگیری و مهارت ۹۰٪ را ذکر نمودند. همچنین با توجه به شبیه سازی محیط واقعی احتمال بروز اشتباه در دانشجویان نسبت به حالتی که دانشجو تنها در محیط شبیه سازی کار میکرد از میزان چشمگیری برخوردار بود. نتیجه گیری نهایی: استفاده از شیوه های شبیه سازی و تمرین در محیط شبیه سازی شده واقعی میتواند باعث افزایش توان یادگیری و بهبود عملکرد دانشجویان در محیط بالینی شده و زمینه را جهت بهره وری بیشتر در محیط واقعی و ارتقای حرفه ای گری فراهم خواهد نمود.

کد: ۱۱۹۳

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: طراحی نرم افزار چیدمان تصادفی سؤالات ( Quiz Randomizer): گامی در جهت افزایش ضریب اطمینان برگزاری آزمون ها

نویسندگان: محمدهادی سروری، هدی صالحی، محمدتقی

صالحی، علی دشتگرد، سیدمصطفی محسنی زاده

کلیدواژه‌ها: چیدمان تصادفی سؤالات، ضریب اطمینان، برگزاری آزمون

متن مقاله: سابقه و هدف: ارزشیابی، به لحاظ ماهیت و پیچیدگی های خاص خود، از گسترده ترین و جنجالی ترین موضوعات آموزشی است و در صورتی که به نحو صحیحی اجرا گردد، می توان بر اساس نتایج آن، نقاط قوت و ضعف آموزشی را مشخص نمود و در ایجاد تحول در نظام آموزشی، گام های مثبتی برداشت. مسأله تقلب (Cheating) در امتحانات به لحاظ شیوع در غالب جوامع، موضوعی نسبتاً عمومی و فراگیر است و نتایج پژوهش ها حاکی از این است که تقلب، به عنوان یک مشکل آموزشی، ریشه در تربیت خانوادگی، اجتماعی و برخوردها و مناسبات جوامع دارد و از گرایشات مذهبی، شخصیت افراد،



تمایلات اخلاقی، سن، جنس، میزان اهمیت امتحان، عرف مؤسسه آموزشی و سطح مراقبت از امتحان تأثیر می پذیرد. پرداختن به این مسأله در مؤسسات آموزشی، علاوه بر تأثیری که در بهبود کیفیت ارزشیابی ها خواهد داشت، همواره به لحاظ نگرانی از این موضوع که عادت به تقلب در امتحان، موجب سهل انگاری در زندگی و تقلب در کار نیز خواهد شد، حائز اهمیت است. هرچند مقابله همه جانبه با بی نظمی ها در یک مؤسسه آموزشی مقدور نیست، اما در مواردی مانند سطح مراقبت، پیشگیری از امکان وقوع تبادل اطلاعات و نشان دادن حساسیت مؤسسه به اعتبار برگزاری آزمون ها، می توان مداخلاتی را پیش بینی کرد که ضرورتاً به لحاظ چند بعدی بودن موضوع، لازم است همه صاحبان فرایند یا حداقل نمایندگان آنها در این امر مشارکت نمایند. لذا با توجه به موارد فوق و همچنین به منظور ارتقای کیفیت و اطمینان برگزاری آزمون ها، مجریان این فرآیند بر آن شدند تا با طراحی نرم افزار چیدمان تصادفی سوالات (Quiz Randomizer)، با صرف کمترین وقت و هزینه و نیروی انسانی به هدف فوق نایل آیند. مواد و روش ها: در ابتدا نرم افزار چیدمان تصادفی سوالات (Quiz Randomizer) که تمامی آیتم های مورد نیاز جهت طراحی آزمون از جمله نام آزمون، تاریخ برگزاری آزمون، مدت زمان پاسخگویی به سوالات و بارم هر سؤال، مشخصات پاسخ دهنده، پیام استاد و نوع سؤال (چندگزینه ای، تشریحی، پاسخ کوتاه، صحیح و غلط، جور کردنی) با قابلیت ویرایش متن در آن گنجانده شده، طراحی گردید که سازگار با تمامی سیستم های عامل ویندوز می باشد. سپس بعد از نوشتن سوالات آزمون در نرم افزار و وارد کردن تعداد آزمون شوندهگان، اقدام به گزارش گیری می شود. در نهایت نرم افزار به تعداد افراد وارد شده، سوالات را به صورت تصادفی چیدمان می کند به طوریکه ترتیب سوالات هیچ دو آزمون شونده ای شبیه به همدیگر نبوده و حتی در سوالات چند گزینه ای، این چیدمان تصادفی در داخل گزینه ها نیز انجام می گیرد. یافته ها: اجرای این طرح و استفاده از این نرم افزار از نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۳-۹۲ شروع گردید و در آزمون های متعددی توسط اساتید دانشکده پرستاری و مامایی قاین مورد استفاده قرار گرفت که مورد استقبال بسیار خوب و رضایت بالای آنها قرار گرفت. نظرات کلیه ی اساتید و کارشناسان مراقبی که در ارتباط با این طرح بودند حاکی از آن بود که استفاده از این نرم افزار توانسته است به صورت چشمگیری اعتبار و ضریب اطمینان اجرای آزمون ها را افزایش داده و معضل تقلب را کاهش دهد. نتیجه گیری: استفاده

از این نرم افزار توانسته ضریب اطمینان و اعتبار برگزاری آزمون ها را به صورت چشمگیری افزایش داده و مشکل تقلب در جلسات امتحانی را تا حد زیادی کاهش دهد. همچنین با توجه به ساختار نرم افزار، استفاده کنندگان به حداقل امکانات سخت افزاری نیازمند هستند. محیط بسیار ساده ی نرم افزار، استفاده از آن را راحت نموده و به صورت کاملاً رایگان قابلیت استفاده برای کلیه ی طراحان آزمون را دارد. همچنین با فعال سازی امکانات ویژه ی آن قابلیت های اتصال به بانک های سوالات و قرار گرفتن بر روی وب را دارا می باشد.

کد: ۱۱۹۸

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: رضایت اینترن ها از وضعیت گروه های آموزشی بالینی نویسندگان: منصوره مومن هروی، حسن متینی، آزاده ظهیری

کلیدواژه ها: رضایت، آموزش بالینی، اینترن

متن مقاله: رضایت اینترن ها از وضعیت گروه های آموزشی بالینی دکتر منصوره مومن هروی، دکتر حسن متینی، آزاده ظهیری دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان سابقه وهدف: رسالت اصلی دانشگاه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه است. دانشگاهها جهت انجام این رسالت باید در زمینه شناخت مشکلات، تدوین و اجرای برنامه ها و در نهایت اصلاح آنها تلاش و کوشش پیگیر داشته باشند. به منظور ارتقای کیفیت آموزش باید وضعیت موجود از دیدگاه ذی نفعان مشخص گردد. لذا ما بر آن شدیم تا به بررسی نظرات دانش آموزان در خصوص وضعیت آموزش در دوران بالینی بپردازیم. روش بررسی: این مطالعه توصیفی در سال ۹۳ براساس نظرات ۲۶ تن از اینترنهایی که در پایان دوره و در شرف فارغ التحصیلی از دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند انجام شد. گردآوری داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه صورت گرفت. پرسشنامه مشتمل بر سوالاتی در زمینه مربوط به وضعیت آموزش در گروههای آموزشی بود. میزان رضایتمندی دانشجویان به صورت بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم تعیین گردید فقط ۱۷ نفر پرسشنامه ها را کامل پر کردند لذا ماکزیمم نمره رضایتمندی در مورد هر گزینه ۸۵ محاسبه شد. داده ها پس از ورود به نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی بیان گردید. یافته ها: میزان رضایت کلی از گروه های آموزشی بترتیب عفونی (۷۰) < اطفال (۶۰) < گوش و حلق و بینی (۵۱) < واورولوژی (۵۰) < پزشکی اجتماعی (۴۹) < روانپزشکی و داخلی (۴۶) < چشم (۴۵) < جراحی



ویپوست (۴۲) <ارتوپدی (۳۹)، زنان (۳۸) تروما-جراحی و نورولوژی (۲۴) <بیهوشی (۱۵) <رادیولوژی (۱۴) بود. میزان رضایت کلی از آموزش در درمانگاه گروه های آموزشی بترتیب زنان (۶۶) <اطفال (۶۰) <عفونی (۵۷) <روانپزشکی (۵۳)، گوش و حلق و بینی (۵۱) چشم (۴۴) جراحی (۳۸) داخلی (۳۴) و نورولوژی (۲۹) بود. میزان رضایت کلی از آموزش در گزارش صبحگاهی گروه های آموزشی بترتیب عفونی (۶۸) <اطفال (۵۸) <داخلی و جراحی و زنان (۵۲) <روانپزشکی (۴۹)، و نورولوژی (۳۱) بود. میزان رضایت کلی از نحوه ارزشیابی در گروه های آموزشی بترتیب عفونی (۷۱) <زنان و جراحی و اطفال (۶۳) <گوش و حلق و بینی (۵۹) <داخلی (۵۶) <روانپزشکی و پزشکی اجتماعی (۵۴) چشم (۵۰) <نورولوژی (۳۳) رادیولوژی (۲۴) بود. میزان رضایت کلی از اخلاق و طرز برخورد با دانشجو بترتیب عفونی (۷۴) <روانپزشکی و اطفال (۶۴) <گوش و حلق و بینی (۵۷) <داخلی (۵۶) <چشم (۵۴) <پزشکی اجتماعی (۵۳) <داخلی (۴۸) <زنان و نورولوژی (۴۱) <پوست (۳۵) <جراحی (۲۵) <بیهوشی (۲۳) <رادیولوژی (۲۱) بود. بحث و نتیجه گیری: میزان رضایت از آموزش در گروه عفونی و اطفال از سایر گروهها بالاتر بود. تشویق این گروهها و استفاده از روش های آموزشی این گروه ها جهت ایجاد انگیزه رقابت در بین سایر گروه های آموزشی به منظور بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش دوران بالینی مفید می باشد.

کد: ۱۲۰۰

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: نقش اساتید مشاور بر میزان فعالیت های پژوهشی

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

نویسندگان: سعید سمرقندیان

کلیدواژه ها: اسانید مشاور، فعالیت پژوهشی، دانشجویان، مقاله،

همایش، علوم پزشکی

متن مقاله: مقدمه و بیان مسئله هدف کلی سیستم های آموزشی تبادل معلومات و اطلاعات انسانها از یک نسل به نسل دیگر و ایجاد پیشرفت مطلوب در افراد بشر است در این میان مشاوره و راهنمایی که هدف آن کمک به ایجاد تغییرات مطلوب است نقشی مهم در تحقق این پیشرفت ها به عهده دارد. از طرفی همین مشاوره دقیق و صحیح، جهت ارتقاء کیفی زندگی بسیار ضروری است. بنابر این برنامه ریزی و توجه به این مسأله برای دانشجویان اهمیت بسزایی را دارا می باشد. بدون شک

دانشگاهها نیز از این مهم مجزا نمی باشند و دانشجویان برای رسیدن به قله های علم و تحقیق نیاز به دریافت راهنمایی و مشاوره می باشند. اعضای هیئت علمی دانشگاهها نقش مهمی را بعنوان استاد مشاور دانشجویان بازی میکنند. می باشد. بدون شک انگیزه یادگیری و تحقیق و البته اعتماد به نفس دانشجو ناشی از برقراری ارتباط دانشجو با استاد مشاور میباشد. باتوجه به اینکه مسئولیت استاد مشاور در هدایت، راهنمایی و پشتیبانی دانشجویان در دستیابی به اهداف پژوهشی، انگیزه شروع فعالیت های تحقیقاتی بسیار موثر می باشد. بنابراین هدف از اجرای این مطالعه، بررسی نقش اساتید مشاور بر میزان فعالیت های پژوهشی دانشجویان پزشکی میباشد. روش اجراء: دانشجویان رشته پزشکی به تفکیک جنسیت، سال ورود، مقطع به اساتید مشاور معرفی شدند و ارزیابی مداوم و شناخت وضعیت تحصیلی و هدایت دانشجویان در زمینه فعالیت پژوهشی توسط اساتید مشاور انجام گرفت. در این فرآیند در راستای بررسی نقش اساتید مشاور بر روی هدایت هدفمند فعالیت های پژوهشی، میزان امور پژوهشی دانشجویان رشته پزشکی با آرایش دروس یکسان مورد بررسی قرار گرفتند و میزان فعالیت های پژوهشی دانشجویان پزشکی جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری و مقایسه قرار گرفت. نتایج نتایج نشان داد که میزان فعالیت پژوهشی (انتشار مقاله دانشجویان پزشکی که استاد مشاور داشتند در مقایسه با دانشجویان پزشکی که تحت سرپرستی اساتید مشاور نبوده اند بیشتر بود. نتایج همچنان نشان داد که میزان شرکت دانشجویان در همایش نیز در دو گروه مورد بررسی اختلاف قابل توجهی را نشان دادند بطوریکه در دانشجویانی که استاد مشاور داشتند و از راهنمایی و سرپرستی آنان کمک میگرفتند میزان شرکت در همایش های داخلی آنها نسبت به دانشجویانی که تحت سرپرستی مشاور و اساتید راهنما قرار نگرفته بودند بطور قابل توجهی افزایش نشان دادند. استنتاج: بنابراین نقش اساتید مشاور در میزان فعالیت پژوهشی دانشجویان پزشکی کاملاً قابل اهمیت و توجه می باشد. حضور اساتید مشاور در دانشگاهها جهت هدایت و راهنمایی دانشجویان در راستای ارتقای علمی-پژوهشی و رفع مشکلات پژوهشی و علاقه مند کردن دانشجویان به امور پژوهشی که از سیاستهای وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می باشد، باعث افزایش کیفیت خدمات درمانی با دید پژوهشی ش شده و تغییرات بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ایجاد مینماید و به دلیل اهمیت بالای نقش استاد مشاور در ارتقاء علمی-پژوهشی دانشجویان استمرار این فرآیند



ضروری به نظر می رسد.

کد: ۱۲۰۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی نظرات دانشجویان پرستاری در ارتباط با ارائه درس فیزیولوژی به روش بالینی و ارتباط آن با فعالیت های بالینی

نویسندگان: سعید سمرقندیان

کلیدواژه‌ها: تدریس، فیزیولوژی، بالین، پرستاری، پایه

متن مقاله: مقدمه: ارتباط بین دروس علوم پایه پزشکی و بویژه درس فیزیولوژی پزشکی و بالین یک مهم شناخته شده است که از یک طرف از بی علاقه‌گی و کوتاه بودن یادگیری دروس علوم پایه جلوگیری کرده و همچنین از طرف دیگر کمک زیادی به یادگیری بهتر و دقیق تر دانشجویان در فهم مفاهیم و اصول اولیه بالینی و تشخیص و درمان بیماری ها در آینده می کند. بنابراین ارزشمندی واضح این دروس علوم پایه بویژه فیزیولوژی پزشکی در تشخیص بالینی و آینده کاری دانشجویان علوم پزشکی پر واضح است. بنابراین هدف از اجرای این مطالعه، بررسی نظرات دانشجویان پرستاری در خصوص ارائه درس فیزیولوژی بالینی است. لذا هدف از اجرای این مطالعه، بررسی نظرات دانشجویان پرستاری در خصوص ارائه درس فیزیولوژی بالینی بجای درس تئوری فیزیولوژی پایه میباشد. روش اجراء: این مطالعه یک مطالعه تحقیقاتی و پژوهشی اصیل است که در نیمسال اول ۹۱-۹۰ در دانشکده پرستاری-مامایی دانشگاه علوم پزشکی انجام شد. درس فیزیولوژی انسانی - یک درس علوم پایه است که برای اولین بار به صورت یک درس فیزیولوژی بالینی ارائه گردید و شیوه تدریس در کلاس بدین شکل بود که در ابتدای هر جلسه، مطالبی که قرار است ارائه گردد بطور مختصر بیان میگردد، این مطالب با مرور مفاهیم فیزیولوژی انسانی شروع می شد و در ادامه حین ارائه آن مطالب و پس از تفهیم بیشتر مطالب فیزیولوژی با دید کاربردی، به مطالب ها بالینی و Case ها و مطالب بالینی مرتبط پرداخته می شد. با توجه به تجربه پژوهشگر در دوره ها، سعی بر این بود که از میان مطالب پیشنهادی Case ها، و بیماری هایی انتخاب شدند که هم شایع بوده و هم بتوان در قالب آن اصول فیزیولوژی را مرور و بررسی کامل انجام گیرد. علاوه بر این ها از تجربه و راهنمایی پزشکانی که دارای مدرک Ph.D و یا post-doc فیزیولوژی بودند و در گروه فیزیولوژی مشغول به کار بودند نیز استفاده شد. نظرات

دانشجویان درباره ارائه این درس، توسط یک پرسشنامه ۱۲ سؤالی پژوهشگر ساخته که توسط مدرس درس تهیه شده بود انجام گرفت قبل از نظرسنجی روایی پرسشنامه با مشاوره با اساتید آموزشی و فیزیولوژی و پایایی پرسشنامه در یک مطالعه مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. در پایان ترم، پرسشنامه ها در انتهای کلاس بین تمام دانشجویان پرستاری توزیع شد و پس از پر شدن و تکمیل تمامی آنها، پرسشنامه ها جمع آوری شد. سؤالات پرسشنامه طوری طراحی گردید که عمدتاً در حول محورهای علاقه مندی دانشجویان به درس فیزیولوژی، نگرش آنها به این درس به عنوان یک درس ضروری برای آینده پزشکی و نحوه تدریس استاد و عمیق کردن یادگیری آنها و استفاده یادگیری برای طولانی مدت و همچنین شرایط برگزاری کلاس بود. مقیاس پرسشنامه، مقیاس لیکرت پنج درجه ای بود و شیوه نمره دهی برای سؤالات به این صورت بود: کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (نمره ۲)، نظری ندارم (نمره ۳)، موافقم (نمره ۴) و کاملاً موافقم (نمره ۵). را منظور داشته میشود. بطوریکه همیشه میانگین نمره بالاتر از ۳ برای هر گزینه نشان دهنده نظر مثبت و راضی بودن و میانگین کمتر از ۳ نشان دهنده نظر منفی و ناراضی بودن دانشجویان نسبت به آن سوال مورد نظر قرار میگرفت. در بخش پایانی پرسشنامه از دانشجویان خواسته شد رضایت کلی خود را از ارائه این درس از ۰ تا ۱۰ نمره دهند جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده و نتایج به صورت میانگین و انحراف معیار ارائه گردید نتایج میانگین و انحراف معیار کل پرسشنامه نشان دهنده نظر مثبتی در کل دانشجویان، نسبت به ارائه درس فیزیولوژی بالینی

کد: ۱۲۰۶

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: اهمیت درس آناتومی برای دانشجویان پرستاری

نویسندگان: ژاکلین وارطانوسیان

Keywords: Nursing education, Basic sciences,

Anatomy course .

Background and Aim: The purpose of nursing education is to ensure professional clinical competencies and to enhance the quality of nursing care. Nursing education programs are now expected to develop program outcomes that would enable the student to practice as a health care professional, as well. Basic sciences are important topics providing scientific underpinning for nursing care. While,



human anatomy course is integral to student's success in a nursing program; unfortunately, many freshman students fail to realize the importance. Seniors, conversely, often say they wish they had paid more attention in freshman anatomy. This study aimed to explore nursing students' opinions regarding the arrangement and content of anatomy course in undergraduate nursing curriculum. Methods: This descriptive study was performed on all 427 nursing students of Faculty of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Data were collected with a semi-structured questionnaire. Face and content validity were checked. The reliability of the questionnaire was determined using the Cronbach's Alpha-test. Data were analyzed by SPSS(version 18) and descriptive statistics. Results: Mean age of students was 21.6. 59.2 percent was female. 34.5 percent of students disagreed with time allocation for anatomy course, also 25.4 percent of students believed that little time, insufficiency anatomy course was one of the problems with the present system for basic science courses in nursing education. Conclusion: It is essential that nurses have basic science knowledge to be able to give safe and effective patient care, so curriculum planners face a challenge in finding creative ways to support undergraduate nursing curriculum in basic science courses especially for anatomy course .

صورت گرفت. جامعه ی آماری در این پژوهش تمامی اعضای مرتبط با گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ بود. شیوه ی نمونه گیری در این پژوهش، از نوع نمونه گیری در دسترس به صورت تمام شماری برای اعضای هیئت علمی و حداقل ۳۰ درصد از دانشجویان گروه بود. بعد از جمع آوری داده ها، اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و MATLAB مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها: در این ارزیابی، کیفیت آموزشی با ۵/۷۵ درصد (وضعیت مطلوب)، ارزیابی مطلوب با ۶/۷۳ درصد (وضعیت مطلوب)، ارزیابی هیأت علمی با ۷/۶۷ درصد (نسبتا مطلوب)، مدیر گروه با ۷۸ درصد (وضعیت مطلوب)، نیروهای انسانی دیگر با ۴/۶۶ درصد (نسبتا مطلوب)، واحد آزمایشگاه با ۷/۶۵ درصد (نسبتا مطلوب)، واحد کامپیوتر با ۶۴ درصد (نسبتا مطلوب)، کارگاه تجهیزات پزشکی با ۴/۶۷ درصد (نسبتا مطلوب) و کارگاه دزیمتری با ۵/۵۰ درصد (وضعیت نامطلوب) بود. نتیجه گیری: نقش مؤلفه پژوهش در برنامه گروههای آموزشی مورد مطالعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پیشنهاد میشود با اتکا به توانمندیهای بالقوه دانشجویان و تقویت انگیزش اعضای هیئت علمی، انجام پژوهشهای کاربردی برای بهبود کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه در اولویت قرار گیرد.

کد: ۱۲۱۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: طراحی یک برنامه آموزش نزدیک به همکار و تاثیر آن بر مولفه های پیشرفت تحصیلی و عملکردی دانشجویان نویسندگان: لیلی مصلی نژاد، کلیدواژه ها: آموزش نزدیک به همکار، عملکرد، پیشرفت تحصیلی، یادگیری

متن مقاله: طراحی یک برنامه آموزش نزدیک به همکار و تاثیر آن بر مولفه های پیشرفت تحصیلی و عملکردی دانشجویان: حرکت به سمت پاسخگویی بیشتر در نظام سلامت مقدمه: یکی از این روش ها یادگیری آموزش از طریق همتایان نزدیک است. که به صورت توسعه دانش و مهارت از طریق کمک فعال و حمایت بین افراد هم رشته و در سطوح مختلف تعریف می شود. در این روش دانشجویان به یکدیگر کمک می نمایند یاد بگیرند و خودشان نیز با آموزش به زیر دستان خود یاد می گیرند. در حقیقت دانشجویان فعالانه مشارکت می نمایند، از یکدیگر می آموزند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می گیرند. هدف این مطالعه

کد: ۱۲۱۲

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی درونی گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال

۱۳۹۳

نویسندگان: میلاد مرادی، محمد رسول توحیدنیا، محمد رضایی، مازیار جلالوندی کلیدواژه ها: ارزیابی درونی، گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای، رسالت آموزشی

متن مقاله: زمینه و هدف: فرایند ارزیابی درونی نظام دانشگاهی به بررسی میزان تحقق اهداف و رسالت های آموزشی و پژوهشی کمک می نماید. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی درونی گروه رادیولوژی و پزشکی هسته ای دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه صورت گرفت. روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی - مقطعی





طراحی یک برنامه آموزش نزدیک به همکار و تاثیر آن بر مولفه های پیشرفت تحصیلی و عملکردی دانشجویان است روش کار: در این مطالعه که بر روی دانشجویان اینترن و اکسترن دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام شد. مطالعه به صورت پیلوت در گروه قلب به صورت داوطلبانه شروع شد. در این روش دانشجویان اینترن با دانشجویان اکسترن و قبل از راند اصلی متخصص همگام شده و ضمن بررسی بیماران در خصوص برنامه درمانی و موقعیت بیمار به راند بخش اقدام میکردند. فرایند درمانی سطوح مختلف نگارش تاریخچه تا تصمیم گیری های درمانی و تشخیصی را در بر میگرفت. تاثیر برنامه بر میزان یادگیری - رضایت مندی دانشجو و بیمار از یک طرف و سپس تاثیر آن بر استدلال بالینی، کارایی و عملکرد دانشجو در برنامه های تشخیصی و درمانی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه فردی و کار با گروههای متمرکز دانشجویی و مصاحبه با اساتید مرتبط بود. نتایج: نتایج نشان داد که برنامه آموزشی مذکور میتواند تاثیر بسزایی بر ارتقای مولفه های آموزشی و یادگیری و سپس کاهش اضطراب و ارتقای اعتماد به نفس دانشجویان داشته باشد. همچنین این برنامه ضمن جلب رضایت مندی بیماران و دانشجویان، باعث ارتقای عملکرد بالینی دانشجویان در سطوح مختلف کارآموز و کارورز گردید. دانشجویان اینترن در این برنامه مسئولیت بیشتری را احساس کرده و عملکرد خود را در سطح بالاتری نشان میدادند. دانشجویان اکسترن و استیودنت نیز ضمن بهره گیری از تجربیات دانشجویان اینترن از عملکرد بهتری در محیط بالینی برخوردار بودند نتیجه گیری نهایی: با توجه به نتایج، به نظر میرسد که مشارکت دانشجویان در فرایند یاددهی و یادگیری و استفاده از روش هایی که به جای ایجاد وابستگی دانشجو به استاد، زمینه پرورش استقلال، توانایی بازناندیشی و یادگیری از طریق همتایان نزدیک فراهم سازد میبایست در برنامه های آموزش پزشکی مدنظر قرار گیرد.

کد: ۱۲۱۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارزیابی استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشگاه

علوم پزشکی هرمزگان ۱۳۹۳

نویسندگان: ساناز زینل پور، منصوره اختریان، مریم ذاکری، شیمیا

توکلی، الهام بوشهری، فرید خرمی

کلیدواژه ها: استدلال اخلاقی، پرستاری، اخلاق

متن مقاله: ارزیابی استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان ۱۳۹۳ مقدمه: پرستاران نسبت به سایر حرف علوم پزشکی مدت زمان بیشتری از شیفت کاری خود را بر بالین بیمار می گذرانند و به طور مدام با چالش های اخلاقی موجود در این حرفه روبرو هستند. لذا از نقطه نظر مدرسین پرستاری، تقویت مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری و آماده سازی ایشان جهت تعامل با چالش های مرتبط یکی از اهداف اصلی برنامه آموزش پرستاری محسوب می شود. این در حالی است که پژوهش های موجود در خصوص ارزیابی مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان این رشته و تعیین عوامل موثر بر آن کافی نیست. در این پژوهش استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری سال های مختلف تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بررسی و مورد مقایسه قرار گرفته است. هدف از این مطالعه تعیین تکافوی محتوای فعلی برنامه آموزشی دوره پرستاری در حیطه اخلاق حرفه ای و تاثیر آن بر مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان است. روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ انجام گرفته است. مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان از پرسشنامه و سناریوهایی استفاده شد که در آن ها دانشجویان با چهار چالش اخلاقی شایع حرفه پرستاری بر اساس مدل Kohlberg مواجه گردیدند. سناریوها و پرسنامه های آن توسط پژوهشگران طراحی شد که روایی و پایایی آنها نیز در طراحی نسخه های نهایی مورد بررسی قرار گرفت. حداقل نمره قابل کسب در پرسشنامه صفر و حداکثر ۲۰ بود. جامعه پژوهش مشتمل بر دانشجویان ترم سوم به بعد (به دلیل گذراندن حداقل درس کارورزی و تجربه حضور بر بالین بیماران) در نظر گرفته شد. از بین ۱۵۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی این رشته که شرایط شرکت در مطالعه را داشتند ۵۲ نفر به صورت تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. داده های جمع نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ آنالیز گردید. یافته ها: میانگین نمره مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان  $14.75 + 2.4$  برآورد گردید. میانگین نمره مهارت استدلال اخلاقی در دختران دانشجو با پسران دانشجو تفاوت معنا دار نداشت. استدلال اخلاقی دانشجویان در سال های سوم و چهارم دوره پرستاری با یکدیگر تفاوت معنادار نداشت. بحث: این مطالعه ضمن ارزیابی استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری، پرسشنامه استدلال اخلاقی کوهلبرگ را نیز به عنوان یکی از انواع ابزار ارزیابی این مهارت که کمتر شناخته شده، معرفی نموده است. از آنجائیکه میانگین مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان در دو سال متوالی تغییری



نشان نداده است، لزوم انجام مداخلات مناسب برای ارتقا این مهم ضروری به نظر می رسد.

شده مشاهده شد که میانگین نمرات سالیانه افزایش پیدا کرده است.

کد: ۱۲۲۴

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی نتایج آزمون های ارتقاء دستیاران در چهار سال

مدت تحصیل دانشگاه علوم پزشکی تبریز ۱۳۹۳

نویسندگان: شاپور نادر فام

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، تحلیل آزمون، ارزشیابی، فراگیر

متن مقاله: مقدمه و هدف: همانطور که می دانیم ارزیابی

فراگیران یکی از ارکان با اهمیت چرخه آموزش می باشد که با

انجام آن روند آموزش تکمیل می شود و اگر این ارزیابی در

راستای اهداف آموزشی و همچنین دارای تمامی معیار های

آزمون استاندارد باشد می تواند در عین این که فراگیری دانشجوی

را می سنجد خود پیام های آموزشی کاربردی را داشته باشد لذا

تحلیل کیفیت و کمیت آزمون یکی از فرآیند های ارزشیابی

آموزشی است که میتواند توأم با ارزشیابی سایر مسائل، ارزشیابی

یک برنامه را تکمیل نماید و نقش به سزایی هم در اتقاء آموزش

داشته باشد، با توجه به راه اندازی نرم افزار تحلیل آزمون در این

دانشگاه در اواخر سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و

همچنین اهمیت آزمون ارتقاء دستیاری و دانشنامه که به تازگی

به دانشگاه های علوم پزشکی محول شده است بر آن شدیم یک

تحلیل جامع برای بررسی کیفیت این آزمون ها که یک پایه برای

ارتقاء این آزمون ها در سال های آتی خواهد شد، انجام دهیم.

روش پژوهش: این مطالعه از نوع تحلیلی میباشد که اطلاعات

مورد استفاده در آن از پایگاه داده نرم افزار تحلیل آزمون دانشگاه

گرفته شده است. که البته این آزمون ها از نوع چند گزینه ای

می باشند که در سطح دانشگاه به تعداد ۲۲ امتحان در بین ۵۴۹

شرکت کننده، برای ۲۱ گروه آموزشی به تعداد ۱۵۰ سوال برای

۲۰ گروه و ۲۰۰ سوال برای یک گروه با عنوان امتحان ارتقاء

دستیاری در سال ۹۳ برگزار شده است. بعد از تحلیل نتایج

آزمون سال آخری های هر رشته جداگانه تفکیک گردید تا با

نتایج سال های قبل شان مقایسه انجام گیرد، بنابر این نتایج سال

های قبل افراد مذکور استخراج و مورد آنالیز قرار گرفت، که آیا

تغییری در سطح نتایج کرده اند یا نه؟ همانگونه که میدانیم

برای ارتقاء سال اول نمره کمتری نسبت به سال های بالاتر در

نظر میگیرند. در نهایت میخواستیم ببینیم آیا افزایش سطح نمره

در سالهای بعدی اتفاق می افتد یا نه؟ نتایج: از بررسی های انجام

کد: ۱۲۳۹

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: شگفتی سا زها در نظام سلامت و لزوم سناریونگاری برای

آینده آموزش پزشکی

نویسندگان: شیما طباطبایی، سید امیر محسن ضیایی،

کلیدواژه‌ها: شگفتی سازها، برنامه ریزی آینده سناریو نگاری،

آموزش پزشکی، سیستم سلامت

متن مقاله: مقدمه: گاهی اوقات وقوع یک رویداد تمامی پیش

بینی های ما از آینده را دستخوش تغییر می سازد و شرایط

جدیدی را پدید می آورد که کمتر در احتمالات پیشین به آنها

توجه کرده ایم. شگفتی حاصل از وقوع چنین رویدادهایی در نظر

ما به عوامل شگفتی ساز مبدل می شود. این مفهوم در دهه ۶۰

میلادی در مطالعات آینده و سناریونویسی شرکت شل با نامهای

دیگری همچون "اختلالات" به کار برده شد. واژه خاص

"شگفتی سازها" برای اولین بار در سال ۱۹۹۹ توسط جان

پترسن مطرح و از آن به بعد نیز در مطالعات سناریونگاری به کار

گرفته شد. شگفتی ساز رخدادی است که اگرچه احتمال وقوع

بسیار پایینی دارد ولی تاثیر بسیار زیادی در یک نظام برجای می

گذارد. بررسی روندها نشان می دهد که در دهه آتی با شگفتی

سازهای بیشتری در حوزه سلامت روبرو خواهیم شد. درک این

شگفتی سازها برای افزایش توان پاسخگویی ما در آینده و تحول

نظام سلامت حیاتی است. هدف: هدف این پژوهش بررسی روش

مناسب شناسایی و ارزیابی شگفتی سازها در نظام سلامت و

تاکید بر مزایای سناریونگاری برای آینده آموزش پزشکی کشور

است. در نهایت راهکارهایی جهت آمادگی برای چالشهای بالقوه و

احتمالی آینده در این دو حیطه پیشنهاد می گردد. روش تحقیق:

این پژوهش در مرحله اول به روش اسنادی برای پاسخگویی به

سئوالات پژوهشی با رویکرد توصیفی- تحلیلی است. مرحله دوم

این پژوهش الگوی مناسب بررسی شگفتی سازها در نظام سلامت

و آموزش پزشکی تبیین می گردد. نتایج: برای بررسی شگفتی

سازهای نظام سلامت به منظور سناریو نگاری برای آینده آموزش

پزشکی کشور ۴ مرحله اصلی پیشنهاد می شود ۱- شناسایی

شگفتی سازها که لازمه آینده پژوهی به خصوص به شیوه سناریو

نگاری است ۲- فیلتر شگفتی سازهاو اینکه کدامیک در سیستم

سلامت و آینده آموزش پزشکی تاثیر گذارترند. ۳- پایش شگفتی



سازها و ۴- طراحی گزینه های اقدام که نیازمند خلاقیت است. نتیجه گیری: در دنیای امروز، شناسایی شگفتی سازها و فراگیری این روشها در ترکیب با سناریو نگاری آینده برای محققان حوزه آموزش پزشکی و مدیریت سیستم های سلامت یک ضرورت است. اگر برنامه ریزی آینده آموزش پزشکی بر پایه سناریو و با در نظر گرفتن شگفتی سازها باشد تا حد زیادی برای آینده نامعلوم و مواجهه احتمالی با آنها، آماده خواهیم بود و سنجیده تر برنامه ریزی خواهیم نمود.

کد: ۱۲۴۴

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در مورد علل غیبت از کلاس های تئوری (نظری) دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۹۲-۹۳  
نویسندگان: منصور مسجدی، عاطفه ثقه الاسلام، علی رفیعی، شاهرخ عزت زادگان، راضیه نشاط آور، شهلا دشتی، لیلا معینی، کلیدواژه‌ها: دانشجویان پزشکی، عدم حضور، کلاس های تئوری. متن مقاله: مقدمه: از فواید مهم و تاثیر گذار حضور در کلاس می توان به تبادل اندیشه و اطلاعات اشاره کرد. غیبت دانشجویان یکی از مهم ترین مشکلات آموزشی رو به افزایش سال های اخیر دانشگاه ها بوده است. هدف این مطالعه، بررسی عوامل مؤثر بر غیبت در کلاس های درس نظری از دید دانشجویان مقطع علوم پایه رشته پزشکی می باشد. روش مطالعه: در این مطالعه توصیفی مقطعی، از پرسش نامه محقق ساخته که روایی آن مورد تایید متخصصان آموزشی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ بالای ۹۰ درصد بود، استفاده شد. نظرات تعداد ۱۲۵ نفر (۵۹/۸٪) از تعداد کل ۲۰۹ نفر دانشجویان علوم پایه دو ورودی نیمسال تحصیلی مهرماه (۱۲۰ نفر) و بهمن ماه (۸۹ نفر) سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ که پرسش نامه را تکمیل نمودند؛ مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: میانگین سن دانشجویان علوم پایه که پرسش نامه را تکمیل نمودند؛  $19/68 \pm (1/86)$  بود که بیشترین تعداد آنها مونث (۵۷/۴۱ درصد) بودند. میانگین ۴ حیطه مؤثر بر عدم حضور دانشجویان در کلاس های درس تئوری به ترتیب شامل مدیریت کلاس (۵۹/۰۵  $\pm$  ۴)، مشارکت دانشجو در کلاس (۴۸/۰  $\pm$  ۴)، توان علمی و روش تدریس استاد (۵۸/۰۳  $\pm$  ۳)، شرایط زمانی و مکانی برگزاری کلاس (۶۸/۰  $\pm$  ۲/۸) بود که دانشجویان با تاثیر دو حیطه مدیریت کلاس و مشارکت دانشجو در کلاس با بیشترین میانگین موافق بودند و در مورد حیطه توان علمی و

روش تدریس استاد نظری نداشتند و در مورد تاثیر حیطه شرایط زمانی و مکانی برگزاری کلاس نظر مخالف داشتند. نتیجه گیری: مدیریت نکردن زمان کلاس های تئوری، روش تدریس نامناسب و ارایه نکردن مطالب به روز و همچنین طولانی بودن مدت زمان کلاس ها و بازدهی پایین و خستگی ناشی از کلاس های دیگر تاثیر به سزایی بر میزان غیبت دانشجویان پزشکی از کلاس های درس می تواند داشته باشند.

کد: ۱۲۴۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: لزوم بهره مندی از آموزه های قرآن و عترت در نظام

آموزش پزشکی ایران

نویسندگان: ناصر سیم فروش، شیما طباطبایی، کلیدواژه‌ها: قرآن، عترت، آموزه های قرآن، آموزش پزشکی، برنامه های مراقبت سلامت، اخلاق پزشکی حرفه ای، راهکارهای عملی نشر قرآن  
متن مقاله: مقدمه: آموزه های دینی راهنمایی جامع برای رشد و کمال مطلوب انسان است. بهره گیری از این آموزه ها برای جامعه پزشکی نقش کلیدی دارد چرا که بیمار یک امانت الهی است. نگرش معنوی کمک می کند تا پزشکان بتوانند با مهربانی و با مسئولیت بیشتری با بیماران برخورد نموده و در نهایت باعث جلب رضایت خداوند شوند. اهداف: هدف این تحقیق، تبیین اهمیت و نقش آموزه های قرآن و عترت در ارتقاء آموزش پزشکی و توسعه اخلاق پزشکی است. در نهایت راهکارهایی جهت بهره مندی آموزه های قرآن و عترت در برنامه های مراقبت سلامت و آموزش پزشکی کشور ارائه می شود. روش مطالعه: این تحقیق به روش اسنادی برای پاسخگویی به سئوالات پژوهشی با رویکرد توصیفی- تحلیلی است. در ابتدا با مطالعه جامع و مرور نظام مند، به گرد آوری آیات و روایات مرتبط با موضوع پرداخته می شود. بخش آخر تحقیق به شیوه کیفی و بحث متمرکز در پانل خبرگان به ارائه راهکارهای عملی بهره مندی از آموزه های قرآن و عترت در برنامه های مراقبت سلامت و آموزش پزشکی می انجامد. بحث و نتیجه گیری: کشور ما ایران اسلامی داعیه پیشگامی در آموزه های دینی را دارد بنابراین باید از جامعه دانشگاهی به خصوص علوم پزشکی شروع کرده و نخبه های ما با این علوم آشنا باشند و این مفاهیم را به فراگیران خود انتقال بدهند. از راهکارهای عملی پیشنهادی گردهمایی اساتید متخصص پزشکی در گروه های آموزشی تخصصی و کارشناسانی



که در رابطه با قرآن و فرمایشات اهل بیت، صاحب سخن هستند می باشد و هدف از این نشست ها، هم فکری در جهت برنامه ریزی در زمینه اینکه چگونه می توان آموزه های قرآن را در امور مختلف آموزشی و درمانی به کار برد. پیشنهادات عملی: ۱- استفاده از مفاهیم قرآنی و سنت و سیره اهل بیت علیه السلام در ارتقای سلامت جامعه ۲- زمینه سازی برای استفاده از ظرفیت ها و توانمندی های جامعه پزشکی در راستای فرهنگ سازی انس با قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام در بین اعضای جامعه پزشکی ۳- زمینه سازی جهت حضور قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام در بین فراگیران اعم از دانشجویان، دستیاران تخصصی و فوق تخصصی، اساتید و اعضای هیئت علمی و سایر اعضای جامعه پزشکی و نیز در مراکز بهداشتی درمانی ۴- ارتباط، تعامل و همکاری با انجمن های علمی تخصصی پزشکی و پیراپزشکی ۵- زمینه سازی برای توسعه پژوهش های قرآن، عترت و سلامت در عرصه سلامت علوم پزشکی ۶- برگزاری همایش ها و کنگره های ملی و بین المللی در زمینه قرآن، عترت (ع) و سلامت حضور و مشارکت در کنگره های علمی تخصصی مختلف در زمینه قرآن، عترت و سلامت ۷- حضور در فضای مجازی و رسانه ای

کد: ۱۲۵۳

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی کیفیت طرح دوره های اعضای هیات علمی

دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۹۲-۹۳

نویسندگان: علیرضا میرزایی

کلیدواژه ها: طرح دوره اعضای هیات علمی، ارزیابی کیفیت، علوم

پزشکی ایلام

متن مقاله: مقدمه: طراحی تدریس از مهمترین عوامل در فرایند آموزش است که باعث هدفمندی و هماهنگی فعالیت های آموزشی اساتید و دانشجویان شده و انجام ارزشیابی، بازنگری و تصمیم گیری در خصوص برنامه را تسهیل می بخشد. هدف این مطالعه ارزشیابی کیفیت طرح دوره های اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ بود. روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۲۵۴ مورد طرح دوره ارسال شده به مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ انجام گرفت. ابزار تحقیق چک لیست ۱۳ سوالی بود که با استفاده از آن کیفیت مولفه های طرح دوره در چهار سطح (وجود ندارد، ضعیف، متوسط، و خوب با امتیاز به

ترتیب ۰-۳) مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی صوری و محتوایی چک لیست توسط کمیته برنامه ریزی درسی و در کارگاهی با حضور اساتید تایید شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS.16 انجام گرفت. یافته ها: یافته ها نشان داد از ۲۵۴ مورد طرح دوره بررسی شده (۳۰/۷ درصد) ۷۸ مورد مربوط به دانشکده پزشکی، (۲۸/۵ درصد) ۷۳ مورد دانشکده بهداشت (۲۳/۴ درصد) ۶۰ مورد دانشکده پیراپزشکی و (۱۶/۸ درصد) ۴۳ مورد مربوط به دانشکده پرستاری و مامایی بود. میانگین کل نمره ارزیابی طرح دوره ها  $31/99 \pm 5/11$  از ۳۹ نمره و در بین ۱۳ مولفه مورد بررسی بالاترین نمره مربوط به مولفه های اطلاعات کلی درس و منابع درس ( $2/91 \pm 0/466$ ) و پایین ترین نمره مربوط به مولفه های اهداف رفتاری ( $1/78 \pm 0/796$ )، طبقه بندی اهداف بر اساس حیطه های یادگیری ( $1/81 \pm 0/814$ ) و آمادگی مورد نیاز دانشجویان جهت حضور در کلاس ( $1/28 \pm 1/39$ ) بود. نتیجه گیری: یافته ها نشان داد نمره کلی طرح دوره اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سطح قابل قبولی قرار دارد اما در برخی مولفه ها، مانند طراحی اهداف رفتاری براساس طبقه بندی حیطه های یادگیری و آمادگی مورد نیاز دانشجویان جهت ورود به کلاس، کاستی هایی وجود داشت که در این راستا برگزاری مستمر کارگاههای آشنایی با نگارش اهداف رفتاری و آشنایی با طراحی و تدوین طرح دوره و درس جهت ارتقاء توانمندی اعضای هیات علمی دانشگاه و رفع کاستی های موجود پیشنهاد می گردد.

کد: ۱۲۵۵

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: کیفیت آموزش اساتید گروه آموزشی زنان دانشگاه علوم

پزشکی قزوین از دیدگاه دانشجویان و دستیاران

نویسندگان: زهره دانانصفهانی

کلیدواژه ها: کیفیت، آموزش، اساتید بالینی، دانشجویان،

دستیاران، زنان

متن مقاله: دانشگاهها موظف به تربیت دانشجویانی هستند که توانایی کافی برای پیش گیری، درمان و ارتقاء بهداشت در جامعه را داشته باشند. دانشجویان به منظور داشتن حداکثر کارایی در کلاسهای نظری اطلاعات و دانش مورد نیازشان را به کلاسهای تئوری کسب نموده و از طریق تمرین و تجربه در محیطهای بالینی توانمندی عملی لازم را احراز می کنند. برای بهبود کیفیت آموزش بالینی باید وضعیت آن همواره مورد ارزشیابی قرار گیرد.

با توجه به اهمیت نظرات فراگیران در فرآیند آموزش و اهمیت شناسایی مشکلات موجود برای ارتقاء سطح کیفی آموزش بالینی این پژوهش در نظر دارد به بررسی نظرات دانشجویان و دستیاران در مورد آموزش اساتید گروه زنان دانشگاه علوم پزشکی قزوین بپردازد. ارائه نتایج اینگونه مطالعات به اساتید می تواند آنها را در شناسایی نقاط ضعف و قوت خود یاری دهد چرا که مطالعات در سبتره ایجاد اصلاحات می تواند در ارتقاء وضعیت آموزش دانشجویان و دستیاران موثر باشد. روش: تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر روش یک مطالعه مقطعی است که به صورت سر شماری انجام می گیرد. پرسشنامه ای مشتمل بر ۳۰ سؤال با استفاده از پرسشنامه ارزشیابی اعضای هیئت علمی در زمان ارتقاء و سؤالات فرم اختیار سنجی گروههای آموزشی وزارتخانه، و بررسی متون و مطالعات انجام شده تهیه گردید. این سؤالات در ۵ حیطه ی نظم استاد در ۸ گویه-آموزش بالینی در ۹ گویه-مهارت علمی در ۳ گویه - کیفیت تدریس در ۵ گویه - رفتار استاد در ۵ گویه می باشد که پس از تایید روایی و پایایی آن به صورت حضوری در اختیار دانشجویان و دستیاران گروه زنان قرار داده شد. ضریب آلفای کرونباخ آن ۸/۷۵ محاسبه گردید. برای سهولت بررسی نظرات به گزینه ها امتیاز <math>1</math> - <math>4</math> خیلی ضعیف، <math>2</math> - <math>1</math> ضعیف، <math>3</math> - <math>2</math> متوسط، <math>4</math> - <math>3</math> خوب و <math>5</math> - <math>4</math> خیلی خوب وزن داده شد. کلیه کارورزان و کارآموزان و دستیاران گروه آموزشی زنان جامعه آماری این پژوهش می باشند. ۱۴ نفر کارورز، ۲۸ نفر کارآموز و ۱۴ نفر دستیار در زمان انجام پژوهش که نیمسال دوم سال ۹۳-۹۲ میباشد در این گروه در حال آموزش بودند و ۵ نفر از اساتید گروه زنان را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته ها: نتایج این تحقیق نشان داد از نظر دانشجویان ۱۰۰ درصد اساتید گروه زنان ولی از نظر دستیاران ۴۰ درصد اساتید گروه زنان در سطح خوب و خیلی خوب قرار دارند. میانگین نظر دانشجویان در مورد اساتید گروه زنان به ترتیب در حیطه های کیفیت تدریس و آموزش بالینی و مهارت علمی (۳/۶۶)، رفتار (۳/۶۴)، نظم استاد (۳/۶۲) میباشد و میانگین نظر دستیاران به ترتیب در حیطه های نظم استاد (۳/۴۲)، مهارت علمی و آموزش بالینی (۳/۲۰)، کیفیت تدریس (۲/۸۳) و رفتار استاد (۲/۷۲) میباشد. در حیطه های کیفیت تدریس و رفتار و آموزش بالینی از نظر آماری تفاوت معنی داری بین نظرات دستیاران و دانشجویان وجود داشت.

—  
کد: ۱۲۵۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه بکارگیری آموزش به روش مباحثه و یادگیری مشارکتی مبتنی بر مهارت همویژلانس با سخنرانی در دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته پرستاری نویسندگان: ازیتا چگینی،

کلیدواژه‌ها: مباحثه، سخنرانی، مهارت مشارکتی، دانشجویان

و فارغ التحصیلان پرستاری، همویژلانس

متن مقاله: مقایسه بکارگیری آموزش به روش مباحثه و یادگیری مشارکتی مبتنی بر مهارت همویژلانس با سخنرانی در دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته پرستاری مقدمه: مهمترین اهداف دانشگاه های علوم پزشکی تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و ارائه خدمات بهداشتی درمانی متناسب با نیازهای جامعه و توجه به امکانات و شرایط موجود در جهت ارتقای سلامت است. سیاست گذاران آموزش پزشکی، معتقدند که نظام آموزش پزشکی باید در جهتی توسعه یابد که بتواند ضمن بهره گیری از تازه ترین دستاوردهای علمی جهان، با نیازهای جامعه سازگار باشد. نظر به لزوم اجرای سیستم همویژلانس در سیستم اعتباربخشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این خصوص کلاسهای آموزشی گوناگونی جهت ارتقای سطح آگاهی افراد در کلیه دانشگاههای علوم پزشکی کشور و مراکز آموزشی درمانی تابعه آنها برگزار شده است. طی بررسی به عمل آمده در مرکز آموزشی درمانی شهید مدرس ( دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) لزوم اجرا و انتقال اطلاعات و دانش همویژلانس در دانشجویان و فارغ التحصیلان پرستاری احساس گردید لذا بر آن شدیم که به آموزش همویژلانس با استفاده از شیوه مباحثه و یادگیری مشارکتی مبتنی بر رشد مهارت همویژلانس و مقایسه آن با روش سخنرانی بپردازیم. روش کار: در این مطالعه نیمه تجربی ۵۲ دانشجو و فارغ التحصیل رشته پرستاری مرکز آموزشی درمانی شهید مدرس به صورت تصادفی به دو گروه هدف و کنترل انتخاب شدند. گروه کنترل به روش سخنرانی و گروه هدف به روش مشارکتی ( تقسیم فراگیران به گروههای کوچک و ارائه نمونه واقعی توسط هیئت علمی ( مدرس) برای هر گروه و مباحثه فراگیران در زمینه نمونه ارائه شده ) مورد آموزش قرار گرفتند. قبل از برگزاری هر کلاس به منظور آگاهی از سطح دانش پایه در زمینه همویژلانس، از فراگیران پیش آزمون به عمل آمد و بعد از برگزاری کلاس آموزشی نیز پس آزمون به



عمل آمد و برای ارزیابی عمق یادگیری یک و شش ماه بعد از فراگیران آزمون گرفته شد پس از اتمام دوره آموزشی میانگین نمرات کسب شده از آزمونها، به عنوان نتایج تاثیر روش آموزشی در فرایند یادگیری مورد ارزیابی قرار گرفت. نمرات حاصل از آزمونها توسط نرم افزار SPSS 16.5 و آزمونهای آماری T Test و کای دو و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. یافته ها: در روش آموزشی مباحثه و یادگیری مشارکتی مبتنی بر رشد مهارت هموویژنلانس، میانگین نمرات به طرز معنی دار بالاتر از روش سخنرانی بود و در همین روش آموزشی عمق یادگیری، در یک و شش ماه بطور معنی داری بالاتر از روش سخنرانی بود. در گروه آموزشی مباحثه و یادگیری مشارکتی (عمق یادگیری) میانگین نمرات یک ماه و شش ماه با پس آزمون تفاوت معنی دار را نشان نداد. مقایسه میانگین نمرات یک و ۶ ماه با پس آزمون تفاوت معنی دار در گروه آموزشی به روش سخنرانی را نشان داد. نتیجه گیری: استراتژی های مشارکتی و درگیر شدن در فعالیت های گروهی با حمایت و هدایت هیات علمی، یکی از موثرترین و کارآمدترین روشهای آموزشی برای یادگیری است. از طرفی آموزش به روش تدریس بحث گروهی و دانشجوی محور می تواند منجر به تسریع و تداوم یادگیری گردد. لذا پیشنهاد می گردد که اساتید روشهای جدید آموزش از جمله بحث های گروهی و استفاده از روشهای حل مسئله را در برنامه آموزش خود قرار دهند.

کد: ۱۲۵۹

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی کیفیت آموزش اساتید گروه آموزشی اطفال

دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه دانشجویان و دستیاران نویسندگان: زهره داناصفحانی،

کلیدواژه ها: کیفیت، آموزش، اساتید بالینی، دانشجویان، دستیاران اطفال

متن مقاله: زمینه و اهداف: دانشگاهها موظف به تربیت دانشجویانی هستند که توانایی کافی برای پیش گیری، درمان و ارتقاء بهداشت در جامعه را داشته باشند. دانشجویان به منظور داشتن حداکثر کارایی در کلاسهای نظری اطلاعات و دانش مورد نیازشان را به کلاسهای تئوری کسب نموده و از طریق تمرین و تجربه در محیطهای بالینی توانمندی عملی لازم را احراز می کنند. برای بهبود کیفیت آموزش بالینی باید وضعیت آن همواره مورد ارزیابی قرار گیرد. با توجه به اهمیت نظرات فراگیران در

فرآیند آموزش و اهمیت شناسایی مشکلات موجود برای ارتقاء سطح کیفی آموزش بالینی این پژوهش در نظر دارد به بررسی نظرات دانشجویان و دستیاران در مورد آموزش اساتید گروه اطفال دانشگاه علوم پزشکی قزوین بپردازد. ارائه نتایج اینگونه مطالعات به اساتید می تواند آنها را در شناسایی نقاط ضعف و قوت خود یاری دهد چرا که مطالعات در سبته ایجاد اصلاحات می تواند در ارتقاء وضعیت آموزش دانشجویان و دستیاران موثر باشد. روش: تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی واز نظر روش یک مطالعه مقطعی است که به صورت سر شماری انجام می گیرد. پرسشنامه ای مشتمل بر ۳۰ سؤال با استفاده از پرسشنامه ارزشیابی اعضای هیئت علمی در زمان ارتقاء و سؤالات فرم اعتبار سنجی گروههای آموزشی وزارتخانه، و بررسی متون و مطالعات انجام شده تهیه گردید. این سؤالات در ۵ حیطه ی نظم استاد در ۸ گویه-آموزش بالینی در ۹ گویه-مهارت علمی در ۳ گویه - کیفیت تدریس در ۵ گویه - رفتار استاد در ۵ گویه می باشد که پس از تایید روایی و پایایی آن به صورت حضوری در اختیار دانشجویان و دستیاران گروه اطفال قرار داده شد. ضریب آلفای کرونباخ آن ۸/۷۵ محاسبه گردید. برای سهولت بررسی نظرات به گزینه ها امتیاز ۱- <۰- خیلی ضعیف، ۲- <۱- ضعیف، ۳- <۲- متوسط، ۴- <۳- خوب و ۵- <۴- خیلی خوب وزن داده شد. کلیه کارورزان و کارآموزان و دستیاران گروه آموزشی اطفال جامعه آماری این پژوهش می باشند. ۱۴ نفر کارورز، ۲۸ نفر کارآموز و ۱۴ نفر دستیاران در زمان انجام پژوهش که نیمسال دوم سال ۹۳-۹۲ میباشد در این گروه در حال آموزش بودند و ۱۰ نفر از اساتید گروه اطفال را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته ها: نتایج این تحقیق نشان داد از نظر دانشجویان ۸۰ درصد اساتید گروه اطفال و از نظر دستیاران ۶۰ درصد اساتید گروه اطفال در سطح خوب و خیلی خوب قرار دارند. میانگین نظر دانشجویان در مورد اساتید گروه اطفال از امتیاز ۵ به ترتیب در حیطه های رفتار استاد (۳/۵۸)، مهارت علمی (۳/۵۲)، کیفیت تدریس (۳/۴۹)، نظم (۳/۴۷) و آموزش بالینی (۳/۳۷) میباشد و میانگین نظر دستیاران به ترتیب در حیطه های نظم (۳/۴۵)، مهارت علمی (۳/۲۶)، آموزش بالینی (۳/۲۴)، کیفیت تدریس (۳/۰۸) و رفتار استاد (۳/۰۵) میباشد. در حیطه های کیفیت تدریس و رفتار از نظر آماری تفاوت معنی داری بین نظرات دستیاران و دانشجویان وجود داشت.

کد: ۱۲۶۲



حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: کیفیت آموزش اساتید گروه آموزشی داخلی دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه دانشجویان و دستیاران

نویسندگان: زهره داناصفحانی

کلیدواژه‌ها: کیفیت، آموزش، اساتید بالینی، دانشجویان،

دستیاران، داخلی

متن مقاله: زمینه و اهداف: یکی از رویکردهای ارتقای کیفیت آموزش ارزشیابی عملکرد آموزشی اساتید است. یکی از متداولترین این روشها ارزشیابی موثر توسط دانشجویان است. این ارزشیابی یکی از رویکردهای اساسی سنجش کیفیت آموزش در سطح دانشگاهها به شمار می رود. در دانشگاهها دانشجویان به منظور داشتن حداکثر کارایی در کلاسهای نظری اطلاعات و دانش مورد نیازشان را در کلاسهای تئوری کسب نموده و از طریق تمرین و تجربه در محیطهای بالینی توانمندی عملی لازم را احراز می کنند. با توجه به اهمیت نظرات فراگیران در فرآیند آموزش و اهمیت شناسایی مشکلات موجود برای ارتقاء سطح کیفی آموزش بالینی این پژوهش در نظر دارد به بررسی نظرات دانشجویان و دستیاران در مورد آموزش اساتید گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بپردازد. ارائه نتایج اینگونه مطالعات به اساتید می تواند آنها را در شناسایی نقاط ضعف و قوت خود یاری دهد چرا که مطالعات در سبتره ایجاد اصلاحات می تواند در ارتقاء وضعیت آموزش دانشجویان و دستیاران موثر باشد. روش: تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر روش یک مطالعه مقطعی است که به صورت سر شماری انجام می گیرد. پرسشنامه ای مشتمل بر ۳۰ سؤال با استفاده از پرسشنامه ارزشیابی اعضای هیئت علمی در زمان ارتقاء و سوالات فرم اختیار سنجی گروههای آموزشی وزارتخانه، و بررسی متون و مطالعات انجام شده تهیه گردید. این سوالات در ۵ حیطه ی نظم استاد در ۸ گویه-آموزش بالینی در ۹ گویه-مهارت علمی در ۳ گویه - کیفیت تدریس در ۵ گویه - رفتار استاد در ۵ گویه می باشد که پس از تایید روایی و پایایی آن به صورت حضوری در اختیار دانشجویان و دستیاران گروه داخلی قرار داده شد. ضریب آلفای کرونباخ آن ۸/۷۵ محاسبه گردید. برای سهولت بررسی نظرات به گزینه ها امتیاز ۱- <۰- خیلی ضعیف، ۲- <۱- ضعیف، ۳- <۲- متوسط، ۴- <۳- خوب و ۵- <۴- خیلی خوب وزن داده شد. کلیه کارروزان و کارآموزان و دستیاران گروه آموزشی داخلی جامعه آماری این پژوهش می باشند. ۳۲ نفر کارورز، ۱۶ نفر کارآموز و ۲۱ نفر دستیاران در زمان انجام پژوهش که نیمسال دوم سال ۹۳-۹۲ میباشد در این گروه

در حال آموزش بودند و ۱۸ نفر از اساتید گروه جراحی را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته ها: نتایج این تحقیق نشان داد از نظر دانشجویان ۸۸ درصد اساتید گروه داخلی و از نظر دستیاران ۸۷ درصد اساتید گروه داخلی در سطح خوب و خیلی خوب قرار دارند. میانگین نظر دانشجویان در مورد اساتید گروه داخلی از امتیاز ۵ به ترتیب در حیطه های رفتار استاد (۳/۶۸)، کیفیت تدریس (۳/۶۴) آموزش بالینی (۳/۶۰) مهارت علمی (۳/۵۹)، نظم استاد (۳/۵۸) میباشد و میانگین نظر دستیاران در مورد اساتید خود به ترتیب در حیطه های مهارت علمی (۳/۴۵)، آموزش بالینی (۳/۳۹)، نظم (۳/۳۷)، کیفیت تدریس (۳/۳۴) و رفتار استاد (۳/۳۳) میباشد. بین نظرات دستیاران و دانشجویان در هیچ یک از حیطه ها از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود نداشت. ( $P>0/05$ ) نتیجه گیری: از نظر دستیاران و دانشجویان، اساتید گروه داخلی در هر پنج حیطه ی نظم، آموزش بالینی، مهارت علمی، کیفیت تدریس و رفتار استاد در سطح رده بندی خوب و با میانگین نزدیک به هم قرار دارند که نشان دهنده اهمیت اساتید گروه داخلی به آموزش دانشجویان در هر سه مقطع کارآموزی، کارورزی و دستیاری میباشد. لازم است ارزشیابی های مداوم از کیفیت آموزشی اساتید گروه داخلی از نظر دانشجویان و دستیاران به صورت مجزا در حیطه های مختلف انجام شود و بازخورد آن نیز به خود اساتید داده شود تا اساتید در شناسایی و تقویت نقاط قوت و از بین بردن نقاط ضعف به سطح رده بندی بالاتری در همه زمینه ها و از نظر همه فراگیران ارتقا یابند.

کد: ۱۲۶۳

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: مقایسه دیدگاههای دانشجویان و اساتید رشته بهداشت

محیط درباره دوره کارآموزی

نویسندگان: اکرم قدرتی، محمدعلی یعقوبی فر، سیدجمال

میرموسوی،

کلیدواژه‌ها: دوره کارآموزی، دانشجویان، اساتید، بهداشت محیط متن مقاله: مقدمه: دانشجویان بهداشت محیط برای انجام وظایف حرفه ای خود در عرصه های ارائه خدمات بهداشتی درمانی نیازمند کسب مهارت های خاص هستند تا بتوانند نیازها، توقعات و انتظارات مردم و سیستم های سلامت را برآورده سازند. دوره های کارآموزی فرصت مناسبی است تا اولاً دانشجویان با رشته ی تحصیلی و زمینه های شغلی خود در آینده بهتر آشنا شوند و



دوما با برنامه ها و تکنولوژی های روز در ارتباط با رشته خود همگام شوند. با توجه به اینکه شناخت مشکلات کارآموزی به بهبود و توسعه روش های آموزش دانشجویان در عرصه های کارآموزی کمک نموده و گامی بلند در جهت ایجاد ویژگی های حرفه ای می باشد، مطالعه حاضر با هدف شناخت وضعیت موجود کارآموزی از دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی سبزوار طراحی گردید تا امکان شناسایی مشکلات و ارائه پیشنهادات کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش و تدوین برنامه مطلوب کارآموزی متناسب با نیازهای شغلی آتی دانشجویان فراهم گردد. روش: روش اجرای این پژوهش توصیفی تحلیلی است. این پژوهش بر روی دو گروه دانشجویان و اساتید انجام شده است. جامعه آماری دانشجویان شامل دانشجویان دوره کارشناسی بهداشت محیط ترم ۸ و جامعه آماری اساتید شامل مربیان کارآموزی رشته بهداشت محیط می باشد. روش نمونه گیری سرشماری بوده است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای است که پس از بررسی منابع کتابخانه ای موجود در حوزه برنامه درسی و ارزشیابی و نیز سرفصل ها و برنامه دروس کارآموزی و با مصاحبه با اساتید متخصص تدوین گردیده که شامل بررسی برنامه های کارآموزی شامل اهداف، محتوا، سازماندهی، روشهای ارائه و نحوه ارزشیابی و نیز نوع فعالیتهای آموزشی ارائه شده در زمان کارآموزی یا کارورزیها می باشد. روایی محتوا توسط متخصصان تایید شد و پایایی نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش شد. دو پرسشنامه تقریبا مشابه یکی برای اساتید و یکی برای دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت. نتایج: از مجموع ۳۵ دانشجوی شرکت کننده در این پژوهش ۱۱ نفر مرد (۳۱/۵) و ۲۴ نفر زن (۶۸/۵) بوده اند. همچنین ۱۳ نفر بومی (۳۷/۱) و ۲۲ نفر غیر بومی (۶۲/۸) بوده اند. همچنین از ۱۰ نفر از اساتید و مربیان دوره های کارآموزی بهداشت محیط در مقطع زمانی انجام پژوهش نیز سوال شد. نتایج نظرات دانشجویان نسبت به آیتمهای تناسب دروس کارآموزی با دروس نظری (M=۲/۲۹ و S=۰/۴۱)، طراحی و سازماندهی (M=۲/۱۶ و S=۰/۴۴) و همخوانی آموزشهای دوره کارآموزی بهداشت محیط با نیازهای جامعه (M=۲/۰۴ و S=۰/۵۳) و ارزشیابی پایانی دوره (M=۲/۰۶ و S=۰/۲۶)، آموزش های مقدماتی (M=۱/۵۸ و S=۰/۶۳) و برنامه های نظارتی و کنترلی (M=۲/۲۲ و S=۰/۵۷) و اقدامات اداری (M=۲/۰۶۱ و S=۱/۹۹) و نتایج نظرات اساتید نسبت به آیتمهای تناسب دروس کارآموزی با دروس نظری (M=۲/۳۸ و S=۰/۳۹)، طراحی

و سازماندهی (M=۰/۱۵ و S=۵۷/۲)، همخوانی آموزشهای دوره کارآموزی بهداشت محیط با نیازهای جامعه (M=۲/۶۲ و S=۰/۳۳) و ارزشیابی پایانی دوره (M=۲/۶۶ و S=۰/۴۲)، آموزش های مقدماتی (M=۲/۷ و S=۰/۵۹) و برنامه های نظارتی و کنترلی (M=۲/۹۹ و S=۰/۶۹) و اقدامات اداری (M=۲/۶۴ و S=۰/۶۹) متفاوت بود. به طور کلی بیش از ۷۷/۹۵ درصد دانشجویان نظر مساعدی نسبت به برنامه ها و فعالیت های کارآموزی نداشتند و تنها ۲۱/۲۱ درصد نظر مطلوبی داشتند. همچنین بیش از ۵۲/۷ درصد اساتید نظر مساعدی نسبت به برنامه ها و فعالیت های کارآموزی نداشتند و ۴۰/۱۵ درصد اساتید نظر مطلوبی داشتند. نتیجه گیری: نظرات مربیان و اساتید با دانشجویان تفاوت دارد. میانگین نظرات اساتید تقریبا در همه آیتمها بالاتر از متوس

کد: ۱۲۶۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش مهارتهای ارتباطی در دانشجویان

پزشکی

نویسندگان: آذر پیردهقان

Keywords: Communication skills training, Medical student, RCT standardized patient

Objective: To measure the effect of communication skills training through role playing experience of medical students after intervention and 3 months follow up. Method: Sixty students of Medical Sciences were analyzed in this single-blind randomized study. The intervention was communication skills training during a three day workshop with a total of 18 hours of training. The tool for assessment was interpersonal and communication skills checklist based on standardized patient. Results: The mean score of communication skills in the intervention group was 4.36 scores higher than the control group after intervention and 3.7 scores higher after three months follow up. Although this difference reduced in follow up, it was still statistically different.

کد: ۱۲۷۱

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: عوامل موثر در ارزیابی استاد از نظر دانشجویان و اساتید

در دانشگاه علوم پزشکی قزوین

نویسندگان: زهره داناصفحانی



کلیدواژه‌ها: دانشجویان، اعضای هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ارزشیابی استاد

متن مقاله: مقدمه: اساتید به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزش عالی بطور مستمر و به روش‌های مختلف، از جمله توسط دانشجویان ارزشیابی می‌شوند. در این فرایند توجه به نظرات مشتریان اصلی ارزشیابی (اساتید) مهم می‌باشد. محققان این پژوهش در نظر دارند تا وجوه مختلف دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی قزوین را در مورد ارزشیابی استاد بررسی کنند. لذا با این بررسی می‌توان برنامه ریزان را با نقاط قوت و ضعف ارزشیابی استاد در دانشگاه آشنا نموده و امکان اصلاح و بهبود کیفیت آن را فراهم کرد. روشها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ابتدا با استفاده از شاخصهای بدست آمده از مرور متون و مطالعات داخلی و خارجی مشابه پرسشنامه ای با ۳۵ سوال در ۸ حیطه تنظیم گردید. پرسشنامه برای نمونه آماری اعضای هیئت علمی دانشگاه و دانشجویان که به روش خوشه ای - تصادفی در همه دانشکده ها انتخاب شدند ارسال گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد و به منظور توصیف داده ها از شاخص های آماری میانگین و انحراف معیار استفاده گردید. نتایج: اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین از روند کنونی ارزشیابی اساتید رضایت ندارند و فقط دانشجویان را گزینه مناسبی برای ارزشیابی اساتید نمی‌دانند. اساتید و دانشجویان بهترین زمان ارزشیابی را در طول ترم و قبل از شروع امتحانات پایان ترم میدانند. نتایج این تحقیق نشان داد از نظر دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی قزوین بین کیفیت تدریس، رفتار استاد، شخصیت استاد، رفتار دانشجو در زمان ارزشیابی، کیفیت ارزشیابی، بازخورد ارزشیابی با ارزشیابی استاد رابطه معناداری وجود ندارد اما بین علم استاد و ارزشیابی استاد رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مستقیم است. از نظر اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین علم استاد، کیفیت تدریس، شخصیت استاد و رفتار استاد با اندکی تفاوت چهار عامل مهمتر موثر بر اجرای ارزشیابی استاد می‌باشد. از نظر اساتید و دانشجویان در حیطه کیفیت تدریس "توانایی استاد در تفهیم درس"، در حیطه کیفیت علمی گویه "نوان علمی و دانش استاد"، در حیطه رفتار استاد "رفتار محترمانه با دانشجو"، در حیطه رفتار دانشجو در ارزشیابی گویه ی "اطلاع از نحوه نمره دان استاد" و حیطه بازخورد ارزشیابی گویه ی "استفاده مدیران از نتایج ارزشیابی" اهمیت بیشتری دارد. در حیطه شخصیت استاد مهمترین گویه از نظر اساتید "صبر و حوصله و اخلاق

استاد" بوده و از نظر دانشجویان گویه ی "صمیمی و مودب بودن استاد" از تاثیر بالاتری در ارزشیابی استاد دارد. از نظر اساتید در حیطه کیفیت انجام ارزشیابی "زمان اجرای ارزشیابی" و از نظر دانشجویان "شفافیت سوالات ارزشیابی" بوده است. نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان داد نظر اساتید و دانشجویان در مورد عوامل تاثیر گذار بر ارزشیابی استاد مشابه است پس ارزشیابی به کمک دانشجویان می‌تواند بعنوان شاخصی از عملکرد اساتید باشد و در بهبود آن موثر افتد. با توجه به نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه، استفاده از نتایج حاصل در جهت تدوین پرسشنامه و روند اجرای ارزیابی ها می‌تواند در اصلاح اشکالات سیستم ارزشیابی و استاندارد نمودن آن کمک شایانی نماید. بهتر است با توجه به نتایج حیطه های اولویت دار از نظر اساتید و دانشجویان به اولویت های بالاتر ضریب بیشتری اختصاص یابد. با توجه به این مساله که بازخورد نتایج ارزشیابی به اساتید می‌تواند منعکس کننده نقاط قوت و ضعف آنان در تدریس باشد بایستی دانشگاه جهت افزایش سطح کیفیت ارزشیابی استاد و استفاده بهینه از نتایج ارزشیابی برنامه ریزینماید و در نظر گرفتن دیدگاه اساتید و دانشجویان در نهایت با فراهم نمودن بازخورد مناسب به اساتید به بهبود کیفیت آموزشی کمک نماید.

کد: ۱۲۷۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: اخلاق پزشکی از دیدگاه بزرگان اسلام

نویسندگان: بهروز دادفریان، الهام فرجی، نوشین پورشایگان، ژاله دزفولی منش

کلیدواژه‌ها: اخلاق پزشکی، بزرگان اسلام

متن مقاله: مقدمه: اخلاق پزشکی دانشی میان رشته ای و یکی از شاخه های اخلاق حرفه ای است که سعی دارد اخلاقیات رابه صورت کاربردی درحیطه عمل پزشکان و کادر درمانی وارد کند. اسلام دین همه جانبه بوده وبه تمام ابعاد انسان توجه دارد لذا اخلاق پزشکی که باسلامت و شخصیت و کراهت انسانها سروکار دارد از نظر اسلام دور نمانده است. هدف از این مقاله بررسی اخلاق پزشکی از دیدگاه بزرگان اسلام است. مواد و روشها: این مقاله مروری وباستفاده از کتب، منابع ومقالات موجود در اینترنت صورت گرفته است. یافته ها: از ابتدای تشکیل اجتماعات انسانی، مشاغل مربوط به سلامتی ودرمان انسانها برپایه اخلاق پدیدآمد. اصل مهم اخلاقی: خودمختاری، رازداری، نفع رسانی وعدم آسیب رسانی میباشد. پیامبر اسلام (ص) یکی از اهداف عالی بعثت



خود را کامل ساختن مکارم اخلاق (اَنَّى بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ) بیان نمود. اخلاق پزشکی از دیدگاه اسلام عبارت است از قواعد و قوانینی که سلوک و رفتار پزشکان را باهمدیگر و بیمارانشان بیان میکند. پزشکان باید خود را با عادات و رسوم پسندیده مجهز و از الگوی اخلاقی اسلام تبعیت نمایند. از نظر اسلام انسان دارای عزت و کرامت خدادادی میباشد و حفظ این حرمت و کرامت در هر شرایطی ضروری به نظر میرسد. خداوند به انسانها کرامت بخشیده است. بنابراین طبیب نباید با بیمار به گونه ای برخورد کند که با کرامت الهی او منافات داشته باشد. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: کسی که به امر درمان مبادرت می کند بایستی خدا ترس، نصیحت کننده (خیر خواه) و تلاشگر (فراگیر علوم جدید) باشد. امام علی (ع) در کتب معتبره از جمله نهج البلاغه، بحار الانوار، غرر الحکم به ۵ اصل مهم: تقوای پزشک، رازداری، تخصص، به روز بودن اطلاعات و اجرت پزشک پرداخته است. بحث و نتیجه گیری: اسلام دینی کامل و قرآن کتاب هدایت است، که در آن به تمام جنبه های انسانی، از جمله اخلاق پزشکی توجه شده است.

آموزشی دانشکده ها و مدیران گروه های آموزشی مشخص گردید. و سپس با توجه به اهمیت، دشواری و تکرار وظایف و با در نظر گرفتن دانش و مهارت های مورد نیاز جهت انجام کار و رفتار های ویژه شغلی که به آنها اشاره شد برنامه آموزشی جهت آموزش مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تهیه گردید. بحث و نتیجه گیری: اقدام به تربیت مدیران آموزشی سالیانه است که در اغلب نظام های آموزشی مرسوم شده است، ولی غالباً دیده می شود که خود این اقدام هدف بوده نه بهبود بخشیدن کیفیت شرایط آموزشی. از این رو، باید خاطر نشان کرد که تا زمانی که ضرورت مدیریت در آموزش و اهمیت آن در جامعه احساس نشده است، وظایف مدیران آموزشی به درستی تشخیص داده نشده اند، و افراد شایسته و مناسب این کار به خدمت نظام آموزشی در نمی آیند، می توان گفت که متعاقباً هرگونه برنامه ی آموزشی، فاقد اثر بخشی خواهد بود.

کد: ۱۲۷۸

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم

پزشکی قزوین در سال ۹۳

نویسندگان: زهره داناصفحانی

کلیدواژه ها: نیازسنجی، اعضای هیئت علمی، دانشگاه علوم

پزشکی قزوین، اولویتهای آموزشی

متن مقاله: مقدمه: نیازسنجی های متعدد نشان داده که اعضای هیأت علمی در مراحل مختلف شروع و ادامه کار دانشگاهی، علاوه بر توانمندی در رشته تخصصی خود به سایر توانمندیهای بین رشته ای که ادامه آموزش، پژوهش و مدیریت در عرصه های مختلف علوم پزشکی است، نیز نیازمندند که معمولاً در دوران تحصیلات دانشگاهی زمینه و فرصت مطالعه و فعالیت در آن حوزه ها را نیافته اند. هدف مطالعه حاضر تعیین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در راستای اجرای طرح دانش افزایی و توانمندسازی اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور سال ۹۱ که در این آیین نامه مشتمل بر دوره های مهارتی و معرفتی است، میباشد. روشها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ابتدا با استفاده از شاخصهای بدست آمده از نظرسنجی مرور متون و مطالعات داخلی و خارجی مشابه و دستورالعمل آیین نامه طرح دانش افزایی اعضای هیئت علمی سال ۹۱ پرسشنامه تنظیم گردید. پرسشنامه برای نمونه آماری اعضای هیئت علمی دانشگاه

کد: ۱۲۷۷

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: نیازسنجی آموزشی و تحلیل شغلی مدیران آموزشی

دانشگاه علوم پزشکی شیراز و ارائه برنامه آموزشی لازم برای آنان

نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژه ها: نیازسنجی آموزشی، تحلیل شغلی، برنامه آموزشی،

مدیران آموزشی

متن مقاله: سابقه و هدف: در این پژوهش با استفاده از روش DACUM به نیازسنجی آموزشی و تحلیل شغلی مدیران آموزشی (معاونین آموزشی بیمارستانهای آموزشی و معاونین آموزشی دانشکده ها و مدیران گروه های آموزشی) دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداخته شد و سپس براساس نتایج حاصل، برنامه آموزشی برای آنان تهیه گردید. روش بررسی: سه کارگاه دو روزه DACUM متشکل از افراد خبره منجر به شناسایی ۶ وظیفه و ۵۱ فعالیت برای معاونین آموزشی بیمارستانهای آموزشی، ۹ وظیفه و ۸۱ فعالیت برای معاونین آموزشی دانشکده ها و ۱۶ وظیفه و ۹۸ فعالیت برای مدیران گروه های آموزشی گردید. یافته ها: در این تحقیق مهمترین، دشوارترین و پرتکرارترین وظایف و فعالیتهای مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به تفکیک سه گروه معاونین آموزشی بیمارستانهای آموزشی و معاونین



که به روش خوشه ای - تصادفی در همه دانشگاه ها انتخاب شدند (۱۴۰ نفر) ارسال گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روش لیکرت تجزیه و تحلیل شد. نتایج:حیطه های مختلف نیاز آموزشی در دوره های مهارتی به ترتیب: حیطه پژوهش گویه های آشنایی با شیوه های تولید و چاپ مقالات علمی در مجلات ISI، نگارش متون علمی،حیطه توسعه فردی گویه های نحوه انجام مکاتبات علمی داخلی و خارجی، گرامر و مکالمه انگلیسی،حیطه فن آوری اطلاعات گویه جستجوی منابع و آشنایی با SPSS، حیطه آموزش پزشکی گویه برقراری ارتباط و مشاوره با دانشجویان و روشها و فنون تدریس،حیطه اجرایی و مدیریت در گویه مدیریت زمان و ارزشیابی در گویه آشنایی با روشهای نوین ارزشیابی دانشجویان میباشد. و در دوره های معرفتی کارگاههای آموزشی اخلاق در آموزش و اخلاق علمی و حرفه ای مورد نیاز اعضای هیئت علمی می باشد. اعضای هیئت علمی این دانشگاه تمایل دارند که کارگاههای حیطه توسعه فردی، پژوهش و فنآوری اطلاعات و تعدادی از کارگاههای آموزش پزشکی را به صورت حضوری بگذرانند ولی آموزش در حیطه های ارزشیابی و فرهنگی و تعدادی از کارگاههای حیطه اجرایی و مدیریت به صورت غیر حضوری برگزار گردد.بحث و نتیجه گیری: اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین به آموزش در حیطه های توسعه فردی،پژوهش، فن آوری اطلاعات و آموزش پزشکی نیاز بیشتری دارند و تمایل زیادی به گذراندن دوره های آموزشی به صورت حضوری در این حیطه ها دارند. پیشنهاد میگردد در اولویتهای کارگاه های توانمند سازی اساتید قرار گیرد. با توجه به اهمیت حیطه های اجرایی و مدیریتی، ارزشیابی و فرهنگی ولی خیلی مورد توجه نبوده است پیشنهاد میگردد امتیازات تمام هفت حیطه یکسان سازی شود بطوریکه اهمیت در بعضی حیطه ها باعث کم اهمیت شدن بقیه حیطه ها نشود.زیر ساختها و تجهیزات آموزش مجازی در دانشگاه فراهم گردد تا اعضای هیئت علمی به راحتی و بدون دغدغه بتوانند از مزایای آموزش غیر حضوری یا نیمه حضوری بهره ببرند.

کد: ۱۲۷۹

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: تاثیر تغییرات جمعیتی ایران بر آینده توسعه آموزش

پزشکی تخصصی و فوق تخصصی

نویسندگان: شیما طباطبایی، سید امیر محسن ضیایی، ناصر سیم

فروش

کلیدواژه‌ها: جمعیت، تغییرات جمعیتی، بافتار جمعیتی ایران، آینده، تقاضا، آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی، الگو، مدل

متن مقاله: مقدمه: بی گمان برنامه ریزی برای آینده آموزش پزشکی نیازمند وجود آمار و اطلاعات قابل اعتماد از زمان حاضر است و دقت در نتایج پیش بینی از نیازهای آینده به خصوص در سطوح تخصصی و فوق تخصصی، ضرورت برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل آن هاست. در غیراین صورت مشکلات آینده را از هم اکنون باید پیش چشم مجسم داریم و به وقوع کمبودها در آینده یقین کنیم. برای پیش گیری از مشکلات آینده های دور و نزدیک لازم است مدل مناسبی برای نشان دادن تاثیر تغییرات متغیرهای مهم موثر بر توسعه آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی تدوین گردد. هدف و روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی است. جهت ارائه مدل ابتدا استفاده از متون و مطالعات مرتبط به طور گسترده انجام پذیرفت. نتایج: فاکتورهای متعددی بر تکامل چشم اندازهای توسعه آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی در طول ۲۰ سال آینده موثر هستند. جهت گیری های اصلی که بعضی از این فاکتورها به طور مستدلی قابل پیش بینی هستند که به آنها فرا روند می گوئیم. مرور ادبیات در حوزه پیش بینی جمعیت، فراوانی پژوهش های به انجام رسیده در این خصوص را نشان می دهد. اهمیت جمعیت شناسی در برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی برنامه ریزی یعنی "اندیشیدن از پیش، تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه ها و وسایلی که رسیدن، به آن را فراهم کند". اشکال تغییرات بافتار جمعیتی در طول ۲۰ سال آینده با بعضی ملاحظات قابل پیش بینی است. تاثیر مهاجرت در مناطق مختلف متفاوت است ولی در کشورهای در حال توسعه، بیشتر مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری است. جمعیت ایران نیز مانند اکثر کشورهای دنیا در حال مسن شدن است، جمعیت جهان سالم تر شده و مردم تمایل به زندگی و عمر طولانی تری دارند. وبر اساس گزارش ها افراد سالمند دو برابر افراد کم سن از خدمات پزشکی تخصصی استفاده می نمایند. همان طور که جمعیت رشد می نماید و با رشد شهر نشینی، شیوع بیماری های غیر واگیر دار نظیر سرطان و چاقی مرضی افزایش می یابد. همچنین بیماریهای عفونی نظیر ایدز و بیماریهای حاد تنفسی نیز رو به افزایش است. نتیجه گیری: در مدل پیشنهادی، بیشترین تأثیر را مؤلفه تغییرات جمعیتی بر آینده توسعه آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی دارد.



براساس مطالعات صورت گرفته و یافته های پژوهش، می توان الگوی تعیین شده را و براساس زیرساختها و شرایط محیطی بازنگری نمود. رشد آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی، متناسب با تقاضای جمعیت، شناسایی مزیت نسبی و برآورد نیازهای خرد و کلان کشور به نیروی متخصص و توسعه جغرافیایی آموزش در حوزه های مختلف سلامت صورت می پذیرد. هرچه آموزش پزشکی به خصوص در بخش های تخصصی و فوق تخصصی قوی تر و نیروی های ارائه کننده خدمت توانمند تر و کارآمد باشند سطح سلامت جامعه ارتقاء و هم زمان هزینه های سلامت نیز کاهش خواهد یافت.

کد: ۱۲۸۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آزمون مشارکتی، راهبردی موثر در آموزش پرستاری

نویسندگان: مژگان ریواز

کلیدواژه ها: آزمون مشارکتی، ماندگاری مطلب، آموزش پرستاری  
متن مقاله: مقدمه: امروزه، نیاز به پرستارانی متخصص که قادر به کاربرد دانش در محیط های بالینی در جهت حل مشکلات همه جانبه بیماران، کار گروهی و مشارکت با سایر مراقبین بهداشتی باشند، رو به افزایش است. این پژوهش با هدف، تعیین تاثیر آزمون مشارکتی بر عملکرد تستی و ماندگاری مطلب در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام گرفت. مواد و روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی می باشد که بر روی ۸۴ دانشجو که در دو نیمسال تحصیلی (بهار ۱۳۹۲-۱۳۹۱ و پاییز ۹۳-۱۳۹۲) درس داخلی- جراحی ۲ را انتخاب واحد کرده بودند، انجام شد. گروه کنترل شامل ۳۹ دانشجو، و در امتحان میان ترم اول که به شیوه سنتی یا انفرادی برگزار شد، شرکت کردند. گروه مداخله شامل ۴۵ دانشجو، و طی دو مرحله، مرحله اول آزمون انفرادی و مرحله دوم آزمون مشارکتی و در گروه های ۵ نفره که بصورت تصادفی از قبل تعیین شده بود، شرکت کردند. بمنظور بررسی ماندگاری یا یادداری مطلب (Retention of Course) چهار هفته بعد، هر دو گروه در امتحان میان ترم دوم که به شیوه انفرادی برگزار شد، شرکت کردند. نتایج: از مجموع ۸۴ دانشجوی شرکت کننده در این پژوهش، ۶۰٪ (۵۱ نفر) زن و ۳۹٪ (۳۳ نفر) مرد با میانگین سنی  $21 \pm 1/5$  بودند. یافته های پژوهش اختلاف معناداری بین میانگین نمرات آزمون در گروه مداخله (آزمون انفرادی- مشارکتی) در نیمسال پاییز نشان داد ( $P=0.001$ ). بین میانگین

نمرات در دو گروه مداخله و کنترل در نیمسال پاییز-بهار هم اختلاف آماری معناداری دیده شد ( $P=0.001$ ). (همچنین، تفاوت چشمگیری در میانگین نمرات آزمون جهت ماندگاری مطلب بعد از ۴ هفته در گروه مداخله و کنترل هفته مشاهده شد ( $P=0.001$ ). بطور کلی، ۹۸٪ از دانشجویان دیدگاه مثبتی نسبت به این استراتژی آموزشی داشتند. نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده ارتقاء عملکرد تستی و افزایش ماندگاری یادگیری دانشجویان نسبت به روش سنتی می باشد. آزمون مشارکتی بعنوان یک تکنیک یادگیری فعال و یک روش ارزیابی با ارزش، می تواند به مدرسان پرستاری جهت آماده کردن فارغ التحصیلانی با توانایی حل مشکل و تفکر نقادانه در محیط های مراقبت های بهداشتی کمک کند.

کد: ۱۲۹۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان آگاهی و رضایت دانشجویان کارشناسی پیوسته اتاق عمل از رشته تحصیلی خود در دانشگاه علوم پزشکی قزوین سال ۱۳۹۳

نویسندگان: اصغر کاربرد، معصومه ضیائیها، شهرام رستاک، نغمه نصیری

کلیدواژه ها: اتاق عمل، آگاهی، رضایت تحصیلی  
متن مقاله: مقدمه: رشته کارشناسی پیوسته اتاق عمل در ایران شاخه ای از علوم پزشکی است که طی این دوره دانشجویان با اصول جدید اتاق عمل و تکنولوژی های نوین جراحی در جراحی های تخصصی و فوق تخصصی آشنا شده و مراقبت و کمک به اداره بیمار را قبل و حین و بعد عمل می آموزند. این مطالعه با هدف بررسی رابطه آگاهی دانشجویان از وضعیت رشته تحصیلی (شامل آشنایی با وظایف و عملکردها نحوه ایفای نقش در مراکز درمانی و روندهای آموزشی)، با میزان رضایت از رشته تحصیلی کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی قزوین انجام شده است. روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی و از بین دانشجویان مقطع کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی قزوین در دی ماه ۱۳۹۳، به وسیله پرسشنامه محقق ساخته و مورد تایید صاحب نظران آموزشی، انجام شده است. پرسشنامه مذکور شامل ۲۸ پرسش (هفت پرسش مرتبط با آگاهی در حیطه انتخاب رشته، چهار پرسش مرتبط با عوامل موثر در انتخاب رشته و میزان علاقه مندی در طول تحصیل، یازده پرسش مرتبط به ماهیت



رشته اتاق عمل، شش پرسش مرتبط با مسئولین (می باشد). داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 تحلیل، تفسیر و آنالیز شدند. یافته ها: بررسی های انجام شده بیانگر آن است که میزان آگاهی دانشجویان ۸۸٪ و میزان رضایت از رشته ۶۷٪ بوده که با عواملی از جمله انتخاب رشته تحصیلی و عوامل موثر بر آن، میزان علاقه آنها در طول تحصیل، ماهیت رشته تحصیلی و نقش مسئولین، ارتباط معنی داری دارد. ( $p \leq 0/05$ ) بحث و نتیجه گیری: باتوجه به نتایج به دست آمده، میزان آگاهی دانشجویان از دروس عمومی، پایه و تخصصی و هم چنین نحوه ارائه دروس در طول ترم و تغییر بینش افراد نسبت به رشته تحصیلی، نقش بسزایی در جهت افزایش آگاهی داشته است. هرچند که این ارتباط از نظر آماری معنی دار نیست، اما در جهت بهبود وضعیت آگاهی و رضایت دانشجویان، ارائه راهکارهایی چون برگزاری کارگاه یا سمینارهایی در خصوص «آشنایی با ماهیت رشته و وظایف کارشناسان اتاق عمل»، تهیه و توزیع پوسترها و بروشورهای آموزشی جهت افزودن اطلاعات و آگاهی دانشجویان از رشته تحصیلی خود در بدو ورود به دانشگاه و «راهبردهای انگیزشی برای ارتقاء و پیشرفت تحصیلی» در سال اول دوره تحصیلی برای اعتلای یادگیری فراگیران پیشنهاد می شود.

به عمل آمد. سپس با فراخوان عمومی از تمامی اساتید علاقمند دانشگاه، جهت شرکت در این دوره، دعوت شد. جهت ارزیابی دوره مذکور با استفاده از چک لیست سؤالات باز و بسته نظرات و دیدگاه اساتید درخصوص دوره و نحوه اجرای آن مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: نتایج حاصله حاکی از آن بود که از دید اساتید شرکت کننده در این برنامه، کیفیت ارائه مباحث، کیفیت بحث های گروهی، مرتبط بودن کارگروهی با اهداف، میزان دستیابی به اهداف، میزان ارائه مطالب جدید و کاربردی بودن مطالب ارائه شده در این دوره کارگاهی در حد بسیار خوب بوده است. همچنین از نظر آنان مدیریت و برنامه ریزی کارگاه، بکارگیری وسائل کمک آموزشی، برنامه ریزی زمانی کارگاه و فضای فیزیکی کارگاه در حد خوب و مناسب بوده است. بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد تاکنون مطالعه مدونی در سطح دانشگاهی در زمینه ی چگونگی بهبود و ارتقا طرح حاضر (استاد مشاور) و راه های افزایش هدایت دانشجویان در مسائل پیش رو، انجام نگرفته است؛ بنابراین باتوجه به نتایج موفق دانشگاه های بین المللی و استقبال گسترده اساتید این دانشگاه، اجرای این برنامه در سطح گسترده ضروری می باشد.

کد: ۱۳۰۵

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس انومی زنان

شاغل در بیمارستان های آموزشی شهر شیراز

نویسندگان: پریسا نبیئی،

کلیدواژه ها: سرمایه اجتماعی، احساس انومی، بیمارستان آموزشی متن مقاله: سابقه و هدف: اگر بپذیریم که تنها برخورداری از منابع مالی و نیروی انسانی نتوانسته جوامع را به سوی رشد و توسعه اجتماعی سوق می دهد باید رکن سومی نیز برای دستیابی به توسعه قائل شویم و آن سرمایه اجتماعی است. در واقع میزان اثربخشی و کارایی دو منبع اول به طور عمده به میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از سوی دیگر، انومی را کمبود سرمایه اجتماعی معرفی کرده اند که نمی توان پی برد که بار مثبت دارد یا منفی. گرچه در بیشتر متون این اصطلاح منفی به کار می رود؛ اما در صورت شناخت آن و برنامه ریزی جهت کاهش آن می تواند در نهایت نتیجه ی آن مثبت باشد. لذا هدف اصلی این پژوهش، تعیین رابطه ی سرمایه اجتماعی با احساس انومی زنان شاغل در بیمارستان های آموزشی و غیرآموزشی چمران و رجایی می باشد. روش بررسی:

کد: ۱۲۹۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: طراحی سیستم استاد مشاور در قالب مدل منتورشیپ در

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژه ها: منتورینگ، استاد مشاور، آموزش کارگاهی

متن مقاله: سابقه و هدف: منتورینگ را می توان یک ارتباط حرفه ای اغلب طولانی مدت، داوطلبانه و سودمند برای هر دو طرف است که در آن یک فرد با تجربه و آگاه (منتور)، فرد دارای تجربه کمتر را (منتی) حمایت می کند، تعریف کرد. از آنجایی که تاکنون در بحث مشاوره در دانشگاه های علوم پزشکی کشور تنها طرح استاد مشاور اجرا شده و نتایج پژوهش های مختلف در این زمینه نشان از ضعف برنامه مذکور است، اجرای مدل های جدید منتورینگ در دانشگاه، ضروری به نظر می رسد. لذا این مطالعه با هدف آشناسازی اساتید در قالب کارگاه های کوتاه مدت با مدل منتورینگ جهت اجرا در سطح دانشگاه انجام گرفت. روش بررسی: جهت اجرای این دوره کارگاهی، از چند نفر از اساتید مجرب دانشگاه در بحث مشاوره به عنوان مدرسین دوره، دعوت



در این پژوهش مقطعی ابزار مورد استفاده شامل مقیاس های سرمایه اجتماعی و احساس انومی بود که پایایی این دو مقیاس از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۷ و روایی آن به صورت صوری (محتوایی) بررسی شد که در تمام موارد کفایت مقیاس ها برای استفاده محرز گردید. ۲۲۴ نفر از کارکنان بیمارستان های آموزشی شهر شیراز به صورت تصادفی ساده برای پاسخ دادن به سوالات این دو پرسشنامه انتخاب شدند. سپس داده ها به وسیله ی SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: نتایج حاصل از آزمون نشانگر وجود رابطه ی منفی معنادار بین سرمایه اجتماعی و احساس انومی در این دو بیمارستان است. همچنین بین ابعاد احساس انومی با ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه ی منفی معناداری وجود داشت، به جز بعد سرمایه اجتماعی ارتباطی با انومی جنسیتی که رابطه ی معناداری بین آن ها وجود نداشت. نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق همکاری های گروهی و شرکت در انجمن های رسمی در کارمندان بیمارستان های آموزشی شیراز، که باعث کاهش احساس انومی و در نهایت افزایش اثربخشی و کارایی سازمان می شود، ضروری است؛ لذا برنامه ریزی و اجرای کارگاه های آموزشی جهت آشنایی آنان با مفهوم، جایگاه، ضرورت و کاربرد سرمایه اجتماعی توسط اساتید مجرب دانشگاهف از سوی مسئولین می تواند بسیار مؤثر واقع شود.

کد: ۱۳۲۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان

کارشناسی هوشبری

نویسندگان: ترانه نقیبی

کلیدواژه ها: رشته تحصیلی، کارشناس هوشبری، انتخاب رشته،

عوامل مؤثر

متن مقاله: مقدمه: فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان می تواند با توجه به شرایط زمانی و مکانی از عوامل مختلفی تأثیر پذیرد. انتخاب رشته تحصیلی و شغل به عنوان یکی از مهم ترین تصمیمات هر فرد در طول زندگی او مطرح است. انتخاب رشته های دانشگاهی و خصوصاً رشته های علوم پزشکی که با سلامت انسان ها مرتبط می باشد، باید با دقت بیشتری انجام شود. لذا در این مطالعه به عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی در دانشجویان هوشبری پرداخته شد. روش کار: ۵۲ نفر از دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی زنجان پرسشنامه ای

را که شامل ۱۰ سوال در حیطه عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی بود، تکمیل کردند. سوالات بر اساس طبقه بندی لیکرت ۵ گزینه ای پاسخ داده شد. سپس یافته ها با استفاده از آزمونهای آماری تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: بیشترین عامل در انتخاب رشته تحصیلی مربوط به امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر (۸۴٪) و کمترین آن مربوط به عدم توانایی مالی جهت ادامه تحصیل (۴۴٪) بود. دانشگاه محل تحصیل (۲/۸۳٪)، آینده رشته و بازار کار (۸/۷۲٪)، سطح تحصیلات خانواده (۸/۶۸٪)، نقش اساتید (۸/۶۴٪)، آگاهی قبلی از رشته تحصیلی (۲/۶۳٪)، مدرک گرایی (۵۲٪)، مسائل اجتماعی (۸/۴۸٪) و نقش عوامل محیطی (۸/۴۴٪) به ترتیب در رده های بعدی قرار داشتند. نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیشترین عامل در انتخاب رشته تحصیلی مربوط به امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر می باشد، می توان انگیزه دانشجویان را در پیشرفت حرفه ای با توسعه مقاطع بالاتر رشته های تحصیلی افزایش داد.

کد: ۱۳۲۶

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بسط مفهوم دانش پژوهی و کاربرد آن در آموزش

نویسندگان: سارا ریواز، مرضیه صفایی، جواد کجوری، میترا

امینی، محمدرضا دهقانی

کلیدواژه ها: دانش پژوهی، آموزش، هیات علمی

متن مقاله: مقدمه و هدف: قلمروی نقش های اعضای هیات علمی، گسترده و برخاسته از کارکردهای آموزش عالی است. تولید دانش، انتقال دانش، کاربرد دانش و توسعه اجتماعی از جمله رسالت های دانشگاه ها است که نقش های اعضای هیات علمی را نیز دربرمی گیرد. در دهه های اخیر توجه به نقش های اعضای هیات علمی و تأثیر آن بر کیفیت عملکرد دانشگاه ها مورد توجه صاحب نظران بسیاری قرار گرفته است. بطوریکه یکی از مفاهیمی که در دو دهه اخیر وارد عرصه دانشگاهی شده، مفهوم دانش پژوهی (scholarship) و بویژه دانش پژوهی آموزشی است. با گنجانیدن این مفهوم در ماده یک آئین نامه ارتقای مرتبه اعضای هیات علمی و در نظر گرفتن آن به عنوان یکی از اجزای ضروری برای پیشرفت و ارتقای آکادمیک، توجه به این مساله وارد مرحله جدیدی شده است. مفهوم دانش پژوهی: هانس و روبرت دانش پژوهی را توسعه مرزهای دانش یا تبدیل دانش به شکلهای کاربردی توسط ذهنی خلاق و به شیوه ای بدیع تعریف نموده اند که باید مورد ارزیابی توسط گروه همگنان قرار گیرد و نتایج آنها



بطور عمومی منتشر شود. بدین ترتیب فعالیتی دانش پژوهی محسوب شود که: بدیع، نوآورانه و مبتنی بر رویکرد عالمانه باشد. به نوعی انتشار یافته باشد که امکان دسترسی عموم به آن فراهم شده باشد. توسط گروه خبرگان همگن مورد ارزیابی قرار گرفته باشد. در جمع بندی یادشده و در تعریف مفهوم دانش پژوهی توجه و اهتمام بر کارکردهای دانشگاه هم به لحاظ کمیت و تنوع کارکردی و هم به لحاظ دارا بودن معیارهای کیفی ضرورت دارد و دانش پژوهی برآیندی حاصل توجه تئوآمان به ارزشگذاری کمی و در برداشتن معیارهای کیفی در همه عرصه های دانش است. روش کار: در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس جدول محاسبات امتیازات دانش پژوهی که شامل طراحی و بازنگری طرح دوره و طرح درس، طراحی و اجرای برنامه ی آموزشی یک رشته جدید، اجرای روش های نوین ارزشیابی و آموزشی و... می باشد، پرونده های اساتید گروه های پایه و بالینی با پیگیری کارشناسان مربوطه تکمیل گردیده و سپس به صورت ماهانه در کمیته دانش پژوهی تحت نظارت اعضای ثابت کمیته و رئیس مرکز مطالعات و ریاست دانشکده ها بررسی می گردد و امتیاز مناسب در پرونده ی ارتقاء اعضای هیات علمی درج می گردد. یافته ها: با بررسی حدود ۳۰۰ پرونده دانش پژوهی از سال ۸۸ تاکنون نشان داده شد که اعضای هیات علمی در اکثر گروه های پایه: تدوین کوریکولوم و برنامه درسی، طراحی و بازنگری طرح دوره، طرح درس، راهنمای مطالعاتی و در اکثر گروه های بالینی: طراحی و پیاده سازی روشها و ابزارهای نوین ارزیابی فراگیران (مانند: لاگ بوک، داپس، آسکی، ثبت الکترونیک جراحی، تدوین گلاسیک و...) فعالیت دانش پژوهی داشته اند. نتیجه گیری: نتایج نشان داد که تمرکز اساتید علوم پایه بیشتر بر کوریکولوم و تمرکز اساتید بالینی بیشتر بر روشهای آموزشی، ارزشیابی فراگیران است که این امر قابل قبول می باشد لیکن باتوجه به اهمیت تاکید بر روشهای آموزشی، ارزشیابی در دروس عملی علوم پایه بهتر است اساتید علوم پایه در این خصوص نیز فعالیت دانش پژوهی بیشتری داشته باشند و از طرفی باتوجه به ضرورت تدوین کوریکولوم و استانداردها در گروه های آموزشی، لازم است اساتید بالینی بیشتر به مباحث اینچنینی اهتمام ورزند. بطور کلی آنچه که باید بدان اشاره کرد این است که تدریس باید بیش از آنچه که تاکنون بدان اهمیت داده شده، در سیستم های ارزشیابی و ارتقا استاد در نظر گرفته شود.

کد: ۱۳۲۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر کارآموزی با روش آموزش مبتنی بر حل مسئله بر بکارگیری مهارت حل مشکل در محیط های کاری نوپسندگان: شهلا دمنابی،

کلیدواژه ها: آموزش مبتنی بر حل مسئله، کارآموزی، مدارک پزشکی

متن مقاله: مقدمه: دانشجویان علوم پزشکی به منظور داشتن حداکثر کارایی باید دانش و مهارت لازم برای حرفه آینده خود را کسب کنند. در این خصوص کارآموزی در عرصه در دستیابی دانشجویان به توانمندی های حرفه ای نقش اساسی ایفا می نماید. نتایج تحقیقات انجام یافته در خصوص برنامه کارآموزی در عرصه کارشناسی رشته مدارک پزشکی نشان داده است که تاکید نکردن بر سرفصل های کاربردی با توجه به نیازهای شغلی دانشجویان جزو نقاط ضعف کارآموزی این رشته می باشد. با توجه به اینکه تحقیقات نشان داده است روش آموزش مبتنی بر حل مسئله روشی به منظور کمک به دانشجویان در خصوص دستیابی به دانش و مهارت مورد نیاز در محیط های کاری آنان می باشد، لذا بخشی از برنامه کارآموزی در عرصه دانشجویان کارشناسی ناپیوسته مدارک پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز به روش مبتنی بر حل مسئله اختصاص یافته و در این مقاله نتایج تاثیر این روش آموزشی بر بکارگیری مهارت حل مسئله در محیط های کاری پرداخته شده است. روش کار: روش پژوهش از نوع توصیفی مقطعی بوده و جامعه پژوهش شامل دانش آموختگان مقطع کارشناسی ناپیوسته مدارک پزشکی در سال های ۹۱-۱۳۹۰ بوده است که پس از اتمام تحصیلات، حد اقل یک سال سابقه کار در بخش های مدارک پزشکی مراکز آموزشی و درمانی را داشته اند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بوده که با استفاده از نمونه پرسشنامه های ارزیابی کریک پاتریک تهیه گردیده است. روش گردآوری داده ها بصورت ارسال پرسشنامه به آدرس پست الکترونیک فارغ التحصیلان بوده است. یافته ها: یافته های پژوهش در خصوص کاربرد شیوه حل مسئله در محیط کار نشان داده است که ۶۰ درصد فارغ التحصیلان در محیط کار از این روش استفاده نموده اند و ۱۰ درصد علیرغم تمایل به انجام، زمان و فرصت انجام آن را نداشته اند. یافته های هدف اختصاصی در خصوص نحوه استفاده از روش حل مسئله در محیط کار نشان داده است که از بین افرادی که از این روش استفاده نموده اند، بیشترین روش استفاده مربوط به کمک از



مسئول بخش (۴۰ درصد) درصد بوده است. ۳۰ درصد دانش آموختگان در محیط کاری از این روش استفاده ننموده اند. دلایل عدم استفاده مطرح شده بیشترین موارد با ۴۲ درصد به فقدان حمایت مدیریت و بالا بودن حجم کاری با ۳۸ درصد اختصاص یافته است. همچنین ۶۰ درصد این افراد در خصوص اقدامات لازم جهت شروع به استفاده از این مهارت، حمایت و پشتیبانی محل اشتغال و ۲۲ درصد نیاز به تمرین بیشتر در دوره کارآموزی را ذکر نموده اند. نتیجه گیری: بکارگیری روش آموزشی مبتنی بر حل مسئله، در توانمندی دانش آموختگان این رشته تاثیرات مثبتی به همراه داشته است. اما به منظور دستیابی به نتایج بهتر، نیاز به انجام تمرینات بیشتر در خصوص روش مبتنی بر حل مسئله در مرحله کارآموزی با استفاده از مربیان مجرب دارد. بطوریکه دانش آموختگان علاوه بر شناسایی مشکلات و علاقه به تغییر، بایستی مهارت نحوه انجام تغییر را کسب نموده و بتوانند دانش خود را به محیط کار منتقل نمایند.

کد: ۱۳۳۱

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی نگرش بیماران مراجعه کننده به بخش های زنان بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شیراز نسبت به رعایت احترام به حقوق بیمار  
نویسندگان: شبنم غضنفری، امید آسمانی، صدیقه ابراهیمی، کلیدواژه ها: حقوق بیمار، منشور حقوق بیمار، نگرش، بخش زنان و زایمان

متن مقاله: از گذشته تا به امروز حفظ و ارتقای سلامت افراد و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن مورد توجه متخصصان و صاحب نظران بوده است. برای دستیابی به این مهم یک نظام درمانی سالم و موفق، موظف به ارائه خدمات و تسهیلات پزشکی، بهداشتی و درمانی مناسب همراه با حفظ حقوق، شأن و احترام بیمار و مراجعه کنندگان به مراکز درمانی است. امروزه در سیستم سلامت بسیاری از کشورهای دنیا، برای بیماران حقوقی تعریف شده که رعایت آن از سوی ارائه دهندگان خدمات بهداشتی ضروری است و از آن تحت عنوان منشور حقوق بیمار یاد می گردد. از جمله افرادی که باید از نظر احقاق حق مورد توجه ویژه قرار گیرند، زنان هستند. زنان به عنوان رکن اساسی هسته‌ی سازنده‌ی جامعه که باعث آرامش همسر، فرزند و تربیت عاطفی فرزندان هستند، در دوران بارداری، زایمان و حتی پس از آن مشکلات بیشماری را متحمل می شوند، لاجرم نیاز بیشتری به

دریافت خدمات و رعایت حقوق از جنبه های مختلف دارند. این مطالعه قصد دارد تا به بررسی نگرش بیماران مراجعه کننده به بخش های زنان و زایمان در مورد رعایت و احترام به حقوق بیمار بپردازد. روش کار: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۱۵۰ نفر از بیماران مراجعه کننده به بخش های زنان و زایمان دو بیمارستان حافظ و حضرت زینب «س» که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند، به کمک پرسشنامه‌ی رعایت حقوق بیمار و اهمیت آن از دیدگاه بیماران (JPPR) ارزیابی شدند. این پرسشنامه شامل دو قسمت می باشد: بخش اول اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم شامل سی سؤال جهت ارزیابی نگرش بیماران در دو بعد عملکرد و اهمیت است. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های پارامتری و ناپارامتری و با کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج: یافته های پژوهش نشان می دهد که نگرش کلی نسبت به حقوق بیمار در بعد عملکرد در گروه های سنی مورد مطالعه تفاوت معناداری دارد. اما در گروه های مختلف تحصیلی و بر حسب شغل و محل سکونت، تفاوت ها معنادار نیست. در بعد اهمیت نیز نگرش کلی به حقوق بیمار در گروه های مختلف سنی دارای تفاوت معنادار نبوده اما در گروه های مختلف تحصیلی و بر حسب شغل و محل سکونت تفاوت ها معنادار بوده است. همچنین یافته های پژوهش بیانگر برخی تفاوت های معنادار در بیمارستان های مورد مطالعه نسبت به نگرش کلی به حقوق بیمار و به زیرمقیاس های پرسشنامه‌ی JPPR در دو بعد اهمیت و عملکرد بوده است. بحث و نتیجه گیری: با توجه به تفاوتی که میان نگرش گروه های مختلف تحصیلی و شغلی بیماران نسبت به رعایت و احترام به حقوق بیمار در دو بعد عملکرد و اهمیت وجود دارد، اتخاذ سیاست هایی که سبب کمتر شدن فاصله میان نگرش گروه های مختلف تحصیلی و شغلی بیماران شود، نیازی است که ضرورت آن احساس می شود. ارتقاء آگاهی بیماران از حقوق خود و اصلاح و ارتقای شرایط رعایت حقوق بیمار از طریق توجه بیشتر به اخلاق حرفه ای تدابیری است که می تواند برای تحقق پیدا کردن این دیدگاه به مورد اجرا گذاشته شود.

کد: ۱۳۳۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: زنان در پزشکی: فرصت ها و چالش ها  
نویسندگان: شیرین قنواتی





کلیدواژه‌ها: زنان، رضایت شغلی، چالش، فرصت

متن مقاله: مقدمه: زنان به عنوان نیمی از بیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ سازی و توسعه جوامع داشته و دارند. توسعه پایدار جوامع به توسعه منابع انسانی وابسته است. توسعه منابع انسانی نیز منوط به آن است که دولت‌ها ضمن بستر سازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعداد های انسانی، از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثر بخش نمایند. یکی از شاخص های مهمی که جز توسعه انسانی می گردد، میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی است. با توجه به موارد فوق و نظر به افزایش تعداد دانشجویان دختر در رشته پزشکی در سال های اخیر در این مطالعه برآن بودیم دیدگاه دانشجویان دختر را نسبت به آینده شغلی وضعیت کنونی و مشکلات و چالش های موجود در پیشرفت تحصیلی و شغلی آنان جويا شويم زیرا به نوعی، آنان در آینده نیمی از بار بهداشت و سلامت جامعه را بر دوش خواهند کشید و این موضوع علاوه بر مسئولیت هایی است که در رابطه با مسائل خانوادگی (روابط همسری و مادری) دارند و بدیهی است که آنان بهتر می توانند وضعیت فعلی تحصیلی و موانع شغلی خود را در آینده تبیین و تشریح نمایند. روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی و به صورت مقطعی است. جامعه آماری این مطالعه را کلیه دانشجویان پزشکی مقطع اینترنی و اکسترنی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می دهد که با نظر مشاور محترم آماری تعداد ۱۰۰ نفر از آنان به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شده اند. روش نمونه گیری براساس جدول اعداد تصادفی بوده است. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای محقق ساخته استفاده شده بود. این پرسشنامه براساس مروری بر متون و مطالعات قبلی تهیه شده بود. پرسشنامه مشتمل بر دو قسمت کلی شامل اطلاعات دموگرافیک نظیر (سن، وضعیت تاهل، متوسط درآمد ماهیانه خانواده و...) و ۲۰ سؤال در خصوص دیدگاه زنان نسبت به (حرفه پزشکی، مسئولیت های آینده، وضعیت تبعیض جنسیتی، نگرشی دانشجویان در خصوص فعالیت های آینده حرفه ای خود، تعیین رشته دستگیری احتمالی اشان در آینده و نظرشان در خصوص تصدی پست های مدیریتی در آینده) می باشد. طیف پاسخگویی به سئوالات بخش دوم پرسشنامه براساس طیف لیکرت می باشد. روایی این پرسشنامه توسط اساتید صاحب نظر در دانشکده پزشکی و پایایی آن نیز با توزیع پرسشنامه در ۲۰ نفر از جامعه هدف (با توجه به نظر مشاور محترم آماری) و آزمون

الفای کرونباخ ۰.۸۶٪ محاسبه شده است. پرسشنامه پس از توزیع محقق در نمونه مورد نظر تکمیل صحیح جمع آوری و در نرم افزار SPSS14 وارد می گردد. جهت تجزیه و تحلیل داده های آماری با مشورت مشاور آماری از تست های آماری توصیفی تحلیلی نظیر تی تست و آنوا بهره برده شده است. یافته ها: یافته های این پژوهش نشان داد که اکثر پاسخگویان در پاسخگویی به گویه ها، نگرش منفی نسبت به اشتغال خود دارند و این موضوع را می توان قالباً ناشی از باورهای قالبی و فرهنگی نادرست در خصوص اشتغال زنان دانست. نتیجه گیری: همانگونه که مسلم است هیچ جامعه ای بدون مشارکت همه جانبه همه اقشار خود و به کارگیری تمامی استعدادها و توانایی هایشان نمی تواند به شکل کامل و توسعه یابد. لذا توجه به مسائل مربوط به اشتغال و پیشرفت شغلی آن ها بایستی به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین جهت به کارگیری پزشکان زن در جامعه بایستی به نیازهای مرتبط با جنس و وظایف شان در خانواده مثل فرزند آوری و تربیت فرزندان توجه شود و فرصت های برابر تحصیلی و شغلی جهت پیشرفت و ارتقاء آنان از سوی مسئولین در نظر گرفته شود.

کد: ۱۳۳۳

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی تاثیر برگزاری کلاسهای آمادگی المپیاد در حیطه بالینی بر نتایج کسب شده دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نویسندگان: ارسلان مرادی

کلیدواژه‌ها: پزشکی مبتنی بر شواهد، المپیاد، حیطه

بالینی، اساتید، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: برگزاری المپیادهای علمی دانشگاهی با هدف ارتقاء دانش پزشکی، باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری و تقویت بنیه علمی دانشگاه خواهد شد. این المپیادها شامل حیطه های مختلفی است که یکی از مهمترین آن ها حیطه بالینی است. در حیطه بالینی با توجه به نقش مضاعف آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد، دانشجویان بایستی جهت آمادگی در المپیاد در کلاس های بالینی قبل از آزمون اصلی شرکت کنند. این کلاس ها با تلاش مرکز استعداد درخشان دانشگاه و با حضور اساتید مجرب و همچنین دانشجویان مدال آور سال های گذشته و با ارائه فرضیه ها و سناریو های فرضی مختلفی به دانشجویان و بحث و تبادل نظر در این زمینه ها، تشکیل می شوند. در این دوره شرکت



کنندگان با توجه به دانسته های خویش و تدریس مدرسین، تشخیص صحیح تری براساس شواهد ارائه می دهند و که این امر باعث افزایش قدرت حل مساله و تصمیم گیری در آنان می گردد. لذا هدف این مطالعه تعیین تاثیر برگزاری کلاس های حیطه بالینی پزشکی مبتنی بر شواهد در آمادگی دانشجویان بالینی در المپیاد بر نتایج کسب شده بوده است. روش کار: این مطالعه از نوع مداخله آموزشی است. جامعه آماری را تمامی دانشجویان علاقه مند ثبت نام کننده در این حیطه، تشکیل می دهند. بدین صورت که از تمامی دانشجویان علاقه مند در حیطه بالینی توسط مرکز استعدادهای درخشان دانشگاه ثبت نام به عمل آمد. این مرکز جهت برگزاری کلاس ها، از اساتید دانشگاه و همچنین دانشجویان مدال آور سال های گذشته، دعوت به عمل آورد و بدین ترتیب کلاس ها به طور منظم برگزار گردید. قبل از شروع دوره آموزشی و پس از آن، پرسشنامه ای در خصوص محتوای دوره، در اختیار تمامی شرکت کنندگان، قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۱۵ سؤال در دو بخش سوالات دموگرافیک و درسی بود، که روایی سوالات از طریق اساتید دوره و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ و با توزیع آزمایشی در ۱۸ نفر از دانشجویان ۸۰٪ به دست آمد. پس از برگزاری دوره آموزشی مذکور، امتحان درون دانشگاهی برگزار و سه نفر از این حیطه انتخاب شدند و به مرحله کشوری راه یافت. نتایج: از ۲۳ دانشجوی شرکت کننده در کلاس ها، تعداد ۱۷ نفر زن و باقی مرد با میانگین سنی ۲۴ سال بودند. نتایج بازخورد در جلسه ارزیابی دوره آموزشی، حاکی از رضایت دانشجویان از کلاس های آموزشی مبتنی بر شواهد بود. دانشجویان همچنین خواستار هماهنگی بیشتر مسئولین برگزاری دوره با بخش های بالینی، در جهت آراش بیشتر دانشجویان برای حضور در کلاس ها و همچنین انتقال تجربیات از دانشجویان مدال آور سال های گذشته بودند. دیگر نتایج نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی داری بین تعداد کلاس های برگزار شده، اساتید مجرب و انتقال تجربیات از دانشجویان مدال آور سال های گذشته با موفقیت دانشجویان وجود دارد. کسب مقام اول گروهی در حیطه مذکور در کشور و کسب مدال تمامی دانشجویان موید همین مطلب است. نتیجه گیری: به نظر می رسد که هر چه تعداد کلاس های آموزشی بالینی و به خصوص پزشکی مبتنی بر شواهد بیشتر باشد و این کلاس ها با حضور اساتید مجرب و سناریوهای متنوع با موقعیت های فرضی بیشتری برگزار گردد؛ توانایی حل مساله دانشجویان بیشتر تقویت می شود. همچنین دانشجویان می توانند با به کار گیری روش های صحیح

جمع آوری اطلاعات، از شواهد موجود به مانند یک پازل در کنار یکدیگر، تصمیم گیری صحیح تری داشته باشند و موفقیت بیشتری کسب کنند. بنابراین جا دارد مسئولین مربوطه در دانشگاه خصوصا در بخش های بالینی نیز با حمایت، توجه و تشویق بیشتر دانشجویان زمینه کسب موفقیت در ایشان را تقویت نمایند و باعث ارتقای سطح علمی و انگیزه

—  
کد: ۱۳۳۷

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: ارزیابی وضعیت توانمندی کارورزان دانشکده پزشکی

شیراز بر اساس مدل داندی

نویسندگان: پریسا نبیئی

کلیدواژه ها: مدل داندی، ارزیابی، توانمندی

متن مقاله: مقدمه: ارزش و اهمیت حرفه پزشکی و نقش مؤثر پزشک در جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست. پزشک در مراقبت از بیمار، علاوه بر دانش علمی و درک انسانی، نیاز به کسب مهارت های عملی هم دارد. بنابراین آموزش بالینی در پزشکی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت توانمندی کارورزان دانشکده علوم پزشکی شیراز در سه حیطه انجام کار درست - انجام کار متوسط فرد درست انجام کار درست توسط فرد درست، می باشد. روش کار: جامعه آماری مورد مطالعه کارورزان دانشگاه علوم پزشکی شیراز ۸۳ مهر ۸۳، ۸۴، ۸۵ بودند که در بخش های داخلی - جراحی - اطفال - زنان و اتفاقات مشغول به فعالیت بوده و در سه ترم آخر رشته پزشکی مشغول به ادامه تحصیل می باشند که تعداد ۱۰۰ نفر از آنان مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه ۱۲ سوالی استفاده شد. یافته ها: نتایج حاکی از آن بود که در حیطه دایره درونی کارورزان مهارت های خود را در بخش ها (بخش جراحی، بخش داخلی، بخش زنان) متوسط ارزیابی کرده و در بخش (سایر بخش ها) ضعیف و در بخش (اخذ شرح حال و معاینه بالینی) خیلی خوب ارزیابی کردند. در حیطه دایره میانی کارورزان کفایت تعلیمات آموزشی در زمینه پزشکی مبتنی بر شواهد و کفایت تعلیمات آموزشی در زمینه اتخاذ تصمیمات بالینی و مراقبت های بالینی را مناسب ارزیابی کردند. همچنین در زمینه اخلاق پزشکی ۵۷٪ از کارورزان معتقد بودند که همیشه اخلاق پزشکی را رعایت کرده اند. در زمینه مسئولیت پذیری و ارتقای علمی به ترتیب ۱۲٪ و ۲۲٪ به گویه همیشه پاسخ داده بودند. نتیجه گیری: یکی از وظایف پزشکان تلاش جهت ارتقای



مهارت های فردی و علمی خود می باشد. یکی از راه های افزایش این مهارت استفاده از تکنولوژی های روز مانند اینترنت و آموزش الکترونیکی می باشد. از آنجا که هزینه این نوع آموزش کم می باشد و براساس مطالعه ای میزان یادگیری در این روش با آن چه که در سخنرانی ها آموخته می شود یکسان می باشد، بنابراین پیشنهاد می شود از این شیوه بیشتر در آموزش کارورزان استفاده شود.

کد: ۱۳۴۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی عوامل سایکومتریک SCT و بررسی همبستگی آن با آزمون MCQ در دانشجویان بخش داخلی

نویسندگان: شیرین قنوتی

کلیدواژه‌ها: آزمون SCT، آزمون MCQ، استدلال بالینی

متن مقاله: مقدمه: استدلال بالینی یکی از مهم ترین شایستگی های پزشکی است. این توانایی نقش بسیار مهمی در تشخیص و نحوه مدیریت بیماری ها توسط پزشکان دارد. یکی از شیوه های اصلی در استدلال بالینی در پزشکی SCT می باشد. در این مطالعه از شیوه SCT در گروه داخلی پزشکی استفاده کرده ایم. هدف از انجام این مطالعه، بررسی ابعاد سایکومتریک SCT و نمایش هم بستگی میان این آزمون و آزمون روتین MCQ در گروه پزشکی داخلی می باشد. روش کار: در این مطالعه ۱۰۰ نفر اینترنت شرکت کردند. محتوای آزمون SCT و MCQ یکسان بود و آزمون SCT پس از MCQ همیشگی در بخش داخلی بیمارستان برگزار شد. در این مطالعه ما روایی، میزان سخت بودن موارد و همبستگی میان آزمون SCT و MCQ را سنجیدیم. نتایج: در این مطالعه، میانگین نمره دانشجویان در SCT 11.2 از ۲۰ و در MCQ برابر با ۱۴,۳۲ از ۲۰ نمره بود. میزان دشواری گویه ها ۰,۸-۰,۳ و همبستگی دو آزمون ۰,۴-۰,۶ به دست آمد. میزان روایی آزمون SCT برابر با ۰,۷۱ و میزان روایی آزمون MCQ برابر با ۰,۸۲ بود. نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که همبستگی میان SCT و MCQ در حد متوسط می باشد. این نتیجه تاکید می کند که آزمون SCT میزان توانایی دانشجویان در حل مشکل و MCQ میزان دانش دانشجویان را می سنجد. نتایج روایی، همبستگی و میزان دشواری گویه ها نشان می دهد که استفاده از این شیوه در بخش ها ممکن است بهتر از MCQ و سایر آزمون های استدلال بالینی باشد.

کد: ۱۳۴۶

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی کیفیت برنامه آموزشی پزشکی عمومی از نظر فارغ التحصیلان در دانشگاه های علوم پزشکی شیراز، فسا و جهرم از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۲

نویسندگان: فاطمه شهیدی

کلیدواژه‌ها: کیفیت، ارزیابی، پزشکی عمومی، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: کیفیت آموزش عالی در چند سال گذشته مورد توجه اکثر کشورها قرار گرفته و آنها تلاش کرده اند سطح کیفی آموزش عالی خود را بهبود دهند. بررسی ها نشان می دهد در ایران، دانشگاهها از نظر کیفی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار نداشته و بر سر راه آنها مسائل و مشکلات متعددی وجود دارد که منجر به پایین آمدن سطح کیفیت آنها شده است. این مطالعه با هدف ارزیابی کیفیت برنامه آموزشی پزشکی عمومی از نظر فارغ التحصیلان در دانشگاه های علوم پزشکی شیراز، فسا و جهرم انجام شده است. روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه فارغ التحصیلان پزشکی عمومی بوده است. با روش سرشماری کلیه فارغ التحصیلان پزشکی در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ از سه دانشگاه علوم پزشکی شیراز و فسا و جهرم وارد مطالعه شدند (تعداد ۲۱۵ نفر). جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه فارغ التحصیلان انجمن دانشکده های پزشکی آمریکا استفاده شده است و با استفاده از نرم افزار SPSS 11 و استفاده از شاخص های آمار توصیفی (درصد، انحراف معیار) و ANOVA اطلاعات تجزیه و تحلیل شد. نتایج: نرخ برگشت پرسشنامه ۹۷ درصد بود. درارتباط با تجربیات پیش بالینی ۵ شاخص بررسی شد که از نظر فارغ التحصیلان در حد متوسط ارزیابی شده است. در ارتباط تجربیات بالینی پنج شاخص بررسی شده است. از بین این شاخص ها مهارت ارتباطی و کیفیت کارآموزی پزشکی از نظر فارغ التحصیلان سه دانشگاه در حد مطلوب ارزیابی شد و کیفیت تجارب بالینی و مهارت تکنولوژیکی کسب شده از نظر فارغ التحصیلان سه دانشگاه در حد ضعیف بوده است ادغام مباحث علوم پایه با تجربیات بالینی مورد نیاز از نظر فارغ التحصیلان ضعیف بوده است. نتیجه گیری: راه اندازی یک ارزشیابی سالیانه از فارغ التحصیلان پزشکی عمومی در ایران و بازنگری برنامه پزشکی عمومی مطابق با پیشرفتهای جهانی پزشکی و استاندارد های بین المللی ضروری به نظر می رسد.

کد: ۱۳۴۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت ژورنال کلابهای دستیاران گروههای داخلی، جراحی، اطفال، بیهوشی و زنان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

نویسندگان: محمد موسوی، محمد علی زمانی، مجید کبیری، شیدا شبانیان، لطف الله افضلی، فرامرز محمد علی بیگی، مجید شیرانی، افسانه ملکپور تهرانی، معصومه معزی، افسانه حبیبی، کلیدواژه‌ها: ژورنال کلاب، دستیار پزشکی

متن مقاله: زمینه و هدف: بیش از صد سال است که از ژورنال کلاب به عنوان روشی برای آموزش پزشکی استفاده می شود. اولین بار سر ویلیامز اسلر از این روش به عنوان چارچوبی برای بحث و مطالعه در مورد آخرین تحقیقات پزشکی استفاده کرد. امروزه در بسیاری از مراکز معتبر ژورنال کلاب بخش مکمل و بسیار مهمی در عادات مطالعه ای دستیاران و اساتید می باشد. بر اساس یافته های مقاله akhund و همکاران از بیشتر دستیاران برگزاری ژورنال کلاب را در ارتقاء درک و نقد مقالات علمی و به روز بودن با مطالب علمی جدید مفید دانسته اند در یک مطالعه کار آزمایی بالینی توسط linzer و همکاران بر روی ۴۴ اینترن عادات مطالعه ای آنها به شکل معنی داری بدنبال شرکت در جلسات ژورنال کلاب بهبود یافته بود هر چند که مهارت نقد علمی مقالات در آنها اندکی بهبود یافته ولی معنی دار نبود. با توجه به اطلاعات کمی که در مورد نحوه برگزاری ژورنال کلاب و کیفیت یادگیری مهارتهای مختلف در جلسات ژورنال کلاب به روش سنتی که اکنون در گروههای آموزشی دارای دستیار این دانشگاه برگزار می شود نیاز به بررسی این مورد احساس می شود روش بررسی: این مطالعه به روش توصیفی بر روی ۷۰ نفر دستیاران بخشهای پنج گانه دارای دستیار (داخلی - اطفال - جراحی - زنان - بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد) شرکت کننده در جلسات ژورنال کلاب که بصورت هفتگی برگزار می گردد انجام شد. یک چک لسیت ارزشیابی جلسات توسط کارشناس EDO ضمن حضور در جلسات تکمیل می شد و یک پرسشنامه که شامل دو قسمت بوده و قسمت اول مربوط به نحوه برگزاری ژورنال کلاب می باشد و قسمت دوم شامل میزان کسب مهارتهای مختلف را که بصورت لیکرت پنج قسمتی (ضعیف - رضایتبخش - خوب - خیلی خوب و عالی) می باشد و در بررسی که در دانشگاههای علوم پزشکی تهران بر روی دستیاران

فوق تخصص جراحی توراکیس انجام گرفته استفاده شده است را به کل دستیاران به تعداد ۷۰ نفر جهت تکمیل تحویل داده شد که از این تعداد ۵۸ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند سپس پرسشنامه ها جمع آوری و نتایج آن با برنامه SPSS ورژن ۲۰ آنالیز شد. یافته ها: در این بررسی مشخص شد که برگزاری ژورنال کلاب در این دانشگاه بصورت سنتی بوده و انتخاب مقاله توسط دستیار بدون هدف مشخصی می باشد و در بعضی گروهها اساتید در انتخاب مقاله نقشی ندارند. روش ارائه مقاله در بیشتر گروهها بصورت آموزش مطالب درسی می باشد. هیچگونه بحث و یا نقدی در مورد نوع مقاله و قسمتهای مختلف آن نمی شود. اکثریت دستیاران تمایل برای بایگانی مقالات ارائه شده و همچنین در اختیار قرار گرفتن مقاله قبل از جلسه دارند. علاوه بر این اکثریت آنها ترجیح می دهند آمار حیاتی و اپیدمیولوژی بالینی نیز آموزش داده شود. کسب مهارت جستجوی مقالات در پایگاههای اطلاعاتی از طریق ژورنال کلاب در بیشتر از ۷۰ درصد دستیاران در حد ضعیف و رضایتبخش می باشد. مهارتهای درک و نقد مقالات از طریق جلسات ژورنال کلاب در بیشتر از ۷۵ درصد دستیاران در حد ضعیف و رضایتبخش می باشد. کسب مهارتهای بهبود روشهای درمانی از نظر بیشتر از ۷۵ درصد دستیاران از طریق ژورنال کلاب در حد ضعیف و رضایتبخش بوده است. مهارتهای عادات مطالعه از نظر تقریباً ۶۰ درصد دستیاران در حد ضعیف و رضایتبخش از طریق ژورنال کلاب کسب شده است. نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان می دهد که کسب کلیه مهارتها از طریق ژورنال کلاب سنتی در حد ضعیف و رضایتبخش می باشد و نیاز به انجام مداخلات بعدی برای ارتقاء مهارتها می که از اهداف اصلی ژورنال کلاب است می باشد.

کد: ۱۳۴۸

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: ارزشیابی فعالیت های دانش پژوهی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز و ارتقای آن ها با به کارگیری مدل (Q2 engage) نویسندگان: پریسا نبیئی کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، دانش پژوهی، دانش پژوهی آموزشی

متن مقاله: مقدمه: بکارگیری روش های نوین ارزیابی عملکرد آموزشی اعضای هیات علمی به گونه ای که ضمن حفظ شان والای ایشان، متضمن تحقق رسالت دانشگاه و اعمال مدیریت اثر بخش نیز باشد از مدتها پیش در اولویت کاری مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی قرار گرفته بود، یکی از سیستم های جامع



که با بررسی وضعیت موجود در برترین دانشگاه‌های دنیا و مطابق با شرایط اختصاصی دانشگاه‌های این کشور مورد استفاده قرار گرفته است، سیستم Q2 engage و مبتنی بر اهداف دانش پژوهی آموزشی می باشد. در این سیستم Q اول به معنای Quantity یا کمیت، Q دوم به معنای Quality یا کیفیت و engage به معنای engagement یا تعامل مؤثر در حیطه آموزشی است، روش اجرا: در بخش کمیجهت ارزیابی کمی میزان حضور اعضای هیات علمی در راندها، کنفرانس ها، گزارش های صبحگاهی و کارگاهها و همچنین تعداد فعالیت های پژوهشی و اجرایی در این حیطه مد نظر قرار دارد. در بخش ارزشیابی کیفی، اعضای هیات علمی از دید دانشجویان، مدیران گروه ها و همکاران مورد بررسی قرار گرفته و براساس مجموع نمرات کسب شده در این ارزشیابی ها با احتساب ضرایب مشخص و با بهره گیری از نرم افزار سامان صورت می گیرد و در بخش engagement در این قسمت میزان تعامل هر عضو هیات علمی با جامعه آموزشی و دانشگاه مورد بررسی قرار می گیرد. برخی از این تعاملات عبارتند از: همکاری با معاونت آموزشی دانشگاه، بیمارستان و دانشکده ها- همکاری با مراکز مطالعات و دفاتر توسعه آموزشی بیمارستان ها و دانشکده ها- انجام فعالیت های اسکولارشیپ یا دانش پژوهی - راه اندازی روش های نوین آموزشی و ارزشیابی- همکاری در تهیه مالتی مدیای آموزشی- مشاوره دانشجویان و کلیه فعالیت های مرتبط با آموزش در این قسمت نمره دهی می شود. نتایج: بدین منظور با بهره گیری از دیدگاه های اعضای هیات علمی صاحب نظر در امر آموزش، اعم از افراد با سابقه بالا درحوزه های معاونت های آموزشی دانشکده ها و صاحب نظران آموزش پزشکی، این هیات راه اندازی شد. پس از نشست های مقدماتی عناوین فعالیت ها و آئین نامه هیات ممیزه آموزشی تعیین گردید و با اتفاق آرا اولویت فعالیت این هیات «توجه ویژه به امر آموزش در ارتقاء اعضای هیات علمی و بهبود تحصیلی دانشجویان» تعیین گردید. تشکیل جلسات با دعوت معاونت آموزشی دانشگاه به صورت یک هفته در میان و با دستور جلسه ریاست دانشگاه، صورت می گیرد. مصوبات این هیات نیز توسط معاونت آموزشی دانشگاه به دانشکده های مختلف ابلاغ و دبیر هیات و یک کارشناس پیگیری مصوبات را به عهده دارند. ترکیب اعضای هیات هیات ممیزه آموزشی عبارتند از ریاست دانشگاه، معاون آموزشی، مدیر امور هیات علمی دانشگاه، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی و معاونین آموزشی دانشکده ها و چند نفر از اعضای هیات علمی صاحب نظر با انتخاب

ریاست دانشگاه می باشد. لازم به ذکر است که تاکنون بیش از ۷۰ جلسه هیات ممیزه آموزشی با بررسی بیش از ۲۰۰ پرونده ارتقاء اعضای هیات علمی دانشگاه، برگزار گردیده است. نتیجه گیری: برای ترویج دانش پژوهی آموزشی در هر دو سطح دانشگاهی و کشوری، نیاز به زیرساخت هایی است که مشابه حوزه پژوهشی بتوانند وظایف مربوط به آموزش دهی، تامین منابع مالی در قالب گرانت های آموزشی فرد از جمله ارزیابی مستندات و مدارک ارائه شده توسط عضو هیات علمی را انجام دهند. در دانشگاه های علوم پزشکی، مراکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه های علوم پزشکی، مراکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه، دفاتر توسعه آموزش و واحدهای مرتبط با ارزشیابی اعضای هیات علمی می توانند این نقش ها را ایفا کنند. وجود

کد: ۱۳۴۹

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: آموزش فرآیندهای هوشبری به دانشجویان هوشبری به

روش Focus - PDCA

نویسندگان: محمد رضا حاجی آبادی، دکتر کاظم قائمی

کلیدواژه ها: فرآیند، دانشجویان، Focus PDCA

متن مقاله: مقدمه: چرخه PDCA در سال ۱۹۳۰ توسط والتر شو ارت ابداع شده و دکتر دمینگ آن را تکمیل نمود. در سال ۱۹۸۹، انجمن بیمارستان های آمریکا با افزودن مراحل FOCUS به آن، روش Focus PDCA را به وجود آوردند. Focus PDCA روش و ابزاری است برای تعیین سازماندهی و شفاف ساختن و فهمیدن و مشخص کردن نقشه فرایند و سپس انتخاب در مجموعه و برای اجرای آن برنامه ریزی کردن و انجام دادن در اتاق عمل و چک کردن نقاط قوت و ضعف فرایند و برطرف نمودن آنها و در نهایت ارزشیابی و تثبیت فرایند در اتاق عمل است. بنا براین با این روش می توان کیفیت را افزایش و به وضعیت مطلوب رسانید. در این رابطه راجرز کافمن نیاز را فاصله بین وضعیت واقعی با وضعیت مطلوب می داند. از آنجائیکه دانشجویان آینده سازان واقعی کشور هستند و به خصوص دانشجویان هوشبری با فرایندهای زیادی در اتاق عمل درگیر هستند، لذا شناخت روش Focus PDCA برای تعیین فرایندهای اتاق عمل لازم و ضروری است. پس آموزش و آگاهی دانشجویان از این روش و استفاده از آن می تواند به مدیریت فرایندها در اتاق عمل بینجامد و کار در اتاق عمل را تسهیل کند.

روش کار: تعداد ۲۵ نفر از دانشجویان سال سوم هوشبری انتخاب شدند. در مدت ۸ ساعت روش Focus PDCA به آنان آموزش داده شد و اهمیت کار برای همه آنان توضیح داده شد. پس از آموزش از دانشجویان خواسته شد تمام فرایندهای ساری و جاری در اتاق عمل را لیست کنند که تعداد یکصد فرایند را لیست نمودند. سپس دانشجویان به پنج گروه تقسیم شدند و برای هر گروه چهار فرایند تعیین شد تا این فرایندها را به روش Focus PDCA طی ۹ مرحله آنرا تجزیه و تحلیل کنند و کلیه روند اجرائی فرایند را رسم نمایند و در اتاق عمل آنرا اجرا و در صورت ارتقاء فرایند مذکور را تثبیت نمایند. نتایج: آشنایی دانشجویان با یک روش جدید علمی برای تعیین و ارتقاء فرایندهای اتاق عمل که با آن می توانند مدیریت جامع کیفیت را در اتاق عمل بوجود آورند. از تعداد یکصد فرایند در اتاق عمل تعداد ۲۰ فرایند شامل چگونگی عمل جراحی از لحظه ورود بیمار به پذیرش اتاق عمل تا خروج از ریکاوری، فرایند آماده سازی بیمار جهت گرفتن بیهوشی، فرایند پذیرش اولیه بیماران و تشکیل پرونده اتاق عمل، فرایند کلی از پذیرش بیمار در اتاق عمل تا شروع جراحی، فرایند انتقال بیمار از اتاق عمل به ریکاوری، فرایند شستشوی هفتگی اتاق عمل، فرایند ترخیص بیماران در بیمارستان، فرایند پذیرش بیماران در بیمارستان، فرایند ارزیابی راه هوایی بیمار، فرایند تحویل بیمار از اتاق عمل به ریکاوری، فرایند تحویل بیمار از ریکاوری به بخش، فرایند درخواست دارو و تجهیزات مصرفی اتاق عمل، فرایند شستشوی اتاق عمل (واشینگ)، فرایند استریلیزاسیون وسایل اتاق عمل، فرایند بستری بیماران در بخش قبل از عمل جراحی، فرایند انتقال بیمار از بخش به اتاق عمل، فرایند اولویت بندی بیماران اسکجول اتاق عمل، فرایند برنامه هفتگی و آنکال پرسنل اتاق عمل، به روش Focus PDCA ارتقاء داده شد. بحث و نتیجه گیری روش Focus PDCA یک روش علمی، جامع و منسجم و کاربردی برای ارتقاء عملکرد فرایندها بوده و یک جعبه ابزار کامل و مرتبط مدیریتی دارد که با اجرای آن فرایندها بر سیستم مدیریت می کنند و امروزه بسیاری از چالشها و مشکلات در بیمارستانها و به خصوص اتاق عمل عدم آشنایی با این روش می باشد. از آنجائیکه دانشجویان آینده سازان مملکت هستند، لذا تدریس روش Focus PDCA به عنوان یک واحد درسی برای تمام رشته های علوم پزشکی پیشنهاد می شود

کد: ۱۳۵۲

حیطه: ارزشیابی دانشجویی

عنوان: تحلیل روند شاخص های کیفیت سوالات آزمون ارتقا

دستیاری (۹۳-۹۱)

نویسندگان: فریبا درخشان، عباس علامی

کلیدواژه‌ها: شاخص های کیفیت، سوالات ارتقا، دستیار متن مقاله: سابقه و هدف: تحلیل سوالات آزمون ارتقا از اهمیت بالایی برخوردار است و موجب می شود با تقویت جنبه های مثبت و رفع نارسایی ها در اصلاح نظام آموزشی گام های مناسبی برداشته شود. هدف از این تحقیق تحلیل روند شاخص های کیفیت سوالات آزمون ارتقا دستیاری تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال های ۹۱ تا ۹۳ می باشد. روش بررسی: در مطالعه توصیفی- تحلیلی کلیه سوالات مربوط به ۷ رشته تخصصی دستیاری اطفال، بیهوشی، داخلی، زنان، روان شناسی، قلب و جراحی دانشکده پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات مربوط به ضریب دشواری و ضریب افتراق سوالات با کمک نرم افزار و تعداد سوالات منفی به صورت دستی محاسبه شد. ضریب دشواری با دامنه تغییرات بین ۰ تا ۱ و ضریب افتراق با دامنه تغییرات ۱- تا ۱+ در نظر گرفته شد. ضریب دشواری بین ۰/۳-۰/۷ مناسب بود. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS v.19 شد و ارتباط بین شاخص ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی گردید. یافته ها: نتایج نشان داد از بین ۳۱۵۰ سوال مربوط به سال های ۹۱ تا ۹۳ (۱۰۵۰ سوال در هر سال)، میانگین ضریب دشواری در سال ۹۱،  $0/29 \pm 0/60$ ، در سال ۹۲،  $0/27 \pm 0/58$  و در سال ۹۳،  $0/27 \pm 0/56$  و در مجموع میانگین کل  $0/28 \pm 0/58$  بدست آمد. ضریب دشواری در سال ۹۳ کاهش یافته بود ( $P=0/04$ ). میانگین ضریب افتراق سوالات در سال های ۹۱ تا ۹۳ به ترتیب  $0/29 \pm 0/09$ ،  $0/25 \pm 0/07$ ،  $0/24 \pm 0/08$  و در مجموع میانگین کل  $0/26 \pm 0/08$  بود. ضریب افتراق تغییر معناداری در سال ۹۳ به نسبت سال های قبل نداشت. میانگین تعداد سوالات منفی به ترتیب  $0/26 \pm 0/07$ ،  $0/30 \pm 0/10$ ،  $0/37 \pm 0/17$  در سال های ۹۱ تا ۹۳ و میانگین کل  $0/32 \pm 0/11$  بدست آمد. تعداد سوالات منفی در سال ۹۳ به نسبت سال های قبل افزایش معناداری پیدا کرده بود ( $P<0/001$ ). نتیجه گیری: نتایج نشان داد علیرغم این که سوالات به سمت ساده تر شدن پیش رفته و تعداد سوالات منفی افزایش یافته، ضریب افتراق سوالات تغییری نداشته است. لذا می توان نتیجه گرفت تغییرات جزئی در این شاخص ها لزوما در ضریب افتراق سوالات آزمون تاثیرگذار نخواهد بود.

کد: ۱۳۵۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان تاثیر زیباشناختی تدریس استاد در ارتقا

علمی اخلاقی دانشجویان علوم پایه

نویسندگان: پرویز رضا میرلطفی

کلیدواژه‌ها: استاد، آموزش پزشکی، زیباشناختی، ارتقا آموزشی

متن مقاله: بررسی میزان تاثیر زیباشناختی در تدریس در ارتقا

آموزشی، اجتماعی و اخلاقی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

زاهدان دکتر پرویز رضا میرلطفی- دکتر محمود رضا میری -

مریم میری بنجار چکیده: مطالعات و بررسی های آموزشی نشان

می دهد که درک مفاهیم تدریس شده بستگی به ارتباط مطلوب

استاد با دانشجو دارد. دنیای امروز در حوزه آموزش، دنیای روش

ها و قالب های نوین در عرصه تدریس است. پس می بایست به

روشها و قالب های آموزشی به منظور حداکثر تاثیر گذاری

و تاثیر بخشی اخلاقی، رفتاری و آموزشی در ذهن و جان مخاطب

توجه نمود. در این راستا برجسته سازی اسلامیت مبانی و اصول

آموزشی که زیرسازهای نخستین پردازش یک نظام آموزشی

مبتنی بر آموزه های اسلامی و انسانی در حوزه آموزش پزشکی

ضرورتی انکارنا پذیر هست هنر مجموعه ای از آثار یا فرآیندهای

ساخت انسان است که با استفاده از جنبه های زیباشناختی در

جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی و یا به

منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می شوند. از این رو برخی،

استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا را هنر دانسته اند. اما

فرهنگ نامه فارسی سخن، در تعریف هنر آورده است: هنر هر

نوع فعالیت غیرمعطوف به سود مادی و مبتنی بر برداشت های

شخصی از محیط و طبیعت با استفاده از نیروی تخیل و قواعد

زیبایی شناختی است. اهداف اختصاصی: الف- آشنایی و تبیین

جایگاه و نقش استاد در زیباشناختی تعلیم و تربیت دانشجو - ب-

تعیین میزان کارکرد زیباشناختانه استاد در ارتقا آداب اخلاقی

دانشجو - ج- تعیین میزان کارکرد زیباشناختانه استاد برافزایش

توانمندیهای رفتاری و اجتماعی دانشجو - د- تعیین میزان کارکرد

زیباشناختانه استاد در پیشرفت تحصیلی دانشجو روش اجرا: این

مطالعه بر روی دو گروه از دانشجویان دروس تئوریک شامل

دانشجویان ورودی ۱۳۹۰ (۴۳ نفر) و دانشجویان ورودی ۱۳۸۹

(۴۵ نفر) به اجراء درآمد. برای انجام این پژوهش، ابتدا ی

نیمسال تحصیلی اولین ابزار انجام فرایند که چک لیستی از

مصادیق رفتار و شوون استادی تنظیم گردید سعی شد تا با علم

به آن مصادیق کار تدریس آغاز و ادامه یابد. در انتهای ترم

پرسشنامه استاندارد اثر بخشی در کلاسهای درس توزیع شد تا میزان اثر بخشی فرایند انجام شده در حوزه های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی تعیین شود. سپس اطلاعات جمع آوری شده وارد نرم افزار آماری SPSS شد و آنالیز انجام گردید. نتایج: نتایج یافته های این پژوهش نشان داد که میانگین سن آزمودنیها ۲۱/۳ سال بود. از این تعداد ۶۹/۳٪ (۶۱ نفر) زن و ۳۰/۷٪ (۲۷ نفر) مرد بودند. تعداد ۸۵/۲٪ آزمودنیها مجرد و ۱۲/۵٪ متاهل بودند. با توجه به نتایج حاصل تعداد ۷۰/۵٪ در صدافزایش اطلاعات دانشجویان را خیلی خوب توصیف کردند. (ارتقای علمی) با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق تعداد ۵۳/۴ درصد میزان تأثیر گذاری بر ارزش های دانشجویان را خوب توصیف کردند. (ارتقای فرهنگی) با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق تعداد ۵۸ درصد میزان تأثیر گذاری بر زندگی شخصی دانشجویان را خیلی خوب توصیف کردند. (ارتقای اجتماعی) با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق تعداد ۵۸ درصد میزان دغدغه استاد نسبت به وظایف تربیتی دانشجویان را خیلی خوب توصیف کردند. (وظایف تربیتی) نتیجه گیری کلی بر مبنای تحلیل نتایج این مراحل می توان سه دستورالعمل کلی را برای افزایش اثر بخشی اساتید در حیطه های اخلاقی، رفتاری و علمی را با تاکید بر کارکرد زیباشناختی در تدریس اساتید علوم پایه می بایست با همه امکانات و تجهیزات موجود، کلاسهای جذاب و عملکردی را بیافرینند.

کد: ۱۳۷۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارزیابی کمیت و مهارت مطالعه و ارتباط آن با میزان

رضایت دانشجویان علوم پایه پزشکی و داروسازی کرمانشاه از

دیدگاه خودشان (۱۳۹۲)

نویسندگان: داریوش شکیبایی، هانیه فیروزآبادی، شادی صیامی،

لیدا معماریفتخاری، منصور رضایی، مهوش حساری، فرح آفرنگان

کلیدواژه‌ها: مهارت مطالعه، کمیت مطالعه، دانشجویان پزشکی،

دانشجویان داروسازی

متن مقاله: سابقه و هدف: مهارت مطالعه و میزان رضایت

دانشجویان از عملکرد خود تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی آن

ها دارد. لذا تحقیق حاضر به منظور ارزیابی کمیت و مهارت

مطالعه و ارتباط آن با میزان رضایت دانشجویان علوم پایه پزشکی

و داروسازی کرمانشاه از دیدگاه خودشان در سال ۱۳۹۲ انجام

گرفت. مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مقطعی (توصیفی-



تحلیلی) بر روی ۱۴۸ نفر از دانشجویان علوم پایه رشته پزشکی و داروسازی به شیوه نمونه گیری در دسترس صورت گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای روا و پایا مشتمل بر ۳ قسمت: مشخصات دموگرافیک و کمیت مطالعه، مهارت های مطالعه در شش حیطه مربوطه و میزان رضایت دانشجویان بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: در مجموع ۱۰/۹ درصد از دانشجویان از نظر مهارت های مطالعه در سطح مطلوب قرار داشتند. کمترین امتیازات اخذ شده توسط دانشجویان در حیطه های یادداشت برداری و آمادگی برای امتحانات بود. همچنین نتایج حاکی از ارتباط مثبت بین مهارت مطالعه با معدل ترم گذشته دانشجویان ( $R=0/269$  و  $P=0/001$ ) و میزان رضایت آنان ( $R=0/493$  و  $P=0/001$ ) بود. بحث و نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که مهارت مطالعه دانشجویان مورد بررسی نیاز به تقویت دارد. با توجه به ارتباط مثبت مهارت مطالعه و میزان موفقیت تحصیلی و همچنین میزان رضایت دانشجویان، ارتقا مهارت مطالعه در دانشجویان ضروری به نظر رسید و تقویت این مهارت ها با تأکید بر حیطه های ضعیف تر پیشنهاد می گردد.

کد: ۱۳۸۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: طراحی دستورالعمل برای آزمایش های آزمایشگاه خون شناسی ومولکولی

نویسندگان: سید علی اکبر هاشمی نسب، محمد رضا علی

اکبرزاده ساروخانی، معصومه ضیائیه

کلیدواژه ها: دستورالعمل، آزمایش، خون شناسی، مولکولی

متن مقاله: مقدمه: متغیرهای مختلفی نتایج آزمایشها را تحت تأثیر قرار میدهند لذا شناسایی این متغیرها و بدنبال آن استاندارد نمودن روشهای آزمایشگاهی جهت تفسیر صحیح و استفاده بهینه از داده های آزمایشگاهی ضروری میباشد. عملکرد صحیح و قابل قبول برای آزمایشگاهها جز با آگاهی کامل کارکنان از اهمیت آزمایشها، کاربرد صحیح تجهیزات، روش صحیح انجام آزمایشها، آشنایی با برنامه های تضمین کیفیت و لزوم مستند سازی، میسر نمی گردد. با توجه به مطالب فوق اهتمام به طراحی دستورالعمل برای آزمایش های آزمایشگاه خون شناسی ومولکولی کردیم. روش کار: با استفاده از منابع معتبر و نظرات اعضای محترم هیأت علمی گروه علوم آزمایشگاهی دستورالعمل برای آزمایش های آزمایشگاه خون شناسی

ومولکولی طراحی شد و میزان رضایتمندی دانشجویان و پرسنل بر اساس مقیاس چهار قسمتی لیکرت ضعیف، متوسط، خوب و عالی سنجیده شد. یافته ها: دستورالعمل ۳۹ آزمایش آزمایشگاه خون شناسی ومولکولی طراحی شد که شامل نام روش، مشخصات نمونه، مواد، وسایل و تجهیزات مورد نیاز، روش اجرای آزمایش به صورت کامل و مرحله به مرحله، تعیین طیف نرمال بود. در نظر سنجی از ۳۸ دانشجویان و پرسنل میانگین نمره میزان رضایتمندی از استفاده از دستورالعمل آزمایش های آزمایشگاه خون شناسی ومولکولی ۳/۴ بود. بحث و نتیجه گیری رضایتمندی دانشجویان و پرسنل از استفاده از دستورالعمل آزمایش های آزمایشگاه خون شناسی ومولکولی در حد بالایی بود.

کد: ۱۳۸۴

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: میزان آگاهی دانشجویان بالینی پزشکی از حقوق بیمار در

بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: آزاده عازمیان

کلیدواژه ها: حقوق بیمار، دانشجوی بالینی، منشور حقوق بیمار

متن مقاله: مقدمه: مسئله حقوق بیمار طی دو دهه اخیر از یک طرف به دلیل آسیب پذیری و نیازمندی بیمار و از طرف دیگر توجه روز افزون جوامع بین المللی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. حقوق بیمار عبارتست از تکالیفی که یک مرکز درمانی در قبال بیمار برعهده دارد. به بیان دیگر رعایت حقوق بیمار، رعایت نیازهای جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی مشروع و معقولی است که در قالب استاندارد ها و قوانین و مقررات درمانی تبلور یافته و تیم درمان مسئول و موظف به اجراء و رعایت آن می باشد. احترام به اختیار بیمار و استفاده از ظرفیت و توان جسمی و روحی بیمار برای تصمیم گیری های لازم فرایندی مهم در حیطه طبابت و حقوق بیمار است. توجه به حقوق بیمار و از آن مهمتر رعایت این حقوق بر تمامی اعضای تیم درمان لازم و غیر قابل انکار است. از اینرو سیستم و نظام آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی کشور در تربیت افراد متعهد و متخصص نقش اساسی و مهم را برعهده دارد. از این رو این پژوهش به منظور بررسی میزان آگاهی دانشجویان بالینی پزشکی در بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر از حقوق بیمار صورت گرفته است. روش کار: در یک پژوهش توصیفی - تحلیلی، کلیه دانشجویان پزشکی مقطع بالینی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بصورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها توسط پرسشنامه ای که قبلا





روایی و پایایی آن در مطالعات مشابه تایید گردیده است جمع آوری شده است. پرسشنامه شامل ۲ بخش بود: مشخصات دموگرافیک و سوالات آگاهی دانشجویان از حقوق بیمار که بصورت سوالات چهار گزینه ای و در ۵ حیطه اصلی منشور حقوق بیمار شامل: حیطه دسترسی به خدمات (۴ سوال)، حیطه رضایت آگاهانه (۸ سوال)، حیطه آزادی در تصمیم گیری (۶ سوال)، حیطه آگاهی از درمان (۶ سوال) و حیطه محرمانه ماندن اطلاعات (۵ سوال) می باشد (۲۹ گویه). داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و بوسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: از بین ۲۸ دانشجوی شرکت کننده ۶۰/۳٪ زن و ۳۹/۳٪ مرد بودند. بیشتر دانشجویان (۶۷/۹٪) بیان نمودند که در آغاز یا قبل از دوره کارآموزی خود از منشور حقوق بیمار مطلع نشده اند. و فقط ۲۵٪ بیان کردند که بوسیله اساتید خود از منشور حقوق بیمار مطلع شده اند. ۴۶/۴٪ بیان نمودند محتوی دوره آموزشی در ارتقاء آگاهی شان در زمینه حقوق بیمار موثر بوده است و ۵۳/۶٪ به این سوال پاسخ منفی دادند. ۸۵/۹٪ از دانشجویان آگاهی دانشجویان از حقوق بیمار را در دوره کارآموزی خود ضروری می دانند. همچنین ۸۵/۱۷٪ اطلاعات خود را در زمینه حقوق بیمار ناکافی می دانستند و ۷۱/۴٪ معتقد بودند در بیمارستانی که کارآموزی خود را می گذرانند حقوق بیمار رعایت نمی شود. بیشترین آگاهی دانشجویان در مورد آگاهی بیمار از خطرات اقدام پزشکی بود (۸۵/۹٪). بیشتر دانشجویان دارای آگاهی متوسط به حقوق بیمار بودند ۸۹/۰۴٪ و ۱۰/۹۶٪ دارای آگاهی ضعیف بودند. نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش فوق با توجه به اینکه دانشجویان گروه علوم آموزش پزشکی در تماس مستقیم با بیمار می باشند و قسمتی از خدمات سلامت را به بیمار ارائه می دهند لازم است قبل از ورود به بالین بیمار یا در شروع دوره بالین از طریق کارگاههای در این زمینه نسبت به حقوق بیمار آشنا شوند و منشور حقوق بیمار در ایران به آنها تدریس گردد.

کد: ۱۳۸۵

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: سید علی اکبر هاشمی نسب، مژگان علی اکبرزاده، ساروخانی، امیر پاکپور حاجی آقا، اصغر کاربرد، معصومه ضیائیه، کلیدواژه‌ها: اعتیاد به اینترنت، کیفیت زندگی، دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: اعتیاد به اینترنت یا استفاده ی بیش از حد از آن سبب نوعی وابستگی روانی می شود که خود مشکلاتی را در بر خواهد داشت در نتیجه می تواند اختلال در زندگی فردی و اجتماعی فرد به وجود آورد.. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: در این مطالعه مقطعی ۲۳۵۱ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب و سپس به شکل تصادفی ساده در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از دانشگاه علوم پزشکی قزوین مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مطالعه یک پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، و پرسشنامه ۲۰ سوالی یانگ برای تشخیص اعتیاد به اینترنت و پرسشنامه کیفیت زندگی (QOL) با ۲۶ سوال در قالب ۴ حیطه (حیطه سلامت جسمانی (فیزیکی)، حیطه روانشناختی، حیطه روابط اجتماعی، حیطه محیط زندگی) برای ارزیابی وضعیت سلامت و کیفیت زندگی که به روش لیکرت نمره گذاری شده، بعد از تایید روایی و پایایی استفاده گردید. سپس داده ها به کمک نرم افزار SPSS16 با استفاده از آزمون های رگرسیون، Chi-ANOVA و Square تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: نتایج نشان داد که ۷۳/۳٪ زن و ۲۶/۷٪ مرد بامیانگین سنی (۲۲±۲) بودند. ۱۳/۳٪ دانشجویان در معرض اعتیاد به اینترنت و ۸۶/۷٪ کاربر عادی اینترنت بودند.

کد: ۱۳۸۷

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی ارتباط استفاده از راهبرد های مقابله با استرس و مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی بوشهر سال ۱۳۹۳

نویسندگان: حمید رضا حاتمی

کلیدواژه‌ها: مقابله با شرایط پر استرس، مهارت های ارتباطی، مولفه های مقابله با شرایط پر استرس، دانشجویان علوم پزشکی، متن مقاله: بررسی ارتباط استفاده از راهبرد های مقابله با استرس و مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی بوشهر سال ۱۳۹۳ پرویز عضدی استاد راهنما عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر حمید رضا حاتمی دانشجوی کارشناسی اتاق عمل عضو کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر رضا خادم پور دانشجوی کارشناسی اتاق عمل عضو کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مقدمه: دانشجویان در زمره گروه های



هستند که به دلیل ماهیت انتقالی زندگی دانشجویی، در معرض عوامل استرس زا قرار می گیرند زیرا باید خود را با فضای زندگی دانشجویی سازگار کنند که مستلزم انطباق با هنجارهای اجتماعی تازه و برقراری دوستی های جدید است و بر همین اساس ادراک آن ها از یک رویداد به عنوان عامل استرس زا و انتخاب راهبرد های مقابله ای که در موقعیت های معین از آن ها بهره گیرند، تحت تاثیر قرار میگیرد. این گروه باید با تقاضا های روز افزون جهانی که باید در آن برای مسائلی مثل شغل، شیوه زندگی، دوستان، خانواده، مذهب و سیاست ها تصمیم بگیرند کنار بیایند و انتظارات خانواده، معلمان، دوستان و سایر گروه ها را برآورده سازند بنابراین پیوند های عاطفی مهمی را با محیط ها یا افراد غیر از خانواده برقرار میکنند و نظام های ارزشی خاص خود را ایجاد میکنند که در اغلب موارد تحت تاثیر خانواده و فرهنگی است که به آن تعلق دارند. اهداف و روش ها: مطالعه حاضر، از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد که با هدف تعیین ارتباط استفاده از راهبرد های مقابله با استرس و مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشکده پیرا پزشکی و پرستاری بوشهر سال ۱۳۹۳ پرداخته است. روش گردآوری داده ها به این ترتیب بوده است که پژوهشگر پرسشنامه های مقابله با شرایط پر استرس کالزبیک و همکاران که دارای ۲۱ سوال است و پرسشنامه مهارت های ارتباطی بین فردی منجمی زاده که دارای ۱۹ سوال است در اختیار دانشجویان سال آخر دانشکده پیرا پزشکی و پرستاری بوشهر قرار داده است، پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS توسط کارشناس آماری تحلیل گردید. یافته: افراد شرکت کننده در پژوهش ۹۰ نفر دانشجویان سال آخر رشته های پرستاری و اتاق عمل بودند که به روش سرشماری وارد پژوهش شده اند از این تعداد ۶۲،۲ درصد زن (۵۶ نفر) و ۳۷،۸ درصد مرد (۳۴ نفر) میانگین سنی افراد شرکت کننده در پژوهش ۲۲،۵۸ بود میانگین امتیاز مربوط به مقابله با شرایط پر استرس ۵۹،۵ محاسبه شده است میانگین امتیاز های سه مولفه ی مقابله با شرایط پر استرس به ترتیب: ۲۳ مربوط به مولفه ی مقابله مسئله مدار، ۱۹،۴ مربوط به مولفه ی مقابله هیجان مدار، ۱۷،۰۸ مربوط به مولفه ی مقابله اجتناب مدار بوده اند. میانگین امتیاز مربوط به مهارت های ارتباطی بین فردی ۵۷،۷ بوده است. میانگین امتیازهای مربوط به مهارت های ارتباطی در خانم ها ۵۵،۶ و در آقایان این میانگین ۶۱،۲۶ بوده است که بین این میانگین ارتباط معنی دار وجود داشته است.

کد: ۱۳۸۹

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و پیشرفت تحصیلی

در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۳

نویسندگان: سید علی اکبر هاشمی نسب، مژگان علی اکبرزاده

ساروخانی، امیر امیر پاکپور حاجی آقا، اصغر کاربرد، معصومه

ضیائیه

کلیدواژه‌ها: اعتیاد به اینترنت، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان  
متن مقاله: مقدمه: اینترنت خود ازاری بی ضرر است اما استفاده بیش از حد و نادرست از آن خطر اعتیاد را به دنبال دارد. از آنجایی که روابط افراد در فضای مجازی افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد، به طبع آن کاهش روابط افراد را در دنیای واقعی به دنبال خواهد داشت، که در این صورت احتمال صدمه دیدن در عملکرد آموزشی و پیشرفت تحصیلی فرد وجود خواهد داشت. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: در این مطالعه مقطعی ۲۳۵۱ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب و سپس به شکل تصادفی ساده در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از دانشگاه علوم پزشکی قزوین مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مطالعه یک پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، معدل ۲ ترم اخیر و پرسشنامه ۲۰ سوالی یانگ که به روش لیکرت نمره گذاری شده، برای تشخیص اعتیاد به اینترنت بعد از تایید روایی و پایایی استفاده گردید. سپس داده ها به کمک نرم افزار SPSS16 با استفاده از آزمون های رگرسیون، ANOVA و Chi-Square تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: نتایج نشان داد که ۷۳/۳٪ زن و ۲۶/۷٪ مرد بامیانگین سنی (۲۲±۲) بودند. ۱۳/۳٪ دانشجویان در معرض اعتیاد به اینترنت و ۸۶/۷٪ کاربر عادی اینترنت بودند. وابستگی به اینترنت ارتباط مستقیم با جنس ( $\beta = ۰/۳$ )، سن ( $\beta = ۰/۰۵$ )، تحصیلات مادر ( $\beta = ۰/۲۹$ )، وضعیت تأهل ( $\beta = ۰/۰۶$ )، محل سکونت ( $\beta = ۰/۱۷$ )، وضعیت ( $\beta = -۰/۰۰۹$ ) و ارتباط منفی با تحصیلات پدر ( $\beta = -۰/۰۱$ )، وضعیت اشتغال دانشجوی ( $\beta = -۰/۱۹$ )، معدل یک ترم قبل ( $\beta = -۰/۰۶$ ) و معدل دو ترم قبل ( $\beta = -۰/۰۱$ ) دانشجویان داشت. بحث و نتیجه گیری: از نتایج چنین استنباط میگرد که وابستگی به اینترنت با افزایش سن و میزان تحصیلات مادر بیشتر و با افزایش میزان تحصیلات پدر و بهبود وضعیت اقتصادی کمتر شده و وابستگی به اینترنت در دانشجویان



مرد، متأهل، ساکن شهر بیشتر و دانشجویان شاغل کمتر است. با افزایش وابستگی به اینترنت افت تحصیلی در دانشجویان دیده می شود.

کد: ۱۳۹۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه هوش هیجانی دانشجویان استعداد های درخشان

و سایر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

نویسندگان: زهرا تذکری، اسماعیل فرزانه، یوسف شفایی، هما

علیزاده، فریبا صادقی موحد، عظیم ملک پور

کلیدواژه ها: هوش هیجانی، دانشجوی، استعداد درخشان

متن مقاله: مقدمه: هوش هیجانی مجموعه ای از هیجانات و توانمندی ها می باشد که قدرت مقابله و کنترل شخص را جهت رویارویی با مشکلات بالا برده و سبب عملکرد مناسب در حیطه های خود آگاهی، آگاهی اجتماعی، مدیریت رابطه، خود مدیریتی، و نیز سلامت، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، مقابله، موفقیت، تفکر، یادگیری، سازگاری سازمانی، خود مختاری و عزت نفس می گردد. با توجه به نقش مهم استعدادهای برتر و نخبگان علوم پزشکی در هدایت ناوگان بهداشت و سلامت کشور و تاثیر آگاهی آموزشی و تربیتی از هوش هیجانی در کاهش معضلات جسمی و روانی این مطالعه با هدف مقایسه هوش هیجانی دانشجویان استعداد درخشان و سایر دانشجویان در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه ی توصیفی تحلیلی است که در آن بصورت نمونه گیری تصادفی ۳۰ نفر از دانشجویان استعداد درخشان و ۳۰ نفر از دانشجویان غیراستعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل با (ترم تحصیلی و رشته همسان) در سال ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مطالعه پرسشنامه ای شامل دو قسمت اطلاعات فردی و اجتماعی و پرسشنامه ۹۰ سؤالی بار-ان بود. جهت تجزیه و تحلیل داده از آمار توصیفی و استنباطی شامل فراوانی، میانگین، آزمون کای دو، تی تست و آنالیز واریانس با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد. نتایج: یافته ها نشان داد، میانگین هوش هیجانی دانشجویان  $49.34 \pm$  و  $322.88$  و دامنه (۲۳۹-۳۹۶) بود. دامنه تغییرات هوش هیجانی دانشجویان بهداشت کمترین (۶۶) و دندانپزشکی بیشترین (۱۵۲) را دارا بودند. دانشجویان دانشکده های پرستاری و دندانپزشکی به ترتیب  $342.5 \pm 39.60$  و  $342.1 \pm 71.13$  و بالاترین و پیرایشگی با  $283.7 \pm 39.04$  پایین ترین میانگین هوش هیجانی را داشتند و آنالیز نمرات هوش هیجانی بین

دانشکده ها از نظر آماری معنی دار بود ( $p=0.038$ ). همچنین مقایسه ابعاد هوش هیجانی در دانشجویان استعداد درخشان و غیر استعداد درخشان نشان داد که دانشجویان فقط در دو بعد استقلال  $p=0.02$  و کنترل تکانش  $p=0.05$  از نظر آماری باهم معنی دار بود و دانشجویان استعداد درخشان قدرت کنترل تکانش و استقلال بالاتری نسبت به دانشجویان غیراستعداد درخشان داشتند. نتیجه: مقایسه ابعاد هوش هیجانی در دانشجویان استعداد درخشان و غیر استعداد درخشان نشان داد که دانشجویان استعداد درخشان قدرت کنترل تکانش و استقلال بالاتری نسبت به دانشجویان غیراستعداد درخشان داشتند. در این مورد به مسئولین دانشگاهها پیشنهاد می شود که به این قابلیت های دانشجویان با استعداد توجه و از آنها در امر پرورش قابلیت های هوش هیجانی سایر دانشجویان بصورت گروههای خودیار و حمایتی استفاده و سرمایه گذاری نمایند.

کد: ۱۳۹۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه هوش هیجانی و ضریب هوشی در بین

دانش آموزان دبیرستان های تیزهوشان و نمونه دولتی و عادی

شهرستان قاین

نویسندگان: نرجس خاتون طاهری

کلیدواژه ها: هوش، هوش هیجانی، هوشبهر، ضریب هوشی،

تیزهوش - عادی

متن مقاله: مقدمه و هدف: مبحث هوش یکی از بحث انگیزترین مباحث روانشناسی امروز است. امروزه جنبه های غیرشناختی هوش یعنی تواناییهای عاطفی، هیجانی، شخصیتی و اجتماعی و جنبه های شناختی هوش در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد توجه قرار گیرند. از این رو بر آن شدیم پژوهشی با هدف مقایسه هوش هیجانی و ضریب هوشی در بین دانش آموزان دبیرستان های تیزهوشان و نمونه دولتی و عادی شهرستان قاین انجام دهیم. روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. دانش آموزان دبیرستان های تیزهوشان و نمونه دولتی دخترانه و پسرانه، که به صورت سرشماری و دبیرستان عادی بر اساس تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه هوش هیجانی شات و آزمون ماتریسهای پیشرونده ریون فرم بزرگسالان تکمیل نمودند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS با نسخه ۱۴ و آزمون آماری آنالیز واریانس و تی زوج و برای بررسی ارتباط متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.



نتایج: نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد میانگین نمره IQ در ۳ تا دبیرستانها تفاوت معنی داری وجود دارد ( $P < 0/001$ )، ولی میانگین نمره EQ در ۳ تا دبیرستانها تفاوت معنی داری وجود نداشت ( $P = 0/509$ ). نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نیز نشان داد که میانگین نمره ابعاد EQ در بعد مهارت خودآگاهی ( $P = 0/583$ )، در بعد خودمدیریتی ( $P = 0/439$ )، در بعد آگاهی اجتماعی ( $P = 0/347$ ) و در بعد مدیریت رابطه ( $P = 0/263$ ) در ۳ تا دبیرستانها تفاوت معنی داری وجود ندارد. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد میانگین هوش هیجانی بر حسب جنس دانش آموزان تفاوت آماری معنی داری وجود ندارد ( $P = 0/959$ ). نتیجه گیری: مسئولان مدارس در کنار توجه به مسایل هوش شناختی و تمرکز بر درسها به جنبه هوش هیجانی دانش آموزان نیز توجه داشته باشند و با گنجاندن دروس و کارگاه های آموزشی در این زمینه رشد و شکوفایی این بخش از توانایی های دانش آموزان را نیز محقق سازند.

کد: ۱۳۹۵

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: دیدگاه موافقین و مخالفین ادغام

نویسندگان: زهرا سلیمانی

کلیدواژه‌ها: ادغام، موافقین، مخالفین

متن مقاله: مقدمه: تغییرات در برنامه درسی که کمک به یادگیری و انجام مهارت با کیفیت مطلوبتر می نماید، ادغام میگویند. این مطالعه کیفی با هدف تعیین دیدگاه موافقین و مخالفین ادغام انجام گرفت. روش کار: در این مطالعه کیفی شش نماینده از هر گروه تعیین شد، تعداد کافی بود چرا که در مطالعات کیفی حد اشباع لازم است که با این تعداد کافی بود. با نماینده گروههای موافق و مخالف مصاحبه انجام شد و هریک از مصاحبه ها ضبط و دسته بندی و خلاصه شد. یافته ها: نظر موافقین در ارتباط با خود معنی ادغام با یکدیگر تفاوت میکرد اما در اجرا همگی موافق بودند که بسته به مرکز اجرا، تفاوتهایی اساسی خواهد داشت. اما مخالفین همگی اساسا با مفهوم ادغام مخالف بودند. نتیجه گیری: حتی با توجه به نظر موافقین ادغام، تفاوتهای اساسی در مراکز مختلف دیده شده، که انجام بررسیها و مطالعات بیشتر در مورد ادغام را می طلبد.

کد: ۱۴۰۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه تجارب یاد گیری بر اساس الگوی پیش سازمان دهنده و روش سخنرانی و و الگوی زایشی در دانشجویان گروه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

نویسندگان: زهره حسینی، حسین عزیزی، حسن فخار زاده، کلیدواژه‌ها: تجارب یاد گیری، الگوی پیش سازمان دهنده، روش سخنرانی، الگوی زایشی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

متن مقاله: مقدمه: امروزه طراحان آموزشی بر این عقیده هستند که یاد گیری در درون یاد گیرنده اتفاق می افتد و به نوعی طراحی محیط های آموزشی با طراحی محیط های یاد گیری و نوع فرایند های شناختی در ارتباط است. نظریه یاد گیری زایشی و الگوی طراحی شده بر اساس آن با استفاده از دو رویکرد محیط بیرونی و درونی یاد گیری سعی در آموزش بهتر دارد. این نظریه مبتنی بر ساخت دانش و رشد شناختی همراه با انتخاب مناسب فعالیتهای آموزشی به صورت یاد گیرنده محور به خصوص برای گروه هدف دانشجویان می باشد. مواد و روش: این مطالعه یک مطالعه نیمه تجربی بود که در ان جامعه آماری دانشجویان ترم ۴ گروه بهداشت عمومی بودند و مباحث آموزشی اکولوژی در نظام سلامت در ۱۲ جلسه دو ساعته طراحی شد. تدریس در ۶ جلسه اول با استفاده از پیش سازمان دهنده روش سخنرانی انجام شد و سپس بر اساس الگوی زایشی و روش ترکیبی، تدریس با ارائه الگو های مختلف حفاظت زیست محیطی، چند نمونه گزارش پایش، استفاده از محیط آن لاین، دعوت از میهمان متخصص، بازدید از موزه حیات وحش و نقد علمی و گزارش دهی در گروههای کوچک یاد گیری انجام شد. ابزار جمع آوری داده های تجارب یاد گیری دانشجویان پرسش نامه محقق ساخته با روایی و پایایی با ضریب ۰/۸۰ بود که در آخرین جلسه درسی جهت تکمیل در اختیار دانشجویان قرار داده شد. داده ها با استفاده از SPSS نسخه ۱۹ تجزیه و تحلیل شد و از آزمون من ویتنی برای مقایسه امتیازات استفاده شد. یافته ها: ۵۰ درصد دختر و ۵۰ درصد پسر بودند. ۹۸ درصد شرکت کنندگان بر این نظر بودند که استفاده از الگوی زایشی و روش ترکیبی مبتنی بر آن نسبت به روش سخنرانی موجب مشارکت فعال، یاد گیری عمیق تر، تمرکز و دقت در انجام فعالیت آموزشی، استفاده بهینه از منابع آموزشی و تسهیل فرایند دریافت و رمز گذاری اطلاعات می گردد. ۷۸ درصد دانشجویان نقش معلم رادر الگوی زایشی به



عنوان هدایتگر، رهبر و تسهیلگر آموزشی بر آورد کردند. میانگین امتیاز تجارب یاد گیری مبتنی بر الگوی زایشی  $0.7 \pm 0.084$  بود. میانگین امتیاز تجارب یاد گیری مبتنی بر روش سخنرانی  $0.54 \pm 0.0$  بود. با استفاده از آزمون ناپارامتری من ویتنی میان میانگین امتیازات تجارب یاد گیری در دو الگو ( $P = 0.001$ ) تفاوت معنی دار آماری وجود داشت. نتیجه گیری: با استفاده از روشهای نوین آموزشی روند تدریس دروس نظری به نوعی تغییر یافته و آنها را می توان به صورت کار بردی در حرفه و محیط اجتماع مطرح کرد. راهبرد های مهم الگوی زایشی خود کنترلی، خود تنظیمی و خود انگیزگی یاد گیرنده می باشد که نقش تعیین کننده در ساختن دانش دارد.

کد: ۱۴۰۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر عملکرد آموزشی اساتید بالینی دانشکده پزشکی در ارتقا جایگاه اجتماعی، حرفه ای و اخلاقی دستیاران در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: فاطمه رحیمی، هاجر دهقان  
کلیدواژه‌ها: عملکرد آموزشی، ارزشیابی، دستیاران بالینی، اخلاق حرفه ای

متن مقاله: مقدمه: اعضا هیات علمی بالینی و پزشکان بعنوان مهمترین منابع انسانی در ارتقاء علمی مراکز و موسسات آموزش علمی مطرح هستند و به تبع آن نقش گسترده ای در تربیت پزشکان و دستیاران بالینی دارند. کیفیت عملکرد و آموزش اعضا هیات علمی بالینی میتواند بعنوان یک الگوی موثر چراغ راه دستیاران بالینی و پزشکان باشد. در این مطالعه دیدگاه دستیاران در مورد عملکرد آموزشی اعضا هیات علمی بالینی در سال ۱۳۹۳ ارزیابی شد. روش کار: این مطالعه یک مطالعه مقطعی است که در سال ۱۳۹۳ انجام شد. گروه هدف در این مطالعه دستیاران گروههای بالینی بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن از طریق نظر سنجی از متخصصین مربوطه تأیید شد و پایایی آن به روش همسانی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. پرسشنامه ها به صورت حضوری در اختیار دستیاران بالینی قرار گرفت، تعداد ۴۵۰ پرسشنامه گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شد. یافته ها: از دیدگاه دستیاران ۷۹ درصد اساتید، به دستیاران فرصت تصمیم گیری و اداره بیماران را می دادند و عملکرد اساتید در زمینه

رعایت موازین اخلاق حرفه ای اعضا هیات علمی در محیط های آموزشی  $0.75 \pm 0.089$  ارزیابی شد. براساس نظر دستیاران بالینی عملکرد اساتید در زمینه رعایت حقوق بیمار و احترام به ایشان  $0.33 \pm 0.056$  به دست آمد و در کل حدود ۸۵ درصد دستیاران، اساتید را به عنوان الگوی مناسب اجتماعی، اخلاقی و حرفه ای معرفی کردند. بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه اساتید بالینی دانشکده پزشکی در زمینه رعایت موازین اخلاق حرفه ای و دادن فرصت تصمیم گیری و اداره بیماران به دستیاران بالینی عملکرد مطلوبی داشتند که این عامل منجر به شکل گیری دیدگاه مثبت دستیاران نسبت به اعضا هیات علمی بالینی و ارزیابی مثبت از عملکرد ایشان می شود.

کد: ۱۴۰۲

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی درونی گروه آموزشی فناوری اطلاعات سلامت در دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
نویسندگان: فروزان صادقی محلی  
کلیدواژه‌ها: ارزیابی درونی، کیفیت آموزش، فن آوری اطلاعات سلامت، مازندران

متن مقاله: زمینه و هدف: ارزیابی درونی بعنوان یکی از گامهای ارتقاء کیفیت آموزش در راستای طرح تحول نظام سلامت محسوب می شود که در آن اعضای گروه آموزشی دانشگاه، هدفهای گروه را تعیین کرده و عملکرد آنها مورد ارزیابی قرار می دهند، پس از پایان ارزیابی درونی چالش های گروه آموزشی مورد شناسایی قرار گرفته سپس در راه آینده مطلوب با برنامه ریزی و اجرای راهکارها در جهت بهبود کیفیت آموزش به مرتفع کردن آنها می پردازند. مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت گروه آموزش فن آوری اطلاعات سلامت و مدارک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۳ صورت گرفت. روش بررسی: این مطالعه به روش مقطعی با استفاده از چک لیست های ارزیابی درونی شامل: هشت عامل رسالت و اهداف و جایگاه سازمانی گروه، دوره های آموزشی، برنامه های درسی و غیردرسی، هیأت علمی، دانشجویان، راهبردهای یادگیری و یاددهی، امکانات و تجهیزات آموزشی، پایان نامه ها و فرصت های مطالعاتی، سمینارها و دانش آموختگان انجام شد. داده ها با مقایسه وضعیت موجود وضعیت مطلوب تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: بالاترین در صد مطلوبیت مربوط به عامل هیئت علمی با ۶۷٪ و کمترین در صد مطلوبیت مربوط به امکانات و تجهیزات آموزشی گروه با



۲۹٪ می باشد. در صد مطلوبیت در عاملهای گروه به ترتیب: عامل رسالت و اهداف گروه ۶۵٪، دوره های آموزشی و برنامه های درسی و غیر درسی ۴۲٪، هیئت علمی ۶۷٪، دانشجو ۴۴٪، راهبردهای یادگیری/یاددهی ۴۱٪، امکانات و تجهیزات آموزشی ۲۹٪، پایان نامه ها، فرصت های مطالعاتی و سمینارها ۳۴٪ و دانش آموختگان ۳۶٪ می باشد. نتیجه گیری: با توجه به تحلیل وضعیت موجود به کم ارزیابی درونی نتایج کل نشان می دهد که گروه فن آوری اطلاعات سلامت و مدارک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در وضعیت مطلوب قرار دارد؛ ارتقای امکانات و تجهیزات آموزشی، راه اندازی تحصیلات تکمیلی و جذب عضو هیئت علمی جدید و ایجاد کردن شرایط مناسب جهت تعامل بیشتر با دانش آموختگان به نظر ضروری می رسد.

کد: ۱۴۰۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: توانمند سازی اعضای هیات علمی از طریق سامانه پیام کوتاه در زمینه استاندارد سازی طراحی آزمون های عینی نویسندگان: شهلا علیاری، سید امیر حسین پیشگوی، سمیه آزر می  
کلیدواژه‌ها: سامانه پیام کوتاه، طراحی آزمون، توانمند سازی،  
اعضاء هیات علمی

متن مقاله: سابقه و هدف: ارزیابی دانشجو یکی از مهمترین وظایفی است که استاد با آن روبروست. بطور کلی، استادان با این امر مهم کاملاً جدی برخورد می کنند اما متأسفانه بسیاری از روش های امتحانی و ارزیابی از کیفیت مطلوب برخوردار نمی باشند. لذا این طرح با هدف تعیین تاثیر بکارگیری سامانه پیام کوتاه در توانمندسازی اعضای هیات علمی طراحی گردید. مواد و روش ها: این مطالعه به روش نیمه تجربی یک گروهی قبل و بعد انجام گردید. جامعه آماری این مطالعه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی آجا بودند که با استفاده از روش نمونه های در دسترس در نهایت ۳۰ نفر در مطالعه شرکت کردند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو قسمت بود. قسمت اول شامل پرسشنامه ای جهت اخذ اطلاعات جمعیت شناسی و قسمت دوم شامل پرسشنامه محقق ساخته جهت انجام پیش آزمون و پس آزمون بود. پرسشنامه شامل ۱۷ سوال در ارتباط با نحوه طراحی سوالات عینی بود. هر سوال دارای ۱ امتیاز و حداکثر امتیاز پرسشنامه ۱۷ تعیین گردید. ابتدا از واحدهای مورد پژوهش پیش آزمون اخذ گردید. در ادامه گروه پژوهش محتوا را

به شصت قسمت کوتاه تقسیم نموده و هر پیام آموزشی به صورت یک پیام کوتاه در هر روز برای اعضای هیات علمی ارسال گردید. این فرآیند در دو مقطع به فاصله دو هفته از یکدیگر انجام شد. دو هفته پس از اتمام دوره دوم، پس آزمون از واحدهای مورد پژوهش اخذ گردید. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: میانگین نمرات پیش آزمون ۹/۰۷ با انحراف معیار ۲/۶۲ و پس آزمون ۱۱/۳ با انحراف معیار ۳/۵۸ (بر مبنای حداکثر ۱۷ نمره) بود. مقایسه میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش اختلاف معنادار بین پیش آزمون و پس آزمون را نشان داد (۳/۲۹-  $t = ۰.۰۰۳$ ،  $p =$ ). بحث و نتیجه گیری: به یاد سپاری شامل گذر اطلاعات از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلند مدت است. اگر اطلاعات در حافظه کوتاه مدت معنادار شوند به حافظه بلند مدت منتقل می شوند. برای ذخیره اطلاعات در حافظه بلند مدت، باید آنها را مداوم تکرار و تمرین کرده و مورد استفاده قرار داد. لذا یادگیری تنها با تکرار، تمرین و یادآوری در حافظه تثبیت می شود. بر اساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گیری نمود که از سامانه پیام کوتاه می توان جهت توانمند سازی اعضای هیات علمی به ویژه در مباحثی که نیاز به تکرار و تمرین مداوم دارند، بهره جست.

کد: ۱۴۰۶

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: چالش های سیاستگذاری، برنامه ریزی آموزشی و اجرایی انس با قرآن در دانشجویان و راهکارهای مرتبط بر اساس نظرات صاحب نظران علمی (یک تحقیق کیفی)  
نویسندگان: زهره حسینی، حسین عزیزی، فاطمه واله  
کلیدواژه‌ها: چالش، سیاست گذاری، برنامه ریزی آموزشی و اجرایی، انس با قرآن، دانشجویان، صاحب نظران علمی  
متن مقاله: مقدمه: حوزه های تعلیم و تربیت بهترین موقعیت و فرصت را برای تبلور معنویت در انسان فراهم می کند. موضوع معنویت ذاتاً موضوعی تربیتی است و خود ارتباط تنگاتنگ با مسائل دینی و مذهبی دارد. توجه به سلامت معنوی در آموزش نیازمند برنامه ریزی آموزشی مناسب است. به همین علت ورود آموزه های قرآنی در برنامه های آموزشی دانشجویان صورت گرفته است. در این راستا بررسی کیفی در راستای توسعه سیاست ها برای اجرای برنامه های انس با قرآن، شناخت خلأها و رفع نیازهای موجود و بکارگیری دستاوردها در طراحی بهینه برنامه ها



و ارائه خدمات متناسب با نیاز و مبتنی بر شواهد علمی یک ضرورت است. روش بررسی: نوع مطالعه کیفی بود که ارسال دعوتنامه با ضمیمه کردن مقدمه کوتاه در مورد تحقیقات انس با قرآن انجام و از صاحب نظران خواسته شد با مرور بر متون علمی و تجربیات موجود. در تاریخ مشخصی در محل معاونت بهداشتی اجتماع کرده و با استفاده از روش بارش افکار در گروه‌های ۶ تا ۸ با بحث گروهی متمرکز نظرات خود را ارائه دهند. مشارکت کنندگان شامل صاحب نظران علمی، اجرایی، و سیاستگذاران از سازمانهای دانشگاه تربت حیدریه، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، دانشگاه پیام نور، مرکز آموزش قرآنی، حوزه علمیه، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی، مسئول حراست دانشگاه، و نمایندگان دانشجویان بودند. داده‌های بحث در خصوص عوامل مرتبط با میزان انس با قرآن، چالشهای سیاستگذاری و راه کارهای مرتبط جمع آوری، کدگذاری و تحلیل شد. یافته‌ها: مهمترین چالشهای اجرای برنامه‌ها انس با قرآن در دانشجویان شامل کم بودن پژوهش حوزه قرآنی در سطح دانشگاه، کم رنگ شدن معنویت خانواده‌ها، کمبود مدرسین مسلط به علوم قرآنی، تدریس مباحث قرآنی به روش سنتی بود. اهم راه کارهای پیشنهادی شامل به کارگیری اساتید مسلط، سرمایه گذاری برای تشویق دانشجویان به پژوهش در عرصه آموزه های قرآنی استمرار جلسات قرآنی برای دانشجویان، وجود فضای فیزیکی و امکانات مناسب در کانونهای قرآنی دانشگاهها، دعوت از افراد متخصص و مشاوران آگاه در زمینه های تربیتی و فرهنگی در دانشگاه، احیاء طب اسلامی در دانشگاه، وجود بانک اطلاعاتی مدرسین قرآنی در دانشگاهها، برگزاری مستمر جشنواره های قرآنی در سطح دانشگاهها، برگزاری دوره های قرائت و تفسیر قرآنی در جمع همتایان دانشجویی و در قالب تشکلهای دانشجویی، توجه به الگو مداری معلمین قرآنی در سطح دانشگاه، توجه به جلوگیری از هدر رفتن بودجه های امور قرآنی، سرمایه گذاری در بخش مشاوره و آموزش قرآن در دانشگاهها، بهبود شیوه های عملکرد در خانواده ها بر اساس سیره و اسوه ائمه عتوان شد. بحث و نتیجه گیری: ارتقای قرآنی دانشگاهها و گسترش آشنایی دانشجویان با قرآن مجید و معارف آن رابطه مستقیم با حاکمیت اخلاقی و معنوی در محیط دانشگاه دارد. آموزش آموزه های قرآنی در قالب کارگاههای مرتبط موجب افزایش خود کار آمدی و توان مند سازی دانشجویان در این زمینه می گردد.

کد: ۱۴۰۹

حیطه: ارزیابی برنامه  
عنوان: بررسی کیفیت آموزش بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس مدل سه دایره ای داندی نویسندگان: میترا امینی، فرناز تکمیل، محمدرضا دهقانی، سمانه عبیری  
کلیدواژه‌ها: آموزش بالینی، مدل سه دایره‌ای داندی، بررسی کیفیت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
متن مقاله: مقدمه: ارزش نقش مؤثر پزشک در جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست. یک پزشک باید توانایی به کارگیری به موقع معلومات تئوریک و مهارت های علمی را کسب کرده و نیز قادر به برقراری ارتباط مناسب با همکاران و بیماران باشد. بنابراین کیفیت آموزش بالینی در دانشجویان پزشکی که بر میزان توانمندی آنان در آینده ی شغلیشان تاثیر گذار است، اهمیت فوق العاده ای داشته و ارتقای آن نیازمند ارزیابی آموزش بالینی فعلی و کشف نقاط ضعف و قدرت آن می باشد. یکی از مدل های معتبر آموزشی مبتنی بر بازخورد که می توان از آن در ارزیابی کیفیت آموزش بالینی استفاده کرد، مدل سه دایره‌ای داندی میباشد این مدل شامل سه دایره درونی میانی و بیرونیست، دایره درونی، شامل مهارت های بالینی است که یک پزشک برای انجام وظایف خود به آن نیاز دارد. آنچه به عنوان وظایف یک پزشک در دایره میانی و بیرونی، یاد می شود، در واقع نشانه یک نظارت درونی بوده که موجب انجام هرچه درست تر وظایف می شود. در این پژوهش بر آن شدیم که با استفاده از این مدل، کیفیت آموزش بالینی ارائه شده به کارورزان دانشگاه علوم پزشکی شیراز را مورد بررسی قرار داده و نقاط ضعف و قوت آن را بررسی کنیم. مواد و روش ها: در این پژوهش توصیفی - مقطعی عملکرد ۱۰۰ نفر از دانشجویان بالینی پزشکی ورودی های ۸۵، ۸۶، ۸۷ دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۳، از طریق پرسشنامه ای که بر مبنای مدل داندی طراحی و روایی و پایایی آن توسط صاحب نظران ثابت شده، مورد بررسی قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل ۱۲ سوال بوده که طی آن عملکرد دانشجویان بالینی در سه حیطه انجام کار درست (دایره درونی) - انجام کار توسط فرد درست (دایره میانی) و انجام کار درست توسط فرد درست (دایره بیرونی) بررسی شده است. ۷ پرسش از این ۱۲ پرسش حیطه درونی ویا به عبارت دیگر توانایی های دانشجوی جهت انجام پروسیجرها، معاینات بالینی و اخذ شرح حال در بخش های جراحی، زنان، داخلی و اتفاقات را مورد بررسی قرار داده و همچنین در این بخش لزوم آشنایی با مهارتهای ارتباطی با



بیماران و نیز استفاده از تکنولوژی های روز برای ارتقای خدمات سلامت مورد پرسش قرار گرفته است. دایره میانی توسط دو پرسش در مورد کفایت تعلیمات آموزشی در زمینه اتخاذ تصمیمات بالینی و پزشکی مبتنی بر شواهد مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت سه پرسش مربوط به دایره بیرونی بود که در این بخش موضوعاتی از قبیل رعایت اخلاق پزشکی و میزان مسئولیت پذیری دانشجویان در مورد بیماران - سایر همکاران - رعایت صداقت در احوال بیماران مورد کاوش قرار گرفتند. اطلاعات حاصله از پرسشنامه های جمع آوری شده وارد برنامه آماری SPSS شد و از تست های آماری از قبیل تحلیل واریانس یک طرفه در موارد لازم بهره گرفته شد. نتایج: در دایره درونی دانشجویان بهترین کارایی را در زمینه اخذ شرح حال داشته اند به طوری که ۷۱٪ از آنان توانمندی خود را در این بخش از حیطه درونی خیلی خوب ارزیابی کرده بودند. ۴۹٪ با استفاده از تکنولوژی های روز جهت ارتقای علمی خود، موافق بوده اند. در دایره میانی ۵۴٪ تعلیمات آموزشی در زمینه پزشکی مبتنی بر شواهد را مناسب ارزیاب کرده و ۳۴٪ این آموزش ها را ناکافی دانسته بودند، به علاوه ۵۲٪ آموزش در زمینه اتخاذ تصمیمات بالینی و مراقبت های بهداشتی، را مناسب و ۳۳٪ آن را ناکافی دانسته بودند. در دایره بیرونی ۵۷٪ از کارورزان معتقد بودند که همیشه اخلاق پزشکی را رعایت کرده اند.

کد: ۱۴۱۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: استقبال ناکافی دانشجویان از کتابخانه های آموزشی،

نگاهی به چرایی پدیده

نویسندگان: علیرضا سبحانی، پروین رضایی گرگی

کلیدواژه ها: آموزش، موانع، کتابخانه، دانشجو، علوم پزشکی

متن مقاله: عصر حاضر به عصر اطلاعات و ارتباطات معروف شده است. کتابخانه ها اصلی ترین مکان ارائه این اطلاعات به شمار می روند. برگس سه وظیفه عمده را برای کتابخانه ها برمی شمارد: به حداکثر رسانیدن میزان استفاده از کتابخانه، تأمین رضایت استفاده کننده، پی بردن به علل عدم استفاده از کتابخانه. این سه وظیفه با هم در تعاملند. در صورتی که بتوان تشخیص داد که موانع استفاده از کتابخانه توسط دانشجویان چیست می توان با رفع آن موانع، رضایت استفاده کنندگان و میزان استفاده از کتابخانه را بهبود بخشید. این مطالعه به منظور آگاهی از دلایل استقبال ناکافی دانشجویان از

کتابخانه های آموزشی دانشگاه انجام شده است. روش انجام کار: این مطالعه یک مطالعه کمی مقطعی و از حیث هدف مطالعه توصیفی - تحلیلی بوده است. جامعه مورد بررسی در این مطالعه، دانشجویان مراجعه کننده به دو کتابخانه اصلی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس (۱۴۵ نفر) بوده که در طول یک فرصت ۴ ماهه به این دو کتابخانه مراجعه کرده و حاضر به همکاری در طرح شده اند. ابزار بررسی یک پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با استفاده از الفای کرونباخ سنجیده شد. به پاسخگویان از نظر مخفی ماندن هویت و اطلاعات، اطمینان داده شد. داده ها در نرم افزار SPSS 16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از امار توصیفی و نیز از موم های همبستگی و نیز تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج: از بین نظرات دانشجویان پاسخ دهنده، موثرترین عامل برای رجوع کمتر دانشجویان به کتابخانه، مشکل رفت و آمد دانسته شده است (۶۰ درصد). به عنوان دومین دلیل این عامل، گفته شده است که دانشجویان عمدتاً حوصله درس خواندن ندارند (۳۴ درصد). کمترین عاملی که برای عدم اقبال دانشجویان به کتابخانه عنوان شده است، کفایت محیط خوابگاه برای مطالعه و عدم نیاز به کتابخانه بوده است (۱/۹ درصد). حداقل ساعاتی که کاربران برای کار کتابخانه پیشنهاد داده اند، ۸ ساعت و حداکثر آن ۲۴ ساعت بوده است. در این مطالعه برای تحلیل موانع استفاده از کتابخانه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که بر اساس نتایج آنالیز، ۵ گروه ایجاد شد: گروه اول: ناکافی بودن زمان استفاده از کتابخانه گروه دوم وجود اینترنت و قابل استفاده نبودن رفرفنس های کتابی گروه سوم کفایت محیط خوابگاه و جزوه های درسی به تنهایی برای مطالعه گروه چهارم عدم احساس نیاز از سوی دانشجو گروه پنجم فضای ناکافی و خلق ناکارآمد دانشجو برای مطالعه نتیجه گیری: علیرغم اینکه اصلاح برخی از عوامل مربوط به استقبال دانشجویان از کتابخانه منوط به تدارک تدابیر اساسی می باشد اما بیشترین این عوامل ناشی از موانعی است که با مداخله نه چندان مشکل مدیریتی قابل حل بوده و می تواند حضور دانشجویان را در محیط آموزشی کتابخانه بهبود بخشد.

کد: ۱۴۱۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: کتابخانه های دانشگاهی، کیفیت و کفایت خدمات.

نویسندگان: علیرضا سبحانی، پروین رضایی گرگی





کلیدواژه‌ها: کتابخانه- آموزش پزشکی - دانشجوی- علوم پزشکی - کیفیت- خدمات

متن مقاله: از ابتدای پیدایش علم، نام کتاب و کتابخانه با آموزش و یادگیری همراه بوده است. آموزش پزشکی نیز از این قاعده مستثنی نیست. کتابخانه‌ها در آموزش پزشکی و بالتبع فرایند توسعه‌ی پایدار سلامت جامعه نقش حیاتی‌ای را ایفا می‌کنند؛ به طوری که توان ادعا کرد بدون وجود مراکز اطلاع رسانی قوی و معتبر، دستیابی به چنین توسعه‌ای امکان پذیر نخواهد بود. این مطالعه به منظور بررسی کیفیت کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از دید دانشجویان جهت لحاظ در برنامه ریزی‌ها انجام شده است. روش کار این پژوهش یک مطالعه پیمایشی کمی و از نظر هدف، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می‌باشد که در یک فاصله ۴ ماهه به دو کتابخانه اصلی دانشگاه مراجعه کرده و تمایل به همکاری در این پژوهش را داشته‌اند. ابزار گردآوری پرسش‌نامه‌ای شامل دو بخش بود: قسمت اول اطلاعات دموگرافیک و قسمت دوم پرسشنامه ۲۲ مؤلفه‌ای LibQUAL بود. هر مؤلفه بر اساس مقیاس لیکرت (از ۱ تا ۹) تنظیم شد. نمره ۱ نشان دهنده حداقل کیفیت خدمات و نمره ۹ نشان دهنده حداکثر کیفیت خدمات است. در لایب کوال کیفیت، خدمات کتابخانه در سه بعد تأثیر خدمات، کنترل اطلاعات و کتابخانه به عنوان محل ارزیابی می‌شوند. رویی این پرسشنامه در مطالعات مشابه با روش اعتبار محتوا سنجیده شده و پایایی آن توسط ضریب آلفا کرونباخ ۰/۹۷ محاسبه شده است. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS.V.15 و با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و آزمون t و آنالیز واریانس یک طرفه، تحلیل شد. یافته‌ها: در مورد رضایت دانشجویان از وضعیت کتابخانه‌ها، بیشترین رضایت از بعد سطح خدمات با میانگین  $1/55 \pm 6/70$  و کمترین رضایت از بعد کنترل با میانگین نمره  $1/47 \pm 5/89$  گزارش شده است رضایت از کتابخانه به عنوان یک محل نیز  $1/51 \pm 6/28$  گزارش شده است. در بعد خدمات بیشترین سطح رضایت مربوط به "وجود کارمندی که رفتار مودبانه دارند" با میانگین  $7/09$  و انحراف استاندارد  $1/80$  و کمترین سطح رضایت مربوط به گزینه "توجه به تک تک کاربران از سوی کارکنان کتابخانه" با میانگین  $6/08$  و انحراف استاندارد  $1/88$  بوده است. در بعد کنترل کمترین نمره مربوط به گزینه "وجود وب سایتی در کتابخانه که در یافتن مکان کتابها کمک کند" با میانگین  $4/97$  و بیشترین آن مربوط به گزینه "وجود منابع الکترونیکی که

نیز دارم" با میانگین نمره  $6/46$  و انحراف استاندارد  $1/86$  بوده است. بیشترین سطح رضایت از بعد کتابخانه به عنوان یک محل مربوط به گزینه "وجود فضای آرام برای فعالیتهای انفرادی" با میانگین  $6/61$  و انحراف استاندارد  $1/90$  و کمترین سطح رضایت مربوط به گزینه "وجود فضای مناسبی در کتابخانه که ترغیب کننده مطالعه و یادگیری باشد" با میانگین  $5/31$  و انحراف استاندارد  $2$  بوده است. علیرغم تفاوت، بین جنس و میانگین نمره در ابعاد سه گانه کیفیت لایب کوال، بین این دو متغیر رابطه معناداری دیده نشد. ( $P > 0.5$ ) نتیجه گیری: سنجش رضایت دانشجویان از کیفیت فعالیتهای کتابخانه، یکی از عوامل مهم ارتقا سطح آموزش آنان است. علیرغم اینکه اصلاح برخی از عوامل نارضایتی آنان منوط به تدارک تدابیر اساسی می‌باشد اما بیشترین دلایل نارضایتی آنان ناشی از عواملی است که با مداخله نه چندان مشکل مدیریتی قابل حل بوده و می‌تواند حضور دانشجویان را در محیط آموزشی کتابخانه بهبود بخشد

—  
کد: ۱۴۱۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان مهارتهای حرفه ای (ارتباط بین فردی)

Plot کارکنان مرکز بهداشتی درمانی شماره ۱۷ شهر ساری از

دیدگاه مراجعه کنندگان تحت پوشش

نویسندگان: سیده زهرا ساداتی، فاطمه احمدی نیا،

کلیدواژه‌ها: مهارتهای حرفه ای، ارتباط بین فردی، کارکنان مرکز

بهداشتی درمانی

متن مقاله: مقدمه و هدف: ارتباط موثر یکی از عوامل اصلی برای آموزش و آگاهی و ایجاد رفتارهای مناسب بهداشتی می‌باشد. بنابراین مهمترین اصلی که باید در ارائه خدمات بهداشتی درمانی مورد توجه قرار گیرد ارتباط موثر و مفید کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی با مراجعه کنندگان است. هدف این مطالعه تعیین میزان مهارتهای ارتباط بین فردی plot پرسنل فنی مرکز بهداشتی درمانی شماره ۱۷ شهر ساری از نگاه مراجعه کنندگان این مرکز در بهمن سال ۱۳۹۳ در آموزش به آنان بود. روش مطالعه: مطالعه حاضر به صورت زمینه یابی- گذشته گرا و با جامعه حدود ۱۸۰ نفر از افرادی که در مدت یک هفته به این درمانگاه مراجعه نمودند می‌باشد. نمونه این تحقیق ۳۰ نفر که بصورت تصادفی ساده و بصورت روزانه از بین مراجعه کنندگان در طی دوره کارآموزی بهداشت انتخاب شد. روش جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته مهارت حرفه ای استاندارد



(شنیدن، سوال کردن، گوش دادن و گفتن باواژه اختصاری plot) است. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نشان می دهد ۵۸٫۷ درصد از پاسخگویان از مجموعه مهارت های ارتباطی پرسنل بهداشتی درمانی مرکز بهداشت شماره ۱۷ شهر ساری را در حد خوب و در حدود ۳۴٫۷ درصد این مهارت های ارتباطی کارکنان با مراجعه کنندگان را در حد متوسط و همچنین در حدود ۶٫۷ درصد نیز این میزان را در حد ضعیف اعلام کردند. میزان انتخاب گزینه ضعیف توسط پاسخگویان در مهارت "گفتن" با ۵۰ درصد فراوانی در راس قرار دارد و بعد از آن "مهارت سوال کردن" با ۴۰ درصد فراوانی و سپس "مهارت گوش دادن" با حدود ۱۰ درصد فراوانی میزان ارتباط کارکنان مرکز بهداشتی درمانی شماره ۱۷ ساری با مراجعه کنندگان خود قرار دارد. بحث و نتیجه گیری: نتایج مطلوب در امر مراقبتها و خدمات بهداشتی درمانی متعاقب یک ارتباط هدفمند میان افراد صورت می پذیرد. لذا در این بخش با توجه به نقاط قوت و ضعف ارتباط بین فردی در مرکز باید با صرف وقت و هزینه کافی و بر پا کردن کارگاهها سمینارها و کلاسهای مناسب آموزشی و بهره گیری از علوم و مهارتهای ارتباطی، سطح مهارتهای ارتباط بین فردی کارکنان را ارتقا دهیم.

کد: ۱۴۲۲

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: فاکتورهای یادگویی موثر بر یادگیری الکترونیکی اساتید نویسندگان: طیبه شکری، کلیدواژه‌ها: یادگویی، یادگیری الکترونیکی، خلاقیت، آموزش پزشکی

متن مقاله: مقدمه: یادگیری الکترونیک فرصتهای پژوهشی زیادی برای اعضای هیئت علمی فراهم میکند. خلاقیت در تکنولوژیهای یادگیری الکترونیک به انقلابی در آموزش اشاره میکند. این تکنولوژی ها اجازه میدهند تا یادگیری فردی (یادگیری انطباقی) قابل اجرا باشد، ارتقاء تعاملات فراگیر با دیگران (یادگیری مشارکتی) و متفاوت کردن نقش استاد. ادغام یادگیری الکترونیک در آموزش پزشکی میتواند تغییر به سمت پذیرش تئوری یادگیری بزرگسالات را تسهیل کند جایکه اساتید دیگر به عنوان ارائه دهنده محتوا نیستند و بیشتر به عنوان تسهیل گر یادگیری و ارزیاب صلاحیتهای فراگیران خواهند بود. روشها: مطالعه ی حاضر مقاله ای مروری است که با جستجوی منابع در پایگاههای

اطلاعاتی داخل و خارج کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ در زمینه موضوع مورد بررسی انجام شد ۵۳ مقاله یافت شد که ۲۱ مقاله با موضوع مورد بررسی ارتباط داشته و نتایج پژوهش های آنها استخراج و بررسی گردید. نتایج: مزایای اینترنت برای اساتید عبارتند از بروز شدن دائمی، ارتباطات تعاملی، بایگانی و هوش جمعی. و برای یادگیرنده این مزایا عبارتند از: قابلیت دسترسی، استقلال شخصی، انعطاف پذیری و انطباق پذیری. نتایج این مطالعه نشان دادند که آموزش مداوم اینترنتی به اندازه دوره های حضوری برای یادگیری فوری و ماندنی مؤثر است. نتایج نشان داد که خلاقیتهای یادگویی برای تدوین و اجرای یک برنامه یادگیری الکترونیکی مورد نیاز هستند. فاکتورهایی که در یادگویی موجود هستند و با یادگیری الکترونیکی اساتید مرتبط هستند عبارتند از: آشنایی با اصول و روشهای تدریس آنلاین، تمایل به استفاده از تکنولوژی در آموزش و توسعه مواد آموزشی، توانایی طراحی محتوا برای یادگیری الکترونیکی، ارزیابی دوره های آنلاین، و آشنایی با آماده سازی اطلاعات و پشتیبانی منظم و بکارگیری روشهای الکترونیک و رویکردهای چندگانه در تدریس.

کد: ۱۴۲۳

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: مزایا و معایب آموزش الکترونیکی به عنوان نوعی از آموزش مجازی

نویسندگان: طیبه شکری، علیرضا میرزایی

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، آموزش الکترونیکی، یادگیری مشارکتی، انگیزه

متن مقاله: مقدمه: آموزش الکترونیکی نسبت به آموزش سنتی دارای مزایای عمده ای می باشد که این امکان را برای فراگیران فراهم می کند تا متناسب با توان یادگیری خود، سرعت پیشرفت برنامه درسی را تعیین کنند. در این شیوه آموزش دانشجویانی که از سطح اطلاعاتی بالاتری برخوردارند، می توانند مطالب ساده تر را به سرعت بگذرانند و دانشجویان ضعیفتر می توانند وقت بیشتری را صرف یادگیری همان مطالب کنند. این امر در مقایسه با کلاسهای حضوری موجب کاهش اضطراب و نگرانی فراگیران میگردد. روش اجرا: مطالعه حاضر مقاله ای مروری است که با جستجوی منابع و مجلات داخلی و منابع خارجی از جمله، Elsevier, Eric, Ovid, Scopus, Springer و... از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ انجام گردید. بحث: آموزش الکترونیک نقش مؤثری در افزایش انگیزه فراگیران، ایجاد زمینه بیشتر برای تفکر و فهم



مطالب، حق انتخاب محتوا و استقلال فراگیر در امر یادگیری، عدم محدودیت زمانی و مکانی برای یادگیری و آموزش و یادگیری مشارکتی و ارزیابی و ارائه سریع بازخورد از جمله مزایایی است که در مطالعات مختلف، مطرح گردیده است. عدم امکان ارتباط چهره به چهره و نداشتن ارتباطات گروهی، وقت گیر بودن و پرهزینه بودن تهیه برنامه ها، مشکلات فنی و مالی پشتیبانی در تهیه و اجرای برنامه ها از جمله محدودیتهایی است که برای آموزش الکترونیکی در منابع مختلف ذکر گردیده است. نتیجه گیری: آموزش الکترونیکی به فراگیران کمک میکند تا یاد بگیرند که چگونه به فناوری های جدید بخصوص در آموزش پزشکی با تنوع مطالب و نیاز به دستیابی سریع به مطالب آموزشی در هر زمان و مکان دست یابند.

کد: ۱۴۳۴

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: ضرورت بازنگری و تحول در ساختار برنامه های درسی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس گروه های متمرکز:

چالش ها و رویکردها

نویسندگان: لیلیا بذرافکن، جواد کجوری، محمدرضا دهقانی، میترا امینی، فرناز تکمیل، کریم عباسی

کلیدواژه ها: بازنگری، چالش ها و رویکردها، ساختار برنامه های

درسی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

متن مقاله: مقدمه و اهداف: با تحول علوم و فن آوری، جوامع معاصر به طور فزاینده ای در حال تنوع، و دگر گونی هستند. همگام با چنین تحولی، فرایند آماده سازی دانشجویان نسل جوان برای کار، زندگی، به عنوان متفکران مستقل، شهروندان مفید و مولد، و رهبران آینده باید متحول شود. اما تحول در فرایند فعالیت های تربیتی نیازمند تحول درنگرش و بینش طراحان و مجریان برنامه های درسی، بازنگری، در برنامه های آموزشی است. بدون تحول عناصر ساختار نظام آموزشی، تغییر در فعالیت های تربیتی و فرایند آماده سازی نسل جوان تقریباً غیر ممکن خواهد بود. هدف از انجام این مطالعه تعیین چالش ها و رویکردهای و ضرورت بازنگری و تحول در ساختار برنامه های درسی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس گروه های متمرکز می باشد. روش کار: این پژوهش، تحقیقی کیفی با رویکرد تحلیل محتوای مرسوم (Conventional approach) است که جهت تبیین تجربیات مدیران و کارشناسان در حوزه برنامه ریزی انجام شده است. این مطالعه کیفی، با استفاده از

گروه متمرکز در سه راند انجام شد و سعی شده است ماهیت پنج عنصر از سازه های کلیدی برنامه های درسی را اهداف آموزشی، محتوی آموزشی، تجربه های آموزشی، ارزشیابی و راهنمایی دانشجویان، از نگاه شرکت کنندگان تحلیل و تبیین شود. زیرا تحول در یک نظام آموزشی زمانی امکان پذیر است که مجموعه عناصر سازنده فعالیت ها نظام مند بررسی و متحول شوند. شرکت کنندگان در گروه های متمرکز را معاونین آموزشی دانشکده ها، مسئولین دفاتر مطالعات و کارشناسان آموزشی تشکیل دادند که به روش سرشماری انتخاب شدند. هر جلسه به طول متوسط ۱ تا ۳ ساعت به طول انجامید و بحث های صورت گرفته در این گروه ها یادداشت و کد گذاری گردید و سپس به روش تحلیل محتوی مرسوم تحلیل گردید. محققین ابتدا متن را چندین مرتبه مرور نموده تا دریافتی کلی از آن داشته باشند؛ سپس آن را کلمه به کلمه خوانند تا کدگذاری نماید و فرایند استخراج تا نام گذاری کدها ادامه یافت. کدها بر اساس شباهت و تفاوت در طبقات مختلف دسته بندی شده و نحوه ارتباط بین آنها نیز مشخص گردید. کدگذاری تا استخراج و تکمیل طبقات و زیرطبقات ادامه یافت. برای افزایش صحت داده ها از روش های مختلفی چون تخصیص زمان کافی، توضیح روشن اهداف مطالعه، برگرداندن کدها به مشارکت کنندگان جهت بررسی صحت آنها، چک کردن توسط ناظرین استفاده شد. نتایج: در این مطالعه سی تن از صاحب نظران از دانشکده های (پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری و مامایی، توانبخشی، مدیریت، بهداشت و علوم تغذیه) شرکت نمودند. نتایج که ضرورت بازنگری در اهداف و محتوی برنامه های آموزشی در درجه اول و بازنگری در ارزشیابی در درجه دوم اهمیت و روشهای تدریس و استراتژی های برنامه های آموزشی در درجه آخر اهمیت قرار دارد. چالش های حاضر در حیطه برنامه درسی نیز به نحوه ایجاد انگیزش در فراگیران، چگونگی استفاده از روش های مشارکتی در تدریس و چگونگی مدیریت برنامه های درسی است. بحث و نتیجه گیری: با توجه به اهمیت بازنگری در برنامه های درسی بطور کلی بازنگری و تحول در برنامه های درسی ضروری شناخته شده و این امر نمایانگر آن است که تغییر در اهداف، محتوی و شیوه های آموزش و ارزشیابی امکان پذیر است. اگر چه تاثیر این تغییرات و میزان پایدار بودن این بازنگری نیاز به ایجاد انگیزش در فراگیران و اساتید و همچنین ضمانت های اجرایی کافی در دانشگاه و وضع قوانین لازم در این زمینه دارد.

کد: ۱۴۴۷

حیطه: ارزشیابی دانشجویی

عنوان: عوامل مؤثر بر افت تحصیلی، از دیدگاه دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

نویسندگان: آرش نجیمی، سید علی اکبر هاشمی نسب، آناهید

نعمتی، امیر پاکپور حاجی آقا، اصغر کاربرد، معصومه ضیائیهها

کلیدواژه‌ها: عوامل مؤثر - افت تحصیلی - دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: افت تحصیلی یکی از عمده ترین مشکلات پیش روی مراکز آموزش عالی کشور است در این میان افت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی جامعه، بیماران و دانشگاه را با معضلاتی رو به رو می نماید. از این رو مطالعه حاضر به منظور بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی، از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: در این مطالعه مقطعی ۲۳۵۱ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب و سپس به شکل تصادفی ساده در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از دانشگاه علوم پزشکی قزوین مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مطالعه یک پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک و دیدگاه دانشجویان در خصوص عوامل مؤثر بر افت تحصیلی در ۶ حیطه (عوامل خانوادگی، عوامل مرتبط با فراگیر، عوامل مرتبط با آموزش گر، عوامل اقتصادی- اجتماعی، محیط آموزشی، محتوای آموزشی) که پیش از انجام مطالعه روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته بود. سوالات به صورت مقیاس لیکرت ۵ نقطه ای از خیلی زیاد تا خیلی کم، میزان موافقت دانشجویان با عوامل مؤثر بر افت تحصیلی را بررسی می کرد. سپس داده ها به کمک نرم افزار SPSS16 با استفاده از آزمون های رگرسیون، ANOVA تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: نتایج نشان داد که ۳۶/۷٪ زن و ۶۳/۳٪ مرد بامیانگین سنی (۲۱/۱۵±۲/۷۶) بودند. مهم ترین عوامل مؤثر بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب محتوای آموزش (۴/۰۷±۰/۶۳)، آموزش گر (۳/۸۲±۰/۵۹)، محیط آموزش (۳/۷۱±۰/۴۹)، فراگیر (۳/۶۶±۰/۵)، عوامل خانوادگی (۳/۳۹±۰/۷)، عوامل اقتصادی- اجتماعی (۰/۶۷±۰/۳۳) بود. دیدگاه دانشجویان در حیطه عوامل خانوادگی با سن (p=۰/۰۲)، فراگیر با محل سکونت (p=۰/۰۳)، آموزش گر و محتوای آموزش با سن (p=۰/۰۱ و p=۰/۰۲) و مقطع تحصیلی دانشجو (p=۰/۰۱ و p=۰/۰۲) اختلاف معنی داری داشت. بحث و نتیجه گیری: از نتایج چنین استنباط میگرد که مدیران آموزش باید سیاستی را اتخاذ نمایند که به محتوای

آموزشی، عوامل مرتبط با آموزش گر، محیط آموزشی و عوامل مرتبط با فراگیر توجه بیشتری شود. کلمات کلیدی: عوامل مؤثر - افت تحصیلی - دانشجویان

کد: ۱۴۵۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی نظرات دانشجویان مامایی در زمینه ضرورت تدوین

و اجرای برنامه آموزشی اصول صحیح نسخه نویسی

نویسندگان: ناهید سرفراز، منصوره مومن هروی

کلیدواژه‌ها: دانشجویان مامایی، تجویز منطقی دارو، اصول صحیح نسخه نویسی

متن مقاله: مقدمه: نسخه نویسی منطقی به معنای تجویز مؤثرترین و سالم ترین دارو برای یک بیماری با توجه به ویژگیهای بیمار می باشد آموزش اصول صحیح نسخه نویسی و تجویز منطقی دارو در کارشناسان مامایی که با گروههای در معرض خطری مانند زنان باردار مواجه می شوند اهمیت زیادی دارد. لذا با توجه به این که برنامه های آموزشی به منظور تأمین نیازهای آموزشی فراگیران طراحی می شوند پژوهشی با هدف بررسی نظرات دانشجویان مامایی از ضرورت لزوم طراحی یک برنامه آموزشی در این زمینه انجام شد. روش کار: در این طراحی با یک مطالعه توصیفی کلیه دانشجویان مامایی که در سال چهارم دوره کارشناسی تحصیل می کردند و همه واحدهای پایه را گذرانده بودند بررسی شدند. ابزار مطالعه پرسشنامه بود که نظر دانشجویان را در زمینه لزوم طراحی یک برنامه درسی جداگانه مبتنی بر اصول صحیح نسخه نویسی و ملاحظات مورد نیاز هر داروی مجاز مامایی در موقع تجویز (احتیاطات، آموزشهای مصرف ختم یا تعویض دارو تداخلات و اشتباهات در نسخه نویسی و...) بررسی می نمود. اطلاعات پس از جمع آوری در نرم افزار آماری SPSS وارد شده و جداول فراوانی به دست آمد. نتایج: نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که ۹۸ درصد دانشجویان طراحی و اجرای یک برنامه درسی با سرفصل نسخه نویسی در مامایی مبتنی بر داروهای مجاز را با اهداف آشنایی با اصول کلی نسخه نویسی صحیح، اشتباهات در نسخه نویسی، اشکال مختلف داروهای مجاز، آشنایی با تداخلات دارویی مبتنی بر داروهایی که در بالین کاربرد دارند و نکات آموزشی لازم در موقع تجویز را لازم و ضروری دانستند و ابتدای ترم هفتم را بهترین زمان برای آن تعیین نمودند. نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه اکثریت دانشجویان مامایی در سالهای آخر تحصیل مهارت و دانش کافی



در زمینه نسخه نویسی، تداخلات دارویی، ارایه آموزش و ارزیابی های لازم در طی تجویز داروهای مجاز را ندارند و با توجه به اهمیت این نکات در درمان منطقی و کم هزینه تر بیماران پیشنهاد می شود این برنامه برای دانشجویان مامایی ارائه شود.

کد: ۱۴۵۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۲. نویسندگان: علی مراد حیدری گرجی، دکتر علی مراد حیدری گرجی،

کلیدواژه‌ها: کلمات کلیدی: خودکارآمدی پژوهشی، تحصیلات

تکمیلی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

متن مقاله: مقدمه: با توجه به اینکه یکی از عوامل مهم در هدایت پژوهش و ایجاد انگیزه برای انجام آن، خودکارآمدی پژوهشی است این پژوهش، خودکارآمدی پژوهشی را بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مازندران را بررسی میکند. روش کار: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند. حجم نمونه براساس نمونه گیری تصادفی طبقه ای بر اساس دانشکده ها محاسبه شد. در این پژوهش ۲۳۴ نفر شرکت کردند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه خودکارآمدی پژوهشی استفاده کردیم. نتایج: میانگین و انحراف معیارسن شرکت کنندگان در این مطالعه  $2/4 \pm 24/52$  بود. میانگین نمره کل این پرسشنامه که معرف خودکارآمدی پژوهشی است برابر با  $182/95$  و انحراف معیار  $36/12$  بود.

کد: ۱۴۵۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان شادکامی در کارآموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۲

نویسندگان: اسماعیل احمدی، فاطمه حسینی، طاهره سلیمی،

کلیدواژه‌ها: میزان شادکامی، کارآموزان پزشکی

متن مقاله: مقدمه: یکی از ویژگیهای شخصیتی انسان شادکامی است که به همراه سایر مولفه ها میتواند در زمینه غلبه بر استرسها و فشارهای مختلف زندگی به او مدد رساند. شادکامی

دارای اثرات مثبت و اثربخش از جمله افزایش قدرت تفکر و ارتقا کیفیت ارتباطات است. در این حالت احساس نوع دوستی افزایش یافته و افراد به یکدیگر کمک می کنند. افراد شادکام در مشاغل خود موفق ترند، وظایف خود را بهتر انجام داده و قدرت حل مساله بیشتری دارند. افرادی که از شادکامی مناسب برخوردار نمی باشند بیشتر مبتلا به افسردگی، اضطراب و پیامدهای ناشی از آن بوده و در آنها اعتیاد و رفتارهای ناپهنجار اجتماعی بیشتر دیده شده و از امید به زندگی کمتری برخوردارند. با توجه به شرایط خاص اقتصادی-اجتماعی دانشجویان پزشکی و همچنین اهمیت مسائل روانی در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد بر آن شدیم تا میزان شادکامی را در مقطع کارآموزی در آنان تعیین کنیم. مواد و روشها: این پژوهش توصیفی و به روش مقطعی بوده که بر روی دانشجویان پزشکی در حال تحصیل در دوره کارآموزی صورت گرفته است. جهت تعیین میزان شادکامی از پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۲۹ سوال چهارگزینه ای است که به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره گذاری می شود. نمره شادکامی ۰ تا ۲۵ ضعیف، ۲۶ تا ۵۰ متوسط، ۵۱ تا ۷۵ خوب و ۷۶ تا ۱۰۰ عالی محسوب می گردد. این پرسشنامه در پنج مولفه رضایت زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت مشخص شده است. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار آماري SPSS آنالیز و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نتایج بیانگر آن است که میزان شادکامی در مجموع پنج حیطه ۳،۶۰ درصد بوده که بیشترین آن مربوط به حیطه خلق مثبت با ۲،۶۵ درصد و کمترین آن مربوط به حیطه بهزیستی فاعلی با ۳،۵۳ درصد بوده است. در این مطالعه میانگین نمره شادکامی در دانشجویان  $9,353 \pm 2,240$  به دست آمد. رابطه میزان شادکامی در حیطه خلق مثبت بر حسب جنس و در حیطه رضایت زندگی به تفکیک محل سکونت در خوابگاه و غیر خوابگاه از نظر آماری معنی دار بوده است. نتیجه گیری: بر حسب نتایج حاصله در این مطالعه در زمینه شادکامی کلی هیچکس میزان شادکامی عالی را کسب نکرده و ۸،۶۴ درصد از جامعه آماری میزان شادکامی خوب را دارا بوده اند.

کد: ۱۴۶۳

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: نقش آموزش در طرح تحول نظام سلامت

نویسندگان: رحیم بخش رئیسی،

کلیدواژه‌ها: آموزش، نظام سلامت، طرح تحول نظام سلامت  
متن مقاله: اهداف: این مطالعه به ارائه اطلاعات در زمینه  
روش‌های مناسب آموزشی جهت توانمند سازی فرد، خانواده و  
جامعه برای تامین حفظ و ارتقاء سلامت و امید دستیابی تمام  
مردم به مطلوب ترین سطح از سلامتی و حفظ این سطح از  
طریق آموزش مداوم میپردازد. مقدمه: سلامت ودیعه ای  
خدادادی، حقی و همگانی که خداوند به ما ارزانی داشته و همه ما  
مسئولیت صیانت آن را بر عهده داریم. سلامت دو ویژگی مهم  
دارد، نخست آنکه از نیازها و حقوق اساسی مردم است و دیگر  
آنکه عرصه تغییر و تحولات سریع می باشد. تغییرات گسترده در  
حوزه سلامت سبب گردیده بسیاری از سازمان های آموزشی  
علوم سلامت، درصدد اتخاذ مؤثرترین رویکردهای آموزشی  
برآیند. که بتوان از طریق آموزش موجبات کاهش پرداخت  
مستقیم از جیب بیماران بستری شده در بیمارستانها، جلوگیری  
از ارجاع بیماران برای خرید دارو و... به خارج بیمارستان و  
ساماندهی بازار تجهیزات پزشکی کشور از لحاظ قیمت و کیفیت را  
فراهم کنند. مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مرور سیستماتیک  
مربوط به روش های مناسب آموزشی سلامت است که  
باجستجو در پایگاههای علمی Google scholar-SID-science  
direct با کلید واژه‌های، health systems، development of،  
education، health systems، استخراج و مورد بررسی  
قرار گرفتند. همچنین از جستجوی دستی و کتابخانه ای  
و همچنین پرسش از صاحب نظران موضوعی استفاده شده است.  
یافته ها: در مطالعه حاضر پس از بحث در مورد اهمیت آموزش  
و آموزش اثر بخش، چالش های آموزشی نیز بیان و بررسی شده  
اند. اهمیت و اثر بخشی آموزش: آموزش علوم پزشکی به سبب  
نیاز به عرصه های متنوع یادگیری در گستره وسیع شکل گیری  
مسائل مرتبط با سلامت و بیماری مردم، نسبت به سایر آموزش  
ها از ویژگی های خاصی برخوردار است. اهمیت و اثر بخشی  
آموزش زمانی نمود پیدا می کند که اهداف و محتوای آموزش  
پزشکی از تمرکز بر فرد به تمرکز بر جامعیت سلامت اعم از زن،  
فرد، خانواده، جامعه و اجتماع تغییر کند. چالش های آموزش  
سلامت: ۱- تمرکز بیش از اندازه محتوای آموزشی بر درمان  
بیماری ها ۲- فقدان جایگاه جدی آموزش اخلاق پزشکی در  
برنامه های آموزشی سلامت ۳- فقدان آموزش سلامت در زمینه  
های علوم اجتماعی و انسانی ۴- تمرکز بر آموزش بیمارستانی ۵-  
سراجه ناکافی آموزشی سلامت ۶- ضعف مدیریت فناوری بخش

آموزش پزشکی ۷- فقدان محتوای مناسب و منابع علمی ملی برای  
آموزش سلامت. نتیجه گیری: یافته های پژوهش نشان میدهد  
که هر چه آموزش در محورهای سلامت بتواند پاسخگوی نیازهای  
کمی و کیفی جامعه باشد اثر بخشی آن جهت حفظ، ارتقاء و  
تحول نظام سلامت بیشتر خواهد شد. از جمله توجه به تقویت  
علوم پایه سلامت، ژرف نگری و ژرف یابی برای گسترش مرزهای  
دانش و توسعه همکاری های بین رشته ای سلامت، تمرکز بر  
انتقال دانش از خارج به داخل برای تولید دانش در تراز جهانی و  
توسعه ظرفیت نظام مدیریت اطلاعات و دانش سلامت کشور  
توسعه مراکز تعالی پژوهش.

کد: ۱۴۶۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: TBL؛ گامی به سوی ارتقاء کاربرد دانش و مهارت

یادگیری تیمی دانشجویان پزشکی گروه آنکولوژی کودکان

نویسندگان: نرگس بیگم میربهبهانی، لیلیا پاداش، نصیبه رجبی،

کلیدواژه‌ها: TBL (یادگیری مبتنی بر تیم) - ارتقاء کاربرد دانش -

دانشجویان پزشکی

متن مقاله: زمینه وهدف: دروس رایج رشته پزشکی در دوره علوم  
پایه از قطعات مجزایی تشکیل شده که صرفاً متمرکز بر ارائه  
مطالب بصورت دروس مستقل و نامرتبط است. بنابراین در چنین  
ساختاری با استفاده از روشهای سنتی مثل سخنرانی نه تنها  
درک مطالب و ارتباط بین موضوعات برای دانشجو کار سختی  
است بلکه بی علاقتی و بی انگیزگی را بدنبال دارد. مطالعات  
نشان داده است مشارکت فعال دانشجو در امر یادگیری در دروس  
علوم پایه، یکی از بهترین روشهای یادگیری است که با تشویق  
دانشجو به حضور در کلاس، او را از حالت منفعل و شنونده خارج  
میکند. یکی از روش های یادگیری مشارکتی روش TBL می  
باشد. یادگیری مبتنی بر تیم یک استراتژی و چارچوب خاص  
آموزشی، برای توسعه عمق یادگیری دانشجویان با تکیه بر  
یادگیری تیمی خواهد بود. در واقع برخلاف تدریس به روش  
سخنرانی مرسوم که بر "پوشش مطالب" تمرکز دارد، روش  
TBL بر "کاربرد دانش" در محیطی تعاملی متمرکز است. این  
پژوهش با هدف، افزایش مهارت دانشجویان در دستیابی به  
سطوح بالای یادگیری شناختی با به کارگیری دانش فردی در  
قالب یک تیم (یادگیری مشارکتی) انجام شد. خلاصه روش اجرا:  
قبل از برگزاری کلاس ها با این روش تدریس، جلسه ای توجیهی  
برای دانشجویان آشنایی با اصطلاحات و مراحل موجود برگزار  
گردید. یک کلاس مبتنی بر تیم چگونه اجرا می شود؟ (قبل از



کلاس و حین کلاس، آزمون آمادگی فردی، آزمون آمادگی تیمی، استیناف، بازخورد، تکلیف تیمی) در ابتدای، مباحثی از درس تئوری کودکان را که قرار بود به صورت TBL برگزار شود، مشخص گردید. این مبحث شامل ۵/۰ واحد درسی (انکولوژی کودکان) از ۵ واحد تئوری کودکان برای دانشجویان پزشکی اکسپرن بود. علاوه بر آن یک هفته قبل از جلسه مورد نظر، تاریخ و مبحث به علاوه رفرنس مربوطه به دانشجویان داده شد تا با مطالعه رفرنس ها با آمادگی قبلی در کلاس حاضر گردند. همچنین به دانشجویان تاکید شد که حتما با مطالعه قبلی وارد کلاس شوند چون علاوه بر اینکه از آنان در ابتدای جلسه امتحان کتبی به صورت انفرادی گرفته خواهد شد، بدون آمادگی نمی توانند در آزمون تیمی مشارکت فعال داشته باشند و نداشتن مشارکت فعال به منزله از دست دادن نمره می باشد. در حین کلاس درس به ترتیب مراحل زیر اجرا گردید: آزمون آمادگی فردی، آزمون آمادگی تیمی، بازخورد و تصحیح آزمون ارزیابی تیمی، تکمیل فرم استیناف (Appeal form)، تکلیف تیمی ارزیابی همتایان یافته ها: در ارزیابی انجام شده حدود ۶۲٪ دانشجویان "TBL را روش مناسبی برای یادگیری عمیق دانشجویان نظر موافق و کاملا موافق داشته اند. و حدود ۷۶٪ از دانشجویان اظهار داشتند که بحثهایی که در گروه های کوچک درون کلاس انجام شد، یادگیری آنان را تسهیل کرد. در مورد نحوه اداره جلسه 83٪ TBL آن را مناسب ارزیابی کردند و نظر موافق و کاملا موافق داشتند. ۹۵٪ از دانشجویان "ارائه سؤالات در جلسات TBL، مناسب با محتوای درس بود" نظر کاملا موافق داشتند. بحث و نتیجه گیری: با توجه به اهمیت شیوه های نوین آموزشی مانند شیوه مبتنی بر تیم که خود هدایت شونده و مادام العمر هستند. و اینکه اجرای چنین شیوه ای میتواند به عنوان شاهدی عملی در آشنائی و ترغیب مدرسین به کاربرد رویکرد نوین تدریس نقش به سزائی داشته باشد.

کد: ۱۴۸۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی سنندج

در مورد عوامل موثر بر انتخاب رشته پرستاری

نویسندگان: شیلان لطیفی، احمد وهابی، بشری وهابی

کلیدواژه ها: انتخاب رشته، پرستاری، دیدگاه، دانشجویان، دانشگاه

متن مقاله: مقدمه: انتخاب رشته تحصیلی، فرایندی است که با توجه به شرایط مکانی و زمانی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار

خواهد گرفت و کیفیت آن نیز بستگی فراوانی به جستجوی افراد و بدست آوردن اطلاعات در زمینه رشته های مختلف دانشگاهی دارد. بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته پرستاری می تواند در شناخت و تقویت انگیزه های ورود به این رشته کمک کننده باشد. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در مورد عوامل موثر بر انتخاب رشته پرستاری طراحی و اجرا گردید. روش کار: پژوهش حاضر، مطالعه ای مقطعی است که تمامی دانشجویان جدیدالورود دانشکده پرستاری و مامایی رشته پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ را شامل می شود. روش نمونه گیری به صورت سرشماری بود که در مجموع ۸۳ نفر در مطالعه شرکت کرده و مورد سؤال قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای استاندارد مشتمل بر دو بخش بود. در بخش نخست آن سؤالات مشخصات فردی دانشجویان از قبیل سن، جنس، تحصیلات والدین، بومی یا غیر بومی بودن، وضعیت تأهل، علاقه به رشته پرستاری و تمایل به کار در آن و ادامه تحصیل در این رشته و در بخش دوم پرسشنامه ۲۱ سؤال مربوط به عوامل موثر بر انتخاب رشته پرستاری توسط دانشجویان مورد بررسی قرار گرفتند. این سؤالات دارای مقیاس ۴ درجه ای از بی تأثیر تا دارای تأثیر زیاد می باشند. داده های حاصل از این پرسشنامه در رایانه وارد شده و با نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و فرمول های آمار استنباطی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: ۷۹ نفر (۹۵/۲٪) پرسشنامه ها را به صورت کامل تکمیل نموده و آنها را تحویل دادند. میانگین سنی نمونه های مورد بررسی ۲۲/۲۴±۲/۲۸ سال بود. ۵۵ نفر (۶۹/۶٪) نمونه های مورد بررسی زن و بقیه مرد بودند. ۱۵ نفر (۱۹٪) آنها بومی و بقیه غیر بومی بودند. بیشترین میانگین کسب شده مربوط به سؤالات علاقه کمک به مردم (با میانگین ۳/۵۱)، محتوای علمی رشته (با میانگین ۳/۴۴) و دوست داشتن محل خدمت (بیمارستان) با میانگین ۳/۲۵ بودند. کمترین نمره کسب شده متعلق به سؤالات عدم موفقیت در سایر رشته ها (۲/۱۱)، سابقه قبلی بیماری یا بستری بودن در بیمارستان (۱/۹۴) و تجربه کار درمانی قبل از اشتغال به تحصیل با میانگین ۱/۹۰ بود. بین وضعیت بومی یا غیر بومی بودن دانشجویان و عوامل محیطی موثر بر انتخاب رشته (p=0/04)، سابقه کار درمانی قبل از انتخاب رشته و عوامل فردی موثر بر انتخاب رشته (p=0/02)، تمایل به ادامه تحصیل در رشته پرستاری و عوامل حرفه ای موثر بر انتخاب رشته (p=0/01)، مشغول بودن به کار دانشجویی در محیط بالینی در



زمان تحصیل و عوامل فردی موثر بر انتخاب رشته ( $p=0/002$ ) رابطه آماری معنی دار بود. بین عوامل سه گانه موثر بر انتخاب رشته پرستاری و سایر متغیرهای مورد بررسی رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد ( $p>0/05$ ). نتیجه گیری: با توجه به اینکه نقش عوامل محیطی در این مطالعه به نسبت عوامل دیگر برجسته تر می باشد تا حدودی این نگرانی وجود دارد که افراد بر اساس علائق شخصی این رشته را انتخاب نکرده و در ادامه مسیر با مشکلاتی مواجه شوند؛ لذا برگزاری کلاسهای آموزشی برای دانش آموزان سال آخر دبیرستان در زمینه نحوه صحیح انتخاب رشته و آگاه نمودن آنها با رشته های دانشگاهی به منظور انتخاب رشته ای درست و همراه با علائق آنها، توصیه می شود.

کد: ۱۴۸۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه روش های آموزش سخنرانی و سخنرانی همراه با case بر میزان یادگیری و رضایت دانشجویان مامایی نویسندگان: زیبا رئیسی دهکردی، کلیدواژه ها: سخنرانی همراه با case، سخنرانی، دانشجویان مامایی، یادگیری، رضایت

متن مقاله: مقدمه: با توجه به اهمیت آموزش دروس بالینی برای دانشجویان رشته مامایی، روش های تدریس این رشته نیز اهمیت دارد. مدرسین در تلاشند تا با به کارگیری شیوه های آموزشی مناسب، یادگیری موثر دانشجویان را ارتقا بخشند. این مطالعه با دو هدف بررسی تأثیر دو روش سخنرانی و سخنرانی همراه با case بر میزان یادگیری دانشجویان همچنین بررسی میزان رضایت انجام شد. روش ها: در این مطالعه نیمه تجربی، ۴۵ نفر از دانشجویان مامایی در عرصه را انتخاب کرده و تدریس به دو شیوه آموزش سخنرانی و سخنرانی همراه با case بر میزان یادگیری و رضایت دانشجویان مامایی انجام شد. جهت سنجش اطلاعات از دانشجویان یک پیش آزمون گرفته شد. به فاصله یک ماه پس از پایان جلسه آموزشی، پس آزمون برگزار شد. برای بررسی میزان رضایت گروه تجربی از پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس لیکرت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون آماری t-test انجام گرفت. نتایج: میانگین نمره پیش آزمون و پس آزمون در گروه سخنرانی به ترتیب  $11/16 \pm 2/46$  و  $17/38 \pm 2/36$  و در گروه سخنرانی همراه با  $66/2 \pm 46/10$  case و  $15/409 \pm 2/37$  بود. بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه سخنرانی همراه با case نسبت

به گروه سخنرانی اختلاف معنادار آماری وجود نداشت. بنابر نظر دانشجویان، روش آموزشی تلفیقی باعث افزایش اشتیاق ( $43\%$ )، انگیزه ( $43\%$ ) و رضایت ( $96\%$ ) ن و ارتباط بهتر استاد با دانشجو ( $96\%$ ) می شود. نتیجه گیری: روش آموزش سخنرانی همراه با case با تقویت انگیزه درونی و افزایش یادگیری و رضایت دانشجویان می تواند در تدریس دروس بالینی دانشجویان مامایی استفاده شود.

کد: ۱۴۹۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: با ورود فوق تخصص نوزادان هیچ نوزادی جرات مردن در بخش را ندارد: گزارش مورد از یک کار تیمی پزشک و پرستار در بخش نوزادان

نویسندگان: زهره قزل سفلی،

کلیدواژه ها: کلمات کلیدی: مرگ و میر نوزاد، فوق تخصص نوزادان، تیم پرستاری، گزارش مورد

متن مقاله: زمینه و هدف: در راستای سیاست کلی وزارت بهداشت، کاهش میزان مرگ و میر نوزادان یک تکلیف مهم است و همه ی کادر بهداشت و درمان برای حصول به استانداردهای بین المللی باید کاهش مرگ و میر نوزادان را در دستور کار قرار دهند. هدف از آموزش رشته فوق تخصصی نوزادان تربیت پزشکی است که در زمینه بیماری های نوزادان به طور مستقل و همچنین به عنوان جزئی از یک تیم پزشکی در جهت حفظ و ارتقاء سلامت جامعه استفاده بهینه نمایند. ارتباط با همکاران حرفه ای در گروه پزشکی باید به نحوی برنامه ریزی شود که هدف اصلی طب که شامل سلامت و مراقبت از بیمار است را تأمین کند و در این میان ارتباط بین پزشکان و پرستاران اهمیتی خاص دارد. هدف از این مطالعه گزارش مورد معرفی الگو ی مراقبتی یک پزشک فوق تخصص نوزادان با تیم پرستاری در بخش نوزادان بیمارستان گنبد که منجر به کاهش مرگ و میر نوزادان در آن بخش شده است می باشد. روش کار: گزارش مورد معرفی یک پزشک فوق تخصص کودکان با تیم پرستاری در بیمارستان گنبد یافته ها: مضمون اصلی این مطالعه "پزشک فوق تخصص و متخصص کردن پرستاران"، "بدعت نو در کار تیمی پزشک و پرستار" و "کاهش مرگ و میر نوزادان بود با مضامین فرعی آموزش دادن به پرستار، تدوین استاندارد مراقبت، تعویض اختیار مراقبت، مسئولیت خواستن، حضور پزشک بر بالین بیمار، پیشگیری از وخیم شدن حال بیمار، حمایت و تشویق پرستار،





امید وار بودن به بهبودی بیمار، افزایش اعتماد به نفس پرستاران بود. نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد با پیاده شدن این الگوی کار تیمی پزشکی و پرستاری، علاوه بر به باور رساندن پرستاران در سهمیم شدن آنها در بهبودی نوزاد، روحیه انگیزش و علاقه به کار را در آنها زنده نمود و در نتیجه هیچ گزارش مرگ و نوزادی در آن بخش تا کنون دیده نشده است. پرستاران بر این باورند که همانند یک متخصص کار انجام می دهند.

کد: ۱۵۰۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: شکل دهی رفتارهای تحصیلی و اجتماعی مطلوب

دانشجویان با استفاده از نظریه اسکینر در کلاس های بدو ورود

به دوره کارورزی و کارآموزی

نویسندگان: محمد رادگودرزی رادگودرزی، مهناز فولادی

نژاد، حسین زائری، لیلیا پاداش، نصیبه رجبی

کلیدواژه‌ها: نظریه اسکینر - شکل دهی رفتارمطلوب - کارآموزان -

کارورزان

متن مقاله: زمینه وهدف: از جمله دغدغه ها در آموزش پزشکی دغدغه حضور دانشجویان در کلاسهای تئوری و مشارکت فعال ایشان در کلاس است. غیبت ایشان از کلاسها یا حضور غیر فعالشان هم موجب رنجش اساتید شده، هم به یادگیری ایشان لطمه می زند. بنظر می رسد دانشجویان در ابتدای دوره ی آموزش پزشکی مشارکت و حضور بیش تری در کلاسهای تئوری داشته اما بتدریج این حضور و مشارکت کاهش می یابد. خاصه اینکه دانشجویان به لحاظ سنی و مراحل رشدی به لحاظ قضاوت اخلاقی در مرحله خاصی بسر می برند و براحتی پابندی ایشان به قوانین کم می کند. علل احتمالی کم رنگ شدن که در حضور بعدی دانشجویان دخیل است که همانا نبود تقویت مثبت موثر بر رفتار حضور ایشان در کلاس می باشد. با لحاظ کردن تغییرات در نوع نگاه دانشجویان به قواعد حضور در کلاس انجام تغییراتی در این ضوابط که آنها را از حالت غیر قابل انعطاف خارج ساخته و حضور در کلاس را با منفعت بیش تری همراه سازد ضروری به نظر می رسد. لذا برآن شدیم با اعمال تغییراتی در ضوابط حضور در کلاسهای تئوری ایجاد نماییم که منجر به تحریض حضور ایشان در کلاسهای درس گردد. در این مهم از نظریه یادگیری اسکینر بهره جستیم شود. از درون نظریه اسکینر عمدتاً مهم ترین راهبردهایی در امر آموزش programmed instruction (آموزش برنامه ای) است. الف: پیشرفت با گام های کوچک

صورت می گیرد. (small steps) ب: یاد گیرنده نقش فعال دارد. ج: دریافت بازخورد، فوری است. آنچه اسکینر روی آن تاکید دارد " فوریت تقویت " (Immediacy of Reinforcement) و " برنامه های تقویت " (Schedules of reinforcement) اند روش اجرا: به منظور بررسی عملی راهکارهای ارائه شده و امکان مداخله در راستای حضور و غیاب و میزان مشارکت در کارگاهها و کلاسهای مباحث شایع صبحگاهی را مورد توجه قرار دادیم. جهت آمادگی کارورزان به دوره بالینی کودکان کارگاه های و کلاسهایی با عنوان مباحث شایع صبحگاهی و مهارت های بالینی جهت ارتقای مهارتهای تئوری و بالینی دانشجویان کارآموز و کارورز برگزار می گردید. بعد از بررسی ها انجام شده نتایج نشان داد که چندین نوبت کارگاه بطور پیاپی با حضور کم رنگ دانشجویان دنبال می شد. همچنین به علت فاصله در کارگاههای دو روزه، در روز دوم حضور کارورزان به حداقل میزان می رسید. حتی حضور و غیاب به تنهایی نیز نمی توانست تغییری در این حضور کم رنگ یا میزان توجه دانشجویان ایجاد نماید. گروه کودکان جهت حل این مشکل در جلسه گروه مقرر شد که ۴ نمره از ده نمره عملی بخش کودکان) به حضور در کارگاههای مهارت های بالینی و کلاسهای مباحث شایع اختصاص یابد. همچنین در پایان دوره های آموزش کارگاهی و کلاسها از مباحث ارائه شده در همان روز آزمون برگزار گردد که نمره آن علاوه بر درج در log book، با عنوان توانایی عملی و مهارت بالینی به میزان ۴ نمره جمع گردد. تغییرات و قوانین جدید در ابتدای حضور دانشجویان یادآوری گردید. بعد از وضع قوانین و مقررات جدید، میزان حضور دانشجویان در دوره ها با قبل از تغییرات قوانین مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر آن نمره نهایی آنان بعلاوه میزان مشارکت فعال آنان نیز بررسی گردید. یافته ها: در ارزیابی این مطالعه نیز از فرم حضور و غیاب دانشجویان قبل و بعد از وضع قانون، نمونه ای از لاگ بوک دوره ی کودکان همچنین از نظرات اساتید استفاده گردید. الف) با کوچکترین آموزش دانش واقعی دانشجو در آن موضوع محک می خورد و دانشجو متوجه کم و کاستی های خود می گردید.

کد: ۱۵۰۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: توالی فراده و فراگیر در مدل یادگیری

نویسندگان: زهرا آبدینی، هدی احمدی طهران، فرشته جواهری،

صدیقه موسوی، اکرم عابدینی پور، کبری انصاری



کلیدواژه‌ها: فراده، فراگیر، یادگیری، احیا

متن مقاله: به کارگیری روش مناسب جهت آموزش تکنیکهای بالینی در دهه های اخیر مورد تاکید قرار گرفته است. با توجه به نیاز دانشجویان پرستاری به آگاهی از احیا قلبی ریوی و اهمیت استفاده از روش موثر آموزشی جهت یادگیری عمیق و ماندگار، فرآیند حاضر با هدف تعیین بررسی تاثیر روش نوین آموزش احیاء قلبی ریوی به دانشجویان پرستاری بر ارتقاء سطح آگاهی و مهارت آنان در دانشکده پرستاری مامایی قم انجام شد. در مرحله اول آموزش احیا قلبی ریوی به دانشجویان سال آخر توسط دو کارشناس ارشد پرستاری ویژه و دارای سابقه کار در زمینه احیا در اورژانس انجام شد. سپس ۱۵ نفر از دانشجویان سال آخر مسئولیت آموزش به ۳۵ دانشجوی سال سوم پرستاری را در گروههای ۳-۲ نفری به عهده داشتند. جلسات آموزشی شامل ۴ جلسه نیم ساعته در طول ۴ هفته بود. قبل از شروع آموزش احیاء قلبی ریوی به دانشجویان، آگاهی و مهارت دانشجویان سال آخر در مورد CPR توسط پرسشنامه و چک لیست بررسی گردید. ۲ هفته پس از آموزش نیز مهارت و دانش دانشجویان توسط پرسشنامه و چک لیست سنجیده شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه اطلاعات فردی و چک لیست مهارتهای احیای پایه و پیشرفته می باشد. مقایسه آگاهی و مهارت دانشجویان سال سوم قبل از آموزش به روش نوین در گروه آزمون و کنترل نشان داد دو گروه آزمون و شاهد از نظر آگاهی بعد از آموزش اختلاف معناداری دارند ( $P < 0/05$ ). تعیین و مقایسه مهارت دانشجویان سال سوم قبل و بعد از آموزش احیاء قلبی ریوی به روش نوین در گروه آزمون نشان داد که میانگین مهارت گروه آزمون قبل از مداخله ۶۰/۷۷ و بعد از مداخله ۱۷۰/۸۵ می باشد. بین نمرات مهارت گروه آزمون قبل و بعد از آموزش اختلاف معناداری مشاهده می شود ( $P < 0/05$ ). آگاهی و مهارت دانشجویان بعد از آموزش افزایش یافته و این روش در ارتقاء یادگیری بسیار موثر یوده است.

کد: ۱۵۱۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: مقایسه دو روش آموزش الکترونیکی وسخترانی بر

یادگیری اصول پایه عملیات احیای قلبی ریوی در دانشجویان

پرستاری

نویسندگان: حمیرا محرابی

کلیدواژه‌ها: آموزش، نرم افزار چند رسانه ای، احیا قلبی ریوی،

سخنرانی، دانشجویان پرستاری

متن مقاله: اهداف: کمبود امکانات، مدرسین مجرب و انتخاب روش آموزش مناسب همیشه یکی از چالش‌های برگزاری دوره های احیا قلبی ریوی میباشد. هدف از مطالعه حاضر "تعیین تاثیر استفاده از نرم افزار آموزشی چند رسانه‌ای بر یادگیری اصول پایه عملیات احیای قلبی-ریوی در دانشجویان پرستاری" بود. روش‌ها: این یک مطالعه نیمه تجربی است که در سال ۱۳۹۲ انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل ۷۰ دانشجوی پرستاری ترم های پنج و شش از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بودند. نمونه‌ها با استفاده از روش تصادفی بلوکه به دو گروه سخنرانی و آموزش عملی (۳۵ نفر) و آموزش چند رسانه ای و آموزش عملی (۳۵ نفر) تقسیم شدند. آموزش تئوری اصول پایه عملیات احیای قلبی ریوی در گروه اول به صورت سخنرانی و در گروه دوم توسط نرم افزار چند رسانه ای انجام شد. آموزش عملی هر دو گروه بطور یکسان با ۲ جلسه کار بروی مانکن انجام شد. از هر دو گروه پس از یک هفته آزمون تئوری توسط پرسشنامه مهارت‌های اولیه حفظ حیات و پس از دو هفته آزمون عملی بر اساس چک لیست استاندارد و ارزشیابی بالینی ساختارمند عینی به عمل آمد. اطلاعات توسط نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۱۸ با استفاده از آزمونهای تی مستقل، کای اسکور من ویتنی یو تحلیل شد. یافته ها: میانگین نمره دانش در گروه مداخله ( $16/20 \pm 2/02$ ) به میزان قابل توجهی بالاتر از گروه کنترل ( $12/57 \pm 2/60$ ) بود ( $P < 0/001$ ). در بررسی حیطه عملکرد، تفاوت آماری معناداری بین دو گروه در حیطه های عملکردی ارزیابی بیمار ( $P = 0/056$ )، بازکردن راه هوایی و دادن تنفس ( $P = 0/13$ ) و ماساژ قلبی ( $P = 0/36$ ) بدست نیامد. نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ارائه محتوی به صورت نرم‌افزار چند رسانه‌ای می تواند سبب افزایش دانش دانشجویان پرستاری بیش از روش سخنرانی و شبیه سازی شود، اما در بهبود عملکرد روانی حرکتی دانشجویان موثر نمی باشد. لذا استفاده از روش های عینی و آموزش بالینی برای تقویت مهارتهای روانی حرکتی عملیات احیا قلبی ریوی توصیه می گردد.

کد: ۱۵۳۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: رابطه سبک های تفکر با میزان یادگیری درس اصول و

مهارتهای پرستاری در بین دانشجویان پرستاری دانشگاههای

علوم پزشکی استان اردبیل

نویسندگان: مرصیه محمدی، اسکندر فتحی آذر، رضا غفاری، علی اکبر عبدالله زاده

کلیدواژه‌ها: سبک های تفکر، یادگیری، اصول و مهارت‌های پرستاری

متن مقاله: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ی سبک های تفکر با میزان یادگیری اصول و مهارت‌های پرستاری می باشد جامعه ی آماری پژوهش را تمامی دانشجویان سال اول رشته ی پرستاری دانشگاه‌های علوم پزشکی استان اردبیل می باشد که تعداد آنها ۲۸۰ نفر بودند. برای نمونه گیری تعداد ۱۲۰ نفر شامل ۶۰ نفر دانشجوی دختر و ۶۰ نفر دانشجوی پسر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ و پرسشنامه پژوهشگر ساخته درس اصول و مهارت‌های پرستاری بود که ضریب پایایی پرسشنامه های مذکور به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۱ بود. پس از اجرای پژوهش و تحلیل داده ها با استفاده از رگرسیون گام به گام نتایج نشان داد که سبک تفکر قانون گذرانه بیشترین همبستگی با یادگیری درس اصول و مهارت‌های پرستاری دارد ( $r=26$ ) همچنین سبک تفکر قضایی نیز همبستگی مثبتی با میزان یادگیری درس اصول و مهارت‌های پرستاری دارد ( $r=20$ ) سبک تفکر اجرایی نیز دارای رابطه ی منفی با میزان یادگیری درس اصول و مهارت‌های پرستاری است ( $r=-18$ ).

دانشجویان در دانشکده پرستاری و مامایی آل بویه گرگان انجام شد. روش بررسی: این پژوهش مداخله ای و به روش شبه تجربی در دو گروه آزمایش و گواه و اجرای پیش آزمون و پس آزمون انجام گرفت. نمونه ها شامل ۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه گواه بودند. به گروه آزمایش، راهبردهای مطالعه و یادگیری آموزش داده شد. با استفاده از پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری میزان آشنایی دانشجویان با راهبردهای مطالعه و یادگیری سنجیده شد. جهت تعیین عملکرد تحصیلی از معدل پایان ترم استفاده شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS21 شد و با آزمون t و آمارهای توصیفی تحلیل شد. یافته ها: ۶۵ درصد دانشجویان دختر و بقیه پسر بودند. میانگین سنی دانشجویان یادگیری دانشجویان در نه حیطة مذکور که حداکثر نمره ۴۰ داشت، نگرش ۳۲، انگیزش ۲۷، کنترل وقت ۲۵، کنترل اضطراب ۳۰، تمرکز ۲۸، پردازش اطلاعات ۳۱، راهنمای مطالعه ۲۷ و خودآزمایی ۲۵ بود. راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان ترم های مختلف تحصیلی اختلاف معنی دار وجود نداشت. دختران نمرات بهتری در مقیاس راهبردهای مطالعه و نگرش داشتند. بین شغل و تحصیلات والدین، با میزان آگاهی دانشجویان از راهبردهای مطالعه ارتباط معنی دار وجود داشت ( $p=0/05$ ).

کد: ۱۵۴۴

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: اجرای مدیریت یادگیری خود هدایت شونده (self direct) با برگزاری مستمر امتحان پایان کارآموزی برای دانشجویان کارشناسی هوشبری از کتاب مرجع بیهوشی میلر و نکات کلیدی برگرفته از آن؛ فرآیندی در جهت ارتقاء شیوه ارزشیابی و افزایش توانمندی های علمی و عملی در بالین از سال ۱۳۸۹ تا کنون

نویسندگان: فوزیه بخشا، سید یعقوب جعفری، زهرا یوسفی، لیلا پاداش

کلیدواژه‌ها: ارزیابی آموزشی، یادگیری خود-راهبر، کارآموزی متن مقاله: رشته‌های علوم پزشکی جزء حرفه‌های که آموزش آن‌ها مجموعه‌ای از علوم تئوریک و فعالیت‌های عملی، مهارت، خلاقیت و تجربه را در بر می‌گیرد. دانشگاه موظف است برای تربیت دانش آموختگان توانا از شیوه‌های نوین و کارآمد آموزشی استفاده نماید. مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی گروه‌های علوم

کد: ۱۵۴۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشکده پرستاری آل بویه گرگان و ارتباط آن با ویژگی های فردی و سوابق تحصیلی

نویسندگان: ملیحه نوری

کلیدواژه‌ها: راهبردهای مطالعه و یادگیری، دانشکده پرستاری آل بویه گرگان، سوابق تحصیلی

متن مقاله: سابقه و اهداف: راهبردهای مطالعه و یادگیری، با تسهیل یادگیری، عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود می بخشد. شناخت این راهبردها، گامی اساسی برای مداخلات آموزشی مناسب می باشد. این پژوهش با هدف تعیین راهبردهای مطالعه و یادگیری و ارتباط آن با مشخصات فردی و تحصیلی دانشجویان و مقایسه میانه نمره دانشجویان در هر یک از حیطه های فوق با منحنی هنجار شده راهبردهای مطالعه و یادگیری



پزشکی باید بتواند دانش نظری را به مهارت‌های ذهنی - حرکتی تبدیل نماید و دانشجویان را خود آموز، خود راهبر و برخوردار از قدرت استقلال و قضاوت بار آورد. این امر به شدت وابسته به کاربرد روش‌های مدیریت و نظارتی است. تبادل آرا و تجربیات در یک موقعیت مشترک برای ارزیابی عملکرد و درک بهتر مطالب و قرارگیری در محیطی که دانشجویان به صورت مداوم از سوی گروه آموزش دهنده مورد ارزیابی، هدایت و مدیریت قرار می‌گیرند، باعث ایجاد فضایی کارآمد می‌گردد که دانشجو هر لحظه به دنبال آموزش و ارتقاء خود می‌باشد. بدیهی است با برگزاری آزمون‌های مستمر تحصیلی پایان هر کارآموزی دانشجویان وادار به مطالعه مجدد فصول مختلف کتاب مرجع بیهوشی میسر شده و همراه با پرسش و پاسخ و امتحان عملی در بالین، هدف ادغام تئوری با کار عملی بالینی را تحقق می‌بخشد. بنابراین به منظور بالا بردن دانش تئوری و مهارت عملی و ادغام این دو در محیط بالین با بهره‌گیری از شرایط و محیط کارآموزی دانشجویان، برنامه‌ای مدیریتی مبنی بر تدارک و تدوین فرآیندی نظارتی و ارزشیابی از طرف گروه هوشبری دانشگاه علوم پزشکی گلستان در طی برنامه کارآموزی‌ها اعمال گردید. روش اجرا: این فرآیند آموزشی بر روی تمام دانشجویان هوشبری شاغل به تحصیل از سال ۱۳۸۹ تا کنون در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان اجرا گردید. ابتدا جلساتی برای تعیین نیازهای آموزشی و راه حل‌های ارتقاء آن توسط گروه تشکیل شد سپس از دانشجویان نیز نیاز سنجی صورت گرفت و رویکرد ارزیابی کارآموزی‌ها، طراحی و استفاده از روش ارزیابی تکوینی توسط مربیان و نقش آموزش فراگیر محور در طول دوره و پایان آن با تأکید بر نکات کلیدی کاربردی در بالین و استفاده از کتاب مرجع میسر اجرایی گردید. جزییات ارزیابی کارآموزی‌ها و مفاد آزمون در دفترچه کارآموزی قید گردید. کتابچه‌ای تحت عنوان " نکات کلیدی بر گرفته از کتاب میسر" توسط گروه تدوین شده و در ابتدای ترم به دانشجویان تحویل گردید. سر فصل‌هایی بر گرفته از کتاب مرجع میسر بر اساس هر نوع کارآموزی مشخص گردید و دانشجویان موظف بودند در طول دوره بطور مرتب و هماهنگ با مربیان بالینی و متخصصین بیهوشی و دیگر هم‌تایان، مطالب آموزشی را مورد بحث و کنکاش قرار دهند. به این وسیله دانشجویان مستمراً در بالین ارزیابی و هدایت شده و در نهایت در پایان هر دوره کارآموزی با امتحان پست تست (post test) و ارزیابی عملکرد بالینی مورد سنجش قرار گرفتند. نتایج: در مجموع از افراد شرکت کننده در کل دوره‌ها و سال‌های مورد

بررسی ۷۲/۸۸٪ برگزاری آزمون post test و بکارگیری این روش ارزیابی را در افزایش اطلاعات علمی شان مؤثر دانستند و ۹۸٪ دانشجویان با ضرورت مطالعه کتاب مرجع میسر برای افزایش مهارت عملی و اعتماد به نفس در بالین موافق بودند و ۷۷/۶٪ با لزوم یادگیری مطالب تئوری برای کسب مهارت‌های عملی موافق بودند. دانشجویان کارشناسی پیوسته هوشبری در بدو برگزاری آزمون میانگین نمرات کمتری داشتند اما پس از اجرای برنامه تعیین شده در طول کارآموزی‌ها تغییرات میانگین نمرات روندی افزایشی یافت. آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری تغییرات میانگین نمرات زمان‌های مورد بررسی را نسبت به نمره ابتدای اجرای مطالعه معنادار نشان داد.

کد: ۱۵۵۳

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: عنوان: فرایند آموزشی پرورش مراقبت معنوی در دانشجویان عرصه پرستاری از طریق گنجاندن تکلیف در کارپوشه دانشجویان

نویسندگان: لیلا جویباری

کلیدواژه‌ها: مراقبت معنوی، دانشجوی، پرستاری، آموزش

متن مقاله: زمینه و هدف: در اکثر برنامه‌های آموزشی به چهارچوب پرستاری کلی نگر توجه شده است که دیدگاهی برای آموزش دانشجویان جهت بررسی و رفع نیازهای معنوی بیماران فراهم کنند. لذا لازم است در آموزش پرستاری الزاماتی برای جایگاه آموزش معنویت در پرستاری به دانشجویان پرستاری باز نمود. چرا که مطالعات نشان می‌دهد تعداد اندکی از دانشجویان با معنویت و مراقبت معنوی آشنا هستند و در آموزش معنویت در پرستاری وجود خلاء در متون گزارش شده است. روش کار: این فرایند که برای رسیدن به مراقبت معنوی در ۵ دوره آموزشی در ترم هشت پرستاری اجرا می‌شود یک مطالعه آموزشی طولی آینده نگر است نحوه فعالیت دانشجویان برای اجرای این فرایند در کارپوشه آنها گنجانده شد یک نسخه به آنها داده شده و در سایت EDO دانشکده کارپوشه موجود می‌باشد. برای آشنایی با این روش در هفته اول کارآموزی یک کارگاه آشنایی به ورود به عرصه برای آنها گذاشته شده است و در انجا علاوه بر بیان اخلاق حرفه‌ای و بخشی از نمونه مراقبت معنوی از دانشجویان در ترم گذاشته بازگو می‌شود. دانشجویان در طول دوره با استاد ناظر تکالیف محوله را در میان می‌گذارند از طریق ایمیل، تلفن و حضوری برای نوشتن و ارائه مراقبت معنوی مراجعه می‌نمایند.



نحوه ارزشیابی دانشجویان علاوه بر اینکه مراقبت معنوی را تایید شده در فرمت مخصوص به استاد تحویل می دهند برای ارائه تکالیف موظف هستند حضوری و شفاهی آن را ارائه دهند و در ضمن بازخورد هم دریافت می کنند. نحوه ارزشیابی دانشجویان تنها به روش آموزش و پیگیری ختم نشد بلکه نحوه ارزشیابی هم تغییر یافت چرا که برای رسیدن به مهارت شیوه ارزشیابی سنتی مناسب نبود بنابراین استفاده از شیوه ارزشیابی مختلف از قبیل ارائه شفاهی و بازخورد ارائه کتبی، برای بررسی مهارت ها از روش ارزشیابی نوین اسکی استفاده شد. برای بررسی تجربیات دانشجویان از این فعالیت آموزشی بروی فعالیت مراقبت معنوی آنها تحلیل محتوی صورت گرفت. یافته ها: با توجه به اینکه این فرایند به مدت ۵ دوره اجرا شده است و هر دوره به طور متوسط ۲۵ دانشجو در کار آموزی در عرصه حضور دارند در حدود ۳۰۰ دانشجو در این فرایند مشارکت داشته اند. برانگیختن احساس معنوی برای انجام مراقبت معنوی در دانشجویان، جمع آوری مجموعه ای از کار دانشجویان در بالین بعنوان مراقبت معنوی که می توان کتابی در این زمینه چاپ کرد. و ترغیب دانشجویان به کار انسانی و عادت آنها بود. بحث و نتیجه گیری: نتایج این فعالیت آموزشی نشان داد که دانشجویان طی یک فرایند خاصی مراقبت معنوی را انجام می دهند. بکارگیری روش های تشخیصی برای نیاز بیمار به مراقبت معنوی، نحوه برقراری ارتباط در بیماری که دچار پریشانی معنوی شده، روش های مختلف اتخاذ رفع نیاز، نشانه هایی که آنان با آن پی به سرانجام رساند مراقبت معنوی از بیمار می بردند بود.

کد: ۱۵۵۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارزیابی تاثیرات کارگاه آموزش بیمار بر سطح دانش پرستاران در خصوص فرایند آموزش بیمار و مهارت های ارتباطی آنان

نویسندگان: محمد ازمیل، سلیمه گوهری نژاد، زینب صدوقی

کلیدواژه ها: کارگاه آموزش بیمار، مهارت های ارتباطی پرستار - بیمار، سطح دانش آموزش بیمار، پرستار

متن مقاله: زمینه و هدف: آموزش بیمار به طور گسترده ای به عنوان یک بخش کلیدی فرایند پرستاری شناخته شده است. هدف این مطالعه بررسی تاثیرات کارگاه آموزش بیمار بر سطح دانش پرستاران در خصوص فرایند آموزش بیمار و مهارت های ارتباطی پرستاران می باشد. روش: مطالعه حاضر از نوع شبه

تجربی است که با مشارکت ۲۸ پرستار مرتبط با آموزش بیمار از بیمارستان های استان بوشهر در یک کارگاه دو روزه آموزش بیمار در آذر ماه سال ۱۳۹۳ انجام شد. کارگاه بر اساس مدل مراقبت بیمار محور طراحی شد که چهار مرحله فرایند آموزش بیمار: نیازسنجی، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی را پوشش می داد. به علاوه یک ماژول جداگانه مهارت های ارتباطی پرستار - بیمار نیز آموزش داده شد. داده های مربوط به تاثیر کارگاه بر سطح دانش با پیش آزمون - پس آزمون مشتمل بر بیست سوال چهار گزینه ای جمع آوری شد. داده های مهارت های ارتباطی با دیالوگ های قبل و بعد با یک سناریوی فرضی مورد سنجش قرار گرفت. برای تحلیل داده های بخش اول از شاخص های آمار توصیفی نرم افزار SPSS و برای سنجش داده های کیفی حاصل از مهارت های ارتباطی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. یافته ها: نتایج حاصل از پیش آزمون - پس آزمون نشان می دهد در کل درصد پاسخ های صحیح پرستاران پس از کارگاه ۲۴،۲۲ درصد افزایش یافت. در بخش مهارت های ارتباطی پرستاران با بررسی سناریوها پنج حیطه حوزه پزشکی، اجتماعی، عاطفی، روانشناختی و فرایندی شناسایی شد که آن ها پس از آموزش به میزان بهتری از این مهارت ها استفاده کرده اند. نتیجه گیری: آموزش بر اساس مدل بیمار محور و مهارت های ارتباطی پرستار بیمار می تواند توانایی پرستاران را برای ارائه آموزش مؤثرتر به بیمار بهبود بخشد.

کد: ۱۵۶۰

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: دیدگاه دانشجویان پرستاری در مورد محیط آموزشی دانشکده بر اساس الگوی DREEM در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

نویسندگان: محمد علی رئیس السادات، سمانه سروقد مقدم، آرزو فرج پور، مهران همام، زهرا مصطفوی

کلیدواژه ها: پرسشنامه dreem، ارزیابی محیط آموزشی، دیدگاه دانشجویان پرستاری

متن مقاله: مقدمه: محیط ایده آل و مثبت آموزشی بهترین شرایط آماده سازی دانشجویان را برای زندگی حرفه ای آینده شان و قرار گرفتن در جایگاه شغلی شان فراهم می آورد. شرایط محیطی یاددهی و یادگیری به گونه ای فراهم میشود که طی دوران تحصیل دانشجو از نظر فکری، جسمی، روحی توسعه پیدا کرده، مهارت های حرفه ای لازم را به صورت جامع و کامل برای



تأمین مسؤولیت اجتماعی کسب می نماید لذا این مطالعه جهت ارزیابی محیط آموزشی پرستاری و فاصله آن با استانداردهای موجود انجام گرفت. روش کار: در این مطالعه توصیفی-مقطعی که به منظور درک دانشجویان پرستاری از محیط آموزشی گروه پرستاری واقع در دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد مشهد انجام شد. تعداد ۱۳۶ نفر دانشجوی پرستاری به طور تصادفی پرسشنامه استاندارد DREEM را تکمیل نمودند این پرسشنامه حاوی ۵۰ سوال در مقیاس لیکرت است که از داده های آن جهت برنامه ریزیهای آموزشی استفاده خواهد شد. سوالات در پنج حیطه: یادگیری، اساتید، ادراک دانشجو از توانایی علمی خود، فضای عمومی آموزش، روابط اجتماعی می باشد. دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۰-۲۰۰ و میانگین بین ۱-۵ است. بر اساس تفسیر مولف پرسشنامه، میانگین ۳,۵ و بالاتر نشاندهنده این است که جنبه های مثبت محیط آموزشی بیش از جنبه های منفی است و میانگین ۲ و کمتر از ۲ نشاندهنده آن است که جنبه های منفی محیط آموزشی بیش از جنبه های مثبت است. حیطه هایی که میانگین ۳ و ۳ کسب میکنند نیازمند به تعدیل میباشند. داده های حاصل با نرم افزار SPSS20 تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: در این مطالعه ۱۳۶ نفر دانشجوی پرستاری با میانگین سنی  $22 \pm 2$  شامل ۸۰ نفر مونث و ۵۶ نفر مذکر پرسشنامه را پر نمودند. میانگین نمره کل پرسشنامه  $90 \pm 25$  بود که طبق تفسیر مولفین پرسشنامه امتیاز بین ۵۰-۱۰۰ مبین وجود مشکلات بالقوه در نظام آموزشی است. میانگین امتیاز دانشجویان در حیطه یادگیری  $33 \pm 6,5$  در حیطه اساتید  $20,68 \pm 6,8$  در حیطه ادراک دانشجو از توانایی علمی خود  $14,8 \pm 4,6$  در حیطه فضای عمومی آموزشی  $21 \pm 6,8$  در حیطه ادراک دانشجو از شرایط اجتماعی خود  $12,65 \pm 4$  میباشد. نتیجه گیری: با توجه با اینکه میانگین امتیاز کل پرسشنامه بین ۵۰-۱۰۰ می باشد و مبین وجود مشکلات بالقوه در محیط آموزشی است لذا با در نظر داشتن استراتژی دانشجو محوری در کوریکولوم آموزشی که اجرای این پژوهش هم در همین راستا میباشد بایستی در بازنگریها و ارزشیابیهای کوریکولوم مد نظر قرار گیرد و انجام اصلاحات مطابق با استانداردها و رویکردهای نوین در آموزش علوم پزشکی در جهت ارتقا سیستم آموزش پرستاری و رفع نواقص موجود در حیطه های مذکور در برنامه کار قرار گیرد.

کد: ۱۵۶۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: کنفرانس های موربیدیتی و مورتالیتی راهکاری اثر بخش در بازآموزی گروه پزشکی نویسندگان: آرزو فرج پور، محمد علی رئیس السادات، سمانه سروقد مقدم، مسعود عیسی پور، الهه محمدی کلیدواژهها: کنفرانس موربیدیتی و مورتالیتی، آموزش بالغین، آموزش مداوم، ایمنی بیمار، خطای پزشکی متن مقاله: ارتقا و به روز رسانی دانش پزشکی یکی از اصول حرفه ای در علوم پزشکی می باشد. مطالعات نشان می دهد اجرای روشهای سنتی و سخنرانی فاقد اثربخشی و موجب دلزدگی، خستگی و نارضایتی شرکت کنندگان می شود. لذا با لحاظ نمودن اصول آموزش بالغین و با هدف ارتقا کیفیت خدمات بالینی، افزایش ایمنی بیمار و یادگیری از خطاها، کنفرانس های موربیدیتی و مورتالیتی در قالب دوره های بازآموزی ماهانه و با رویکرد آموزش بین حرفه ای برنامه ریزی و اجرا شد. در این مطالعه شبه تجربی طرح موارد با نظر کمیته مورتالیتی و بر اساس فرمت SBAR انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه پژوهشگر ساخته، آزمون پره تست و پست تست و مصاحبه نیمه ساختارمند بود. ۹۶٪ از ۲۰۲ نفر شرکت کننده، جذابیت کنفرانس های مورتالیتی و موربیدیتی را بسیار خوب و خوب ارزیابی نمودند. اختلاف میانگین نمرات پره تست و پست تست معنی دار ( $p = 0/0001$ ) و مبین افزایش دانش فراگیران است. در تحلیل محتوای داده های کیفی ارتقا در سه طبقه مهارتهای بین حرفه ای، عملکرد مبتنی بر سیستم و آموزش بین حرفه ای در مصاحبه ها تشخیص داده شد. با توجه به نتایج مثبت این مطالعه و رضایتمندی ۹۵٪ شرکت کنندگان از نظر جذابیت برنامه و عدم اختلاف در رضایتمندی بین گروههای مختلف حرفه ای و رده های سنی و نیز ارایه خدمات مراقبتی-درمانی در قالب تیمهای حرفه ای و با توجه به استقرار نظام حاکمیت بالینی و بهبود کیفیت در مراکز درمانی، اجرای کنفرانسهای موربیدیتی و مورتالیتی در قالب برنامه های بازآموزی حرف پزشکی توصیه می شود.

کد: ۱۵۶۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان اتاق

عمل و هوشبری در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی

درمانی البرز

نویسندگان: رباب فروزش، لیلا ساداتی



کلیدواژه‌ها: وضعیت، آموزش بالینی، دیدگاه، دانشجوی اتاق عمل، دانشجوی هوشبری

متن مقاله: چکیده مقدمه: جهت ارتقای کیفیت آموزش بالینی، بررسی مستمر وضعیت موجود، کشف نقاط قوت و ضعف و تقویت یا اصلاح آنها از ارکان اساسی محسوب می‌شوند و دانشجویان مهمترین منبع دسترسی به اطلاعات لازم در این زمینه می‌باشند. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل و هوشبری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز در سال ۱۳۸۹ انجام پذیرفت. روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی بود که در سال ۸۹-۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز انجام شد و نظرات دانشجویان کارشناسی پیوسته گروه اتاق عمل و هوشبری در مورد وضعیت آموزش بالینی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار بررسی پرسشنامه‌ای ۳۵ گزینه‌ای محقق ساخته بود که به صورت خودایفا توسط دانشجویان تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روش های آماری تجزیه و تحلیل شد. نتایج: نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که مطلوب ترین وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل مربوط به حیطه برخورد با دانشجو بود در حالیکه از نظر دانشجویان رشته هوشبری حیطه اهداف و برنامه آموزشی بالاترین سطح را به خود اختصاص داد. در مجموع، دانشجویان رشته اتاق عمل با میانگین امتیاز ۷۴ از ۱۰۰ وضعیت آموزش بالینی را مطلوب و دانشجویان رشته هوشبری با امتیاز ۵۳ وضعیت آموزش بالینی را نسبتاً مطلوب توصیف نمودند. نتیجه گیری با توجه به لزوم کسب مهارت بالینی در رشته‌های تخصصی چون کارشناسی اتاق عمل و هوشبری، به نظر می‌رسد لازم است تا در کنار توجه به مسائل آموزش تئوری، به وضعیت محیط‌های بالینی نیز توجه بیشتری شود. به عبارت دیگر، محیط آموزش عملی باید به شکل علمی همراستا با اهداف آموزش‌های نظری فراهم شود تا دانشجویان قادر باشند به توانمندی‌های لازم در زمینه تخصصی اتاق عمل و هوشبری نائل گردند.

کد: ۱۵۷۵

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی ارتباط بین شاخص تمایز و درجه دشواری با تاکسونومی سوالات آزمون ارتقا دستیاری نویسندگان: فریبا درخشان، عباس علامی، کلیدواژه‌ها: تاکسونومی، شاخص تمایز، درجه دشواری، آزمون

ارتقا، دستیاری

متن مقاله: مقدمه: آزمون های چندگزینه ای به دلیل سهولت نسبی اجرا و تصحیح سوالات خصوصاً در مقیاس های بزرگ، واجد امتیازات ویژه ای در آزمون های مهم آموزش پزشکی به ویژه دستیاری می باشند لذا طراحی دقیق سوالات آزمون ارتقا و مطابقت سوالات با اصول استاندارد از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین شاخص تمایز و درجه دشواری با تاکسونومی سوالات آزمون ارتقا دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال های ۹۱ تا ۹۳ می باشد. روش ها: کلیه سوالات آزمون ارتقا دستیاری در ۷ رشته تخصصی پزشکی (اطفال، بیهوشی، داخلی، جراحی، زنان، قلب، روان شناسی) دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال های ۹۱ تا ۹۳ مورد مطالعه قرار گرفت. تاکسونومی سوالات در سه سطح دانش، درک و کاربرد تعیین گردید. شاخص تمایز در چهار گروه خوب، متوسط، ضعیف و منفی در نظر گرفته شد. درجه دشواری در ۵ سطح ساده، متوسط، دشوار، خیلی دشوار و فوق العاده دشوار تقسیم بندی گردید. اطلاعات وارد نرم‌افزار SPSS v.19 شد. جهت بررسی وجود ارتباط بین متغیرها از آزمون کای زوجی استفاده شد. P کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماری معنی دار در نظر گرفته شد. یافته ها: در مجموع ۳۱۵۰ سؤال مورد بررسی قرار گرفت. ۳۸/۱ درصد سوالات در سطح تاکسونومی یک، ۲۵ درصد تاکسونومی دو و ۳۶/۹ درصد در سطح تاکسونومی سه بود. میانگین شاخص تمایز  $0.26 \pm 0.10$  بدست آمد. از مجموع ۱۲۰۰ سؤال در سطح تاکسونومی یک، ۷۵۶ سؤال (۶۳ درصد) شاخص تمایز منفی و ضعیف داشت. از ۱۹۵۰ سؤال با تاکسونومی دو و سه، ۹۱۳ سؤال (۴۶/۸ درصد) شاخص تمایز متوسط و خوب داشتند. بین تاکسونومی و شاخص تمایز سوالات ارتباط معنی دار وجود داشت. سوالات با تاکسونومی یادآوری شاخص تمایز کمتر و سوالات با تاکسونومی درک و کاربرد دارای شاخص تمایز بالاتر بود ( $p = 0.000$ ). همچنین بین تاکسونومی و درجه دشواری سوالات ارتباط معنی دار وجود داشت ( $p = 0.001$ ). بیشتر سوالات ساده و فوق العاده دشوار (۳۹/۳ درصد) تاکسونومی یک داشتند همچنین بیشتر سوالات با درجه دشواری متوسط (۲۳/۷ درصد) در سطح تاکسونومی دو بودند و نزدیک به نیمی از سوالات دشوار و خیلی دشوار (۴۶/۸ درصد) تاکسونومی سه داشتند. نتیجه گیری: نتایج نشان داد با توجه به این که ارتباط معنادار بین تاکسونومی سوالات و شاخص تمایز وجود دارد، افزایش سطح تاکسونومی سوالات می تواند باعث بهبود



شاخص تمایز سؤالات آزمون گردد و در نتیجه افتراق بهتری بین دستیاران صورت پذیرد. به عبارتی دیگر سؤالات با تاکسونومی بالاتر (تاکسونومی ۳ و ۲) دارای قدرت افتراق بهتری نسبت به سؤالات با تاکسونومی پایین تر هستند. با توجه به این که سؤالات طراحی شده با تاکسونومی دو و سه، کمتر از حد استاندارد است پیشنهاد می گردد با برگزاری دوره های آموزشی اساتید را در طراحی سؤالات با تاکسونومی بالاتر در آزمون ارتقا، راهنمایی کرد.

کد: ۱۵۸۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش چیدمان صحیح میز جراحی در پروسیجرهای مختلف جراحی به روش فیدبک دیداری بر میزان یادگیری دانشجویان اتاق عمل  
نویسندگان: مهران نفر، لیلا ساداتی  
کلیدواژه‌ها: چیدمان میز جراحی، اسکراب فیدبک دیداری  
متن مقاله: مقدمه: به طور کلی کاربرد صحیح منابع دیداری و شنیداری برای برانگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیری بسیار موثر است. هر چند در آموزش مهارت های بالینی و عملی با استفاده از فیلم و عکس و کار در واحد پراتیک دانشجویان به مهارت های نسبی دست می یابند و لیکن تنوع و پیچیدگی کار در محیط واقعی و بر بالین بیماران متفاوت در اتاق عمل نیازمند بهره گیری از روش های موثر در فرایند یاددهی و یادگیری دروس اختصاصی چون اصول و عملکرد فرد اسکراب دارد. یکی از مهمترین فعالیت های فرد اسکراب در اتاق عمل، آماده کردن و چیدمان صحیح ابزار جراحی بر روی میز جراحی و میز مایو است که در بهبود نتایج حاصل از کار جراح نقش به سزایی دارد چرا که با سرعت عمل ایجاد شده و جلوگیری از پراکندگی ابزار، جراح را سریعتر به اهداف مورد نظرش می رساند و منجر به حصول امنیت سلامتی بالا برای بیماران نیز می گردد. با توجه به تاثیر حواس مختلف انسانی در فرایند آموزش و یادگیری و تاثیر چشمگیر، حس بینایی در این مهم، این طرح به منظور بررسی تاثیر اصلاح فرایند آموزش روتین و رایج موجود که در آن به مرور دانشجویان طی ۴ الی ۵ ترم با چرخش در مراکز درمانی مختلف با میز های جراحی آشنا شده و بر اساس روتین آن مرکز، نحوه چیدن ابزار بر روی میز جراحی را یاد می گیرند. در این مطالعه محقق با روش نوین و ابتکاری ارائه فیدبک اصلاحی به دانشجویان از طریق عکس گرفته شده بعد از اولین

بار چیدن میز جراحی به منظور اصلاح اشتباهات ایشان به بررسی میزان یادگیری آنها در چیدمان صحیح میز های جراحی پرداخت. روش کار: در این پژوهش، دانشجویان بطور تصادفی و از روی شماره لیست حضور و غیاب به دو گروه مورد و شاهد تقسیم شدند و از دانشجویان گروه مورد در اتاق عمل بیمارستان های مختلف درخواست شد به عنوان تکلیف عملی هر یک از دانشجویان بر اساس نوع اتاق عمل هایی که در آن کارآموزی دارند، اقدام به چیدن یک میز جراحی و تهیه عکس از میز آماده نمایند. بعد از انجام هر عکسبرداری دانشجویی مربوطه طی یک جلسه ۱۵ دقیقه ای از درستی نحوه ی چیدمان و یا اشکالات موجود آگاه شده و با اصلاح موارد تذکر داده شده اقدام به چیدمان صحیح میز و تهیه عکس می نمود. گروه شاهد یک کار ترجمه به عنوان تکلیف دریافت نمودند تا کنجکاوی کمتری در مورد کار گروه مورد داشته باشند و مقرر شد روز آزمون گروه مورد همگی جهت تحویل مطالب ترجمه شده در واحد پراتیک حضور یابند. روز آزمون بعد از ارزیابی گروه مورد، هدف کار به تمامی دانشجویان توضیح داده شد و از دانشجویان گروه شاهد نیز بدون احتساب نمره و صرفاً جهت مقایسه با گروه مورد ارزیابی به عمل آمد. در نهایت میزان دانش، مهارت و سرعت عمل دانشجویان دو گروه مورد و شاهد در چیدمان میز های جراحی با هم مقایسه شد. نتایج: ۱۰۰٪ افراد در گروه مورد، در چیدمان یک میز جراحی زنان (سزارین) میز جراحی عمومی (کوله سیستکتومی، آپاندکتومی، هرنیورافی) و میز جراحی ارتوپدی (ست ارتوپدی کوچک) ست گوش و حلق و بینی (ست لوزه) هیچ اشتباهی نداشتند و بطور صحیح و کامل میز جراحی را چیدند. درحالیکه تنها ۴۰٪ دانشجویان در گروه شاهد قادر به چیدن میز جراحی به شیوه صحیح و بدون تذکر و راهنمایی مدرس بودند. • سرعت عمل دانشجویان گروه مورد بالاتر از گروه شاهد در چیدمان ست های مشابه بود. (۹ دقیقه در مقابل ۱۴ دقیقه) • دانشجویان گروه مورد قادر بودند بیش از ۱۰ میز جراحی متنوع از گروه های مختلف را بچینند در شرایطی که اعضای گروه شاهد تنها قادر بودند بطور متوسط ۴ میز بچینند.

کد: ۱۵۸۱

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی عوامل موثر بر ارتقاء کیفیت آزمونهای پایان ترم از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۹۳  
نویسندگان: مجتبی ساعدپناه





کلیدواژه‌ها: آزمون، ارزشیابی، ارتقاء، کیفیت

متن مقاله: زمینه و اهداف: ارزشیابی آخرین حلقه از فعالیت های آموزشی مدرس و تکمیل کننده سایر فعالیت های اوست. در این مرحله، مدرس با استفاده از روش ها و فنون مختلف بازده های یادگیری دانشجویان را سنجش می کند، و میزان توفیق آنان را در دستیابی به هدف های آموزشی تعیین می نماید. یعنی با بهره گیری از نتایج به دست آمده از بازده های یادگیری دانشجویان می تواند مراحل قبلی طرح آموزشی خود را واریسی کند، اشکالات کار را تشخیص دهد، و در رفع آنها بکوشد. آموزش بدون ارزشیابی و بازخورد، امری عقیم و ناکامیاب است. استادی که به جایگاه ارزشیابی، اعتقادی ندارد درس را برای آموختن فراگیران ارائه و بیان نمی کند، بلکه چون وظیفه ای بردوش او نهاده شده است، آن را انجام می دهد و به پیامدهای آن چندان نمی اندیشد. اما ارزشیابی، جانمایه و مرکز هرگونه تصمیم گیری آموزشی است؛ یعنی اطمینان از معنادار بودن یادگیری و برانگیختن فراگیران و انجام درست تدریس جز با ارزشیابی امکان پذیر نخواهد بود؛ از این رو تایلر معتقد است ارزشیابی مؤثرترین وسیله یادگیری است. در این راستا مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه در چند سال گذشته جهت آشنا شدن اساتید با طراحی آزمونهای استاندارد اقدام به برگزاری کارگاه های آزمون سازی، تهیه بسته تحلیل آزمون، راه اندازی و نصب نرم افزار تحلیل آزمون، تشکیل کمیته تحلیل آزمون دانشگاه و دانشگاه و استفاده از نظرات دانشجویان در مورد هر یک از آزمونهای برگزار شده، کرده است. در این مطالعه نظرات اساتید در مورد تاثیر عوامل فوق بر ارتقاء کیفیت آزمونهای پایان ترم دانشگاه بررسی شده است. روش مطالعه: این مطالعه بصورت توصیفی و مقطعی می باشد. نمونه های این پژوهش شامل ۴۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه بودند که به روش تصادفی انتخاب، و دیدگاه آنان را در خصوص عوامل موثر بر ارتقاء کیفیت آزمونهای پایان ترم دانشگاه مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد. یافته ها: نتایج بررسی های ما نشان داد که ۸۸،۴ درصد از اساتید از برگزاری، تعداد و محتوی مناسب کارگاه ها رضایت داشتند. و ۷۶،۲ درصد با تهیه و کیفیت محتوی بسته آموزشی و وجود کمیته تحلیل دانشگاه موافق بودند. ۸۱،۴ درصد اساتید با بازخورد نظرخواهی از دانشجویان از کیفیت سوالات آزمون موافق بودند. ۸۳،۵ درصد از اساتید با تاثیر مثبت تحلیل آزمون در گروه و

دانشکده و همچنین استفاده از بسته تحلیل آزمون و نرم افزار MCQ موافق بودند. در مجموع بیش از ۸۰ درصد از اساتید دانشگاه با اقدامات مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه در چند سال گذشته جهت آشنا شدن اساتید با طراحی آزمونهای استاندارد، موافق بودند. بحث و نتیجه: با توجه به اهمیت ارزشیابی دانشجوی (پایانی) و ضرورت آشنایی اساتید با آزمون سازی و طراحی آزمونهای استاندارد پیشنهاد می شود نتایج این پژوهش در کمیته تحلیل آزمون دانشگاه طرح و همچنین نقاط قوت و ضعف فعالیتهای انجام شده توسط EDC و دانشکده ها را در این خصوص مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد و با توجه به رضایتمندی بالای اساتید این اقدامات استمرار یابد.

کد: ۱۵۸۲

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی ارتباط بین تاکسونومی با تعداد سوالات منفی

آزمون ارتقا دستیاری

نویسندگان: فریبا درخشان، عباس علامی،

کلیدواژه‌ها: تاکسونومی، سوالات منفی، آزمون ارتقا، دستیار

متن مقاله: مقدمه: توجه در طراحی ساختار سوالات آزمون ارتقا از اهمیت زیادی برخوردار است. سوالات با تاکسونومی بالا و تعداد اشکالات ساختاری کم از جمله موارد حائز اهمیت در طراحی سوالات ارتقا دستیاری است. یکی از مواردی که جزء اشکالات ساختاری سوالات آزمون می باشد طراحی سوالات منفی است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین تاکسونومی با تعداد سوالات منفی آزمون ارتقا دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال های ۹۱ تا ۹۳ می باشد. روش ها: کلیه سوالات آزمون ارتقا دستیاری در ۷ رشته تخصصی پزشکی (اطفال، بیهوشی، جراحی، داخلی، روان شناسی، زنان و زایمان، قلب و عروق) دانشگاه علوم پزشکی قزوین طی سال های ۹۱ تا ۹۳ مورد مطالعه قرار گرفت. تاکسونومی سوالات در سه سطح (یک) دانش و آگاهی، (دو) درک و فهم و (سه) کاربرد و قضاوت تعیین گردید. سوالاتی که دارای تنه منفی بود به عنوان سوال منفی در نظر گرفته شد. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS v.19 گردید. جهت بررسی وجود ارتباط بین متغیرها از آزمون کای زوجی استفاده شد. P کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماری معنی دار در نظر گرفته شد. یافته ها: در مجموع ۳۱۵۰ سؤال (۱۰۵۰ سوال مربوط به هر سال) مورد بررسی قرار گرفت. ۳۸/۱ درصد سوالات در سطح تاکسونومی یک، ۲۵ درصد تاکسونومی دو و ۳۶/۹ درصد در سطح



تاکسونومی سه بود. ۸۸/۲ درصد سوالات مثبت و ۱۱/۸ درصد سوالات منفی طراحی شده بود. میانگین تعداد سوالات منفی به ترتیب ۰/۲۶ ± ۰/۰۷، ۰/۳۰ ± ۰/۱۰، ۰/۳۷ ± ۰/۱۷ در سال های ۹۱ تا ۹۳ و میانگین کل ۰/۳۲ ± ۰/۱۱ بدست آمد. بیشترین درصد سوالات منفی مربوط به گروه قلب (۲۵/۶ درصد) و کم ترین درصد سوالات منفی مربوط به گروه های بیهوشی و داخلی (۷/۶ درصد) بود. در مجموع تعداد سوالات منفی در سال ۹۳ به نسبت سال های قبل افزایش معناداری پیدا کرده بود ( $P < 0/001$ ). بین تعداد سوالات منفی و تاکسونومی ارتباط معنی دار وجود داشت ( $p = 0/001$ ). از ۱۲۰۰ سؤال با تاکسونومی یک، ۲۲۹ سؤال (۱۹/۱ درصد) منفی طراحی شده بود. از مجموع ۷۸۹ سؤال تاکسونومی دو (۹/۴ درصد) منفی و از ۱۱۶۱ سؤال با تاکسونومی سه ۷۰ سؤال (۶ درصد) منفی طراحی شده بود. بررسی ها نشان داد تعداد سوالات منفی در طی سه سال افزایش یافته است که این افزایش معنی دار بود ( $p = 0/001$ ). در سال ۹۱، ۷/۵ درصد سوالات منفی طراحی شده بود که در سال های ۹۲ و ۹۳ به ترتیب ۱۰/۶ درصد و ۱۷/۴ درصد بدست آمد. نتیجه گیری: نتایج نشان داد بیشتر سوالات منفی تاکسونومی یک داشتند. با توجه به این که در این تحقیق روند طراحی سوالات منفی بیشتر شده است لذا سطح تاکسونومی سوالات می تواند باعث بهبود اشکال ساختاری سوالات در زمینه سوالات منفی گردد. طراحی سوالات با تاکسونومی بالاتر (تاکسونومی ۳ و ۲) دقت و زمان بیشتری را طلب می نماید لذا پیشنهاد می گردد اساتید ضمن طراحی سوالات با تاکسونومی بالاتر، سوالات منفی را افزایش ندهند.

کد: ۱۵۸۷

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: فرایند تشکیل و راه اندازی دانشکده علوم پزشکی اسدآباد

نویسندگان: بهزاد ایمنی

کلیدواژه‌ها: فرایند، راه اندازی، دانشکده

متن مقاله: راه اندازی دانشکده های اقماری فرصتی مناسب برای دانشگاه میباشد تا بتواند رشته های Post graduate را در پردیس مرکزی دانشگاه (همدان) گسترش داده و رشته های under graduate را به دانشکده های اقماری دانشگاه در اسدآباد و نیاوند منتقل کند. این امر علاوه بر اینکه میتواند سبب استفاده بهینه از امکانات و فضاهای آموزشی دانشگاه گردد، بلکه میتواند سبب ارتقای سطح علمی و پژوهشی دانشگاه شده و در نهایت به

دانشگاه تیپ ۱ تبدیل شویم. هدف کلی و اهداف اختصاصی: هدف کلی: فرایند تشکیل و راه اندازی و جذب دانشجو در دانشکده علوم پزشکی اسدآباد اهداف اختصاصی: ۱- راه اندازی کلاسهای دانشکده علوم پزشکی اسدآباد ۲- جذب دانشجو در رشته ای مصوبه شورای گسترش دانشگاههای علوم پزشکی کشور شامل کارشناسی پرستاری، کارشناسی بهداشت و کاردانی فوریت های پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسدآباد پس از اخذ مجوز های لازم از شورای گسترش دانشگاههای علوم پزشکی کشور با ابلاغ ریاست دانشگاه علوم پزشکی همدان برای سرپرست دانشکده و با استعانت از درگاه خداوند متعال همزمان با ولادت با سعادت امام رضا(ع) در تاریخ ۹۰/۷/۱۶ رسماً افتتاح و راه اندازی گردید. مراحل زیر به اختصار جهت راه اندازی و جذب دانشجو از کنکور سراسری انجام شد: ۱- آماده کردن محل دانشکده در نیمی از طبقه دوم مرکز بهداشت شهرستان اسدآباد و پارتیشن بندی آن و آماده سازی کلاسهای آموزشی در نیمسال اول ۹۱-۹۰ ۲- تهیه و خرید تجهیزات آموزشی جهت راه اندازی ۳ کلاس آموزشی برای نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ۳- ثبت نام و برنامه ریزی کلاسهای آموزشی دانشجویان برای نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ۴- انعقاد قرارداد خوابگاه و سلف سرویس و غذا و سرویس ایاب و ذهاب دانشجویان و اساتید برای نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ۵- هماهنگی با اساتید دانشکده های پزشکی و بهداشت جهت تدریس دروس پایه برای نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ۶- برگزاری مراسم افتتاحیه دانشجویان و شروع کلاسها با حضور معاون وزیر علوم و تحقیقات و مسئولین کشوری و دانشگاهی ۷- برگزاری کلاسها و امتحانات به بهترین شکل ممکن در نیمسالهای اول و دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ۸- ساخت و راه اندازی سالن اجتماعات شهید مطهری بیمارستان حضرت قائم (عج) با هزینه ای بیش از ۲۵ میلیون و افتتاح آن همزمان با هفته آموزش سال ۹۱-۹۰ ساخت و راه اندازی کتابخانه و سالن مطالعه بیمارستان حضرت قائم (عج) با هزینه ای حدود ۱۵ میلیون تومان و افتتاح آن همزمان با هفته آموزش سال ۹۱-۱۰ ۱۰- پیگیری آموزشی شدن بیمارستان قائم (عج) از وزارت متبوع ۱۱- تصویب چارت تشکیلاتی دانشکده از وزارت متبوع ۱۲- برگزاری جشنواره شهید مطهری در دانشکده با حضور معاون آموزشی دانشگاه و مسئول دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه و دبیر جشنواره شهید مطهری ۱۳- بعثت جذب دانشجویان جدید و کمبود شدید فضاهای آموزشی و اداری، اقدام به جابجایی دانشکده پس از



هماهنگی با مسوولین استانی و شهرستان به محل شبکه بهداشت شهرستان "محل جدید دانشکده ۱۴- تعمیر و نقاشی و آماده سازی حداقل ۶ کلاس در دانشکده برای نیمسال اول ۹۲-۹۱ ۱۸- صدور بیمه نامه حوادث جهت کلیه دانشجویان و بیمه نامه مسئولیت جهت دانشجویان پرستاری ۱۹- راه اندازی سیستم چارگون (دبیرخانه مرکزی) ۲۰- تشکیل کمیته های: ۱- مشورتی دانشجویی با حضور نمایندگان کلاسها ۲- مشورتی خوابگاه ها با حضور نمایندگان دانشجویان در خوابگاه ها ۳- کمیته علمی و تحقیقات دانشجویی ۲۱- راه اندازی واحد بسیج دانشجویی خواهران و برادران ۲۲- راه اندازی کانون قرآن و عترت.

کد: ۱۵۸۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: فرایند طراحی و اجرای دفترچه پیشرفت تحصیلی روزانه آموزش نامه (logbook) اینترنهای اورژانس بیمارستان فوق

تخصصی بعثت همدان

نویسندگان: بهزاد ایمنی

کلیدواژه‌ها: دفترچه پیشرفت تحصیلی، logbook، اینترنهای

اورژانس

متن مقاله: روشهای گوناگونی جهت ارزشیابی آموزش وجود دارد. یکی از این روشها رویکرد ارزشیابی مبتنی بر هدف میباشد. در این روش ابتدا مقاصد یک فعالیت آموزشی تعیین میگردد و بعد از آن در ارزشیابی کوشش به عمل می آید تا نشان داده شود که آن مقاصد تا چه اندازه تحقق یافته اند. جهت رسیدن به این منظور باید از ابزارهای ارزیابی چون آموزش نامه ها (Logbook) استفاده نمود. آموزش نامه ها آزمونهای عملکردی محسوب میشوند که برای سنجش اهداف آموزشی و بازده یادگیری در حوزه شناختی و روانی - حرکتی بکار میروند. آموزش نامه بعنوان استراتژی تسهیل فرایند بازخوردی و تفکر خلاق طی آموزش بالینی مورد استفاده دانشجو و استاد قرار میگیرد و به دانشجو کمک میکند تا خلاء موجود در دانش یا شایستگی خود را کشف نموده، نقاط قوت، مهارتها و دانش خود را مستند سازد. آموزش نامه وسیله ساده ای است که برای فراگیران چهار چوبی جهت سازماندهی و ثبت فعالیتهای آموزشی مختلف فراهم میکند و باعث صرفه جویی در زمان میشود. عبارتی آموزش نامه یک وسیله ثبت فراگیر محور است که در این سند علاوه بر فهرستی از موارد مشاهده شده، گزارشی از تجارب رسمی آموزشی وجود دارد. در واقع میتواند بخشی از مجموعه عملکرد را تشکیل

دهد. از این روش اولین بار در انگلستان استفاده شد و سرعت به سرتاسر دنیا نفوذ پیدا کرد. علیرغم شروع تربیت متخصصین طب اورژانس در دانشگاههای کشور، آمارها نشان میدهند که در سه دهه آینده پزشکان عمومی همچنان دارای نقش اساسی در ارائه خدمات اورژانس بیمارستانی خواهند بود. این واقعیت در کنار نیاز به تعلیم اورژانسهای پزشکی در همه ابعاد نگرشی، دانشی و رفتاری به عنوان اصل پایه در تربیت پزشکان عمومی (Under-graduate training) ایجاب می کند تا به طور ویژه به این آموزش ها بها داده شود. متاسفانه در دوره هفت ساله تربیت پزشک عمومی در ایران به هیچ وجه پیش بینی مناسبی برای این موضوع صورت نگرفته است به طوری که تا قبل از ورود به دوره بالینی هیچ گونه دوره منسجم آموزش نظری در مورد مباحث اورژانسهای پزشکی در نظر گرفته نشده است و در دوره بالینی مشتمل بر کارآموزی و کارورزی آموزش عملی اورژانس منحصر به کشیک هایی است که کارآموزان و کارورزان ضمن طی دوره های آموزشی در سایر بخشهای بالینی به طور ضمنی در بخش اورژانس نیز حاضر می شوند. اگر بپذیریم هدف از آموزش under-graduate در نظام سلامت ما عمدتاً تربیت پزشکانی باشد که در عرصه به عنوان یک ارائه دهنده اولیه خدمات پزشکی (Primary care provider) از قابلیت های لازم برخوردار باشند مهمترین انتظارات از آموزش آنان در دو محور زیر خلاصه میشود: ۱- بتوانند بیماریهای رایج را بخوبی تشخیص داده و موارد ساده را درمان نمایند و با انجام غربالگری صحیح موارد لازم را به طور صحیح ارجاع نمایند. ۲- بتوانند اورژانسهای پزشکی را به خوبی تشخیص داده و با سرعت و مهارت برای پایدار نمودن بیمار و جلوگیری از عوارض و مرگ قابل پیشگیری اقدام نمایند. با این مقدمه میتوان به انگیزه و اهمیت راه اندازی دوره اورژانس در مقطع آموزشی کارورزی از سوی مسئولین آموزش دانشکده پزشکی پی برد. امید است که تجربیات و راهنماییهای اساتید و نظرات و مشارکت خود کارورزان در هر چه مفیدتر و پر بارتر شدن این دوره تأثیر گذار باشد.

کد: ۱۵۹۰

حیطه: روش های تدریس

عنوان: اجرا و ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی

دانشجویان دانشکده پیراپزشکی همدان

نویسندگان: بهزاد ایمنی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، mentorship، آموزش بالینی، دانشجویان



## اتاق عمل

متن مقاله: در سالهای اخیر منتورینگ به عنصر مهمی در رشد و توسعه شغلی، دانشگاهی، تجاری و برخی از مشاغل دیگر و حتی بعضی از مراقبتهای روان درمانی و پرستاری تبدیل شده است. منتور یک رابطه ارگانیک و دوستانه با افراد جوانتر تحت سرپرستی خود برقرار میکند و نه تنها در مورد درس دانشگاهی بلکه در خصوص مشاغل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و روحی و روانی ایشان را یاری میدهد. از آنجایی که دانشجویان مستقیماً از دبیرستان به دانشگاه وارد می شوند و تجربه کمتری در زندگی دارند به راهنمایی بیشتری نیاز دارند، به این لحاظ در سالهای اخیر در برخی از دانشگاههای اروپایی و آمریکایی، طرح سرپرستی و راهنمایی دانشجویان سال پایین توسط دانشجویان سال بالاتر اجرا میشود. منتور دانشجویی سال بالاتری است (معمولاً دو تا سه سال بالاتر) که یک ارتباط مناسب و صمیمی با فرد تازه وارد (دانشجوی تحت حمایت خود) به منظور مشاوره، اندرز، حمایت و ارائه اطلاعات و بازخور مناسب برای پیشرفت تحصیلی او، برقرار میکند. منتور شیپ برای دانشجویان گروه پزشکی به منظور فراگیری فرآیندهای پژوهشی از نگارش طرح پژوهش (پروپوزال) تا اجرا و گزارش نویسی، در برخی از دانشگاهها اجرا میشود. به این نحو که دانشجویان گروه پزشکی برای تهیه پایان نامه های خویش تحت نظارت و راهنمایی گام به گام منتور و با استفاده از تجربیات او، در فرآیندی از تصمیم گیری قرار میگیرند و موانع را پشت سر میگذارند. منتورشیپ مؤثر از چه ویژگیهایی برخوردار است؟ ۱- منتورینگ یک فرآیند یاددهی- یادگیری برای منتور و منتهی است. ۲- یک رابطه دو جانبه برای منتور و منتهی برقرار میشود که در آن هر دو طرف نفع میبرند. منتور از یاد دادن و هدایت کردن تجربه میاندوزد و منتهی از یاد گرفتن گام به گام. ۳- منتورشیپ یک رابطه هدایت و دوستی بین دو طرف برقرار میکند و مهارت مدیریت، رهبری و زندگی کردن را نیز تقویت می کند. ۴- منتور باید فردی آگاه و باصلاحیت باشد- آگاه به لحاظ مسائل آموزشی و پژوهشی و باصلاحیت به لحاظ شخصیتی و سلامت روان. ۵- این رابطه بر پیشرفت و رشد درسی و کاری تمرکز دارد. ۶- منتورینگ به عنوان راهی برای مقابله با تنشها و مشکلات روحی و روانی دانشجویان در هنگام ورود به دانشگاه و یا ورود به یک مقطع بالاتر پیشنهاد میشود. ۷- برنامه منتورشیپ یک فرآیند آموزش- ارزیابی- آموزش مداوم تا پایان دوره است. ۸- افراد هدایت شونده (منتهی) به نوبه خویش میتوانند منتور دانشجویان دیگر شوند. مطالعات مختلف گویای

آن است که دانشجویانی که در آغاز آموزشهای بالینی برنامه منتور شیپ شرکت کرده اند در دوره کارورزی مهارتهای بالینی بهتری را از خود نشان داده اند. بنابراین این شیوه در آموزشهای مهارتهای بالینی توسط دستیاران به کارورزان قابل تجربه است. هدف کلی و اهداف اختصاصی: هدف کلی: طراحی، اجرا و ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشجویان رشته هوشبری و اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی همدان اهداف اختصاصی: ۱- طراحی الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشکده دانشجویان رشته هوشبری و اتاق عمل، پیراپزشکی همدان ۲- اجرای الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشجویان رشته هوشبری و اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی همدان ۳- ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشجویان رشته هوشبری و اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی همدان.

کد: ۱۶۰۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: مقایسه تاثیر یادگیری مشارکتی و سخنرانی بر

یادگیری، یاددهی و انگیزش دانشجویان مامایی

نویسندگان: زیبا رئیسی دهکردی

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، سخنرانی، یاددهی، انگیزش

دانشجویان

متن مقاله: مقدمه: در روش های آموزش سنتی، معلم محور اساسی آموزش است، ولی فراگیران در این روش فعال نبوده و فرصت تفکر عمیق پیرامون موضوع یا مشکل را ندارند. این تحقیق به منظور تعیین مقایسه ای تأثیر روش های آموزش سخنرانی و بحث گروهی بر میزان یادگیری و یادداری دانشجویان در درس بارداری زایمان در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام شد. روش: این پژوهش یک مطالعه تجربی است که بر روی ۴۰ دانشجوی پیوسته و ناپیوسته مامایی انجام گرفت. تدریس به شیوه یادگیری مشارکتی و تدریس به شیوه سخنرانی انجام گرفت، در اول جلسه درس فرم اطلاعات و پیش آزمون و سه هفته بعد، پس آزمون از دانشجویان به عمل آمد. برای امتیازدهی یادگیری و یاددهی به پرسش نامه از نمرات صفر و یک استفاده گردید و جهت سنجش انگیزش نیز پرسشنامه انگیزش killer استفاده شد که روایی و پایایی آنها تایید شده بود. داده ها با نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ تجزیه و آزمونهای تی زوج و مستقل برای مقایسه گروهها استفاده شد. یافته ها: میزان یادگیری در دو گروه



تدریس به شیوه سخنرانی و یادگیری مشارکتی افزایش معنی داری یافته بود و میزان یادگیری در گروه سخنرانی از گروه تدریس به یادگیری مشارکتی به طور معنی داری بیشتر بود، از  $p=0/04$  ولی میزان یادداری در تدریس به شیوه یادگیری مشارکتی افزایش معنی داری در مقایسه با روش سخنرانی داشت.  $p=0/03$  همچنین میزان انگیزش در گروه آموزشی یادگیری مشارکتی افزایش معنی داری داشت.  $p=0/003$ . نتیجه گیری: شیوه یادگیری مشارکتی به عنوان یک روش آموزشی مؤثر جهت فعال کردن دانشجو، و افزایش مهارت‌های تفکر عمیق و پایدار کردن مطالب در ذهن دانشجو به مدرسان و برنامه ریزان آموزش مامایی پیشنهاد می شود، و لازم است مطالعات بیشتری در این باره صورت گیرد.

کد: ۱۶۱۲

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: بررسی رضایتمندی، حضور اجتماعی و یادگیری مشارکتی در یادگیری کارورزان جراحی در گروه آموزشی وایبر در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

نویسندگان: محمد علی رئیس السادات، آرزو فرج پور، سمانه

سروقد مقدم، امیر فیض الله، حسن هاشمی

کلیدواژه‌ها: رضایتمندی، حضور اجتماعی، یادگیری مشارکتی،

وایبر، دانشجویان پزشکی

متن مقاله: امروزه اغلب دانشجویان دارای گوشی های تلفن هوشمند از نوع اندروید هستند و با توجه به بودجه محدود خود دستگاه تلفن همراه خود و نرم افزار تبادلات دیتا را انتخاب می نمایند که استفاده از آن آسان و رایگان باشد و مورد استفاده اغلب افراد نیز باشد؛ از طرف دیگر دانشجویان نیاز دارند که راجع به مسایل آکادمیک خود خارج از کلاس نیز تعاملاتی داشته باشند و از این گذشته گاهی زمان برای بحث های گروهی محدود است و بنابراین این نرم افزارها امکان برقراری ارتباط بدون ملاقات حضوری و صرف هزینه و انرژی را مهیا می سازد. در این طراحی آموزشی با توجه به اینکه ۱۰۰٪ دانشجویان دارای نرم افزار وایبر بودند تشکیل گروه آموزشی وایبری برای معرفی بیماران بخش جراحی در کارورزان پزشکی مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اینکه کارورزان بخش جراحی در دانشگاه آزاد مشهد در سه بیمارستان در نقاط مختلف شهر تقسیم می شوند و در هر بیمارستان نیز کارورزان در بخش های بستری، اتاق عمل و درمانگاه تقسیم می شوند. بنابراین بر مبنای تئوری های حضور

اجتماعی (social presence)، یادگیری مشارکتی (collaborative learning) و یادگیری تلفیقی (blended learning) این مطالعه با هدف ارتقا فرصت یادگیری از مشاهده بیماران و کیس های آموزشی در سایر بخش ها و نحوه تشخیص، درمان و مدیریت بیماران انجام و اجرا شد. روش کار: در این مطالعه مداخله ای یک گروه آموزشی وایبری با عضویت کلیه کارورزان جراحی و اساتید بخش جراحی تشکیل شد و کارورزان موظف بودند در هر بخشی که هستند کیس های جالب و آموزشی خود را با استفاده از شرح حال، عکس، نتایج اقدامات پاراکلینیک و... در گروه مطرح نمایند و سایر دانشجویان در بحث شرکت نموده و کامنت های خود را بگذارند. ارسال پیام های غیر مرتبط به گروه آموزشی جراحی ممنوع شد. سپس اساتید مربوطه هر شب پست های دانشجویان را بررسی نموده و فیدبک های لازم را ارایه می نمودند و در ضمن مواردی چون ارایه کیس در گروه، شرکت در بحث ها و گذاشتن کامنت و تعداد کامنت ها و تشخیص های درست توسط دانشجو در پورت فولیوی وی ثبت شد. در پایان دوره دو ماهه آموزش جراحی پرسشنامه استاندارد (social presence, CLSS) (collaborative learning and satisfaction) استفاده شد. یافته ها: تعداد دانشجویان ۳۵ نفر بود که ۶۸٪ مونث و ۳۲٪ مذکر با میانگین سنی  $1,9 \pm 23$  بود. تحلیل داده ها مشخص ساخت که کمترین نمره بخش حضور اجتماعی ۳۸، بیشترین ۶۹ و میانگین نمره  $57 \pm 7$  (کل نمره: ۸۵) و در بخش یادگیری مشارکتی کمترین نمره ۲۰، بیشترین نمره ۳۳ و میانگین نمره این بخش  $28,5 \pm 3$  (کل نمره: ۴۰) و در بخش رضایتمندی کمترین نمره ۲۱، بیشترین نمره ۴۴ و میانگین نمره  $34 \pm 6$  (کل نمره: ۵۵) به دست آمد. همبستگی مثبت و معنی دار بین حضور اجتماعی و یادگیری مشارکتی ( $P:0.001$ ) و حضور اجتماعی و رضایتمندی ( $P:0.0001$ ) مشخص شد. نتیجه گیری: مطالعه حاضر مبین درک دانشجو از یادگیری مشارکتی را در ارتباط با حضور اجتماعی و رضایتمندی کلی با استفاده از رسانه اجتماعی وایبر نشان می دهد. توجه به این بخش ها موجب ارتقا یادگیری و استفاده بهینه از فرصت های یادگیری می شود بنابراین طراحان آموزشی در این زمینه باید فرصت های مشارکت و تعاملات اجتماعی را در یادگیری مؤثر دانشجویان لحاظ نمایند.

کد: ۱۶۱۸

حیطه: روش های تدریس



عنوان: مقایسه آموزش همتایان و غیر همتایان آموزشی بر آگاهی و نگرش دانشجویان پزشکی در درس بهداشت نویسنندگان: کامران میرزایی

Keywords: Education, student, Peer Education, knowledge, attitude

Background: Peer education is an interactive method of teaching or learning which is widely used for educating college students, in a variety of different forms. but, there are few studies on its effectiveness un peer education. This study evaluated teaching by peer and non peer educational methods on knowledge and attitude of medical students toward health course. Methods: In this study a health course for medical students in both groups were presented. In the first group using the peer education model and by medical students and the second group of students from non-intersection various educational levels appropriate major and course topic were used. Student awareness about the health course in the beginning and end of a training course in both groups were compared. Also, the attitude regarding the way students study by offering teachers, students and students of non-intersection levels of academic review. The results of Mann Whitney U test and Wilcoxon and Kruskal Wallis H significant level 0/05 were analyzed. Results: Awareness of students beginning the two groups were not significantly different course. Students at the end of the course in non-peer education groups to higher level peer education group enjoyed. Attitude about the way peer education methods course offered lower than non-training groups by students and professors were intersection. But two other groups were not different. Conclusion: Training programs include courses offered by non-peer students and non-intersection can be an effective educational method should be considered.

کار: این مطالعه بر اساس نتایج امتحان OSCE پایان دوره انترنی طراحی شده است. در این امتحان ۱۲ ایستگاه وجود داشت که یک ایستگاه به قلب اختصاص داشت. ما یک ECG ۱۲ لیدی با تشخیص Ant MI.RBBB گذاشتیم. چک لیست ۱۰ قسمتی طراحی شد و پس از پایان امتحان بر اساس چک لیست پاسخ دانشجویان ارزیابی گردید. نتایج: از ۳۰ نفر انترن ۸۳/۳۴٪ ریت و ۷۱/۶۶٪ تغییرات ST-T را درست تفسیر کردند. ۵۶/۶۶٪ به MI اشاره کردند و فقط ۵ نفر (۱۶/۶۶٪) RBBB را تشخیص صحیح گذاشتند. هیچکدام از دانشجویان روند Step by Step تفسیر نوار قلب را بطور کامل رعایت نکرده بود. بحث و نتیجه گیری: در مطالعات زیادی توانمندی دانشجویان و دستیاران از نظر تفسیر نوار قلب بررسی شده است که به اتفاق به ضعف دانشجویان و دستیاران در تفسیر نوار قلب بالاخص موارد مهمی مانند آریتمی های قلبی و MI اشاره شده است. از آنجایی که تغییرات ECG طیف وسیعی داشته و گاه بسیار فریبنده است، لازم است از روش های جدیدی جهت یادگیری نوار قلب استفاده شود. یکی از متد های بسیار جالب که باعث ماندگاری یادگیری آن میشود، تفسیر پلکانی و سیستماتیک نوار قلب (step by step ECG interpretation) است. در روش سنتی آموزش مبتنی بر بیماری، وقتی یک بیماری بحث میشود در مورد تغییرات آن اشاره می شود مثلا در بحث انفارکتوس میوکارد یا پریکاردیت تغییرات نوار قلب ان هم اشاره میشود. تا زمانی که دانشجو در بخش قلب به سر میرد، این نکات را کاملا بخاطر دارد اما وقتی در بخش های دیگر مثلا جراحی یا در بخش تروماباشد و یا فارغ التحصیل می شود در تفسیر نوار قلب دچار مشکل خواهد شد چون تفسیر نوار قلب را بر پایه بیماری آموخته است. لذا با توجه به لزوم افزایش توانایی تفسیر نوار قلب در دانشجویان پزشکی، ما توصیه به روشهای جدید آموزشی از جمله روش تفسیر Step by Step مینماییم.

کد: ۱۶۲۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آموزش نوار قلب خوانی: ایده های جدید

نویسنندگان: طوبی کاظمی

کلیدواژه ها: تفسیر نوار قلب، روشهای آموزشی جدید، انترن

متن مقاله: مقدمه: با توجه به شیوع بالای بیماری های قلبی و عروقی و انفارکتوس حاد قلبی، اهمیت تفسیر نوار قلب بیشتر شده است. در انفارکتوس حاد قلب بعد از گرفتن شرح حال، نوار قلب و تفسیر صحیح آن باید مورد توجه قرار گیرد. لذا ما وضعیت تفسیر نوار قلب را در دانشجویان سال آخر بررسی کردیم. روش

کد: ۱۶۲۵

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از وظایف

و عملکرد اساتید راهنما- یک مطالعه مقطعی

نویسنندگان: کامران میرزایی،

کلیدواژه ها: دیدگاه، وظایف استاد راهنما، عملکرد، مشاوره

تحصیلی

متن مقاله: زمینه و هدف: شناسایی مشکلات تحصیلی و جبران



نارسایی های تحصیلی و درسی دانشجویان، ارجاع دانشجویان، مشکل دار به مراکز مشاوره و همکاری در مراحل مختلف حل مشکل از جمله وظایف اصلی اساتید مشاور و یک عامل مهم برای ارتقای آموزش دانشجویان و صلاحیت حرفه آنها، بازدهی و کارآمدی بیشتر نظام آموزشی، افزایش پیشرفت و کاهش افت تحصیلی دانشجویان می باشد. نظام استاد راهنما در دانشگاههای ایران به دلیل گرفتاری آموزشی، فقدان تخصص لازم، بی علاقه گی به رفع مشکلات دانشجویان وعدم اختصاص وقت کافی از سوی اساتید، نتایج درخشانی به بار نیاورده است. این مطالعه با هدف ارزیابی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از وظایف اساتید مشاور و نحوی ارائه فعالیت های مشاوره ای آنان انجام شد. روش ها: در یک مطالعه مقطعی، دیدگاه دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با استفاده از پرسشنامه ای خود ایفا جمع آوری شد. سئوالات پرسشنامه مبتنی بر شرح وظایف اساتید راهنما منطبق بر آئین نامه وزارت بهداشت طراحی و روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. سئوالات مشتمل بر دو بخش دیدگاه دانشجویان درخصوص شرح وظایف اساتید راهنما و میزان رعایت آن از سوی اساتید مشاور خود و بصورت سئوالات بسته با پاسخ لیکرت ۵ گزینه ای بود. یافته ها: در این مطالعه ۳۰۰ دانشجو شرکت نمودند. پاسخ موافق به شرح وظایف ۱۱ گانه استاد راهنما و رعایت آن از سوی استاد مشاور در هر حیطه به ترتیب عبارت بودند از: در حیطه آشنایی دانشجو با مقررات و ضوابط آموزشی، پژوهشی و انضباطی (۹۳/۶٪ و ۵۶/۰٪،  $p = ۰/۰۰۲$ )، ارزیابی و شناخت وضعیت تحصیلی دانشجو در گذشته (۸۷/۴٪ و ۲۴/۳٪،  $p = ۰/۰۰۰$ )، ارزیابی، نقد و پیگیری پیشرفت تحصیلی دانشجو در حال تحصیل (۹۹/۱٪ و ۲۶/۳٪،  $p = ۰/۰۰۰$ )، شناخت استعدادها و توانایی های بالقوه دانشجو و کمک به شکوفایی منطقی آن (۸۷/۷٪ و ۲۱/۴٪،  $p = ۰/۰۰۰$ )، ارائه راهنمایی های لازم به دانشجو در زمینه شغل و ادامه تحصیل (۹۹/۷٪ و ۵۵/۳٪،  $p = ۰/۰۰۹$ )، آماده سازی دانشجو برای پذیرش مسئولیت های شغلی پس از اتمام تحصیلات (۹۳/۶٪ و ۳۱/۲٪،  $p = ۰/۰۰۱$ )، نقد و پیگیری علل افت تحصیلی دانشجو و کمک و راهنمایی در جهت رفع آن (۹۹/۸٪ و ۳۴/۷٪،  $P = ۰/۰۰۱$ )، فراهم سازی امکان اجرای برنامه های مشاوره ای خارج از برنامه های اعلام شده (۸۸/۷٪ و ۵۵/۷٪،  $P = ۰/۰۰۹$ )، راهنمایی دانشجویان در زمینه مشکلات غیر آموزشی (۸۷/۷٪ و ۵۵/۳٪،  $p = ۰/۰۲۲$ )، توجه به استرس های محیطی، خانوادگی و تحصیلی و در صورت

نیاز، ارجاع به مراکز مشاوره برای پیشگیری از بروز مشکلات (۸۶/۶٪ و ۵۵/۴٪،  $p = ۰/۰۳۱$ ) و بررسی مستمروضعیت تحصیلی دانشجو (۹۹/۱٪ و ۴۸/۴٪،  $p = ۰/۰۱۸$ ) نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده به نظر میرسد اساتید درگیر در امر مشاوره با وظایف استاد راهنما و جایگاه مشاوره، آشنایی لازم را ندارند و یا اساتید به وظایف خود به خوبی عمل نمیکنند. لذا به منظور بهبود ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی، لازم است به مشاوره بهعنوان موضوعی علمی که نیاز به آموزش دارد توجه شود و این مسئولیت به کسانی محول شود که صلاحیتهای علمی لازم را کسب کرده باشند.

کد: ۱۶۲۶

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ویژگی های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی بوشهر

نویسندگان: کامران میرزایی

کلیدواژه ها: دانشجو، استاد خوب، ویژگی های حرفه ای، دیدگاه متن مقاله: مقدمه: استاد اساسی ترین عامل در ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی است. در این ارتباط شناسایی دیدگاه دانشجویان درمورد مشخصات یک استاد خوب، مدرس را در جهت انطباق و تنظیم مناسب فعالیت های تدریس با اهداف آموزشی و حصول بهترین نتایج راهنمایی می کند هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در ارتباط با ویژگی های یک استاد خوب می باشد روش مطالعه: در یک مطالعه توصیفی - تحلیلی به روش مقطعی طی سال ۱۳۹۳، نظرات ۴۰۰ دانشجوی رشته های مختلف علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، در مورد ویژگی های استاد خوب و ویژگی های استاد خوب بایکدیگر مورد ارزیابی قرار گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای برگرفته از مهمترین ویژگی های یک استاد خوب بر اساس نظر سنجی اساتید و فرم های ارزشیابی اساتید بود که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS version 19 و آزمون های Chi-square، Independent t test و ANOVA (post hoc) و Tuckey مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: مهمترین ویژگی های یک استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه، مربوط به حیطه روش تدریس استاد (۹۲/۸٪) و پس از آن حیطه های شخصیت فردی و ارتباط بین فردی (به ترتیب ۸۰٪ و ۷۰٪) و کمترین حیطه از نظر اهمیت مربوط به قوانین آموزشی



(۴۰٪) و دانش پژوهی (۲۵٪) بود. توان علمی و دانش استاد و بروز بودن اطلاعات و دانش استاد به ترتیب مهمترین ویژگی علمی استاد، توانایی در تفهیم درس مهمترین ویژگی حرفه ای و انگیزه و علاقه بالای استاد به تدریس مهمترین ویژگی فردی استاد از دیدگاه دانشجویان بود. در مقابل عوامل سابقه تدریس استاد و سخت گیری استاد کمترین درجه اهمیت را داشتند. بین امتیاز کسب شده هر ویژگی و رشته تحصیلی دانشجویان تفاوت معنی داری مشاهده شد ( $P < 0.05$ )، لیکن بین عوامل دموگرافیک سن و جنس دانشجویان و ویژگی های اعلام شده رابطه ای مشاهده نشد ( $P > 0.05$ ). بحث و نتیجه گیری: شناسایی دیدگاه دانشجویان در خصوص ویژگی های مطلوب اساتید، مدرسین را در جهت بالا بردن میزان کارایی و دانش خود، تقویت انگیزه در دانشجویان و شناخت نقاط ضعف و قوت خود با هدف ارتقا اجرای فرآیندهای آموزشی کمک و راهنمایی خواهد نمود.

کد: ۱۶۲۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: سبکهای یادگیری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی بوشهر

نویسندگان: کامران میرزایی

کلیدواژهها: سبک یادگیری، دانشجویان، پرسشنامه کلب، پیشرفت تحصیلی

متن مقاله: زمینه و هدف: سبک یادگیری یک رفتار عاداتی و متمایز برای کسب دانش، مهارت ها یا نگرش ها از طریق مطالعه یا تجربه می باشد و به عنوان شیوه ای است که فراگیران در یادگیری مطالب درسی خود به سبک های ترجیح می دهند. با مشخص کردن سبک یادگیری دانشجویان می توان دانشجویان را در انتخاب روش یادگیری مؤثرتر کمک نمود و به طراحان آموزشی و مدرسین کمک نمود تا با اتخاذ روشهای متناسب آموزشی، یادگیری دانشجویان را تسهیل نمایند. این مطالعه با هدف تعیین سبک های یادگیری در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شد. روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بوده و نمونه پژوهش، کلیه دانشجویان پزشکی ورودی سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه سبک های یادگیری کلب است که سبک های یادگیری دانشجویان را به چهار سبک یادگیری همگرا، واگرا، انطباق یابنده و جذب کننده تقسیم می نماید. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS مورد

تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: سبک یادگیری ترجیحی در میان دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه به ترتیب الویت هم گرا ۴۹/۲٪، جذب کننده ۳۷/۶٪، انطباق یابنده ۷/۶٪ و اگر ۵/۶٪ بود. بین سبک یادگیری دانشجویان و رشته پذیرفته شده در دانشگاه ارتباط معنی داری مشاهده شد ( $p < 0.05$ ) لیکن بین متغیرهای جنسیت دانشجویان، سن، سهمیه مورد پذیرش در دانشگاه رابطه معنی داری مشاهده نشد ( $p > 0.05$ ). نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد میگردد که از محیط های یادگیری متناسب با سبک یادگیری دانشجویان جهت تدریس و آموزش آنها استفاده شود تا امر یادگیری بهتر و بیشتر تسهیل گردد.

کد: ۱۶۲۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد بر آگاهی و بکارگیری آن در دانشجویان بالینی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر یک کارآزمایی شاهد دار

نویسندگان: کامران میرزایی

Keywords: Medical education, Evidence based medicine, Clinical education, Student

Objectives: Evidence Based Medicine is the ability of physicians to use and integrate the best clinical evidence based on the patient's condition. that this evidence is achieved from reproducible and without bias clinical studies. In recent years To improve further the quality of clinical care provided to patients clinical experience of physicians is mixed with research evidence of similar clinical case. Methods: In a pre and post control quasi-experimental study, two groups of medicine clerks who was spent clinical course was participated. The students were selected by census method. In the early of course, after providing a description of the operational objectives, Students in a four-day workshop (totally 16 hours for each groups) trained Step 5 standard steps of EBM Including designing question, search, critical evaluation of evidence implementation and evaluation and then carried out with the guidance of teacher. The knowledge and practice of students toward evidence-based medicine was evaluated with valid and reliable pre and post-course questionnaire. Results: The results showed that the level of students' familiarity with the terminology and sources used in evidence-based medicine was elevated ( $p=0.000$ ). Also In this





study, a statistically significant increasing in students' knowledge and that their ability to run applications evidence based medicine after intervention were seen ( $p= 0.000$  and  $p= 0.000$ , respectively) Conclusion: It seems requires training of medical students in clinical courses toward epidemiological concepts and terms which used in the discussion of evidence-based medicine to enhance their ability to critically analyze the literature that they studied with goal to enhance their ability to adoption properly clinical decisions, especially in the form of workshops and practical training .

کد: ۱۶۲۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تدریس مشارکتی رویکردی موثر در آموزش دانشجویان

نویسندگان: ثریا زحمتکش

کلیدواژه‌ها: دانشجوی، آموزش، تدریس، یادگیری، تدریس

مشارکتی

متن مقاله: زمینه و هدف: آموزش یک فعالیت آگاهانه و مبتنی بر هدف است که موجب تغییر در سطوح دانش، نگرش و رفتار فراگیران می شود. استفاده از روش های نوین آموزشی مانند روشهای تلفیقی دانشجو محور که از طریق مشارکت دادن فعال دانشجو در فرآیند یاددهی - یادگیری اجرا می شود می تواند تاثیر مثبتی بر اجرا فرآیند آموزش دانشجویان ایفا کند. این مطالعه با هدف تعیین میزان مطلوبیت روش تدریس مشارکتی از دیدگاه دانشجویان انجام گرفت. روش ها: این پژوهش به روش نیمه تجربی بر روی دو گروه از دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی (پیوسته و ناپیوسته) در درس برنامه ملی مبارزه با بیماریهای واگیر انجام شد. ارائه درس در هر دو گروه با استفاده از روش ترکیبی بحث و گفتگو، یادگیری گروهی و سخنرانی انجام شد لیکن سخنرانی در یک گروه توسط استاد و در گروه دوم توسط دانشجویان انجام شد. پس از پایان ترم هر دو گروه با یک روش استاندارد مورد ارزشیابی قرار گرفتند. نگرش دانشجویان در خصوص روش آموزشی بکار رفته با استفاده از پرسشنامه و با استفاده از روشهای توصیفی و آزمون ناپارامتریک من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: نتایج بیانگر آن بود که استفاده از روش ترکیبی آموزشی با همکاری دانشجویان نقش موثرتری بر تاثیر آموزش بر تقویت حیطه های جلب مشارکت دانشجویان، ایجاد توانایی اظهار نظر در جمع، تقویت روحیه

انتقادپذیری کسب توانایی مدیریت و رهبری گروه، تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری، ایجاد روابط مطلوب اجتماعی با سایر اعضای گروه و افزایش قدرت تحمل و پذیرش نظرات همسالان درمقایسه با روش آموزش سخنرانی توسط استاد دارد) ( $P < 0.001$ ). لیکن بین نگرش دانشجویان دو گروه در حیطه های ایجاد علاقه در زمینه درس مربوطه، آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسائل و قدرت پاسخگویی به سئوالات مطرح شده تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد. نتیجه گیری: نتایج حاصل از این تحقیق، نشان داد یک روش تدریس پویا و غیرانفعالی و دخالت دادن هر چه بیشتر دانشجویان در فرآیند یاددهی - یادگیری، باعث می شود که دانشجویان با علاقه بیشتر به مباحث مربوطه بپردازند که می تواند نقش موثری بر ارتقا فرآیند یادگیری دانشجویان ایفا کند.

کد: ۱۶۳۳

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر آموزش بر آگاهی و بکارگیری پزشکی مبتنی بر

شواهد در دانشجویان بالینی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

نویسندگان: ثریا زحمتکش

Keywords: Medical education, Evidence based medicine, Clinical education, Student

Objectives: Evidence Based Medicine is the ability of physicians to use and integrate the best clinical evidence based on the patient's condition. that this evidence is achieved from reproducible and without bias clinical studies. In recent years To improve further the quality of clinical care provided to patients clinical experience of physicians is mixed with research evidence of similar clinical case. Methods: In a pre and post control quasi-experimental study , three groups of medicine clerks who was spent clinical course was participated (26 Intern in control group and 48 students (22 Extern s and 26 Interns in intervention groups. The students were selected by census method. In the early of course, after providing a description of the operational objectives, Students in a four-day workshop (totally 16 hours for each groups) trained Step 5 standard steps of EBM Including designing question. search, critical evaluation of evidence, implementation and evaluation and then carried out with the guidance of teacher. The knowledge and practice of students toward evidence-based medicine was evaluated with pre and post-course researcher-made questionnaire (according to the Berlin



intervention group was higher than the control group ( $p=0.036$ ) and the majority of students in both groups believed that insufficient consultation led to academic problems (63.2% and 76.9% respectively). the total mean in intervention group students (16.86) was better than the total mean in control group (15.03) Conclusion: In order to improve counseling and guidance services to scientific advice as a subject in need of that is education. and pay attention to responsibility spend to be delegated to the competencies required for business and leisure advisory programs.

کد: ۱۶۳۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: حضور در همایش ها، به مثابه حضور در کلاس درس:

نگاهی به تجربیات یادگیری دانشجویان کار درمانی

نویسندگان: سیده دل آرام موسوی، مسعود غریب، لیلا جویباری،

اکرم ثناگو

کلیدواژه‌ها: همایش، یادگیری، یاددهی، دانشجو، گزارش موارد،

مطالعه کیفی، سندرم داون، کاردرمانی

متن مقاله: مقدمه و هدف: افراد با سندرم داون مراحل رشد ذهنی و جسمی را نسبت به دیگر افراد با تاخیر سپری می کنند آنها نسبت به همسالان خود نشستن. راه رفتن. صحبت کردن، بازی کردن و فعالیت های دیگر را دیرتر می آموزند اما امروزه با کمک علم توانبخشی (کاردرمانی، گفتاردرمانی. بازی درمانی و...) می توان در سرعت رشد حرکتی و ذهنی کودکان با سندرم داون بسیار موثر بود. از این رو باید به نیازهای توانبخشی این کودکان از بدو تولد توجه نمود. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات دانشجویان کاردرمانی از یادگیری حاصل از شرکت در همایش سالیانه سندرم داون بوده است. روش کار: این مطالعه یک گزارش مورد پژوهشی با رویکرد کیفی است که برای گردآوری داده از مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. از دانشجویان کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران خواسته شد تا تجربیات یادگیری خود را از شرکت در همایش سندرم داون در سال ۱۳۹۳ بگویند. مصاحبه ها ضبط، خط به خط دست نویس و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای مرسوم، آنالیز شد. یافته ها: تحلیل داده ها موید آن است که مواجه با بیماران سندرم داون و خانواده های آنان، حاضر در همایش باورهای سنتی و مرسوم دانشجویان را به چالش جدی روبرو نمود و پنجره جدیدی را به روی آنان باز نمود. استخراج مضامین "انگشت نما بودن"؛

questionnaire) that its validated by a team of professors of Medical Education. Health Education. evidence-based medicine team and Community Medicine specialist. Results: The results showed that the level of students' familiarity with the terminology and sources used in evidence-based medicine was elevated ( $p=0.000$ ). Also In this study, a statistically significant increasing in students' knowledge and that their ability to run applications evidence based medicine after intervention were seen ( $p= 0.000$  and  $p= 0.000$ , respectively) Conclusion: It seems requires training of medical students in clinical courses toward epidemiological concepts and terms which used in the discussion of evidence-based medicine to enhance their ability to critically analyze the literature that they studied with goal to enhance their ability to adoption properly clinical decisions. especially in the form of workshops and practical training .

کد: ۱۶۳۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تاثیر مشاوره و راهنمایی فعال بر پیشرفت تحصیلی

دانشجویان

نویسندگان: ثریا زحمتکش

Keywords: providing advice, guidance programs, students

Background: counseling services by the consulting professors can be an effective role in many students who have problems. Provided insufficient guidance and advice can be difficult possible to achieve educational goals. This study was achieved with aim to determine of effect the interventional and active educational counseling services in academic success in students Methods: In a quasi-experimental study, the new public health field students randomly divided into two groups. For a group (control) usual educational counseling method and to the second group (intervention) actively and academic counseling program with the aim covering academic review process (before and during university education) and problems during the study was conducted. The attitude of students toward rule of advice and guidance on education and their academic success at the end 2.5-year study were compared Results: The rate of student satisfaction as educational counseling significantly higher than the control group ( $p= 0.03$ ). level of information of students about. regulations and rules education in



"عاطفه و هنر"، "توانایی و استعداد" مویید تجربیات و برداشت های سنتی و جدید دانشجویان از بیماران با سندرم داون پس از حضور در همایش است. تجربیات مشارکت کنندگان حاکی از آن ضرورت خروج از نگاه سنتی به نگاه هالیستیک به بیماران می باشد. دانشجویان اظهار داشتند چیزهایی که در همایش دیدند با چیزی که قبلا فکر می کردند خیلی فرق داشت. ملاقات تعداد زیادی خانواده که بسیار امیدوار و خوشحال بودند و با بیماری فرزندشان کنار آمده بودند همانند یک درس از درسهای کلاسی تاثیرگذار بوده است و ذخیره ای برای یادگیری آینده کاری آنان خواهد بود به طوری که تصور می نمایند بتوانند از این تجربیات خود برای مراجعین آتی شان استفاده نمایند. نتیجه گیری: نتایج این خرده بررسی کیفی مویید آن است که از همایش ها می توان به عنوان یک کلاس بزرگ درس برای ارتقای نگرش دانشجویان استفاده نمود. مواجه واقعی با خانواده و بیماران با سندرم داون در یک محیط آموزشی و مردمی اثرگذاری به مراتب قویتر از تلاش اساتید برای هر گونه تغییر نگرشی در دانشجویان از طریق کلاس های تئوری خواهد داشت.

کد: ۱۶۴۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: نگاهی به دیدگاه و تجربیات دانشجویان ترم یک

کاردرمانی: دانشجوی با نشاط و امیدوار در دانشگاه

نویسندگان: سیده دلارام موسوی

کلیدواژه‌ها: کلمات کلیدی: شادی، امید، دانشجو، دانشگاه،

کاردرمانی، تحلیل محتوای کیفی

متن مقاله: زمینه و هدف: نشاط و شادابی در دانشگاه، موجب رشد و شکوفایی در همه ابعاد وجودی یک دانشجو می شود. در محیط شاد، ذهن انسان پویا، زبان او گویا و استعداد وی شکوفا می گردد. در واقع توجه به تمام عوامل موثر بر شادی، توجه به تمامی ارزش ها، خوبی ها و شایستگی ها است. کسانی که چنین عواملی را بشناسند، خواهند توانست شادتر زندگی نمایند. دانشجویان دانشگاه از مهم ترین اقشار جامعه محسوب می شوند، در صورت برخورداری از شادی، حقیقی در ذات و شخصیت خود، احتمال موفقیت خود را در تمامی شئون تحصیلی و معنوی در زمان دانشجویی و حتی پس از طی دوران تحصیلی دانشگاهی و در زمان اشتغال به کار افزایش خواهند داد. روش کار: در این مطالعه کیفی از تمامی ۱۷ دانشجوی کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (اولین گروه کاردرمانی و تنها دوره موجود در

دانشگاه)، برای مصاحبه های نیمه ساختار و متعامل دعوت به عمل آمد. از دانشجویان خواسته شد از تجربیات خود از شادی و امید در دانشگاه صحبت نمایند. حداقل سه سوال باز در تمام مصاحبه ها تکرار شد و از سوالات کاوشی نیز بکرات برای عمیق شدن داده ها استفاده گردید. تمامی مصاحبه ها ضبط، بلافاصله دست نویس و مطابق رویکرد تحلیل محتوای کیفی مرسوم مورد انالیز قرار گرفت. یافته ها: ۱۲ دانشجوی ترم یک شامل ۴ پسر و ۸ دختر در مطالعه شرکت کردند. از انالیز داده ها مضمون اصلی " دانشگاه پنجره ای به سوی آینده" و سه مضمون فرعی "ارتقاء تحصیلی، شغل و کسب درآمد، تشکیل خانواده" استخراج شد. دانشجویان با ورود به دانشگاه خود را در مسیر آینده می دیدند. تجربه محیط جدید، تصور آینده روشن و تحقق ارزوها، استقلال، دوستی های جدید، ارتباط با اساتید و سرگرمی های جدید، از رویدادهای نشاط آور و امیدبخش برای مشارکت کنندگان بوده است. دوری از خانواده برای دانشجویان غیربومی، عدم علاقه به رشته و احساس ناامیدی نیز به عنوان بخشی از تجارب مشارکت کنندگان بوده است. نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از آن بود ورود به دانشگاه و دانشجو شدن از ماهیت نشاط آور و امیدبخشی برخوردار است. دانشجویان با گذر از سد کنکور خود را در مسیری می دیدند که آنها را به آینده پیوند می داد، کسب درجات تحصیلی، کسب شغل، تشکیل خانواده در افق دید قرار داشت. وجود دوستان، اساتید، جو دانشگاه، استقلال، از عوامل شغف برانگیز بود. دانشگاه روزنه امیدی برای دانشجویان بوده است.

کد: ۱۶۴۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: اخلاق در بالین: تبیین تجربیات پرستاران از "رفتار

نامحترمانه" در محیط کاری

نویسندگان: لیلا جویباری، شهرام بزدانی، اکرم ثناگو

کلیدواژه‌ها: رفتار نامحترمانه، محیط کار، پرستاران، تحلیل

محتوای کیفی

متن مقاله: زمینه و هدف: رفتارهای نامحترمانه در محیط های کاری تهدید آمیز می باشند و منجر به ایجاد شرم و به خطر انداختن سلامت پرستاران و بیماران می گردد. این رفتارها جو سازمانی را نیز به خطر می اندازند و در صورتی که به آن ها توجه نشود عواقب ناخوشایند بسیاری دارد. هدف از این مطالعه بررسی "رفتار نامحترمانه" در محیط کاری پرستاران بوده است. روش



کار: در این پژوهش که با رویکرد کیفی انجام شده است با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف، با ۳۰ نفر از پرستاران شاغل در مراکز آموزشی و درمانی استان گلستان مصاحبه نیمه ساختار به عمل آمد. طی یک سوال باز از مشارکت کنندگان سوال شد "وقتی می گویم رفتار نامحترمانه در محیط کار چه شرایطی را به خاطر می آورید؟ برای من بازگو نمائید" تمام مکالمه ها روی نوار صوتی ضبط و سپس کلمه به کلمه دست نویس شد و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی از نوع مرسوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: مفهوم رفتار نامحترمانه با مضامین "حقیر و ضعیف شمرده شدن"، "پرخاشگری کلامی، غیر کلامی"، "مورد تهدید واقع شدن"، "سرزنش شدن"، "نادیده گرفتن توانمندی ها"، "مشارکت داده نشدن"، "مقصر شمرده شدن" در قالب رفتارهای توهین آمیز در تعامل با همکاران، مافوق، پزشک، بیماران، همراهان، کادر خدماتی تبیین شد. بر پایه این تعریف، رفتار نامحترمانه عبارت است از بروز رفتارهایی از قبیل "با صدای بلند حرف زدن، سرزنش کردن در جمع، حملات لفظی، تمسخر، بحث و جدل کردن، خشونت، فریاد کشیدن، شایعات بی اساسی درست کردن، درخواست اعتباری بیشتر از انجام کار انجام شده دارند، حق و حقوق را خوردن، لحن آزار دهنده، خوار و خفیف کردن، بد دهنی، اهمیت داده نشدن، بی اعتمادی به سواد و مهارت، تقاضاهای غیرمنطقی" در محیط کاری که می تواند این رفتارها از همتایان، سرپرستار، سوپروایزر، پزشک، بیمار و همراهان بیماران و یا کادر خدماتی باشد.

کد: ۱۶۵۲

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: ارتقاء توانمندی آموزشی - پژوهشی دانشجویان

کارشناسی پرستاری با رویکرد سلامت روان جامعه در دانشگاه

علوم پزشکی بیرجند در سال ۹۳

نویسندگان: محمدرضا رئیسون، دکتر امیر مانیان، دکتر عباس

عباسپور

کلیدواژه ها: سلامت روان، توانمندی آموزشی - پژوهشی

متن مقاله: زمینه و هدف: دانش آموختگان پرستاری بایستی اطلاعات و توانمندی های لازم را به صورت چند پیشه ای multidisciplinary کسب نمایند. دانش آموختگان پرستاری در حرفه آینده خود در جامعه نقش های آموزشی، پژوهشی، مراقبتی و اجرائی در سیستم بهداشت و درمان بر عهده خواهند داشت. هدف فرایند ارتقاء توانمندی آموزشی پژوهشی دانشجویان

کارشناسی پرستاری با رویکرد سلامت روان جامعه بود. روش کار: با عنایت به فاصله ی بین انتظارات حرفه ای فارغ التحصیلان پرستاری در نظام خدمات بهداشتی درمانی و محتوای آموزشی موجود در کوریکولوم آموزشی این رشته و نظر به اینکه اکثر اعضای هیئت علمی و کارشناسان آموزشی دانشکده، زمینه تحصیل در رشته پرستاری داشته و سابقه فعالیت در عرصه های مختلف نظام سلامت را دارند. پس از شروع به تحصیل اولین دوره کارشناسی پرستاری بررسی نیاز های آموزشی در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مد نظر قرار گرفت. مقدمات اولیه آموزش روش تحقیق و پژوهش در حوزه های بهداشت جامعه و بهداشت روان اعمال گردید. در این راستا سه جلسه رسمی با حضور اعضاء هیئت علمی و گرایش های پرستاری بهداشت جامعه، روانشناسی بالینی، پرستاری داخلی جراحی و همچنین کارشناسان آموزش که تجربه فعالیت در سیستم بهداشتی درمانی و کارورزی دانشجویان را دارا بودند و نمایندگان دانشجویان برگزار شد. که در نهایت با استناد مصوبات جلسات برگزار شده دو کارگاه روش تحقیق با رویکرد بهداشت جامعه در سال ۱۳۹۰ و بهداشت روان در سال ۱۳۹۱ برگزار شد و دانشجویان با تحقیق در این حوزه آشنا شدند و در گام بعدی دانشجویان علاقه مند با مراجعه به اساتید عنوان های طرح های پژوهشی خود را ارائه نمودند. در مرحله بعد هر دانشجو با مراجعه به اساتید راهنما و مشاور مراحل تنظیم پروپوزال و تصویب طرح را در کمیته تحقیقات دانشجویی گام به گام اجرا نمودند. و پس از اتمام طرح ها و اخذ تائیدیه های مربوطه و نتایج با هماهنگی استاد راهنما و مشاور استخراج و در مجامع علمی ارائه گردید یافته ها: نتایج دراز مدت این برنامه باید بعد از فارغ التحصیلی این دانشجویان و اشتغال آنها به عنوان پرستار بررسی گردد ولی در ارزیابی کوتاه مدت این فرآیند به استناد نتایج نظر سنجی انجام شده آگاهی آنان از دستورالعمل های موجود در نظام ارائه خدمات ۵۷٪ ارتقاء یافت. بطوریکه بعد از این اقدامات ۶ طرح تحقیقاتی در این زمینه اجرا، در دست اجرا می باشد. نتیجه گیری: ۱- دانشجویان با تحقیق در فیلد های بهداشتی درمانی به منظور شناسایی مسائل مبتلا به و ارائه پیشنهادات تحقیقاتی توانمند شدند. بطوریکه بعد از این اقدامات ۶ طرح تحقیقاتی در این زمینه اجرا، در دست اجرا می باشد. ۲- دانشجویان به استناد نتایج نظر سنجی انجام شده آگاهی آنان از دستورالعمل های موجود در نظام ارائه خدمات ۵۷٪ ارتقاء یافت. ۳- انجام ۶ تحقیق میدانی در خصوص معضلات روانی اجتماعی در حوزه بهداشت و درمان انجام و در دست انجام می باشد.



کد: ۱۶۵۳

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارائه مدل مبتنی بر فرارزشیابی "سیستم ارزیابی کمیت فعالیت های اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی بر اساس خوداظهاری"

نویسندگان: حسین کشاورز ولیان، آیین محمدی، کامران سلطانی عربشاهی، محمد جلیلی، ریتم مجتهدزاده  
کلیدواژه‌ها: ارزیابی عملکرد، فرارزشیابی، مدیریت مبتنی بر عملکرد، مدل

متن مقاله: زمینه و هدف: امروزه یک تمایل جهانی برای به کارگیری سیستم های ارزشیابی فعالیت های اعضای هیات علمی دانشگاه ها وجود دارد. استقرار سیستم ارزشیابی عادلانه و قابل اعتماد همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. در این مطالعه با فرارزشیابی سیستم ارزشیابی فعالیت های اعضای هیات علمی که به مدت ۵ سال سابقه استقرار و کاربری دارد، مدلی برای ارزشیابی فعالیت های اعضای هیات علمی بر اساس دیدگاه خاص ایشان طراحی شده است. روش اجرا: در سال ۲۰۱۴ روایی و پایایی سیستم اندازه گیری فعالیت های اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران مورد بررسی قرار گرفت. بعد از اطمینان از روایی و پایایی سیستم موجود مصاحبه های نیمه ساختارمند بر اساس استانداردهای فرارزشیابی، از اعضای هیات علمی دانشگاه انجام شده و با توجه به نتایج این مصاحبه ها پرسشنامه های طراحی شد و توسط اعضای هیات علمی تکمیل گردید. اجزای مدل با تحلیل محتوای کیفی مصاحبه ها و تحلیل عاملی پرسشنامه استخراج شد. مدل به دست آمده در یک جلسه بحث در گروه کوچک، نهایی شد. نتایج: روایی و پایایی سیستم موجود به ترتیب ۰٫۹۵ و ۰٫۹۹ (P = ۰٫۰۵) بود.

کد: ۱۶۵۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رضایتمندی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از فرایند تصویب طرح مقدماتی و راهنمایی پایان نامه در دانشکده پزشکی ساری سال تحصیلی ۹۱-۹۲

نویسندگان: محمد خادملو

کلیدواژه‌ها: تحصیلات تکمیلی، سرپرستی پایان نامه، تجربه پژوهشی

متن مقاله: زمینه و هدف: تصویب طرح مقدماتی و هدایت پایان

نامه توسط استاد راهنما نقشی تعیین کننده در تجربه پژوهشی دانشجویان دارد. این مطالعه به بررسی رضایتمندی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پزشکی ساری از دو فرایند یاد شده می پردازد. روش: نمونه گیری این پژوهش توصیفی مقطعی به روش در دسترس از بین دانشجویان مراجعه کننده جهت انجام امور پایان نامه در طی سال تحصیل ۹۱-۹۲ بود. جهت جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها از پرسشنامه تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نرم افزار SPSS 19 (سطح معناداری  $p < 0.05$ ) استفاده شد. یافته ها: هفتاد نفر (۷۴٪) از ۹۴ دانشجوی شرکت کننده پرسشنامه را تکمیل نمودند. میانگین انحراف معیار و محدوده نمره کل رضایتمندی از فرایندهای تصویب طرح مقدماتی و سرپرستی پایان نامه به ترتیب  $10.70 \pm 3.10$  و  $(5-15)$  و  $17.37 \pm 3.45$  و  $(7-21)$  بود. میانگین های یاد شده در بین گروه های طبقه بندی شده بر حسب سن، جنسیت و مقطع تحصیلی از تفاوت معنا داری برخوردار نبودند. همچنین به ترتیب فرایندهای فوق، بیشترین درصد فراوانی رضایتمندی راجع به راهنمایی برای موضوع پایان نامه (۴۸٫۶٪) و دانش و مهارت استاد راهنما در زمینه موضوع پژوهش (۷۱٫۴٪) و کمترین درصد فراوانی رضایتمندی مربوط به مدت زمان تصویب (۳۴٫۳٪) و دسترسی به استاد راهنما (۲۱٫۴٪) بود. نتیجه گیری: سطح رضایت بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پزشکی ساری از فرایندهای تصویب طرح مقدماتی و سرپرستی پایان نامه بالا است. پیشنهاد می شود بررسی و ارزشیابی تجربه پژوهش پایان نامه ای در دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور به صورت مداوم و یکسان شده صورت گیرد.

کد: ۱۶۵۹

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رابطه بین یادگیری مادام العمر و رویکردهای یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

نویسندگان: غفت شهرآبادی

Keywords: Keywords: Deep learning, Surface learning, learning approaches, Lifelong learning, Students .

Background & objective: Lifelong learning is one of the important objectives of universities education that leaning approaches can be effective it. This study was designed to determine of the relationship



between lifelong learning and learning approaches in the students of Rafsanjan University of medical sciences (RUMS) in 2013. Methods: This analytic cross-sectional study was performed in 2013. Three hundred fourteen of Medicine, dentistry, nursing-midwifery and paramedical students were selected based on census in RUMS. Data gathering tool was lifelong learning questionnaire (LLLQ) and revised two-factor Study Process Questionnaire (R-SPQ-2F) and students' previous semesters grade point average (GPA as an academic achievement). Data analysis were used descriptive statistics and inferential parametric statistics (Independent samples t test, ANOVA, Spearman correlation and Multiple regression of step by step). Result: In this study, Mean of deep approach  $3.37 \pm 0.46$  and Lifelong learning  $3.21 \pm 0.61$  were medium. Deep learning and Lifelong learning had direct and positive correlation ( $r=0.453$ ,  $P=0.001$ ) and surface approach and Lifelong learning had negative and reverse correlation ( $r=-0.440$ ,  $P=0.001$ ). Deep learning and surface learning 35.6% can predict variance of lifelong learning. Conclusion: This study represents that Students' deep learning approach cause increase and surface learning approach cause decrease lifelong learning. If deep learning approach increase from medium to high position, lifelong learning will be promoted to higher positions.

کد: ۱۶۶۴

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی دیدگاه دانشجویان درباره اثرات ارزیابی به شیوه

استدلال بالینی تحلیلی

نویسندگان: خیرالنسا رمضانزاده، آزاده ابراهیم زاده،

کلیدواژه‌ها: دیدگاه دانشجویان، اثرات، ارزیابی، استدلال بالینی

تحلیلی

متن مقاله: مقدمه و هدف: استدلال بالینی مهمترین توانمندی است که شالوده پزشکی می باشد. عدم توفیق در حل درست مسائل بالینی به اشتباهات تشخیصی و خطاهای درمانی منجر می شود که در بسیاری از مواقع غیرقابل جبران است در حال حاضر آموزش استدلال بالینی با چالش های بسیاری روبرو است. با توجه به اهمیت توانمندی استدلال بالینی در آموزش دانشجویان پزشکی و فقدان برنامه ای منسجم برای یادگیری آن، این مطالعه قصد دارد با ارائه الگوی ارزیابی با تمرکز بر توانمندی استدلال بالینی این توانمندی را در دانشجویان پرورش دهد

چراکه که ارزیابی صحیح و اصولی می تواند، زمینه ساز آموزش درست باشد. پژوهش: این پژوهش به صورت نیمه آزمایشی اجرا گردیده است. در این پژوهش ۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی که درمانگاه عفونی را می گذراندند شرکت داشتند. در پایان دوره آموزش درمانگاهی به دانشجویان در طی ۶ ماه ابتدا ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به صورت سوالات چهار گزینه ای (سنتی) اجرا گردید و پس از یک هفته این ارزیابی با استفاده از سوالات استدلال بالینی صورت پذیرفت. یافته ها: نتایج بررسی دیدگاه دانشجویان پس از اجرای دو روش نشان داد که ۸۰ درصد دانشجویان بر این باور بودند که ارزیابی بوسیله سوالات استدلال بالینی توانمندی افراد را در مواجهه با بیماری بهبود می بخشد. حدود ۷۸ درصد دانشجویان این روش را موثر بر پرورش قضاوت بالینی دانستند. ۹۵ درصد این روش ارزیابی را در آموزش نحوه تصمیم گیری صحیح در مواجهه با بیماری، ۸۶ درصد در آموزش طرز برخورد با علائم بیماری و ۹۶ درصد در آموزش استفاده از آموخته های نظری در عمل و بیش از ۹۷ درصد دانشجویان این شیوه ارزیابی را در آموزش استفاده بالینی از علائم بیماری در رسیدن به تشخیص موثر دانستند. نتیجه گیری: به توجه به نتایج چشم گیر استدلال بالینی پیشنهاد می گردد، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به این سمت سوق داده شود چراکه ارزیابی منجر به بهبود فرایند خواهد شد و استدلال بالینی مهارتی است که باید آموخته شود بنابراین پیشنهاد می شود برنامه آموزش درمانگاهی بر اساس مدل snapps به عنوان مدلی که پرورش دهنده استدلال بالینی می باشد؛ ارائه شود و در ارزشیابی نیز از سوالات استدلال بالینی استفاده گردد که البته این امر منوط به جهت گیری واحد توانمند ساز edc، در آموزش اساتید به این سمت می باشد.

کد: ۱۶۶۵

حیطه: روش های تدریس

عنوان: راه های ایجاد انگیزه در فارغ التحصیلان دندانپزشکی برای

ارتباط با دانشگاه

نویسندگان: مجید اکبری، دکتر امیر حسین نجات، دکتر حسین

کریمی مونقی

کلیدواژه‌ها: فارغ التحصیل، راه های انگیزه، حفظ ارتباط،

دندانپزشکی

متن مقاله: مقدمه: در چرخه برنامه ریزی آموزشی یکی از مهمترین قسمتها، بازخورد است و مهمترین گروهی که میتواند



برای بازخورد فعالیتهای آموزشی از اطلاعات و نظرات آنها استفاده نمود، فارغ التحصیلان هستند. با توجه به عدم وجود مطالعه ای بر روی انگیزه های فارغ التحصیلان در حفظ ارتباط با دانشکده پس از فارغ التحصیلی، این مطالعه به منظور کشف راه های ایجاد این انگیزه ها در فارغ التحصیلان رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد صورت گرفت. مواد و روش: در این مطالعه کیفی-کمی ۴ گروه متمرکز از هر یک از فارغ التحصیلان کمتر از سه سال (۲ گروه) و بالاتر از سه سال (۲ گروه) شرکت نمودند. نظرات آنها در مورد انگیزه های برقراری ارتباط با دانشکده پس از فارغ التحصیلی طی جلسات بحث گروهی توسط ضبط صوت ضبط گردید. این جلسات با حضور ۷ الی ۹ فارغ التحصیل انجام شد. سپس مکالمات به صورت کامل بر روی کاغذ پیاده شد و پس از کد گذاری مفاهیم، چک لیستی از آنها بدست آمد. سپس این چک لیست در اختیار هر یک از شرکت کنندگان به تفکیک سال فارغ التحصیلی قرار گرفت تا موافق بودن و یا عدم توافق خود را در هر مورد مشخص نمایند. میزان توافق فارغ التحصیلان در هر مورد به صورت درصد مشخص گردید. نتایج: انگیزه های هر دو گروه فارغ التحصیلان در حیطه های مسائل بالینی، ادامه تحصیل در داخل کشور، ادامه تحصیل در داخل کشور، ادامه تحصیل در خارج کشور، مسائل اداری و شغلی و مسائل اجتماعی و رفاهی بود. بیشترین میزان توافق در گروه فارغ التحصیلان کمتر از سه سال در ارتباط با به اشتراک گذاشتن موارد بالینی، اطلاع از کنگره های علمی، اطلاع از شرایط امتحان تخصص و رشته های مربوطه، اطلاع از اخبار بازآموزی ها، آگاهی از تجارب دیگران در ارتباط با شرایط کاری، استفاده از امکانات رفاهی دانشکده، یادآوری خاطرات، اطلاع از تورهای تفریحی و همسر یابی بود. در حالی که در گروه فارغ التحصیلان بیشتر از سه سال موارد پرس و جو در مورد مواد دندانپزشکی نوین، مشورت درمانی، شرکت در دوره های بازآموزی و ایمپلنت و پرس و جو در مورد مکان مناسب مطب بیشترین توافق را در بین فارغ التحصیلان داشتند. نتیجه گیری: انگیزه فارغ التحصیلان با توجه به زمانی که از زمان فارغ التحصیلی آنها گذشته است متفاوت می باشد. بنابراین در جریان جذب فارغ التحصیلان برای برقراری ارتباط مجدد با دانشکده بایستی به انگیزه های آنها و تفاوت موجود در این زمینه توجه کافی مبذول گردد.

کد: ۱۶۶۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی میزان آشنایی دانشجویان پزشکی با پزشکی مبتنی بر شواهد دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۳ نویسندگان: علی اصغر قربانی، سلیمه خلیلی ازاندهی کلیدواژه ها: آموزش، مبتنی بر شواهد، دانشجویان پزشکی متن مقاله: زمینه: با توجه به انفجار اطلاعات و تغییرات سریع و شتابان در حوزه های مختلف علمی بویژه در حوزه پزشکی نیاز به زبانی علمی و مشترک برای پزشکان احساس می شود که از تلفیق بین بهترین دانش موجود (شواهد) با تجربه بالینی و ارزش های بیمار بهره گیرد. هدف: قصد این پژوهش بررسی میزان آشنایی دانشجویان پزشکی با پزشکی مبتنی بر شواهد می باشد. مواد و روش ها: روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دوره های اکسترن، اینترن در سال ۱۳۹۳ می باشند. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان از بین دانشجویان مذکور به تعداد ۳۹۰ نفر و به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته و بر اساس گایدلاین دانشگاه پزشکی سوئد می باشد. روایی و پایایی پرسشنامه به دست آمد و پایایی ابزار با آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۵ مورد تایید قرار گرفت. داده ها با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: نتایج نشان می دهد که ۹۵ درصد از دانشجویان، با پزشکی مبتنی بر شواهد آشنایی دارند و معتقدند که به کار بردن پزشکی مبتنی بر شواهد در مراقبت از بیماران، نتایج بالینی بهتری را برای آنان به دنبال دارد. اما حدود ۵ درصد از آنها با شیوه کاربست آن چندان آشنا نیستند. نتیجه گیری: نتایج این بررسی نشان داد که علیرغم آشنایی دانشجویان پزشکی با پزشکی مبتنی بر شواهد، بسیاری از آنان از سایت های تخصصی مبتنی بر شواهد بی اطلاع و یا کم اطلاع هستند و برخی از آنها نیز از چگونگی کاربرد این شواهد به طور کامل مطلع نیستند. به دلیل اهمیت این گروه در تصمیم گیری های بالینی و لزوم پاسخگویی به انتظارات، تغییرات و پیشرفت های پر شتاب جامعه کنونی نیاز مبرمی به توجه بیشتر به این مقوله در کوریکولوم آموزشی پزشکی عمومی احساس می شود.

کد: ۱۶۶۸

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: مقایسه یادداری دانش پرستاران در مورد تازه های دیابت در دو روش آموزش مداوم اینترنتی و کتابچه آموزشی نویسندگان: میترا ذوالفقاری، میترا قریب، ریتا مجتهدزاده،

محمود بدیعی

کلیدواژه‌ها: دانش، پرستار، آموزش الکترونیکی، کتابچه آموزشی، یادداری، آموزش مداوم

متن مقاله: زمینه و هدف: استفاده از روش‌های آموزشی که باعث ایجاد یادگیری بهتر و بادوام‌تر برای پرستاران شوند باعث می‌شود کیفیت مراقبت از بیماران افزایش یابد. این مطالعه با هدف مقایسه تأثیر دو روش آموزش "الکترونیکی" و "کتابچه" تازه‌های دیابت بر یادداری دانش پرستاران انجام شد. روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی ۱۲۳ نمونه از میان پرستاران بخش غدد و داخلی سه بیمارستان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران، به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به سه گروه کتابچه (۴۳ نفر)، الکترونیکی (۳۸ نفر) و کنترل (۴۲ نفر) تقسیم شدند. گروه کتابچه توسط کتابچه آموزشی و گروه الکترونیکی توسط سامانه آموزش مداوم پزشکی (CME) آموزش دیدند. در گروه کنترل هیچ مداخله‌ای انجام نشد. در هر سه گروه دانش پرستاران قبل، یک، چهار و هشت هفته بعد از مداخله اندازه‌گیری شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس، کای‌دو، فیشر، فریدمن و تی‌زوج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: یک، چهار و هشت هفته پس از مداخله هر دو روش الکترونیکی و کتابچه در ارتقای سطح دانش پرستاران موثر بودند.

کد: ۱۶۷۳

حیطه: ارزشیابی دانشجوی

عنوان: بررسی نظرات اعضای هیات علمی در مورد ارزشیابی

عملکرد ایشان با استفاده از خود اظهاری

نویسندگان: آیین محمدی، ریتم مجتهدزاده، حسین کشاورز

ولیان، کامران سلطانی عربشاهی، محمد جلیلی

کلیدواژه‌ها: نظرسنجی، پیمایش، ارزیابی عملکرد، اعضای هیات علمی

متن مقاله: زمینه و هدف: از سال ۱۹۹۸ که انجمن دانشکده‌های پزشکی آمریکا (AAMC) با همکاری کمپانی علوم کامپیوتری (CSC healthcare) مدیریت مبتنی بر رسالت را ارائه کرده و پیشنهاد کردند که دانشکده‌های پزشکی برای هر یک از رسالت‌های خود اعم از آموزش، پژوهش، درمان، مدیریت و ارائه خدمات یک سیستم اندازه‌گیری عملکرد (Metrics) طراحی کنند، بسیاری از دانشگاه‌های معتبر برای این امر اقدام کرده و

سیستم‌های ارزیابی عملکرد متنوعی متناسب با شرایط هر کشور طراحی و راه اندازی شد. دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز در سال ۱۳۸۵ تصمیم گرفت تا با ایجاد یک سیستم اندازه‌گیری فعالیت‌های اعضای هیات علمی، میزان تأثیر هر عضو هیات علمی و گروه آموزشی را در پیشبرد رسالت‌های دانشگاه به طور عینی بررسی کند. این سیستم با عنوان شعاع یا شناسایی عملکرد آکادمیک و ارزش گذاری عینی آن، موفق شد تا در طی یک دوره دو ساله، طراحی و مستقر شود. در این طرح تلاش کردیم تا نظرات اعضای هیات علمی دانشگاه را در مورد این سیستم‌ها با استفاده از یک پرسشنامه روا و پایا بررسی کنیم. روش اجرا: ابزار جمع‌آوری اطلاعات یک پرسشنامه شامل ۴۶ سوال (۱۳ سوال مربوط به سوالات زمینه‌ای و مشخصات شرکت کنندگان) بود. میزان پایایی و روایی این پرسشنامه در تحقیق جداگانه‌ای بررسی شده بود. همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰,۹۲۴ به دست آمده و در تحلیل عاملی ۰,۶۶۰۸ درصد از واریانس را تبیین می‌کرد. پرسشنامه با طیف لیکرت (۰ برای کمترین و ۴ برای بیشترین مقدار) به صورت یک پیمایش اینترنتی در اختیار اعضای هیات علمی قرار گرفت. ۴۸۸ نفر در رنج سنی ۳۰ تا ۷۴ سال پرسشنامه را تکمیل کردند. (Response rate = 70.1% / ۷۰,۹۳٪) آنها مرد و بقیه زن بودند. ۱,۱۱,۱٪ استاد، ۲۹,۹٪ دانشیار و ۵۹٪ استادیار بودند. ۴۸٪ از ایشان نیز سابقه مدیریت در دو سال اخیر داشتند. شش عامل هم‌راستایی با رسالت (Mission Alignment)، دقت (Accuracy)، شفافیت (Explicit)، رضایت (Satisfaction)، تناسب (Appropriateness) و سازندگی (Constructiveness) که در تحلیل عاملی به دست آمده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج: هم‌راستایی با رسالت ۲,۴۳۰,۸۸، دقت ۳,۲۳۰,۷۳، شفافیت ۲,۹۳۰,۶۱، رضایت ۳,۳۳۰,۷۴، تناسب ۳,۰۳۰,۶۲ و سازندگی ۱,۷۳۰,۷۴ به دست آمد. بین نظرات اعضای هیات علمی با و بدون سابقه مدیریتی در مورد سیستم ارزشیابی فعالیت‌های اعضای هیات علمی تنها در عامل شفافیت تفاوت وجود دارد (P=۰,۰۲۱). بین نظرات اعضای هیات علمی مرد و زن نیز تنها در عامل شفافیت تفاوت وجود دارد (P=۰,۰۲۴). بین نظرات اعضای هیات علمی علوم پایه و بالینی در مورد سیستم ارزشیابی کمیت فعالیت‌های اعضای هیات علمی در عوامل هم‌راستایی با رسالت و شفافیت تفاوت وجود دارد. بحث: به نظر می‌رسد که در مجموع نظرات اعضای هیات علمی در مورد عوامل مختلف مرتبط با ارزیابی کمیت فعالیت‌ها مثبت و قابل قبول





است.

کد: ۱۶۷۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بهبود روابط پزشک و بیمار در سیستم پزشک خانواده

راهی برای ارتقا نظام سلامت

نویسندگان: یلدا روانشاد

کلیدواژه‌ها: بیمار، پزشک خانواده، نظام سلامت

متن مقاله: زمینه و هدف: تفکر پزشک خانواده در کشور ما ریشه در فرهنگ ایرانی اسلامی دارد. ارتباط، مجموعه ای از توانایی های قابل آموختن است که به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران یک مهارت بالینی پایه محسوب می شود هر چند مهارتهای ارتباطی پیچیده هستند، قابلیت آموزش و آموختن دارند. در این بررسی به بهبود روابط پزشک و بیمار در سیستم پزشک خانواده پرداخته شده است. روش: مطالعه حاضر از نوع مروری بوده و جهت برنامه پزشک خانواده و ارتباط پزشک و بیمار در سایت های science direct، sid.ir و موتور جستجوی google scholar و همچنین مطالعات کتابخانه ای جستجو انجام شد. یافته ها: در برنامه پزشک خانواده از استراتژی های مختلف برای ارزیابی مهارت پزشکان استفاده می شود. رابطه پزشک و بیمار نقش کلیدی در برنامه ی پزشک خانواده دارد. تجربه بیمار اهمیت حیاتی در هنگام ارزیابی مهارتهای ارتباطی و بین فردی دارد و باید در هر سیستم ارزیابی جامع گنجانده شود. نظرسنجی های بسیاری در ارتباط با تعامل بیمار با پزشک انجام شده است. در بسیاری از موارد آیتم های رضایت از درمان با موارد مهارتهای ارتباطی در هم آمیخته و به یک آیتم تبدیل شده است این اشکالات اغلب کاربرد ابزارها را به منظور ارائه بازخورد در مورد توانایی های ارتباطی پایه پزشکان دشوار می سازد در صورتی که این بازخوردها می تواند در یادگیری پزشکان و تغییر رفتار آنان مفید باشد نتیجه گیری: برنامه پزشک خانواده منجر به افزایش کارایی خدمات درمانی و افزایش رضایتمندی بیماران می شود رابطه پزشک و بیمار نقش کلیدی در برنامه ی پزشک خانواده دارد و باید در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های آتی به خصوص تدوین برنامه های درسی این امر مدنظر قرار گیرد.

کد: ۱۶۸۱

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم

اینترنتی در دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

نویسندگان: دکتر ریتا مجتهدزاده، نوشین کهن، دکتر آیین

کد: ۱۶۷۴

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: رابطه میزان مشارکت دانشجویان ترم های سه و چهار

رشته علوم آزمایشگاهی در تالار گفتگو مجازی بیوشیمی با میزان

پیشرفت تحصیلی دروس بیوشیمی بالینی یک و دو در دانشگاه

علوم پزشکی بیرجند

نویسندگان: ریحانه هوشیار، مجید زارع بیدکی، علی رجب پور،

کلیدواژه‌ها: تالار گفتگو، پیشرفت تحصیلی، بیوشیمی

متن مقاله: با توجه به پیشرفت تکنولوژی و افزایش استفاده از

روش های نوین آموزشی در دانشگاه ها، تالارهای گفتگو مجازی

نقش مهمی در ارتقا سواد عمومی و اختصاصی دانشجویان و حتی

اساتید دارند. بسیاری از مباحث علمی که در زمان محدود

کلاسی قابل ارائه نمی باشد از طریق تالارها با دانشجویان به

اشتراک گذاشته شده و از طرفی دانشجویان مطابق با پیشرفت

تکنولوژی نحوه استفاده از علم روز را به راحتی، در دسترس و

بسیار سریع فرا می گیرند. بنابراین بر ان شدیم تا ارتباط میان

میزان مشارکت دانشجویان در تالار مجازی گفتگو بیوشیمی با

سطح پیشرفت تحصیلی آنها (نمره پایان ترم در درس مربوطه) را

در این مطالعه توصیفی ارائه دهیم. در شروع ترم های تحصیلی

چندین فعالیت مرتبط با دروس بیوشیمی بالینی یک و دو

طراحی شده و از طریق پرتال آموزش الکترونیک در اختیار

دانشجویان قرار گرفته و تا پایان ترم به آنها فرصت داده شد تا با

دقت به فعالیت ها پاسخ دهند. برای انجام هر فعالیت امتیاز ویژه

ای در نظر گرفته شد. در پایان ترم میزان مشارکت دانشجویان در

تالار مجازی برخی دروس ارزیابی گردید و سپس ارتباط آن با

نمرات پایان ترم آنها در دروس بیوشیمی بالینی یک و دو از

طریق روش های آماری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج ما نشان

داد که ۹۰ درصد دانشجویانی که به تمامی فعالیت های تالار

گفتگو بیوشیمی پاسخ داده اند نمره بالای ۱۸ در آزمون های

پایان ترم دروس مربوطه دریافت کرده اند، در حالیکه که

دانشجویانی که نمرات پایان ترم متوسطی در بازه ۱۵-۱۸ و

ضعیف نمره زیر ۱۴ داشته اند به ترتیب به میزان ۶۰ درصد و ۲۰

درصد در تالار گفتگو شرکت داشته اند. بنابراین رابطه معنی

داری در گروههای مطالعه مشاهده گردید.



محمدی، دکتر میترا قریب، دکتر میترا ذوالفقاری، سانا احمدیان کلیدواژه‌ها: برنامه های آموزش مداوم اینترنتی - دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

متن مقاله: مقدمه: به نظر می‌رسد آموزش مداوم جامعه پزشکی از مهم ترین حوزه‌هایی است که آموزش و یادگیری از دور به خصوص آموزش الکترونیکی می‌تواند در آن نقش مهمی ایفا کند. در ایران برنامه های آموزش مداوم جامعه پزشکی بیشتر به صورت حضوری و بعضاً خودآموز (شامل کتاب و لوح فشرده) برگزار می‌شود. در صورتی که در کشورهای پیشرفته برنامه های برخط سهم عمده ای در این خصوص ایفا می‌کنند. بر همین اساس، سایت آموزش مداوم اینترنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۸۵ به بهره برداری رسید، در سایت مزبور سعی شده است تا اصول و استانداردهای یادگیری الکترونیکی لحاظ شود. در این مقاله سعی بر آن است که تجربه طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم اینترنتی تعاملی و دو بسته مولتی مدیای آموزش در سال ۱۳۹۳ با استفاده از مدلی جامع و قابل اجرا برای برنامه های آموزش مداوم اینترنتی جامعه پزشکی ارائه شود. روشها: این مقاله مرور تجربه طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های برخط آموزش مداوم جامعه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران در چند مرحله است که عبارت بودند: ابتدا نیازسنجی بر اساس پرسشنامه های نیازسنجی در سایت آموزش مداوم اینترنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران به عمل آمد. سپس بر اساس تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه های نیازسنجی نیازهای آموزش مداوم جامعه پزشکی استخراج گردید. به منظور توانمندسازی اعضای هیات علمی برای طراحی و تدوین محتوا از سه شیوه برگزاری کارگاه آموزشی، مشاوره و ارائه دستورالعمل گام به گام تدوین محتوا استفاده شد. این محتواها به شکل سناریوی تعاملی با معرفی یک بیمار شروع شده و سیر مدیریت، تشخیص و درمان بیماری را به شکل گام به گام با یادگیرنده طی می‌کند. در طی مسیر برنامه هر جا که لازم باشد عکس، نمودار، فیلم و انواع فایلها به فراخور در اختیار یادگیرنده قرار می‌گیرد. در این سناریو محتوا بر اساس اهداف یادگیری به اجزای کوچکتر خرد شده (SCO) و در هر مرحله پرسشی چهارگزینه ای مطرح می‌شود و بر اساس پاسخ یادگیرندگان به سوال به ایشان بازخورد داده می‌شود. در روند سناریو مسیرهای انفرادی یادگیری نیز پیش بینی شده است و یادگیرندگان بسته به عملکرد خود ممکن است وارد مسیر خاصی شوند تا در طی آن متوجه اشتباه تشخیصی یا درمانی خود شوند و سپس تصمیم

درست را اتخاذ نمایند. بدین ترتیب با دادن پاسخ غلط به سوالات مطالعه برنامه به اتمام نمی‌رسد و یادگیرنده ضمن دریافت بازخورد به مطالعه خود تا انتخاب گزینه صحیح ادامه می‌دهد. سپس برنامه های آموزشی از طریق سامانه یادگیری الکترونیکی آموزش مداوم اینترنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران جهت مطالعه در اختیار مخاطبان قرار گرفت و در نهایت برنامه های تدوین و بارگذاری شده با استفاده از پرسشنامه ی ارزشیابی برنامه که در پایان مطالعه علمی برنامه در اختیار کاربران قرار میگیرد و تکمیل و پاسخگویی به تمام سئوالات آن برای کسب امتیاز آموزش مداوم اجباری است مورد ارزشیابی قرار گرفت. نتایج: در طول سال ۱۳۹۳ بیست برنامه آموزش مداوم اینترنتی و دو بسته مولتی مدیای آموزشی طراحی گردید میانگین نمرات ارزشیابی مخاطبان از محتواها، در طیف لیکرت ۵ حالته با نمره دهی ۵ تا ۱، ۴/۵۶ بود که حاکی از مقبولیت این روش برای ایشان بود. بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه استفاده از روشهای آموزشی مناسب، کیفیت خدمات بالینی را بهبود می‌بخشد، نتایج این مطالعه می‌تواند به متولیان طراحی و ارائه برنامه های آموزش مداوم اینترنتی در ایران کمک کند. اما مطالعات بیشتری باید در مورد ارزشیابی پیامدهای یادگیری این برنامه های آموزشی صورت گیرد.

—  
کد: ۱۶۸۲

حیطه: برنامه‌ریزی درسی

عنوان: تاثیر برگزاری کارگاه آموزشی بر آگاهی و علاقه مندی به درس پروژه در دانشجویان بهداشت محیط دانشکده علوم پزشکی بهبهان

نویسندگان: احمد بدیعی نژاد

کلیدواژه‌ها: آموزش، علاقه مندی، آگاهی، پروژه، بهداشت محیط متن مقاله: مقدمه و هدف: دانش آموختگان کارشناسی بهداشت محیط باید حداقلی از توانمندی پژوهشی را در دوره تحصیل خود کسب نمایند. بدین منظور واحدهای درسی مثل کاربرد روش های آماری و پروژه تحقیقاتی برای آنان ارائه می‌گردد، برای پروژه دو واحدی دانشجویان بهداشت محیط اطلاعات اولیه و زمینه ای وجود ندارد بررسی ها نشان داده است دانشجویان به علت عدم آشنایی با کم و کیف پروژه، علاقه چندانی به این درس ندارند و در مراحل مختلف پروژه با مشکل مواجه می‌شوند، و شناخت ذهنی آنها نسبت به درس پروژه با سختی و مشکل در اجرا همراه شده است، براین اساس تحصیل تعداد زیادی از



دانشجویان به ترم پنجم کارشناسی ناپیوسته منجر شده است. در این مطالعه با بررسی نقاط ضعف دانشجویان، اقدام به تعیین تاثیر برگزاری کارگاه آموزشی بر آگاهی و علاقه مندی به درس پروژه در دانشجویان بهداشت محیط دانشکده علوم پزشکی بهبهان در سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ شده است. مواد و روش ها: در این مطالعه تجربی، دانشجویان ورودی مهر ۹۲ کارشناسی ناپیوسته مهندسی بهداشت محیط به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند، آزمون اولیه با پرسشنامه پژوهشگر ساخته در ۱۳ سوال سنجش آگاهی و علاقه مندی نسبت به درس پروژه انجام شد سپس دانشجویان در کارگاه آموزشی (کارگاه روش تحقیق و پروپوزال نویسی) شرکت داده شدند، بعد از برگزاری کارگاه، پس آزمون گرفته شد. داده ها با استفاده از آزمون آماری تی زوج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مراجعه دانشجویان برای انتخاب موضوع پروژه و تنوع موضوعاتی که از سوی دانشجویان ارائه می شد و میزان آگاهی و علاقه مندی نسبت به واحد پروژه از مهمترین عوامل میدانی موثر بر ارزیابی دانشجویان کارشناسی بهداشت محیط بود. نتایج: در سؤالات آگاهی برای پاسخ صحیح نمره ۱ و پاسخ های غلط یا نمی دانم نمره صفر در نظر گرفته شد و نمرات در انتها به درصد تبدیل شد نتایج نشان داد که میانگین و انحراف معیار نمره آگاهی قبل از مداخله  $54/54 \pm 14/44$  و بعد از مداخله  $64/77 \pm 13/27$  درصد بود و افزایش نمره از نظر آماری معنی دار بود.

طبقه‌ای انتخاب شدند، که برای آزمون از دو پرسشنامه سبک های تربیتی خانواده و اعتماد به نفس و همچنین معدل دانشجویان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل از آزمون کای دو،  $t$  مستقل، همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. یافته ها: نتایج نشان داد که، سبک مورد استفاده غالب خانواده ها سبک منسجم، صمیمی و پاسخگویی است و اعتماد به نفس دانش آموزان آنها بالاست و همچنین بین سبک تربیتی منسجم و صمیمی با اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و بین سبک های تربیتی مستبد، آشفته و طردکننده با اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه منفی وجود دارد ( $p < 0/05$ ). همچنین بین میزان اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد. اما بین نمره اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی تفاوت وجود نداشت ( $p > 0/05$ ). نتیجه گیری: به تواناییهای نوجوانان باید اعتماد کرد و با واگذار کردن مسئولیت هایی به آنها فرصت را فراهم کنید تا از طریق فعالیتهای فردی و گروهی به ضعف ها و تواناییهای خود پی ببرند و ضعف ها را بپذیرند و با تقویت تواناییهای خویش اعتماد به نفس لازم را کسب کنند.

کد: ۱۶۹۲

حیطه: روش های تدریس

عنوان: فرایند تدریس با رویکرد آموزش تلفیقی استاد - دانشجو محوری در یادگیری دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی

گلستان ۹۳-۱۳۹۲

نویسندگان: الیاس بهادر

کلیدواژه‌ها: رویکرد استاد، دانشجو محور، رویکرد استاد محور متن مقاله: روش های تدریس فعال و کاربردی در فرایند آموزش به عنوان کارآمدترین روش آموزش محسوب می شوند. موثرترین رویکرد تدریس که بتواند یادگیری ماندگارتر، کارآمد تر و علاقه به یادگیری و تحقیق را در فراگیران بهبود بخشد تلفیقی از رویکرد معلم - مدار و فراگیر - مدار می باشد، این فرایند آموزشی با هدف بهبود شرایط موجود و در جهت ارتقاء و اثربخشی فرایند یادهی - یادگیری دانشجویان گروه اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام گرفت. روش بررسی: در این فرایند آموزشی تعداد ۶۰ نفر از دانشجویان ترم سوم رشته اتاق عمل (در دو گروه ۳۰ نفره) که واحد درسی اصول استریلیزاسیون و ضدعفونی را اخذ نمودند در دو ترم

کد: ۱۶۸۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی رابطه سبک های تربیتی با اعتماد به نفس و

پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

نویسندگان: سیما کاظمی، یحیی محمدی

کلیدواژه‌ها: سبک های تربیتی خانواده، اعتماد به نفس، پیشرفت تحصیلی

متن مقاله: زمینه و هدف: خانواده اولین جایی است که آدمی پا به عرصه وجود می گذارد و تعامل وهم اندیشی و اجتماعی شدن را در آنجا و از دامن مادر می آموزد و به همراه سایر اعضای خانواده پرورش می یابد. هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک های تربیتی خانواده های بیرجندی با اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بود. روش: روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. جامعه مورد بررسی دانشجویان بودند. نمونه مورد پژوهش ۳۶۴ دانشجو (۱۶۴ پسر و ۲۰۰ دختر)، به روش تصادفی،



تحصیلی مختلف، در فرآیند شرکت کردند. رویکرد آموزشی انجام شده در دانشجویان گروه اول بصورت استاد - محور و در دانشجویان گروه دوم بصورت تلفیقی از استاد - محور و دانشجو - محور بود. جهت ارزیابی دانشجویان از سوالات چهار گزینه ای به تعداد ۳۰ سوال با توجه به سرفصل دروس در دو مقطع میان ترم و پایان ترم استفاده شد یافته ها: نتایج نمرات دانشجویان در دو گروه مورد پژوهش بر اساس آزمون های صورت گرفته میان ترم و پایان ترم نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان در رویکرد استاد - دانشجو محور نسبت به روش سنتی استاد محور بیشتر بوده و همچنین در ارزیابی میزان رضایت مندی از رویکرد مورد استفاده در فرایند آموزش، ۸۵٪ از دانشجویان از این رویکرد اظهار رضایت داشتند و این شیوه آموزش را نسبت روش های سنتی ترجیح می دهند. نتیجه گیری: بررسی نتایج نشان می دهد که استفاده از این رویکرد در فرایند آموزش دانشجویان اتاق عمل موثر بوده است.

کد: ۱۶۹۴

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی وضعیت سیستم مدیریت اطلاعات (سما) دانشگاه

علوم پزشکی اردبیل

نویسندگان: عسگر آرمون

کلیدواژه ها: فناوری، سیستم مدیریت اطلاعات، آموزش، دانشجو. متن مقاله: مقدمه: سیستم های اطلاعات با هدف تبدیل داده های خام به اطلاعات و دانش، طرحریزی می شوند. آثار ارزشمند این نوع سیستم ها، تولید و ارائه اطلاعات لازم جهت حمایت و پشتیبانی از مدیریت داده ها است. در همین راستا، در سازمانها، و به خصوص در مراکز و سازمان های آموزشی به جهت اهمیت فراوان آن، بکارگیری سیستم های اطلاعاتی کارآمد جهت افزایش کارایی، اثربخشی و کیفیت خدمات و نیز رضایتمندی مراجعین ضروری می باشد. در مراکز آموزشی سیستم های اطلاعاتی به عنوان تسهیل گر در ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان و اساتید عمل می کنند. هدف: این مطالعه با محوریت بررسی وضعیت سیستم مدیریت اطلاعات (سما) دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و با هدف بررسی میزان رضایت مندی دانشجویان از ارائه خدمات آموزشی از طریق این فناوری انجام گردیده است. روش ها: این مطالعه با روش توصیفی - پیمایشی انجام شد، ابزار مطالعه پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت که حاوی ۲۰ سوال است می باشد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان رشته

پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل تشکیل می دهد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده آماری، تعداد ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. داده های به دست آمده از طریق آزمون t مستقل و با کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج: بر اساس نتایج این مطالعه دانشجویان از نحوه ارائه خدمات آموزشی در زمینه های ارائه به موقع اطلاعات (۸۶٪)، دقت ارائه اطلاعات و نبود خطا (۹۶٪) وجود اینترنت با سرعت مناسب جهت رویت اطلاعات (۷۴٪) و به روز رسانی اطلاعات سیستم توسط مدیریت سیستم (۸۱٪) رضایت خود را نشان دادند. نتیجه گیری: پیاده سازی و کاربرد سیستم اطلاعات و مدیریت آن را باید زمینه ساز تحول و توسعه سازمانی برشمرد. در واقع این سیستم ضرورت حمایت، پشتیبانی و اجرا توسط کارشناسان رایانه، کاربران آینده سیستم و مدیریت ارشد سازمان در قالب یک سیستم پروژه را طلب می نماید. به خصوص در سازمانهایی مانند سازمانهای آموزشی که افراد با تخصص های متنوع و گرایش های تخصصی مختلف فعالیت دارند. در این زمینه مدیران ارشد با حمایت های همه جانبه در فرایند پیاده سازی، می توانند نقش کلیدی در موفقیت سیستم های مدیریت اطلاعاتی در سازمان داشته باشند.

کد: ۱۷۰۳

حیطه: آموزش الکترونیک

عنوان: مروری بر سامانه الکترونیک مدیریت اطلاعات سلامت شخصی مبتنی بر تکنولوژی موبایل: ابزاری موثر در تحول فرایند خودمراقبتی

نویسندگان: مرجان قاضی سعیدی، لیلا کیخا، گلی ارجی، آزاده

گودینی، الهام مسرت

کلیدواژه ها: سامانه الکترونیک، مدیریت اطلاعات سلامت شخصی، تکنولوژی موبایل، خودمراقبتی

متن مقاله: سامانه مدیریت اطلاعات سلامت شخصی یک فناوری اطلاعات سلامت است نه تنها این امکان را فراهم می سازد تا مصرف کننده داده های مرتبط با سلامت خود را گردآوری، یکپارچه و مدیریت کند، بلکه نقش یک سیستم تصمیم یار، همراه با توصیه های پیشگیری، رژیم غذایی و غیره را برای مصرف کننده نیز دارد و باعث می شود که فرد به طور فعال در فعالیتهای مرتبط با سلامتی خود مشارکت کند. هدف از این مقاله، مروری بر سامانه الکترونیک اطلاعات شخصی مبتنی بر تکنولوژی موبایل بعنوان ابزاری موثر در تحول فرایند خودمراقبتی



است. مواد و روشها: در این مقاله که از نوع مروری ساختار نیافته (روایتی) است، مقاله و گزارش تمام متن از پایگاههای اطلاعاتی معتبر انگلیسی با استفاده از کلیدواژه های مشخص و مرتبط استخراج گردید. معیار انتخاب مقالات و گزارشات بیشتر بر حسب میزان ارتباط آنها با هدف مطالعه بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی است. سپس به منظور بررسی کیفیت مقاله های گردآوری شده، پژوهشگران به بازبینی مقالات از نظر عنوان، چکیده، نتایج، بحث و منابع پرداختند. بحث و نتیجه گیری: فناوریهای مراقبت سلامت از مدل پزشک محور به بیمار محور در حال تحول است. به همین دلیل نیاز فزاینده به فناوری که مستقیماً به مصرف کنندگان مراقبتهای بهداشتی خدمت کند احساس می شود. فناوری مدیریت اطلاعات سلامت شخصی یکی از فناوریها برای افزایش توانایی افراد برای مدیریت اطلاعات سلامت شخصی خودشان است که نه تنها بر روی قابلیت دسترسی، کیفیت، و کارایی مراقبتهای بهداشتی و سلامتی اثر می گذارد بلکه باعث کاهش قیمتها، بهبود کارایی و ایجاد انگیزه در بین بیماران و ارائه دهندگان مراقبتهای بهداشتی می شود. سیستم مدیریت سلامت بر روی تلفن همراه علاوه بر کنترل موثرتر این بیماری، مزایای بی شمار دیگری از قبیل قابل دسترس بودن در همه جا و تقاضای کمتر برای خدمات بهداشتی را نیز به همراه دارد و بالطبع بیماران هزینه های کمتری را هم به خود و هم به سازمانهای مراقبیت و بهداشتی تحمیل می کنند. به این دلیل که قادر به فراهم کردن اطلاعات برای تصمیم گیری هستند. علاوه بر این، صرفه جویی در زمان، حذف ملاقاتهای غیر ضروری با پزشکان، آزمایشگاهها و موسسات بیمه ای را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه بسیاری از فشارهای روانی بیماران کم می شود و تمرکزشان بیشتر بر روی پی گیری درمان و مراقبت از خود خواهد شد.

کد: ۱۷۰۴

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: تحلیل آزمون های دانشگاه علوم پزشکی یاسوج  
نویسندگان: ادشیر افراسیابی فر، اسداله موسوی، حبیب اله رضایی  
کلیدواژه ها: آزمون، پایایی، ضریب دشواری، ضریب تمیز، گزینه های انحرافی، یاسوج  
متن مقاله: مقدمه: آزمون های چندگزینه ای، متداول ترین آزمون های عینی می باشند. برای طراحی سوالات چندگزینه ای

باید اصول میلمن (Milliman) را رعایت نمود. بعد از انجام آزمون باید تجزیه و تحلیل سوالات آزمون از لحاظ کمی و کیفی انجام شود. لذا هدف از انجام این مطالعه تجزیه و تحلیل آزمون های دانشگاه علوم پزشکی یاسوج جهت بهبود کیفیت آزمون ها می باشد. روش ها: این پژوهش یک پژوهش ارزشیابی است که به صورت مقطعی انجام شد. جمعاً ۴۸ آزمون که شامل ۳۲ آزمون در سال ۱۳۹۱ و ۱۶ آزمون در سال ۱۳۹۲ بود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آزمون ها پس از تصحیح و نمره دهی از طریق ماشین مارک خوان (O. P. Scan) توسط برنامه نرم افزاری یگانه در مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج تجزیه و تحلیل شد. آزمون ها از نظر پایایی، سطح دشواری، قدرت تمیز دادن و گزینه های انحرافی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج: ضریب دشواری اکثر آزمون ها بین ۰/۳ تا ۰/۷ بود. تعداد ۱۲ (۲۵٪) آزمون از پایایی مناسبی برخوردار نبود. تعداد ۷ (۱۴٪) آزمون دارای ضریب تمیز منفی هستند. تعداد ۱۳ (۲۷٪) آزمون حداقل حاوی یک گزینه انحرافی نامناسب بود. نتیجه گیری: آزمون ها در واحدهای مختلف درسی دارای کیفیت متفاوت می باشد و بیشتر اساتید مربوطه توانایی لازم برای طراحی سوالات مناسب را ندارند.

کد: ۱۷۰۷

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی مهارتهای ارتباطی دانشجویان پزشکی دانشگاه

علوم پزشکی اردبیل

نویسندگان: عسگر آرمون

کلیدواژه ها: ارتباط، مهارت ارتباطی، دانشجویان، ارتباط کلامی

متن مقاله: مقدمه: با توجه به نقش مهم کسب مهارت های ارتباطی در شیوه درمان و جلب رضایت بیمار و همچنین یکی از ابزارهای مورد نیاز برای خدمات رسانی مطلوب بهداشتی - درمانی برای دانشجویان پزشکی آشنایی با مهارت های ارتباطی موثر است. هدف: هدف از پژوهش حاضر تعیین سطح مهارت های ارتباط بین فردی (کلامی، شنود، بازخورد) دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل می باشد. روش ها: در این پژوهش با روش توصیفی مقطعی، تعداد ۳۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده پزشکی از طریق نمونه گیری تصادفی ساده در سال ۱۳۹۲ انتخاب و مطالعه شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مقیاس لیکرت و دارای ۴۰ سؤال بود که پایایی و روایی پرسش نامه مورد سنجش و تایید قرار گرفت.



داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری  $t$  مستقل و ضریب همبستگی پیرسون و واریانس یکطرفه و به وسیله نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج: در مجموع ۳۰۰ پرسشنامه تکمیل و تحلیل شد. ۶۱/۲٪ نمونه‌ها دانشجوی دختر و ۳۷/۸٪ دانشجوی پسر بودند. میانگین نمره سطح مهارت‌های ارتباطی دانشجویان مورد مطالعه ۹۶/۹۳ بود که ارتباط معناداری با جنسیت دانشجویان داشت. میانگین نمره دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۹۱/۲۳ و ۱۰۲/۶۴ بود که آزمون  $t$  اختلاف ۸/۰۶ را بین آنها نشان داد. نتیجه گیری: دانشجویان دختر دانشکده از سطح مهارت‌های ارتباطی بالاتری نسبت به پسران برخوردار می‌باشند. همچنین ضرورت دارد جهت خدمات رسانی مطلوب در سیستم بهداشتی و درمانی، مهارت‌های ارتباطی از طریق برگزاری کارگاه‌های تخصصی در بدو ورود و حین تحصیل به دانشجویان آموزش داده شود.

کد: ۱۷۱۵

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: رویکرد دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به جنبه‌های مختلف آموزش پزشکی پاسخگو؛ یک مطالعه کیفی  
نویسندگان: مریم قائمی امیری، سیمین موعودی، بهاره اسبکیان، محدثه شامخی امیری، مریم ابراهیمی  
کلیدواژه‌ها: رویکرد، آموزش پزشکی پاسخگو، کیفی  
متن مقاله: مقدمه: سلامت انسانها با عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اداری و محیطی در ارتباط نزدیک است، بنابراین علم پزشکی به علوم زیست پزشکی محدود نمی‌شود بلکه علوم اجتماعی و روانشناختی را نیز شامل می‌شود. این فلسفه و نگرش منجر به پیدایش دیدگاهی در عالم طب گردید که میتوان آن را (Community-Oriented Medicine) نامید؛ در واقع آموزش پزشکی جامعه نگر یا پاسخگو در تمام حیطه‌های عملیاتی خود اولویت مشکلات بهداشتی کشور را در نظر می‌گیرد. نظام ارایه خدمات (آموزش پاسخگو) به دلایل مختلفی هنوز با چالش‌های بسیار زیادی در جهت پیاده سازی آن روبه رو می‌باشد و فعالیت‌های نوآورانه اعضای هیأت علمی و مسئولین آموزش در ارتقای کیفیت آموزش پاسخگو ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا بررسی مقالات مربوط به پژوهش‌ها و فرایندهای اجرا شده توسط اعضای هیأت علمی و دست‌اندرکاران آموزشی در مجلات آموزش پزشکی یکی از معیارهای تبیین این موضوع خواهد بود. این مقالات تا حدودی رویکرد مسئولین آموزشی دانشگاهها را

نسبت به برنامه ریزی در این جهت و تدابیر آنها را در این امر بیان می‌دارد. این تحقیق با هدف بررسی رویکرد دست‌اندرکاران آموزشی دانشگاهها در خصوص برنامه آموزش پزشکی پاسخگو انجام گردیده است. روش کار: مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوا بود که طبقه بندی مقوله‌ها بر اساس مبانی نظری از پیش تعیین شده به روش استقرایی مشخص شد. یافته‌ها: لازم به ذکر است که تعداد مقالات به چاپ رسیده در این زمینه و یا مقالاتی با موضوع پاسخگویی به جامعه نسبت به سایر عناوین مقالات سهم کمی را در مجلات آموزش پزشکی داشتند در این راستا از بین این مجلات که در طول ۵ سال اخیر در کشور به چاپ رسیدند ۳۱ مقاله با موضوع آموزش پزشکی پاسخگو مورد بررسی قرار گرفت که مشاهده شد در این مقالات و مقالاتی از این دست، پژوهش‌ها حول محور ابعاد مختلف آموزش پزشکی پاسخگو شکل گرفته بود. یافته‌های پژوهش در ۴ مقوله اصلی: فرصت‌ها و تهدیدها، برنامه ریزی، انتظارات، امکانات اجرای برنامه پزشکی پاسخگو و هر کدام از مقولات نیز در زیر مقوله دسته بندی شد. در مقوله فرصت‌ها و تهدیدها: زیر مقولات نقاط قوت و ضعف و مشکلات موجود در برنامه آموزش پزشکی پاسخگو، میزان آشنایی دانشجویان و اساتید با این موضوع؛ در مقوله برنامه ریزی: زیر مقولات تدوین کوریکولوم با محوریت پاسخگویی به جامعه، ارائه مباحث مرتبط با پزشکی پاسخگو؛ در مقوله انتظارات: ایفای نقش مراکز مطالعات و توسعه و اعضای هیأت علمی، کارکنان مراکز درمانی و بهداشتی دانشگاهها در این زمینه؛ در مقوله امکانات: زیرمقولات دروندادها و بروندادهای آموزشی و پژوهشی، فضای آموزشی استخراج گردید. بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج فوق، به منظور ایجاد تغییر در وضعیت موجود آموزش پزشکی و حرکت به سمت آموزش پزشکی جامعه نگر باید با برنامه ریزیهای کوتاه مدت و بلند مدت برای ارتقای این برنامه همت گماشت و زمینه را برای انجام پژوهشهای مفید جهت رفع مشکلات فراهم نمود. پیشنهاد می‌شود مسئولین آموزشی دانشگاهها در جهت آشنایی و آگاهی هر چه بیشتر اساتید و دانشجویان در این زمینه اقداماتی نظیر برگزاری همایشها و کارگاههای آموزشی و تبیین اثرات مثبت پاسخگویی به جامعه اقدام نمایند تا هدف اصلی نظام سلامت که همانا ارتقا سطح سلامت و بهداشت جامعه است تحقق یابد.

کد: ۱۷۲۰

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: تجربیات یادگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقطع پایان نامه: یادگیری ۳۶۰ درجه نویسنندگان: محسن فتیحی کلیدواژه‌ها: پایان نامه، یادگیری، دانشجوی تحصیلات تکمیلی، تحلیل محتوا

متن مقاله: زمینه و هدف: پایان نامه دانشجویی یک تکلیف درسی می باشد که دانشجویان با انتخاب موضوع و انجام تحقیق در مسیری قرار می گیرند که آنها را مواجهه با منابع سرشاری از یادگیری می کند. دانشجویان برای انجام این تکلیف ناخودآگاه می بایست یکسری توانایی و دانش را کسب نمایند. هدف از این مطالعه تبیین تجربه دانشجویان از یادگیری در دوره پایان نامه است. روش کار: در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱). دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع (جنسیت، رشته، ترم تحصیلی، قومیت) وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار یافته است. حداقل یک سوال باز شامل "وقتی می گویم یادگیری در مرحله پایان نامه چیزی به ذهن شما می آید" در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. سایر سوالات کاوشی "چرا، چگونه، مثال بنویسید" بوده اند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع (تکرار پذیری) داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای مرسوم" تحلیل شدند. یافته ها: دو مضمون اصلی این مطالعه "یادگیری ۳۶۰ درجه" و "کسب دانش و مهارت توأم با هم" بوده است. تبیین تجربه مشارکت کنندگان از دوره گذران پایان نامه نشان داد دانشجویان از زوایای مختلف چیز یاد می گیرند که این زاویه می تواند افراد مختلف باشد و هم موضوعات مختلف باشد. مشارکت کنندگان بر این باور بودند علاوه بر یادگیری همه جانبه، از نظر کیفیت نیز یادگیری شان واقعی و اصیل است. "با آزمون و خطا یاد گرفتن، یادگیری از همتایان، اندوخته ها را به دیگران یاد دادن، چیزهای جدید یاد گرفتن، با دست لمس کردن، احاطه پیدا کردن به کار" از مضامین فرعی است. نتیجه گیری: یافته ها نشان داد دانشجویان در مسیر انجام رساله که عالی ترین فعالیت آموزشی محسوب می شود از پوسته منفعل در یادگیری خارج شده و با استفاده از مکانیزم های "یادگیری خود راهبر" تمامی توان خود را برای یادگیری معنی دار و عمیق از بالقوه به بالفعل تبدیل می نمایند.

کد: ۱۷۲۲

حیطه: روش های تدریس  
عنوان: المپیاد علمی: رویکردی برای ارتقای یادگیری خود راهبر، تفکر نقادانه و جسارت علمی  
نویسنندگان: اکرم ثناگو، فاطمه مهرآور، لیلا مهستی جویباری، کلیدواژه‌ها: المپیاد علمی، دانشجو، یادگیری، خودراهبر، تفکر نقادانه، جسارت علمی

متن مقاله: مقدمه و هدف: یکی از روش های بهبود آموزش پزشکی با هدف تقویت تفکر خلاق و حل گروهی مساله در نظام سلامت طراحی مسابقه های کشوری برای دانشجویان مستعد با الگوگیری از المپیاد های علمی می باشد. مطالعه ی حاضر با هدف بررسی تجربیات دانشجویان علوم پزشکی گلستان، شرکت کننده در المپیاد علمی علوم پزشکی در حیطه ی مدیریت نظام سلامت بوده است. روش کار: این مطالعه از نوع کیفی بر روی ۳۰ دانشجوی علوم پزشکی گلستان که تجربه ی آمادگی برای شرکت در المپیاد علمی درون دانشگاهی و یا کشوریدانشجویان علوم پزشکی کشور طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ را داشته اند. با دانشجویان مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. مصاحبه ها دست نویس، کد گذاری و به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: مضامین اصلی استخراج شده در این مطالعه که بیانگر تجارب مشارکت کنندگان از شرکت در کلاس های آمادگی المپیاد علمی بوده است شامل: "ارتباط بین رشته ای"، "یادگیری تیمی در قالب گروه های کوچک علمی"، "یادگیری خود راهبر"، "تفکر نقادانه" و "جسارت علمی" بوده است. نتیجه گیری: المپیاد های علمی به رشد فردی و حرفه ای دانشجویان کمک می کند. دانشجویان در طی آمادگی برای المپیاد به یادگیرندگان خود راهبر تبدیل می شوند فعال و خودجوش در قالب تیم های کوچک علمی به فراگیری مطالب مرتبط به المپیاد می پردازند.

کد: ۱۷۲۴

حیطه: روش های تدریس  
عنوان: بررسی توان علمی اساتید و برخی عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشکده های پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
نویسنندگان: فریبا بیکی  
کلیدواژه‌ها: توان علمی، دیدگاه دانشجویان، اساتید  
متن مقاله: مقدمه و هدف: ارزشیابی اساتید به عنوان یک استراتژی مهم برای ارتقای کیفیت آموزشی مورد توجه



دانشگاههاست؛ یکی از معیار های مهم در ارزشیابی تسلط اساتید بر موضوع است. از طرفی از دیدگاه دانشجویان تسلط استاد بر موضوع درس مهمترین اولویت محسوب می شود. تسلط علمی استاد در ارتقای انگیزه، نشاط، نوآوری، مدیریت کلاس، درگیر نمودن فراگیران در تدریس، افزایش کارایی استاد و دانشجو تأثیر بسزایی دارد. لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط توان علمی استاد با برخی عوامل مرتبط در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و بهداشت انجام شد. روش بررسی: این مطالعه مقطعی با رویکرد توصیفی - تحلیلی در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۹۲ انجام شد، ۹۲۸ پرسشنامه روا و پایای تکمیل شده توسط دانشجویان به روش سر شماری انتخاب شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماري SPSS 16، آزمونهای آماری ضریب همستگی اسپیرمن و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: میانگین نمره تسلط اساتید از دیدگاه دانشجویان  $(10/62 \pm 84/93)$  بود. بین تسلط علمی با قدرت اداره و رهبری کلاس  $(p=000/0, r=0779)$  شرکت فراگیران در بحث و تبادل نظر  $(p=000/0, r=0794)$  و بیان شیوا و قدرت انتقال مطالب  $(p=000/0, r=0879)$  همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت. میانگین نمره تسلط اساتید از دیدگاه دانشجویان رشته های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری نداشت  $(F=903/0P, 0/258)$ . نتیجه گیری: تسلط اساتید از دیدگاه دانشجویان در سطح مطلوبی می باشد. با توجه به ارتباط بین تسلط علمی با عوامل مرتبط، پیشنهاد می شود به منظور ارتقاء سطح قدرت و رهبری کلاس، افزایش مشارکت فراگیران در بحث و تبادل نظر و افزایش قدرت انتقال مطالب، توان علمی اساتید افزایش یابد.

کد: ۱۷۲۷

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: " اتنو گرافی پزشکی ایران " رویکردی برای تلفیق پزشکی خانگی با پزشکی نوین  
نویسندگان: اکرم ثناگو،

کلیدواژه ها: کلمات کلیدی: طب عامیانه، تحقیق، اتنو گرافی

متن مقاله: مقدمه و هدف: پزشکی عامیانه یا فولکلور به آن دسته از شیوه طبابت گفته می شود که تنها به دلیل نقل سینه به سینه آن مورد استفاده قرار می گیرد. پزشکی عامیانه به عنوان اطلاعات خام در صورت بررسی علمی می تواند دیگر مکاتب طبی را یاری دهد. در جهت احیای علوم پزشکی گذشته مطالعه در طب

عامیانه ضروری است. طب مردمی همچون ادبیات مردمی است و طب عامیانه نیز همچون ادبیات عامیانه است، در کشور ما تعداد زیادی از گیاهان دارویی و روش های درمانی شناخته شده که همه اینها در آزمایشگاه تجربه نشده بلکه بر اثر تجربه به اثبات رسیده است. با جمع آوری آن می توانیم این آثار با ارزش طب عامیانه را ثبت نماییم. هدف این فرآیند ثبت طب عامیانه ایران زمین توسط دانشجویان علوم پزشکی گلستان که بومی هر منطقه می باشند است. روش کار: ایده اولیه فرایند از سال ۱۳۸۴ به صورت رسمی از وزارت بهداشت به دانشگاه علوم پزشکی گلستان در قالب یک طرح با عنوان اتنو گرافی طب عامیانه مردم استان گلستان شروع شد و تا کنون توسط دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان که بومی منطقه هستند در قالب طرح های تحقیقاتی دانشجویی کمیته تحقیقات دانشجویی و یا در قالب تکالیف کلاسی مرتبط با درس توسط محققین جمع آوری می شود. نتایج: این فرایند آموزشی تا کنون منجر به تدوین هشت طرح تحقیقاتی حاصل از کار گروهی دانشجویان در چندین سال گذشته شده که طرح مورد تصویب کمیته تحقیقات و در مرحله اجراء می باشد. نتایج حاصل از تدوین و ساماندهی طرح منجر به ارائه مقاله در همایش ها توسط دانشجویان یک مقاله در مجله تحقیقات دانشجویی چاپ شده است. اجرا و ارزشیابی این طرح در قالب طرح تحقیقاتی. اجرای این روش کمک به تربیت دانشجویان محقق در دانشگاه شده است. بحث و نتیجه گیری: این فرآیند باعث فعالیت بیشتر دانشجویان در امر تحقیق شد. بیشترین انگیزه از جانب دانشجویان همراه بود. اما در اجرای فرایند چالش هایی از قبیل "آشنایی نداشتن دانشجویان با شیوه مصاحبه بود که با اجرای مداخلات مناسب توسط استاد راهنما مرتفع گردید.

کد: ۱۷۳۰

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: بررسی برخی عوامل مؤثر بر تصمیم دانشجویان پرستاری برای ماندن در حرفه خود

نویسندگان: زهره بادیه پیمای جهرمی، شهره جوادپور، سمیه

رمضانی، مرضیه کارگر

کلیدواژه ها: تصمیم، ماندن در حرفه، دانشجویان پرستاری، عوامل مؤثر

متن مقاله: مقدمه: ترک حرفه از بزرگ ترین مشکلات حرفه پرستاری است در حالی که کمبود جهانی پرستار معضلی است





که اهداف آینده نظام سلامت را با مشکل مواجه خواهد ساخت. بنابراین ماندن دانشجویان پرستاری و موفقیت آنها در این حرفه یک اولویت مهم است. هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم دانشجویان پرستاری برای ماندن در حرفه خود می باشد. روش کار: این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۲ به روش سرشماری بر روی ۹۸ نفر از دانشجویان سال چهارم پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم و شیراز انجام شد. از پرسشنامه ماندن در پرستاری (NRI, Nurse Retention Inventory) که روایی و پایایی آن تایید گردیده است استفاده شد ( $p = 0/80$ ). تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS v.16 و با آزمون های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار انجام شد. نتایج: یافته ها نشان داد که محل تحصیل، سن، سابقه کار در بیمارستان و معدل ارتباط معنی دار آماری با تصمیم دانشجویان برای ماندن در حرفه پرستاری ندارند ( $P > 0.05$ ) این در حالی است که جنس ( $p = 0.006, t = 0.27$ ) و داشتن علاقه به رشته پرستاری.

کد: ۱۷۳۱

حیطه: برنامه ریزی درسی

عنوان: بررسی کارایی طرح درس دوره از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان بر اساس مدل بزنف نویسندگان: سیامک رجایی، اکرم ثناگو، لیلا جویباری، فاطمه مهرآور، مرصده جمالی  
کلیدواژه‌ها: مدل بزنف، طرح درس، اعضای هیئت علمی  
متن مقاله: مقدمه: یکی از راه های انکار ناپذیر در ارتقا کیفیت آموزش، داشتن طرح درس است. وجود مشکلات ناشی از عدم تناسب محتوای آموزش با وظایف افراد، تدوین چهارچوبی مشخص برای هر درس را ضروری می سازد. با توجه به اینکه برای ارتقا سطح آموزش پزشکی داشتن طرح درس و انجام تدریس بر اساس آن از اهمیت زیادی برخوردار است. این مطالعه به منظور بررسی کارایی طرح درس دوره (course plan) از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ انجام شده است. روش کار: در این مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی با روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده ۷۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در مقاطع بالینی و علوم پایه وارد مطالعه شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مدل بزنف دارای ۶۰ سوال در شش قسمت "باورهای رفتاری، ارزشیابی پیامد،

هنجارهای انتزاعی، عوامل قادر کننده، قصد رفتار، عملکرد" استفاده شد که روایی محتوایی و پایایی آن با استفاده از تعیین ضریب همبستگی آلفای کرونباخ تعیین گردید و تایید شد. استفاده شد. داده ها با استفاده از شاخص مرکزی و درصد و صدک و با استفاده آزمون کای اسکوتر و تی تست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: میانگین سنی ۷۵ عضو هیات علمی دانشگاه ۴۱/۶ و میانگین تعداد سال های تدریس مدرسان ۱۱ سال بوده است. میانگین نمره نگرش نسبت به رفتار از دیدگاه اعضای هیئت علمی  $28/3 \pm 8/3$  و میانگین نمره هنجارهای انتزاعی از دیدگاه اعضای هیئت علمی  $26/7 \pm 6/5$  و میانگین نمره عوامل قادرکننده از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه  $2/5 \pm 7/4$  بوده است. نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که کارایی طرح درس از دیدگاه اعضای هیئت علمی بر اساس مدل بزنف در سطح مطلوبی بوده است.

کد: ۱۷۳۴

حیطه: روش های تدریس

عنوان: ارتقای کیفیت برنامه درسی با شناخت عوامل مؤثر بر انگیزه دانشجویان  
نویسندگان: طیبه شگری، فروزان کاوری زاده، علیرضا میرزایی، دکتر جمیل صادقی فرد  
کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، کیفیت، نگرش  
متن مقاله: مقدمه: میزان و چگونگی دستیابی به اهداف یادگیری، از اصلی ترین معیارهای تعیین اثربخشی و کارایی یک موسسه آموزش عالی است و یکی از اهداف عمده برنامه های درسی آموزش عالی، رشد شخصیتی دانشجویان است که بسیار مهمتر از کسب مهارت های شناختی، علمی و شغلی است. لذا توجه به انگیزه یادگیری و شناخت نیازها و ویژگیهای مخاطبان از شرایط اصلی موفقیت و ارتقای کیفیت برنامه درسی است. روش ها: مطالعه حاضر مقاله مروری است که با جستجوی با جستجوی منابع و مجلات داخلی و منابع خارجی از جمله...Scopus, Springer, Elsevier, Ovid, ERIC, از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ انجام گردید. نتایج: در بررسی انجام شده، از جمله عواملی که در مطالعات مختلف بر ایجاد انگیزه یادگیری و تداوم آن در دانشجویان مؤثر بوده است، می توان به مواردی چون، وجود علاقه شخصی، لزوم حفظ مدرک حرفه ای، ارتقاء حرفه ای و دریافت پاداش، لذت و آرامش ناشی از یادگیری، دسترسی آسان به فرصت های یادگیری و فرصت برای ارائه خدمات به جامعه اشاره کرد. و



از جمله عواملی که بعنوان محدود کننده در یادگیری دانشجویان مطرح گردیده بود و به نوعی عوامل محدود کننده در یادگیری مادام العمر محسوب می شوند، می توان مواردی از جمله، نداشتن فرصت های یادگیری مرتبط با نیاز فرد، فقدان کیفیت در فعالیت های یادگیری، فقدان فرصت های یادگیری متناسب با سبک یادگیری را نام برد. نتیجه گیری: عوامل یاد شده به شکل مستقل و یا با تاثیر بر عوامل دیگر، موجب افزایش یا ممانعت از یادگیری در مخاطبان می گردند. لذا محتوا باید به گونه ای انتخاب شود تا برنامه ریزان آموزشی و آموزش دهندگان با آگاهی از موارد فوق و بکار گیری آنها در طراحی و اجرای برنامه های آموزشی، بتوانند اثر بخشی بیشتری از فرایندهای آموزشی خود کسب نمایند.

کد: ۱۷۵۱

حیطه: روش های تدریس

عنوان: تسهیل یادگیری به کمک همکلاسی از طریق یادگیری بر اساس تیم و یادگیری مشارکتی

نویسندگان: سحر الماسی، امراله روزبهی، مهرداد رجبی، اسما بازیار،

کلیدواژه‌ها: یادگیری به کمک همکلاسی، یادگیری مشارکتی، یادگیری بر اساس تیم

متن مقاله: مقدمه: ارتقای آموزش مبتنی بر پیامد، اصلاح مفاد استانداردهای آموزشی و حمایت از ارتقای کیفیت مداوم آموزش، سه حیطه از ده حیطه اجماع جهانی در ارتباط با پاسخگوئی دانشکده های پزشکی هستند که در مقطع علوم پایه باید مد نظر باشند. هدف: اجرای روش ترکیبی یادگیری بر اساس تیم، یادگیری مشارکتی و یادگیری به کمک همکلاسی در آموزش دروس بافت شناسی و آناتومی روش اجرا: محتوای الکترونیکی آموزشی تهیه و بین دانشجویان توزیع شد. دانشجویان به گروههای ۵ تا ۶ نفر تقسیم گردیدند و تحت عنوان گروههای اولیه، فعالیتهای یادگیری بر اساس تیم را طی دو جلسه انجام دادند. در مرحله بعد گروهها، دو به دو با هم ترکیب شدند و یادگیری مشارکتی طی دو جلسه برگزار گردید. کلاسهای تئوری و عملی پس از پایان مراحل یادگیری بر اساس تیم و یادگیری مشارکتی، به همراه یادگیری به کمک همکلاسی شروع شد. طبق زمانبندی طرح دوره مابقی زمان ترم تا پایان آن، بر اساس یادگیری به کمک همکلاسی اجرا گردید. سخنرانی اساتید و کار در آزمایشگاه نیز طبق برنامه اجرا گردید. از اثر بخشی فرایند

مذکور به شکل کمی و کیفی ارزیابی بعمل آمد. ارزیابی کمی از طریق پرسشنامه لیکرت اجرا شد و ارزیابی کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند با دانشجویان و سپس تحلیل محتوا گردید. از اساتید، کارشناسان و دانشجویان نیز به شکل گروه متمرکز داده ها جمع آوری و تحلیل شد. نتایج: فهم بهتر مطالب و موضوعات درسی، افزایش اعتماد به نفس، ارتقاء ارتباط بین افراد گروه، ایجاد بستر مناسب برای رقابت سالم بین دانشجویان، فراهم نمودن یادگیری فعال تر و تعاملی، ایجاد تداوم محیط یادگیری، افزایش میزان توجه و کاهش افت تحصیلی از نتایج این مداخلات بوده است. ارزیابی کمی در مورد ملاکهای اثربخشی از طریق پرسشنامه، از دانشجویان نظرسنجی گردید که نتایج آن؛ پوشش محتوای درس ۹۴/۳۷ درصد، یادگیری مؤثر ۸۸/۴۴ درصد، ارتقای مهارتها ۹۲/۲۲ درصد، شیوه مؤثر ۹۱/۵۵ درصد، نگرش مثبت دانشجویان ۷۵/۳۱ درصد، ارزشیابی مؤثر ۹۲/۴۵ درصد، مشارکت فعال دانشجویان ۹۶/۵۴ درصد و ارتقای تعامل دانشجویان ۹۰/۴۲ درصد بوده است. بحث و نتیجه گیری: مقاومت هایی از طرف همکاران و یا دانشجویان در ابتدا وجود داشت که با شرکت دادن همه در اجرای فرایند این مقاومت ها مدیریت گردید. دلایل اصلی مقاومت همکاران منتقد تفکر صرف معلمی حاکم بر رفتار آنها و میل به رجعت به شیوه معلم محور بود که با توضیح اصولی از قبیل یادگیری بزرگسالان، هرم یادگیری، سبکها، تئوریها و استراتژیهای یادگیری، یادگیری مادام العمر و تحلیل نمرات دانشجویان برطرف شد. بدیهی است امکانات، توانایی ها، اتمسفر آموزشی، نوع یادگیرنده، پرسنل و شرایط اجرا میزان موفقیت را مشخص می نماید.

کد: ۱۷۵۶

حیطه: ارزشیابی دانشجو

عنوان: مقایسه آزمونهای آسکی پره انترنی و پایان دوره دانشجویان پزشکی ورودی ۸۲، ۸۴، ۸۵ و ۸۶

نویسندگان: مریم حسینی

کلیدواژه‌ها: دانشجویان پزشکی، آزمون آسکی، ارزشیابی متن مقاله: مقدمه: ارزیابی فرآیندی است تئوری و عملی برای جمع آوری اطلاعات جهت تعیین تحقق اهداف آموزشی و بهبود کیفیت آموزش. شیوه ارزیابی از عناصر کلیدی در نظام آموزشی بوده و به نوعی روش یادگیری دانشجویان در طول ترم را تشکیل می دهد. لذا ارزیابی باید به گونه ای طراحی گردد تا بتواند شایستگی های دانشجویان در محیط های واقعی یا شبیه سازی



شده را مورد سنجش قرار دهد. آزمون عینی و ساختارمند بالینی (آسکی) از روشهای ارزشیابی نوین در حیطه مهارتهای عملی میباشد. محاسن متعدد این آزمون از جمله عینی بودن و روایی و پایایی بالا موجب شده است استفاده از آن در ارزشیابی دانشجویان پزشکی در سالهای اخیر در دنیا و همچنین ایران رایج گردد. در دانشگاه علوم پزشکی شیراز، کلیه دانشجویان سال ششم پزشکی قبل از ورود به دوره کارورزی و بار دیگر در پایان دوره کارورزی که مقارن با پایان دوره پزشکی عمومی ایشان میباشد، با شرکت در آزمون آسکی از نظر صلاحیت بالینی مورد ارزشیابی قرار میگیرند. هدف: مقایسه آزمونهای آسکی پرهانتری و پایان دوره دانشجویان پزشکی ورودی ۸۲، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ روش مطالعه: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه مورد مطالعه دانشجویان پزشکی، ورودی ۸۲، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ بوده اند که در دو مرحله (پایان دوره و پرهانتری) در آزمون بالینی با ساختار عینی (آسکی) شرکت کرده اند و در ۱۹ یا ۲۰ ایستگاه ۵ دقیقه ای از نظر شایستگی های بالینی مورد سنجش قرار گرفته اند. اهداف سنجش در این آزمون ها شامل سطوح بالای حیطه شناختی، نگرشی و روانی - حرکتی بوده است. دانشجویان از نظر نحوه برقراری ارتباط با بیمار و همراهش، اخذ شرح حال، انجام معاینه قسمت های مختلف بدن، تفسیر و بررسی یافته های آزمایشگاهی و رادیولوژی، احیای قلبی تنفسی، تشخیص و قضاوت بالینی و... مورد بررسی قرار گرفتند. بدین ترتیب این آزمون ها با اعتبار نسبتاً کافی، تبحر بالینی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا جهت تعیین نرمالیتی داده های جمع آوری شده از آزمون آماری kolmogorove - smirnov استفاده گردید و مشخص شد توزیع داده ها در هر ۴ دوره نرمال بوده بنابراین جهت تعیین ضریب همبستگی از تست پارامتریک پیرسون استفاده گردیده است. یافته ها: پس از تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نتایج مطالعه حاضر بیانگر ارتباط معنی داری بین نمره آزمون آسکی پرهانتری و پایان دوره در هر ۴ ورودی ۸۲، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ می باشد. ( $p \leq 0/005$ ) بحث و نتیجه گیری: برنامه های آموزشی دوره اینترنی نقش بسیار مهمی در افزایش سطح مهارتهای دانشجویان پزشکی قبل از فارغ التحصیلی دارد و آزمون آسکی پرهانتری می تواند روش مناسبی برای ارائه بازخورد مناسب به بخشهای مختلف بالینی جهت برنامه ریزی در دوره اینترنی باشد و زمینه اصلاحات آموزشی در بخشهای ضعیف و ارتقای بیشتر بخشهای مطلوب را موجب شود. اساتید و دانشگاه های علوم پزشکی در

حقیقت به اعتبار نتایج آزمونها، مسئولیت تأیید فراگیران خود را بر عهده می گیرند و به جامعه اطمینان می دهند که دانش آموختگان آنها، صلاحیت علمی و اخلاقی لازم را برای ایفای رسالت خطیری که برعهده خواهند داشت، کسب کرده اند.

کد: ۱۷۵۸

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: مروری بر زیرساخت های شبکه ملی تحول نظام سلامت: چشم اندازی نو در راستای تعامل و آموزش مستمر جامعه تحت پوشش برنامه

نویسندگان: الهه مسرت، آزاده گودینی، لیلا کیخواه، الهام مسرت، کلیدواژه ها: شبکه، آموزش الکترونیکی، نظام سلامت  
متن مقاله: مقدمه: طرح تحول نظام سلامت فرایندی است که نیازمند تعامل مستمر بین متخصصین مراقبت بهداشتی، مصرف کنندگان، بیمه گران و سایر ذینفعان در امر بهداشت و درمان است. یکی از تکنولوژی های موثر و کارآمد برای برقراری چنین تعاملی شبکه آموزشی در راستای پیشبرد برنامه تحول سلامت می باشد. هدف از این مطالعه معرفی زیرساخت های بکارگیری یک شبکه آموزشی ملی در جهت تحول مستمر نظام سلامت می باشد. مواد و روشها: این مقاله از نوع مطالعات مروری می باشد. جستجو از طریق پایگاه هایی چون پایگاه پاب مد، اسکولار و اسکوپوس و با واژگان کلیدی چون شبکه، آموزش الکترونیکی و نظام سلامت انجام گرفت. نتایج: در این مطالعه زیرساخت های شبکه منجمله زیرساخت ساختار سازمانی و مدیریتی آموزش مجازی، زیر ساخت سخت افزاری و نرم افزاری، زیر ساخت اقتصادی و بودجه مورد نظر برای راه اندازی شبکه، زیر ساخت استانداردسازی و بررسی آیین نامه ها و نهایتاً زیر ساخت امنیتی مورد بررسی قرار گرفت. زیر مجموعه هر کدام از زیرساخت ها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه گیری: بررسی زیرساخت های لازم برای راه اندازی شبکه ملی تحول نظام سلامت یکی از پیش نیازهای پیاده سازی مطلوب برنامه تحول می باشد. تعامل مستمر و آگاهی ذینفعان برنامه از طریق تکنولوژی های آموزشی موجود در این شبکه امکان ارتقا مستمر برنامه تحول نظام سلامت را فراهم می آورد. شبکه ملی امکان استفاده از تجارب سایر مراکز و مشارکت اطلاعات آموزشی را امکان پذیر می سازد. بسته های آموزشی موجود در شبکه و مکاتبات بر خط با متخصصین بدون محدودیت زمانی و مکانی امکان آموزش مستمر را برای ذینفعان فراهم می سازد.



کد: ۱۷۶۶

حیطه: روش های تدریس  
عنوان: انگیزش اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه های علوم پزشکی جهت فعالیت های آموزشی  
نویسندگان: مرتضی حیدری  
کلیدواژه ها: انگیزش، عضو هیأت علمی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی، بیمارستان آموزشی  
متن مقاله: اعضای هیأت علمی بالینی، نقشی محوری در آموزش مؤثر دانشجویان پزشکی دارند. آنان منابعی ارزشمند برای دانشگاه محسوب می شوند که نه تنها آموزش پزشکی، بلکه پژوهش در علوم پزشکی و روزآمدسازی آن از یک سو و فعالیت مؤثر در حوزه درمان از سوی دیگر، در گرو ایفای نقش آنان است. برای آنکه چنین نقشی به طور مطلوبی ایفا گردد، ضرورت دارد عضو هیأت علمی علاوه بر اینکه توانمندی لازم را در اختیار داشته باشد، تمایل و آمادگی برای فعالیت را در خود حس کند که در زبان دانش مدیریت، به آن انگیزش گفته می شود و در خصوص آن، پژوهش های بسیاری صورت گرفته و نظریات مختلفی مطرح می باشد. اداره کنندگان دانشکده های پزشکی لازم است با مفاهیم انگیزش در بعد نظری و نیز راهکارهای مختلفی که می تواند در انگیزش اعضای هیأت علمی بالینی، مؤثر واقع شود، آشنایی داشته باشند تا بتوانند ظرفیت بالقوه اساتید خود را به فعلیت برسانند. بخش عمده ای از آموزش دانشجویان پزشکی در مقطع دکتری عمومی و همه آموزش دستیاران پزشکی در مقاطع تخصصی و فوق تخصصی، در بیمارستان های آموزشی و توسط اعضای هیأت علمی بالینی صورت می گیرد. اعضای هیأت علمی بالینی، افرادی هستند که در کنار رسیدگی به بیماران و مداوای آنان، به آموزش دانشجویان و فراگیران پزشکی در مقاطع مختلف تحصیلی، می پردازند. بر اساس آیین نامه ارتقای اعضای هیأت علمی دانشگاه های علوم پزشکی، اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزشی، وظایف اصلی زیر را بر عهده دارند: ۱- فعالیت های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی ۲- فعالیت های آموزشی ۳- فعالیت های پژوهشی، فناوری ۴- فعالیت های علمی، اجرایی (آیین نامه ارتقا، ۱۳۹۱) عضو هیأت علمی، با عنایت به وظایف چندگانه و متنوع خویش، ناگزیر از اعمال نوعی از انتخاب در انجام فعالیت های تعریف شده است. انجام فرایندهای تشخیصی و درمانی، از آنجا که ارتباط مستقیمی با میزان درآمد پزشک عضو هیأت علمی دارد، به خودی خود، از جذابیت کافی برخوردار

است. همچنین، فعالیت های پژوهشی، انواعی از پاداش ها را برای عضو هیأت علمی به دنبال دارند و از طرف دیگر، به ارتقای رتبه و ترفیع پایه فرد منجر شده و به طور غیر مستقیم، در خدمت افزایش عایدی وی قرار می گیرند. فعالیت های آموزشی بنا به ماهیت آن، به سختی قابل سنجش و اندازه گیری دقیق بوده و عدم کسب نمره لازم از فعالیت های آموزشی، به ندرت، ممکن است مانع ترفیع پایه و یا ارتقای رتبه ایشان گردد. بنابراین، غالباً، آموزش در اولویت های بعدی قرار گرفته و انگیزش لازم برای این امر، در اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه های علوم پزشکی، به چشم نمی خورد. از همین رو، به نظر می رسد که لازم است اقدامات انگیزشی مناسب از سوی دانشگاه اتخاذ شود تا وظایف آموزشی اعضای هیأت علمی به نحو مناسب، به انجام برسد. درک صحیح نسبت به موضوع انگیزش اعضای هیأت علمی، می تواند در استخدام و نگهداری اعضای هیأت علمی، تأثیرگذار باشد.

کد: ۱۷۷۱

حیطه: برنامه ریزی درسی  
عنوان: بررسی مقایسه ای کارایی برگزاری کارگاه توانمندسازی کارورزان پزشکی پیش از آغاز دوره با گروه شاهد در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
نویسندگان: محمدرضا پیری اردکانی، محمدرضا فاضل کلیدواژه ها: کارورزان، کارگاه توانمندسازی، مهارت های عملی  
متن مقاله: مقدمه: دوران کارورزی پزشکی پلی مابین آموزش های نظری و کاربرد آن ها در راستای درمان بیماران می باشد. بنابراین علاوه بر آشنایی با دانش های مورد نیاز از جمله فیزیوپاتولوژی، علائم بالینی، روش های تشخیصی و درمان بیماری ها، کارورزان نیاز به مهارت های لازم جهت به کارگیری دانش خود را دارند که متأسفانه آموزش اینگونه مهارت ها در برنامه درسی دانشگاه های علوم پزشکی کشور مدنظر قرار نگرفته است و به نوعی حلقه مفقوده نظام آموزش پزشک عمومی در کشور می باشد که باعث ایجاد مشکلات فراوانی می شود که در نهایت در روند درمان بیماران اثر منفی خواهد گذاشت. مطالعات قبلی نشان داده اند که آزمون پیش کارورزی در برگیرنده تمام نیازهای لازم برای دوره کارورزی نمی باشد و برای بهبود حیطه ها، بخصوص مهارت ها و آشنایی با فرآیند بستری و ترخیص، باید برنامه ریزی های وسیع تری انجام شود. در این مطالعه برآنیم تا کارگاهی را جهت آموزش مهارت های لازم به کارورزانی که به تازگی می خواهند این دوره را شروع کنند، برگزار کنیم و



همچنین کارایی برگزاری چنین کارگاه‌هایی را در جهت رفع مشکلات فوق‌الذکر، بررسی نماییم. روش اجرا: در این مطالعه کارگاهی دوازده‌روزه جهت آمادگی ۱۰۵ کارورز ورودی مهر ۸۸ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که دوران کارورزی خود را از فروردین ماه ۱۳۹۴ آغاز می‌کنند برگزار گردید که طی این کارگاه مباحثی از جمله: احیای قلبی-ریوی پایه و پیشرفته، مدیریت راه هوایی، انواع کاتتر ادراری و نحوه سونداز استریل، نحوه تعبیه لوله نازوگاستریک، پانسمان و انواع روش‌های بخیه زدن، نحوه خونگیری شریانی-وریدی، نحوه تهیه لام خون محیطی و ته نشست ادراری، اصول تفسیر الکتروکاردیوگرام، آشنایی با انواع سرم و به کارگیری صحیح آنها، اصول تفسیر برگه گاز خون شریانی، آشنایی با پرونده‌های پزشکی و اصول پرونده نویسی، نحوه صحیح نگارش دستورات پزشک در پرونده، اصول نوشتاری برگه سیر بیماری، نحوه ارائه گزارش صبحگاهی، نسخه نویسی و نسخه‌های رایج توسط اعضای هیئت علمی، دستیاران و کارورزان تدریس گردید. علاوه بر این، افراد حاضر در کارگاه به گروه‌های کوچکتر تقسیم شده، مهارت‌های عملی به کمک ماکت‌هایی تمرین و تثبیت گردید. همچنین تعداد ۱۰۵ کارورز که در این کارگاه شرکت نکرده بودند، به عنوان گروه شاهد وارد مطالعه شدند. ۳ ماه پس از سپری کردن دوران کارورزی میزان تاثیر کارگاه بر عملکرد این دو گروه از کارورزان به وسیله پرسشنامه‌ای که توسط دستیاران حاضر در بخش‌ها و اساتید تکمیل می‌گردد، مقایسه می‌شود. نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش در گزارش‌های آتی ارائه خواهد گردید.

کد: ۱۷۷۹

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: نقش هیات‌امنا در استقلال دانشگاهی علوم پزشکی

نویسندگان: مرتضی حیدری

کلیدواژه‌ها: استقلال دانشگاهی، هیات‌امنا، آزادی علمی

متن مقاله: آزادی دانشگاه از کنترل خارجی در موضوعات تولید و توزیع دانش و مشارکت دانشجویان در طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های دانشگاه، استقلال دانشگاه نامیده می‌شود. استقلال دانشگاه از زوایای مختلف، قابل تصور است که مهم‌ترین آنها، استقلال از دولت، استقلال از بخش تجاری و استقلال از دین است. بر این مینا، چهار بعد استقلال دانشگاهی، به شرح زیر قابل ذکر می‌باشند: - استقلال علمی - استقلال اداری و استخدامی -

استقلال سازمانی - استقلال مالی طبق اعلامیه لیسبون، اصول خودمختاری دانشگاهی شامل استقلال آکادمیک (سرفصل دروس و پژوهش)، استقلال مالی (بودجه‌ریزی و نظام حقوق و دستمزد)، استقلال سازمانی (ساختار دانشگاه) و استقلال نیروی انسانی (مسئولیت به کارگیری و ارتقا). اعلامیه لیسبون به علاوه بیان می‌کند که دانشگاه‌های قدرتمند با خودمختاری و پاسخگویی بیشتر قادر خواهند بود به سرعت، به تغییراتی که جامعه از آنها مطالبه می‌کند، پاسخ دهند. استقلال علمی یا آکادمیک به معنی توانایی تصمیم‌گیری دانشگاه در رابطه با وظایف و مأموریت‌های خود می‌باشد. این آزادی در فعالیت‌های گوناگون دانشگاه از جمله آزادی در تعیین استراتژی‌های آکادمیک، آزادی در گزینش دانشجو، آزادی در تنظیم قراردادهای پژوهشی، آزادی عمل در تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی، آزادی عمل در وضع معیارها و تعیین روش‌های ارزیابی، آزادی در تنظیم تعاملات علمی و آزادی در طراحی و ارائه مدارک علمی، باید وجود داشته باشد. افزایش استقلال و به تبع آن، لزوم پاسخگویی، باعث پدید آمدن تغییرات زیادی شده است که حاکی از تغییر از خود حاکمیتی دانشگاهی در میان جامعه بسته‌ای از دانشمندان به مدل‌های جدیدی از حاکمیت است که در آنها، بازتوزیع مسئولیت، پاسخگویی و قدرت تصمیم‌گیری در بین ذی‌نفعان داخلی و خارجی است. در بررسی حاکمیت دانشگاهی در کشورهای عضو OECD، حدود استقلال دانشگاه‌ها در ۱۴ کشور عضو و در ۸ حیطه، مورد بررسی قرار گرفت. بدین معنی که پیمایشی در بین کشورهای یاد شده صورت گرفت تا معلوم شود آیا دانشگاه‌ها، آزادی عمل دارند تا: ۱. تملک ساختمان‌ها و تجهیزات خود را در اختیار داشته باشند ۲. در صورت نیاز، به استقراض منابع بپردازند ۳. به هر نحو که لازم می‌دانند بودجه‌ها را در جهت تحقق اهداف خود به کار برند ۴. ساختار آموزشی و محتوای دوره‌های خود را تعیین کنند ۵. در جذب و به کارگیری و اخراج اعضای هیأت علمی، آزادی عمل داشته باشند ۶. حقوق و دستمزد کارکنان خود را تعیین کنند ۷. میزان پذیرش دانشجوی خود را تعیین کنند ۸. میزان شهریه دانشجویان خود را تعیین کنند خودگردانی دانشگاهی که به حاکمیت از طریق اجماع درون بخشی و بین بخشی جوامع علمی درون یک مؤسسه آموزش عالی اشاره دارد. در برنامه پنجم توسعه کشور و نقشه جامع علمی کشور نیز به استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های اصلی آموزش عالی مکرراً مورد تأکید قرار گرفته و واگذاری اختیارات قانونی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به



منظور ایجاد انعطاف در اجرای برنامه‌ها، افزایش کارآمدی و تسهیل و روان‌سازی فعالیت‌ها به ویژه در برنامه‌ریزی، راه‌اندازی رشته، جذب هیأت علمی و دانشجو از راهبردهای اصلی در توسعه سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت آموزش عالی به شمار می‌رود. با وجود ایفای نقش مهم هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی، این نهادهای تأثیرگذار با آنچه که درخور شأن آنها و مورد انتظار از آنها است، فاصله زیادی دارند و به نظر می‌رسد در حال حاضر، صرفاً در حال تمرین کردن وظایف اساسی و اختیاراتی هستند که به آنها داده شده است.

کد: ۱۷۹۰

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: مقایسه دیدگاه کارکنان درمانی و پزشکان و بیماران در رابطه با طرح تحول نظام سلامت در ایران  
نویسندگان: اردشیر افراسیابی فر، اسدالله موسوی  
کلیدواژه‌ها: دیدگاه، کارکنان درمانی، پزشکان، بیماران، طرح تحول سلامت

متن مقاله: مقدمه و هدف: طرح تحول سلامت در ایران با هدف بهبود و ارتقاء خدمات سلامت به آحاد مختلف جامعه طراحی و در حال اجرا می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین مقایسه دیدگاه کارکنان درمانی، پزشکان و بیماران در خصوص طرح تحول نظام سلامت انجام گردیده است. مواد و روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی مقایسه‌ای است که جامعه مورد مطالعه آن را کارکنان درمانی، پزشکان و مراجعه‌کنندگان به بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی یاسوج تشکیل می‌دهند. تعداد ۱۱۵ نفر به روش تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه نظر سنجی دو قسمتی که بخش اول آن شامل اطلاعات دموگرافیک و قسمت دوم شامل دیدگاه شرکت‌کنندگان در خصوص طرح تحول سلامت بود، جمع‌آوری گردید. روایی پرسشنامه از طریق آزمون مجدد مورد تایید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ (۰/۷۹) تعیین گردید. نمونه‌های مورد مطالعه در خصوص اجرای طرح تحول نظام سلامت پرسشنامه را تکمیل نمودند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آمارهای توصیفی، شاخص‌های متمایل به مرکز و پراکندگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که ۴۷/۴٪ (۵۵ نفر) نمونه‌ها مرد و ۵۲/۶٪ (۶۱ نفر) زن بودند. همچنین ۱۳/۸٪ (۱۶ نفر) از شرکت‌کنندگان در مطالعه را پزشک، ۳۶/۲٪ (۴۲ نفر) را پرستار، ۲۴/۱۵٪ (۲۸ نفر) را کارکنان دیگر و

۲۵/۸۵٪ (۳۰ نفر) را بیمار تشکیل داده بودند. حدود ۶۸/۲٪ افراد اطلاعات نسبتاً خوبی در باره طرح داشتند و ۶۳/۸٪ شرکت‌کنندگان از نحوه اجرای طرح ناراضی و مابقی رضایت داشتند. ۵۱/۷٪ از شرکت‌کنندگان معتقد بودند که ذینفعان اصلی طرح پزشکان و بیماران، ۳۹/۷٪ اعتقاد داشتند که همه افراد جامعه ذینفع هستند و ۸/۶٪ افراد نیز بر این باور بودند که فقط پزشکان ذینفعان اصلی طرح می‌باشند. حدود ۴۴/۸٪ شرکت‌کنندگان معتقد بودند که طرح فوق تأثیر خوبی بر بهبود کیفیت خدمات داشته است و ۵۵/۲٪ نیز تأثیر طرح را بر ارتقاء کیفیت خدمات سلامت کم میدانستند. در مجموع ۶۲٪ افراد از اجرای طرح ناراضی و ۳۸٪ رضایت داشتند. بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که طرح فوق اگرچه در ابتدای راه می‌باشد ولی با عنایت به ذینفع بودن بیماران و رضایت پزشکان با بر طرف نمودن اشکالات و جلب رضایت سایر کارکنان بهداشتی درمانی در صورت تامین منابع مالی در آینده می‌تواند موفقیت بیشتری داشته باشد و جهت ارزیابی بهتر تحقیقات بیشتر و نمونه‌های بیشتری لازم می‌باشد.

کد: ۱۷۹۲

حیطه: مدیریت و رهبری

عنوان: بررسی ارتباط کیفیت زندگی کاری با میزان همدلی در اساتید دانشگاه علوم پزشکی قم  
نویسندگان: احمد کچویی، ته‌مین ددخواه تهرانی، امین حسینی شاوون، نازنین شماعیان رضوی، هدی احمري طهران  
کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی کاری، بهره‌ی همدلی، اعضای هیات علمی

متن مقاله: مقدمه: اعضای هیات علمی به عنوان بزرگترین ارائه‌دهنده خدمات آموزشی باید از کیفیت زندگی کاری مطلوبی برخوردار باشند تا بتوانند بهترین آموزش را به دانشجویان ارائه نمایند. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین کیفیت زندگی کاری با میزان همدلی در اساتید دانشگاه علوم پزشکی قم انجام گرفت. مواد و روش‌ها: داده‌های این مطالعه توصیفی-تحلیلی از ۷۶ عضو هیات علمی شاغل در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی قم به روش سرشماری جمع‌آوری و فرم اطلاعات دموگرافیک و مقیاس سنجش کیفیت زندگی کاری، بهره‌ی همدلی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. شاخص‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی زوج برای تحلیل



داده‌ها در محیط نرم افزار آماری SPSS 16 استفاده و در تمام آزمون‌ها سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج: در مطالعه حاضر اکثریت اعضای هیات علمی مرد (۶۸/۴٪)، متاهل (۸۴/۲٪) و استادیار (۶۰/۵٪) بودند. یافته‌ها نشان داد اکثریت نمونه‌های مورد پژوهش از کیفیت زندگی کاری، بهره‌ی همدلی متوسطی برخوردار بودند. در این رابطه بین کیفیت زندگی کاری با بهره‌ی همدلی و بخشودگی بین فردی ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده شد ( $P < 0.05$ ). نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، نمونه‌های مورد پژوهش از کیفیت زندگی کاری، بهره‌ی همدلی متوسطی برخوردار بودند. با توجه به تاثیر همدلی بر کیفیت زندگی کاری توجه به آموزش و تقویت مهارت همدلی امری ضروری است.

کد: ۱۷۹۵

حیطه: ارزیابی برنامه

عنوان: ارزیابی منابع و الگوهای مطالعاتی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم

نویسندگان: هدی احمري طهران، احمد کچویی، مینا گائینی،

مجتبی قدیری مطلق، اعظم محمد علیپور

کلیدواژه‌ها: منابع، الگوهای مطالعاتی، دانشجویان، قم

متن مقاله: سابقه و هدف: مطالعه از عوامل عمده در پیشرفت پژوهش و نظام‌های آموزشی است، به همین جهت تلاش در جهت بهبود وضع مطالعه و منابع مطالعاتی یکی از اقدامات مهم آموزشی به حساب می‌آید. برنامه ریزان آموزشی توجه ویژه‌ای به عوامل مؤثر بر یادگیری دارند و لازمست از الگوی مطالعاتی، عادات، منابع مورد استفاده دانشجویان مطلع باشند تا با شناخت نقاط قوت و ضعف این الگوها تغییر برنامه آموزشی را فراهم نمایند. پژوهش حاضر با هدف تعیین الگوی مطالعاتی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۱ انجام شد. مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی و قطعی بود. نمونه‌های این پژوهش شامل ۷۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی قم بود. ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات فردی نمونه‌های مورد پژوهش و نیز تعیین الگو و منابع مطالعاتی بود. از آمار توصیفی و آزمون آماری کای مجذور استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS V18 در سطح معنی‌داری  $p < 0.05$  استفاده شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش

نشان دهنده آن بود که به ترتیب اولویت منبع مطالعاتی جهت مطالعه، اکثریت (۴۴/۳٪) جزوات کلاسی به همراه کتب ترجمه شده، ۱۷/۱٪ تنها جزوه استاد، ۱۲/۹٪ تنها کتب ترجمه شده استفاده می‌نمودند. لازم به ذکر است اکثر آنان (۹۵/۷٪) از کتب مرجع انگلیسی استفاده نمی‌کردند. میانگین و انحراف معیار ساعت مطالعه در روز  $0.6 \pm 2/17$  و اکثریت نمونه‌ها نیز (۶۲/۹) تنها موقع امتحانات مطالعه داشتند. ۵۱/۴٪ اطاق شخصی و سپس ۲۱/۴٪ کتابخانه‌های عمومی را برای مطالعه خویش ترجیح می‌دادند. ۳۵/۷٪ قبولی در مقاطع بالا را به عنوان انگیزه خود برشمردند. بین رشته تحصیلی با میزان استفاده از کتابخانه، مطالعه موردی، مناسب بودن محل کتابخانه برای دسترسی به منابع، امکانات کتابخانه ارتباط معنی‌داری مشاهده نگردید. نتیجه‌گیری: بررسی نظرات دانشجویان رشته‌های مختلف در نحوه استفاده از منابع اطلاعاتی مبین آن بود که عمدتاً از جزوات و منابع ترجمه شده و اینترنت استفاده می‌نمایند. و از کتابهای انگلیسی مرجع استفاده نکرده و به جزوات آموزشی اساتید خود اکتفا می‌نمایند. با توجه به یافته‌های پژوهش و نتایج حاصله در تعیین مشکلات و نقاط ضعف موجود در منابع مطالعاتی انتظار می‌رود که اساتید گرامی نیز با آموزش صحیح دانشجویان را در استفاده بیشتر از کتابهای مرجع و انگلیسی و استفاده کمتر از جزوات کلاسی ترغیب نمایند

کد: ۱۷۹۹

حیطه: روش‌های تدریس

عنوان: بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی یاسوج

نویسندگان: محمدعلی مقیمی، ابراهیم مومنی، سیمای

محمدحسینی، مسعود مقیمی

کلیدواژه‌ها: اوقات فراغت، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی

متن مقاله: اوقات فراغت، ایامی هستند که افراد به میل خود و در روز از تعهدات مربوط به کار، خانواده و جامعه صرف تجدید قوا، تفریح و سرگرمی، گسترش آگاهی، افزایش قابلیت‌های شخصی و یا شرکت در فعالیتهای اجتماعی می‌کنند. بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت به دانشجویان به منظور حصول اطلاع از این امر و دریافت محدودیت‌ها و نقاط ضعف و از سوی دیگر، دریافت نظر دانشجویان در زمینه چگونگی گذراندن اوقات فراغت در برنامه ریزی مفید و سرمایه‌گذاری مناسب به منظور گذراندن حداقل بخشی از اوقات فراغت در محیط دانشگاه موثر خواهد بود.



لذا این مطالعه به منظور بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در سال ۱۳۹۱ انجام شد. مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که به صورت مقطعی در نیم سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد. جامعه آماری ۳۵۰ نفر از دانشجویان بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود، اطلاعات جمع آوری شده از طریق آزمونهای آماری و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نتایج نشان داد که سن دانشجویان انتخاب شده در این مطالعه بین سنین ۲۵ - ۱۸ سال بود. از این دانشجویان ۷۴٪ مونث و ۲۶٪ مذکر بودند، حدود ۸۸٪ غیر شاغل و بقیه شاغل بودند. در مورد نحوه گذراندن وقت خود حدود ۱۲٪ به ورزش و ۵۷٪ استفاده از تلفن همراه و استفاده از اینترنت را ترجیح می دادند. ۱۰٪ به مطالعه (درسی و غیر درسی)، ۱۴٪ با دوستان بودن و بقیه به کارهای دیگری می پرداختند. بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه اخیر بیانگر آن است که بیشترین وسیله ای که اوقات فراغت دانشجویان را پر می کند تلفن همراه و استفاده از اینترنت و بوده و پس از آن گوش دادن به موسیقی سرگرمی دیگر دانشجویان است. لذا توجه بیشتر و دقیق تر مسئولین برنامه ریزی و اجرایی به نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان و اهمیت دادن به این امر مهم بسیار ضروری است.

کد: ۱۸۱۸

حیطه: روش های تدریس

عنوان: بررسی تاثیر آموزش خودمراقبتی در بیماران تحت همودیالیز در بیمارستانهای آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کردستان

نویسندگان: فواد رحیمی

کلیدواژه ها: خودکارآمدی، همودیالیز، مدل خودمراقبتی اورم  
متن مقاله: مقدمه: خودکارآمدی، به معنای اعتقاد یک فرد به توانایی خود جهت موفق شدن در یک وضعیت خاص است. برانگیختن توان خودکارآمدی بیماران تحت همودیالیز و برنامه ریزی براساس آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بهره گیری از تئوریهای پرستاری بویژه تئوری اورم، در ارتقاء خودکارآمدی این بیماران می تواند موثر باشد. از این رو مطالعه فعلی با هدف تعیین تاثیر آموزش خودمراقبتی بر سطح خودکارآمدی بیماران تحت همودیالیز انجام شد. مواد و روش ها: پژوهش حاضر، مطالعه ای نیمه تجربی (Quasi experimental) از نوع مداخله - کنترل (Case-Control) می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل

پرسشنامه: (مشخصات جمعیت شناختی، نیازسنجی آموزشی براساس مدل اورم و تعیین سطح خودکارآمدی) می باشد. ۴۰ بیمار به روش مبتنی بر هدف انتخاب و در دو گروه مداخله و کنترل مورد مطالعه قرار گرفتند (هر گروه شامل ۲۰ بیمار). بعد از انجام پیش آزمون، برنامه خودمراقبتی طراحی شده در طی سه مرحله برای گروه مداخله اجرا شد. ۱- ارزیابی نیازهای خودمراقبتی در واحدهای مورد مطالعه ۲- مداخله در حیطه های جسمی، روحی روانی و اجتماعی نیازهای خودمراقبتی ۳- پیگیری بیماران به مدت ۳۵ روز، سپس پس آزمون انجام شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSS و پیرایش ۱۶ و با استفاده از آزمونهای آماری مستقل، کای اسکوئر ( $X^2$ ) و من ویتنی انجام شد. یافته ها: نتایج نشان داد که اختلاف میانگین نمرات نیازسنجی آموزشی در زمینه خودمراقبتی ( $P=0/67$ ) و خودکارآمدی ( $P=0/85$ ) در مرحله پیش آزمون، معنی دار نمی باشد. اما در مرحله پس آزمون در بعد نیازسنجی آموزشی در زمینه خودمراقبتی تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده شد ( $P=0/03$ ). از نظر سطح خودکارآمدی در مرحله پس آزمون تفاوت بین دو گروه مشاهده شد. اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نشد ( $P=0/315$ ). نتیجه گیری: با توجه به وابسته بودن بیماران تحت همودیالیز در دریافت خدمات مراقبتی، شناخت نیازهای خودمراقبتی بیماران بر اساس تئوریهای پرستاری و برنامه ریزی مراقبتی به سازگاری بیمار و افزایش فعالیت های خودمراقبتی و در نتیجه کاهش هزینه ها در راستای نظام تحول سلامت کمک خواهد کرد.





## فرایندهای برتر شانزدهمین همایش آموزش علوم پزشکی و جشنواره شهید مطهری

تیپ دانشگاه	حیطه	دانشگاه	رتبه	کد فرایند	عنوان فرایند
۱	تدوین وبازنگری	کاشان	۱	۳۴	تدوین، اجرا و ارزشیابی کوریکولوم دوره آموزش بازتوانی روانی مبتنی بر جامعه برای دستیاران روانپزشکی
		تهران	۲	۲۲۷	طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه "همراه" برای دانشجویان مقطع علوم پایه دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران در محیط های استاندارد شده
		اصفهان	۳	۱۶	طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی تشخیص و درمان کمردرد به روش مجازی و مبتنی بر الگوی (ADDIE) جهت پزشکان عمومی
	روش و تکنیک	شیراز	۱	۶۷	آموزش مهارت تشخیص بیماری ها به کمک فیلم؛ راهی برای تبدیل دانشجوی پزشکی به پزشک دانشجو
		شهید بهشتی	۲	۲۵۹	برگزاری جلسات ژورنال کلاب با الگوی طبابت مبتنی بر شواهد در دپارتمان طب اورژانس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
		مشهد	۳	۲۳۷	راهبرد مشارکتی، آموزش بر پایه جستجو و کاربست هوش هیجانی؛ تلفیقی اثربخش در ارتقای مهارت یادگیری دانشجویان هزاره نوین
	سنجش و ارزشیابی	شیراز	۱	۱۰۸	ارزشیابی فعالیت های دانش پژوهی اساتید این دانشگاه و ارتقای آن ها با به کارگیری مدل (Q2 Engage)
		تهران	۲	۲۲۹	ارزشیابی دستیابی به پیامدهای برنامه بازنگری پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقطع علوم پایه
		کاشان	۳	۵۸	تلفیق روشهای ارزیابی مبتنی بر عملکرد (Logbook&Dops) در ارائه و ارزشیابی کارآموزی در عرصه دانشجویان کارشناسی هوشبر
	مرجعیت و رهبری	مشهد	۴	۲۳۴	استانداردسازی ساختار ارزشیابی دانشجویان (آزمون بالینی ساختارمند عینی Objective Structured Clinical Exam OSCE نشانه شناسی عملی) متناسب با نحوه آموزش در مرکز مهارت های بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در راستای بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش بالینی
		کرمان	۱	۱۲	طراحی و راه اندازی تالار گفتمان المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور؛ تجربه ای از شبکه سازی بین نخبگان دانشجو
		شهید بهشتی	۲	۲۷۴	طراحی و پیاده سازی مدیریت کیفیت مبتنی بر استانداردهای بین المللی ISO 9001- Version 2008 در دانشکده دندانپزشکی شهید بهشتی
	مشاوره و راهنمایی	تهران	۱	۱۹۹	طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزشی با رویکرد هنر و رسانه در آموزش موضوعات اخلاقی، روانی و اجتماعی به دانشجویان پزشکی
		تبریز	۲	۸۳	برنامه مشاوره و راهنمایی کارورزان در مورد فرآیندها و نیازهای پس از پایان دوره پزشکی عمومی توسط دستیار (Student-resident mentorship program)
محصولات آموزشی		اصفهان	۱	۲۱۶	طراحی - ساخت و بکار گیری مانکن دست انسان برای آموزش رگ گیری و بخیه زدن
		شهید بهشتی	۲	۲۶۵	آموزش عملی روش جدید جراحی جمجمه در پلاژیوسفالی به دستیاران جراحی پلاستیک - فلوشیپ جراحی جمجمه، فک و صورت با بکارگیری بسته آموزشی شامل فیلم و انیمیشن از جراحی جمجمه
		اهواز	۳	۲۲۵	پیاده سازی روشی نوین جهت استفاده از رادیوگرافی دیجیتال در آموزش رادیولوژی فک و صورت در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز



تیپ دانشگاه	حیطه	دانشگاه	رتبه	کد فرایند	عنوان فرایند
۲	تدوین و بازنگری	بجنورد	۱	۲۳۹	تدوین، توسعه و اجرای برنامه آموزشی و کوریکولوم دوره کارآموزی در عرصه کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی به منظور افزایش تطابق توانمندی های آموزشی، پژوهشی دانشجویان با نیازهای واقعی جامعه
		قزوین	۲	۱۷۳	طراحی استانداردهای آموزش بالینی کاردانی فوریتهای پزشکی
		تربت حیدریه	۲	۹۰	نوآوری در طراحی و ارتقاء کیفیت ارائه درس بهداشت مدارس به شیوه ادغام عمودی با رویکرد آموزش پاسخگو: گامی در راستای تحول نظام سلامت
روش و تکنیک	ارتش	۱	۲۲		طراحی و اجرای شیوه نوین آموزش خود حفاظتی در حملات شیمیایی به روش شبیه سازی نظامی و مقایسه آن با روش نمایش در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران
	بیرجند	۲	۱۰۵		کاربرد ارزیابی همتابان با استفاده از شبیه سازی با فناوری بالا به عنوان یک تکنیک آموزشی
	البرز	۳	۱۱۶		آموزش یادگیری الکترونیکی راهبردی برای توسعه و بهبود مهارت های بالینی در کارآموزی بهداشت جامعه پرستاری
سنجش و ارزشیابی	سبزوار	۱	۲۴۶		بازنگری فرم ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید با تاکید بر ابعاد تدریس
	ایران شهر	۲	۱۴۷		تدوین، اجرا و ارزشیابی عملکرد مدیریتی دانشجویان پرستاری و مامایی به روش BARS (مقیاس رتبه ای سنجش رفتار)
	بجنورد	۳	۲۴۷		ارزیابی اخلاق حرفه ای مدرسین بالینی براساس الگوی (بازخور ۳۶۰ درجه)
مرجعیت و رهبری	بیرجند	۱	۱۵۰		مدیریت محتواهای چند رسانه ای علوم پزشکی با راه اندازی و توسعه یک سامانه تیوب چند رسانه ای فرا دانشگاهی
مشاوره و راهنمایی	گناباد	۱	۲۲۲		بازنگری درس آناتومی رشته فوریت پزشکی مقطع کارشناسی ناپیوسته دانشگاه علوم پزشکی گناباد براساس مدل کرن
محصولات آموزشی	ساوه	۱	۱۲۶		طراحی نرم افزار موبایل آموزش نوار قلب (ECG به همراه خودآزمایی): گامی در جهت یادگیری موبایل (mobile learning)
	البرز	۲	۱۳۵		پرستاری کودکان را با یادیار بیاموزیم
	ارتش	۳	۱۱		طراحی و اجرای محتوای الکترونیکی درس باکتری شناسی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش بر اساس الگوی طراحی آموزشی گانیه، گامی در بهبود کیفیت یادگیری



## فرایندهای قابل تقدیر شانزدهمین همایش آموزش علوم پزشکی و جشنواره شهید مطهری

کد فرایند	حیطه	عنوان فرایند	دانشگاه
۱۶۰	مشاوره و راهنمایی	عنوان فرآیند: توسعه کیفی آموزش اخلاق حرفه ای در پرستاری: فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش اخلاق پرستاری با روش یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL)	همدان
۱۱۵	محصولات آموزشی	طراحی و اجرای نرم افزار آموزشی انگل شناسی قابل نصب در تلفن همراه برای دانشجویان گروه علوم پزشکی	ارومیه
۸۷	مشاوره و راهنمایی	فرآیند ترویج فرهنگ اخلاق حرفه ای با الگوی استاندارد نوین درباره اخذ رضایت نامه آگاهانه از بیماران در دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد	یزد
۴۰	تدوین و بازنگری برنامه‌های آموزشی	تلفیق آخرین دستورات عملیاتی کشوری نظام مراقبت بیماریهای عفونی در دوره ی MPH دستیاران بیماریهای عفونی و گرمسیری	زاهدان



کد: ۱۲

رتبه: رتبه اول

حیطه: مرجعیت، رهبری و مدیریت آموزشی

عنوان: طراحی و راه اندازی تالار گفتمان المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور؛ تجربه ای از شبکه سازی بین نخبگان دانشجو

صاحب: دکتر رضا دهنویه

همکاران: دکتر رضا دهنویه - رضا شیخ زاده، دکتر سمیه نوری حکمت، دکتر رستم سیف الدینی، دکتر مجید فصیحی، دکتر کامبیز بهالدینی، دکتر عباس آقایی افشار، دکتر مزگان سنجرى، دکتر محسن بصیری، دکتر محمودرضا دهقانی، بنت الهدی ودیعتی، هاجر شفیعیان، دکتر پیام خزائلی

صاحب: منیره عبادی

همکاران: سیمین تاج شریفی فر، آرمین زارعیان

رتبه: رتبه اول

کد: ۲۲

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: طراحی و اجرای شیوه نوین آموزش خود حفاظتی در حملات شیمیایی به روش شبیه سازی نظامی و مقایسه آن با روش نمایش در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران

عصاریان، رضوان ساعی، زهرا قره داغی

همکاران: دکتر مرضیه اخباری، دکتر محمد منایی، دکتر علی فیروزی زاده، دکتر زهرا ربیعی، دکتر عبدالله امیدی، دکتر سیامک افشین مجد، دکتر سعید علیرضا مروجی، دکتر زریچهر وکیلی، دکتر محمد حسین اعرابی، دکتر کاظم ملکوتی

رتبه: رتبه اول

کد: ۳۴

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: تدوین، اجرا و ارزشیابی کوریکولوم دوره آموزش بازتوانی روانی مبتنی بر جامعه برای دستیاران روانپزشکی

صاحب: دکتر افشین احمد وند، دکتر حمید طاهر خانی، دکتر منصوره مومن هروی، دکتر زهرا سپهر منش، دکتر گودرز عکاشه، دکتر فاطمه سادات قریشی، دکتر فاطمه

کد: ۶۷

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: آموزش مهارت تشخیص بیماری ها به کمک فیلم؛ راهی برای تبدیل دانشجوی پزشکی به پزشک دانشجو



صاحب: دکتر امین فیلی

حیطه: محصولات آموزشی

همکاران: دکتر محمد هادی ایمانیه / دکتر جواد کجوری /  
دکتر افشین برهانی حقیقی / دکتر امیررضا دهقانیان / دکتر  
مهوش علیزاده / دکتر سید علیرضا تقوی / دکتر میترا  
امینی / شیرین قنواتی / ذبیح اله هاشم زهی / اسما اسلامی  
/ آرش حسینی مقدم / حسین کریمی

عنوان: طراحی نرم افزار موبایل آموزش نوار قلب ( ECG به  
همراه خودآزمایی): گامی در جهت یادگیری موبایل  
(mobile learning)

صاحب: حمیدرضا کوهستانی

همکاران: نیره باغچقی - کورش رضایی

رتبه: رتبه اول

رتبه: رتبه اول

کد: ۱۵۰

کد: ۱۰۸

حیطه: مرجعیت، رهبری و مدیریت آموزشی

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: مدیریت محتواهای چند رسانه‌ای علوم پزشکی با  
راه اندازی و توسعه یک سامانه تیوب چند رسانه‌ای فرا  
دانشگاهی

عنوان: ارزشیابی فعالیت های دانش پژوهی اساتید این  
دانشگاه و ارتقای آن ها با به کارگیری مدل (Q2 Engage)

صاحب: دکتر جواد کجوری

صاحب: دکتر مجید زارع بیدکی

همکاران: دکتر عاطفه ثقه الاسلام، دکتر حمیدرضا  
پاکشیر، دکتر محمد هادی ایمانیه، دکتر میترا امینی، دکتر  
محمود نجابت، دکتر محمد مهدی ثاقب، دکتر محمدرضا  
دهقانی، دکتر کوروش عزیزی، پریسا نبیئی، دکتر فرناز  
تکمیل، دکتر لیلا بذرافکن، دکتر محبوبه صابر، لیلا رئیس  
نژادیان، هاجر شیعه، سارا ریواز، هاجر دهقان، فاطمه  
رحیمی، نرجس یقطین

همکاران: علی رجب پور صنعتی، دکتر فرشید عابدی،  
یحیی محمدی، مهندس مهدی قاضی زاده، مهندس حمید  
حسین پور، سهیلا عرفانی، یگانه مهدی زاده، سجاد  
صدری نیا

رتبه: رتبه اول

رتبه: رتبه اول

کد: ۱۲۶



کد: ۱۹۹

حیطه: مشاوره و راهنمایی و فعالیت های فرهنگی و امور تربیتی و اجتماعی

عنوان: طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزشی با رویکرد هنر و رسانه در آموزش موضوعات اخلاقی، روانی و اجتماعی به دانشجویان پزشکی

صاحب: دکتر ملیحه کدیور

همکاران: محبوبه خباز مافی نژاد، دکتر عظیم میرزازاده، دکتر فریبا اصغری، دکتر جواد توکلی بزاز

رتبه: رتبه اول

کد: ۲۳۹

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: تدوین، توسعه و اجرای برنامه آموزشی و کوریکولوم دوره کارآموزی در عرصه کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی به منظور افزایش تطابق توانمندی های آموزشی، پژوهشی دانشجویان با نیازهای واقعی جامعه

صاحب: سید حمید حسینی

همکاران: هاشم حشمتی - دکتر علی حجازی - دکتر حمید رضا محدث حکاک - حسین لشکر دوست - عبدالله برزگر - سید حمید نبوی - رضوان رجب زاده - هادی علیزاده سیوکی - محمد احمد پور - دکتر ناصر بهنام پور - علی خانی جیحونی

رتبه: رتبه اول

کد: ۲۱۶

حیطه: محصولات آموزشی

عنوان: طراحی - ساخت و بکار گیری مانکن دست انسان برای آموزش رگ گیری و بخیه زدن

صاحب: دکتر امیر حسین صالحی

همکاران: دکتر محمد دادگستر نیا، دکتر نیکو یمانی

رتبه: رتبه اول

کد: ۲۲۲

حیطه: مشاوره و راهنمایی و فعالیت های فرهنگی و امور تربیتی و اجتماعی

کد: ۲۴۶

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی



صاحب: دکتر عبدالجلیل کلانتر هرمزی

همکاران - :

رتبه: رتبه دوم

کد: ۲۷۴

حیطه: مرجعیت، رهبری و مدیریت آموزشی

عنوان: طراحی و پیاده سازی مدیریت کیفیت مبتنی بر  
استانداردهای بین المللی ISO 9001- Version 2008 در  
دانشکده دندانپزشکی شهید بهشتی

صاحب: دکتر کاظم دالایی - دکتر الهه وحید دستجردی -  
دکتر حمید رضا خلیقی - دکتر عبدالحمید ظفرمند - دکتر  
مهدی کدخدازاده - دکتر مریم معزی زاده

همکاران: نمایندگان واحد مدیریت کیفیت در بخش های  
مختلف دانشکده (خانم حدیث کریمی، فرح پرهیزگار، سایه  
داوری، شاهرخ امینی، خانم منصوره دمیرچی لو، آقای  
حمید فرهادی، خانم مرجان اکبرزاده، آقای علی تازی، خانم  
پروین غفور محسنی، آقای اصغر محمودی، خانم مریم  
شاطرملک، آقای حسن گلی، خانم سکینه تیموری، خانم  
منصوره شهرزادپور، خانم مینا خدایی، آقای حسین  
زینعلی، آقای مرتضی مهربان، خانم نیلوفر اعزاز، آقای  
رمضان علی عمرانی، آقای حبیب اله شاکری، خانم مینا  
خدایی، خانم پری ابراهیمی، خانم لیلا اشرفی، خانم پرستو  
زارع زیرک، دکتر فاطمه ملاسداله، دکتر علی فیاض، دکتر  
سید امید دیانت، دکتر مهدی نصیبی، دکتر حامد  
مرتضی سویی، دکتر هومن زرکسانی، دکتر لادن  
اسلامیان، دکتر آرزو ابن احمدی، دکتر سید حسن میر  
محمدصادقی، خانم سیمیا افتخار، دکتر سودابه

عنوان: بازنگری فرم ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید با  
تاکید بر ابعاد تدریس

صاحب: دکتر معصومه هاشمیان - دکتر مریم محمدی -  
دکتر علیرضا مسلم

همکاران: دکتر شبیم محمدی - عایشه امینی - اسماعیل  
فتاحی

رتبه: رتبه اول

کد: ۲۵۹

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: برگزاری جلسات ژورنال کلاب با الگوی طبابت  
مبتنی بر شواهد در دپارتمان طب اورژانس دانشگاه علوم  
پزشکی شهید بهشتی

صاحب: آقای دکتر مصطفی علوی مقدم

همکاران: دکتر شهرام علمداری - دکتر حمید کریمان

رتبه: رتبه دوم

کد: ۲۶۵

حیطه: محصولات آموزشی

عنوان: آموزش عملی روش جدید جراحی جمجمه در  
پلازیوسفالی به دستیاران جراحی پلاستیک - فلوشیپ  
جراحی جمجمه، فک و صورت با بکارگیری بسته آموزشی  
شامل فیلم و انیمیشن از جراحی جمجمه



سرگلزایی، دکتر زهراوانق، خانم دکتر اعظم ولیان، دکتر سورنا وهبی، دکتر مریم ترشابلی، دکتر محمد اثنی عشری، آقای بابک گرانیامیه، خانم عفت سادات شمس عالم، ناهید رسول خمینی، خانم نادیا منتظر صومعه سرایی، خانم مرضیه مهریزی) و شرکت مشاوره مدیریت کیفیت ایواز مهر با مدیریت عامل مهندسی کسری رامین

رتبه: رتبه دوم

کد: ۱۷۳

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: طراحی استانداردهای آموزش بالینی کاردانی  
فوریتهای پزشکی

صاحب: معصومه ضیائیهها

همکاران: دکتر نوید محمدی، دکتر شهرام یزدانی، شهرام رستاک

رتبه: رتبه دوم

کد: ۲۲۷

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه "همراه" برای دانشجویان مقطع علوم پایه دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران در محیط های استاندارد شده

صاحب: محبوبه خباز مافی نژاد

همکاران: دکتر عظیم میرزازاده، دکتر سعید پورحسن، دکتر نوید ابولفتح زاده، دکتر آگاه اشرفی، دکتر الهه بهاروند، دکتر قاسم پیشگاهی، دکتر سید علیرضا حسینی، خانم دکتر شیرین زارع شریفی، دکتر محمد جواد زارع نژاد، دکتر علیرضا زمزم، دکتر سعید سلیمان جاهی، دکتر زهرا شفیعی، دکتر کامران شیربچه، خانم دکتر الناز طبیبیان، دکتر پریا عبدالعلی زاده، دکتر هادی کریمی مبین، دکتر نرجس محمد زاده، دکتر فاطمه مقدسی، دکتر نسترن مقبولی، دکتر محمدرضا نادریان، دکتر لیلا نعمتی پور

رتبه: رتبه دوم

کد: ۲۲۹

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: ارزشیابی دستیابی به پیامدهای برنامه بازنگری پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقطع علوم پایه

صاحب: دکتر رقیه گندم کار

همکاران: دکتر غلامرضا حسن زاده، دکتر رامین مهرداد، دکتر سارا مرتاض هجری، دکتر پریچهر پاسبخش، دکتر مهدیه فقیهی، دکتر شهرام اجتماعی مهر، دکتر جمشید حاجتی، دکتر شروین فرهمند، دکتر آریتا خیلاناش، دکتر عظیم میرزازاده، خانم مریم شهبابی

رتبه: رتبه دوم





کد: ۱۳۵

حیطه: محصولات آموزشی

عنوان: پرستاری کودکان را با یادیار بیاموزیم

صاحب: مریم شیرینی و مریم آقابرداری

همکاران: فهیمه محمدپور

رتبه: رتبه دوم

بهداشت مدارس به شیوه ادغام عمودی با رویکرد آموزش

پاسخگو: گامی در راستای تحول نظام سلامت

صاحب: هاشم حشمتی، هادی علیزاده سیوکی

همکاران: ناصر بهنام پور، محمد جواد کبیر، محمد رضا

قنبری

رتبه: رتبه دوم

کد: ۱۴۷

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: تدوین، اجرا و ارزشیابی عملکرد مدیریتی

دانشجویان پرستاری و مامایی به روش (BARS مقیاس رتبه

ای سنجش رفتار )

صاحب: دکتر عبدالغنی عبدالهی محمد، محمد بابایی

پوردیوشلی

همکاران: فاطمه امرالهی، دکتر محمد رضا فیروزکوهی،

نصرت الله مسینایی نژاد، الهه اسدی بیدمشکی، دکتر ایرج

ضاربان، حسن شریفی پور

رتبه: رتبه دوم

کد: ۱۰۵

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: کاربرد ارزیابی همتایان با استفاده از شبیه سازی با

فناوری بالا به عنوان یک تکنیک آموزشی

صاحب: دکتر سید محمد رضا حسینی

همکاران: مرضیه مقرب

رتبه: رتبه دوم

کد: ۸۳

حیطه: مشاوره و راهنمایی و فعالیت های فرهنگی و امور

تربیتی و اجتماعی

عنوان: برنامه مشاوره و راهنمایی کارورزان در مورد

فرآیندها و نیازهای پس از پایان دوره پزشکی عمومی

توسط دستیار (Student-resident mentorship

program)

صاحب: دکتر مریم السادات کاظمی شیشوان

کد: ۹۰

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: نوآوری در طراحی و ارتقاء کیفیت ارائه درس



همکاران: دکتر مهستی علیزاده - مهرانگیز قاسمیه -

دکتر مریم برادران بی نظیر

رتبه: رتبه دوم

کد: ۱۱

حیطه: محصولات آموزشی

همکاران: علی اکبر علی اصغرزاده، امیر معتمد نژاد،  
مرضیه خامه چیان، حسن سلمانی، ملیحه قصابی، مریم  
علی بیگی، مریم غلامی، شهره پرویز، ماشاالله رحیمی،  
مسعود تجلیان، لیلا قنبری، منوچهر مهدیان، محمدرضا  
ایزدی، رضا رضائی، محمدرضا رضوی زاده، مهدی رجبی،  
سیدمهدی موسوی، علی چایچی، سعید حیدری، مهدی  
عبداللهی .

رتبه: رتبه سوم

عنوان: طراحی و اجرای محتوای الکترونیکی درس باکتری  
شناسی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش بر اساس  
الگوی طراحی آموزشی گانیه، گامی در بهبود کیفیت  
یادگیری

صاحب: دکتر مزگان محمدی مهر

همکاران: رحیم مرادی، دکتر فرشاد نجومی، مریم خزایی

رتبه: رتبه سوم

کد: ۱۶

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی تشخیص و  
درمان کمردرد به روش مجازی و مبتنی بر الگوی (ADDIE)  
جهت پزشکان عمومی

صاحب: دکتر نیکو یمانی، عطیه فقیهی

همکاران: دکتر پیمان متقی، دکتر مهناز بهادرانی،  
دکترناهید میرشاهزاده، زهرا دهقانی، بهاره سلیمانی

رتبه: رتبه سوم

کد: ۵۸

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: تلفیق روشهای ارزیابی مبتنی بر  
عملکرد (Logbook&Dops) در ارائه و ارزشیابی کارآموزی  
در عرصه دانشجویان کارشناسی هوشبری

صاحب: فاطمه حسن شیرینی، فخرالسادات میرحسینی، زهرا  
رحیمی مقدم، شعله بیگدلی، حمیدرضا سیدی، مهرداد  
مهدیان، محمدرضا فاضل .

کد: ۱۱۶

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: آموزش یادگیری الکترونیکی راهبردی برای توسعه  
و بهبود مهارت های بالینی در کارآموزی بهداشت جامعه  
پرستاری



صاحب: زهرا حسینی نوده

همکاران: بهروز پور آقا

رتبه: رتبه سوم

کد: ۲۲۵

حیطه: محصولات آموزشی

عنوان: پیاده سازی روشی نوین جهت استفاده از رادیوگرافی دیجیتال در آموزش رادیولوژی فک و صورت در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

صاحب: دکتر آرش دباغی، دکتر بهروز افتخار، دکتر محمدامین کاوسی

همکاران: مهندس حسین کمیلی ثانی، دکتر سید آرمان محقق

رتبه: رتبه سوم

کد: ۲۴۷

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: ارزیابی اخلاق حرفه ای مدرسین بالینی براساس الگوی (بازخور ۳۶۰ درجه )

صاحب: دکتر ابراهیم گلمکانی

همکاران: محبوبه طباطبایی چهر- دکتر حامد مرتضوی - مهدیه آربین- دکتر رضا گنجی- مریم مدی نشاط - صدیقه

داوری

رتبه: رتبه سوم

کد: ۲۳۷

حیطه: روش ها و تکنیک های آموزشی

عنوان: راهبرد مشارکتی، آموزش بر پایه جستجو و کاربست هوش هیجانی؛ تلفیقی اثربخش در ارتقای مهارت یادگیری دانشجویان هزاره نوین

صاحب: دکتر لیدا جراحی

همکاران: دکتر مجیدرضا عرفانیان- دکتر ندا چوبدار- دانشجویان ترم ۴ و ۵ پزشکی- دانشجویان ترم ۳ دندانپزشکی- کارآموزان و کارورزان پزشکی- دستیاران پزشکی اجتماعی

رتبه: رتبه سوم

کد: ۲۳۴

حیطه: سنجش، ارزشیابی و اثر بخشی آموزشی

عنوان: استانداردهای ساختار ارزشیابی دانشجویان ( آزمون بالینی ساختارمند عینی Objective Structured Clinical Exam OSCE نشاندهنده شناسی عملی ) متناسب با نحوه آموزش در مرکز مهارت های بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در راستای بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش بالینی

صاحب: دکتر فریبا رضایی طلب، دکتر محمدرضا قنبرزاده، طوبی کرمانی درویش



همکاران: دکتر محمد اعتضاد رضوی-دکتر علیرضا خوبی-  
دکتر علی بهاری-دکتر ندا چوبدار- دکتر رضا پروانه -  
شادیه امیرزاده هروی - عصمت دلیریان مقدم

رتبه: رتبه چهارم

کد: ۴۰

حیطه: تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی

عنوان: تلفیق آخرین دستورات عملیهای کشوری نظام  
مراقبت بیماریهای عفونی در دوره ی MPH دستیاران  
بیماریهای عفونی و گرمسیری

صاحب: دکتر نرجس سرگلزایی

همکاران: دکتر جاوید دهقان حقیقی، دکتر مسعود صالحی،  
دکتر زهرا فرزاد

رتبه: قابل تقدیر

کد: ۸۷

حیطه: مشاوره و راهنمایی و فعالیت های فرهنگی و امور  
تربیتی و اجتماعی

عنوان: فرآیند ترویج فرهنگ اخلاق حرفه ای با الگوی  
استاندارد نوین درباره اخذ رضایت نامه آگاهانه از بیماران  
در دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی

عنوان: عنوان فرآیند: توسعه کیفی آموزش اخلاق حرفه

شهید صدوقی یزد

صاحب: دکتر تهمین فرج خدا

همکاران: مهشید بکائی- دکتر محمود عباسی- سعیده

نجفی- زهرا علوی- مهین رحیمدل

رتبه: قابل تقدیر

کد: ۱۱۵

حیطه: محصولات آموزشی

عنوان: طراحی و اجرای نرم افزار آموزشی انگل شناسی  
قابل نصب در تلفن همراه برای دانشجویان گروه علوم  
پزشکی

صاحب: دکتر شهرام خادم وطن

همکاران: داود جباری قره باغ- دکتر خسرو حضرتی-

دکتر کامبیز دیبا- دکتر آرش امین پور- شهلا خشاوه-

سید امیر معزز- حسین کمیلی ثانی- سجاد حسینی-

حسن عبیدی

رتبه: قابل تقدیر

کد: ۱۶۰

حیطه: مشاوره و راهنمایی و فعالیت های فرهنگی و امور  
تربیتی و اجتماعی

ای در پرستاری: فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش

اخلاق پرستاری با روش یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL)



صاحب: دکتر مهناز خطیبان

همکاران: رویا امینی، سیده نیره فلاحان، دکتر افشین

فرهانچی، دکتر علیرضا سلطانیان

رتبه: قابل تقدیر

---

—